

صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول: بابک نگاهداری

سر دبیر: حسن سبحانی

مدیر داخلی: سید محمد خویی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

محسن اسماعیلی (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)

ابراهیم بیگ‌زاده (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)

سید محمد حسینی (دانشیار حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)

حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

امیر رضا شاهانی (استاد مهندسی مکانیک دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی)

احمد حسین شریفی (استاد فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره))

محمد حسن صادقی مقدم (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)

علیرضا صدرا (استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)

لطف‌الله فروزنده (دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس)

الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)

داوران این شماره: علیرضا آرش‌پور، وحید آگاه، سید احسان امیرحسینی، حسن بشیر، قدسی بیات، مجتبی جانی‌پور، حبیب جعفری، امین دهقان قهفرخی، لمیاء رستمی، حسن سبحانی، عباس سلمان‌پور، احسان شاه‌قاسمی، محسن شریفی، آزاده صادقی، جواد صالحی، ابراهیم علی‌دوست قهفرخی، حسین عیوضلو، حسین فخر، سید ابراهیم قدسی، محمدرضا مالکی، سید محمود مجیدی، جلیل محبی، کامران محمودپور، احمد مرکز مالگیری، مهدی مهدوی زاهد، حسین میثمی، نادر نادری، محمدرضا نیلی احمد آبادی

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

ویراستار: ناھید عطاردی

مترجم و ویراستار انگلیسی: زهرا موسوی خلخالی

صفحه‌آرا: اکرم جدیدی

www.isc.gov.ir (ISC)

www.sid.ir

www.magiran.com

www.noormags.ir

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (خلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲

صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵

دفتر فصلنامه (پرستو اجاقیان):

۰۲۱-۷۵۱۸۳۲۸۳

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۸۶

۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۴۹

دورنگار:

امور مشترکین:

nashr.majles.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

ویژگی‌های یک مقاله راهبردی علمی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی حداقل یکی از ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته‌های جدید علمی حاصل از طرح‌های پژوهشی، رساله‌های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. دربردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره خلأها، ابهامات و تعارضات در حوزه‌های سیاستگذاری عمومی کشور و چالش‌های کلان فراروی آن و همچنین آینده‌نگاری برای تصمیم‌سازان ذی‌ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین‌رشته‌ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی حیات سیاسی کشور.

فهرست مطالب

راهبرد مسئولیت محض دولت؛ روش مناسب جبران خسارات فرامرزی ناشی از کووید-۱۹ ... ۵	سیامک کریمی
ارزیابی قانونگذاری در موضوع معاملات دولتی ۳۳	آیت مولائی
ارائه الگویی جامع برای موفقیت شرکت‌های دانش بنیان: تبیین ابعاد موفقیت شرکت‌های دانش بنیان با استفاده از روش فراترکیب ۵۵	سهیلا کشاورز، نورمحمد یعقوبی و عادلہ دقتی
رابطه مصرف رسانه ملی و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران ... ۸۷	ابراهیم فتحی، محسن شاکری نژاد و مجید باقری
لزوم بازنگری راهبردی در رکن روانی قاچاق کالا و ارز ۱۲۳	مصطفی دانش و ابوالفتح خالقی
رویکرد حمایتی حقوق کیفری ایران در قبال بزه‌دیدگان اسیدپاشی (با تأکید بر قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱) ۱۴۷	حمید روستایی صدآبادی و هادی مرسی
ارزیابی کارایی دانشگاه‌های دولتی جامع ایران با رویکردهای پارامتری و ناپارامتری ۱۷۵	شهربانو خشکاب
بررسی و رتبه‌بندی شاخص‌های استاندارد شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات صورت‌های مالی در نظام بانکی ۲۰۵	روح‌اله عبادی و زهرا سرکارراه
توسعه سیاست کیفری سخت‌گیرانه در اصلاحیه قانونی تحدید مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر ۲۴۷	سعید صانعی، سیدحسین حسینی و سیدمهدی سیدزاده ثانی
نقشه راه تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران ۲۷۳	علیرضا الهی، حسین اکبری یزدی، چالاک مجیدی و رضا خورشیدی

طراحی مدل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران با رویکرد مدل‌سازی

ساختاری - تفسیری ۳۰۵

حسین بختیاری، علی صالح‌نیا و وحید سیفی

هویت سایبری، گذرواژه انتساب مسئولیت کیفی ۳۳۷

عبدالرضا جوان‌جعفری بجنوردی و محمد مقنی‌باشی

راهبرد مسئولیت محض دولت؛

روش مناسب جبران خسارات فرامرزی ناشی از کووید-۱۹

سیامک کریمی*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۵-۳۱
-------------------	-------------------------	-----------------------	------------------

جهان پس از کرونا (کووید-۱۹) با پرسشی اساسی روبه‌رو است: آیا دولتی بابت جبران خسارات این بیماری که همه مرزها را درنوردیده است، مسئولیت دارد یا خیر. پاسخ‌های مختلفی برای این پرسش مطرح می‌شود اما آنجا که علت حتمی این بیماری مشخص نشده است، نمی‌توان با قطعیت جانب پاسخی را گرفت. با این حال ارزیابی‌های اولیه نشان می‌دهد که منشأ اصلی شیوع این بیماری به فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که در حقوق بین‌الملل در قالب «فعالیت‌های منع نشده» قرار می‌گیرند. این وضعیت سبب می‌شود تا مطلوب‌ترین گزینه برای مطالبه جبران خسارات فرامرزی ناشی از کووید-۱۹، گرایش به سوی راهبرد جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های منع نشده باشد. مزیت مهم استناد به این مفهوم، آن است که برای درخواست جبران خسارت نیاز به اثبات هیچ‌گونه تخلف بین‌المللی علیه دولت مسئول نیست. در حال حاضر راهبرد حاکم بر نظام جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های منع نشده، بر مسئولیت اولیه و اصلی متصدی فعالیت و مسئولیت ثانوی و غایی دولت مربوطه (دولت منشأ) متمرکز است. مقاله حاضر ضمن بررسی این راهبرد، نتیجه می‌گیرد که درباره جبران خسارات فعالیت‌های منع نشده فوق‌العاده خطرناک که به خساراتی همچون کووید-۱۹ منجر می‌شوند، لازم است به سمت راهبرد مسئولیت محض دولت تغییر جهت داده شود.

کلیدواژه‌ها: راهبرد مسئولیت محض دولت؛ کووید-۱۹؛ فعالیت منع نشده؛ دولت منشأ، خسارت فرامرزی

* دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه تهران؛

Email: karimi.sia@gmail.com

مقدمه

به احتمال زیاد حیات بشری تا سال‌ها متأثر از شیوع بیماری کرونا (کووید-۱۹) خواهد بود. بیماری که مشخص نیست تا چه زمانی بر زندگی مردم جهان مسلط می‌ماند. مهمترین دلیل این اثرگذاری، میزان تلفات و خساراتی است که از زمان شیوع این بیماری در شهر «ووهان»^۱ چین، دامن‌گیر کشورهای مختلف شده و ابعاد کاملاً فراسرزمینی گرفته است. این خسارات و تلفات گسترده، این سؤال‌ها را در ذهن متبادر می‌کند که آیا دولتی خاص در جهان در قبال جبران این خسارات مسئولیتی دارد یا خیر؟ اگر این مسئولیت برقرار است، جبران این خسارت چگونه و با چه سازوکاری انجام می‌شود؟

پاسخ اولیه به این پرسش‌ها تا اندازه زیادی به علت پدیداری این بیماری بستگی دارد. هنوز دلیل قطعی این بیماری مهلک مشخص نشده، اما شایع‌ترین علت به انتقال این ویروس از حیواناتی مربوط می‌شود که در بازار خرید و فروش حیوانات در ووهان چین معامله می‌شدند (Bergkamp, 2020: 344). این موضوع وقتی قطعیت بیشتری می‌گیرد که توجه داشته باشیم، دولت چین در روز اول ژانویه ۲۰۲۰، دستور داد تا بازار حیوانات ووهان بسته شود و اولین بیماران مبتلا به کرونا نیز با این بازار سروکار داشتند.^۲ تا زمانی که تحقیقات علمی موثق، ارتباط حیوانات بازار ووهان را با شیوع کووید-۱۹ اثبات نکند، نمی‌توان با قطعیت این عامل را دلیل پدیداری این بیماری دانست. اما فعالیت‌های این بازار - که برخی از تحقیقات کنونی نیز دخالت آن را در ایجاد کرونا تأیید می‌کند^۳ - می‌تواند نقطه شروعی برای پاسخ به سؤال مطرح در صدر این مقاله، یعنی چگونگی جبران خسارات ناشی از کووید-۱۹ باشد.

موضوع جبران خسارت با حوزه مسئولیت بین‌المللی بابت اعمال متخلفانه گره خورده است چرا که همزمان با وقوع تخلف بین‌المللی، وظیفه جبران خسارت به‌طور خودکار برعهده

1. Wuhan

2. Abhishek Kumar, Covid-19: China's Responsibility and Possible Legal Actions, (May 10, 2020) <https://www.jurist.org/commentary/2020/05/abhishek-kumar-china-covid19-responsibility>, Last seen: 28 May 2020.

3. Jane Qiu, "How China's 'Bat Woman' Hunted Down Viruses from SARS to the New Coronavirus", (01 June 2020), <https://www.scientificamerican.com/article/how-chinas-bat-woman-hunted-down-viruses-from-sars-to-the-new-coronavirus1>. (Last seen 02 Sep 2020)

دولت متخلف قرار می‌گیرد. اما ظاهراً درباره بازار حیوانات وحشی در ووهان، هیچ‌گونه ممنوعیت عرفی یا معاهداتی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که براساس آن قائل به وقوع تخلف باشیم. «کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲)»^۱ و «کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی در معرض خطر انقراض (۱۹۷۳)»^۲ که مرتبط‌ترین نظام معاهداتی با فعالیت‌های انجام شده در بازار فوق هستند، با وجود اجرای برخی محدودیت‌ها، ممنوعیتی مطلق برای خرید، فروش یا واردات و صادرات همه گونه‌های جانوری در خطر برقرار نکرده‌اند (کریمی، ۱۳۹۹: ۸۵). بنابراین بازار حیوانات وحشی در ووهان در دسته فعالیت‌های منع نشده قرار می‌گیرد.

حقوق بین‌الملل برای آن دسته از فعالیت‌های منع نشده که قابلیت ایجاد خسارات فرامرزی دارند، نظام حقوقی خاصی برقرار کرده است که در قالب «پیش‌نویس مواد پیشگیری از زیان فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»^۳ در سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل (از این به بعد کمیسیون)^۴ تدوین شده است. برخی از تعهدات مندرج در این پیش‌نویس اکنون خصلت عرفی پیدا کرده است (کرافورد، ۱۳۹۵: ۶۲؛ عبداللهی، ۱۳۹۰: ۲۲۳؛ کریمی، ۱۳۹۹: ۸۹). مهمترین تعهدی که براساس این پیش‌نویس برعهده دولت‌ها قرار گرفته، مراقبت مقتضی برای پیشگیری از آثار خسارت‌بار فرامرزی ناشی از فعالیت‌های منع نشده است. اما ابعاد ناشناخته فعالیت‌های منع نشده ممکن است باعث شود تا این فعالیت‌ها با وجود انجام همه‌گونه اقدامات پیشگیرانه، منجر به خسارت شده و دولت‌های دیگر را متأثر کند. این وضعیت را می‌توان با مورد کووید-۱۹ انطباق داد. در حقیقت از آنجاکه اطلاعات کافی درباره اقدامات دولت چین درباره پیشگیری از خسارات ناشی از بازار حیوانات ووهان در دست نیست، می‌توان فرض کرد این دولت همه اقدامات پیشگیرانه را انجام داده است، اما به‌رغم این پیشگیری، خسارت اتفاق افتاده و جنبه فرامرزی پیدا کرده است. درباره جبران خسارت در چنین وضعیتی، نظام حقوقی خاصی وجود دارد که تا اندازه‌ای در قالب «پیش‌نویس

1. Convention on Biological Diversity, 1992.

2. Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora.

3. Draft articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities.

۴. برای بررسی این پیش‌نویس رک: de la Fayette, 1997: 327-337; Albers, 2015: 59-63; و عبداللهی، ۱۳۹۰:

تخصیص زیان فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»^۱ (از این به بعد پیش‌نویس تخصیص) توسط کمیسیون در سال ۲۰۰۶ تدوین شده است. این پیش‌نویس دقیقاً ناظر به جبران خساراتی است که با وجود همه اقدامات پیشگیرانه در قبال اعمال منع نشده پدید آمده‌اند. اگرچه درباره عرفی بودن پیش‌نویس تخصیص تردیدهایی مطرح شده (Sadeleer, 2002: 35)، اما همان‌طور که خود کمیسیون اعلام کرده است، مفاد پیش‌نویس می‌تواند اصول راهنمایی مناسب برای تخصیص جبران خسارت در مواردی باشد که هیچ‌گونه خطایی روی نداده است (ILC Ybk, 2006: 59, para. 3). نگاهی به رویه‌های اعمال منع نشده نشان می‌دهد که تقریباً همه این رویه‌ها به خسارات زیست‌محیطی مرتبط بوده و رویه‌ای درباره بیماری‌های اپیدمیک از جمله کووید-۱۹ در این زمینه دیده نمی‌شود. از این رو گزارشگر اول کمیسیون درباره فعالیت‌های منع نشده نیز اعتقاد داشت که نظام حقوقی حاکم بر این فعالیت‌ها باید محدود به خسارات محیط زیست باشد، اما کمیسیون حقوق بین‌الملل ضمن رد این نظر گزارشگر، بیان کرد این نظام حقوقی باید متوجه همه اعمال منع نشده فارغ از هدف مورد خسارت باشد (Ibid., 1981: 224). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به خوبی در قضیه مشورتی سلاح‌های اتمی بیان می‌دارد: «محیط زیست، مفهومی مجرد نیست بلکه نمایانگر فضای حیات، کیفیت زندگی، سلامت و رفاه بشری است» (ICJ Rep, 1998: 241, para. 29). توسعه قلمرو محیط زیست از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری و تسری آن به سلامت بشری باعث می‌شود تا قواعد مربوط به نظام حقوقی محیط زیست با تغییرات مربوطه^۲ در مورد اپیدمی‌ها که سلامت بشری را تهدید می‌کنند، مورد استفاده قرار گیرد.

مقاله حاضر تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که خسارات ناشی از کووید-۱۹ که با فرض اقدامات پیشگیرانه قبلی رخ داده‌اند، چگونه قابل جبران هستند؟ مزیت پرداختن به موضوع جبران خسارات فرامرزی کووید-۱۹ به این موضوع برمی‌گردد که حتی اگر دولت منشأ (فرضاً چین) مدعی رعایت همه تعهداتش باشد، مجدداً تعهد به جبران خسارت قابل

1. Draft Principles on the Allocation of Loss in the Case of Transboundary Harm Arising Out of Hazardous Activities.

2. Mutatis Mutandis

بررسی است. البته باید توجه داشت که هرگونه خسارات ناشی از اعمال منع نشده به طور کلی و هرگونه خسارات ناشی از کووید-۱۹ به طور خاص، قابلیت جبران ندارند. این خسارات باید ویژگی‌های خاصی داشته باشند که در قسمت اول این مقاله بررسی می‌شوند. در قسمت دوم مقاله نظام حقوقی سازوکار و طرف‌های مسئول برای جبران این‌گونه خسارات بررسی می‌شود. در این قسمت توضیح داده می‌شود که سازوکار فوق، مبتنی بر مسئولیت اولیه متصدی^۱ و مسئولیت ثانوی^۲ یا غایی^۳ دولت منشأست. در قسمت سوم نیز توضیح داده می‌شود که نظام حقوقی پیش‌نویس تخصیص، مناسب جبران خسارات فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک نظیر فعالیت‌های موجد کووید-۱۹ نیست و باید برای جبران خسارات ناشی از این فعالیت‌ها به سمت مسئولیت اصلی و محض دولت منشأ گام برداشت.

۱. خسارات قابل جبران کووید-۱۹

تنها آن دسته از خسارات ناشی از کووید-۱۹ قابل جبران هستند که اولاً، میان فعالیت انجام شده (بازار حیوانات وحشی ووهان) و خسارت‌های مورد نظر رابطه «سببیت»^۴ وجود داشته باشد. ثانیاً، این خسارات به دولت منشأ قابل انتساب باشد و ثالثاً، باید به اهدافی خاص صدمه زده باشند. این سه ویژگی در ادامه بررسی می‌شوند.

۱-۱. رابطه سببیت

این اصلی تثبیت شده در حقوق بین‌الملل است که فقط آن دسته از خساراتی قابل جبران هستند که با فعالیت موجد خسارت، رابطه سببیت داشته باشد (Mackielo, 2009: 259). به تعبیر کمیسیون حقوق بین‌الملل، مفهوم سببیت مبین «نزدیک بودن»^۵ یا ارتباط مستقیم میان فعالیت مورد نظر و خسارت است (ILC Ybk, 2006: 79, para. 16) و تأکید

-
1. Operator
 2. Secondary
 3. Residual
 4. Causation
 5. Proximity

دارد که محتوای سببیت از «شرط لازم»^۱ بودن فعالیت برای وقوع خسارت به «امکان معقول انتساب خسارت به فعالیت»^۲ تغییر کرده است (Ibid.). این تحول نشان دهنده منعطف شدن معیار سببیت است؛ چرا که براساس معیار «شرط لازم»، وجود عوامل واسطه میان خسارت و فعالیت، زنجیره علیت را قطع می‌کند (Plakokefalos, 2015: 477). از آنجا که پدیدار شدن اپیدمی‌ها به انتقال بیماری از انسان به انسان و در نتیجه عوامل واسطه نیازمند است، منعطف شدن عامل سببیت باعث می‌شود تا این عوامل واسطه باعث قطع زنجیره انتساب نشوند (ILC Ybk, 2001: 148, para. 2).

نکته مهم آن است که وقتی کشور منشأ به موقع وقوع اپیدمی‌هایی همچون کووید-۱۹ را اطلاع می‌دهد، نسبت به بقای عامل انتساب تردید ایجاد می‌شود. در حقیقت بعد از اطلاع‌رسانی، انفعال دولت‌های متأثر از اپیدمی، باعث تضعیف زنجیره انتساب می‌شود چرا که در این مواقع با «تعدد عوامل ایجاد خطر» (یعنی فعالیت موجد زیان در قلمرو دولت منشأ و بی‌عملی دولت متأثر) روبه‌رو هستیم (Montjoie, 2010: 509) و فقط باید مسئولیت جبران ضرر را برای آن دسته از زیان‌هایی برقرار دانست که «امکان معقول انتساب شان به فعالیت موجد زیان» در دولت منشأ وجود دارد. راهکار ذکر شده این مزیت را دارد که دولت منشأ را ترغیب می‌کند برای کاهش دامنه مسئولیتش سریع‌تر اطلاع‌رسانی کند. علاوه بر این در مواردی که دولت منشأ به دولت متأثر پیشنهاد ارائه کمک‌های پزشکی و لجستیکی برای کاهش امواج اپیدمی‌رامی دهد اما این پیشنهاد رد می‌شود، زنجیره انتساب میان ضرر و عمل نیز قطع می‌شود (Xue, 2003: 96).

نکته مهم دیگر ناظر بر این واقعیت است که عموماً علم بشر نسبت به دلایل وقوع بیماری‌هایی همچون کرونا به تدریج افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه هر چقدر که علم بر ساختار و دلایل ایجاد ویروس‌های دارای قابلیت ایجاد بیماری‌های اپیدمیک بالاتر رود، وقوع اپیدمی‌ها نیز بیشتر قابل پیش‌بینی می‌شوند. به طور خاص سارس و کووید-۱۹ و همه اپیدمی‌هایی که با بازار حیوانات وحشی مرتبط هستند، در دسته اپیدمی‌های قابل پیش‌بینی قرار می‌گیرند، چرا که با توجه به «ارتباط این بیماری‌ها با مصرف گوشت حیوانات وحشی» شیوع اپیدمی‌ها در اثر

1. Sine Qua Non

2. Reasonable Imputation

بازار حیوانات وحشی قابل پیش بینی هستند (Bhargav and Rajratna, 2020: 3). در موارد دیگر نیز باید به پیشرفت‌های تحقیقاتی در زمینه پزشکی توجه مضاعفی شود. تحقیقات پزشکی برخی راه‌های قطعی وقوع اپیدمی‌ها را مشخص کرده‌اند (Barrat, 2018). حتی در جایی که قطعیت وقوع اپیدمی وجود ندارد، دولت‌ها آزادی عمل مطلق ندارند چرا که عدم قطعیت، فرصتی برای اجرای «اصل احتیاطی»^۱ است. این اصل در زمانی اجرایی می‌شود که دلیل قطعی برای وقوع خسارت وجود ندارد، اما احتمال آن مطرح است (Sadeleer, 2002: 91). هرچند برخی نویسندگان نسبت به جایگاه عرفی این اصل تردیدهایی مطرح کرده‌اند (Hafner, 2010: 530)، اما به‌هرحال این اصل مهمترین عامل برای کاهش وقوع اپیدمی‌ها در زمانی است که قطعیت وقوع این بیماری‌ها وجود ندارد.

۱-۲. عامل انتساب

دولت‌ها صرفاً بابت آن دسته از زیان‌هایی مسئولیت دارند که در قلمرو، صلاحیت یا تحت کنترل آنها رخ دهد (ILC Ybk, 2001: 150, para. 7). با آنکه گفته شده است تابعیت خارجی متصدیان عمل، می‌تواند باعث تغییر در دولت مسئول شود (Lefeber, 1996: 68) اما معیار سرزمین همواره بر معیار تابعیت غلبه دارد. به همین دلیل کمیسیون معیار سرزمین را «معیار غالب» نامیده است (ILC Ybk, 2001: 150, para. 8). از این رو بازار حیوانات ووهان که مهمترین دلیل کووید-۱۹ شناخته می‌شود، به دلیل عامل سرزمینی به دولت چین منتسب است.

گفتنی است انجام فعالیت به صورت غیرقانونی و پنهانی یا خارج از کنترل مؤثر دولت میزبان می‌تواند عامل انتساب را متزلزل کند. برخی نویسندگان بر این باورند که بازار حیوانات ووهان به‌طور غیرقانونی فعالیت داشته و ممکن است قابل انتساب به دولت چین نباشد (Perry, 2020: 16). در این باره قوانین کیفری و بازدارنده معیار مناسبی در تشخیص قانونی یا غیرقانونی بودن فعالیت مورد نظر است. دولت چین در سال ۱۹۸۸

«قانون حمایت از حیوانات وحشی»^۱ را تصویب و سپس آن را از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ در سه نوبت اصلاح کرد (Whitfort, 2020: 2). براساس ترجمه انگلیسی غیررسمی این قانون، شکار برخی از جانداران وحشی به طور کامل ممنوع اعلام شده و برخی دیگر صرفاً تابع کسب مجوز قبلی است. آن دسته از حیواناتی که شکار آنها ممنوع بوده است فهرستی موجز دارند و خفاش و مورچه خوار که از عوامل اصلی شیوع کووید-۱۹ هستند، در این فهرست دیده نمی‌شود. البته این قانون پس از کووید-۱۹ در فوریه ۲۰۲۰ بازنگری و این بار محدودیت‌های قابل توجهی را متوجه شکار حیوانات وحشی کرده است (Woodward, 2020). بنابراین نبود قانون منع‌کننده و مجازات بازدارنده در ایجاد عامل انتساب کفایت می‌کند، حتی اگر عمل مورد نظر بدون مجوز انجام شده باشد.

۱-۳. اهداف مورد خسارات

صدمه به هر هدفی، خسارت قابل جبران به شمار نمی‌آید. به اختصار خسارت عبارت از «زیان یا صدمه‌ای است که در نتیجه فعل یا ترک فعل و یا اثر بروز حوادث طبیعی به افراد، اموال یا محیط زیست ایراد می‌شود و عموماً ناظر بر سلب حیات، صدمه شخصی، تلف مال و یا لطمه به آن است» (زمانی، ۱۳۸۱: ۵۳). به طور کلی این اجماع وجود دارد که سلب حیات، صدمه شخصی و صدمه یا تلف مال در دسته خسارات قرار می‌گیرند (Scovazzi, 2001: 63-64; Birnie, Boyle and Redgwell, 2009: 184). کمیسیون نیز از آغاز کار درباره نظام حقوقی اعمال منع نشده، خسارت به اشخاص یا اموال یا هر آنچه را که در سرزمین، صلاحیت یا کنترل دولت دیگری قرار دارد به عنوان خسارات قابل جبران شناسایی کرده بود (Ibid., 186). اما رویدادی همچون کووید-۱۹ نشان داد که یکی از بزرگترین خسارات ناشی از اپیدمی‌ها یا فعالیت‌های موجد آنها، خسارات اقتصادی است. اصل (۲) پیش‌نویس تخصیص کمیسیون خسارات قابل جبران را این‌گونه تعریف می‌کند: «... خسارت قابل توجه به اشخاص، اموال و یا محیط زیست و شامل این موارد

است: ۱. لطمه به حیات یا آسیب شخصی؛ ۲. لطمه یا خسارت به اموال، از جمله اموالی که بخشی از میراث فرهنگی محسوب می‌شود؛ ۳. لطمه یا خسارت ناشی از آسیب به محیط زیست؛ ۴. هزینه‌های اقدامات معقول برای بازسازی اموال یا محیط زیست مانند منابع طبیعی؛ ۵. هزینه‌های اقدامات واکنشی معقول». از میان این فهرست، خسارت به اموال و محیط زیست با خسارات ناشی از کووید-۱۹ تناسبی ندارند و در نتیجه از موضوع این مقاله خارج هستند. در نتیجه سه نوع خسارت لطمه به حیات یا آسیب شخصی، خسارات اقتصادی و هزینه اقدامات واکنشی نیاز به بررسی دقیق‌تر درباره کووید-۱۹ دارند که در ادامه به تفکیک بررسی می‌شوند.

۱-۳-۱. لطمه به حیات یا آسیب شخصی

تلفات انسانی ناشی از کووید-۱۹ در دسته لطمه به حیات و آسیب شخصی قرار می‌گیرد. این بیماری تاکنون بالغ بر پنج میلیون تلفات از خود به جا گذاشته است.^۱ نکته قابل تأمل آن است که در قالب آسیب شخصی، دو نوع خسارت قابل تفکیک است: خسارت مادی و غیرمادی. خسارت مادی، خسارتی محسوس و قابل مشاهده بوده و متوجه ابعاد جسمانی یک شخص است، اما خسارت غیرمادی شامل صدمات روحی و آزارهای روانی می‌شود (Xue, 2003: 88). بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که آیا نزدیکان افراد فوت شده در اثر کووید-۱۹ می‌توانند خواستار جبران خسارات روحی و روانی خود شوند؟

در گزارشی که از سوی دبیرکل ملل متحد در سال ۲۰۰۴ متعاقب پیشنهاد کمیسیون برای جمع‌آوری رویه دولت‌ها در خصوص بعضی موضوع‌های مربوط به فعالیت منع نشده، منتشر شد، آمده است که رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که آنها عموماً درخواستی برای جبران خسارات غیرمادی در مورد این‌گونه فعالیت‌ها نداشته‌اند (A/CN.4/543: 174, para. 523-524). نباید فراموش کرد که کمیسیون در ماده ۳۱(۲) پیش‌نویس مسئولیت بابت اعمال متخلفانه، به‌طور صریح به ضرورت جبران خسارت غیرمادی اشاره دارد، اما در پیش‌نویس تخصیص از به‌کار بردن

1. <https://www.worldometers.info/coronavirus>

این عبارت خودداری می‌کند. می‌توان این موارد را اماره‌ای دانست مبنی بر اینکه خسارات روحی و روانی ناشی از کووید-۱۹ قابل جبران نیست؛ چراکه اساساً جبران این نوع خسارت درباره اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته نشده است. هرچند با توجه به تعداد بالای تلفات کرونا و تعداد بالای بازماندگان آنها، عملاً امکان جبران خسارت ناممکن به نظر می‌رسد.

۲-۳-۱. خسارات اقتصادی

در گزارش «سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)» در ۲۶ می ۲۰۲۰ با عنوان «ویروس کرونا: تبعات اقتصادی» این موضوع بررسی شد که حجم تجارت جهانی بعد از شیوع این بیماری، ۳۲ درصد کاهش داشته و رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای مختلف بین منفی ۱ تا منفی ۸/۸ درصد کوچک شده است.^۱

درباره قابل جبران بودن خسارات اقتصادی فعالیت‌های منع نشده، مناقشه‌های بسیاری مطرح است. گفته می‌شود چون هیچ کشوری قادر نیست خسارات اقتصادی ناشی از زیان‌های فرامرزی را جبران کند، در نتیجه تعهدی برای جبران خسارات اقتصادی وجود ندارد (Xue, 2003: 90). در سطح اتحادیه اروپا نیز توصیه‌نامه شورای اروپایی در سال ۲۰۰۴ درباره مسئولیت زیست‌محیطی، امکانی برای جبران خسارات اقتصادی در نظر نگرفته است.^۲ اما در رویه دولت‌ها نمونه‌هایی از مطالبه خسارات اقتصادی دیده می‌شود.^۳ برخی معاهدات خاص نیز خسارات اقتصادی را در دسته خسارات قابل جبران گذاشته‌اند.^۴ به دلیل همین مناقشات بود که پیش‌نویس تخصیص، رویکردی محتاطانه نسبت به خسارات اقتصادی در

1. <https://www.unido.org/stories/coronavirus-economic-impact>

۲. برای مطالعه بیشتر به توصیه‌نامه ذیل مراجعه کنید: EU Directive 2004/35/CE, Article 3(1).

۳. درباره جزئیات این رویه‌ها بنگرید به: Xue, 2003: 91; A/CN.4/543: 176, para. 53.

۴. از جمله این معاهدات:

Protocol on Civil Liability and Compensation for Damage caused by Transboundary Effect of Industrial accident on Transboundary Waters (Article 2(d)(iii)); Basel Protocol on Liability and Compensation for Damage Resulting from Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal (Article 2(2)(d)(ii)).

پیش گرفت. پیش نویس میان «خسارات اقتصادی تبعی»^۱ و «خسارات اقتصادی صرف»^۲ تفاوت می‌گذارد و مورد اول را از جمله خساراتی برمی‌شمارد که به تبع خسارات به اشخاص یا به اموال پدید می‌آید و به همین دلیل قابل جبران هستند (ILC Ybk, 2006: 66, paras. 7-8). مثلاً موارد شدید ابتلا به کووید-۱۹ باعث بستری شدن بیماران در بیمارستان و در نتیجه از دست دادن امکان کسب درآمد در ایام بستری می‌شود. خسارت اقتصادی صرف نیز همچون خسارت ناشی از توقف فعالیت خطوط هوایی در اثر اعلام قرنطینه‌های سراسری به تبع خسارت به اشخاص پدید نمی‌آید و به طور مستقل رخ می‌دهند. کمیسیون می‌گوید در گذشته ادعاها درباره دریافت این خسارات قابل قبول نبود، اما در حال حاضر فقط در حوزه معاهدات خاص، جبران این نوع خسارت مقبول است (Ibid.: 67, para. 12).

در حقیقت رویه‌های موجود به اندازه کافی از جبران خسارات اقتصادی صرف حمایت نمی‌کنند. بنابراین مشکل است که خسارات اقتصادی صرف ناشی از کووید-۱۹ را در ردیف خسارات قابل جبران قرار داد. نکته مهم آن است که در درجه اول باید ارزیابی دقیق مالی از خسارات اقتصادی به عمل آمده باشد. گستردگی خسارات اقتصادی کووید-۱۹ از یک طرف و نامشخص بودن ابعاد این خسارت از طرف دیگر باعث شده که هنوز چنین اقدامی در سطح جهان انجام نشده باشد (Chen, 2020: 3). بنابراین حتی اگر چالش نظری در مقابل دریافت خسارات اقتصادی تبعی وجود نداشته باشد، اما هنوز هیچ‌گونه ارزیابی مشخصی از نظر عملی در این باره انجام نشده است.

۳-۳-۱. هزینه اقدامات واکنشی

اقدامات واکنشی آن دسته از اقداماتی است که به قصد کنترل یا کاهش خسارت فرامرزی انجام می‌شوند و تفاوتی نمی‌کند که توسط مقامات عمومی انجام شوند یا اشخاص خصوصی (A/CN.4/543: 170, para. 499). پس از وقوف بر اینکه خسارات فرامرزی، انجام برخی اقدامات واکنشی به منظور کنترل آثار زیان بار را ضروری می‌کند، هم در اسناد

1. Consequential Economic Losses

2. Pure Economic Losses

بین‌المللی و هم در رویه دولت‌ها، هزینه اقدامات واکنشی به‌عنوان خسارات قابل جبران شناخته شد. از این رو «کنوانسیون بین‌المللی در مورد مسئولیت مدنی نسبت به خسارات آلودگی نفتی»^۱ در سال ۱۹۸۶ اصلاح شد تا در ماده ۱۶ (۱) هزینه اقدامات واکنشی را دربرگیرد. دستورالعمل پیشنهادی کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا در مورد مسئولیت در قبال آلودگی‌های آبی فرامرزی نیز اقدامات معقول واکنشی را جزئی از خسارات قابل جبران برشمرده است (ILC Ybk, 1995, Vol. II: 53, para. 4).

بنابراین هزینه‌های اقدامات واکنشی به‌کوئید-۱۹ که برای کاهش دامنه یا آثار آن انجام شده است از جمله تولید یا واردات تجهیزات پزشکی در دسته هزینه‌های قابل جبران قرار می‌گیرد. اما درباره برخی دیگر از اقدامات نظیر هزینه‌های مربوط به قرنطینه عمومی نمی‌توان با قطعیت نظر داد. به‌عنوان مثال به‌طور دقیق نمی‌توان گفت که خسارات جانبی اجرای قرنطینه از جمله کاهش درآمد اقتصادی را باید جزئی از هزینه‌های اقدامات واکنشی به‌شمار آورد یا خسارات اقتصادی صرف که قابل مطالبه نیستند. از آنجا که این هزینه‌ها نه با خود اقدامات واکنشی، بلکه به‌تبع اجرای آنها ایجاد می‌شوند، احتمالاً نتوان آنها را در ردیف هزینه‌های اقدامات واکنشی قرار داد.

به‌هر حال همان‌گونه که در پیش‌نویس تخصیص نیز آمده است، هزینه‌ها باید بابت اقدامات واکنشی «معقول» باشند. اقدامات معقول را باید از جمله اقداماتی برشمرد که هر طرفی نوعاً در آن وضعیت برای کاهش یا جلوگیری از خسارت انجام می‌دهد. در عمل کشورهای زیان‌دیده تمایل دارند که هزینه همه اقدامات واکنشی را ادعا کنند، اما طبیعی است که دولت منشأ تمام این ادعاها را نپذیرد (Xue, 2003: 96). مثلاً اگر دولت منشأ پیشنهاد ارسال کالاهای پزشکی به منظور کنترل سریع‌تر بیماری را به دولت‌های متأثر داده باشد اما این پیشنهاد رد شود، بعید است که بتوان دولت منشأ را مسئول جبران خساراتی دانست که بعد از رد پیشنهادش ایجاد شده‌اند.

یافته‌های فوق درصدد بود تا خسارات قابل جبران در اثر کوئید-۱۹ را مشخص کند. در قسمت بعد راهبرد حاکم بر جبران این خسارات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. International Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage

۲. راهبرد کنونی جبران خسارات فرامرزی

پس از تدوین پیش نویس مواد پیشگیری از زیان فرامرزی فعالیت‌های خطرناک که صرفاً ناظر بر تعهد به پیشگیری است، مجمع عمومی ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای در سال ۲۰۰۲، اعلام کرد که چگونگی جبران خسارت ناشی از فعالیت‌های منع نشده که به رغم انجام اقدامات پیشگیرانه منجر به خسارت می‌شوند، بخش جدایی‌ناپذیر از نظام حقوقی حاکم بر اعمال منع نشده است و باید این طرح نیز بررسی شود.^۱ کمیسیون نیز از همان ابتدای کار بر فعالیت‌های منع نشده اعتقاد داشت که قواعد راجع به جبران خسارات ناشی از این فعالیت‌ها باید تدوین شوند (Horbach, 1991: 53-54) زیرا انصاف ایجاب می‌کند زیان دیده این‌گونه فعالیت‌ها بدون جبران باقی نماند. اما مسئله اصلی این است که مسئولیت جبران خسارت باید برعهده چه طرفی باشد؟ متصدی فعالیت که در اکثر موارد و با توجه به گسترش خصوصی سازی در کشورها، بخش خصوصی است یا دولت منشأ که اجازه انجام چنین فعالیتی را داده است؟

در جریان مباحث کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد درباره تعیین طرف مسئول بابت جبران خسارت اعمال منع نشده، اکثریت دولت‌ها به مسئولیت اولیه متصدی و مسئولیت ثانویه یا غایبی دولت منشأ اعتقاد داشتند (A/CN.4/437: 79, para. 21). برخی معاهدات خاص نیز همین رویکرد را در پیش گرفته‌اند.^۲ پیش نویس تخصیص نیز به دنبال موضع دولت‌ها در کمیته ششم، همین قاعده را در اصل (۴) خود پذیرفت و مسئولیت اولیه جبران خسارات را متوجه متصدی دانست و اعلام کرد که دولت منشأ باید تمامی تدابیر لازم را اتخاذ کرده تا تضمین کند که خسارت قربانیان حتماً جبران خواهد شد (شاه حسینی و مشهدی، ۱۳۹۵: ۱۵۵؛ ۴۵: Kulesza, 2016).

1. GA Res 56/82, 2002

۲. از جمله این معاهدات:

Convention on Civil Liability for Damage Resulting from Activities Dangerous to Environment; Protocol on Civil Liability and Compensation for Damage caused by Transboundary Effect of Industrial Accident on Transboundary Waters 2003; Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes and Convention on the Transboundary Effects of Industrial Accident.

نکته مهم آن است که براساس ماده ۴(۲) پیش نویس تخصیص، ماهیت مسئولیت متصدی «محض» است و خواهان برای دریافت خسارات از متصدی به اثبات هیچ تقصیری نیاز ندارد. همچنین در این حوزه دولت‌ها دارای مسئولیت غایی و ثانویه هستند. بند «۵» اصل (۴) پیش نویس اعلام می‌کند زمانی که اقدامات انجام شده برای جبران خسارت کافی نباشد، دولت منشأ باید تضمین کند که منابع مالی اضافی در دسترس است. به درستی گفته شده که این بند، متضمن مسئولیت تکمیلی و ثانویه دولت در جبران خسارت است (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۲۶۶). بنابراین اگر در هر حالتی متصدی نتواند جبران خسارت کند، دولت منشأ باید به نیابت از متصدی خسارات وارد بر زیان دیده را جبران کند.

براساس راهبرد موجود، مسئولیت اولیه جبران خسارات ناشی از کووید-۱۹ برعهده متصدی بازار حیوانات وحشی ووهان است. اما متصدی چگونه قابل تشخیص است؟ کمیسیون در اصل (۲) پیش نویس تخصیص، متصدی را این‌گونه معرفی می‌کند: «در زمان بروز حادثه منتهی به خسارت فرامرزی، فرمان یا کنترل فعالیت را در اختیار داشته است». این تعریف نشان می‌دهد «اصطلاح متصدی، شامل کارکنان یا افرادی که تحت کنترل دیگری بوده‌اند، نمی‌شود» (ILC Ybk, 2006: 71-72, paras. 31-33). با معیارهای فوق هیچ‌یک از فروشندگان خرد در بازار ووهان را نمی‌توان متصدی برشمرد. برخی منابع ذکر کرده‌اند «شرکت با مسئولیت محدود املاک و مستغلات ووهان جنوبی»^۱ مالک و متصدی بازار حیوانات ووهان است.^۲ فارغ از اینکه متصدی واقعی بازار حیوانات چه شخص یا نهادی است، میزان خسارات ناشی از کووید-۱۹ به اندازه‌ای است که جبران آن از عهده هر متصدی خارج است و در نتیجه دولت چین باید در اثر مسئولیت ثانویه و غایی درصد جبران برآید. این دست خسارات گسترده این پرسش را مطرح می‌کند که آیا نباید در مورد فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک، به مسئولیت محض دولت‌ها باور داشت؟

1. Wuhan South China Real Estate Group Co., Ltd.

2. <http://www.cb.com.cn/index/show/zj/cv/cv13474141264>

۳. راهبرد در حال ظهور مسئولیت محض دولت

پیشگیری، محوری ترین هدف نظام حقوقی حاکم بر فعالیت های خطرناک است، چرا که احتمال کمی وجود دارد که خطرهای ناشی از فعالیت های منع نشده به دلیل ماهیت صنعتی، تکنولوژیک یا حتی جهش های ژنتیکی در برخی از این فعالیت ها با روش هایی همچون اعاده یا پرداخت غرامت جبران شوند (Townley, 2018: 622; Trouwborst, 2009: 110).

در مورد فعالیت های فوق العاده خطرناک از جمله فعالیت های منجر به ایجاد بیماری های اپیدمیک که موجب خطرهایی بسیار بزرگ برای انسان است، راهبرد مسئولیت محض دولت ها در قیاس با راهبرد مسئولیت محض متصدیان کارکرد مؤثرتری دارد، چرا که دولت ها به طور طبیعی از ابزارهای به مراتب بیشتر و مؤثرتری برای جلوگیری از وقوع رویدادهای فوق العاده خطرناک برخوردارند. به عنوان مثال این فقط از اختیارات یک دولت است که می تواند دستور محدودیت در بازار خرید و فروش حیوانات را صادر کند یا در سطحی کلان تر برای جلوگیری از سرایت اپیدمی به کشورهای دیگر قرنطینه عمومی اعلام کند. علاوه بر این، پیش بینی و شناخت اپیدمی ها و جلوگیری از گسترش آنها، علاوه بر برخورداری از یک نظام کارآمد سلامتی عمومی، عموماً محتاج دسترسی به اطلاعات و گزارش های سطح بالای علمی است که صرفاً در اختیار دستگاه های دولتی قرار دارد نه طرف های خصوصی. برای جلوگیری یا کاهش انتقال اپیدمی ها به بودجه کافی و تقویت مالی برخی نهادهای اجرایی و ناظر و همچنین اқشار آسیب پذیر نیاز است. از آنجا که هیچ کدام از طرف های خصوصی توان مالی تحقق این اهداف را ندارند، همه این موارد ذیل صلاحیت های خاص یک دولت قرار می گیرد (Bergkamp, 2020, 3).

بنابراین ساختار مقابله با اپیدمی ها از جمله کووید-۱۹ بیشتر از هر زبان فوق العاده خطرناک دیگری متکی به دولت هاست و در این شرایط مسئولیت محض دولت ها توجیه بیشتری پیدا می کند (Karimi, 2021: 610).

گفتنی است نگارنده درصدد بیان آن نیست که مسئولیت محض دولت ها، در حال حاضر به عنوان یک اصل تثبیت شده در حقوق بین الملل شناخته می شود. برای حصول این راهبرد به چنین جایگاهی، به از بین رفتن خلأهایی نیاز است که

هنوز پابرجا هستند. مقاله حاضر در ادامه از طریق بررسی آن دسته از دکتربین، رویه قضایی و رویه دولتی که از راهبرد مسئولیت محض حمایت می‌کنند، نشان می‌دهد این راهبرد به عنوان یک اصل در حال تثبیت در حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید و در حال تغییر نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های منع نشده از جمله جبران خسارات ناشی از اپیدمی‌هاست.

۱-۳. دکتربین حامی مسئولیت محض

شاید دقیق‌ترین دفاع از نظریه مسئولیت محض دولت توسط «محمد بدجاوی»، حقوقدان مشهور الجزایری، انجام شده باشد که گفته است: «طی چند دهه، قدرت بشر بر طبیعت به نحو اعجاب‌آوری گسترش پیدا کرده و به درجه هراسناکی رسیده است ... نظریه‌های جدید مسئولیت بابت اعمال منع نشده، به دلیل ضرورت برقراری هماهنگی میان آزادی عمل دولت‌ها با هراس‌های [دنیای جدید] مبانی قابل توجهی به دست آورده است ... در نتیجه این ایده مطرح می‌شود که مراقبت مقتضی نیز نمی‌تواند دولت مربوطه را از تعهد به جبران خسارات تبرئه کند. این نوع از مسئولیت یکی از الزامات و اقتضائات زندگی در جهانی با منافع مشترک است» (Bedjaoui, 1987: 360). وی می‌گوید که مسئولیت بابت اعمال منع نشده صرفاً متوجه آثار زیان‌بار فعالیت‌های صنعتی یا خسارات زیست‌محیطی نیست، بلکه «انتقال بیماری» به کشوری دیگر هم می‌تواند تابع این نظام حقوقی قرار گیرد (Ibid., 361). اما برخی دیگر از نویسندگان اعتقاد دارند مسئولیت محض، متعلق به حقوق آینده است (Sadeleer, 2002: 24) چرا که «مدارک مستدل اندکی» در حمایت از این نظریه وجود دارد (Boyle, 1991: 365).

همان‌طور که خواهیم دید رویه‌های دولتی در حمایت از مسئولیت محض وجود دارد و به همین دلیل است که انستیتوی حقوق بین‌الملل نیز در پیش‌نویس مواد سال ۱۹۹۷ خود درباره مسئولیت بابت خسارات به محیط زیست در مواد (۱ و ۴) خود متذکر مسئولیت محض دولت‌ها به هنگام خسارات فوق‌العاده خطرناک به محیط زیست شده است. شمار

قابل توجهی از نویسندگان دیگر نیز با این راهبرد هم نظرند^۱ که مهمترین آنها در ادامه بررسی می‌شوند.^۲

«ویلفرد ینکس»،^۳ اعتقاد داشت مسئولیت محض دولت‌ها مبتنی بر قدرت انحصاری این تابعان حقوق بر قلمرو تحت کنترل شان است (Jenks, 1966: 180). منطق زیربنایی این اظهارات، همان امکانات عالی‌تر یک دولت برای پیشگیری از یک رویداد خطرناک است. «ویکتوریا هرتکه» نیز نظریه مسئولیت محض دولت را مبنای نظام‌های حقوقی مبتنی بر پیشگیری از فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک می‌دانست (Hartke, 1987: 336). اما «گانتر هندل»^۴ که مقالات متعددی در دفاع از نظریه مسئولیت محض دولت‌ها نوشته است،^۵ مبنای استدلالی این نظریه را توسعه داده و اعتقاد دارد درستی این نظریه بر دو فرض قرار دارد. فرض اول، همان استدلال نظریه پردازان قبلی است: دولت‌ها بر اعمال همه اشخاص سرزمین‌شان کنترل دارند و در نتیجه باید بابت این کنترل پاسخگو باشند. دوم آنکه، فرض می‌شود دولت منشأ از عملی که در کشورش انجام می‌شود، سود می‌برد وگرنه اجازه چنین فعالیتی

۱. از جمله این آثار:

Barros, J. and D. Johnson (1974). *The International Law of Pollution*, New York, Free Press; Goldie, L.F.E (1985). "Concepts of Strict and Absolute Liability in Terms of Relative Exposure to Risk", *Netherland Yearbook of International Law*, Vol. 16, p. 188; Springer, Allen (1983). *The International Law of Pollution: Protecting the Global Environment in a World of Sovereign States*, Westport, Quorum Books; Malone, A. Linda (1987). "The Chernobyl Accident: A Case Study in International Law Regulating State Responsibility for Transboundary Nuclear Pollution", Faculty Publications. Paper 590, pp. 213-214; Weiss (1987). "International Liability for Weather Modification", *Climate Change*, Vol. 1, p. 125; de la Fayette, op. cit, p. 325; Mackielo, op. cit, pp. 260-261.

2. Institut De Droit International: Responsibility and Liability Under International Law for Environmental Damage.

3. Wilfred Jenks

4. Gunther Handl

۵. از جمله این مقاله‌ها:

Handl, G. (1985). "Liability as an Obligation Established by a Primary Rule of International Law: Some basic Reflections on International Law Commision's Work", *Netherland Yearbook of International Law*, Vol. 16.; Handl, Gunther (1988). "Transboundary Nuclear Accidents: The Post-Chernobyl Multilateral Legislative Agenda", *Ecology Law Quarterly*, Vol. 15(2).

را نمی‌داد پس در عوض این سود، باید هزینه آن را نیز بپردازد (Handl, 1980: 558-559). نویسنده دیگری اعتقاد دارد که نظریه مسئولیت محض دولت در قیاس با مسئولیت محض متصدی از این مزیت برخوردار است که دو موجودیت (دولت و متصدی خصوصی) را به سوی پیشگیری سوق می‌دهد و در نتیجه، احتمال وقوع خطر پایین‌تر می‌آید؛ چرا که دولت‌ها پس از پرداخت خسارت می‌توانند به سراغ متصدی بروند و این وضعیت، متصدیان را نیز ناگزیر به تلاش برای ممانعت از وقوع خسارت می‌کند (Lefebber, 1996: 322). در نهایت باید به نظریه «فاستر»^۱ اشاره کرد که بر این باور است عامل ایجاد خسارت «فقط متصدی نیست؛ بلکه همچنین شهروندان آن کشوری نیز که به دولت‌شان اجازه داده‌اند که زمینه انجام فعالیت‌های خطرناک را پدید آورد» متصدی به شمار می‌آیند و در نتیجه عموم آن دولت باید پاسخگوی چنین خسارتی باشد (Foster, 2005: 277).

ورای همه این نظرها عادلانه نیست دولت‌ها از حقوق و مزایایی که به موجب حقوق بین‌الملل برقرار شده است، بهره‌مند شوند اما بار مسئولیت‌های متقابل را بر دوش نکنند. همان‌طور که پیشتر ملاحظه شد کارکرد نظام مسئولیت بابت اعمال منع نشده صیانت از حاکمیت دولت‌ها در مقابل آثار ناخواسته‌ای است که در سرزمین یا تحت صلاحیت دولتی دیگری پدید آمده، سپس ابعاد فراسرزمینی پیدا کرده و در نهایت به دولت دیگری رخنه می‌کند. در مقابل این منفعت آنها نمی‌توانند از مسئولیت بابت جبران زیان‌هایی که تحت نظارت یا کنترل آنها به حاکمیت دیگر دولت‌ها وارد شده‌شان خالی کنند. این همان رابطه متقابل میان حق و تکلیف است که فقط در موارد استثنایی از آن عدول می‌شود (Jaffey, 2004: 297).

۲-۳. رویه قضایی حامی مسئولیت محض

رویه قضایی بین‌المللی اندکی راجع به خسارات فرامرزی بدون وقوع خطا یا تقصیر از جانب دولت منشأ وجود دارد که ورای نظام‌های معاهداتی خاص به این مسئله پرداخته باشد و

1. Foster

جالب آنکه این رویه اندک، جانب نظریه مسئولیت محض را گرفته است. قضیه داوری تریل اسملتر و دیوان داوری دعاوی اتمی جزایر مارشال^۱ در این دسته قرار می‌گیرند.^۲ قضیه تریل اسملتر به آلاینده‌گی یک کارخانه ریخته‌گری در شهر تریل کانادا مربوط می‌شد که باعث خسارت به کشاورزان در ایالت واشنگتن شده بود. با توافق آمریکا و کانادا این قضیه در داوری مطرح و چهار سؤال از داور پرسیده شد. پرسش دوم که به موضوع این بحث مربوط است این بود: «آیا کانادا ملتزم به پیشگیری از وقوع خسارات در آینده است؟» (Trial Smelter Case, 1941: 1908). در پاسخ به این سؤال داوری می‌گوید: «طبق اصول حقوق بین‌الملل ... هیچ دولتی حق ندارد که از سرزمین خود به‌گونه‌ای استفاده کند ... که به سرزمین دیگری یا به اموال یا اشخاص آن سرزمین خسارات وارد کند» (Ibid.: 1965). داوری ارزیابی خود را ادامه داده و به یافته مهم دیگری می‌رسد: «اگر هرگونه خسارتی در آینده رخ دهد، خواه به واسطه قصور از جانب کارخانه ریخته‌گری، خواه به‌رغم رعایت نظام [پیشگیری] باید غرامت بابت چنین خساراتی پرداخت شود» (Ibid.: 1980). به این ترتیب داوری تریل اسملتر دولت کانادا را متعهد به جبران خسارت حتی در فرض «رعایت نظام پیشگیری» دانسته بود.

دیوان دعاوی اتمی جزایر مارشال که در پی توافق آمریکا و جزایر مارشال برای رسیدگی به دعاوی زیان دیدگان ناشی از آزمایش‌های اتمی آمریکا در جزایر مارشال تشکیل شد و تا سال ۲۰۱۱ به کار خود ادامه داد، بابت خسارات وارده در اثر آزمایش‌های اتمی آمریکا، بدون آنکه به تخلف یا قصور آمریکا از پیشگیری از زیان فرامرزی پردازد، این کشور را محکوم به پرداخت خسارت به جزایر مارشال کرد (Sands and et al., 2013: 720). این مورد نیز یک نمونه مشخص از رویه قضایی به سود مسئولیت محض دولت‌هاست.

1. Marshall Islands Nuclear Claims Tribunal

۲. قضایای داوری دریاچه لانو، داوری سد گات (Gut Dam) و کارخانه خمیر کاغذ در دیوان نیز ناظر به ادعای وقوع خسارات فرامرزی بوده‌اند، اما همگی آنها مبتنی بر نظام معاهداتی خاص مطرح بودند و از موضوع مقاله حاضر خارج است.

۳-۳. رویه دولتی حامی نظریه مسئولیت محض

رویه دولت‌ها درباره حمایت از نظریه مسئولیت محض پرنوسان است. بررسی این رویه را از مذاکرات دولت‌ها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ درباره اصل (۲۱) اعلامیه استکهلم آغاز می‌کنیم که براساس آن «استفاده از سرزمین به‌گونه‌ای که به دیگران آسیب رسد» منع شده است. بررسی مذاکرات نشان می‌دهد که دولت‌ها با پذیرش مسئولیت بدون خطا به هنگام وقوع خسارات فرامرزی مخالف بودند (Handl, 1980: 536). این در حالی است که در همان سال یک نفتکش لیبرالیایی که حدود دوازده هزار گالن نفت را از بندری در واشنگتن بار زده بود، در منطقه‌ای از دریا که تحت کنترل آمریکا قرار داشت دچار نشت شد و با رسیدن این نفت به ساحل کانادا، این دولت از آمریکا خسارت طلب کرد. کانادا برای مطالبه خسارت به رأی قضیه تریل اسملتر اشاره و اعلام کرد طبق این رأی دولت‌ها بابت فعالیت بازیگران خصوصی در قلمروشان مسئولیت محض دارند» (Xue, 2003: 78).

دقیقاً بیست سال بعد مجدداً در قالب مذاکرات مجمع عمومی فرصتی برای اظهارنظر دولت‌ها درباره مسئولیت محض فراهم شد، اما این بار نتیجه‌ای متفاوت رقم خورد. اعضای مجمع عمومی در ۱۹۹۳ با اجماع قطعنامه «اصول مربوط به استفاده از نیروی اتمی در فضای جو»^۱ را به تصویب رساندند که اصول (۸ و ۹) آن به صراحت بر مسئولیت محض دولت‌ها بابت فعالیت‌های دولتی و خصوصی تأکید دارد (UNGA Res. A/Res/47/68).

این واقعیت که قطعنامه مصوب مجمع عمومی است از اهمیت حقوقی آن نمی‌کاهد. در حقیقت همان‌طور که دیوان در قضیه نیکاراگوئه اعلام می‌کند، آرای دولت‌ها به قطعنامه‌های مجمع عمومی می‌تواند نشان‌دهنده اعتقاد حقوقی به پدیداری عرف بین‌المللی باشد (ICJ Rep, 1987: 99, para. 188). ضمن اینکه برای دومین بار بود که دولت‌ها به‌طور دسته جمعی خواستار برقراری نظام مسئولیت محض برای اعمال فوق‌العاده خطرناک بودند. پس از انفجار ۱۹۸۶ در نیروگاه اتمی چرنوبیل شماری از دولت‌ها به مسئولیت محض شوروی مبنی بر جبران خسارت استناد کردند (Sands and et al., 2013: 718).

1. Principles Relevant to Use of Nuclear Power Source in Outer Space

همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ترغیب شد از دولت‌ها بپرسد چه نظامی از مسئولیت برای حوادث هسته‌ای مناسب است. از مجموع ۳۲ دولتی که به آژانس پاسخ دادند، بلژیک و اسپانیا اعلام کردند که مسئولیت محض دولت‌ها بابت فعالیت‌های اتمی، فاقد خصلت عرفی است و صرفاً می‌تواند در قالب نظام معاهداتی قرار گیرد (GOV/INF/550, p. 5). استرالیا اعتقاد داشت حقوق بین‌الملل در این زمینه با «خلاً» روبه‌رو است. اما ۲۹ دولت دیگر^۱ یا صراحتاً یا ضمنی بر وجود چنین مسئولیتی درباره فعالیت‌های اتمی صحه گذاردند (Ibid., pp.6-35). مجموعه این نظرها نشانگر آن است که دولت‌ها آمادگی پذیرش مسئولیت محض درباره فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک را دارند. گفتنی است این نوع از مسئولیت راه خود را به حقوق کنوانسیون نیز باز کرده است و به همین دلیل «کنوانسیون مسئولیت بابت خسارات ناشی از اجرام آسمانی»^۲ (ماده ۳)، «معاهده اصول حاکم بر اکتشاف و بهره‌برداری از فضا»^۳ (ماده ۶) و «کنوانسیون حقوق دریاها» (ماده ۱۱۰ (۳)) نیز چنین نظامی را پذیرفته‌اند.

همه موارد فوق نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل شاهد پدیداری اصل جدیدی در حوزه فعالیت‌های منع نشده است. براساس این اصل دولت منشأ کووید-۱۹ (به فرض چین) بابت جبران خسارات فرامرزی ناشی از این بیماری مسئولیت محض دارد. ضمن آنکه مقبول‌تر است که به جای آنکه شاهد میلیون‌ها درخواست جبران خسارت از سوی زیان‌دیدگان به طرفیت متصدی خصوصی در مراجع اداری و قضایی چین باشیم، دولت‌های عضو جامعه جهانی با استناد به مسئولیت محض دولت منشأ این دولت را به جبران خسارت مجاب کنند. تحولات حقوق بین‌الملل درباره فعالیت‌های منع نشده به‌گونه‌ای است که نمی‌توان منکر اصل در حال ظهور مسئولیت محض دولت‌ها بود. این بخش را با جملاتی از وینفرد ینکس به پایان می‌بریم: «مفهوم مسئولیت عام برای

۱. آمریکا، بریتانیا، کانادا، شیلی، الجزایر، کامرون، کلمبیا، آلمان، تایلند، بلغارستان، گواتمالا، چکسلواکی سابق، مصر، مجارستان، ایرلند، ایتالیا، فنلاند، لوگزامبورگ، مکزیک، نروژ، پاکستان، هلند، شوروی، سوئیس و ترکیه.

2. Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects

3. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, Including the Moon and Other Celestial Bodies

فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک برای آنهایی که فکر می‌کنند حقوق بین‌الملل هنوز مجموعه محدودی از قوانین خاص است که اقتدارش را از رضایت صریح دولت‌ها می‌گیرد تا زمانی که به قالب یک کنوانسیون بین‌المللی درنیامده باشد، پذیرفتنی نیست. [اما] مفهوم مسئولیت عام دولت‌ها برای فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک دلالت بر این دیدگاه دارد که حقوق بین‌الملل ... مجموعه‌ای از اصول زنده و سوابقی پیش‌رونده متناسب با نیاز جامعه بین‌المللی است. برای آنهایی که با چنین دیدگاهی به حقوق بین‌الملل می‌نگرند، هیچ دشواری در پذیرش مفهوم مسئولیت عام بابت فعالیت‌های خطرناک وجود ندارد» (Jenks, 1966: 177).

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بیماری کووید-۱۹ نشان داد که جهان تا چه اندازه در مقابل اپیدمی‌هایی دفاعی است. برای به حداقل رساندن احتمال تکرار این فجایع لازم است نظام حقوقی به‌عنوان یک نظام کنترل اجتماعی، واکنش دقیق‌تر و جامع‌تری داشته باشد. مزیت نهاد مسئولیت بابت اعمال منع نشده در قیاس سایر نهادهای حقوقی این است که به دلیل بار سنگینی که متوجه دولت‌ها می‌کند، آنها را وامی‌دارد تا با دقت مضاعفی جلوی وقوع اپیدمی‌ها را بگیرند. هرچند دولت‌ها، به ویژه دولت‌هایی که از فضای باز سیاسی و اجتماعی برخوردار نیستند، ممکن است برای در امان ماندن از تبعات این نوع از مسئولیت تا جایی که ممکن باشد، وقوع اپیدمی در کشور خود را پنهان کنند. اما همین ایراد نسبت به سایر نهادهای حقوقی قابل اعمال در مورد اپیدمی‌ها از جمله تعهد اولیه به پیشگیری از اپیدمی‌ها که به موجب ماده (۶) مقررات بین‌المللی سازمان جهانی بهداشت (مصوب ۲۰۰۵) برای همه دولت‌های عضو الزام‌آور است، وجود دارد. در حقیقت، دولتی که می‌تواند وقوع اپیدمی را انکار کند منطقاً این امکان را دارد که تظاهر کند اقدامات مقتضی برای پیشگیری را انجام داده است. به هر حال هرچند احتمال مخفی‌کاری دولت‌ها به هنگام مواجهه با اپیدمی‌ها انکارشدنی نیست، اما این موضوع به تنهایی نمی‌تواند دلیل مناسبی باشد که اجرای نظام مسئولیت بابت اعمال منع نشده را که مسئولیت‌های سنگینی را متوجه دولت‌ها می‌کند،

کنار گذاشته شود. با وقوع کووید-۱۹، نظام مسئولیت آغاز به کار می‌کند و برخلاف نظام حاکم بر اعمال متخلفانه، هیچ عذر یا شرایطی نمی‌تواند مانع از اجرای آن شود. تنها عاملی که دولت‌ها را از مسئولیت در این باره نجات می‌دهد عدم وقوع اپیدمی‌هاست و این نکته نشان‌دهنده مزیت قابل توجه نظام مسئولیت بابت اعمال منع نشده برای جلوگیری از اپیدمی‌های مرگباری همچون کووید-۱۹ است. همزمان با ارتقای سطح دانش و کشف برخی از اصلی‌ترین دلایل وقوع اپیدمی‌ها، از جمله خرید، فروش و مصرف گوشت برخی حیوانات وحشی، حقوق بین‌الملل باید به سمت ایجاد ممنوعیت قراردادی و عام چنین فعالیت‌هایی گام بردارد. هدف اصلی نظام حقوقی حاکم بر اپیدمی‌ها، عدم وقوع آنهاست. نظام مسئولیت بابت اعمال منع نشده، اگرچه می‌تواند با افزایش توجهات دولت‌ها به عوامل وقوع اپیدمی‌ها، احتمال وقوع این بیماری‌ها را کم کند اما به اندازه ایجاد ممنوعیت نسبت به فعالیت‌های موجد اپیدمی مؤثر نیست. تا حصول به چنین ممنوعیتی مؤثرترین نظام مقابله با اپیدمی‌ها را باید نظام مسئولیت بابت اعمال منع نشده دانست.

منابع و مآخذ

۱. زمانی، قاسم (۱۳۸۱). «توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست»، پژوهش‌های حقوقی، ش ۱.
۲. شاه‌حسینی، عطیه و علی مشهدی (۱۳۹۵). «جبران خسارت زیست‌محیطی براساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۵۵.
۳. عبداللهی، محسن (۱۳۹۰). «رویکردهای نظام مسئولیت بین‌المللی در جبران خسارات ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۶.
۴. کرافورد، جیمز، آلن پله و سیمون اولسون (۱۳۹۵). *مسئولیت بین‌المللی بابت اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل*، ترجمه مهدی حدادی و سیامک کریمی، تهران، نشر مجد.
۵. کریمی، سیامک (۱۳۹۹). *تعهد دولت منشأ و سایر دولت‌ها به پیشگیری از خسارات فرامرزی کووید-۱۹*، پژوهش حقوق عمومی، ش ۶۷.
6. Albers, Jan (2015). *Responsibility and Liability in the Context of Transboundary Movements of Hazardous Wastes by Sea*, London, Springer.
7. Barrat, John (2018). "What Causes Disease Outbreaks and How Can We Stop Them?" <https://insider.si.edu/2018/09/what-causes-disease-outbreaks-and-how-can-we-stop-them/>.
8. Bedjaoui, Mohammed (1987). "Responsibility of States: Fault and Strict Liability", *Encyclopedia of International Law*, R. Bernhardt (Ed.), Vol. 10, New York, Elsevier.
9. Bergkamp, Lucas (2020). "State Liability for Failure to Control the COVID-19 Epidemic: International and Dutch Law", *European Journal of Risk Regulation*, Vol. 11(2).
10. Bhargav Srishti and Rajratnam Milind (2020). "COVID-19: China's Liability Under International Law, Society of International Law and Policy", <https://silpnujs.wordpress.com/2020/04/14/covid-19-chinas-liability-under-international-law/>.
11. Birnie, Patricia, Alan Boyle and Catherine Redgwell (2009). *International Law and the Environment*, New York, Oxford University Press.

12. Brans, Edward (2001). *Liability for Damage to Public Natural Resources: Standing, Damage and Damage Assessment*, London, Kluwer.
13. Boyle, Alan (1991). "Making the Polluter Pay? Alternatives to State Responsibility in the Allocation of Transboundary Environment Cost", *International Responsibility for Environmental Harm*, F. Francioni and T. Scovazzi (Ed), London, Martinus Nijhoff.
14. Chen, Sophia (2020). "Tracking the Economic Impact of COVID-19 and Mitigation Policies in Europe and the United States", IMF Working Paper (WP/20/125).
15. De la Fayette, Louise (1997). "The ILC and International Liability: A Commentary", *RECIEL*, Vol. 6(3).
16. Foster, Caroline (2005). "The ILC Draft Principles on the Allocation of Loss in the Case of Transboundary Harm Arising out of Hazardous Activities: Privatizing Risk?", *RECIEL*, Vol. 3.
17. Hafner, Gerhard and Isabelle Buffard (2010). "Obligations of Prevention and the Precautionary Principle", *The Law of International Responsibility*, James Crawford et al., Oxford, Oxford University Press.
18. Handl, G. (1980). "Liability as an Obligation Established by a Primary Rule of International Law: Some Basic Reflections on the International Law Commission's Work", *Netherlands Yearbook of International Law*, Vol. 16.
19. Hartke, Victoria Riess (1987). "The International Fallout from Chernobyl", *Dickinson Journal of International Law*, Vol. 5(2).
20. Horbach, N.L.J.T. (1991), "The Confusion about State Responsibility and International Liability", *Leiden Journal of International Law*, Vol. 4(1).
21. IAEA, GOV/INF/550.
22. ICJ Rep, 1998.
23. ILC Yearbook, 1981.

24. ILC Yearbook, 1995, (I/II).
25. ILC Yearbook, 2006, (I/II).
26. Jaffey, Peter (2004). "Hohfeld's Power-Liability/Right-Duty Distinction in the Law of Restitution", *Canadian Journal of Law and Jurisprudence*, Vol. 17.
27. Jenks, C.W. (1966). "Liability for Ultra-Hazardous Activities in International Law", *Receuil des Cours*, Vol. 99.
28. Kumar, Abhishek (2020). "Covid-19: China's Responsibility and Possible Legal Actions", <https://www.jurist.org/commentary/2020/05/abhishek-kumar-china-covid19-responsibility>, Last seen: 28 May 2020.
29. Karimi, Siamak (2021). "Liability of the State of Origin Regarding the Outbreak of Epidemics", *Epidemics and International Law*, Shinya Murase, Suzzane Zhou, Hague, Hague Academy of International Law.
30. Kulesza, Joanna (2016). *Due Diligence in International Law*, Boston, Brill.
31. Lammers, Johan G. (2001). "International Responsibility and Liability for Damage Caused by Environmental Interferences", *Environmental Policy and Law*, Vol. 31(1).
32. Lefeber, Rene (1996). *Transboundary Environmental Interference and the Origin of State Liability*, London, Kluwer.
33. Mackiolo, Andrea Laura (2009). "Core Rules of International Environmental Law", *ILSA Journal of International and Comparative Law*, Vol. 16(1).
34. Montjoie, Michel (2010). "The Concept of Liability in the Absence of an Internationally Wrongful Act", *The Law of International Responsibility*, James Crawford et al., Oxford, Oxford University Press.
35. Plakokefalos, Ilias (2015). "Causation in the Law of State Responsibility and the Problem of Over Determination: In Search of Clarity", *EJIL*, Vol. 26 (2).
36. Perry, Ronen (2020). "Who Should be Liable for the Covid-19 Outbreak", *Harvard Journal on Legislation*, Vol. 18.

37. Qiu, Jane (2020). "How China's 'Bat Woman' Hunted Down Viruses from SARS to the New Coronavirus", <https://www.scientificamerican.com/article/how-chinas-bat-woman-hunted-down-viruses-from-sars-to-the-new-coronavirus1>.
38. Sadeleer, Nicolas (2002). *Environmental Principles: from Political Slogan to Legal Rules*, New York, Oxford University Press.
39. Sands, Philippe and et al. (2013). *Principles of International Environmental Law*, Cambridge, Cambridge University Press.
40. Scovazzi, Tullio (2001). "State Responsibility for Environmental Harm", *Yearbook of International Environmental Law*, Vol. 12(1).
41. Shelton, Dinah (2002). "Righting Wrongs: Reparations in the Articles on State Responsibility", *AJIL*, Vol. 96(4).
42. Trouwborst, Arie (2009). "Prevention, Precaution, Logic and Law: The Relationship between the Precautionary Principle and the Preventative Principle in International Law and Associated Questions", *Erasmus Law Review*, Vol. 2(2).
43. Townley, Stephen (2018). "The Rise of Risk in International Law", *Chicago Journal of International Law*, Vol. 18(2).
44. Trail Smelter (United States, Canada), RIAA, Vol. III.
45. UN Doc, A/CN.4/437, 1991.
46. UN Doc, A/CN.4/543, 2004.
47. Whitfort, Amanda (2020). "China's Lack of Animal Welfare Legislation Increases the Risk of Further Pandemics", *Animal Sentience*, Vol. 30, No. 11.
48. Woodward, Aylin (2020). "China Just Banned the Trade and Consumption of Wild Animals", BUSINESS INSIDER, <https://www.businessinsider.com/china-bans-wildlife-trade-consumption-coronavirus-2020-2>.
49. Xue, Hanqin (2003). *Transboundary Damage in International Law*, Cambridge, Cambridge University Press.

ارزیابی قانونگذاری در موضوع معاملات دولتی

آیت مولائی*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۳۳-۵۴
-------------------	------------------------	-----------------------	-------------------

از جمله الزامات قانون نویسی، نگارش سندی شفاف و بدون ابهام است چراکه ابهام در قانون، تشتت برداشت و در نتیجه رویه‌های متعارض را در پی خواهد داشت. برای پیشگیری از حدوث چنین وضعیتی، شایسته است قانونگذار در مقام قانونگذاری از تصویب مواد ناهمسو و مغایر با همدیگر اجتناب کند. نگاه تطبیقی به رابطه مواد (۷۹ تا ۸۹) با ماده (۹۲) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶، گویای ناهماهنگی میان آنهاست. نوشتار حاضر نسبت این مواد را از منظر حقوق عمومی به بحث گذاشته و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این نتایج دست یافته است: اول، قانونگذار مواد (۷۹ تا ۸۹) را به درستی در فضای حقوق عمومی نگاشته است. دوم، به نظر می‌رسد متن ماده (۹۲) در منطق حقوق خصوصی احاطه شده و در نتیجه دولت ناچار است با تکیه بر اصول و ضوابط حقوق خصوصی این ماده را به کار گیرد. سوم، از آنجاکه برای یک موضوع واحد (معاملات دولتی) نمی‌توان توأمان در زمان واحد، دو روش و ضابطه حقوق خصوصی و حقوق عمومی را اعمال کرد؛ در نتیجه جمع میان مواد مذکور، سخت مناقشه‌آمیز است. چهارم، صدور مجوز صریح تخلف از قانون در ماده (۹۲) راه هرگونه پیشگیری از فساد در معاملات دولتی را در چارچوب قانون محاسبات عمومی با امتناع رویه رو کرده است.

کلیدواژه‌ها: خطای قانون نویسی؛ قانون محاسبات عمومی؛ قراردادهای حقوق عمومی؛ قراردادهای حقوق خصوصی؛ معاملات دولتی

* استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز؛

Email: amulaee@tabrizu.ac.ir

مقدمه

در دولت مدرن، قانون به مثابه سنجه اصلی در بررسی و کنترل پذیری اعمال دولت به شمار می‌آید. چنین نگرشی به دولت از زمان شکل‌گیری دولت ملی و ابتدای چنین دولتی بر قانون در محور مباحث متفکرین از جمله حقوقدانان قرار داشته است. از این رهگذر حقوق مدرن با قانون همنشین شده است؛ به طوری که در دیدگاه پوزیتیویستی، حقوق به قانون تقلیل پیدا می‌کند. اداره مدرن به مثابه وجه عینی و فنی دولت ناگزیر است اعمالش را بر قانون استوار کند و چنین قانونی البته ضوابط حاکم بر اداره و مجوزی برای صلاحیت چنین ارگانی است؛ به نحوی که در نبود قانون، اداره با پدیده «اصل عدم صلاحیت» مواجه خواهد شد.

در برداشت کلاسیک، دولت برای انجام اعمالش عموماً از دو سازوکار عمل اداری یکجانبه (ایقاع) و عمل اداری دوجانبه (قرارداد) استفاده می‌کند. در این باره قوانین مربوطه راهگشای عمل دولت ملی بوده و چنین فرض می‌شود که همه اعمال دولت با ابتدای بر قانون از پیش تعریف و تعیین شده، عملیاتی می‌شود. در نظام حقوقی ایران از جمله قوانین مادر در حوزه مالی، قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ با اصلاحات بعدی است. این قانون مهمترین قانون مربوط به چگونگی اجرایی کردن بودجه سالیانه کل کشور است؛ به نحوی که دولت در مقام اجرایی کردن قوانین بودجه سالیانه، مکلف است مطابق این قانون عمل کند. این سند «ریل‌گذار» قوانین بودجه سالیانه و معرف فرایندهای قانونی اجرایی کردن بودجه کشور است. این توضیح نشان دهنده آن است که این قانون تا چه اندازه، نقش محوری در اجرایی کردن قوانین بودجه سالیانه کل کشور داشته و تا چه اندازه مهم است. از این رو هرگونه چالش در این قانون مادر، بحران در اجرایی شدن قوانین بودجه را به ویژه در حوزه معاملات دولتی در پی خواهد داشت. با چنین اهمیتی در نگاه آغازین مشاهده می‌شود که دولت به درستی برای چگونگی اجرای اعمال قراردادی اش مکلف شده است؛ مطابق ضوابط مقرر در بخش سوم از فصل دوم قانون مذکور، ذیل عنوان «معاملات دولتی» (موضوع مواد ۷۹ تا ۸۹)) عمل کند. این نکته نشانگر آن است که معاملات دولتی باید از رهگذر این مواد قانونی انجام پذیرد تا

اصل حکومت قانون در حوزه مالی دولت پاس داشته شود. از منظر اصل دولت قانونمدار صوری، به رغم چنین شروع خوبی توسط قانونگذار، اما بلافاصله در فصل دوم از همین قانون با عنوان «نظارت مالی» بر اعمال دولت، ذیل ماده (۹۲) به دولت اجازه داده شده است که اگر کارگزار اداری معامله‌ای برخلاف مدلول مواد (۷۹ تا ۸۹) انجام دهد؛ دستگاه اداری در چارچوب شرایط ماده مذکور مکلف به پذیرش معامله خواهد بود. بررسی این وضعیت پارادوکسی موضوع این نوشتار است و تلاش می‌شود با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که نسبت ماده (۹۲) با مواد (۷۹ تا ۸۹) قانون محاسبات عمومی چیست؟ فرضیه نوشتار حاضر این است که قانونگذار در زمان واحد برای موضوع واحد، هر دو منطق حقوق خصوصی و حقوق عمومی را به صورت توأمان مورد توجه قرار داده است و در نتیجه سردرگمی حقوقی را موجب شده است. برای پاسخ به این سؤال تلاش خواهد شد اول به تبیین دقیق وضعیت ابهام‌آلود مواد بالا اشاره شود و سپس به تحلیل بحث از منظر حقوق اداری پرداخته شود.

۱. بیان مسئله مواد (۹۲ و ۷۹ تا ۸۹)

قانونگذار مالی ایران به درستی دولت را مکلف کرده است اعمال قراردادی مرتبط با حوزه بودجه سالیانه را در چارچوب قانون محاسبات عمومی اجرا کند. در این راستا، مواد (۷۹ تا ۸۹) قانون محاسبات عمومی راهکار و چگونگی اجرای معاملات دولتی را مشخص کرده است.^۱ بر این اساس دولت مکلف شده است معاملات مربوط به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را در اشکال گوناگون در چارچوب این مواد (به غیر از استثنائات ماده (۷۹)) حسب مورد درباره معاملات مختلف «جزئی، متوسط و عمده» از طریق ضوابط مقرر در آن مواد و به ویژه به وسیله مناقصه یا مزایده انجام دهد. چنین تبیین صریح و آشکاری گویای ترسیم مسیر معاملات دولتی است و واژه «باید» در متن ماده (۷۹)، دولت را به اجرای معاملات در فضای «صلاحیت تکلیفی» موظف کرده است. بر این اساس دولت‌گریزی از اجرای مفاد و

۱. البته باید گفت در حال حاضر به معاملات دولتی در امور مربوط به مناقصات، در چارچوب قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ اجرا می‌شود.

مدلول مواد مذکور در انجام معاملات خود نخواهد داشت و عمل خلاف آن از دیدگاه حقوق عمومی باطل بوده و خلاف قوانین و اصولی همچون اصل حکومت قانون، اصل الزام به رعایت تشریفات قانونی و اصل عدم صلاحیت فرض خواهد شد. تا به اینجا به نظر می‌رسد در میان حقوقدانان حقوق عمومی، اختلاف نظر جدی وجود نداشته باشد و عموم حقوقدانان بی‌تردید این وضعیت را تأیید می‌کنند. همچنین مشاهده می‌شود که عناصری در این‌گونه اعمال قراردادی وجود دارد که از آنها به عنوان «قراردادهای اداری» یاد می‌شود. این عناصر زمینه‌ساز حرکت این‌گونه اعمال حقوقی از ساحت حقوق خصوصی به ساحت حقوق عمومی هستند. ناگفته پیداست که حقوقدانان به عناصر مذکور به صورت مکرر در آثار خود تصریح داشته‌اند (رستمی، ۱۳۹۴: ۲۱۹ - ۲۱۷؛ عباسی و حسینی‌الموسوی، ۱۳۹۶: ۲۵ - ۲۴؛ امامی و استوارسنگری، ۱۳۹۱: ۱۲۸ - ۱۲۲).

در مقابل این الزام قانونی، ماده‌ای وجود دارد که به نوعی در برابر الزامات مواد بالا قرار داشته و در نگاه نخست یک وضعیت پارادوکسی را به ذهن متبادر می‌کند. براساس این ماده: «در مواردی که بر اثر تعهد زائد بر اعتبار یا عدم رعایت مقررات این قانون خدمتی انجام شود یا مالی به تصرف دولت درآید، دستگاه اجرایی ذی‌ربط مکلف به رد معامله مربوط است و در صورتی که رد عین آن میسر نبوده و یا فروشنده از قبول امتناع داشته باشد و همچنین در مورد خدمات انجام شده، مکلف به قبول و وجه مورد معامله در حدود اعتبارات موجود یا اعتبارات سال بعد دستگاه اجرایی مربوط قابل پرداخت است و اقدامات فوق مانع تعقیب قانونی متخلف نخواهد بود».

از آنجاکه وضعیت این ماده ناظر بر اوضاع و احوال خاصی است، از این رو برای اجرای چنین معامله‌ای شرایط خاصی به شرح ذیل تعریف شده است:

۱. این ماده به دو وضعیت اولیه و ثانویه اشاره کرده است. وضعیت اولیه: رد معامله؛ صدر ماده به درستی فرض را بر رد معامله‌ای که بدون رعایت ترتیبات قانونی انجام شده است، تصریح داشته است و از این حیث دستگاه اجرایی ذی‌ربط مکلف به رد معامله مربوط است و اختیاری برای تنفیذ آن ندارد. وضعیت ثانویه: تنفیذ معامله؛ هرچند برای اداره، الزام قانونی برای رد معاملات مغایر قانون پیش‌بینی شده است؛ اما در ادامه قانونگذار تحت سه

شرط امکان تنفیذ «معامله غیرقانونی» را داده است: الف) در صورتی که رد عین آن میسر نباشد. ب) فروشنده از قبول رد امتناع ورزد. ج) در مورد خدماتی که انجام شده باشد.

۲. رعایت سقف مقرر در حدود اعتبارات موجود یا اعتبارات سال بعد دستگاه اجرایی مربوطه؛ هرچند قانونگذار تحت شرایط این ماده امکان تنفیذ معاملات غیرقانونی را داده است، اما ظاهراً برای جلوگیری از سوءاستفاده بیشتر برای چنین معاملاتی، سقفی را تعیین کرده و آن اینکه پرداخت ثمن معامله یا خدمت انجام شده فقط «در حدود اعتبارات موجود یا اعتبارات سال بعد دستگاه اجرایی مربوط» امکان پذیر است. از آنجاکه این گونه اعمال ذیل اعمال «اختیاری» فرض می شوند در نتیجه قانونگذار پرداخت وجوه مربوط به این گونه اعمال حقوقی را از طریق سازکار «پرداخت دیون دولت»، موضوع مواد (۸ و ۵۸) قانون محاسبات عمومی کشور نپذیرفته است.

مهمترین آثاری که این گونه قرارداد نسبت به طرفین معامله دارد به این شرح است:
اثر قرارداد نسبت به دولت: لازم الاجرا بودن قرارداد وفق منطوق ماده قرارداد در درجه نخست نسبت به دولت بدون اثر حقوقی است، مگر اینکه یکی از شرایط سه گانه گفته شده در فوق حادث شود که در این صورت قرارداد واجد اثر حقوقی لازم الاجرا خواهد بود و طرف دولتی قرارداد ملزم به اجرای تعهدات قراردادی اش خواهد بود. اما فرض آن است در چنین قراردادهایی تخلفی انجام شده است؛ در نتیجه اقدامات لازم برای تعقیب قانونی متخلف اجرایی خواهد شد. از این رو اگر مقامات مافوق دستگاه، مفاد چنین تکلیف قانونی را انجام ندهند مرتکب تخلف انتظامی شده و در چارچوب قانون رسیدگی به تخلفات اداری و مواد (۹۱ و ۹۲) قانون مدیریت خدمات کشوری بازخواست قانونی خواهند شد.

اثر قرارداد نسبت به طرف خصوصی قرارداد: جایز بودن قرارداد مطابق ماده (۹۲) قانون محاسبات عمومی، هرچند در درجه نخست، معامله نسبت به طرف خصوصی قرارداد نیز فاقد اثر حقوقی است اما اگر طرف خصوصی قرارداد رد معامله را نپذیرد یا خدمتی را برای دولت انجام داده باشد؛ در این صورت معامله انجام شده تلقی خواهد شد و دولت مکلف به انجام تعهدات قراردادی خود خواهد بود. ملاحظه می شود که پیمانکار از امکان رد تا تنفیذ قرارداد را برخوردار است.

۲. اصول نقض شده در نسبت مواد (۹۲ و ۷۹ تا ۸۹)

در حقوق مدرن حقوقدانان حقوق عمومی الزامات متعددی برای اعمال قراردادی دولت تعریف کرده‌اند (مولائی، ۱۳۹۹: ۴۸۸-۲۸۰؛ حبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۱۹). چنین فرض می‌شود که رعایت آنها در قراردادهای عمومی لازم‌الرعایه است و پرداختن به آنها موضوع این نوشتار نیست، بلکه به فراخور موضوع این مقاله به اصولی اشاره می‌شود که بیشترین پیوند را برای تبیین حقوقی رابطه بین ماده (۹۲) با مواد (۷۹ تا ۸۹) قانون محاسبات عمومی را دارند. از آنجاکه اعمال قراردادی دولت بر محوریت «اصل حکومت قانون» می‌چرخد؛ می‌توان از الزامات اصولی در این باره سخن گفت که رئوس آنها به این شرح است:

اصل صلاحیت: این اصل خوانش حقوق اداری از مفهوم «اصل حکومت قانون» در اداره است. بر این اساس اعمال کارگزاران دولتی بر مفهوم «اصل عدم صلاحیت» استوار است. به این معنا که دولت و کارگزارانش مکلف‌اند همه اعمال خود را بر قانون استوار کنند تا به این ترتیب اعمال خود را موجه‌سازی کنند. در این راستا فرض بر عدم صلاحیت کارگزار اداری خواهد بود مگر اینکه از قبل، قانون مجوز عمل را برای وی صادر کرده باشد؛ در غیر این صورت وی با پدیده «اصل عدم صلاحیت» روبه‌رو خواهد شد. در صورتی که قانونگذار به چنین مقامی صلاحیتی اعطا کرده باشد؛ ممکن است چنین صلاحیتی در دسته «صلاحیت‌های تکلیفی» باشد. در این صلاحیت به بیان آندره دولوبادر «قانون به مأمور اداری می‌گوید شما نمی‌توانید در موردی تصمیمی بگیرید مگر به دلیلی که قبلاً تعیین شده باشد؛ یعنی شرایط و اوضاع و احوال خاصی حتماً وجود داشته باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۴۱۰). معنای گزاره مذکور این است که کارگزاران دولت نمی‌توانند برخلاف صلاحیت قانونی‌شان، دست به انجام اعمال قراردادی بزنند. در غیر این صورت بر مبنای اصل عدم صلاحیت، چنین قراردادی از اساس محکوم به بطلان خواهد بود. این در حالی است که به صراحت ماده (۹۲)، قانونگذار به کارگزار دولتی در چارچوب ماده مذکور، اجازه اجرای اعمال قراردادی خلاف صلاحیت‌اش را داده است. مشخص است که مفاد این ماده مغایر با روح و فلسفه وجودی قراردادهای حقوق عمومی است.

اصل الزام به رعایت تشریفات قانونی: به یک معنای رعایت اصل حکومت قانون بر جنبه‌های فرایندمحوری

معاملات بخش عمومی متمرکز است (مولائی، ۱۳۹۹: ۴۴۰؛ مرکز مالمیری، ۱۳۸۵: ۶۶-۵۷). رعایت آیین‌های مقرر قانونی، از مقدمات لازم دولت قانونمدار صوری است، در غیر این صورت دولت و اعمال کارگزارانش به فضای دولت انتظامی سوق داده خواهد شد. برای پیشگیری از حدوث چنین وضعیتی، ارگان‌های بخش عمومی ناگزیرند الزامات شکلی پیش‌بینی شده در قانون را رعایت کنند. در غیر این صورت «بوروکراسی عمومی» به آن معنایی که مدنظر ماکس وبر است، فلسفه وجودی خود را از دست خواهد. در این راستا در دولت‌های قانونمدار، ضمانت‌اجراه‌های قانونی مختلفی در این باره پیش‌بینی می‌شود تا کارگزاران دولت خود را مقید به رعایت تشریفات قانونی کنند، در غیر این صورت مسئولیت متوجه آنها خواهد شد. بنابراین کارگزاران اجرایی و اداری دولت مکلف‌اند آن دسته از فرایندهای قانونی که قانونگذار از قبل پیش‌بینی کرده است را رعایت کنند و در صورت عدم رعایت چنین آیینی با وضعیت بحران عمل اداری روبه‌رو خواهند شد. امروزه در عموم نظام‌های حقوقی تخطی از تشریفات قانونی در ارتباط با قراردادهای عمومی، با امکان فسخ تا ابطال‌پذیری قرارداد روبه‌رو است (امامی و استوارسنگری، ۱۳۷۶: ۱۶۷-۱۶۶؛ مولائی، ۱۳۹۹: ۴۴۰؛ Neville and Bell, 1998: 205-206).

نگاهی به مواد موضوع بحث در مقاله حاضر گویای آن است که در فرایند اجرای معاملات دولتی، قانونگذار در ماده (۹۲) قانون محاسبات عمومی به کارگزار اجرایی اجازه عدول از تشریفات مقرر در مواد (۷۹ تا ۸۹) را داده و به این ترتیب فلسفه وجودی اصل مذکور را به محاق برده است.

ممکن است گفته شود که قانونگذار در جمله پایانی ماده از اصل تشریفات بودن معاملات دولتی و لزوم رعایت ترتیبات قانونی مقرر در مواد (۷۹ تا ۸۹) با به‌کارگیری عبارت «اقدامات فوق مانع تعقیب قانونی متخلف نخواهد بود» دفاع کرده است. ناگفته پیداست که این فرض درست نیست؛ چرا که این عبارت فقط ناظر بر وضعیت کسی است که الزامات شکلی پیش‌بینی شده در مواد (۷۹ تا ۸۹) را نقض کرده باشد و با نگاهی به عبارات میانی ماده مشاهده می‌شود که به صراحت آمده است: «در صورتی که رد عین آن میسر نبوده و یا فروشنده از قبول امتناع داشته باشد و همچنین در مورد خدمات انجام شده، مکلف

به قبول و وجه مورد معامله ... است». در نتیجه فرض بر صحیح بودن این‌گونه معاملات خلاف اصل تشریفات قانونی است.

۳. ناهمسویی مواد (۹۲ و ۷۹ تا ۸۹)؛ تحلیل از دیدگاه حقوق عمومی

اگر بتوان تفسیر را به عملی تعبیر کرد که در آن به «کشف معنای واقعی متن» (Cornu, 2005: 499) نائل می‌شویم؛ در این صورت ناگزیریم با طرح فرضی به کشف مقصود قانونگذار و نشان دادن خطای احتمالی متن برسیم. در بالا مشاهده شد که بین مواد (۹۲) و (۷۹ تا ۸۹) رابطه هماهنگی وجود ندارد. در نگاه اول، میان آنها رابطه تناقض مشاهده می‌شود. اما به نظر می‌رسد چنین ادعایی گزارف باشد در نتیجه ناگزیریم مطابق اصول تفسیر حقوق مدرن، فروض مختلفی را در اینجا طرح کنیم تا بتوان به نتیجه معقولی دست یافت؛ از این رو ناگزیر از تفسیر نسبت مواد مذکور هستیم. در کنار استفاده از اصول تفسیری حقوق مدرن، به نظر می‌رسد بتوان از رویکردهای تفسیری فقهی نیز استفاده کرد. در واقع، نظر به سیطره منطق فقهی در روش فهم حقوق مدرن در ایران بعد از انقلاب مشروطه، به نظر می‌رسد بتوان بنابر اقتضای حقوق عمومی از منطق فقه امامیه در این باره کمک گرفت؛ منوط به اینکه واژگان و اصطلاحات فقهی را به درون منطق حقوق عمومی سوق داد و آنها را مطابق اقتضائات و غایات حقوق عمومی مورد خوانش قرار داد تا به این ترتیب بتوان به ناهمسویی مواد بالا فائق آمد. رئوس مهمترین رویکردهای تفسیری به این شرح است:

فرض تناقض؛ تقابل ماده (۹۲) در برابر مواد (۷۹ تا ۸۹): به یک اعتبار فلسفی، تضاد به معنای «دو امر وجودی غیرمتضایف که در محل واحد، زمان واحد و از جهت واحد با یکدیگر» (مسعود، ۱۴۰۱ق: ۱۴۷) قابل جمع نیستند. مشخص است که قانونگذار در محل واحد (فضای قانون محاسبات عمومی)، زمان واحد (قانون سال ۱۳۶۶) و از جهت واحد (انجام معاملات دولتی) دچار تضاد شده است. بر مبنای این فرض می‌توان گفت که قانونگذار در بیان ارتباط مواد، دچار سردرگمی بوده و نتوانسته است رابطه منطقی و معقول مواد را حفظ کند؛ زیرا در ارتباط با چگونگی معاملات دولتی توأمان به صلاحیت تکلیفی دستگاه اجرایی در ماده (۷۹) و امکان نقض چنین صلاحیتی در ماده (۹۲) حکم کرده است. در

نتیجه ماده (۹۲) با بخش سوم از فصل دوم قانون رابطه متناقض دارد. دلیل اصلی چنین فرضی را باید رابطه به ظاهر متناقض منطوق ماده (۷۹ و ۹۲) قانون مذکور است و به لحاظ منطقی نمی‌توان این دو را در کنار هم پذیرفت. در این صورت باید گفت که این مواد با یکدیگر دچار رابطه تناقض هستند. بنابراین قانونگذار در اینجا دچار خطای سندنویسی شده که شایسته اصلاح است.

پذیرش این فرض فضای حکومت قانون را در مورد معاملات دولتی تقریباً منتفی خواهد کرد؛ چرا که این وضعیت قلمرویی را ترسیم می‌کند که در آن دستگاه‌های مربوطه در خصوص لزوم یا عدم لزوم اجرای قانون، دچار سردرگمی هستند به نحوی که همزمان دو مطلوبیت رعایت قانون و امکان عدم رعایت قانون در مورد معاملات دولتی پیش رویشان قرار می‌گیرد.

فرض تخصیص متصل؛ تخصیص معاملات جزئی در برابر معاملات بزرگ: در زبان فقه اصولگرا، تخصیص در معنای خارج کردن «حکم خاص» از «حکم عام» و اختصاص دادن کسی به چیزی آمده است. در این معنا اگر نتوان دلیل خاص و دلیل عام را جمع کرد و دلیل خاص در مقام تقابل، دلالتش آشکارتر از دلیل عام باشد، در این صورت بر دلیل عام مقدم خواهد بود و بعضی از افراد از حکم عام خارج خواهند شد. بنابراین با پدیده اخراج جزء از کل مواجهه هستیم. در نتیجه حکم می‌شود که گوینده حکیم (یعنی قانونگذار) از عام (مواد ۷۹ تا ۸۹)، غیر از خاص (ماده ۹۲)، اراده کرده است. از این رو با وضعیت «تخصیص متصل» مواجه هستیم که بر مبنای آن حکم به اخراج افراد خاص از شمول حکم عام داده شده است (غروی نائینی، ۱۴۱۹ق: ۱۶۲؛ میرزای قمی، ۱۳۷۸: ۲۴۱). در مقام تطبیق مصداق با مفهوم، می‌توان فرض کرد از آنجاکه معاملات دولت در چارچوب ماده (۸۲) به سه نوع جزئی، متوسط و عمده تقسیم شده است؛ در مقام تطبیق مواد مذکور با همدیگر، معاملات «کم‌اهمیت» در چارچوب ماده (۹۲) قرار داشته و معاملات پراهمیت در چارچوب مواد (۷۹ تا ۸۹) قابل اجراست. براساس این فرض، معاملات «جزئی» و «متوسط» (ماده ۸۲) قابل اجرا در چارچوب ماده (۹۲) بوده؛ اما معاملات «عمده» (ماده ۸۲) باید در چارچوب مواد (۷۹ تا ۸۹) عملیاتی شود. یا اینکه معاملات جزئی در چارچوب ماده (۹۲) و معاملات متوسط و عمده در چارچوب مواد (۷۹ تا ۸۹) اجرایی شوند. از

نقطه نظر تفسیر اصولی، این وضعیت به «تخصیص متصل» قابل تعبیر است و چنین به نظر می‌رسد که با استفاده از مفهوم تخصیص بتوان گفت که قانونگذار در ماده (۹۲) دست به تخصیص مواد مذکور زده است.

پذیرش این فرض از نقطه نظر روش تفسیر حقوق اداری مفسده‌انگیز است چرا که در حقوق اداری هنجارگرا، پذیرش سازوکاری که زمینه‌ساز عدول از اصل حکومت قانون باشد قابل پذیرش نیست. به این دلیل که مفهوم حکومت قانون، ستون خیمه حقوق اداری هنجارگراست و چالش در آن بحران در کارآمدی سیستم را در پی خواهد داشت؛ بنابراین نباید در عالم نظر زمینه را برای زمانه عمل خودسرانه و دلبخواهی بودن فراهم کرد. همچنین منطقی نیست قانونگذار یک بخش از قانونی را که با صرف هزینه زیاد تصویب کرده و در آن راه‌های فسادآلود را مسدود کرده است به یکباره در مورد جزئی، ولو قرارداد جزئی و کم‌اهمیت باز بگذارد. البته اگر چنین باشد نزد خردمندان جامعه قابل دفاع نبوده و مورد نکوهش قرار خواهد گرفت.

فرض نسخ؛ انتفای بخش سوم از فصل دوم توسط ماده (۹۲): در اصول فقه از جمله سازوکارهای مورد استفاده در نسبت‌سنجی مفاهیم قاعده «نسخ» است. این مفهوم عموماً در اصطلاح فقهی به این معناست که اگر نتوان بین دو حکم قائل به جمع آنها شد، حکم به الغای احکام و جانشینی آنها با احکام دیگر شریعت داده خواهد شد (شاکر، ۱۳۸۷: ۲۸۶). اگر بتوان این منطق را به حوزه حقوق عمومی وارد کرد، باید گفت «نسخ» به معنای «انتفای کاربرد یک نهاد است که به این وسیله موضوعیت آن با ظهور نهاد جدید به پایان می‌رسد». در خصوص امر قانونگذاری نیز با ظهور اراده جدید قانونگذار در خصوص یک موضوع معین، اراده قدیم کنار گذاشته می‌شود که به نسخ معروف است. بر مبنای فرض نسخ می‌توان گفت از آنجاکه ماده (۹۲) در ادامه مواد (۷۹ تا ۸۹) برای موضوع واحد، یعنی «معاملات دولتی» آمده است و نظر به عدم امکان جمع آنها این ماده مقابل آنها آمده است. در نتیجه ماده متأخر، مواد مقدم را تا آنجا که به این ماده مربوط است، نسخ کرده است. در نتیجه دلیل لاحق، دلیل سابق را نسخ کرده است و از آنجاکه موضوع همه آنها واحد است؛ نمی‌توان از قاعده «عام سابق» در برابر «خاص لاحق» استفاده کرد.

پذیرش این فرض می‌تواند فلسفه وجودی معاملات دولتی را در چارچوب قانون محاسبات عمومی موضوعاً منتفی کند. در این صورت به درستی می‌توان این سؤال معقول و منطقی را مطرح کرد که آیا قانونگذار کار عبث می‌کند؟ اگر پاسخ مثبت باشد باید با استفاده از مفهوم «نسخ ضمنی» در برابر «نسخ صریح» گفت که در اینجا قانونگذار دست به نسخ ضمنی مواد پیش‌گفته زده است. از یک دیدگاه ممکن است چنین فرضی درست باشد؛ چرا که قانونگذار نخست در مواد (۷۹ تا ۸۹)، تشریفات قانونی مربوط به چگونگی انجام معاملات دولتی را تعیین کرده و سپس در ماده (۹۲) به ارگان مربوطه اجازه نقض آن ترتیبات و عمل برخلاف تشریفات مقرر قانونی را در انجام معاملات داده است. با بررسی فروض دیگر مشاهده می‌شود که این فرض نیز قابل پذیرش نیست، چرا که منطقی نیست قانونگذار یک بخش از قانونی را که با هزینه زیاد و مشقت خاصی تصویب کند و بلافاصله آن را نسخ کرده باشد. در واقع از نقطه نظر منطقی، قانونی که در زمان واحد به تصویب رسیده است دلیلی ندارد اجزای مختلفش همدیگر را نسخ کنند مگر اینکه اهداف پنهان غیر حقوقی در پس چنین عملیاتی نهفته باشد. بنابراین نمی‌توان با استناد به قاعده نسخ ادعا کرد که قانونگذار در ماده (۹۲)، بخش سوم از فصل دوم را نسخ کرده است.

البته اگر قائل به فرض نسخ ضمنی باشیم در این صورت به درستی فلسفه قانونگذاری از بن به محاق خواهد رفت و اگر پاسخ منفی باشد در این صورت چون از قانونگذار خردمند، انتظار تصویب مواد قانونی عبث و بیهوده نمی‌رود در نتیجه، ناگزیر باید گفت قانونگذار از تصویب مواد (۷۹ تا ۸۹) به دنبال مقصودی بوده است. اما اینکه مقصود چیست؟ پاسخ این است که تصویب این مواد برای آن است که معاملات دولتی در چارچوب آنها عملیاتی شود. پس تکلیف ماده (۹۲) چیست؟

شاید بتوان با استفاده از دو مفهوم «نسخ جزئی» در برابر «نسخ کلی»، تکلیف قضیه را مشخص کرد. آیا همه انواع معاملات دولت باید در چارچوب مواد (۷۹ تا ۸۹) اجرایی شود؟ اگر پاسخ مثبت دهیم، معضلات گفته شده همچنان باقی خواهد ماند. اما اگر پاسخ منفی داده شود در این صورت با استعانت از معیار نسخ جزئی در برابر نسخ کلی، می‌توان گفت چنین فرض می‌شود که قانونگذار در ماده (۹۲)، شرایط مترتب در مواد (۷۹ تا ۸۹)

رانه به صورت «کلی» بلکه به صورت «جزئی» نسخ کرده است. اما اینکه ماده (۹۲) کدام بخش از شرایط تعیین شده در مواد مذکور را نسخ کرده است؟ با در نظر گرفتن فلسفه وجودی تشریفات در قراردادهای عمومی ناگزیر باید گفت که در این ماده، امکان عدول از شرایط پیش بینی شده در مواد (۷۹ تا ۸۹) در ارتباط با قراردادهای جزئی، تحت شرایطی امکان پذیر است و به این وسیله مقصود از نسخ جزئی محقق شده است بدون اینکه بتوان حکم به تضاد این مواد داد.

توضیحات فوق نشان می‌دهد که این قاعده تا چه اندازه در اینجا ناکارآمد و مفسده‌انگیز است. بنابراین باید در دانش حقوق اداری در مقام استفاده از روش تفسیر غیر از حقوق اداری، کمال احتیاط را داشت و به‌کارگیری این روش در اینجا نشان‌دهنده آن است که این قاعده را نمی‌توان در اینجا به کار برد.

فرض قراردادهای حقوق عمومی در برابر قراردادهای حقوق خصوصی: در سنت حقوق رومی - ژرمنی از جمله معیارهای تقسیم‌بندی حقوق، معیار حقوق عمومی در برابر حقوق خصوصی است. این تقسیم‌بندی هرچند ریشه در رم باستان دارد؛ اما در قرون اخیر با به‌کارگیری جدی آن توسط حقوقدانانی همچون رنه داوید فرانسوی، این معیار در محور مباحث حقوقدانان این سنت قرار گرفت. هرچند که دادگاه لردان انگلستان در نهایت در سال ۱۹۸۲ این تقسیم‌بندی را پذیرفت. می‌توان گفت در وضعیت کنونی، این معیار در حقوق مدرن از جایگاه تثبیت شده‌ای برخوردار است.

در خصوص چگونگی قابلیت اعمال این معیار می‌توان گفت بر مبنای این معیار، قانونگذار در قانون محاسبات عمومی با درک واقعیت ناظر بر لزوم استفاده از هر دو نوع قراردادهای حقوق عمومی و قراردادهای حقوق خصوصی به دولت اجازه داده است به فراخور نیازهایش از یکی از سازوکارهای مذکور استفاده کند. در ارتباط با قراردادهای عمومی، دولت مکلف است اعمال قراردادی اش را صرفاً در چارچوب مواد (۷۹ تا ۸۹) منعقد کند. اما اعمال قراردادی حقوق خصوصی، دولت یا قراردادهایی که دولت در مقام حقوق خصوصی آنها را منعقد می‌کند؛ می‌تواند در چارچوب ماده (۹۲) باشد. البته در صورت نبود مجوز بودجه‌ای یا نقض ضوابط قانونی با متخلف برخورد قانونی خواهد شد.

مهمترین ایراد این فرض، عدم مطابقت آن با منطوق ماده (۹۲) است. چراکه در این ماده مطلقاً به دستگاه اجرایی مربوطه، اجازه عدول و تخلف از قانون در اعمال قراردادی اش به صراحت داده شده است. در نتیجه امکان اعمال فرض بالا در اینجا وجود ندارد. بر این اساس می‌توان گفت از دیدگاه حقوقی، این رویکرد تفسیری نیز در مقام نسبت‌سنجی مواد (۷۹ تا ۸۹) با ماده (۹۲) قابلیت اعمال دقیق ندارد؛ چراکه در قراردادهای حقوق خصوصی همه شرایط اساسی قرارداد بر الزامات پیش‌بینی شده در ماده (۱۹۰) به بعد قانون مدنی استوار شده است. این در حالی است که در ماده (۹۲) قانون محاسبات عمومی، الزامات فراتری تعیین شده است.

نگرش حقوق خصوصی به ماده (۹۲) مذکور از دیدگاه برخی حقوقدانان حقوق عمومی نیز مورد پشتیبانی قرار گرفته و چنین آمده است: «عدم صلاحیت مأمور موجب عدم نفوذ معامله است اما موجود نبودن مجوز بودجه‌ای (عدم اعتبار) موجب عدم نفوذ معامله نیست» (امامی و استوارسنگری، ۱۳۹۱: ۱۸۰). مشخص است که از جمله مصادیق مفهوم «عدم صلاحیت مأمور دولتی» و «نبودن مجوز بودجه‌ای» است. بنابراین رابطه آنها از نوع نسبت مفهوم و مصداق بوده که با نسبت منطقی عموم و خصوص مطلق قابل تحلیل است. بنابراین این‌گونه مرزبندی ناصواب و تعیین پیامد جداگانه برای مفهوم واحد، محل تأمل جدی است. در واقع می‌توان گفت به همان دلیلی که عدم صلاحیت موجب بطلان قرارداد عمومی است، عدم اعتبار و فقدان مجوز بودجه‌ای نیز همان نتیجه را در پی خواهد داشت. هرچند که قانونگذار مالی در ماده (۹۲) این‌گونه نوشته نشده است.

فرض حکومت «استثناء» بر «اصل»: از جمله ضوابط مطرح شده نزد علمای اصولی، اصل «ما مِنْ عَامٍّ إِلَّا وَقَدْ حُضَّ» است. مطابق این قاعده هیچ عامی نیست مگر اینکه استثنایی داشته باشد. معنای حقوقی این است که هیچ قانونی نیست مگر اینکه استثنایی داشته باشد. بر این اساس می‌توان گفت که حکم ماده (۹۲) ناظر بر وضعیت استثنایی است و قانونگذار تحت شرایط استثنایی، اجازه داده است از حکم عام، یعنی از ضوابط مواد (۷۹ تا ۸۹) عدول شود. دو برداشت از گزاره «هیچ قانونی نیست مگر اینکه استثنایی داشته باشد» قابل استخراج است.

برداشت اول: هیچ حکم عام قانونی نیست مگر اینکه استثنايي داشته باشد.

برداشت دوم: هیچ قانونی نیست که نتوان حکم آن را در شرایط استثنایی متوقف کرد.

ناگفته پیداست که برداشت اول ناظر بر گزاره‌ای است که به طور اطلاق، هم حکم عام و هم حکم خاص، در فضای حقوق و قانون قرار دارند. اما برداشت دوم حکم خاص را از محدوده‌های حقوق و قانون خارج می‌کند. این در حالی است که در حقوق مدرن نقاط «بدون حقوق» در دولت حقوقی وجود ندارد. چرا که همگان محاط در حقوق اند و حوزه غیر حقوقی قابل تصور نیست. حال اگر قائل به برداشت اول باشیم، ایراد حقوقی جدی نمی‌توان وارد کرد. اما مشکل در منطوق ماده (۹۲) است که آشکارا به دستگاه مربوطه مجوز قانونی تخلف از قانون را داده است. در نتیجه این فرض با مشکل مواجه است. در مقابل اگر قائل به برداشت دوم باشیم در این صورت خواهیم گفت از آنجاکه در ماده (۹۲) به صراحت به «عدم رعایت مقررات این قانون» تصریح شده است؛ بنابراین به وضعیتی اشاره دارد که در آن کارگزار از محدوده «حقوق و قانون» خارج می‌شود و عمل قراردادی اش بر رفتار خودسرانه و دلبخواهی استوار می‌شود. در نتیجه چنین قاعده‌ای را نمی‌توان در مقام تفسیر مواد قانونی حقوق عمومی به کار بست، چرا که مفسده‌انگیز بوده و چالش‌زا خواهد بود.

توضیحات بالا در مورد این فرض، همانند فروض دیگر، در چارچوب روش‌شناسی تفسیر در حقوق اداری قابل پذیرش نیست. چرا که نمی‌توان روش تفسیری را تجویز کرد که در راه برای گریز از قانون به دست قانون‌شکنان بیفتد و اگر چنین اتفاقی بیفتد بی‌تردید در چنین لحظه‌ای روش تفسیر فقهی موجب شده است از مرزهای حقوق اداری خارج شویم.

فرض خلط منطق حقوق خصوصی با منطق حقوق عمومی: به یک اعتبار می‌توان گفت که مواد (۷۹ تا ۸۹) به درستی بر منطق حقوق عمومی استوارند و در برابر ماده (۹۲) به غلط بر منطق حقوق خصوصی استوار هستند. اما نکته کلیدی این است که همه این مواد دنبال یک غایت هستند. در نتیجه دولت ناگزیر است برای غایت واحد، مسیرهای مختلفی را طی کند. چنین رویکردهای متعارضی در مورد موضوع واحد، فضا را بر ابهام‌آلودی قلمروی قراردادهای دولتی فراهم کرده است.

برای برون رفت از چنین وضعیت مبهمی، می توان اعمال قراردادی دولت را به اعمال قراردادی خصوصی و عمومی تقسیم کرد و چنین فرض کرد که مجوز قانونی معاملات بخش عمومی دولت، مواد (۷۹ تا ۸۹) است و دولت در چارچوب این مواد از صلاحیت برگزاری مناقصه یا مزایده برخوردار است. در مقابل مجوز قانونی دولت برای انعقاد قراردادهای خصوصی، ماده (۹۲) است. ناگفته پیداست که این فرض بر منطق حقوق خصوصی استوار شده است و به پشتوانه اصول کلی قراردادها، به ویژه ماده (۱۹۰) به بعد قانون مدنی، دستگاه اجرایی که برای انجام معاملاتش از بودجه ارتزاق می کند اگر قراردادی در مقام شخص خصوصی منعقد کند و آن دستگاه چارچوب مواد (۷۹ تا ۸۹) را نقض کند؛ در این صورت، معاملات اداره در چارچوب ماده (۹۲) قابل عملیاتی شدن خواهد بود. مشخص است این تفسیر بیش از حد غریب جلوه می کند. چرا که نزد خردمندان جامعه پذیرفته نیست که قانونگذار آشکارا مسیر غیرقانونی برای نیل به اهداف قانونی تعریف کند و این شیوه از قانون نویسی نقض غرض بوده و با سبک قانون نویسی شایسته فاصله معناداری دارد. چرا که یکی از مشخصه های قانون نویسی شایسته، توجه به هماهنگی درونی مواد قانونی یک سند است و بایسته نیست که موادی از قانون از یک فضا (یعنی قلمروی حقوق عمومی) و مواد دیگر از فضای دیگر (یعنی ساحت حقوق خصوصی) ارتزاق کند.

اما پاشنه آشیل دسته بندی بالا این است که معیار مشخصی برای مرزبندی دقیق و شفاف میان آنها و اعمال مربوط به قراردادهای عمومی و معاملات خصوصی دولت موجود نیست و در پاسخ به اینکه کدام یک از قراردادهای دولت، خصوصی اند و کدام یک عمومی اند؟ نمی توان راهکار معینی ارائه داد. مسئله این است که پاسخ شفافی در این خصوص در قوانین مربوطه وجود ندارد و حتی میان حقوقدانان نیز پاسخ عینی، اجماعی و شفافی وجود ندارد.

در نتیجه ناگزیر از پذیرش فرض خلط منطق حقوق خصوصی در برابر منطق حقوق عمومی در معاملات دولتی هستیم. قانونگذار در ظاهر معاملات دولتی را همانند هر قرارداد دیگری از اساس بر مفهوم اصل حاکمیت اراده و اصل حاکمیت آزادی قراردادی و اصل رضایی بودن فرض کرده و چنین فرض شده است که عموم قراردادهای منعقد شده

از جمله معاملات دولتی با داشتن مختصات محوری قانون مدنی (یعنی مواد ۱۹۰) به بعد قانون مدنی) صحیح هستند و طرفین قرارداد مکلف به اجرایی کردن مفاد قراردادند.

این در حالی است که در معاملات دولتی اولاً، شرایط اساسی قراردادهای عمومی متفاوت از قراردادهای مدنی است و این موضوع به کرات توسط حقوقدانان به بحث گذاشته شده است (شمعی، ۱۳۹۳: ۳۱۶-۱۷۳؛ انصاری، ۱۳۸۰: ۶۴-۵۵). ثانیاً، در معاملات دولتی کارگزار دولت به نمایندگی از منافع عمومی، قرارداد را منعقد می‌کند و اگر بتوان در اینجا با تساهل برای نهاد «وکالت» در حقوق مدنی با نهاد «نماینده» در حقوق عمومی هم‌نشینی کارکردی نظیر عمل «به نام و حساب اصیل در انعقاد قرارداد» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵۴) فرض کرد؛ حتی وکیل یا نماینده نمی‌تواند بدون رعایت غبطه موکل یا منافع عمومی، قراردادی را منعقد و به این وسیله ذمه موکل خود را مشغول سازد. اینکه چرا قانونگذار مجوز عدول از قانون، هرچند جزئی را برای کارگزار داده است؟ محل تأمل جدی است و پاسخ این است که قانونگذار دچار خطای راهبردی شده است. ثالثاً، در اینجا قانونگذار از منطق حقوق خصوصی هم فراتر رفته است؛ چرا که در حقوق خصوصی اگر وکیل غبطه موکل را رعایت نکند، مسئولیت به پای وکیل خواهد بود. همچنین اگر وکیل بدون اذن موکل اقدامی را انجام دهد برای اصیل التزامی نداشته و به عنوان عمل فضولی فرض شده و در صورت تنفیذ موکل، معامله برای اصیل دارای نفوذ حقوقی خواهد بود (امامی، ۱۳۷۹: ۲۶۴ به بعد؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۷۴ به بعد). این در حالی است که حتی آنجا که نماینده، غبطه دستگاه اجرایی و منافع عمومی را با نقض مقررات رعایت نکرده باشد و در ارتباط با انعقاد قرارداد، اذنی نداشته باشد؛ باز هم تعهدات قراردادی برای دستگاه اجرایی الزام‌آور خواهد بود. در واقع این‌گونه سندنویسی مشخص نیست در کدام فضا و منطق نوشته شده است.

نکته ناامیدکننده این است که مقررات اجرایی مواد مذکور در ادامه همان منطق حقوق خصوصی قرار داشته و نتوانسته‌اند خود را از دام چنین منطقی رها کنند. در بند «الف» ماده (۵) «دستورالعمل اجرایی مربوط به دیون بلامحل به شماره ۸۲۹۱/۵۵۵۶/۵۶-۵۶/۴/۲۱-۱۳۶۷» مصوب وزارت امور اقتصادی و دارایی آمده بود: هرگونه دیون اختیاری و «به طور کلی تعهداتی که به طور اختیاری، زائد بر اعتبار مصوب و یا برخلاف مقررات» برای دستگاه‌های مربوطه،

ایجاد شده باشد از شمول این سند و مواد (۸ و ۵۸) قانون محاسبات عمومی خارج شده و رسیدگی به آنها در چارچوب مواد (۹۲ و ۹۳) این قانون فرض شده است. مدلول این قانون نیز گویای آن است که مقامات وزارت اقتصاد همانند قانونگذار، قراردادهای دولتی را صرفاً نهادهای رضایی و مبتنی بر اصل حاکمیت اراده فرض کرده‌اند؛ بدون اینکه درک صحیحی از مفهوم این‌گونه قراردادها و الزامات و شرایط اساسی مترتب بر این قراردادهای دولتی داشته باشد. در نتیجه به صرف عمل خلاف قانون کارگزار اداری، فضا برای تهدید و تحدید حدود منافع عمومی فراهم است؛ چرا که تعهدی که از طریق انعقاد قرارداد خلاف قانون توسط کارگزار اجرایی برای دولت ایجاد شده است امری اختیاری و در چارچوب مقتضیات حقوق خصوصی درک شده است.

نکته انحرافی این قانون عبارت پایانی بند مذکور است که مقرر داشته بود: «ذی حساب موظف است پرداخت هرگونه وجهی در ارتباط با مواد (۹۲ و ۹۳) قانون مذکور را همزمان به وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات کشور گزارش کند». این بند فاقد کارایی لازم و مؤثر برای کنترل اعمال کارگزاران اجرایی به شمار می‌آید؛ چرا که بر ابزارهای کنترلی پسینی استوار شده بود. نکته قابل تأمل تر اینکه دستورالعمل مذکور در سال ۱۳۹۴ با «دستورالعمل اجرایی مربوط به دیون بلامحل موضوع مواد (۸ و ۵۸) قانون محاسبات عمومی کشور (بخشنامه شماره ۵۶/۴۹۶۶۶ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی)»^۱ به صراحت «کأن لم یکن»^۲ تلقی شده است. به رغم اینکه در ماده (۱۲)

۱. نکته حقوق اداری سند فوق این است که دستورالعمل مذکور در قالب «بخشنامه» توسط «معاون نظارت مالی و خزانه دار کل کشور» صادر شده و دستورالعمل سال ۱۳۶۷ وزیر اقتصاد را نسخ کرده است. البته مبنای مشروعیت اصدار این دستورالعمل به «تفویض اختیار شماره ۵۶/۹۹۷۱۹ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ وزیر امور اقتصادی و دارایی» مستند شده است. اینکه آیا چنین تفویض اختیاری از منظر حقوق اداری قابل پذیرش است یا خیر؟ پاسخ منفی است. چرا که از جمله عناصر و شروط تفویض اختیار این است که اختیار تفویض شده از امور «نوعی»، «مهم» و «قائم به شخص تفویض‌کننده» نباشد و چون اصدار بخشنامه از امور «نوعی»، «مهم» و «قائم به شخص وزیر» است، این‌گونه تفویض اختیار محل تردید جدی بوده و غلط است.

۲. نکته حقوقی دیگر این مقرر، واژه‌پردازی غلط در این سند است. در سند اخیر به جای استفاده از واژه «نسخ» از عبارت «کأن لم یکن» استفاده شده است. مشخص است که در اینجا منظور همان «نسخ» است؛ اما به دلیل فقر دانش حقوق در دستگاه‌های اجرایی به اشتباه عبارت مذکور به کار گرفته شده است. شایسته است دستگاه‌های اجرایی در مقام سندی‌نویسی دقت بیشتری داشته باشند و دانش حقوق را جدی بگیرند.

قانون اخیرالتصویب مفاد موارد گفته شده در بالا تکرار شده است؛ اما عبارت پایانی بند مذکور حذف شده است؛ هرچند تخلفی در این خصوص رخ نداده است. در نتیجه حتی ذی حساب موظف به گزارش تخلف انجام شده در چارچوب مواد (۹۲ و ۹۳) قانون محاسبات عمومی به نهادهای ذی صلاح نیست. اینکه چرا چنین اصلاحیه‌ای بر مقررات اجرایی بالا وارد شده است، نظر به عدم دسترسی به سوابق مباحث مطروحه در مورد بخشنامه مذکور، امکان اظهار نظر حقوقی با امتناع روبه‌رو است. اما آنچه از دیدگاه حقوق عمومی مسجل است آنکه چنین اصلاحیه‌ای با منطق حقوق عمومی همسو نیست؛ زیرا در فضای حقوق عمومی اعمال کارگزاران در همه عرصه‌ها (همچون اعمال قراردادی) مشمول اصول نظارت و پایش است و مشخص نیست چرا اینجا پایش ذی حساب رانسخ کرده است.

۴. فرض صواب در مورد مواد بالا

در میان فروض ۶گانه بالا به نظر می‌رسد فرض اخیر (فرض خلط منطق حقوق خصوصی با منطق حقوق عمومی) به صواب نزدیک باشد؛ چراکه منطق و استدلال حاکم بر این فرض مستحکم‌تر است. با این حال باید توجه داشت معیار تفکیک حقوق به حقوق عمومی و حقوق خصوصی توسط برخی از حقوقدانان به چالش کشیده شده است (گرچی، ۱۳۸۸: ۱۸۲-۱۴۱؛ مشهدی، ۱۳۹۴: ۱۹۳-۱۸۱). حتی فیلسوفی همچون هابرماس با استدلال خاص خودش از «عمومی شدن حقوق خصوصی» و «خصوصی شدن حقوق عمومی» سخن گفته است (هابرماس، ۱۳۸۴: ۲۴۳)؛ چرا که از یکسو بخشی از وظایف دولت به بنگاه‌ها، مؤسسات و آژانس‌های نیمه‌رسمی و شرکت‌های خصوصی در حال واگذار شدن بوده و از سوی دیگر دولت در پرتو اندیشه‌های مداخله‌گرانه به حوزه اعمال تصدی ورود کرده است (مشهدی، ۱۳۹۴: ۱۹۰). این در حالی است که فرض نوشتار حاضر بر «عدم امکان از هم پاشیده شدن مرزهای این دو دانش از همدیگر» استوار است، هرچند نمی‌توان از استدلال‌های قدرتمند در خصوص نزدیک شدن و چه بسا در مواردی امتزاج این دو دانش در برخی حوزه‌ها چشم پوشید، اما نمی‌توان پذیرفت که مرز این دو دانش به پایان راه رسیده است.

هرچند تفکیک آکادمیک میان حقوق خصوصی و حقوق عمومی به نیمه قرن بیستم

برمی‌گردد؛ اما تاریخ زایش این تفکیک به دنیای باستان و حقوق رم پیوند می‌خورد که در جهان مدرن با تصویب کد ناپلئونی در سنت رومی ژرمنی مورد توجه دوباره قرار گرفت و امروزه نیز معیاری اساسی برای تقسیم‌بندی حقوق به شمار می‌آید. بر مبنای چنین استدلالی می‌توان گفت که همچنان در معاملات دولتی نظر به پیگیری منافع عمومی دولت در این‌گونه قراردادها، فضای حاکم بر چنین اعمال قراردادی لاجرم در ساحت حقوق عمومی قرار دارد؛ چرا که غایت حقوق عمومی تأمین مصالح عمومی و منافع عامه است اما در حقوق خصوصی طرفین قرارداد به دنبال نفع خصوصی خودشان هستند. در نتیجه شایسته و بایسته است که ماده (۹۲) بر ماهیت قواعد حقوق عمومی گره بخورد و به این وسیله فحواى ماده بر «آمره بودن» استوار باشد. به این معنا که حتی با توافق و اراده طرفین قرارداد، نتوان عملی را برخلاف آن انجام داد. چرا که دولت حتی در لحظه انعقاد قرارداد، به ویژه در معاملات دولتی، نمی‌تواند از شأن «حکومتی» کوتاه بیاید، چرا که پیوسته با حاکمیت و اقتدار پیوند گسست‌ناپذیری دارد. اما مشاهده می‌شود که ماده مذکور سازوکار بالا را به حاشیه برده است و از حیث اصول قانونگذاری به فضای حقوق خصوصی غلتیده است که خروجی آن امکان تحمیل تعهدات قراردادی طرف خصوصی قرارداد بر طرف عمومی قرارداد است. در این میان مشخص نیست که دولت در لحظه کوتاه آمدن نسبت به تعهدات قراردادی اش در برابر طرف قراردادی اش چگونه می‌خواهد و می‌تواند از منافع عمومی دفاع کند؟ مبرهن است این است که در اینجا فضایی برای توسل دولت به ظرفیت اقتداری پیش‌بینی نشده است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر در پی طرح معضلی بود که قانونگذار مالی ایران خواسته یا ناخواسته پیش روی کارگزاران اجرایی نظام قرار داده است. همچنین مشاهده شد که تا چه اندازه نسبت مواد (۷۹ تا ۸۹) با ماده (۹۲) در مقام اجرا چالش‌زاست. به عنوان دستاورد کلی می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

۱. تحلیل‌های بالا نشان می‌دهد که تا چه اندازه فضا برای تحلیل مواردی از این دست

گسترده و متنوع است. بی تردید تحلیل‌های دیگری قابل طرح هستند که نظر به محدودیت واژگانی مقاله، امکان پرداختن به آنها نبود و در اینجا به مهمترین و شایع‌ترین آنها بسنده شد. ۲. توضیحات مقاله حاضر نشانگر آن است که «قانونگذاری بد» از «نبود قانون» بدتر است؛ چرا که قانونگذاری بد فضای ابهام‌آلودی را ایجاد می‌کند که موجب سردرگمی حقوقدانان، کارگزاران اداری، کارگزاران اجرایی، مقامات قضایی و نهادهای نظارتی می‌شوند و اتفاقاً در لحظه‌ای که آنها درگیر طرح فروض گوناگون راجع به یک موضوع واحد هستند، مفسدان در حال عملیاتی کردن نیات نامشروع خود هستند. چرا که فساد همیشه از روزنه‌های تنگ و مه‌آلود وارد سیستم می‌شود.

۳. به نظر می‌رسد ریشه ابهام در مواد مذکور در نوع نگرش نهفته باشد. به این صورت که قانونگذار در مواد (۷۹ تا ۸۹) به درستی به لزوم رعایت الزامات حقوق عمومی توجه کرده است اما در ادامه و در ماده (۹۲) در دام نگرش حقوق خصوصی گرفتار شده و در نتیجه به غلط به اعمال قراردادی مغایر حقوق عمومی، مجوز تنفیذ صادر کرده است.

۴. از آنجاکه ماده (۹۲) در چارچوب دیدگاه حقوق خصوصی تصویب شده است، میان این ماده با سایر مواد این قانون که در فضای حقوق عمومی و با تکیه بر منطق و دیدگاه حقوق عمومی تصویب شده‌اند نوعی ناهماهنگی در روش و هدف مشاهده می‌شود. این وضعیت فضا را برای فسادآلود شدن معاملات دولتی در چارچوب ماده (۹۲) قانون محاسبات عمومی فراهم کرده است و به این ترتیب سیستم معاملات دولتی را به حاشیه برده است. مشخص است که چنین روزنه فسادزایی، بحران در کارآمدی و کارایی قانون محاسبات عمومی را در پی خواهد داشت. از این رو ریل‌گذاری قانونگذار مالی ایران در خصوص معاملات دولتی با چالش روبه‌رو است.

۵. به نظر می‌رسد قانونگذار در خصوص نسبت مواد (۷۹ تا ۸۹) و (۹۲)، فهم درستی از ادبیات حقوق عمومی نداشته است. در نتیجه پیشنهاد می‌شود تکلیف این ماده روشن و این خطای راهبردی جبران شود. مناسب‌ترین راهکار نیز حذف ماده مذکور است، زیرا به غلط فرض می‌شود که مفسده‌های کوچک پیامد جدی برای اداره ندارند. فساد از روزنه‌های تنگ و به ظاهر غیر مهم وارد سیستم می‌شود و در زمان مقتضی سیستم را آلوده و یا دست‌کم ناکارآمد می‌کند.

منابع و مآخذ

۱. امامی، سیدحسن (۱۳۷۹). حقوق مدنی، جلد ۱، تهران، انتشارات اسلامیه.
۲. امامی، محمد و کورش استوارسنگری (۱۳۷۶). «اصول حاکم بر تنظیم و انعقاد قراردادهای دولتی»، مجله کانون وکلا، دوره جدید، ش ۱۱.
۳. _____ (۱۳۹۱). حقوق اداری، جلد دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۴. انصاری، ولی الله (۱۳۸۰). کلیات حقوق قراردادهای اداری، تهران، نشر حقوقدان.
۵. حبیب زاده، محمدکاظم (۱۳۹۰). اصول حاکم بر قراردادهای دولتی، تهران، انتشارات جاودانه.
۶. رستمی، ولی (۱۳۹۴). «تعدیل در قراردادهای اداری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، ش ۲.
۷. «دستورالعمل اجرایی مربوط به دیون بلامحل به شماره ۵۶/۸۲۹۱/۵۵۵۶/۴/۲۱-۱۳۶۷»، مصوب وزیر امور اقتصادی و دارایی.
۸. «دستورالعمل اجرایی مربوط به دیون بلامحل موضوع مواد (۸ و ۵۸) قانون محاسبات عمومی کشور، (بخشنامه شماره ۵۶/۴۹۶۶۶ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی)»، مصوب معاون نظارت مالی و خزانه دار کل کشور.
۹. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۷). علوم قرآنی، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه قم.
۱۰. شمعی، محمد (۱۳۹۳). حقوق قراردادهای اداری، تهران، انتشارات جنگل.
۱۱. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۸). حقوق اداری، تهران، سمت.
۱۲. عباسی، بیژن و سیدمجتبی حسینی الموسوی (۱۳۹۶). «قراردادهای اداری از منظر فقه مذاهب اسلامی»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی فقه مقارن، سال پنجم، ش ۱۰.
۱۳. غروی نائینی، میرزامحمد حسین (۱۴۱۹ق). اجود/التقریرات، جمع آوری سیدابوالقاسم خوئی، قم، مؤسسه صاحب الامر (عج).
۱۴. قانون برگزاری مناقصات، مصوب ۱۳۸۳.
۱۵. قانون محاسبات عمومی کشور، مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۷. گرجی، علی اکبر (۱۳۸۸). «حقوق عمومی و حقوق خصوصی: دوگانگی یا یگانگی؟»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۱، ش ۴۷.

۱۸. مرکز مالمیری، احمد (۱۳۸۵). *حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۹. مسعود، سعدالدین (۱۴۰۱ق). *شرح المقاصد تفتازانی*، جلد اول، پاکستان، نشر دارالمعارف المتعالیه.

۲۰. مشهدی، علی (۱۳۹۴). «از عمومی شدن حقوق عمومی تا خصوصی شدن حقوق عمومی؛ مشروعیت و قلمرو مداخله دولت در اندیشه هابرماس»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، ش ۲.

۲۱. مولائی، آیت (۱۳۹۹). *قراردادهای اداری*، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوق میزان.

۲۲. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۳۷۸). *قوانین الاصول*، به خط عبدالرحیم بن محمد تقی التبریزی، تهران، المكتبه الاسلامیه.

۲۳. هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی*، کاوشی در باب جامعه بورژوازی، ترجمه جمال محمدی، چاپ اول، تهران، نشر افکار.

24. Cornu, G. (2005). *Vocabulaire Juridique*, 7th ed, Paris, PUF.

25. Neville Brown L. and John S. Bell (1998). *French Administrative Law*, Oxford, Clarendon Press.

ارائه الگویی جامع برای موفقیت شرکت‌های دانش بنیان: تبیین ابعاد موفقیت شرکت‌های دانش بنیان با استفاده از روش فراترکیب

سهیلا کشاورز، نورمحمد یعقوبی** و عادلہ دقتی***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۵۵-۸۵
-------------------	------------------------	-----------------------	-------------------

با توجه به نام‌گذاری سال‌های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به نام حمایت از کالای ایرانی، رونق تولید و جهش تولید از سوی مقام معظم رهبری، تحریم‌های پی‌درپی کشور و آمار بالای بیکاری فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاهی، اهمیت و توجه به شرکت‌های دانش بنیان دوچندان شده است. در بیان مقام معظم رهبری اساسی‌ترین پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است. در این میان شرکت‌های دانش بنیان موتور محرکه و توسعه این اقتصادها هستند، با این حال اثربخشی قابل ملاحظه شرکت‌های دانش بنیان، آمارها نشان می‌دهد که بیشتر این شرکت‌ها در طول زمان یا از بین می‌روند یا کوچک باقی می‌مانند و تعداد اندکی از آنها به شرکت‌های بزرگ‌تر تبدیل می‌شوند. با توجه به اهمیت شرکت‌های دانش بنیان در رشد اقتصادی کشور، لازم است پژوهشی جامع در مورد استخراج عوامل موفقیت این شرکت‌ها انجام شود. از این رو پژوهش حاضر با روش کیفی (رویکرد فراترکیب) انجام شده، به دنبال شناسایی عوامل موفقیت شرکت‌های دانش بنیان و طبقه‌بندی آنهاست. بر این اساس ابتدا ۴۷۹ مقاله بررسی شد که از میان آنها ۹۹ مقاله برای تجزیه و تحلیل نهایی استفاده شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استفاده و ۳۲ کد شناسایی و اعتبار کدها از طریق آزمون کاپای کوهن به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ تأیید شد. پس از استخراج شاخص‌های مستخرج از روش کیفی فراترکیب، برای تعیین وزن شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل موفقیت شرکت‌های دانش بنیان را می‌توان در سه مقوله سازمانی، محیطی و فردی تحلیل کرد. نتیجه پژوهش نشان داد که به ترتیب شاخص‌های برخورداری از نیروی انسانی دانش محور و خبره، سیاست‌های پشتیبان دولت و توانمندی بازاریابی و فروش به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های دانش بنیان هستند. در پایان براساس یافته‌ها و نتایج پژوهش پیشنهاد‌های لازم ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: شرکت‌های دانش بنیان؛ ابعاد موفقیت شرکت‌های دانش بنیان؛ روش فراترکیب؛ آنتروپی شانون

* کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران؛

Email: keshavarz.soeila94@gmail.com

** استاد مدیریت، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: yaghoubi@mgmt.usb.ac.ir

*** دانش‌آموخته دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران؛

Email: Adele.deghati68@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4381.4317

مقدمه

در دنیای پرتحول امروز، دانش و نوآوری اساسی‌ترین عامل پیشرفت در عرصه‌های صنعتی و اقتصادی محسوب می‌شود. براساس مطالعات انجام شده توسط سازمان همیاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام^۱، پایدارترین اقتصادها مربوط به اقتصادهای دانش‌محور است (معمارنژاد، ۱۳۸۴). در این میان شرکت‌های دانش‌بنیان موتور محرکه و توسعه این اقتصادها هستند. نقش و جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه اقتصادی و اجتماعی به اثبات رسیده است (خیاطیان، الیاسی و طباطبائیان، ۱۳۹۵).

شرکت‌های دانش‌بنیان مؤسسات کوچک و متوسط بخش خصوصی هستند که با هدف توسعه فناوری، تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات، کاربردی کردن پژوهش‌ها و بومی‌سازی فناوری‌های مورد نیاز کشور توسط کارشناسان خبره تشکیل می‌شوند. در این شرکت‌ها تحقیق و توسعه هسته مرکزی فعالیت‌ها بوده و مزیت اساسی این شرکت‌ها دانش فنی و توانایی‌های عملی کارکنان آن است (فخاری، سلمان‌ی و دارایی، ۱۳۹۲).

اسناد بالادستی کشور از جمله سیاست‌های ابلاغی اصل (۴۴) قانون اساسی، برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه و همچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، همگی حوزه اقتصاد دانش‌بنیان را مهم و تأثیرگذار دانسته و توسعه این بخش را در اولویت برنامه‌های توسعه‌ای کشور قرار داده‌اند. لازمه تحقق اهداف مطرح شده در این اسناد، ایجاد و تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیانی است که عمدتاً با حضور کارآفرینان دارای ایده‌های محوری هدایت می‌شوند. در این راستا این‌گونه شرکت‌ها و رشد علمی و توسعه فناوری یکی از کانون‌های توجه سیاستگذاران ایران در سال‌های اخیر بوده است.

با توجه به سیاست توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور، یکی از چالش‌های موفقیت این سیاست به دلیل ریسک‌های ذاتی و ویژگی‌های خاص شرکت‌های دانش‌بنیان در ابعاد مدیریتی، تجاری‌سازی و منابع مورد نیاز، تداوم رشد و پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان است. با وجود اثربخشی قابل ملاحظه این شرکت‌ها، آمارها نشان می‌دهد که بیشتر این

1. Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC)

شرکت‌ها در طول زمان یا از بین می‌روند یا کوچک باقی می‌مانند و فقط تعداد اندکی از آنها به شرکت‌های بزرگ‌تر تبدیل می‌شوند (خیاطیان، الیاسی و طباطبائیان، ۱۳۹۵). از طرف دیگر، حدود یک دهه از تأسیس پارک‌های علم و فناوری و کمتر از یک دهه از ایجاد مراکز رشد برای حمایت از کارآفرینان فناور در قالب استقرار شرکت‌های دانش بنیان می‌گذرد؛ اما تحقیقات اندکی در زمینه کارآفرینان فناور، کارآفرینی فناورانه، کسب‌وکارهای جدید فناورانه محور یا همان شرکت‌های دانش بنیان به صورت جامع در کشور انجام شده است و تاکنون پژوهشی به طور جامع پیشران‌های موفقیت کسب‌وکارهای دانش بنیان را بررسی نکرده است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی جامع برای موفقیت شرکت‌های دانش بنیان انجام شده است.

۱. پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش نمکیان و کهریزی (۱۳۹۹) نشان داد که بین قابلیت‌های بازاریابی و عملکرد شرکت‌های دانش بنیان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و بازاریابی خدمات، بازاریابی اینترنتی و بازاریابی محصولات جدید بر عملکرد شرکت‌های دانش بنیان تأثیر دارند. امینی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی هشت عامل مهم شامل عوامل فناوری، اجتماعی، شرایط بازار، سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، قانونی و زیست‌محیطی را بررسی کردند. تمامی عوامل مورد بررسی از نظر هر دو گروه هدف (مدیران شرکت‌ها و کارشناسان خبره وزارت بهداشت) بر پیشرفت شرکت‌های دانش بنیان اثر داشتند. شاخص‌های فناوری، اقتصاد و قوانین به ترتیب سه فاکتور اصلی و تأثیرگذار از دیدگاه مدیران شرکت‌های دانش بنیان شناخته شده است. معیارهای محیط زیست، اجتماعی و سیاست کم‌اهمیت‌ترین انتخاب شده‌اند. در صورتی که کارشناسان خبره وزارتخانه مسائل مدیریتی را به عنوان فاکتور اصلی در نظر گرفته‌اند.

در پژوهشی با استفاده از بررسی سیاست‌ها، اسناد و مدارک چند کشور، مطالعه عمیق متون علمی، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته و تکنیک دلفی؛ عوامل و معیارهایی را شناسایی کرده است که در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی دولتی وجود دارد و بر ارتقای عملکرد شرکت‌های دانش بنیان مؤثر است. نتایج این پژوهش مجموعه‌ای از عوامل همچون نهادی،

مالی، بازار، فرهنگی، انسانی، شبکه‌ای، اطلاعاتی، محیطی- اجتماعی، محیطی- جغرافیایی، روابط بین‌المللی و زیرساخت‌های فیزیکی و معیارهای مرتبط با آن است. علاوه بر این، الگویی متشکل از عوامل معرفی شده در پژوهش نیز ارائه شده است. عوامل و معیارهای مرتبط با آن والگوی نهادی این پژوهش با شرایط ایران در این حوزه انطباق داشته و ممکن است برای سیاستگذاران دانشگاهی و برنامه‌ریزان در حوزه شرکت‌های دانش بنیان مفید و قابل استفاده باشد (جلال پور، طالبی و طیبی، ۱۳۹۵).

تاری، مرادی و ابراهیم پور (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر رشد و موفقیت شرکت‌های دانش بنیان» انجام دادند. براساس نتایج به نظر می‌رسد دولت و شرایط محیطی نقش مهمتری در ایجاد بستری مناسب برای رشد و موفقیت این شرکت‌ها ایفا می‌کنند. همچنین با توجه به مصاحبه‌های انجام شده از دید خبرگان، این عامل نقش اصلی در موفقیت و دوام شرکت‌های زایشی و دانش بنیان دارد.

نتایج حاصل از پژوهش اسدپور و کارگر نشان داد که نوآوری سازمانی و نوآوری مدیریتی در موفقیت شرکت‌های دانش بنیان تأثیر دارند. نتایج پژوهش آنان نشان داد نوآوری سازمانی تأثیر غیرمستقیم بیشتری را از طریق شدت نوآوری بر موفقیت شرکت‌ها دارد و شدت نوآوری بیشترین تأثیر را بر موفقیت شرکت‌ها دارد (اسدپور و کارگر، ۱۳۹۴).

نتایج پژوهش سیهونن، لوما و توماس نشان داد که اهمیت درک مشتری و دانش مشتری برای حفظ موفقیت طولانی مدت شرکت‌هایی با تکنولوژی پیشرفته که به سرعت در حال رشد است تأثیر بسزایی دارد (Sihvonen, Luoma and Tomas, 2021).

نتایج پژوهش لامپرتی، ماویلا و کستلینی نشان داد تفاوت معناداری بین عملکرد شرکت‌های مستقر در پارک در مقایسه با شرکت‌های خارج از پارک وجود دارد. نتیجه دیگر اینکه پارک‌های علم و فناوری از طریق شرکت‌های مستقر در پارک برای ثبت اختراعات و تأمین مالی به نسبت بیشتر حمایت می‌شوند (Lamperti, Mavilia and Castellini, 2017).

همان‌گونه که در پژوهش‌های پیشین مشاهده می‌شود تاکنون پژوهشی به صورت جامع عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های دانش بنیان را استخراج نکرده است ولی در پژوهش حاضر عوامل مورد نظر استخراج و طبقه‌بندی شده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه الگویی جامع برای موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان است. این پژوهش براساس هدف، کاربردی است. برای احصای ابعاد از پژوهش‌های مختلف این حوزه استفاده شده است، بنابراین از رویکرد فرامطالعه استفاده شده است. در سال‌های اخیر با رشد مطالعات در حوزه‌های مختلف علوم و مواجهه جوامع علمی با افزونگی اطلاعات، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که اطلاع و تسلط بر تمامی ابعاد یک رشته و به روز بودن در این زمینه تا حد زیادی امکان‌پذیر نیست، بنابراین انجام پژوهش‌های ترکیبی که عصاره مطالعات انجام شده در موضوع خاص را به شیوه نظام‌مند و علمی فراروی پژوهشگران قرار می‌دهند، گسترش یافته است. یکی از این روش‌ها که به منظور بررسی، ترکیب و آسیب‌شناسی مطالعات پیشین در سال‌های اخیر معرفی شده، فرامطالعه است. فرامطالعه تجزیه و تحلیل عمیق از کارهای مطالعاتی انجام شده در یک حوزه خاص است. فرامطالعه^۱ روشی است که می‌تواند به فراروش^۲، فرآنظری^۳، فراتحلیل^۴ و فراترکیب^۵ دسته‌بندی شود (مبینی دهکردی و کشتکار هرانکی، ۱۳۹۵). فراتحلیل به عنوان مشهورترین حوزه فرامطالعه به طور ویژه بر مطالعات کمی پیشین تمرکز دارد. این روش اگر به صورت کیفی انجام شود و مفاهیم و نتایج مورد استفاده در مطالعات پیشین با شیوه کدگذاری متداول در پژوهش‌های کیفی مورد بررسی قرار گیرد به نام فراترکیب شناخته می‌شود (سهرابی، اسمرود، یعقوبی و مفیدی، ۱۳۹۰: ۹۹). اگر فقط در حوزه روش‌شناسی مطالعات گذشته باشد، به نام فراروش و چنانچه این فرامطالعه فقط در حوزه مدل‌ها و چارچوب پژوهش‌های گذشته باشد، فراتئوری نامیده می‌شود (Zimmer, 2006). در پژوهش حاضر روش فراترکیب با استفاده از روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو اجرا می‌شود (Sandelowski and Barroso, 2007):

۱. تنظیم سؤال‌های پژوهش،

۲. بررسی متون به صورت نظام‌مند،

-
1. Meta-Study
 2. Meta-Method
 3. Meta-Theory
 4. Meta-Analysis
 5. Meta-Synthesis

۳. جستجو و انتخاب مقاله‌های مناسب،

۴. استخراج اطلاعات مقاله،

۵. تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی،

۶. کنترل کیفیت،

۷. ارائه یافته‌ها.

در پژوهش حاضر برای استخراج ابعاد جامع موفقیت کسب و کارهای دانش بنیان از روش فراترکیب استفاده شده است، زیرا در این روش نتیجه تحقیقات کیفی و نه داده‌های اولیه آنها، کنار هم گذاشته و تفسیری جامع‌تر از پدیده مورد بررسی ارائه می‌شود (شفیعی و زارع، ۱۳۹۷). نقطه قوت این روش، توانایی شناسایی مقوله‌های مشترک و ایجاد یک چارچوب مفهومی از دل پیشینه است (رهبری، پورصادق و یزدانی، ۱۳۹۹: ۱۸۱). تمامی پژوهش‌های کیفی انجام شده در حوزه کسب و کارهای دانش بنیان به عنوان جامعه آماری این پژوهش در نظر گرفته شده است. برای ارزیابی پایایی کدهای استخراجی از شاخص کاپای کوهن و برای تعیین وزن شاخص‌ها از روش آنروپی شانون استفاده شد. با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲، عدد معنادار ۰/۰۰۰ و مقدار شاخص کاپا، ۰/۸۰۶ محاسبه شد که مقدار قابل قبولی است.

۳. مراحل و یافته‌های پژوهش

۳-۱. فراترکیب

فراترکیب، ترکیب تفسیر داده‌های اصلی مطالعات منتخب است. این روش دانش جاری را ارتقا داده و نگاه جامع و گسترده‌ای را نسبت به مسائل پدید می‌آورد (Zimmer, 2006). گام‌های این روش به صورت ذیل توضیح داده شده است.

گام اول: تنظیم سؤال پژوهش

سؤال‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. الگوی موفقیت شرکت‌های دانش بنیان چگونه است؟

۲. ابعاد الگوی موفقیت شرکت‌های دانش بنیان و شاخص‌های آن چیست؟

۳. رتبه‌بندی شاخص‌های الگوی موفقیت شرکت‌های دانش بنیان چگونه است؟

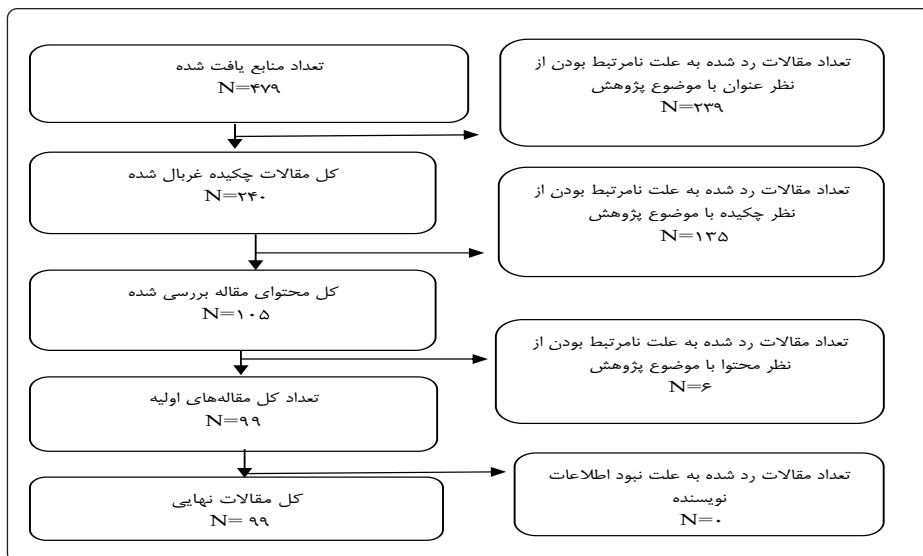
گام دوم: مرور ادبیات به شکل نظام‌مند

در این پژوهش محقق پایگاه‌های داده، ژورنال‌ها و موتورهای جستجوی مختلفی بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ را بررسی کرده است. همچنین واژه کلیدی شرکت‌های دانش بنیان برای جستجوی مقالات مورد استفاده قرار گرفته است. در نتیجه جستجو و بررسی پایگاه‌های داده، ژورنال‌ها و موتورهای جستجوی مختلف و با استفاده از واژه‌های کلیدی مورد نظر، ۴۷۹ مقاله یافت شد.

گام سوم: جستجو و انتخاب مقاله مناسب

برای انتخاب مقاله‌های مناسب بر اساس الگوریتم نشان داده شده در شکل ۱، پارامترهای مختلفی مانند عنوان، چکیده، محتوا و کیفیت روش پژوهش ارزیابی شد.

شکل ۱. نتایج جستجو و انتخاب مقالات مناسب



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در جدول زیر مقالات نهایی حاصل از گام سوم فراترکیب نشان داده شده است.

جدول ۱. مقالات نهایی

ردیف	منابع
۱	احمدی جشوقانی، عبدالله و غلامرضا اسماعیلیان (۱۳۹۴). «ارزیابی اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر بهبود تدوین استراتژی شرکت‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیان با استفاده از مدل ANP (مورد مطالعه شرکت‌های مستقر در شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان)»، نشریه مدیریت فرد، ش ۴۳.
۲	اسدیپور، مرتضی و مهناز کارگر (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر نوآوری سازمانی و نوآوری مدیریتی در موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان مورد مطالعه: شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری گیلان»، فصلنامه رشد فناوری، سال ۱۱، ش ۴۳.
۳	اکبرزاده، نجمه و احسان شفیع‌زاده (۱۳۹۱). «بررسی نقش دولت در بهبود روند ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان»، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال ۹، ش ۳۳.
۴	امینی، الهام، محمد بنی‌اسدی، مهرداد خاتمی و حسین وحیدی (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت شرکت‌های دانش‌بنیان با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی، مطالعه موردی پارک تهران»، فصلنامه رشد فناوری، سال ۱۲، ش ۴۸.
۵	ایزدیان، زینب، بیژن عبداللهی و مراد کیانی (۱۳۹۲). «مدیریت دانش الگویی جهت مدیریت شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک‌های علم و فناوری»، نشریه رشد فناوری، دوره ۱۰، ش ۳.
۶	آقاجانی، حسنعلی، ابوالحسن حسینی و زهرا سروری اشلیکی (۱۳۹۴). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تجاری‌سازی محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان با تکنیک FAHP (شاهد تجربی: شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در مراکز رشد مناطق شمالی ایران)»، مجله تحقیق در عملیات و کاربردهای آن، سال ۱۲، ش ۳.
۷	باباخانیان، مهدی (۱۳۹۳). «شرکت‌های دانش‌بنیان (تعاریف، انواع، ضرورت‌ها و کارکردها)»، اولین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در مدیریت کسب‌وکار، تبریز، دانشگاه تبریز و سازمان مدیریت صنعتی.
۸	باباخانیان، مهدی (۱۳۹۳). «شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر راه‌اندازی شرکت‌های زایشی مطالعه موردی: شرکت‌های زایشی مستقر در پارک‌های علم و فناوری استان تهران»، کنفرانس ملی رویکردهای نوین در مدیریت کسب‌وکار، تبریز، دانشگاه تبریز و سازمان مدیریت صنعتی.
۹	بهادری، سروش و علیرضا معطوفی (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر مدیریت دانش و بازار محوری بر عملکرد شرکت در بنگاه‌های کوچک استان مازندران»، همایش ملی پژوهش‌های مدیریت، تهران.
۱۰	تاری، مهدیه، محمود مرادی و مصطفی ابراهیم‌پور (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر رشد و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان»، فصلنامه رشد فناوری، سال ۱۲، ش ۴۵.
۱۱	ترکیان‌تبار، منصور، صدیقه محمداسماعیل و فاطمه نوشین‌فرد (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر تجاری‌سازی نتایج تحقیقات علمی در شرکت‌های دانش‌بنیان ایران»، نشریه تعامل انسان و اطلاعات، دوره ۳، ش ۳.
۱۲	حسن‌زاده، محمد و مهتاب تیموری تاییه (۱۳۹۴). «جریان دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان پارک علم و فناوری و ارائه مدل مفهومی»، فصلنامه مطالعات دانش‌شناسی، دوره ۱، ش ۲.

ردیف	منابع
۱۳	جعفرپیشه، خلیل (۱۳۸۶). آموزه‌های کسب‌وکار و کارآفرینی در دنیای امروز: تبلیغات، بازاریابی، ارتباطات، چاپ اول، اصفهان، نشر پیام علوی.
۱۴	جلال‌پور، سیده‌صدیقه، کامبیز طالبی و سیدجمال‌الدین طیبی (۱۳۹۵). «ارتقای عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی: شناسایی عوامل اثرگذار در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، دوره ۹، ش ۲.
۱۵	جمالی، غلامرضا (۱۳۹۵). «تحلیل ابعاد نوآوری باز، مبتنی بر توسعه فناوری اطلاعات در شرکت‌های دانش‌بنیان: تلفیق BSC, FANP, DEMATEL»، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۸، ش ۳.
۱۶	حاجی شمسایی، علی، فاطمه نوشین فرد و فهیمه باب‌الحوادثی (۱۳۹۶). «شناسایی شاخص‌ها و عوامل کیفی مؤثر بر تولید و توزیع اطلاعات و دانش در پارک‌های علم و فناوری ایران»، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۹، ش ۲.
۱۷	حافظیان، مریم، محمد صالحی و ترانه عنایتی (۱۳۹۳). «عوامل تأثیرگذار بر زیرساخت انکوباتورهای دانشگاهی و نقش آن در تأسیس شرکت‌های زایشی دانشگاه»، مجله توسعه کارآفرینی، دوره ۷، ش ۴.
۱۸	حسین‌پور، داوود و محمد عبداللهی (۱۳۹۳). «تأثیر سرمایه انسانی بر بروز رفتار کارآفرینانه»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، دوره ۲۴، ش ۷۸.
۱۹	حقی، محبوبه، مرتضی راستی برزکی و حمید مهدوی (۱۳۹۳). «رتبه‌بندی عوامل مؤثر در موفقیت اجرای مدیریت دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان مطالعه موردی شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان»، فصلنامه رشد فناوری، دوره ۱۱، ش ۴۱.
۲۰	حکاک، محمد و علی شریعت‌نژاد (۱۳۹۴). «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر هوشمندی استراتژیک یک سازمان دانش‌بنیان»، نشریه فرایند مدیریت توسعه، دوره ۲۸، ش ۲.
۲۱	خیاطیان، محمدصادق، مهدی الیاسی و سیدحبیب‌اله طباطبائیان (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل مؤثر بر رشد و پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوری و ارزش‌آفرینی، دوره ۳، ش ۶.
۲۲	خیاطیان، محمدصادق، مهدی الیاسی و سیدحبیب‌اله طباطبائیان (۱۳۹۵). «الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری، دوره ۹، ش ۲.
۲۳	دهقانان، حامد و عطاءاله هرندی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد نوآوران: با تأکید بر نقش میانجی انتقال دانش (مطالعه موردی: شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی فعال در حوزه فناوری اطلاعات)»، فصلنامه مدیریت نوآوری، دوره ۳، ش ۱.
۲۴	رشیدی‌نژاد، مسعود و زهره شریف‌زاده کرمانی (۱۳۸۵). «ارزیابی توانایی پارک‌های علم و فناوری با استفاده از الگوریتم ابتکاری ترکیبی»، فصلنامه رشد فناوری، دوره ۳، ش ۹.
۲۵	رضایی، روح‌اله، نفیسه صلاحی مقدم و حسین شعبانعلی فمی (۱۳۹۳). «بررسی اثر مدیریت دانش بر عملکرد سازمانی در سازمان جهاد کشاورزی استان البرز»، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۷، ش ۴.
۲۶	رضوانی، حمیدرضا و اکرم‌السادات رشیدایی آبندانسری (۱۳۹۲). «بررسی مهمترین عوامل درون و برون‌سازمانی مؤثر بر عملکرد محصول جدید در صنایع غذایی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین، دوره ۳، ش ۳.

ردیف	منابع
۲۷	رمضانپور نرگسی، قاسم، سمیه رمضانپور نرگسی و علی غفاری (۱۳۹۴). «عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه کارآفرینی فناورانه در شرکت‌های دانش بنیان مستقر در پارک‌های علم و فناوری در ایران»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۸، ش ۴.
۲۸	سعیدا اردکانی، سعید، رضا طالعی فر، سیدحسن حاتمی نسب و فرهنگ محمدی (۱۳۹۰). «بررسی و رتبه بندی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر فرایند توسعه محصول جدید (مطالعه دیدگاه مدیران SMEs واقع در صنایع غذایی و آشامیدنی استان فارس)»، مجله علمی - پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین، سال ۱، ش ۱.
۲۹	سلامی، سیدرضا، سیداحمد به‌گزین و مهرداد شفیعی (۱۳۹۰). «شناسایی و ارزیابی عوامل حیاتی موفقیت پارک‌های علم و فناوری در ایران از دیدگاه خبرگان»، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، دوره ۸، ش ۲۹.
۳۰	سلطانی، بهزاد (۱۳۸۴). «پژوهش و فناوری در نظام ملی نوآوری کشور»، نشریه رشد فناوری، دوره ۱، ش ۳.
۳۱	سوزنجی کاشانی، ابراهیم (۱۳۹۳). اقتصاد دانش بنیان، تأملی در مفاهیم و نظریه‌ها، چاپ اول، اصفهان، انتشارات پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص پروژه.
۳۲	سوزنجی کاشانی، ابراهیم، سروش طالبی و وحیدعلی عسگری (۱۳۹۳). «بررسی توانمندی‌های سازمانی چهار شرکت دانش بنیان در مرکز رشد دانشگاه شریف»، سیاست علم و فناوری، دوره ۶، ش ۳.
۳۳	شمس، مسعود، پروانه گلرد و رضا بندریان (۱۳۹۳). «راهکارهای پارک‌های علم و فناوری جهت حمایت از شرکت‌های نوپا: شناسایی و رتبه‌بندی»، دومین کنفرانس بین‌المللی تجاری سازی فناوری.
۳۴	شمسی، مجید و تورج صادقی (۱۳۹۵). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر تجاری سازی محصولات دانش بنیان جهت صادرات»، فصلنامه مدیریت اطلاعات و دانش شناسی، دوره ۳، ش ۱.
۳۵	شیری، اردشیر، مهدی دهقانی سلطانی، طاهره نثاری و حسین فارسی زاده (۱۳۹۵). «نقش اعتماد به نوآوری در ارتباط «تناسب فرد با شغل و سازمان» با «رفتار کاری نوآورانه» در شرکت‌های دانش بنیان (مورد مطالعه پارک علم و فناوری دانشگاه تهران)»، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، دوره ۴، ش ۱.
۳۶	صادقی، محمدابراهیم، علی اصغر سعدآبادی، سعید میرزامحمدی و محمد مهدوی مژده (۱۳۹۳). «ارائه چارچوبی برای تعیین اولویت‌های برنامه‌ریزی در پارک‌های علمی با استفاده از روش دیماتل فازی؛ مطالعه موردی پارک علم و فناوری شیخ بهایی»، فصلنامه رشد فناوری، دوره ۱۱، ش ۴۱.
۳۷	صحت، سعید و محسن یاراحمدی (۱۳۹۳). «تبیین رابطه کارآفرینی شرکتی و عملکرد با میانجی سرمایه دانش بنیان (مورد مطالعه: شرکت‌های تکنولوژی محور پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۷، ش ۱.
۳۸	ضیایی، مظاهر (۱۳۹۱). «اهمیت تعدد و تنوع منابع در موفقیت فرایند ایجاد شرکت‌های زایشی پژوهشی»، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، دوره ۸، ش ۳۲.
۳۹	طالبی، کامبیز و محمدرضا زارع یکتا (۱۳۸۷). «آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) دانش بنیان»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۱، ش ۱.
۴۰	طالبی، کامبیز، هادی ثنائی پور و ناصر حیدری (۱۳۹۰). «تبیین نقش پارک‌های علم و فناوری در رشد شرکت‌های فناورانه محور»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۴، ش ۱.

ردیف	منابع
۴۱	طالبی، کامبیز، مهدی سلیمی ترکمانی و هادی زارع (۱۳۸۹). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل اساسی موفقیت در توسعه محصول جدید در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مستقر در پارک‌های علم و فناوری تهران»، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ش ۱۹ و ۲۰.
۴۲	طبرسا، غلامعلی و امیرهوشنگ نظریوری (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای هوشمندی انسانی - ساختاری در سازمان‌های دانش بنیان»، نشریه پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۷، ش ۱.
۴۳	علی‌احمدی، علیرضا و سیدسروش قاضی‌نوری (۱۳۸۷). «اولویت‌بندی ابزارهای سیاسی حمایت از شرکت‌های تازه‌تأسیس فناوری محور در کشور با استفاده از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی»، نشریه سیاست علم و فناوری، دوره ۱، ش ۳.
۴۴	فخاری، حسین و داوود سلمانی (۱۳۹۲). «رهبری در مهندسی، رویکردی جهت بهبود مدیریت شرکت‌های نوپای دانش بنیان»، نشریه رشد فناوری، دوره ۹، ش ۳۵.
۴۵	قاضی‌نوری سیدسروش و ماندانا آزادگان مهر (۱۳۸۷). «تخصص و مشارکت، نیازهای مراکز رشد برای حمایت از شرکت‌های تازه‌تأسیس تکنولوژی محور»، سومین کنفرانس مدیریت تکنولوژی، تهران، انجمن مدیریت تکنولوژی ایران.
۴۶	محمدی، مهدی، مهدی حمیدی، بهروز محمودی و سپیده جوادی (۱۳۹۳). «شناسایی، تحلیل و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های نوآوری در شرکت‌های دانش بنیان (مطالعه موردی: پارک علم و فناوری دانشگاه تهران)»، نشریه علمی - پژوهشی مدیریت نوآوری، دوره ۳، ش ۴.
۴۷	مصلح، عبدالمجید و احمداله یاری بوزنجانی (۱۳۹۳). «تأثیر هوش سازمانی بر نوآوری فناورانه در شرکت‌های دانش بنیان»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت، دوره ۲۳، ش ۷۳.
۴۸	ملک‌زاده، غلامرضا و آزاده کیانی نژاد (۱۳۹۰). «بررسی شاخص‌های فردی مؤثر مدیران شرکت‌های فناور نوپا (مطالعه موردی شرکت‌های مستقر در پارک علم و فناوری خراسان)»، نشریه رشد فناوری، دوره ۷، ش ۲۶.
۴۹	ممیز، آیت‌اله، سیده عاطفه قاسمی و سیده فاطمه قاسمی (۱۳۹۲). «تحریم اقتصادی و عملکرد شرکت‌های دانش بنیان»، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
۵۰	منصوری، سمیه (۱۳۹۵). «شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اثرگذار در راستای توسعه شرکت‌های دانش بنیان استان کرمان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.
۵۱	مودی، بهنوش (۱۳۹۰). «شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در توسعه پارک علم و فناوری با رویکرد بهینه‌کاو»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.
۵۲	موسوی، سیدعباس، سید یعقوب حسینی، عبدالمجید مصلح و پروانه بهرامی (۱۳۹۲). «تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد شرکت‌های دانش بنیان»، فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، دوره ۲۲، ش ۷۰.
۵۳	مولایی، محمد (۱۳۸۳). «بررسی عوامل مؤثر بر سود صنایع کوچک در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۸، ش ۳۱.
۵۴	مهدوی، حمید، محمود شیخ‌زین‌الدین و فخرالدین اشرفی‌زاده (۱۳۸۷). «شاخص‌های مهم در فرایند پذیرش مؤسسات انکوباتوری»، نشریه رشد فناوری، دوره ۴، ش ۱۵.
۵۵	میرغفوری، سیدحبیب‌اله، زهرا صادقیان و زهرا صادقی آرانی (۱۳۹۲). «برآورد سطح نوآوری شرکت‌های مستقر در پارک علم و فناوری یزد با استفاده از شبکه‌های مصنوعی و رگرسیون»، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، دوره ۱، ش ۳.

	منابع	ردیف
	نصر، علی و حجت‌اله حاجی حسینی (۱۳۹۶). «نقش پارک‌های علم و فناوری در توسعه نوآوری و فناوری»، نشریه ره‌یافت، دوره ۲۷، ش ۶۵.	۵۶
	نظریان، زهرا و کبری حدادی‌مقدم (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر رشد کارآفرینی در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SMEs) دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری استان گیلان»، نشریه صنعت و دانشگاه، دوره ۷، ش ۲۱ و ۲۲.	۵۷
	نمکیان، مجید و امیدعلی کهریزی (۱۳۹۹). «تأثیر قابلیت‌های ضروری بازاریابی بر عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان»، فصلنامه رشد فناوری، سال ۱۶، ش ۶۳.	۵۸
	نبلی‌پور طباطبایی، سیداکبر، ابراهیم صالحی عمران، سهیلا هاشمی و مائده صداقت (۱۳۹۵). «ارائه کارت امتیازی مدیریت منابع انسانی پایدار در شرکت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات دانش‌بنیان ایران»، فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، سال ۳، ش ۱۱.	۵۹
	وکیل‌الربعا فیئی، یونس و پگاه بهبهانی (۱۳۹۴). «نقش مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان»، نشریه صنعت و دانشگاه، سال ۸، ش ۲۸.	۶۰
61	Antonicic, B and R. D. Hisrich (2001). "Intrapreneurship: Construct Refinement and Cross-cultural Validation", <i>Journal of Business Venturing</i> , Vol. 16, No. 5.	
62	Ayala, N. F., C. A. Paslauski., A. Ghezzi and F. Alejandro German (2017). "Knowledge Sharing Dynamics in Service Suppliers' Involvement for Servitization of Manufacturing Companies", <i>International Journal of Production Economics</i> , Vol. 193.	
63	Becker, B. and O. Gassmann (2006). "Corporate Incubators: Industrial R&D and What Universities Can Learn From Them", <i>Journal of Technology Transfer</i> , Vol. 8, No. 31.	
64	Bellantuono, N., N. Carbonara and P. Pontrandolfo (2017). "The Organization of Eco-industrial Parks and Their Sustainable Practices", <i>Journal of Cleaner Production</i> , Vol. 161.	
65	Birkinshaw, J., G. Hamel and M. Mol (2008). "Management Innovation", <i>Academy of Management Review</i> , Vol. 33, No. 4.	
66	Carnitzki, D., C. Rammer and A. A. Toole (2014). "University Spin-offs the Performance Premium", <i>Small Business Economics</i> , Vol. 43, No. 2.	
67	Cassiman, B. (2006). Veugelers Reinhilde In Search of Complementarity in Innovation Strategy: <i>Internal R&D and External Knowledge Acquisition</i> , IESE Business School, Publication, Management Science.	
68	Chorev, S and A. R. Anderson (2006). "Success in Israeli High-tech StartUps; Critical Factors and Process", <i>Technovation</i> , Vol. 26, No. 2.	
69	Clarysse, B., M. Wright, A. Lockett, E. V. Velde and A. Vohora (2005). "Spinning out New Ventures: A Typology of Incubation Strategies From European Research Institutions", <i>Journal of Business Venturing</i> , Vol. 20, No. 2.	
70	Colombo, M. G., D. D Adda and E. Piva (2010). "The Contribution of University Research to the Growth of Academic Start-ups: An Empirical Analysis", <i>The Journal of Technology Transfer</i> , Vol. 35, No. 1.	

	منابع	ردیف
71	Côrte-Real, N., T. Oliveira and P. Ruivo (2016). "Assessing Business Value of Big Data Analytics in European Firms", <i>Journal of Business Research</i> , Vol. 70.	
72	Das, A. (2003). "Knowledge and Productivity in Technical Support Work", <i>Nanyang Technological University, Singapore, Publication: Management Science</i> , Vol. 49, No. 4.	
73	Dettwiler, P., P. Lindelof and H. Lofsten (2006). "Utility of Location: A Comparative Survey between Small New Technology-based Firms Located on and off Science Parks Implications for Facilities Management", <i>Technovation</i> , Vol. 26.	
74	Ferguson, R and Ch. Olofsson (2004). "Science Parks and the Development of NTBFS Location, Survival and Growth", <i>Journal of Technology Transfer</i> , Vol. 29, No. 1.	
75	Fini, R., R. Grimaldi and M. Sobrero (2009). "Factors Fostering Academics to Startup New Ventures: An Assessment of Italian Founders' Incentives", <i>Journal of Technology Transf</i> , Vol. 34.	
76	Hashi, I and N. Stojcic (2013). "The impact of Innovation Activities on Firm Performance Using a Multistage Model: Evidence From the Community Innovation Survey 4", <i>Research Policy</i> , Vol. 10, No. 42.	
77	Helm, R and O. Mauroner (2007). "Success of Research-based Spin-offs State -of-the-art and Guidelines for Future Research", <i>Review of Managerial Science</i> , Springer, Vol. 1, No. 3.	
78	Ismail, K., A. A. Senin, S. W. Mun, W. S. Chen and A. M. Ajagbe (2011). "Decision Making Process in the Commercialization of University Patent in Malaysia", <i>African Journal of Business Management</i> , Vol. 6, No. 2.	
79	Karpak, B and L. Topcu (2010). "Small Medium Manufacturing Enterprises in Turkey: An Analytic Network Process Framework for Prioritizing Factors Affecting Success", <i>International Journal of Production Economics</i> , Vol. 125, No. 1.	
80	Koh, F., C. Winston., T. Feichin and T. Tschang (2005). "An Analytical Framework for Science Parks and Technology Districts with an Application to Singapore", <i>Jurnal of Business Venturing</i> , Vol. 20.	
81	Kumar, U., Maheshwari, M and V. Kumar (2004). "A Framework for Achieving E-business Success", <i>Journal of Management Communication Quarterly</i> , Vol. 18, No. 1.	
82	Kung, B. (2004). "A Study on the Establishing Development Model for Research Parks", <i>Journal of Technology Transfer</i> , Vol. 29, No. 2.	
83	Lamperti, F., R. Mavilia and S. Castellini (2015). "The Role of Science Parks: A Puzzle of Growth, Innovation and R&D Investments", <i>The Journal of Technology Transfer</i> , Vol. 42, No. 1.	
84	Lin, J. H., M. Y. Wang and H. C. Lo (2015). "The Complementary Assets and Appropriability Affect Patent Commercialization on the Moderate Effect of Marketing Sensing Capability: The Case of Bio-patents in Taiwan", <i>Asia Pacific Management Review Journal</i> , Vol. 4.	
85	Lofsten, H and P. Lindelof (2003). "Science Parks in Sweden- Industrial Renewal and Development?", <i>R&D Management</i> , Vol. 13, No. 3.	

	منابع	ردیف
86	Man, T. W., T. Lau and K. F. Chan (2002). "The Competitiveness of Small and Medium Enterprises: A Conceptualization With Focus on Entrepreneurial Competencies", <i>Journal of Business Venturing</i> , Vol. 17, No. 2.	
87	McAdam, M and S. Marlow (2008). "A Preliminary Investigation in to Networking Within the University Incubator", <i>International Journal of Behaviour and Research</i> , Vol. 14, No. 4.	
88	Minguillo, D., R. Tijssen and M. Thelwall (2015). "Do Science Parks Promote Research and Technology?", <i>A Scientometric Analysis of the UK. Scientometrics</i> , Vol. 102, No. 1.	
89	Muthoni, M. P., G. P. Omato and M. A. Kithinji (2013). "Analysis of Factors Influencing Transfer of Technology Among Micro and Small Enterprises in Kenya", <i>International Journal of Business and Social Science</i> , Vol. 4, No. 17.	
90	O'Shea, R. P., H. Chugh and T. J. Allen (2008). "Determinants and Consequences of University Spinoff Activity: A Conceptual Framework", <i>The Journal of Technology Transfer</i> , Vol. 33, No. 6.	
91	Rannikko, H. (2012). Early Development of New Technology-based Firms, Longitudinal Analysis on New Technology-based Firms' <i>Development from Population Level and Firm Level Perspectives</i> , Hanken School of Economics.	
92	Ritala, P and P. Hurmelinna-Laukkanen (2013). "Incremental and Radical Innovation in Coopetition the Role of Capacity and Appropriability", <i>Journal of Prod Innov</i> , Vol. 30, No. 1.	
93	Siegel, D. S., M. Wright and A. Lockett (2007). "The Rise of Entrepreneurial Activity at Universities: Organizational and Societal Implications", <i>Industrial and Corporate Change</i> , Vol. 16, No. 4.	
94	Sihvonen, A., J. Luoma and T. Falk (2021). "How Customer Knowledge Affects Exploration: Generating, Guiding and Gatekeeping", <i>Industrial Marketing Management</i> , Vol. 94.	
95	Solomon, G., M. Frese, Ch, Friedrich and M. Glaub (2013). "Can Personal Initiative Training Improve Small Business Success?", <i>The International Journal of Entrepreneurship and Innovation</i> , Vol. 14, No. 4.	
96	Szafranski. M. (2017). "Problem of Language Used to Describe Competences in the Management of Acceleration in the Creation of Knowledge Resources in Businesses", <i>Journal of Procedia Engineering</i> , Vol. 182.	
97	IG, R. (2013). <i>Universities and Incubators Excerpt from Thesis Entitled, Key Decisions in the Start-up Phase of Successful Software Companies</i> .	
98	Van Hemert, P., P. Nijkamp and E. Masurel (2013). "From Innovation to Comercialization Through Networks and Agglomerations: Analysis of Sources of Innovation Capabilities and Performance of Dutch SMEs", <i>The Annals of Regional Science</i> , Vol. 50.	
99	Zhang, J. (2009). "The Performance of University Spin-offs: An Exploratory Analysis Using Venture Capital Data", <i>The Journal of Technology Transfer</i> , Vol. 34, No. 3.	

گام چهارم: استخراج اطلاعات متون

مقاله‌ها براساس مرجع مربوط به هر مقاله شامل نام و نام خانوادگی نویسنده، به همراه سال انتشار مقاله طبقه‌بندی شد. در این مرحله با توجه به هدف تحقیق، کدهایی که در تعداد معدودی از پژوهش‌ها بود در فرایند تحقیق به کار نرفتند. همچنین بنابر قرابت معنایی و صرف تفاوت لفظی بین برخی از کدها، کدها ادغام و با عنوان مشترک آورده شدند. در نهایت ۳۲ کد شناسایی شد.

جدول ۲. کدبندی متون مورد پژوهش

ردیف	کد	منابع
۱	پیشسازی پارک‌های علم و فناوری در ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان	مینگولو و همکاران (۲۰۱۵)، لامپرتی و همکاران (۲۰۱۵)، اوشیا و همکاران (۲۰۰۸)، فرگوسن و اولفسون (۲۰۰۴)، لافستن و لیندلف (۲۰۰۳)، نصر و حاجی حسینی (۱۳۹۶)، وکیل‌الرعیافینی و بهیهانی (۱۳۹۴)، تاری و همکاران (۱۳۹۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۳)، طالبی و همکاران (۱۳۹۰)
۲	حمایت مالی	لین و همکاران (۲۰۱۵)، موتونی و همکاران (۲۰۱۳)، ژانگ (۲۰۰۹)، اوشیا و همکاران (۲۰۰۸)، حاجی‌شمسایی و همکاران (۱۳۹۶)، امینی و همکاران (۱۳۹۵)، جلال‌پور و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان‌تبار و همکاران (۱۳۹۵)، شمس‌ی و صادقی (۱۳۹۵)، رمضان‌پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، جمالی (۱۳۹۵)، تاری و همکاران (۱۳۹۴)، احمدی جشوقانی و اسماعیلیان (۱۳۹۴)، حافظیان و همکاران (۱۳۹۳)، باباخانیان (۱۳۹۳)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۳)، نظریان و حدادی‌مقدم (۱۳۹۳)، ضیائی (۱۳۹۱)، اکبرزاده و شفیع‌زاده (۱۳۹۱)، مودی (۱۳۹۰)، علی‌احمدی و قاضی‌نوری (۱۳۸۷)
۳	توانمندی بازاریابی و فروش	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، ریتالا و هرمیلینا لوکنن (۲۰۱۳)، بریکنشاو و همکاران (۲۰۰۸)، هلم و مارونر (۲۰۰۷)، سیگل و همکاران (۲۰۰۷)، چوریف و اندرسون (۲۰۰۶)، امینی و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان‌تبار و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، جلال‌پور و همکاران (۱۳۹۵)، بهادری و معطوفی (۱۳۹۴)، رمضان‌پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، احمدی جشوقانی و اسماعیلیان (۱۳۹۴)، محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۳)، صادقی و همکاران (۱۳۹۳)، شمس و همکاران (۱۳۹۳)، سوزنچی کاشانی و همکاران (۱۳۹۳)، رضوانی و رشیدیایی آبندانسری (۱۳۹۱)، طالبی و همکاران (۱۳۹۰)، سعیداردکانی و همکاران (۱۳۹۰)
۴	مدیران متخصص و باتجربه	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، سلیمان و همکاران (۲۰۱۳)، رانیکو (۲۰۱۲)، ژانگ (۲۰۰۹)، چوریف و اندرسون (۲۰۰۶)، دتیلر و همکاران (۲۰۰۶)، امینی و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان‌تبار و همکاران (۱۳۹۵)، نیلی‌پور طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، اسدپور و کارگر (۱۳۹۴)، احمدی جشوقانی و اسماعیلیان (۱۳۹۴)، آقاجانی و همکاران (۱۳۹۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)، حقی و همکاران (۱۳۹۳)

ردیف	کد	منابع
۵	سیاست‌های پشتیبان دولت	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، موتونی و همکاران (۲۰۱۳)، رانیکو (۲۰۱۲)، کاریاک و تاپکو (۲۰۱۰)، اوشیا و همکاران (۲۰۰۸)، سیگل و همکاران (۲۰۰۷)، امینی و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، شمسی و صادقی (۱۳۹۵)، منصور (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، رمضان پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، آقاجانی و همکاران (۱۳۹۴)، تازی و همکاران (۱۳۹۴)، حافظیان و همکاران (۱۳۹۳)، محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، حاجی شمسانی و همکاران (۱۳۹۶)، ممیزوقاسمی (۱۳۹۳)، باباخانیان (۱۳۹۳)، سوزنچی کاشانی و همکاران (۱۳۹۳)، اکبرزاده و شفیع‌زاده (۱۳۹۱)، سلطانی (۱۳۸۴)، مولایی (۱۳۸۳)، جعفرپیشه (۱۳۸۶)
۶	برخورداری از نیروی انسانی دانش‌محور و خبره	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، کارنیتزکی و همکاران (۲۰۱۴)، رانیکو (۲۰۱۲)، ژانگ (۲۰۰۹)، اوشیا و همکاران (۲۰۰۸)، سیگل و همکاران (۲۰۰۷)، کلومبو و همکاران (۲۰۱۰)، که و همکاران (۲۰۰۵)، جلال پور و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، شیر و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، منصور (۱۳۹۵)، احمدی جشوقانی و اسماعیلیان (۱۳۹۴)، محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، صحت و یاراحمدی (۱۳۹۳)، حسین پور و عبداللهی (۱۳۹۳)، حقی و همکاران (۱۳۹۳)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۳)، صادقی و همکاران (۱۳۹۳)، میرغفوری و همکاران (۱۳۹۲)، بهادری و معطوفی (۱۳۹۴)، ضیائی (۱۳۹۱)، اکبرزاده و شفیع‌زاده (۱۳۹۱)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)، علی احمدی و قاضی نوری (۱۳۸۷)، مهدوی و همکاران (۱۳۸۷)، جعفرپیشه (۱۳۸۶)
۷	زیرساخت‌های مرتبط با فناوری اطلاعات	موتونی و همکاران (۲۰۱۳)، ژانگ (۲۰۰۹)، منصور (۱۳۹۵)، آقاجانی و همکاران (۱۳۹۴)، تازی و همکاران (۱۳۹۴)، حافظیان و همکاران (۱۳۹۳)، میرغفوری و صادقی آرنی (۱۳۹۲)، ضیائی (۱۳۹۱)، شمسی و صادقی (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، حقی و همکاران (۱۳۹۳)، صادقی و همکاران (۱۳۹۳)، امینی و همکاران (۱۳۹۵)، سوزنچی کاشانی و همکاران (۱۳۹۳)، بهادری و معطوفی (۱۳۹۴)، رضوانی و رشیدیایی آبندانسری (۱۳۹۱)، ضیائی (۱۳۹۱)، طالبی و همکاران (۱۳۹۰)
۸	مدیریت دانش	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، موتونی و همکاران (۲۰۱۳)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، بهادری و معطوفی (۱۳۹۴)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، ایزدیان و همکاران (۱۳۹۲)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)، ریتالا و هرمیلننا لوکنن (۲۰۱۳)، داس (۲۰۰۳)
۹	جهت‌گیری‌های دانشگاه‌ها به سمت کسب و کارهای دانش بنیان	خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، رمضان پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، تازی و همکاران (۱۳۹۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)، طالبی و زارع یکتا (۱۳۸۷)، بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، ون همرت و همکاران (۲۰۱۳)، کلمبو و همکاران (۲۰۱۰)، فینی و همکاران (۲۰۰۹)، کاسیمان (۲۰۰۶)، کانگ (۲۰۰۴)
۱۰	مشتری‌مداری	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، جمالی (۱۳۹۴)، رمضان پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، آقاجانی و همکاران (۱۳۹۴)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۳)، میرغفوری و صادقی آرنی (۱۳۹۲)، رضوانی و رشیدیایی آبندانسری (۱۳۹۱)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)، مهدوی و همکاران (۱۳۸۷)، رانیکو (۲۰۱۲)، کومار و همکاران (۲۰۰۴)

ردیف	کد	منابع
۱۱	تحقیق و توسعه	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، احمدی جشوقانی و اسماعیلیان (۱۳۹۴)، حافظیان و همکاران (۱۳۹۳)، محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، باباخانیان (۱۳۹۳)، صادقی و همکاران (۱۳۹۳)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)، رشیدی نژاد و شریف زاده کرمانی (۱۳۸۵)، جعفرپیشه (۱۳۸۶)، گه و همکاران (۲۰۰۵)
۱۲	سن	رانیکو (۲۰۱۲)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، تاری و همکاران (۱۳۹۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)
۱۳	هوشمندی استراتژیک	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، حکاک و شریعت نژاد (۱۳۹۴)، مصلح و بوزنجانی (۱۳۹۳)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)، کومار و همکاران (۲۰۰۴)
۱۴	انگیزه کارکنان	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، جلال پور و همکاران (۱۳۹۵)، محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، حقی و همکاران (۱۳۹۳)، باباخانیان (۱۳۹۳)، نظریان و حدادی مقدم (۱۳۹۳)، میرغفوری و صادقی آرانی (۱۳۹۲)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)، سلامی و همکاران (۱۳۹۰)، مهدوی و همکاران (۱۳۸۷)
۱۵	اهداف بلندمدت و کوتاه مدت شفاف	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، حقی و همکاران (۱۳۹۳)، حافظیان و همکاران (۱۳۹۳)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)، مهدوی و همکاران (۱۳۸۷)، کارنیتزکی و همکاران (۲۰۱۴)، رانیکو (۲۰۱۲)، سیگل و همکاران (۲۰۰۷)، چوریف و اندرسون (۲۰۰۴)، کومار و همکاران (۲۰۰۴)
۱۶	پیشتازی انکوباتورها در فرایند تبدیل ایده به نتیجه	ون کان (۲۰۱۳)، مک ادم و مارلو (۲۰۰۸)، اوشیا و همکاران (۲۰۰۸)، هلم و مارونر (۲۰۰۷)، کلاریس و همکاران (۲۰۰۵)، کانگ (۲۰۰۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)، علی احمدی و قاضی نوری (۱۳۸۷)
۱۷	جنسیت	رانیکو (۲۰۱۲)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، تاری و همکاران (۱۳۹۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)
۱۸	کارآفرینی سازمانی	خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، حافظیان و همکاران (۱۳۹۳)، صحت و یاراحمدی (۱۳۹۳)
۱۹	شناخت و تقویت مزیت‌های رقابتی سازمان	ایالا و همکاران (۲۰۱۷)، سافرونسکی (۲۰۱۷)، کوارته ریل و همکاران (۲۰۱۶)، ون همبرت و همکاران (۲۰۱۳)، رانیکو (۲۰۱۲)، ژانگ (۲۰۰۹)، من و چن (۲۰۰۲)، امینی و همکاران (۱۳۹۵)، منصور (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۳)، دهقانان و هزندی (۱۳۹۳)، صحت و یاراحمدی (۱۳۹۳)، سلامی و همکاران (۱۳۹۰)، مهدوی و همکاران (۱۳۸۷)
۲۰	سرمایه فکری	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، صحت و یاراحمدی (۱۳۹۳)، طبرسا و نظری پور (۱۳۹۲)
۲۱	تیم‌های مشاوره‌ای باتجربه	بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، اسماعیل و همکاران (۲۰۱۱)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، ضیائی (۱۳۹۱)، طالبی و همکاران (۱۳۹۰)، قاضی نوری و آزادگان مهر (۱۳۸۷)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۳)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)

ردیف	کد	منابع
۲۲		خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، باباخانیان (۱۳۹۳)، حقی و همکاران (۱۳۹۳)، ضیائی (۱۳۹۱)، طالبی و همکاران (۱۳۹۰)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)، سیگل و همکاران (۲۰۰۷)
۲۳		شیری و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، اسدیپور و کارگر (۱۳۹۴)، آقاجانی و همکاران (۱۳۹۴)، تاری و همکاران (۱۳۹۴)، رمضان پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، نظریان و حدادی مقدم (۱۳۹۳)، باباخانیان (۱۳۹۳)، رضوانی و رشیدایی آبدانن سری (۱۳۹۱)، سعید اردکانی و همکاران (۱۳۹۰)، ریتالا و هرمیلننا لوکنس (۲۰۱۳)، هشی و استاجسیک (۲۰۱۳)، آنتونیکیک و هیسریچ (۲۰۰۱)
۲۴		چورریف و اندرسون (۲۰۰۶)، آنتونیکیک و هیسریچ (۲۰۰۱)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، رمضان پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، تاری و همکاران (۱۳۹۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)، رضوانی و رشیدایی آبدانن سری (۱۳۹۱)، ملک زاده وکیانی نژاد (۱۳۹۰)
۲۵		آنتونیکیک و هیسریچ (۲۰۰۱)، ملک زاده وکیانی نژاد (۱۳۹۰)، چورریف و اندرسون (۲۰۰۶)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، تاری و همکاران (۱۳۹۴)، رمضان پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)، رضوانی و رشیدایی آبدانن سری (۱۳۹۱)
۲۶		مهدوی و همکاران (۱۳۸۷)، چورریف و اندرسون (۲۰۰۶)، آنتونیکیک و هیسریچ (۲۰۰۱)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، رمضان پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، تاری و همکاران (۱۳۹۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)، رضوانی و رشیدایی آبدانن سری (۱۳۹۱)
۲۷		بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، موتونی و همکاران (۲۰۱۳)، رانیکو (۲۰۱۲)، اسماعیل و همکاران (۲۰۱۱)، اوشیا و همکاران (۲۰۰۸)، نظریان و حدادی مقدم (۱۳۹۳)، اکبرزاده و شفیع زاده (۱۳۹۱)، مهدوی و همکاران (۱۳۸۷)
۲۸		رانیکو (۲۰۱۲)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، تاری و همکاران (۱۳۹۴)، باباخانیان (۱۳۹۳)
۲۹		رانیکو (۲۰۱۲)، سیگل و همکاران (۲۰۰۷)، بکر و کاسمن (۲۰۰۶)، کانگ (۲۰۰۴)، من و جن (۲۰۰۲)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، اکبرزاده و شفیع زاده (۱۳۹۱)
۳۰		بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، کومار و همکاران (۲۰۰۴)، حاجی شمسایی و همکاران (۱۳۹۶)، جلال پور و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار و همکاران (۱۳۹۵)، منصور (۱۳۹۵)، باباخانیان (۱۳۹۳)، حقی و همکاران (۱۳۹۳)
۳۱		لامبرتی و همکاران (۲۰۱۵)، رانیکو (۲۰۱۲)، اوشیا و همکاران (۲۰۰۸)، سیگل و همکاران (۲۰۰۷)، حاجی شمسایی و همکاران (۱۳۹۶)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۳)، اکبرزاده و شفیع زاده (۱۳۹۱)
۳۲		حاجی شمسایی و همکاران (۱۳۹۶)، جلال پور و همکاران (۱۳۹۵)، منصور (۱۳۹۵)، رمضان پور نرگسی و همکاران (۱۳۹۴)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۳)، اکبرزاده و شفیع زاده (۱۳۹۱)، کانگ (۲۰۰۴)

مأخذ: همان.

گام پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

هدف فراترکیب ایجاد تفسیر یکپارچه و جدید از یافته‌هاست. این متدولوژی برای شفاف‌سازی مفاهیم الگوها، نتایج در پالایش حالت‌های موجود دانش و ظهور مدل‌های عملیاتی و نظریه‌های پذیرفته شده است. در طول تجزیه و تحلیل موضوع‌ها یا تم‌هایی را جستجو می‌کند که در میان مطالعات موجود در فراترکیب پایدار شده‌اند. سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) این مورد را «بررسی موضوعی» می‌نامند. به این ترتیب پژوهشگر ابتدا تمام عوامل استخراج شده از مطالعات را کد در نظر می‌گیرد و سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از این کدها، آنها را در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی می‌کند. سپس مفاهیم (تم‌های) پژوهش شکل داده می‌شود.

جدول ۳. مقوله‌بندی یافته‌ها

ردیف	مقوله	مفاهیم	کد
۱	سازمانی	فرهنگ سازمانی	مشوق‌ها و انگیزه‌های کافی برای تجاری‌سازی، انگیزه کارکنان، همکاری بین شرکت‌های دانش بنیان، کارآفرینی سازمانی
		خط‌مشی سازمانی	مشتری‌مداری، آموزش صحیح، تحقیق و توسعه، مدیریت دانش، شناخت و تقویت مزیت‌های رقابتی سازمان، هوشمندی استراتژیک، اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت شفاف
		توانمندی‌های سازمانی	توانمندی بازاریابی و فروش، تیم‌های مشاوره‌ای باتجربه، مدیران متخصص و باتجربه، موقعیت مکانی شرکت، سرمایه فکری، برخورداری از نیروی انسانی دانش محور و خبره
۲	محیطی	سازوکارهای حمایتی	پیشسازی پارک‌های علم و فناوری در ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای دانش بنیان، سیاست‌های پشتیبان دولت، جهت‌گیری‌های دانشگاه‌ها به سمت کسب‌وکارهای دانش بنیان، پیشسازی انکوباتورها در فرایند تبدیل ایده به نتیجه، حمایت مالی
		زیرساخت‌های محیطی	زیرساخت‌های مرتبط با فناوری اطلاعات (نرم افزار، سخت افزار، شبکه و مغز افزار)، ثبت اختراع و مالکیت فکری، زیرساخت‌های فیزیکی
۳	فردی	ویژگی‌های جمعیت شناختی	جنسیت، سن، سطح تحصیلات
		ویژگی‌های شخصیتی	مخاطره‌پذیری، کنترل درونی، اعتماد به نفس، خلاقیت و نوآوری

مأخذ: همان.

گام ششم: کنترل کیفیت

در گام ششم برای ارزیابی کیفیت، نتایج در اختیار یکی از خبرگان قرار می‌گیرد تا به وسیله شاخص کاپا^۱ مورد بررسی قرار گیرد. زمانی که دو رتبه‌دهنده پاسخگویان را رتبه‌بندی می‌کنند، برای ارزیابی میزان توافق بین این دو رتبه‌دهنده از شاخص کاپای کوهن استفاده می‌شود. مقدار شاخص کاپا بین صفر تا یک نوسان دارد. هر چه مقدار این سنجه به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده توافق بیشتر بین رتبه‌دهندگان است، اما زمانی که مقدار کاپا به عدد صفر نزدیک‌تر باشد، توافق کمتری بین دو رتبه‌دهنده وجود دارد (محقر و همکاران، ۱۳۹۲). با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲، عدد معناداری ۰/۰۰۰ و مقدار شاخص ۰/۸۰۶ محاسبه شد. با توجه به کوچک بودن عدد معناداری از ۰/۰۵، فرض استقلال کدهای استخراجی رد می‌شود. پس می‌توان ادعا کرد که استخراج کدها پایایی مناسبی داشته است.

تحلیل محتوا

تحلیل محتوا مرحله‌ای از فرایند اطلاعاتی است که از طریق آن محتوای ارتباطات با استفاده از به‌کارگیری مجموعه‌ای از قوانین طبقه‌بندی شده و نظام‌دار تغییر می‌یابد و به صورت داده‌های خلاصه شده و قابل مقایسه درمی‌آید. روش آنتروپی شانون پردازش داده‌ها را در مبحث تحلیل محتوا بسیار قوی انجام می‌دهد. آنتروپی در تئوری اطلاعات، شاخصی است برای اندازه‌گیری عدم اطمینان که از طریق توزیع احتمال بیان می‌شود. روش‌های متعددی برای تعیین وزن شاخص‌ها وجود دارد که یکی از بهترین آنها آنتروپی شانون است (آذر، میرفخرالدینی و انواری رستمی، ۱۳۸۷). در روش آنتروپی شانون، ابتدا پیام برحسب مقوله‌ها به تناسب هر پاسخگو در قالب فراوانی شمارش و سپس با استفاده از بار اطلاعاتی هر مقوله، درجه اهمیت هر یک محاسبه می‌شود (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو میزان پشتیبانی پژوهش‌های گذشته از یافته‌های این پژوهش به صورت آماری نشان داده می‌شود. برای محاسبه بار اطلاعاتی عدم اطمینان و ضریب اهمیت از رابطه ۱ و ۲ استفاده می‌شود.

1. Kappa

$$(j = 1, 2, \dots, n) K = \frac{1}{\ln m} = -k \sum_i^m = 1 [P_{ij} \ln p_{ij}] E_j \quad (1)$$

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_j^n = 1 E_j W_j} \quad (2)$$

برای محاسبه وزن هر یک از مفاهیم نیز مجموع وزن کدهای آن مفهوم محاسبه و براساس وزن‌های به دست آمده در جدول ذیل رتبه‌بندی شد.

جدول ۴. رتبه‌بندی و ضریب اهمیت کدهای موفقیت شرکت‌های دانش بنیان

رتبه در کل	رتبه در مفاهیم	ضریب اهمیت	عدم اطمینان	$\sum_{i=1}^m [p_{ij} \ln p_{ij}]$	فراوانی	کد	مفاهیم
۱۳	۳	۰/۰۲۶۸	۰/۴۲۳۴	۱/۹۴۵۹	۷	مشوق‌ها و انگیزه‌های کافی برای تجاری‌سازی	فرهنگ سازمانی
۹	۱	۰/۰۳۳۱	۰/۵۲۱۷	۲/۳۹۷۸	۱۱	انگیزه کارکنان	
۱۲	۲	۰/۰۲۸۷	۰/۴۵۲۴	۲/۰۷۹۴	۸	همکاری بین شرکت‌های دانش بنیان	
۱۵	۴	۰/۰۱۹۱	۰/۳۰۱۶	۱/۳۸۶۲	۴	کارآفرینی سازمانی	
۷	۲	۰/۰۳۵۴	۰/۵۵۸۱	۲/۵۶۴۹	۱۳	مشتری‌مداری	نقطه‌مشی سازمانی
۱۲	۶	۰/۰۲۸۷	۰/۴۵۲۴	۲/۰۷۹۴	۸	آموزش صحیح	
۸	۳	۰/۰۳۴۳	۰/۵۴۰۷	۲/۴۸۴۹	۱۲	تحقیق و توسعه	
۱۰	۵	۰/۰۳۱۸	۰/۵۰۱۰	۲/۳۰۲۵	۱۰	مدیریت دانش	
۵	۱	۰/۰۳۷۳	۰/۵۸۹۲	۲/۷۰۸۰	۱۵	شناخت و تقویت مزیت‌های رقابتی سازمان	توانمندی‌های سازمانی
۱۳	۷	۰/۰۲۶۸	۰/۴۲۳۴	۱/۹۴۵۹	۷	هوشمندی استراتژیک	
۹	۴	۰/۰۳۳۱	۰/۵۲۱۷	۲/۳۹۷۸	۱۱	اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت شفاف	
۱	۱	۰/۰۴۶۰	۰/۷۲۵۰	۳/۳۳۲۲	۲۸	برخورداری از نیروی انسانی دانش‌محور و خبیره	
۳	۲	۰/۰۴۲۰	۰/۶۶۲۴	۳/۰۴۴۵	۲۱	توانمندی بازاریابی و فروش	توانمندی‌های سازمانی
۱۲	۴	۰/۰۲۸۷	۰/۴۵۲۴	۲/۰۷۹۴	۸	تیم‌های مشاوره‌ای باتجربه	
۵	۳	۰/۰۳۷۳	۰/۵۸۹۲	۲/۷۰۸۰	۱۵	مدیران متخصص و باتجربه	
۱۳	۵	۰/۰۲۶۸	۰/۴۲۳۴	۱/۹۴۵۹	۷	موقعیت مکانی شرکت	
۱۵	۶	۰/۰۱۹۱	۰/۳۰۱۶	۱/۳۸۶۲	۴	سرمایه فکری	

رتبه در کل	رتبه در مفاهیم	ضریب اهمیت	عدم اطمینان	$\sum_{i=1}^m [p_{ij} \ln p_{ij}]$	فراوانی	کد	مفاهیم
۹	۳	۰/۰۳۳۱	۰/۵۲۱۷	۲/۳۹۷۸	۱۱	پیشتازی پارک های علم و فناوری در ایجاد و توسعه شرکت های دانش بنیان	سازوکارهای حمایتی
۲	۱	۰/۰۴۳۸	۰/۶۹۱۵	۳/۱۷۸۰	۲۴	سیاست های پشتیبان دولت	
۹	۳	۰/۰۳۳۱	۰/۵۲۱۷	۲/۳۹۷۸	۱۱	جهت گیری های دانشگاه ها به سمت شرکت های دانش بنیان	
۱۲	۴	۰/۰۲۸۷	۰/۴۵۲۴	۲/۰۷۹۴	۸	پیشتازی انکوباتورها در فرایند تبدیل ایده به نتیجه	
۵	۲	۰/۰۳۷۳	۰/۵۸۹۲	۲/۷۰۸۰	۱۵	حمایت مالی	
۴	۱	۰/۰۳۹۹	۰/۶۲۸۹	۲/۸۹۰۳	۱۸	زیرساخت های مرتبط با فناوری اطلاعات (نرم افزار، سخت افزار، شبکه و مغز افزار)	زیرساخت های محیطی
۱۲	۲	۰/۰۲۸۷	۰/۴۵۲۴	۲/۰۷۹۴	۸	ثبت اختراع و مالکیت فکری	
۱۳	۳	۰/۰۲۶۸	۰/۴۲۳۴	۱/۹۴۵۹	۷	زیرساخت های فیزیکی	
۱۴	۱	۰/۰۲۲۲	۰/۳۵۰۲	۱/۶۰۹۴	۵	جنسیت	جمعیت شناختی ویژگی های
۱۴	۱	۰/۰۲۲۲	۰/۳۵۰۲	۱/۶۰۹۴	۵	سن	
۱۴	۱	۰/۰۲۲۲	۰/۳۵۰۲	۱/۶۰۹۴	۵	سطح تحصیلات	
۱۱	۲	۰/۰۳۰۳	۰/۴۷۸۱	۲/۱۹۷۲	۹	مخاطره پذیری	شخصیتی ویژگی های
۱۱	۲	۰/۰۳۰۳	۰/۴۷۸۱	۲/۱۹۷۲	۹	کنترل درونی	
۱۲	۳	۰/۰۲۸۷	۰/۴۵۲۴	۲/۰۷۹۴	۸	اعتماد به نفس	
۶	۱	۰/۰۳۶۴	۰/۵۷۴۲	۲/۶۳۹۰	۱۴	خلاقیت و نوآوری	

مأخذ: همان.

براساس ضرایب به دست آمده در جدول ۴، مشخص شد کدهای برخوردار از نیروی انسانی دانش محور و خبره، سیاست های پشتیبان دولت، توانمندی بازاریابی و فروش، زیرساخت های مرتبط با فناوری اطلاعات (نرم افزار، سخت افزار، شبکه و مغز افزار)، حمایت مالی، مدیران متخصص و باتجربه، شناخت و تقویت مزیت های رقابتی سازمان دارای بیشترین ضریب اهمیت هستند و بالاترین رتبه ها را در کل کسب کرده اند؛ یعنی در حوزه شرکت های دانش بنیان این موضوع ها بیشتر مطالعه و مورد توجه قرار گرفته اند و تکرارپذیری

بیشتری نسبت به سایر کدها داشته‌اند. از این رو می‌توان گفت که توجه به این شاخص‌ها در پیاده‌سازی الگوی موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان بسیار حائز اهمیت است.

گام هفتم: ارائه یافته‌ها

در این مرحله از روش فراترکیب یافته‌های حاصل از مراحل قبل ارائه می‌شود. ۹۷ مقاله انتخاب شده از سوی پژوهشگر در مدت سه ماه مورد بررسی قرار گرفتند و اطلاعات مورد نیاز براساس هدف اصلی این پژوهش که شناسایی پیشران‌های مؤثر بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان هستند؛ شناسایی شدند. ترکیب یافته‌ها پس از اعمال نظر خبرگان دانشگاهی و شرکت‌های دانش‌بنیان در سه بُعد و ۳۲ شاخص دسته‌بندی شد که عناصر اصلی الگوی موفقیت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان را تشکیل دادند. در ادامه به توصیف آنها پرداخته می‌شود.

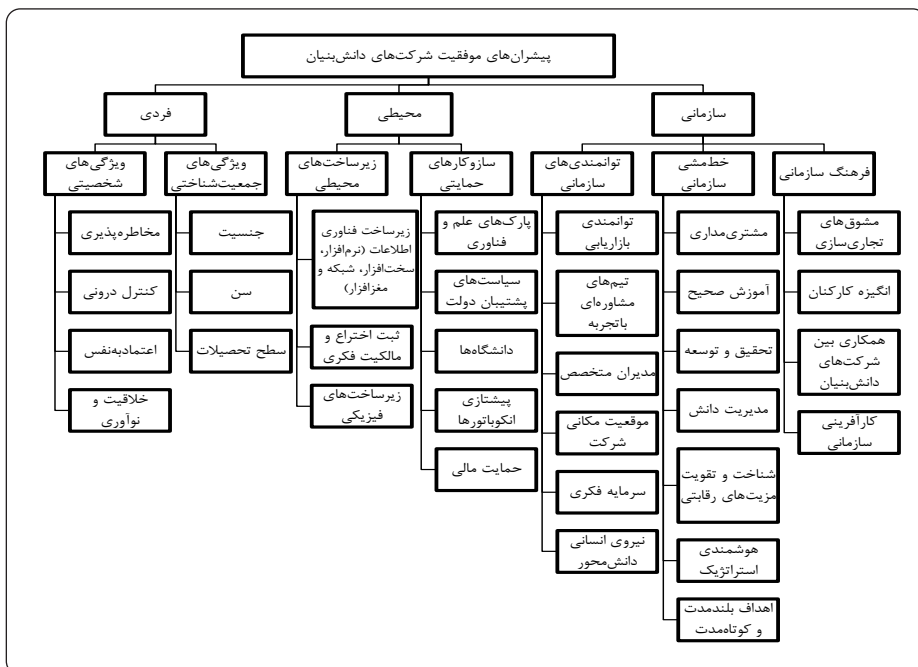
بُعد سازمانی: دربرگیرنده عواملی است که مرتبط با سازمان و محلی است که فرد در آن مشغول به فعالیت است. به عبارتی بُعد سازمانی؛ فضای حاکم بر شرکت‌های دانش‌بنیان، امکانات و تسهیلات موجود در آنهاست. براساس مطالعات پژوهش‌های پیشین و کدهای استخراج شده مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی، خط‌مشی سازمانی، توانمندی‌های سازمانی شناسایی شدند. شاخص‌های فرهنگ سازمانی عبارت‌اند از: مشوق‌ها و انگیزه‌های کافی برای تجاری‌سازی، انگیزه کارکنان، همکاری بین شرکت‌های دانش‌بنیان، کارآفرینی سازمانی. شاخص‌های خط‌مشی سازمانی عبارت‌اند از: مشتری‌مداری، آموزش صحیح، تحقیق و توسعه، مدیریت دانش، شناخت و تقویت مزیت‌های رقابتی سازمان، هوشمندی استراتژیک، اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت شفاف. شاخص‌های توانمندی‌های سازمانی عبارت‌اند از: توانمندی بازاریابی و فروش، تیم‌های مشاوره‌ای باتجربه، مدیران متخصص و باتجربه، موقعیت مکانی شرکت، سرمایه فکری و برخورداری از نیروی انسانی دانش‌محور و خیره.

بُعد محیطی: منظور از بُعد محیطی هر آنچه شرکت دانش‌بنیان در تعیین آن نقش ندارد، است. در این بُعد براساس مطالعه پژوهش‌های پیشین و کدهای استخراج شده مؤلفه‌های سازوکارهای حمایتی و زیرساخت‌های محیطی شناسایی شدند. شاخص‌های سازوکارهای حمایتی عبارت‌اند از: پیشتازی پارک‌های علم و فناوری در ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان،

سیاست‌های پشتیبان دولت، جهت‌گیری‌های دانشگاه‌ها به سمت شرکت‌های دانش‌بنیان، پیشتازی انکوباتورها در فرایند تبدیل ایده به نتیجه و حمایت مالی. شاخص‌های زیرساخت‌های محیطی نیز عبارت‌اند از: زیرساخت‌های مرتبط با فناوری اطلاعات (نرم‌افزار، سخت‌افزار، شبکه و مغزافزار)، ثبت اختراع و مالکیت فکری و زیرساخت‌های فیزیکی.

بُعد فردی: این بُعد به ویژگی‌ها و خصوصیات اشاره دارد که هر فرد برای عملکرد موفق در شرکت‌های دانش‌بنیان به آن نیاز دارد. در واقع آن دسته از یافته‌های پژوهشی در حوزه موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان که به بُعد فردی اشاره دارد در این طبقه جای گرفته است. براساس مطالعه پژوهش‌های پیشین و کدهای استخراج شده مؤلفه‌های ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شخصیتی شناسایی شدند. شاخص‌های جمعیت‌شناختی عبارت‌اند از: جنسیت، سن، سطح تحصیلات و شاخص‌های شخصیتی عبارت‌اند از: مخاطره‌پذیری، کنترل درونی، اعتماد به نفس و نوآوری.

شکل ۲. مدل استنتاج شده از یافته‌های کیفی



مأخذ: همان.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

در دنیای پرتحول امروزی اقتصاد یک کشور وقتی شکوفایی می‌شود که بستری لازم برای نوآوری و حضور در بازارهای رقابتی جهانی فراهم شود. حرکت به سوی نوآوری و ایجاد تغییر در ترکیب محصولات و خدمات، در قلمرو فعالیت‌های یک شرکت دانش‌بنیان قرار دارد (انتظاریان، ۱۳۹۴). بنابراین توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان و عوامل موفقیت این نوع شرکت‌ها در کشورهای در حال توسعه به خصوص ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. براساس روش جامع فراترکیب، الگوی موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان دارای سه بُعد سازمانی، محیطی و فردی و هفت مفهوم فرهنگ سازمانی، خط‌مشی سازمانی، توانمندی‌های سازمانی، سازوکارهای حمایتی، زیرساخت محیطی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی و ۳۲ شاخص است. براساس نتایج حاصل از آنتروپی شانون، کد برخورداری از نیروی انسانی دانش‌محور و خبره، سیاست‌های پشتیبان دولت، توانمندی بازاریابی و فروش دارای بیشترین اهمیت است. کد برخورداری از نیروی انسانی دانش‌محور و خبره به‌عنوان بااهمیت‌ترین شاخص در موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان شناسایی شده است؛ چراکه کسب‌وکارها بدون نیروی انسانی خبره و دانش‌محور نه تنها مفهومی ندارد، بلکه اداره آنها نیز میسر نخواهد بود، حتی با ورود فناوری‌های جدید به کسب‌وکارها و تبدیل آنها به توده‌ای از تجهیزات و دستگاه‌ها، همچنان نقش نیروی انسانی به‌عنوان عامل حیاتی و راهبردی در بقای سازمان کاملاً مشهود است که این نتیجه با نتیجه پژوهش‌های بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، رانیکو (۲۰۱۲)، جلال‌پور، طالبی و طبیبی (۱۳۹۵)، ترکیان‌تبار، محمداسماعیل و نوشین‌فرد (۱۳۹۵)، شیری و همکاران (۱۳۹۵)، احمدی جشوقانی و اسماعیلیان (۱۳۹۴) همسوست.

کد سیاست‌های پشتیبان دولت در رتبه دوم پیشران‌های موفقیت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان قرار دارد که با نتیجه پژوهش‌های بیلاتونو و همکاران (۲۰۱۷)، موتونی و همکاران (۲۰۱۳)، رانیکو (۲۰۱۲)، ترکیان‌تبار، محمداسماعیل و نوشین‌فرد (۱۳۹۵)، شمسی و صادقی (۱۳۹۵)، منصوری (۱۳۹۵)، رمضان‌پور نرگسی، رمضان‌پور نرگسی و غفاری (۱۳۹۴) همسوست. کشورهای در حال توسعه به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی و تعامل با

اقتصاد جهانی باید برنامه‌های استراتژیک خود را بازسازی و ساختارهای جدیدی ایجاد کنند تا بتوانند با پدیده جهانی شدن خود را منطبق کنند. از این رو مهمترین نقش دولت، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه فناوری و نوآوری است. یکی از زیرساخت‌هایی که دولت‌ها باید برای آن سرمایه‌گذاری کنند، پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و شرکت‌های دانش بنیان است (عسگری گشت‌رودخانی و هاشمی، ۱۳۹۸). با توجه به نقش اشتغال‌زایی، اشاعه فناوری و در نهایت رشد اقتصادی شرکت‌های دانش بنیان؛ گسترش این شرکت‌ها و رفع موانع پیش‌روی کسب‌وکارها و در نهایت اتخاذ سیاست‌های حمایتی دولت از جمله ایجاد تسهیلات دانش بنیان (حمایت‌های مالی دولت، برخورداری از تسهیلات بانکی، اولویت‌های خاص در معاملات، بهره‌مندی از پوشش بیمه‌ای خاص، تسهیل شرایط مناقصه و...)، رفع قوانین دست‌وپاگیر و کمک به صادرات محصولات دانش بنیان ضروری است.

کد توانمندی بازاریابی و فروش که در رتبه سوم شاخص‌های موفقیت شرکت‌های دانش بنیان قرار دارد، با نتیجه پژوهش‌های بیلانتونو و همکاران (۲۰۱۷)، امینی و همکاران (۱۳۹۵)، ترکیان تبار، محمد اسماعیل و نوشین فرد (۱۳۹۵)، خیاطیان، الیاسی و طباطبائیان (۱۳۹۵)، جلال پور، طالبی و طبیبی (۱۳۹۵)، بهادری و معطوفی (۱۳۹۴)، رمضان پور نرگسی، رمضان پور نرگسی و غفاری (۱۳۹۴)، احمدی جشوقانی و اسماعیلیان (۱۳۹۴)، محمدی و همکاران (۱۳۹۳) همسوست. از آنجاکه عمده شرکت‌های دانش بنیان ایرانی، نوپا و بنگاه کوچک مقیاس محسوب می‌شوند، بنابراین این شرکت‌ها با توجه به حجم نقدینگی و توان پایین در جذب سرمایه با مشکلات بسیار زیادی در ورود به بازار و فروش محصول خود مواجه هستند (Lin and Ho, 2018). بر این اساس توانمندی در بازاریابی و فروش محصولات توسط شرکت‌های دانش بنیان و آشنایی با بازاریابی محصول از جمله تبلیغات، مذاکره برای ثبت سفارش، ارتباط با بازارهای بین‌المللی جهت صادرات و... می‌تواند عاملی برای موفقیت این نوع شرکت‌ها قلمداد شود.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر پژوهشی جامع در جهت شناسایی پیشران‌های موفقیت شرکت‌های دانش بنیان بوده است؛ از این رو برای استخراج شاخص‌های موفقیت این‌گونه شرکت‌های ایرانی به محققان آینده پیشنهاد می‌شود به اعتبارسنجی الگوی

موفقیت استخراج شده از این پژوهش در شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک‌های علم و فناوری ایران پردازند.

پیشنهاد‌های کاربردی

- شرکت‌های دانش‌بنیان به جذب نیروی متخصص دانشگاهی و فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاه‌ها اقدام کنند؛
- ایده‌های جدید شرکت‌های دانش‌بنیان با توجه به نیاز بازارهای داخلی و خارجی اولویت بندی شوند؛
- آشنایی شرکت‌های دانش‌بنیان با مباحث بازاریابی و فروش محصولات شرکت؛
- تأکید شرکت‌های دانش‌بنیان بر مشتری‌مداری، تحقیق و توسعه، مدیریت دانش، شناخت و تقویت مزیت‌های رقابتی؛
- پرورش روحیه خلاقانه، مخاطره‌پذیری، اعتماد به نفس و کنترل درونی در اعضای شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- شرکت‌های دانش‌بنیان در فضای رقابتی سالم، کالاها و خدمات تولیدی مبتنی بر دانش خود را با استفاده از فنون بازاریابی کارا در بازارهای داخلی و خارجی توزیع و عرضه کنند و سودآوری داشته باشند؛
- سرمایه‌گذاری در امر آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی در حوزه فناوری، نوآوری و کارآفرینی؛
- جذب سرمایه‌گذار از سوی مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- مشاوره به مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان در خصوص تجاری‌سازی فناوری‌های نوین؛
- دولت نسبت به موانع پیش‌روی تولید و توزیع اطلاعات و دانش از جمله موانع زیرساختی، موانع فرهنگی و اجتماعی تلاش و جدیت داشته باشد؛
- همکاری هرچه بیشتر دولت، دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان برای دستیابی به سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران؛
- جهت‌گیری دانشگاه‌ها به سمت کسب و کارهای دانش‌بنیان.

منابع و مآخذ

۱. آذر، عادل، سیدحیدر میرفخرالدینی و علی اصغر انواری رستمی (۱۳۸۷). «بررسی مقایسه‌ای تحلیل داده‌ها در شش سیگما، به کمک ابزارهای آماری و فنون تصمیم‌گیری چندشاخصه»، *مجله پژوهش‌های مدیریت در ایران*، دوره ۱۲، ش ۴.
۲. احمدی جشوقانی، عبدالله و غلامرضا اسماعیلیان (۱۳۹۴). «ارزیابی اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر بهبود تدوین استراتژی شرکت‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیان با استفاده از مدل ANP مورد مطالعه: شرکت‌های مستقر در شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان»، *نشریه مدیریت فردا*، ش ۴۳.
۳. اسدپور، مرتضی و مهناز کارگر (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر نوآوری سازمانی و نوآوری مدیریتی در موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان مورد مطالعه: شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری گیلان»، *فصلنامه رشد فناوری*، سال ۱۱، ش ۴۳.
۴. امینی، الهام، محمد بنی‌اسدی، مهرداد خاتمی و حسین وحیدی (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت شرکت‌های دانش‌بنیان با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی، مطالعه موردی پارک تهران»، *فصلنامه رشد فناوری*، سال ۱۲، ش ۴۸.
۵. انتظاریان، ناهید (۱۳۹۴). «تأثیر کسب‌وکارهای دانش‌بنیان بر رشد اقتصادی کشور»، *ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه*، ش ۱۸۰.
۶. بهادری، سروش و علیرضا معطوفی (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر مدیریت دانش و بازارمحوری بر عملکرد شرکت در بنگاه‌های کوچک استان مازندران»، تهران، همایش ملی پژوهش‌های مدیریت.
۷. تازی، مهدیه، محمود مرادی و مصطفی ابراهیم‌پور (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر رشد و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان»، *فصلنامه رشد فناوری*، دوره ۱۲، ش ۴۵.
۸. ترکیان تبار، منصور، صدیقه محمداسماعیل و فاطمه نوشین‌فرد (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر تجاری‌سازی نتایج تحقیقات علمی در شرکت‌های دانش‌بنیان ایران»، *نشریه تعامل انسان و اطلاعات*، دوره ۳، ش ۳.
۹. جلال‌پور، سیده‌صدیقه، کامبیز طالبی و سیدجمال‌الدین طیبی (۱۳۹۵). «ارتقای عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی: شناسایی عوامل اثرگذار در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی»، *توسعه کارآفرینی*، دوره ۹، ش ۲.
۱۰. خیاطیان، محمدصادق، مهدی الیاسی و سیدحبیب‌اله طباطبائی (۱۳۹۵). «الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران»، *فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری*، سال ۸، ش ۲.

۱۱. رمضان پور نرگسی، قاسم، سمیه رمضان پور نرگسی و علی غفاری (۱۳۹۴). «عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه کارآفرینی فناورانه در شرکت‌های دانش بنیان مستقر در پارک‌های علم و فناوری در ایران»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۸، ش ۴.
۱۲. رهبری، هادی، ناصر پورصادق و حمیدرضا یزدانی (۱۳۹۹). «شناسایی عوامل مؤثر بر درهم تنیدگی شغلی با رویکرد فراترکیب»، فصلنامه انداز‌گیری تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، سال ۱۰، ش ۴۰.
۱۳. سلطانی، اکبر، یوسف ادیب، فیروز محمودی و شهرام واحدی (۱۳۹۷). «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی براساس مؤلفه‌های هوش‌های چندگانه: روش آنتروپی شانون»، نشریه علمی - پژوهشی آموزش و ارزشیابی، سال ۱۱، ش ۴۳.
۱۴. سهرابی اسمرود، فرامرز، کژال یعقوبی و فرخنده مفیدی (۱۳۹۰). «بررسی و مقایسه میزان پرخاشگری کودکان طلاق و عادی»، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، دوره ۷، ش ۱.
۱۵. شفیعی، سلیمان و امین زارع (۱۳۹۷). «روش‌شناسی فراتحلیل در علم اطلاعات و دانش‌شناسی (چیستی، ویژگی‌ها و چالش‌ها)»، فصلنامه مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، سال ۱۱، ش ۱.
۱۶. شمسی، مجید و تورج صادقی (۱۳۹۵). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر تجاری‌سازی محصولات دانش بنیان جهت صادرات»، فصلنامه مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی، دوره ۳، ش ۱.
۱۷. شیر، اردشیر، مهدی دهقانی سلطانی، طاهره نثاری و حسین فارسی‌زاده (۱۳۹۵). «نقش اعتماد به نوآوری در ارتباط «تناسب فرد با شغل و سازمان» با «رفتار کاری نوآورانه» در شرکت‌های دانش بنیان (مورد مطالعه پارک علم و فناوری دانشگاه تهران)»، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، دوره ۴، ش ۱.
۱۸. عسگری گشت‌رودخانی، علیرضا و فرزانه هاشمی (۱۳۹۸). «ارزیابی تأثیر شرکت‌های دانش بنیان، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری در روند توسعه اقتصادی»، نشریه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۱۲، ش ۳.
۱۹. فخاری، حسن، داوود سلمانی و محمدرضا دارایی (۱۳۹۲). «بررسی اثرات تحریم‌های اقتصادی بر عملکرد شرکت‌های دانش بنیان کشور»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال ۵، ش ۳.
۲۰. مبینی دهکردی، علی و مهران کشتکار هرانکی (۱۳۹۵). «فراترکیب مدل‌های نوآوری اجتماعی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۷، ش ۲۶.
۲۱. محقر، علی، احمد جعفرنژاد، محمد مدرس یزدی و محمدرضا صادقی مقدم (۱۳۹۲). «ارائه الگوی جامع هماهنگی اطلاعاتی شبکه تأمین خودروسازی با استفاده از روش فراترکیب»، مجله مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۵، ش ۴.

۲۲. محمدی، مهدی، مهدی حمیدی، بهروز محمودی و سپیده جوادی (۱۳۹۳). «شناسایی، تحلیل و دسته‌بندی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های نوآوری در شرکت‌های دانش‌بنیان (مطالعه موردی: پارک علم و فناوری دانشگاه تهران)»، نشریه علمی - پژوهشی مدیریت نوآوری، دوره ۳، ش ۴.
۲۳. معمارنژاد، عباس (۱۳۸۴). «اقتصاد دانش‌بنیان الزامات، چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه/اقتصاد و تجارت نوین، ش ۱.
۲۴. منصوری، سمیه (۱۳۹۵). «شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اثرگذار در راستای توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران.
۲۵. نمکیان، مجید و امیدعلی کهریزی (۱۳۹۹). «تأثیر قابلیت‌های ضروری بازاریابی بر عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان»، فصلنامه رشد فناوری، سال ۱۶، ش ۶۳.
26. Bellantuono, N., N. Carbonara and P. Pontrandolfo (2017). "The Organization of Eco-industrial Parks and Their Sustainable Practices", *Journal of Cleaner Production*, Vol. 161.
27. Lamperti, F, R. Mavilia and S. Castellini (2017). "The Role of Science Parks: A Puzzle of Growth, Innovation and R&D Investments", *The Journal of Technology Transfer*, Vol. 42, No. 1.
28. Lin, F. J and C.W. Ho (2018). "The Knowledge of Entry Mode Decision for Small and Medium Enterprises", *Journal of Innovation and Knowledge*, Vol. 4, No. 1.
29. Muthoni, M. P., G. P. Omato and M. A. Kithinji (2013). "Analysis of Factors Influencing Transfer of Technology Among Micro and Small Enterprises in Kenya", *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 4, No. 17.
30. Rannikko, H. (2012). *Early Development of New Technology-Based Firms, Longitudinal Analysis on New Technology- Based Firms' Development from Population Level and Firm Level Perspectives*, Hanken School of Economics.
31. Sandelowski, M and J. Barroso (2007). "Using Qualitative Metasummary to Synthesize Qualitative and Quantitative Descriptive Findings", *Research in Nursing and Health*, Vol. 30, No. 1.

32. Sihvonen, A, J. Luoma and T. Tomas (2021). "How Customer Knowledge Affects Exploration: Generating, Guiding and Gatekeeping", *Industrial Marketing Management*, Vol. 94.
33. Zimmer, L. (2006). "Qualitative Meta-synthesis: A Question of Dialoguing with Texts", *Journal of Advanced Nursing*, Vol. 53, No. 3.

رابطه مصرف رسانه ملی و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی

دانشجویان دانشگاه‌های تهران

ابراهیم فتحی*، محسن شاکری نژاد** و مجید باقری***

شماره صفحه: ۸۷-۱۲۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۱	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۳	نوع مقاله: پژوهشی
--------------------	------------------------	-------------------------	-------------------

مشارکت سیاسی شهروندان تابع عوامل مختلفی همچون فرهنگ سیاسی آنان است. فرهنگ سیاسی دارای مؤلفه‌هایی همچون ارزش‌ها، باورها، احساسات و دانش سیاسی است که طی فرایند جامعه‌پذیری در افراد شکل می‌گیرد. امروزه رسانه‌ها در کنار خانواده، گروه‌های همسالان و نظام آموزشی یکی از مهمترین عوامل جامعه‌پذیری افراد به شمار می‌روند. این پژوهش با هدف بررسی رابطه مصرف رسانه ملی و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران انجام شد. به این منظور چهارصد نفر از دانشجویان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده انتخاب شدند. در این پژوهش از روش‌های آماری متناسب با سطوح سنجش متغیرها همانند آزمون تی، اف و رگرسیون چندمتغیره جهت تحلیل مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان استفاده از رسانه ملی و ارزش‌ها، باورها و احساسات سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران رابطه معناداری وجود دارد، ولی بین مصرف رسانه ملی و دانش سیاسی دانشجویان رابطه معناداری دیده نمی‌شود. در مجموع بین مصرف رسانه ملی و فرهنگ سیاسی دانشجویان همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر دانشجویانی که بیشتر از رسانه ملی استفاده می‌کنند، دارای فرهنگ سیاسی فعال (مشارکت جویانه‌تر) هستند.

کلیدواژه‌ها: رسانه ملی؛ دانش سیاسی؛ ارزش‌های سیاسی؛ باورهای سیاسی؛ احساسات سیاسی

* استادیار دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صدا و سیما؛

Email: e.fathi@iribu.ac.ir

** استادیار دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه صدا و سیما (نویسنده مسئول)؛

Email: shakerinejad@iribu.ac.ir

*** کارشناسی ارشد ارتباطات دانشگاه صدا و سیما؛

Email: bagherimajid55@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4031.4036

مقدمه

فرهنگ سیاسی از جمله مباحثی است که ابتدا در بین اندیشمندان علوم اجتماعی آمریکا مطرح شد. هرچند عده‌ای از متفکرین علوم اجتماعی اروپایی معتقدند که نمی‌توان فرهنگ را به اجزای گوناگونی مانند فرهنگ سیاسی و ... تقسیم کرد، با این حال گروهی بر این باورند که تفکیک فرهنگ سیاسی از فرهنگ به شکل عام آن، نه فقط امری مفید است، بلکه در برخی از موارد ضروری نیز خواهد بود؛ زیرا هم می‌توان به جنبه‌های فرهنگی سیاست، مستقل از سایر وجوه سیاست پرداخت و هم ابعاد سیاسی فرهنگ را جدا از دیگر ساخت‌های آن مطالعه کرد. به این ترتیب امکان بیشتری برای تحلیل نظام یافته‌تر از سیاست و فرهنگ پدید خواهد آمد. همچنین آنان معتقدند که علت توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی سیاسی و ریشه و عملکرد نهادهای سیاسی را می‌توان با استفاده از مقوله فرهنگ سیاسی توضیح داد.

اصطلاح «فرهنگ سیاسی» بعد از جنگ دوم جهانی در ادبیات توسعه سیاسی مطرح شده است. این واژه را نخستین بار گابریل آلموند در علم سیاست به کار برد: «هر نظام سیاسی شامل الگوی خاصی از جهت‌گیری‌ها به سوی عمل سیاسی است و فکر می‌کنم که بهتر است این الگو را «فرهنگ سیاسی» بنامیم» (Almond and Vebra, 1963: 396). از نظر وی هر نظام سیاسی متضمن یک الگوی خاص از جهت‌گیری به سمت کنش‌های سیاسی است؛ به این معنا که در هر نظام سیاسی یک قلمرو ذهنی سازمان یافته درباره سیاست وجود دارد که به جامعه، ترکیب نهادها و اتکای اجتماع بر افعال فردی معنا می‌دهد (Ibid.: 138).

فرهنگ سیاسی همچنان که از اصطلاح آن مشخص است، به شیوه‌ای مربوط می‌شود که اعضای یک جامعه روابط سیاسی را تصور یا «درک» می‌کنند. گرچه علمای علوم سیاسی تعاریف متعدد و متنوعی برای فرهنگ سیاسی ارائه کرده‌اند، ولی تعریف آلموند از فرهنگ سیاسی به تدریج مورد پذیرش سایرین قرار گرفت. وی در توصیف این واژه می‌گوید: «اصطلاح «فرهنگ سیاسی» به موضع‌گیری‌های خاص سیاسی اشاره می‌کند، گرایش‌ها نسبت به نظام سیاسی و قسمت‌های مختلف آن و گرایش‌ها نسبت به نقش

خویش در نظام. ما از فرهنگ سیاسی صحبت می‌کنیم، همان‌گونه که می‌توانیم از فرهنگ اقتصادی، یا فرهنگ مذهبی سخن بگوییم و آن عبارت است از مجموعه‌ای از موضع‌گیری‌ها نسبت به اهداف خاص و روند اجتماعی ... زمانی که ما از فرهنگ سیاسی یک جامعه صحبت می‌کنیم به نظام سیاسی اشاره می‌کنیم که در شناخت‌ها، احساسات و ارزیابی مردم آن درونی شده و مردم آن را استنباط کرده در آن قرار می‌گیرند، چنان‌که ایشان در نقش‌های غیرسیاسی و نظام‌های اجتماعی، اجتماعی شده‌اند» (Ibid.: 13-14). آنچه از تعریف آلموند برمی‌آید این است که مفهوم فرهنگ سیاسی در این رهیافت بر این مفروضات مبتنی است:

۱. در هر جامعه، یک فرهنگ سیاسی معین به فرایندهای سیاسی آن جامعه معنا و جهت می‌دهد،

۲. رفتار سیاسی در یک جامعه از یک سلسله‌باورها، احساس‌ها و شناخت‌ها ریشه می‌گیرد،

۳. این باورها، احساس‌ها و شناخت‌ها بنابر الگو و انگاره خاصی تحول می‌یابند نه برحسب اتفاق،

۴. فرد این باورها، احساس‌ها و ارزش‌ها را درونی می‌کند و به صورت جزئی از شخصیت و منشأ رفتار افراد درمی‌آید.

حال که به‌طور نسبی با مفهوم فرهنگ سیاسی آشنا شدیم باید ببینیم این فرهنگ چگونه ایجاد می‌شود. آلموند عوامل متعددی را در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی جوامع دخیل می‌داند. یکی از مهمترین این عوامل جامعه‌پذیری سیاسی است. جامعه‌پذیری در نگاه او آشنایی کودکان با ارزش‌ها و ایستارهای جامعه خودشان است و جامعه‌پذیری سیاسی بخشی از همین فرایند است که طی آن ایستارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرد و این ایستارها بخشی از شخصیت سیاسی فرد می‌شود (Almond, 2000: 16). اندیشمندان علوم اجتماعی چهار عامل خانواده، گروه‌های همسالان، نظام آموزشی و رسانه‌ها را از مهمترین عوامل جامعه‌پذیری می‌دانند. در جوامع امروز رسانه‌ها به دلیل تأثیری که به‌طور توأمان بر خانواده، گروه‌های همسالان و نظام آموزشی دارند، نه در عرض که در

طول دیگر عوامل جامعه‌پذیری قابل تحلیل و بررسی است و از اهمیتی دوچندان در فرایند جامعه‌پذیری برخوردار است. به این ترتیب امروزه در همه جوامع، رسانه‌ها یکی از مهمترین عوامل و ساختارهایی هستند که در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی افراد در خلال فرایند جامعه‌پذیری سیاسی مؤثرند. در میان رسانه‌های مختلف در ایران، تلویزیون و رادیو به عنوان دو رسانه اصلی و دولتی، نقش اساسی ایفا می‌کنند. بر این اساس نظر به جایگاه و نقش غیرقابل انکار رسانه‌ها به ویژه رادیو و تلویزیون در فرایند جامعه‌پذیری افراد و نیز نقش آفرینی بی‌بدیل دانشجویان به عنوان قشر فرهیخته و موتور محرک تحولات سیاسی جوامع، در این پژوهش بر آن شدیم تا ضمن شناسایی میزان و نوع مصرف رسانه‌ای دانشجویان دانشگاه‌های تهران، سطح فرهنگ سیاسی دانشجویان و رابطه بین میزان مصرف رسانه ملی با مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی آنان را بررسی کنیم.

۱. مبانی نظری

در این پژوهش سعی شده هم از نظریاتی که تأثیر عامل جامعه‌پذیری سیاسی را بر فرهنگ سیاسی تبیین کرده‌اند و هم از نظریاتی که به طور خاص به بررسی میزان حوزه تأثیرگذاری رسانه بر شکل‌گیری افکار عمومی پرداخته‌اند، استفاده شود.

در پژوهش حاضر از نظریه فرهنگ سیاسی گابریل آلموند^۱ و سیدنی وربا^۲ استفاده شده است. فرهنگ سیاسی در نظر آلموند و وربا فراوانی ارزش‌ها، باورها، احساسات و دانش سیاسی افراد یک جامعه نسبت به جنبه‌های زندگی است. آلموند و وربا توانستند با توجه به ارزش‌ها، باورها و احساسات و دانش سیاسی به شناخت انواع فرهنگ‌های سیاسی دست یابند.

آلموند فرهنگ سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرهنگ سیاسی، الگوی ایستارها و سمت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام است. به نظر وی فرهنگ سیاسی ترکیب ایستارها، اعتقادات، شور و احساس و ارزش‌های جامعه مرتبط با نظام سیاسی و مسائل سیاسی است» (Almond and Vebra, 1963).

1. Gabriel Almond

2. Sidney Verba

از نظر ویرا فرهنگ سیاسی عبارت است از: «نظامی از باورهای تجربی، نهاد‌های عاطفی و ارزش‌ها که موقعیت وقوع کنش سیاسی را تعیین و تعریف می‌کند» (محمدی، ۱۳۷۱). همچنین می‌توان گفت فرهنگ سیاسی عبارت است از: مجموعه ارزش‌ها، باورها، گرایش‌ها، بینش‌ها، معیارها و عقایدی که در طول زمان شکل گرفته و تحت تأثیر وقایع، روندها و تجربیات تاریخی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود که در قالب آنها نهادها، ساختارها و کنش‌های سیاسی برای نیل به هدف‌های جامعه شکل می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۷۶).

آلموند سه نوع فرهنگ سیاسی را پیشنهاد می‌کند:

۱. فرهنگ سیاسی محدود یا بسته^۱: در این نوع فرهنگ، جهت‌گیری‌های افراد نسبت به هدف‌های سیاسی ضعیف است و مردم تصور نمی‌کنند که می‌توانند در شکل‌گیری و دگرگونی هدف‌های برنامه‌های سیاسی مؤثر باشند. افراد نسبت به نهاد‌های سیاسی کشور و نیز مسائل و تصمیم‌های ملی احساس وابستگی نمی‌کنند و تصویر روشنی از نظام سیاسی در ذهن ندارند.

۲. فرهنگ سیاسی تبعی یا انفعالی^۲: در این فرهنگ، نخبگان سیاسی سخنگوی خواست‌های مردم هستند. به این ترتیب مردم خود را شرکت‌کنندگان فعال در فرایند سیاسی نمی‌پندارند و عملاً اتباع حکومت تلقی می‌شوند.

۳. فرهنگ سیاسی مشارکتی (فعال)^۳: در این فرهنگ مردم به طور نسبی در نهادها (طرح خواست‌ها و تقاضاها) و نیز داده‌ها (راهبردها، قوانین و طبقه‌بندی اولویت‌ها) نقش دارند و نسبت به رفتار نخبگان سیاسی حساس هستند. در کشورهای برخوردار از این نوع فرهنگ، شهروندان از لحاظ روانی بر این باورند که می‌توانند به نظام سیاسی کمک و مساعدت کنند و بر تصمیم‌ها تأثیرگذار باشند (خانیک و سرشار، ۱۳۹۱).

1. Parochial
2. Subject
3. Participant

۱-۱. جامعه‌پذیری سیاسی

در فرایند جامعه‌پذیری فرد می‌آموزد تا عضو یک جامعه و فرهنگ خاص شود و به این ترتیب به موجودی واقعاً اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود. به عبارت دیگر جامعه‌پذیری فرایند توسعه احساس پیوستگی فرد با جهان بزرگ‌تر اجتماعی از طریق یادگیری و درونی‌سازی ارزشها، باورها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است. رسانه‌ها در کنار دیگر نهادهای جامعه‌پذیری مانند خانواده و مدرسه، مهمترین نهاد جامعه‌پذیری در جهان رسانه‌ای شده امروز هستند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۷). در این دوره فرد، شیوه‌های رفتاری، باورها، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص جامعه را یاد می‌گیرد و آنها را جزئی از شخصیت خود می‌کند. اصلی‌ترین بخش جامعه‌پذیری در دوران کودکی رخ می‌دهد، اما این روند در تمام طول عمر آدمی ادامه می‌یابد. اگر روند جامعه‌پذیری به صورت کامل انجام شود و دوام آورد، افراد جامعه از مشابهت‌های فراوانی برخوردار خواهند شد. در این فرایند اعضای جدید در زندگی مشترک با سایر افراد جامعه سهیم خواهند شد، راه و رسم آن را یاد می‌گیرند، خود را با آن سازگار می‌کنند و سرانجام با سایر اعضا همانندی می‌کنند. به این ترتیب فرهنگ‌پذیری رخ می‌دهد (ستوده، قنادان و مطیع، ۱۳۷۵: ۱۰۱).

فرایند جامعه‌پذیری دارای جلوه‌های گوناگونی است که در سراسر زندگی بر انسان تأثیر می‌گذارد. در جوامع مدرن امروزی، خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌های گروهی به واسطه قدرت و تأثیر پیوسته‌ای که در جامعه‌پذیری دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

وسایل ارتباط جمعی به دلیل ماهیت خود، افراد جامعه را با طیف وسیعی از مردم که تنها به طور غیرمستقیم شناخته می‌شوند آشنا می‌کند که شامل شخصیت‌های ورزشی، تاریخی، سیاستمداران، بازیگران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، گویندگان برنامه‌ها، موسیقیدان‌ها و ... هستند. جامعه‌پذیری از طریق وسایل ارتباط جمعی به حدی مسلم است که گاهی به سادگی به فراموشی سپرده می‌شود. رسانه‌های جمعی معرفی‌کننده الگوها، ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها، دیدگاه‌ها و چگونگی روی آوردن به سبک‌های زندگی است که امکان دارد مردم به طریق دیگر هرگز به آنها دسترسی پیدا نکنند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۳۲).

امروزه این امر که رسانه‌های همگانی در جامعه‌پذیری اولیه کودکان و جامعه‌پذیری بلندمدت بزرگسالان نقش دارد، پذیرفته شده است. بسیاری معتقدند که رسانه‌ها تأثیرهای بالقوه‌ای بر فرایند جامعه‌پذیری دارند، دلیل آن هم اتخاذ سیاست‌هایی است که هدف آنها کنترل رسانه است و یا محدودیت‌هایی که از سوی مسئولین رسانه‌ها اعمال می‌شود یا هنجارها و توقعاتی که والدین در مورد چگونگی استفاده کودکانشان از رسانه در نظر می‌گیرند (مهرداد، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

بیشتر تحقیقاتی که درباره وسایل ارتباط جمعی و اجتماعی کردن انجام شده به سه مورد مربوط می‌شود: تأثیر وسایل ارتباط جمعی در تعریف هنجارهای فرهنگی؛ نوع یادگیری تصادفی که در نتیجه استفاده از وسایل مذکور ایجاد می‌شود؛ مؤثر بودن کوشش‌های سنجیده برای در خدمت گرفتن وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون برای ایجاد یادگیری و تغییر اجتماعی (دفلور و دنیس، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

۱-۲. جایگاه «تأثیر» در نظریه‌های رسانه

موضوع تأثیر یکی از برجسته‌ترین بخش‌های فراگرد ارتباطی است. ویندال که دلیل پژوهش در خصوص تأثیر رسانه‌ها را به طور عمده نفوذ در مردم و تغییر عقاید و رفتار آنها می‌داند، اشاره به کارکرد تاریخی رسانه‌ها دارد. کارکردی که به شکل خاص رسانه‌های سنتی را نیز دربرمی‌گیرد و در فضای جدید ارتباطی، اشکال وسیع و متفاوتی به خود گرفته است (دادگران، ۱۳۸۰). برنارد برلسون و موریس جانویتس در کتابی با عنوان *درآمدی بر افکار عمومی و ارتباطات* درباره جایگاه و اهمیت بحث تأثیر رسانه‌ها این‌گونه بیان می‌کنند: «اثرات وسایل ارتباط جمعی، ممکن است ناشی از محتوای ارتباطات باشند و ممکن است جنبه روانی، سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی داشته باشند. همچنین احتمال آن می‌رود که بر عقاید، ارزش‌ها، اطلاعات، مهارت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای ظاهری تأثیر بگذارند» (همان). مک کوئیل نیز معتقد است با وجود تمام پیشرفت‌هایی که در فنون پژوهشی حاصل شده است، ما هرگز نمی‌توانیم به شناختی بیش از برآوردهای نسبی و تخمینی دست یابیم. دشوار است بدانیم رسانه‌ها در کجا و تحت کدام شرایط با افراد و ذهنیت‌های متفاوت رابطه برقرار می‌کنند (مک کوئیل، ۱۳۸۰). آنتونی گیدنز درباره تأثیر رسانه‌های صوتی و تصویری (مانند رادیو و تلویزیون) بر

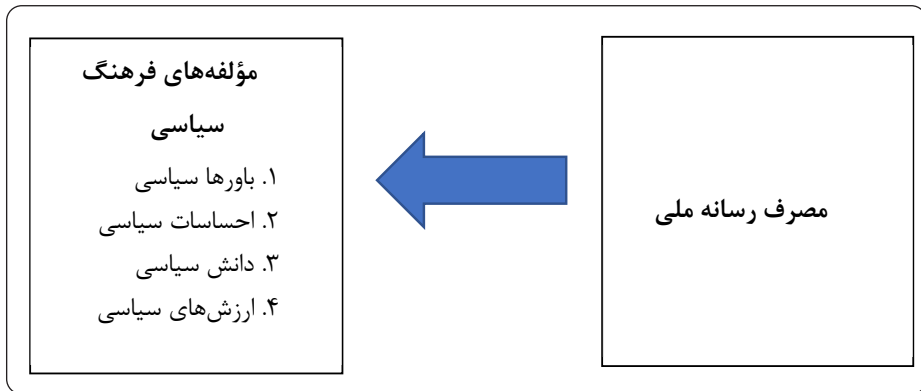
حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی به فرایند بازانندیشی اشاره می‌کند. به نظر گیدنز رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های الکترونیکی، تنها درباره سیاست خبر نمی‌دهند بلکه تا اندازه زیادی تعیین می‌کنند که سیاست باید درباره چه باشد. به زعم وی امروزه رسانه‌ها از دو جهت با دمکراسی در ارتباط هستند: اول اینکه گسترش و ازدیاد رسانه‌ها و ظهور ارتباطات جهانی زمینه را برای گسترش دمکراسی فراهم می‌کند. رسانه‌ها فضا را برای گفتگوی سیاسی و فعالیت بیشتر و آزاداندیشی شهروندان باز و فراهم می‌کنند. اما ارتباط رسانه‌ها و دمکراسی جنبه دومی هم دارد و آن اینکه رسانه‌ها همزمان با باز کردن فضا به واسطه نوعی ناچیزشماری بی‌امان، تجاری و شخصی کردن مسائل سیاسی، این فضا را می‌بندند و مخدوش می‌کنند. امروزه دمکراسی به «دمکراسی رسانه‌ای» تبدیل شده است چرا که سازوکارهای دمکراتیک بیش از همه بر محور رسانه‌ها می‌گردند. در واقع رسانه‌ها تعیین‌کننده فرهنگ سیاسی مردم از جمله آگاهی سیاسی و عرصه رقابت احساسات سیاسی هستند (گیدنز، ۱۳۸۴).

برای فهم بهتر تأثیر رسانه‌های مختلف (داخلی و خارجی) بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جوامع، می‌توانیم نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا را با نظریه گیدنز ترکیب کنیم. در نظریه آلموند و وربا، رسانه‌های جمعی می‌توانند به عنوان یکی از عاملان جامعه‌پذیری سیاسی در انتقال ارزش‌ها، باورها و احساسات سیاسی یا فرهنگ سیاسی یک جامعه به افراد آن جامعه ایفای نقش کنند، اگرچه در نظر آنها هر کدام از این مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی در برابر عامل جامعه‌پذیری سیاسی به میزان متفاوتی تغییر می‌کنند. در واقع می‌توان گفت انتقال فرهنگ سیاسی به آن معنا نیست که افراد بی‌چون و چرا این ارزش‌ها و باورهای سیاسی را می‌پذیرند. گیدنز نیز با در نظر گرفتن ماهیت رسانه‌های مختلف و همچنین میزان تأثیرپذیری افراد به تبیین جامع‌تری درباره تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی بر فرهنگ سیاسی می‌پردازد. از نظر وی رسانه‌ها در گذشته نه چندان دور، چون رادیو و تلویزیون که در انحصار دولت‌ها و حکومت مرکزی قرار دارند، فضای بازانندیشی، انتقاد و مشارکت محدودی را برای عموم مردم فراهم می‌کند اما با ظهور رقابت در عرصه رادیو و تلویزیون، این امکان میسر می‌شود تا افراد به مقایسه، بازانندیشی و انتقاد از مسائل مختلف به ویژه مسائل سیاسی

بپردازند؛ حتی افراد می‌توانند ایدئولوژی‌های سیاسی حاکم را که پیش از این از طریق رسانه‌ها منتقل می‌شد زیر سؤال ببرند (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱).

در نهایت می‌توان گفت با توجه به مدل تحلیلی، امروزه رسانه‌ها با افزایش شبکه‌های خبری سعی می‌کنند با ارائه اطلاعات و اخبار بر جهت‌گیری شناختی فرهنگ سیاسی مخاطبان تأثیرگذار باشند. ساخت برنامه‌های مستند، گزارش ویژه، مصاحبه با افراد از طبقات گوناگون و انتخاب سوژه‌های به روز، از مصادیق تلاش رسانه‌هاست تا بتوانند از این رهگذر بر باورها، مواضع سیاسی، ارزش‌ها، احساسات و اطلاعات مخاطبان خود تأثیرگذار باشند و به تدریج فرهنگ سیاسی آنان را در راستای نظام حاکم شکل دهند. بدیهی است رسانه ملی نیز از این قاعده کلی مستثنا نخواهد بود. همان‌گونه که اشاره شد براساس نظریه گیدنز، میزان استفاده از رسانه ملی، نوع شبکه‌ها و کانال‌های رادیویی و تلویزیونی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی یعنی ارزش‌های سیاسی، باورهای سیاسی، احساسات سیاسی و دانش سیاسی تأثیرگذار هستند. این رابطه را می‌توان در شکل ۱ نشان داد:

شکل ۱. مدل تحلیلی پژوهش



۲. پیشینه پژوهش

در باره منابع و پیشینه پژوهش می‌توان گفت هیچ منبعی وجود ندارد که به شکلی دقیق و همه‌جانبه، تأثیر مصرف رسانه ملی را بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان

دانشگاه‌های تهران بررسی کند. بسیاری از تحقیقات انجام شده در این حوزه تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را در این زمینه بررسی کرده‌اند یا با توجه به اهداف مدنظر نویسندگان، جنبه‌ای از این پدیده را بررسی کرده‌اند. در این باره از میان مطالعات انجام شده در منابع داخلی و خارجی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

منابع داخلی

- پناهی و عالی‌زاد (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی» نشان می‌دهند که وسایل ارتباط جمعی در بلندمدت و به‌طور غیرمستقیم با عواملی همچون فرهنگ سیاسی، اثربخشی سیاسی و انگیزه‌های سیاسی بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارند.

- عطارزاده، امام‌جمعه‌زاده و محمدی‌فر (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نقش رسانه‌های جمعی در جهت‌دهی فرهنگ سیاسی دانشجویان» به این نتیجه رسیدند که رسانه‌ها در تغییر ایستارها و نگرش‌های سیاسی دانشجویان نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ به‌طوری‌که باعث افزایش جهت‌گیری شناختی و ارزشی دانشجویان به نظام سیاسی شده است. همچنین نتایج این پژوهش دور شدن دانشجویان از فرهنگ سیاسی محدود، فرهنگ سیاسی تابع شده و گرایش دانشجویان به فرهنگ سیاسی مشارکتی را نشان می‌دهد.

- عبداللهیان و شیخ‌انصاری (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «تبیینی بر همبستگی بین شدت استفاده از فیس‌بوک و سرمایه اجتماعی کاربران فیس‌بوک» نشان دادند هرچه میزان و کیفیت استفاده از اینترنت بیشتر و بالاتر باشد، سطح مشارکت سیاسی کاربران اینترنت نیز افزایش می‌یابد. البته کیفیت استفاده از اینترنت سهم بیشتری در افزایش میزان مشارکت سیاسی کاربران اینترنت داشته است. نتایج مطالعه آنها نشان داد که اینترنت می‌تواند به افزایش مشارکت سیاسی کمک می‌کند.

- نیری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با نام «شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و مشارکت سیاسی» تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی اینترنتی را بر مشارکت سیاسی کاربران

در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در ایران بررسی کرده است. وی به این نتیجه رسید که شرکت تعداد زیادی از افراد به‌ویژه جوانان و نوجوانان در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری تا حد زیادی متأثر از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مانند فیس‌بوک و توئیتر بوده است.

- پژوهش جهانگیری، لهسایی زاده و ابوترابی زارچی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی عوامل مرتبط با فرهنگ سیاسی دانشجویان؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز» حاکی از آن است که متغیرهای رضایت از زندگی، استفاده از رسانه‌های داخلی، استفاده از رسانه‌های نوظهور و عضویت در گروه‌های سیاسی و دینی با فرهنگ سیاسی دانشجویان رابطه معناداری دارند.

- مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه استفاده از اینترنت با رویکرد و مشارکت سیاسی» نشان دادند که میان میزان استفاده از اینترنت و شیوه استفاده از آن با میزان و نوع مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

- یافته‌های پژوهش هرسیج و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد همبستگی معناداری میان ابعاد مصرف رسانه‌های جمعی با میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان وجود دارد. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که استفاده از شبکه‌های خبری و برنامه‌های آموزشی به تقویت آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی درونی و بیرونی در بین شهروندان منجر می‌شود.

منابع خارجی

- براتون، آلدرفر، بووسر و تمبا در مطالعه‌ای با عنوان «آثار آموزش مدنی بر فرهنگ سیاسی: مطالعه موردی زامبیا» به بررسی تأثیر آموزش مدنی (جامعه‌پذیری از طریق گروه‌های اجتماعی) بر فرهنگ سیاسی زامبیا پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد برنامه‌های آموزش مدنی در زامبیا تحت تأثیر متغیرهای دیگری چون میزان استفاده از رسانه‌ها و تحصیلات، می‌تواند بر فرهنگ سیاسی تأثیرگذار باشد (Bratton and et al., 1999).

- یافته‌های آرتز و سمتکو نشان می‌دهد افرادی که نسبت به مسائل سیاسی آگاه‌تر

هستند و اطلاعات وسیع‌تری دارند، هنگامی که در معرض رسانه‌های جمعی قرار می‌گیرند، مشارکت بیشتری از خود نشان می‌دهند و در همه زمینه‌ها (باورهای سیاسی، احساسات سیاسی، دانش سیاسی و ارزش‌های سیاسی) تقویت می‌شوند؛ درحالی‌که افراد نامطلع نسبت به مسائل سیاسی بدبین و هرچه بیشتر در معرض پیام‌های سیاسی رسانه‌ها قرار می‌گیرند، روحیه مشارکت‌گریزی آنها تشدید می‌شود (Aarts and Semetko, 2003).

- مک‌لرگ در مقاله‌ای با عنوان «شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی: نقش تعامل اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی» این موضوع را بررسی کرد که چگونه تعامل در شبکه‌های اجتماعی قوی، گرایش مشارکت به سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او استدلال می‌کند تعاملات اجتماعی برای افراد فرصت جمع‌آوری اطلاعات در مورد سیاست را ایجاد می‌کند که به آنها اجازه می‌دهد فراتر از محدودیت منابع شخصی زندگی کنند. این امر حمایت بسیاری از مردم را نسبت به فعالیت‌های سیاسی به دنبال دارد. او با استفاده از داده‌های جمع شده از انتخابات، شواهدی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد تأثیر تعامل اجتماعی بر مشارکت تا حد زیادی به بحث‌های سیاسی وابستگی دارد که در شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد (Mcclurg, 2003).

- کارتر در مطالعه‌ای درباره اینترنت و مشارکت شهروندان بیان می‌دارد که آن دسته از شهروندان ایالات متحده که در منزل به اینترنت دسترسی دارند (۵۵ درصد شهروندان)، ۱۲ درصد بیشتر از بقیه رأی می‌دهند. هرچه میزان اعتماد افراد به پایگاه مورد نظر بیشتر باشد، احتمال رأی دادن و شرکت در نظرخواهی کاربر اینترنتی بیشتر خواهد بود (Carter, 2006).

- کالندا و موسکا در مطالعه پیمایشی در زمینه تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه فلورانس نتیجه گرفتند که بیشتر دانشجویان در زمینه مشارکت سیاسی چه در فضای مجازی و چه در فضای حقیقی تا حد قابل توجهی از اینترنت تأثیر پذیرفته‌اند (Calenda and Mosca, 2007).

- اسکوریک، بینگ و بینگ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور» این مسئله را بررسی کرده‌اند که آیا شبکه‌های اجتماعی می‌توانند راه

را برای احیای مشارکت سیاسی هموار کنند. نتایج نشان داد که شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد.

- نسبیت لارکینگ در تحقیق خود با عنوان «نقش رسانه‌ها در رفتار انتخاباتی» به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر رفتار انتخاباتی در کانادا می‌پردازد و آن را با رفتار انتخاباتی ایالات متحده مقایسه می‌کند. پژوهش او بر اهمیت نقش رسانه‌ها بر رفتارهای انتخاباتی به عنوان یکی از ابعاد مهم فرهنگ سیاسی واقف است. به این معنا که تبلیغات انتخاباتی در کانادا حزب محور و موضوع محور هستند، ولی تبلیغات انتخاباتی ایالات متحده بیشتر بر ویژگی‌های شخصیتهای کاندیداها متمرکزند (Nesbitt-Larking, 2010).

- کوینتر، استول و هارل در پژوهشی با عنوان «سیاست در گروه همسالان: بررسی رابطه بین تنوع شبکه و مشارکت سیاسی» چگونگی تأثیر تنوع قومی - فرهنگی و سیاسی در شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی را در میان ۴۲۳۵ نفر از افراد جوان بلژیک بررسی کرده‌اند. آنها به این نتیجه رسیدند که در اختیار داشتن شبکه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی، مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد و این امر باعث تماس‌های سیاسی گوناگون با دیگران می‌شود (Quintelier, Stolle and Harell, 2011).

۳. روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته انجام شده و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران بود. از بین مجموع دانشگاه‌های تهران (۷۸ دانشگاه) برمبنای نمونه‌گیری خوشه‌ای از هر نوع دانشگاه (دولتی، آزاد، وابسته به دستگاه‌های اجرایی، پیام نور، غیرانتفاعی و علمی - کاربردی)، یک دانشگاه به صورت تصادفی انتخاب شد. با توجه به جامعه آماری کل دانشجویان شهر تهران که ۶۲۱۸۹۶ نفر است^۱، برمبنای فرمول کوکران چهارصد نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشجویان

۱. براساس اطلاعات سایت داده‌نما تهران <https://data.tehran.ir>

دانشگاه‌های شهیدبهشتی، آزاد واحد علوم تحقیقات، تربیت معلم شهیدرجایی، پیام نور، علمی و کاربردی پست و مخابرات و غیرانتفاعی صدرا نمونه‌ها انتخاب شدند. برای تحقق اعتبار و روایی پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده شد. برای محاسبه پایایی نیز از آنجاکه در تحقیق حاضر مقیاس اندازه‌گیری از نوع لیکرت بوده و زمانی که مقیاسی از این نوع وجود داشته باشد و محقق بخواهد از طریق گویه‌های مختلف یک مفهوم پیچیده را اندازه‌گیری کند، برای سنجش انسجام درونی مقیاس می‌تواند از آمار آلفای کرونباخ استفاده کند (کلانتری، ۱۳۸۹: ۷۴). پایایی پرسشنامه نیز پس از انجام پری‌تست (آزمون اولیه) با محاسبه مقدار آلفای کرونباخ برای متغیرهای ارزش‌های سیاسی، باورهای سیاسی، احساسات سیاسی و دانش سیاسی سنجیده شد که در جدول ذیل مقدار آلفای همه مؤلفه‌ها ارائه شده است.

جدول ۱. ضرایب پایایی سؤال‌های پرسشنامه (گویه‌ها) به تفکیک شاخص‌های مورد بررسی

شاخص‌ها	آلفای کرونباخ (کل)
ارزش‌های سیاسی	۰/۷۸۰
باورهای سیاسی	۰/۷۵۳
احساسات سیاسی	۰/۸۰۳
دانش سیاسی	۰/۷۱۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در صورتی یک پرسشنامه پایاست که مقدار آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از مقدار ۰/۷ باشد. هرچه این مقدار به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد پرسشنامه از پایایی بالاتری برخوردار است (کلانتری، ۱۳۸۹: ۷۵). همان‌گونه که مشاهده می‌شود در تحقیق حاضر مقدار آلفا برای متغیرهای ارزش‌های سیاسی، باورهای سیاسی، احساسات سیاسی و دانش سیاسی بزرگ‌تر از ۰/۷ بوده، ازاین‌رو می‌توان گفت پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

۳-۱. چارچوب مفهومی

۳-۱-۱. فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی براساس تعریف گابریل آلموند و سیدنی وربا؛ توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است که دارای چهار مؤلفه (احساسات سیاسی، ارزش سیاسی، باور سیاسی و دانش سیاسی) است.

- احساسات سیاسی: مجموعه گرایش‌های روحی، روانی و عاطفی یک فرد نسبت به مؤلفه‌های سیاسی یک جامعه در زمره احساسات سیاسی قرار می‌گیرد. در مجموع از احساس سیاسی یک فرد در یک جامعه به عنوان حب‌الوطن یاد می‌شود. در پژوهش حاضر این مؤلفه با طرح ۹ گویه به شیوه طیف لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم سنجیده شده است.

- ارزش‌های سیاسی: ارزش‌ها همانند نگرش‌ها جریان‌هایی هستند که فرد کسب می‌کند و می‌آموزد. فرد از همان اوایل زندگی خود از محیط اجتماعی و فرهنگی رفتارهای مطلوب و نامطلوب که پایه اصلی یادگیری را تشکیل می‌دهند فرامی‌گیرد. در این پژوهش ارزش‌های سیاسی افراد در قالب ۹ پرسش به شیوه طیف لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم سنجیده شده است.

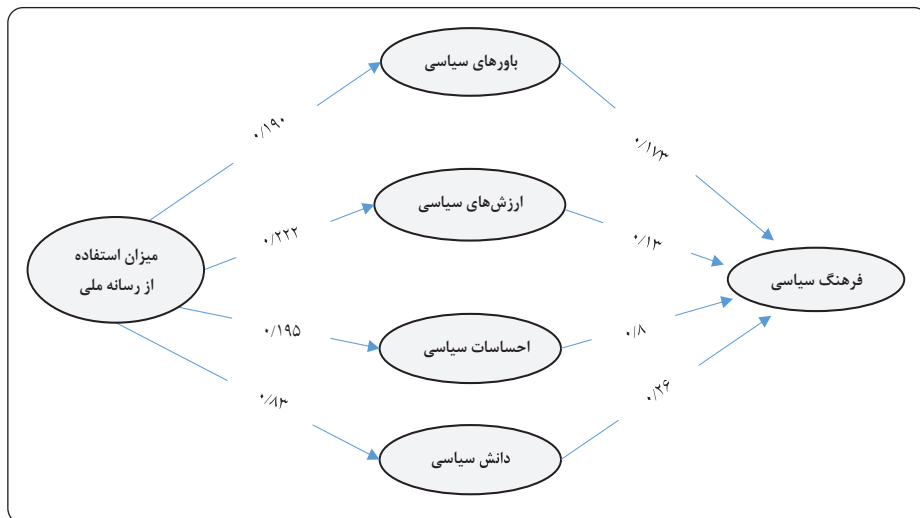
- باورهای سیاسی: باورهای سیاسی به انگاره‌های فکری فرد گفته می‌شود که نسبت به رویدادها و واقعیت‌های سیاسی واکنش نشان می‌دهد. باور یک فرد به برگزاری انتخابات آزاد، کارایی نظام سیاسی، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی، احزاب سیاسی، شیوه‌های سازماندهی دولت و ... جزء باورهای سیاسی یک فرد محسوب می‌شود. در این پژوهش این مؤلفه با طرح ۱۰ گویه به شیوه طیف لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم سنجیده شده است.

- دانش سیاسی: دانش سیاسی به مجموعه دانستنی‌ها و یافته‌های فرد نسبت به مسائل و موضوع‌های سیاسی گفته می‌شود. در این پژوهش دانش افراد در قالب پنج گویه به شیوه اسمی دوشقی (پاسخ درست و پاسخ غلط) سنجیده می‌شود.

۳-۱-۲. مصرف رسانه ملی

میزان استفاده از شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران.

شکل ۲. مدل مفهومی پیشنهادی



۲-۳. سؤال اصلی پژوهش

چه رابطه‌ای بین مصرف رسانه ملی و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران وجود دارد؟

۳-۳. فرضیه‌های تحقیق

۱. احتمالاً استفاده از رسانه ملی باعث تقویت ارزش‌های سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران می‌شود.
۲. احتمالاً استفاده از رسانه ملی باعث تقویت باورهای سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران می‌شود.
۳. احتمالاً استفاده از رسانه ملی باعث تقویت احساسات سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران می‌شود.
۴. احتمالاً استفاده از رسانه ملی باعث تقویت دانش سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران می‌شود.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. سیمای پاسخگویان

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۲۷	۵۶/۸
زن	۱۷۳	۴۳/۲
جمع	۴۰۰	۱۰۰

مأخذ: همان.

همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد ۵۶/۸ درصد از پاسخگویان دانشجویان مرد و ۴۳/۲ درصد زن بودند.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سطح تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد
فوق دیپلم	۱۲۰	۳۰
لیسانس	۹۲	۲۳
فوق لیسانس	۱۵۰	۳۷/۵
دکترا	۸	۲
بی‌پاسخ	۳۰	۷/۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰
آماره‌ها	میانگین = ۱۶ میانه = ۱۶ نما = ۱۳ واریانس = ۶/۵۳	

مأخذ: همان.

براساس جدول فوق ۳۰ درصد از پاسخگویان دانشجوی فوق دیپلم، ۲۳ درصد دانشجوی لیسانس، ۳۷/۵ درصد دانشجوی فوق لیسانس و ۲ درصد از دانشجویان مقطع دکترا بودند.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب دانشگاه

دانشگاه	فراوانی	درصد
دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات	۷۳	۱۸/۳
دانشگاه پیام نور	۶۵	۱۶/۳
دانشگاه شهید بهشتی	۶۲	۱۵/۵
دانشگاه تربیت معلم شهید رجایی	۶۳	۱۵/۷
دانشگاه علمی و کاربردی پست و مخابرات	۷۹	۱۹/۷
دانشگاه غیرانتفاعی صدرا	۵۸	۱۴/۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰

مأخذ: همان.

جدول ۵. وضعیت تماشای تلویزیون و میانگین مدت زمان استفاده از آن در بین پاسخگویان

میانگین مدت زمان تماشا	وضعیت تماشا	
	تماشا نمی کنند	تماشا می کنند
۱۰۲ دقیقه	۱۱ درصد	۸۹ درصد
میانگین = ۷۵ دقیقه نما = ۶۰ دقیقه انحراف معیار = ۹۰ دقیقه	آماره ها	

مأخذ: همان.

همان گونه که مشاهده می شود ۸۹ درصد از پاسخگویان به گونه ای برنامه های سیمای جمهوری اسلامی ایران را مشاهده می کنند. همچنین نتایج نشان می دهد میانگین مدت زمان تماشای تلویزیون در بین پاسخگویان ۱۰۲ دقیقه (یک ساعت و ۴۲ دقیقه) بود.

جدول ۶. وضعیت گوش دادن به رادیو و میانگین مدت زمان استفاده از آن در بین پاسخگویان

میانگین مدت زمان گوش دادن	وضعیت گوش دادن	
	گوش نمی‌دهند	گوش می‌دهند
۳۷ دقیقه	۶۰/۵ درصد	۳۹/۵ درصد
میان = ۰ دقیقه نما = ۰ دقیقه انحراف معیار = ۱۱۸ دقیقه	آماره‌ها	

مأخذ: همان.

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد ۳۹/۵ درصد از پاسخگویان مخاطب برنامه‌های صدای جمهوری اسلامی ایران بودند. همچنین میانگین مدت زمان گوش دادن به برنامه‌های رادیو در بین دانشجویان ۳۷ دقیقه بود. در مجموع مدت زمان استفاده از رسانه ملی (تلویزیون و رادیو) در بین دانشجویان ۱۳۹ دقیقه (دو ساعت و ۱۹ دقیقه) بود.

۴-۲. یافته‌های تبیینی

تبیین پاسخ به پرسش چرایی یک پدیده یا رویداد است. برای تبیین انواع گوناگونی را برشمرده‌اند. یکی از آنها پرداختن به میزان ارتباط بین دو یا چند مفهوم اساسی است. در این مقاله برای تبیین رابطه میزان مصرف رسانه و فرهنگ سیاسی و مؤلفه‌های آن از تحقیق پیمایشی استفاده شده است.

۴-۲-۱. فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی است. فرهنگ سیاسی ابعاد گوناگونی همچون «ارزش‌های سیاسی»، «باورهای سیاسی»، «احساسات سیاسی» و «دانش سیاسی» دارد. با مطالعه و بررسی این چهار عامل امکان سنجش فرهنگ سیاسی فراهم می‌شود و با اندازه‌گیری این ابعاد می‌توان مشروعیت سیاسی را نیز مورد ارزیابی قرار داد. می‌توان گفت

فرهنگ سیاسی در طول حیات خود تحت تأثیر عوامل مختلفی همانند نظام اعتقادی، ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، آداب و رسوم و اندیشه‌های سیاسی قرار می‌گیرد و سپس در یک فرایند مستمر و درازمدت در جامعه نهادینه می‌شود و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

۱-۱-۲-۴. ارزش‌های سیاسی

این شاخص از مجموع نمرات ۱۰ سؤال به دست آمده است. برای محاسبه این شاخص از پاسخگویان خواسته شد میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌های مختلف درخصوص ارزش‌های سیاسی بیان کنند. نتایج کلی این شاخص نشان می‌دهد که در مجموع ۳۸ درصد پاسخگویان با گویه‌های مختلف «کاملاً موافق یا موافق» و ۳۶ درصد «مخالف یا کاملاً مخالف» بودند. ۲۶ درصد پاسخگویان نیز درباره این گویه‌ها نظری نداشتند؛ به عبارت دیگر با این گویه‌ها نه موافق و نه مخالف بودند. میزان موافقت دانشجویان درباره ارزش‌های سیاسی ۱/۰۵ برابر مخالفت آنان است. تراز موافقت با ارزش‌های سیاسی ۰/۰۵ برابر بیش از مخالفت آنان است. در بین گویه‌های سنجش ارزش‌های سیاسی، دانشجویان با ۵۱ درصد موافقت به «توسعه سیاسی کشور در گرو مطبوعات آزاد» تأکید داشتند. میزان آفای کرونباخ محاسبه شده برای این متغیر ۰/۷۸۰ بود.

جدول ۷. میزان موافقت یا مخالفت پاسخگویان با گویه‌های معرف ارزش‌های سیاسی

کاملاً موافقم		موافق		نظری ندارم		مخالف		کاملاً مخالفم		گویه‌ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۴	۵۵	۳۷	۱۴۸	۲۵	۱۰۱	۲۰	۷۹	۱۷	۴	توسعه سیاسی کشور در گرو مطبوعات آزاد است.
۱۰	۴۰	۳۸	۱۵۲	۱۶	۶۵	۲۷	۱۰۸	۳۵	۹	تنوع در احزاب سیاسی کشور باعث شنیده شدن تمامی صداها، افکار و عقاید در کشور می‌شود.
۶	۲۵	۳۵	۱۴۱	۲۲	۸۹	۳۲	۱۲۷	۱۸	۵	نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، تصمیم‌گیرندگان مسائل سیاسی کشور هستند.

کاملاً مخالفم		مخالف		نظری ندارم		موافق		کاملاً موافقم		گویه‌ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴	۱۵	۲۹	۱۱۴	۲۷	۱۰۸	۳۳	۱۳۰	۸	۳۳	رفاه عمومی تنها شاخصه مقبولیت حکومت هاست.
۱۲	۴۶	۱۹	۷۶	۲۹	۱۱۷	۲۹	۱۱۴	۱۲	۴۷	مقبولیت حکومت‌ها براساس تکیه بر احکام و مبانی دینی است.
۸	۳۰	۲۴	۹۶	۳۱	۱۲۳	۲۶	۱۰۳	۱۲	۴۸	در زمینه انرژی اتمی نباید توافقی با کشورهایی که خود بمب اتمی دارند انجام می‌شد.
۱۹	۷۷	۳۱	۱۲۴	۲۲	۸۸	۲۰	۸۱	۸	۳۰	رهبر جامعه اسلامی برای پیاده‌سازی قوانین الهی موظف نیست در جهت اراده ملت حرکت کند.
۸	۳۳	۲۵	۱۰۰	۴۰	۱۶۰	۱۶	۶۲	۱۱	۴۵	حکومتی پذیرفتنی است که رهبر آن توسط جمعی از علمای (فقهای) دینی انتخاب شود.
۱۲	۴۷	۴۰	۱۵۸	۲۳	۹۱	۲۱	۸۴	۵	۲۰	حاکمان اغلب در رفتارها و گفتارهای خود، طبقه پایین جامعه را مدنظر دارند.
۹	-	۲۷	-	۲۶	-	۲۸	-	۱۰	-	متوسط درصد کل گویه‌ها

مأخذ: همان.

۲-۱-۲-۴. باورهای سیاسی

این شاخص از مجموع نمرات سؤالاتی که این شاخص را می‌سنجد به دست آمده است. برای محاسبه این شاخص از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌های مختلف درخصوص باورهای سیاسی بیان کنند. نتایج کلی این نشان داد که در مجموع ۴۱ درصد پاسخگویان با گویه‌های مختلف «کاملاً موافق یا موافق» و ۲۶ درصد «مخالف یا کاملاً مخالف» بودند. ۳۳ درصد پاسخگویان نیز درباره این گویه‌ها نظری نداشتند؛ به عبارت دیگر با این گویه‌ها نه موافق و نه مخالف بودند. میزان موافقت دانشجویان درباره باورهای سیاسی ۱/۶ برابر مخالفت آنان است. تراز موافقت دانشجویان با باورهای سیاسی ۰/۶ برابر بیشتر از مخالفت آنان بود. در مقایسه با ارزش‌های سیاسی، باورهای سیاسی عمیق‌تر است. بنابراین می‌توان گفت در میان دانشجویان، باورهای سیاسی بیش از ارزش‌های سیاسی اهمیت دارد. دلیل این امر مربوط به باورهای

دینی آنان است. همچنین در بین گویه‌های سنجش ارزش‌های سیاسی، دانشجویان با ۵۶ درصد موافقت به «نقش رسانه ملی در آگاه‌سازی مردم در مقابل تأثیر احزاب در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور» اشاره داشتند. میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این متغیر ۰/۷۵۳ بود.

جدول ۸. میزان موافقت یا مخالفت پاسخگویان با گویه‌های معرف باورهای سیاسی

کاملاً مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		کاملاً موافقم		گویه‌ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷	۲۷	۱۶	۶۳	۲۲	۸۶	۴۳	۱۷۱	۱۳	۵۳	رسانه ملی در آگاه‌سازی مردم در مقابل تأثیر احزاب در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور نقش بسزایی دارد.
۳	۱۰	۲۲	۸۶	۲۴	۹۷	۴۱	۱۶۲	۱۱	۴۵	ایجاد امنیت داخلی در گرو نیروی انتظامی است.
۴	۱۶	۱۵	۶۱	۳۶	۱۴۴	۳۱	۱۲۳	۱۴	۵۶	قوانین جمهوری اسلامی ایران ریشه در نظام ارزشی آن دارد.
۶	۲۴	۱۸	۷۰	۳۴	۱۳۷	۳۲	۱۲۸	۱۰	۴۱	وجود احزاب سیاسی، مشارکت همه اقشار جامعه را در مسائل کشور در پی دارد.
۷	۲۶	۲۲	۸۶	۳۲	۱۲۹	۳۴	۱۳۷	۶	۲۲	وزارت امور خارجه حلال مشکلات سیاسی منطقه است.
۱۰	۳۸	۱۵	۶۰	۳۶	۱۴۴	۳۵	۱۳۹	۵	۱۹	عدالت سیاسی در پناه قوه قضائیه میسر می‌شود.
۱۰	۴۱	۲۲	۸۷	۳۱	۱۲۳	۳۳	۱۳۰	۵	۱۹	اسلامی بودن قوانین کشور در گرو شورای نگهبان است.
۱۱	۴۵	۲۵	۱۰۰	۲۷	۱۰۸	۲۸	۱۱۱	۹	۳۶	اجرای قوانین در گرو مجلس شورای اسلامی است.
۵	۲۱	۱۸	۷۱	۴۱	۱۶۲	۲۹	۱۱۵	۸	۳۱	خصوصی‌سازی در کشور با توجه به سیاست‌های کلی نظام مشخص می‌شود.
۷	۲۶	۲۱	۸۴	۴۳	۱۷۳	۲۶	۱۰۴	۳	۱۳	وزارت کشور حلال مشکلات سیاسی داخلی است.
۷	۰	۱۹	۰	۳۳	۰	۳۳	۰	۸		متوسط درصد گویه‌ها

مأخذ: همان.

۳-۱-۲-۴. احساسات سیاسی

این شاخص از مجموع نمرات سؤالاتی که این شاخص را می‌سنجد به دست آمده است. برای محاسبه این شاخص از پاسخگویان خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌های مختلف در خصوص احساسات سیاسی بیان کنند. نتایج کلی این شاخص نشان می‌دهد که در مجموع ۴۰ درصد پاسخگویان با گویه‌های مختلف «کاملاً موافق یا موافق»، و ۳۱ درصد «مخالف یا کاملاً مخالف» بودند. ۲۹ درصد پاسخگویان نیز درباره این گویه‌ها نظری نداشته‌اند. به عبارت دیگر با این گویه‌ها نه موافق و نه مخالف بودند.

میزان موافقت دانشجویان درباره احساسات سیاسی ۱/۳ برابر مخالفت آنان است. تراز موافقت دانشجویان با باورهای سیاسی ۰/۳ برابر بیش از مخالفت آنان است. احساسات سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های تهران در مقایسه با ارزش‌های سیاسی عمیق‌تر و نسبت به باورهای سیاسی از عمق کمتری برخوردار بود. بنابراین می‌توان گفت در میان دانشجویان احساسات سیاسی بیش از ارزش‌های سیاسی اهمیت دارد.

در ضمن در بین گویه‌های سنجش احساسات سیاسی، دانشجویان با ۵۸ درصد موافقت به «نقش فعالیت مسئولان سیاسی در ارتقای احساس امنیت و سالم‌سازی فضای عمومی جامعه» اشاره دارند. میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این متغیر ۰/۸۰۳ بود.

جدول ۹. میزان موافقت یا مخالفت پاسخگویان با گویه‌های معرف احساسات سیاسی

کاملاً موافقم		موافقم		نظری ندارم		مخالفم		کاملاً مخالفم		گویه‌ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۷	۷	۲۰۲	۵۱	۹۳	۲۳	۵۷	۱۴	۲۱	۵	ارتقای احساس امنیت و سالم‌سازی فضای عمومی جامعه در گرو فعالیت مسئولان سیاسی است.
۳۴	۹	۱۷۶	۴۴	۱۳۲	۳۳	۳۷	۹	۲۱	۵	تحکیم و تقویت امنیت پایدار در گرو فعالیت مسئولان سیاسی است.
۴۹	۱۲	۱۵۰	۳۸	۱۰۲	۲۶	۷۵	۱۹	۲۴	۶	عدم حضور مردم در عرصه انتخابات موقعیت احزاب سیاسی را به مخاطره می‌اندازد.

کاملاً مخالفم		مخالفم		نظری ندارم		موافقم		کاملاً موافقم		گویه‌ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵	۱۹	۲۷	۱۰۹	۲۴	۹۵	۳۴	۱۳۶	۱۰	۴۱	شیوه قانونگذاری در ایران باعث امنیت شده است.
۷	۲۷	۱۹	۷۴	۳۴	۱۳۶	۳۰	۱۱۸	۱۱	۴۵	فعالیت مسئولان سیاسی، رشد فرهنگ سیاسی را در پی دارد.
۱۲	۴۹	۲۳	۹۰	۳۰	۱۲۱	۳۰	۱۲۱	۵	۱۹	تنوع گرایش سیاسی در کشور باعث توسعه فرهنگ سیاسی می‌شود.
۷	۲۸	۳۹	۱۵۷	۲۶	۱۰۳	۲۶	۱۰۳	۲	۹	روابط سیاسی کشور در عرصه بین‌المللی در موقعیت بالایی قرار دارد.
۱۵	۶۱	۲۱	۸۴	۳۶	۱۴۴	۲۴	۹۶	۴	۱۵	برداشتن من از نظام سیاسی کشور این است که موجب سربلندی مردم است.
۱۸	۷۳	۳۲	۱۲۸	۲۸	۱۱۰	۲۰	۸۱	۲	۸	عده‌ای معتقدند هر چه که زمان می‌گذرد وضعیت سیاسی کشور بهتر می‌شود.
۹	-	۲۳	-	۲۹	-	۳۳	-	۷	-	متوسط درصد گویه‌ها

مأخذ: همان.

۴-۱-۲-۴. دانش سیاسی

این شاخص از مجموع نمرات سؤالاتی که این شاخص را می‌سنجد به دست آمده است. برای محاسبه این شاخص از پاسخگویان خواسته شد در پاسخ به عبارات‌های مختلف درخصوص موضوعات سیاسی پاسخ صحیح را انتخاب کنند. از مجموع پنج سؤالی که شاخص دانش سیاسی را می‌سنجد، به‌طور متوسط ۲۴ درصد به پاسخ‌های دانش سیاسی درست جواب دادند. ۲۸ درصد پاسخگویان یک پاسخ درست، ۲۰/۵ درصد دو پاسخ درست، ۱۱/۵ درصد سه پاسخ درست و ۱/۳ درصد چهار پاسخ درست دادند. گفتنی است هیچ‌کدام از پاسخگویان نتوانستند به تمامی سؤالات پاسخ درست بدهند، ضمن اینکه ۲۸/۴ درصد پاسخگویان به هیچ‌کدام از سؤالات پاسخ درست ندادند. میزان آلفای کرونباخ این متغیر ۰/۷۱۲ محاسبه شد.

جدول ۱۰. وضعیت دانش سیاسی پاسخگویان در زمینه‌های مختلف

پاسخ غلط		پاسخ درست		عبارت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۹	۱۹۸	۵۱	۲۰۲	اولین رئیس‌جمهور دوران بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران چه کسی بود؟
۷۶	۳۰۴	۲۴	۹۶	دوره مجلس خبرگان چندساله است؟
۷۸	۳۱۴	۲۲	۸۶	تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی چند نفر است و افزایش تعداد آن براساس کدام اصل میسر خواهد بود؟
۸۴	۳۳۵	۱۶	۶۵	از تعداد کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی چند نفر مربوط به اقلیت‌های دینی هستند؟
۹۳	۳۷۴	۷	۲۶	اصلاحات ارضی در چه سالی شروع شد؟
۷۶	-	۲۴	-	متوسط درصد پاسخ‌گویه‌ها

مأخذ: همان.

۲-۲-۴. رابطه میزان استفاده از رسانه ملی و مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی

در این قسمت به رابطه فرهنگ سیاسی و مؤلفه‌های آن با میزان استفاده از رسانه ملی پرداخته می‌شود.

۲-۲-۲-۱. استفاده از رسانه ملی و فرهنگ سیاسی

جدول ۱۱. ضریب همبستگی پیرسون بین استفاده از رسانه ملی و فرهنگ سیاسی دانشجویان

فرهنگ سیاسی		متغیرها
۰/۱۹۸	مقدار ضریب همبستگی	میزان استفاده از رسانه ملی
۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)	
۴۰۰	تعداد	

مأخذ: همان.

۲-۲-۴. استفاده از رسانه ملی و ارزش های سیاسی

جدول ۱۲. ضریب همبستگی پیرسون بین استفاده از رسانه ملی و ارزش های سیاسی دانشجویان

متغیرها یا مؤلفه های سیاسی میزان استفاده از رسانه ملی	ارزش های سیاسی	باورهای سیاسی	احساسات سیاسی	دانش سیاسی
میزان استفاده از رسانه ملی	مقدار ضریب همبستگی	۰/۲۲۲	۰/۱۹۰	۰/۱۹۵
	سطح معناداری (sig)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۱۶
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰

مأخذ: همان.

نتایج آزمون همبستگی بیانگر آن است که بین استفاده از رسانه ملی و ارزش های سیاسی دانشجویان همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد؛ به این معنا که هرچه میزان استفاده از رسانه ملی در بین دانشجویان بیشتر باشد، دانشجویان ارزش های سیاسی مشارکت جویانه و مثبت تری از خود نشان می دهند. بنابراین با توجه به مقدار ضریب همبستگی $r=0/222$ بین میزان استفاده از رسانه ملی و میزان ارزش های سیاسی دانشجویان در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه وجود دارد. آماره ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد با افزایش میزان استفاده دانشجویان از رسانه ملی، ارزش های سیاسی آنان افزایش می یابد. بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می شود.

جدول ۱۳. ضریب همبستگی پیرسون بین استفاده از رسانه ملی و باورهای سیاسی دانشجویان

متغیرها	باورهای سیاسی
میزان استفاده از رسانه ملی	مقدار ضریب همبستگی
	سطح معناداری (sig)
	تعداد

مأخذ: همان.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین استفاده از رسانه ملی و باورهای سیاسی دانشجویان همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد؛ به این معنا که هرچه میزان استفاده از رسانه ملی در بین دانشجویان بیشتر باشد، دانشجویان باورهای سیاسی مشارکت‌جویانه‌تر و مثبت‌تری از خود نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به مقدار ضریب همبستگی $r=0/190$ بین میزان استفاده از رسانه ملی و میزان باورهای سیاسی دانشجویان در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه وجود دارد. آماره ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد با افزایش میزان استفاده دانشجویان از رسانه ملی، باورهای سیاسی آنان افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود.

۳-۲-۴. استفاده از رسانه ملی و احساسات سیاسی

جدول ۱۴. ضریب همبستگی پیرسون بین استفاده از رسانه ملی و احساسات سیاسی دانشجویان

احساسات سیاسی		متغیرها
۰/۱۹۵	مقدار ضریب همبستگی	میزان استفاده از رسانه ملی
۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)	
۴۰۰	تعداد	

مأخذ: همان.

نتایج آزمون همبستگی بیانگر آن است که بین استفاده از رسانه ملی و احساسات سیاسی دانشجویان همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد؛ به این معنا که هرچه میزان استفاده از رسانه ملی در بین دانشجویان بیشتر باشد، دانشجویان احساسات سیاسی مشارکت‌جویانه‌تر و مثبت‌تری از خود نشان می‌دهند. بنابراین با توجه به مقدار ضریب همبستگی $r=195/0$ بین میزان استفاده از رسانه ملی و میزان احساسات سیاسی دانشجویان در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه وجود دارد. آماره ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد با افزایش میزان استفاده دانشجویان از رسانه ملی، احساسات سیاسی آنان افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌شود.

۴-۲-۲-۴. استفاده از رسانه ملی و دانش سیاسی

جدول ۱۵. ضریب همبستگی پیرسون بین استفاده از رسانه ملی و دانش سیاسی دانشجویان

دانش سیاسی		متغیرها
۰/۰۸۳	مقدار ضریب همبستگی	میزان استفاده از رسانه ملی
۰/۱۱۶	سطح معناداری (sig)	
۴۰۰	تعداد	

مأخذ: همان.

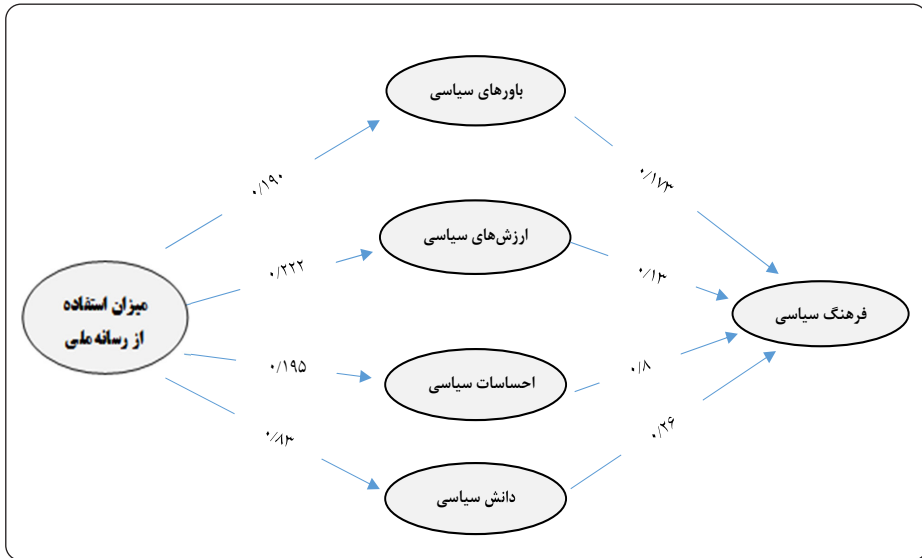
با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون ($r=0.83/0$ و $116/0$ sig) بین میزان استفاده از رسانه ملی و میزان دانش سیاسی دانشجویان در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود ندارد؛ به عبارت دیگر میزان استفاده از رسانه ملی تأثیری بر میزان دانش سیاسی دانشجویان ندارد. در نتیجه فرضیه چهارم تحقیق تأیید نمی شود.

جدول ۱۶. ضرایب مدل رگرسیون چندمتغیری برای متغیر وابسته میزان استفاده از رسانه ملی

متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی (β)	ضریب همبستگی (R)	تفاوت ضریب همبستگی با مرحله قبل	ضریب تعیین (R^2)	تفاوت ضریب همبستگی با مرحله قبل	ضریب تعیین (R^2)	تفاوت ضریب همبستگی با مرحله قبل	ضرایب استاندارد شده (β)	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۴۶۲								۱/۲۷۵	۰/۲۰۳
باورهای سیاسی	۰/۱۷۳	۰/۲۳۴	۰/۲۴۳	۰/۰۵۹	۰/۰۵۹	۰/۰۵۹	۰/۰۵۹	۰/۲۳۴	۷/۹۴۳	۰/۰۰۰
ارزش‌های سیاسی	۰/۱۳۱	۰/۳۴۱	۰/۰۹۸	۰/۱۱۶	۰/۰۹۸	۰/۱۱۶	۰/۰۹۸	۰/۱۰۷	۵/۳۱۹	۰/۰۰۰
فرهنگ سیاسی	۰/۰۹۸	۰/۳۶۸	۰/۰۲۷	۰/۱۳۵	۰/۰۲۷	۰/۱۳۵	۰/۰۲۷	۰/۰۲۷	۳/۷۸۸	۰/۰۰۰
احساسات سیاسی	۰/۰۸۲	۰/۳۹۲	۰/۰۲۴	۰/۱۵۴	۰/۰۲۴	۰/۱۵۴	۰/۰۲۴	۰/۰۲۴	۴/۰۱۴	۰/۰۰۰
دانش سیاسی	۰/۰۲۶	۰/۴۰۶	۰/۰۱۴	۰/۱۶۵	۰/۰۱۴	۰/۱۶۵	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۱/۸۶۱	۰/۰۴۴

مأخذ: همان.

شکل ۳. مدل نهایی پژوهش (همبستگی تفکیکی بین متغیرها)



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال آن بودیم تا میزان مصرف رسانه ملی توسط دانشجویان دانشگاه‌های تهران و ارتباط این مصرف با مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی در دانشجویان را بررسی کنیم. همان‌گونه که در مبانی نظری اشاره شد در این پژوهش نظریه فرهنگ سیاسی گابریل آلموند و سیدنی وربا را به عنوان مبنای بررسی در نظر گرفتیم. فرهنگ سیاسی از نظر آلموند و وربا فراوانی ارزش‌ها، باورها، احساسات و دانش سیاسی افراد یک جامعه نسبت به جنبه‌های زندگی است. براین اساس در کنار بررسی میزان استفاده دانشجویان دانشگاه‌های تهران از برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، چهار متغیر مستخرج از این نظریه شامل ارزش‌ها، باورها، احساسات و دانش سیاسی ایشان براساس گویه‌های طراحی شده از تعاریف عملیاتی این متغیرها سنجیده و در نهایت رابطه بین مصرف رسانه ملی و این متغیرها بررسی شد.

- تحلیل چندمتغیره فرهنگ سیاسی و ابعاد آن

نتایج تحقیق نشان داد ۸۹ درصد از پاسخگویان برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی ایران را تماشا می‌کنند و میانگین تماشای روزانه تلویزیون توسط آنان یک ساعت و ۴۲ دقیقه بود. همچنین ۳۹/۵ درصد از پاسخگویان مخاطب برنامه‌های صدای جمهوری اسلامی ایران بودند و میانگین مدت زمان گوش دادن به برنامه‌های رادیو در بین دانشجویان ۳۷ دقیقه بود. در مجموع می‌توان گفت مدت زمان استفاده از رسانه ملی (تلویزیون و رادیو) در بین دانشجویان ۱۳۹ دقیقه (دو ساعت و ۱۹ دقیقه) در روز بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میزان استفاده از رسانه ملی با متغیرهای باورهای سیاسی، ارزش‌های سیاسی، احساسات سیاسی دانشجویان رابطه مستقیم و مثبت دارد ولی بر مقوله دانش سیاسی دانشجویان تأثیر چندانی نداشته است. گفتنی است در این پژوهش از مدل رگرسیونی گام به گام استفاده شده است. باورهای سیاسی با مقدار ضریب همبستگی ۰/۲۳۴ و مقدار تبیین واریانس ۵/۹ درصد به عنوان اولین متغیر وارد معادله شده است. این آماره نشان می‌دهد باورهای سیاسی دانشجویان در بین چهار مؤلفه فرهنگ سیاسی بیشترین سهم را دارد. می‌توان گفت کماکان باورهای سیاسی دانشجویان بر دانش سیاسی، احساسات سیاسی و ارزش‌های سیاسی آنان تقدم رتبه‌ای دارد. ارزش‌های سیاسی با مقدار ضریب همبستگی ۰/۰۹۸ و مقدار تبیین واریانس ۵/۷ درصد به عنوان دومین متغیر وارد معادله شد. این متغیر بعد از باورهای سیاسی بیشترین سهم را در معادله رگرسیونی دارد.

احساسات سیاسی با مقدار ضریب همبستگی ۰/۰۲۴ و مقدار تبیین واریانس ۱/۹ درصد به عنوان سومین متغیر وارد معادله شد و دانش سیاسی با ضریب همبستگی ۰/۰۱۴ و مقدار تبیین واریانس ۱/۱ درصد کمترین تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی در بین چهار متغیر دیگر را داشته است. به طور کلی ضریب تعیین ۱۶/۵ درصد است که نمایانگر قدرت پیش‌بینی متغیر وابسته فرهنگ سیاسی بر اساس این چهار متغیر است. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت بین مصرف رسانه ملی و فرهنگ سیاسی دانشجویان همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد؛ به عبارت دیگر دانشجویانی که بیشتر از رسانه ملی استفاده می‌کنند، دارای فرهنگ سیاسی فعال‌تری (مشارکت‌جویانه‌تر) هستند.

بر این اساس می‌توان گفت رسانه توانسته با تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی، باور سیاسی، ارزش سیاسی و احساسات سیاسی و تا حدودی دانش سیاسی دانشجویان را نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن مستحکم‌تر کند تا به رفتارهای آگاهانه‌تری دست یابند. همچنین می‌توان احتمال داد ارزش‌ها، باورها و احساسات جهت رفتارهای سیاسی افراد را مشخص می‌کنند.

با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت توسعه فرهنگ سیاسی به عنوان یکی از نیازهای اساسی جامعه در راستای توسعه فرهنگی و پایدار مطرح بوده که باید در قالب آن آگاهی‌های مردم در رابطه با اتفاقات و رویدادهای مختلف سیاسی در جامعه و در سطح جهان افزایش یابد. بررسی نقش و تأثیر فرهنگ سیاسی، در روند رشد دموکراسی در جامعه نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. افزایش سطح فرهنگ عمومی در جامعه، زمینه‌ساز حرکت در مسیر رشد و پیشرفت است. هرچه فرهنگ عمومی یک جامعه افزایش یابد به همان نسبت سیر رشد جامعه نیز افزایش می‌یابد.

بنابراین فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از نظام اعتقادی، ارزش‌ها و نمادهای یک جامعه است که به رفتارهای سیاسی در برابر نظام سیاسی جهت می‌دهد. در فرهنگ سیاسی جنبه‌های ویژه‌ای از فرهنگ عمومی وجود دارد که با سیاست، قدرت، اقتدار، آزادی، عدالت، دولت، حکومت یا نظام سیاسی و اینکه چه وظایفی را باید انجام دهد، ارتباط دارد و اصولاً حاصل تجربه تاریخی یک ملت در برخورد با حوادث و پدیده‌های سیاسی آن ملت است. در واقع این فرهنگ سیاسی است که فرد را برای مشارکت فعال در زندگی سیاسی و پذیرفتن نقش‌ها در جامعه تربیت می‌کند. فرد از طریق فرهنگ سیاسی می‌تواند با نظام‌ها و فلسفه‌های سیاسی، نقش سیاست در زندگی اجتماعی و مسائل سیاسی روز داخلی و بین‌المللی آشنا شود. یکی از راه‌های افزایش فرهنگ سیاسی، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و در این نوشتار رسانه ملی است که نتایج تحقیق نشان داد نقش مؤثری در مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دارند. رسانه‌ها با آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی به موقع و مناسب، به عرصه کشاندن نخبگان، ایجاد فضای نقد و گفتگو و مباحثه‌های آزاد و عقلانی می‌توانند با اعتمادسازی میان مردم و حکومت و ایجاد ارتباطی کارآمد میان آنها، فضا را برای تحقق

توسعه آماده کنند. به این ترتیب از پیدایش بحران‌ها و ناهنجاری‌ها جلوگیری می‌شود یا مردم برای رویارویی با این بحران‌ها آماده و آگاه می‌شوند. میزان جذب، اثرگذاری و نفوذ این رسانه‌ها در مخاطبان، کیفیت برنامه‌های تولیدی، جریان اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی رسانه‌ها و توانایی رسانه‌ها در ایجاد خلاقیت‌های ملی، ژرف‌نگری، اندیشه‌ورزی و بینش در مخاطبان، از عوامل و معیارهای توسعه‌یافتگی کشور به شمار می‌رود. توانایی رسانه‌ها در ایجاد اعتماد و روابط متقابل و دوسویه، شناسایی به موقع نیازهای جامعه و فرهنگ‌سازی براساس این نیازها و مقتضیات روز، در کیفیت و عملکرد رسانه‌های جمعی مؤثر است.

بنابراین چگونگی عملکرد رسانه‌ها، کیفیت محتوا و مطالب رسانه‌ها و نقش آنها در رشد افکار عمومی و ایجاد فضای مناسب و سالم برای نقد و گفتگو و بالا بردن سطح آگاهی، فرهنگ و دانش عمومی از نشانه‌های توسعه و ایجاد فرهنگ سیاسی متعالی و از عوامل پویایی و پیشرفت جامعه است. یافته‌های این تحقیق مؤید نظریه آنتونی گیدنز است؛ چرا که در نظریه وی تکثر کانال‌های ارتباطی و همچنین تنوع پیام‌های سیاسی که از طریق رسانه‌ها به افراد منتقل می‌شود، این امکان را فراهم می‌کند تا افراد به تجدیدنظر و بازاندیشی در باورهای مرسوم خود در مورد مسائل سیاسی بپردازند و بتوانند از حکومت مرکزی انتقاد کنند و هر آنچه را از رسانه‌ها دریافت می‌کنند با توجه به تجربه سیاسی خود مورد بازبینی قرار دهند.

منابع و مآخذ

۱. پناهی، محمد حسین و اسماعیل عالی‌زاد (۱۳۸۴). «تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۲۸ و ۲۹.
۲. دادگران، سید محمد (۱۳۸۰). *مبانی ارتباطات جمعی*، تهران، انتشارات فیروزه.
۳. دفلور، ملوین و اورت ای دنیس (۱۳۸۴). *شناخت ارتباط جمعی*، ترجمه سیروس مرادی، تهران، انتشارات دانشکده صداوسیما.
۴. رابرتسون، یان (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی سنتیز و کنش متقابل نمادین*، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۵. جهانگیری، جهانگیر و فاطمه ابوترابی زارچی (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه شیراز»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، ش ۴ (پیاپی ۲۸).
۶. جهانگیری، جهانگیر، عبدالعلی لهسایی‌زاده و فاطمه ابوترابی زارچی (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مرتبط با فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، سال چهاردهم، ش ۳۲ و ۳۳.
۷. خانیکی، هادی و حمید سرشار (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، ش ۱۱.
۸. ستوده، هدایت‌اله، منصور قنادان و ناهید مطیع (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی*، تهران، انتشارات آوای نور.
۹. عبدالهیان، حمید و مهین شیخ انصاری (۱۳۹۲). «تبیینی بر همبستگی بین شدت استفاده از فیس‌بوک و سرمایه اجتماعی کاربران فیس‌بوک»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴، ش ۴.
۱۰. عطارزاده، مجتبی، سید جواد امام‌جمعه‌زاده و نجات محمدی‌فر (۱۳۸۸). «نقش رسانه‌های جمعی در جهت‌دهی فرهنگ سیاسی دانشجویان»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، ش ۲۵.
۱۱. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۶). «دمکراسی و پراگماتیسم»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۱۰۷ و ۱۰۸.
۱۲. کلانتری، خلیل (۱۳۸۹). *مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی*، تهران، انتشارات فرهنگ صبا.
۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه حمیدرضا جلالی‌پور، تهران، طرح نو.

۱۴. مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۰). *مخاطب شناسی*، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
۱۵. محمدی، مجید (۱۳۷۱). «مقدمه‌ای بر مطالعه فرهنگ سیاسی ایران»، *ماهنامه فرهنگ توسعه*، سال اول، ش ۳.
۱۶. مسعودنیا، حسین، رضا محموداوغلی، محمودرضا رهبر قاضی و عاطفه فروغی (۱۳۹۰). «بررسی رابطه استفاده از اینترنت با رویکرد و مشارکت سیاسی»، *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی تبریز*، سال ۱۴، ش ۳۴ و ۳۵.
۱۷. مهرداد، هرمز (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی*، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی فاران.
۱۸. مهدی زاده طالشی، سید محمد (۱۳۹۱). *نظریه های رسانه: اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی*، تهران، همشهری.
۱۹. نیروی، هومن (۱۳۸۹). «شبکه های اجتماعی اینترنتی و مشارکت سیاسی»، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۲۰. ویندال، سون، بنو سیگنایزر و جین اولسون (۱۳۷۶). *کاربرد نظریه های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
۲۱. هرسیچ، حسین، حوا ابراهیمی پور، محمودرضا رهبر قاضی و مجید ملکان (۱۳۹۲). «بررسی رابطه فضای مجازی با مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *فصلنامه جامعه شناسی کاربردی*، سال ۲۴، ش ۴.
22. Aarts, K. and H. A. Semetko (2003). "The Divided Electorate: Effects of Media Use on Political Involvement", *Journal of Politics*, Vol. 65 (3).
23. Almond, Gabriel. A. and Sidney Verba (1963). *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Princeton University Press.
24. Almond, Gabriel. A (1990). "The Study of Political Culture", *In A Discipline Divided: School and Sects in Political Science*, Newbury Park, Sage.
25. --- (2000). "The Study of Political Culture", In: Crothers L., Lockhart C. (eds) *Culture and Politics*, Palgrave Macmillan, New York, https://doi.org/10.1007/978-1-349-62397-6_1.

26. Bratton, Michael, Philip Alderfer, Georgia Bowser and Joseph Temba (1999). "The Effects of Civic Education on Political Culture: Evidence from Zambia", *World Development*, Vol. 27, Issue 5.
27. Calenda, D. and L. Mosca (2007). "The Political Use of the Internet Information", *Communication and Society*, Vol. 11 (4).
28. Carter, L. D. (2006). "Political Participation in a Digital Age", Ph.D. Dissertation in General Business, Virginia, Faculty of Virginia.
29. McClurg, Scott. D (2003). "Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation", *Political Research Quarterly*, Vol. 56, Issue 4, (Available Online at: <https://doi.org/10.1177/106591290305600407>).
30. Nesbitt-Larking, Paul. W (2010). "The Role of the Media in Electoral Behaviour: A Canadian Perspective", *Policy and Society*, 29, (Available Online at: <https://doi.org/10.1016/j.polsoc.2009.11.005>).
31. Quintelier, Ellen, Dietlind Stolle and Allison Harell (2011). "Politics in Peer Groups: Exploring the Causal Relationship between Network Diversity and Political Participation", *Political Research Quarterly*, Vol. 65, Issue 4, (Available Online at: <https://doi.org/10.1177/1065912911411099>).
32. Skoric, Marko M, Deborah Ying and Ng Ying (2009). "Bowling Online, not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore", *Journal of Computer-Mediated Communication*, Vol. 14, Issue. 2, (Available Online at: <https://doi.org/10.1111/j.1083-6101.2009.01447.x>).

لزوم بازنگری راهبردی در رکن روانی قاچاق کالا و ارز

مصطفی دانش* و ابوالفتح خالقی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۱	شماره صفحه: ۱۴۶-۱۲۳
-------------------	------------------------	------------------------	---------------------

حدود یک قرن از جرم و تخلف‌انگاری قاچاق کالا و ارز در نظام جزایی ایران می‌گذرد؛ از جمله ابهامات بنیادینی که محکومیت و سرنوشت بسیاری از متهمان را تحت الشعاع قرار داده و می‌دهد، رکن روانی و شیوه تفسیر آن در این موارد است. به رغم اصلاحات مکرر در قوانین مرتبط، کماکان تشتت در دیدگاه حقوقدانان و رویه محاکم اعم از قضایی و شبه قضایی، در اثر تلقی این رفتارهای غیرقانونی به عنوان جرائم و تخلفات با مسئولیت مطلق کیفری یا عدم آن پابرجاست. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی ضمن اشاره به پیشینه مقررات و برخی آرای قضایی در صدد است تا با واکاوی نظرات مختلف، مدل افتراقی جامعی را برای پیش‌بینی رکن روانی این جرائم به دست دهد. به این منظور و با امعان نظر به عدم طرح اختصاصی این مسئله در آثار پژوهشی تاکنون، تحلیل ابعاد نظری و کاربردی این تشتت و تشریح رکن روانی این جرائم و تخلفات ضروری به نظر می‌رسد. نتیجه آنکه با اتخاذ رویکرد راهبردی افتراقی نسبت به این موارد و تقویت نصوص قانونی در این باره می‌توان در عین تقویت رکن قانونی از معضل کیف‌گرایی افراطی در این جرائم عبور کرده، به پاسخ‌دهی عادلانه به متهمان، دست یافت و زمینه تحقق اهداف قانونگذار در مبارزه با این جرائم و تخلفات و در نهایت اصلاح رویه قضایی محاکم را بیش از پیش فراهم کرد.

کلیدواژه‌ها: قاچاق کالا و ارز؛ رکن روانی؛ مسئولیت مطلق کیفری؛ جرم مادی صرف

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم؛

Email: mostafa.d2087@gmail.com

** دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛

Email: ab-khaleghi@qom.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4331.4283

مقدمه

جرم یک رفتار عمدی است و مرتکب این رفتار در صورتی مستحق کیفر است که آگاهانه و با قصد سوء، ارتکاب آن را اراده کرده باشد. این اصل و اقتضائات آن در اندیشه‌های حقوقی سنتی و مدرن، مورد بحث و اختلاف نظر بوده و بازتاب متفاوتی در قانونگذاری‌ها داشته است. در اندیشه‌های بنیادین حقوق کیفری برخی^۱ معتقد به عمدی بودن جرائم - لزوم عنصر روانی در تحقق جرم - هستند و برخی^۲ وضعیت روانی مرتکب را در ارتکاب جرم و قابل سرزنش بودن رفتار وی ضروری نمی‌دانند. با صنعتی شدن جوامع و ریسک‌های ناشی از آن، رشد فکری و پیچیده‌تر شدن رفتارهای انسان و به تبع پیچیدگی مقابله با آن، گسترش دنیای ارتباطات و اطلاعات و ... دیدگاه‌های جدیدی در خصوص این مسئله مطرح شده و نظریه‌های دانشمندان سنتی حقوق جزا به چالش کشیده شده است.

دیدگاه‌های نوین دو مسئله را به بحث گذاشته‌اند: اول اینکه صرف نظر از تحلیل روانی رفتارهای انسان، آیا برای جرم‌انگاری و کیفردهی برخی از رفتارها، عمدی بودن رفتار مرتکب الزامی است؟ دوم اینکه آیا اساساً امکان شناخت و تحلیل وضعیت روانی مرتکب جرم و احراز عمد وی وجود دارد؟ یافته‌های دانشمندان علوم انسانی در دهه‌های اخیر دیدگاه حقوقدانان و قانونگذاران جوامع را به نحو چشمگیری دگرگون کرده است. جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری و کیفردهی در واکنش به برخی از رفتارهای غیرعمد را می‌توان به‌عنوان یکی از نشانه‌های این دگرگونی برشمرد. بر این اساس قانونگذاران جوامع مدرن از جمله قانونگذار ایران، سیاست جنایی متفاوتی را نسبت به پاره‌ای جرائم با وصف جرائم «با مسئولیت مطلق و یا مادی صرف»^۳ اتخاذ کرده‌اند.^۴ در تحقیق حاضر

۱. «با پیدایش حقوق جزای مدرن در قرن هجدهم میلادی، موضوع عنصر معنوی گسترش خاصی یافت. مقنن ایران به‌هنگام تنظیم قوانین جزایی اعم از قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و یا اصلاحات ۱۳۵۲ تحت تأثیر مکتب نئوکلاسیک بوده است. مبنای مجازات و مسئولیت را نیز تحقق عنصر معنوی دانسته است» (محسنی، ۱۳۸۲: ۲۰۴).

۲. پیروان مکتب تحقیقی یا اثباتی عمدتاً بر این باور بوده‌اند. «مکتب تحقیقی، مکتب دفاع اجتماعی نوین و یا مکتب نئوکلاسیک جدید نیز با فرضیه آزادی اراده مخالفت کرده‌اند» (همان: ۲۰۶-۲۰۵).

3. Strict Liability Crime

۴. برای مطالعه سه توجیه اصلی مادی صرف (با مسئولیت محدود) شناخته شدن این جرائم و استدلال‌های مخالف آن رک. (سماواتی پیروز، ۱۳۸۵: ۳۱-۲۸).

لزوم یا عدم لزوم عنصر روانی در تحقق یکی از جرائم مورد مناقشه با عنوان قاچاق کالا و ارز تشریح می‌شود.

درباره عمدی بودن این جرائم، از نگاه حقوقدانان و به ویژه در رویه قضایی اختلاف نظر، ابهامات و چالش‌های جدی وجود دارد که به صدور آرای مختلف در پرونده‌های مشابه و ایراد خدشه بر اصول دادرسی عادلانه منجر شده است. برای حل این چالش و ایجاد وحدت در رویه جاری محاکم، تحلیل بنیادین دیدگاه‌های مطرح شده و ترسیم شمایل نوینی از رکن روانی در این جرائم و تخلفات ضروری به نظر می‌رسد. برخی ضمن اعتقاد به عمدی بودن، وجود سوء نیت را لازم ندانسته و همواره فرض را بر علم و اطلاع مرتکب از ضوابط و مقررات قانونی قرار داده و بیان می‌کنند که اثبات خلاف این فرض مقدور نیست (پوراابراهیم، ۱۳۹۱: ۲۱۶). برخی دیگر قاچاق به معنای اخص (وارد و خارج کردن) را در ردیف جرائم مادی صرف (با مسئولیت مطلق) دانسته و در مواردی که فرد در انجام فعل ورود و خروج کالا از مرز مباشرت نداشته باشد، شرایط اثبات جهل به موضوع را فراهم دانسته‌اند (الهام، میرخلیلی و پرهام، ۱۳۹۳: ۶۶). دسته سوم نیز معتقدند که «جرائم و تخلفات قاچاق کلاً جرائم عمدی هستند و غیرعمدی آن قابل تصور نیست ... صرف داشتن سوء نیت عام یا اراده آگاه در ارتکاب جرم برای تحقق آن کافی است و نیاز به احراز سوء نیت خاص نیست زیرا ورود کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی قاچاق است و تفاوتی ندارد که قصد متهم از ارتکاب بزه قاچاق، اضرار به دولت یا کسب منفعت شخصی باشد ... احراز علم مرتکب نیز صرفاً در موارد خاصی از جمله ماده (۲۳) ق.م.ق.ک.و. ۱۳۹۲ لازم است» (صفاری و اجتهادی، ۱۳۹۷: ۱۸-۱۷).

نکته مهم اینکه از ابتدای قانونگذاری در ایران، قاچاق کالا و ارز جرم محسوب و رسیدگی به آن تابع قوانین ماهوی و دادرسی کیفری قرار گرفته بود. در برهه‌ای حساس از تاریخ قانونگذاری، بعضی از مصادیق این جرائم، عنوان تخلف پیدا کرده و رسیدگی به آنها به مرجعی خاص با صلاحیت استثنایی - سازمان تعزیرات حکومتی - واگذار شد. باین حال کلیه مقررات ماهوی و شکلی مربوط به جرائم در خصوص این تخلفات لازم‌الرعایه دانسته شد. در این باره می‌توان به مواد (۴۰ و ۴۶)، تبصره «۱» ماده (۵۰) و ماده (۵۱) و (۶۳)

ق.م.ب.ق.ک.و.۱۳۹۲ اشاره کرد. علاوه بر این، ظاهر ماده (۴۴) قانون اخیر دلالت بر این دارد که قاچاق کالا و ارز اصولاً و ماهیتاً جرم است و بنا به اقتضائات خاص و توجیهاتی عموماً غیرحقوقی، برخی از مصادیق آن تفکیک و در صلاحیت مرجعی شبه قضایی قرار گرفته است؛ بنابراین چنان که در ادامه به تفصیل بررسی می‌شود، تفکیک میان جرم و تخلف در مصادیق این رفتارها از حیث رکن روانی خالی از وجه به نظر می‌رسد. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که برخی از مصادیق قاچاق در قانون امور گمرکی با عنوان «قاچاق گمرکی» مطرح بوده که تخلف و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان گمرک و نه مراجع شبه قضایی بوده و از دایره موضوعی این مقاله خارج است.

قانونگذار ایران عناوین مجرمانه متعددی را با موضوع قاچاق کالا و ارز وضع کرده است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این جرائم و تخلفات را به سه دسته شامل قاچاق به معنای اخص (وارد و خارج کردن کالا یا ارز قاچاق)، در حکم قاچاق (حمل، نگهداری، عرضه، خرید، فروش) و جرائم مرتبط (بیشتر مربوط به تشریفات قانونی واردات و صادرات کالا و ارز) تقسیم‌بندی کرد. از این رو در قسمت اول مقاله حاضر لزوم یا عدم لزوم رکن روانی مطرح و دیدگاه قائل به مسئولیت مطلق کیفری در این موارد نقد خواهد شد. در قسمت دوم با تأکید بر لزوم این عنصر بنیادین در تحقق تخلفات و جرائم، چگونگی اجزای عنصر روانی با نگاهی به رویه قضایی محاکم رسیدگی‌کننده، بررسی و در پایان در راستای پاسخ‌های ارائه شده نیز پیشنهادهایی مطرح خواهد شد.

۱. دلایل لزوم رکن روانی در قاچاق کالا و ارز و جرائم مرتبط

سکوت قانونگذار نسبت به رکن روانی این جرائم، دیدگاه حقوقدانان و رویه قضایی محاکم را به سمت نفی رکن روانی متمایل کرده است. در قوانین جزایی مرتبط با قاچاق کالا و ارز، رکن روانی این جرائم مغفول مانده و به صورت پراکنده به آن اشاراتی شده است. در ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب سال‌های ۱۳۰۷/۱۲/۱۶ و ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ و اصلاحات آن در سال‌های ۱۳۱۹، ۱۳۵۳ و ۱۳۷۳ در تعریف قاچاق کالا هیچ اشاره‌ای به رکن روانی نشده بود. در قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۱ نیز به صورت پراکنده به این مسئله اشاره

شده است؛ بند «۱» ماده (۲۹)^۱ این قانون در تبیین قاچاق به معنای اخص اشاره‌ای به رکن روانی آن نکرده؛ اما بند «۷» این ماده در مقام بیان یکی دیگر از مصادیق قاچاق گمرکی، به سوء نیت مرتکب و ماده (۳۲) این قانون به «اشتباه» در نوع کالای ترخیص شده اشاره کرده است. قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ۱۳۷۴/۲/۱۲ نیز تعریفی از قاچاق ارائه نکرده اما در ماده (۳) به رکن روانی «حمل کالای قاچاق» اشاره کرده است. بند «ب و ج» ماده (۱۱۳) قانون امور گمرکی ۱۳۹۰ نیز به عمدی بودن یکی از مصادیق قاچاق گمرکی اشاره کرده است. در بند «الف» ماده (۱) ق.م.ب.ق.ک.و. ۱۳۹۲ تعریفی از قاچاق کالا و ارز ارائه شد که گرچه نسبت به تعاریف پیشین کامل تر بود، اما همچنان اشاره‌ای به رکن روانی این جرم نشده است. در خصوص عنوان «حمل کالای قاچاق» در ماده (۶۴)، «علم و اطلاع» مرتکب از قاچاق بودن محموله شرط تحقق جرم دانسته شده است. بنابراین تاکنون در قوانین مرتبط با قاچاق کالا و ارز به رکن روانی قاچاق به معنای اخص اشاره نشده درعین حال قانونگذار در مورد حمل کالای قاچاق و بعضی از جرائم مرتبط، تصریح به رکن روانی را ضروری دیده است. در قسمت بعدی لزوم رکن روانی در این جرائم و دلایل مثبت آن تبیین و دیدگاه مخالفان بررسی خواهد شد.

۱-۱. حاکمیت اصل جرم‌انگاری جرائم عمدی در قاچاق کالا و ارز

بنابر یک قاعده کلی و پذیرفته شده در حقوق کیفری به ویژه در دو قرن اخیر، رفتاری می‌تواند به عنوان جرم تلقی و با کیفر پاسخ داده شود که عامدانه و از روی آگاهی ارتکاب یافته باشد. ممنوعیت رفتارهای عمدی در قلمرو حقوق کیفری اصل اولیه در جرم‌انگاری است. در توجیه این اصل به دلایلی همچون سرزنش پذیری رفتارهای مجرمانه عامدانه، استحقاق کیفردهی بر مبنای رفتار عامدانه، خطر ناشی از رفتارهای مجرمانه عمدی و ... استناد شده است. گرچه رکن روانی - معنوی جزء لاینفک جرم است که با «قصد مجرمانه» یا «خطا (تقصیر) جزایی» محقق می‌شود و «هرگاه چنین قصد مجرمانه یا خطای جزایی

۱. این بند در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۷ به ماده مذکور الحاق شده است.

وجود نداشته باشد، کسی را نمی‌توان تحت تعقیب و مجازات قرار داد» (محسنی، ۱۳۸۲: ۲۰۱). با این حال منع رفتارهای عمدی، اصل و رفتارهای غیرعمد، استثنا محسوب می‌شوند. از این رو به حکم لزوم تصریح مقنن در موارد استثنا چنانچه قانونگذار در حکم عام کیفری، بدون قید عمد یا غیرعمد، جرم‌انگاری صورت دهد، حکم مزبور تنها به جرائم عمدی تسری می‌یابد و در نتیجه رفتارهای غیرعمد از دایره شمول آن حکم خارج خواهد بود.

«بنابراین در تعریف جرائم عمدی و تعیین مجازات برای آنها لازم نیست که در هر مورد مقنن کلمه عمد را استعمال کند. گرچه در بعضی از جرائم مثل قتل، مقنن از ذکر کلمه عمد خودداری نکرده، ولی هدف مقنن وجه تمایز این قتل از قتل غیرعمد بوده است. به همین جهت هم معمولاً در تعریف جرائم، خاصه جرائم جنایی و جنحه از به‌کار بردن کلمه عمد خودداری کرده است. عدم قید کلمه عمد نمی‌تواند این جرائم را از عمدی بودن خارج کند زیرا عمد یکی از ارکان تشکیل دهنده جرم است. اعمال غیرعمدی انسان به‌طور کلی قابل تعقیب و مجازات نیستند؛ مگر آنکه مقنن صراحتاً آنها را ولو بدون عمد هم جرم شناخته باشد مثل جرائم غیرعمدی و بعضی جرائم خلافی. در سایر موارد هدف مقنن از تعیین مجازات برای جرائم همان تعقیب جرائم عمدی بوده است» (همان: ۲۱۱-۲۱۰).

بنابراین جرائم اصولاً عمدی هستند مگر مواردی که غیرعمدی بودن آنها در قانون تصریح یا تلویحاً مورد اشاره قرار گرفته باشد. بر این اساس در مواردی که قانونگذار به عمدی یا غیرعمدی بودن جرم اشاره نکرده و در رکن روانی جرم، تشکیک می‌شود، با استناد به این اصل، سکوت مقنن حمل بر عمدی بودن جرم می‌شود. مثال بارز این سکوت، قاچاق کالا و ارز است که در ادوار قانونگذاری ایران، مطرح و ضرورت وجود رکن روانی و عمدی بودن آن از نگاه قانونگذار امری مسلم و غیرقابل تشکیک بوده است.

۱-۲. عدم مطابقت این جرائم با معیارهای «مسئولیت مطلق کیفری»

در دو قرن اخیر جرم‌انگاری جرائم با مسئولیت مطلق توسعه یافته‌اند (کلارکسون، ۱۳۷۴: ۱۲۲) و قانونگذاران تمایل بیشتری به این امر نشان دادند؛ با این حال در توجیه‌پذیری این مسئله در حقوق کیفری اختلاف نظر دیده می‌شود. همچنین در تعریف این جرائم به

دو مفهوم موسع^۱ و مضیق اشاره شده است^۲ (جانی پور و عباسی، ۱۳۹۲: ۲۸-۲۶) و در جای دیگر سه دریافت از مفهوم مسئولیت مطلق کیفری مطرح شده است (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). برخی از حقوقدانان نیز جرائم بدون تقصیر را ماهیتاً از نوع جرم مادی دانسته و اعتقاد دارند که جرائم مادی عموماً به جرائم خلافی اطلاق می‌شود و هرگاه ارتکاب جرم مادی مسلم شود، احراز قصد سوء عامل یا خطای او ضرورت ندارد (علی‌آبادی، ۱۳۳۴: ۸۱). در واقع «با وجود قانون برای جرم شناختن امری و به صرف احراز عنصر مادی جرم، جرائم مزبور محقق می‌شوند و نیازی به اثبات قصد مجرمانه و یا حسن نیت مرتکب نمی‌باشد» (گلدوزیان، ۱۳۷۷: ۲۲۰-۲۱۹). برخی نیز معتقدند «در جرائم عمدی و غیرعمدی، عنصر عمد و یا خطا باید ثابت شود ولی در جرائم مادی صرف، سوء نیت یا خطا فرض می‌شود. بسیاری از جرائم خلافی از این طبقه هستند ولی جرائم مادی صرف، منحصر به جرائم خلافی نیست» (میلانی و عبدالکریمی، ۱۳۹۴: ۸۱-۷۲). «جرائم مادی صرف غالباً مربوط به پلیس و انتظامات بوده و مشتمل بر ممنوعیت قطعی هستند» (باهری، ۱۳۴۰: ۱۲۱). بنابراین تعریف واحدی از مسئولیت مطلق کیفری و جرائم موضوع آن وجود ندارد.

از میان سه دکترین پیش‌گفته در مقدمه، یک دیدگاه جرائم موضوع بحث را مادی صرف - با مسئولیت مطلق^۳ یا مسئولیت بدون تقصیر - دانسته و دو دیدگاه دیگر قائل به رکن روانی شده‌اند. قائلین به دیدگاه اول «به دنبال حذف رکن روانی از حقوق کیفری هستند تا از این رهگذر کانون تمرکز حقوق کیفری را از هدفی تنبیهی به هدفی پیشگیرانه تغییر دهند» (ای و سراسروم، ۱۳۸۷: ۴۶۲). در پاسخ گفته شده است «اگر رکن روانی از این به بعد شرط لازم برای محکومیت نباشد، در این صورت آزادی فردی به‌گونه

۱. برخی نیز قائل به معنایی فراتر از مفهوم موسع بوده و معتقدند «در جرائم با مسئولیت بدون تقصیر نه تنها از اصل سرزنش‌پذیری، حتی گاهی از اصول مادی علیت کیفری نیز عدول می‌شود» (طاهری‌نسب، ۱۳۸۸: ۳۹۰).

۲. «در ادبیات حقوقی جرائم با مسئولیت مطلق یعنی جرائمی که در آنها مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست همان مسئولیت بدون تقصیر و جرائم مادی صرف که مترادف با جرائم با مسئولیت مطلق در نظر گرفته شده به معنای جرائمی است که در تشکیل آنها نیاز به عنصر روانی نیست...» در خصوص مترادف این دو اصطلاح رک. (احدی، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

۳. معادل این عبارت Strict Liability Offences است. همچنین از Absolute Liability Offences نیز استفاده شده است.

بی سابقه‌ای در نظام کنونی ما با مانع روبه‌رو می‌شود» (همان: ۴۷۲). به‌طور کلی سه معیار اصلی برای تشخیص جرائم با مسئولیت مطلق و تعیین مصادیق آن مطرح است. در ادامه ضمن تبیین مختصر این معیارها، انطباق یا عدم انطباق جرائم مورد بحث با آنها بررسی می‌شود.

۱-۲-۱. انضباطی نبودن قاچاق کالا و ارز

در جرائم انضباطی^۱ اصل بر عدم لزوم عنصر روانی است (جانی پور و عباسی، ۱۳۹۲: ۳۴). این موارد را می‌توان شامل جرائمی دانست که «در آن هیچ مسئله اخلاقی در میان نیست» (احدی، ۱۳۸۹: ۱۴۸) و ذاتاً و به‌خودی خود جرم یا تخلف نیستند ولی به دلیل موقعیت ارتکاب آنها از قبیل زمان، مکان و غیره از سوی قانونگذار با واکنش روبه‌رو و در ردیف جرائم با مسئولیت مطلق مطرح می‌شوند. به‌عنوان نمونه می‌توان به تخلفات رانندگی، تخلفات انضباطی محیط‌های خاص مانند دانشگاه، فضای کسب‌وکار، تخلفات شهری مربوط به احداث بنا اشاره کرد. به نظر می‌رسد به سه دلیل نمی‌توان جرائم و تخلفات قاچاق کالا و ارز را انضباطی دانست:

اول اینکه هدف از وضع جرم یا تخلف انضباطی، صرفاً برقراری نظم و ترتیب در انجام یک فعالیت است؛ قانونگذار در جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز، صرفاً به دنبال برقراری نظم و ترتیب نبوده و سیاست‌های متعدد و متنوعی اعم از اقتصادی، سیاسی و ... مانند حمایت از تولیدات داخلی، تقویت بنیان‌های اقتصادی خاص هر کشور، تأمین هدفمند کالاها و مایحتاج اقتصادی مصرف‌کنندگان را مدنظر داشته است. مسئله انضباطی نبودن، شاید در خصوص قاچاق به معنای اخص، بحث‌های تفصیلی را طلب کند، اما در خصوص جرائم در حکم قاچاق مانند حمل، نگهداری، عرضه، خرید و فروش کالای قاچاق، مشکک نبوده و اختلاف نظری دیده نمی‌شود.

دوم اینکه جرائم انضباطی غالباً مطلق بوده و دامنه آثار سوء ناشی از آنها گسترده

نیست و در بعضی موارد اثرات سوئی دیده نمی‌شود مانند به همراه نداشتن کارت خودرو یا تجاوز از حدود ساختمان در یک زمین مسکونی از میزان مقرر در پروانه ساخت. جرائم موضوع بحث نیز گرچه غالباً مطلق هستند، اما گاهی نتایج حاصل از ارتکاب آنها به آسیب‌ها و خسارات شدید و جبران‌ناپذیری منجر می‌شود.

سوم اینکه قانونگذار در کیفرگذاری جرائم انضباطی غالباً به کیفرهای سبک مانند جزای نقدی یا محرومیت‌های کوتاه‌مدت یا الزام شخص به رعایت مقررات، به نحو تخفیف یافته متوسل می‌شود و «عموماً جرمی است که حداکثر مجازات آن ناچیز است» (احدی، ۱۳۸۹: ۱۴۹) و اغلب «مجازات (آن) یک جریمه است؛ بنابراین آزادی فردی معمولاً مورد تهدید نیست» (همان: ۱۵۱) در حالی که در قاچاق کالا و ارز، همه کیفرهای موجود در نظام کیفری ایران اعم از حبس، شلاق، جزای نقدی، ضبط اموال، مجازات‌های تکمیلی و تبعی و حتی در برخی مصادیق سلب حیات (مواد ۳۰ و ۳۱) ق.م.ب.ق.ک.و.ا) پیش‌بینی شده است (ابراهیمی و دانش، ۱۳۹۸: ۲۸۵).

۲-۱. عدم صراحت قانون بر مسئولیت مطلق در جرائم قاچاق کالا و ارز

معیار دوم تصریح یا تبیین بدون ابهام «مادی صرف بودن (مسئولیت مطلق کیفری)» در قانون است. اصولاً «جرائم با مسئولیت مطلق با تصویب مقنن ایجاد می‌شوند» (جانی‌پور و عباسی، ۱۳۹۲: ۲۷). در حقیقت «با توجه به متن قانون باید کشف کنند که آیا منظور قانونگذار از وضع مقررات، ایجاد جرم با مسئولیت مطلق بوده است؟» (میلانی و عبدالکریمی، ۱۳۹۴: ۸۴). این مسئله گاهی از نص قانون، گاهی از فحوی آن و گاهی با بررسی سابقه جرم در قوانین گذشته برداشت می‌شود. در جرائم موضوع بحث از ابتدای قانونگذاری تاکنون هیچ تصریحی در خصوص «با مسئولیت مطلق بودن» در متون قانونی نبوده و این مسئله همواره با ابهام مواجه شده است. بر همین اساس «در اینکه کدام جرم متضمن مسئولیت مطلق است، در دادگاه‌ها رویه ثابتی وجود ندارد» (جانی‌پور و عباسی، ۱۳۹۲: ۹۲). همچنین در مواد قانونی متعددی، رکن روانی مورد اشاره قرار گرفته است؛ بنابراین براساس معیار دوم نیز نمی‌توان این جرائم را مادی صرف دانست.

۳-۲-۱. سبک نبودن کیفر قانونی جرائم قاچاق کالا و ارز

معیار دیگر سبک بودن کیفر قانونی جرم است. مسئولیت مطلق اغلب در مورد جرائمی اعمال می‌شود که حداکثر مجازات آنها نسبتاً سبک است و به نظر می‌رسد هرچه حداکثر مجازات بیشتر باشد احتمال اعمال مسئولیت مطلق از طرف دادگاه کمتر است (الیت و کوئین، ۱۳۸۷: ۹۶-۸۰). در ق.م.ب.ق.ک.و.ا سیاست قانونگذار بر اعمال کیفرهای مالی و غیرمالی سنگین بوده است. ضبط و مصادره اموال، جزای نقدی با مقیاس ارزش کالا یا ارز، حبس بلندمدت و کیفر سالب حیات از مصادیق ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده در این قانون است؛ مجازات‌هایی که هیچ‌کدام سبک و خفیف محسوب نمی‌شود.

۴-۲-۱. نفی وجوه تشابه جرائم قاچاق کالا و ارز با جرائم مادی صرف (با مسئولیت مطلق)

آنچه موجب شده تا برخی حقوقدانان، جرائم قاچاق کالا و ارز را از نوع مسئولیت مطلق بدانند، وجوه تشابهی است که در سه وجه شبه قابل تأمل است.

۱-۴-۲-۱. در تصرف داشتن شیء ممنوع

در قوانین کیفری عناوین مجرمانه متعددی وجود دارد که «در تصرف داشتن شیء ممنوع» تعریف شده و غالباً مادی صرف تلقی شده‌اند. اکثر مقررات مربوط به این اشیا در قالب قانونی خاص وضع شده و شرایط مربوط به هر کدام تابع قانون خاص خود است. بنابراین در فرض هم که جرائم مواد مخدر را مادی صرف بدانیم، نمی‌توان بدون تصریح یا کشف اراده ضمنی قانونگذار، سایر جرائم از قبیل قاچاق کالا و ارز را نیز به استناد آن فاقد رکن روانی دانست. علاوه بر اینکه ممنوعیت‌های قانونی اشیای مختلف و در نتیجه نوع و سطح واکنش متناسب از نگاه قانونگذار یکسان نیست. بر همین اساس تلقی قانونگذار از مواد مخدر، تجهیزات دریافت از ماهواره، کالا و ارز قاچاق، آثار صوتی و تصویری مستهجن و ... یکسان نبوده و در جرم‌انگاری و کیفرگذاری تفاوت‌هایی لحاظ شده است.

۲-۴-۱. هدف بازدارندگی در کیفرگذاری

«مسئولیت مطلق بازدارندگی مؤثری ایجاد می‌کند که با توجه به نحوه برخورد با جرائم انضباطی، از اهمیت خاصی برخوردار است» (احدی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). تحمیل کیفر در رفتارهای مجرمانه فاقد رکن روانی با توجیه بازدارندگی تنها درباره جرائمی امکان پذیر است که از قبیل حداکثری و نهایت سرزنش پذیری برخوردار باشند. جرائم مربوط به قاچاق کالا و ارز این میزان سرزنش پذیری را ندارد. به عنوان مثال کمتر واحد صنفی را می‌توان دید که تاکنون کالای قاچاق «عرضه» نکرده باشد، به ندرت می‌توان کسی را دید که کالای قاچاق «نخريد» باشد یا «فروش» آن را قبیح بداند، یا متصدیان حمل و نقل کالا آن را «حمل» و یا انباردارها آن را «نگهداری» نکرده باشند.

«استفاده از حقوق کیفری در زمینه جرائم تصنعی (ساختگی) یا قراردادی می‌تواند بازدارندگی بالایی داشته باشد» (همان: ۱۴۸). با این حال «اعمال مسئولیت مطلق در مواردی با اصول کلی مانند «عدم مجازات بدون تقصیر» در تعارض قرار می‌گیرد» (Stanton, 2007: 133). به نظر می‌رسد در این جرائم که توأم با آگاهی و سوء نیت نیستند و تبعات مثبت احتمالی - مانند تأمین موقت کالاهای کمیاب، کاهش قیمت کالاهای مشابه در بازار داخل، ایجاد رقابت و ارتقای کیفیت تولید داخلی و ... - نیز دارند، توسل به کیفر کارایی چندانی نداشته و اثری موقت خواهد داشت.

۳-۴-۱. دشواری اثبات عنصر روانی

وجه شبه سوم، دشواری اثبات عنصر روانی در این جرائم است.^۱ «این استدلال که مسئولیت مطلق باید اعمال شود زیرا اثبات سوء نیت بسیار دشوار است، از لحاظ اخلاقی مورد تردید است» (احدی، ۱۳۸۹: ۱۵۲). همچنین اثبات رکن روانی در قاچاق کالا و ارز و جرائم مرتبط با تکیه بر قرائن و امارات قانونی و قضایی از قبیل جاسازی کالا یا ارز، فرار از پلیس، عدم اخذ مجوز از مراجع قانونی، ارتکاب گروهی جرم، استفاده از پلاک جعلی خودرو، استفاده از

۱. «در امور کیفری، بار اثبات در مرحله تعقیب به طور معمول با دادستان است زیرا اوست که جرمی را به متهم نسبت داده است؛ ... و متهم نیازی به هیچ گونه دلیلی برای اثبات بی‌گناهی خود ندارد» (مهرا و زاهدی، ۱۳۹۴: ۶۹).

انبارهای فاقد مجوز، سازمان یافته بودن ارتکاب جرم - در خصوص مجرمین اصلی - و ... اگر نگوییم ساده است، قطعاً دشوارتر از سایر جرائم نیست.

۲. چگونگی رکن روانی قاچاق کالا و ارز و چالش‌های موجود

بنابر آنچه گذشت جرائم موضوع بحث، حائز رکن روانی و تابع قواعد حاکم بر آن است. درحقیقت این نظر که «هدف از ایجاد مسئولیت مطلق، تحمیل مجازات بدون در نظر گرفتن تقصیر مرتکب و به‌طور کلی عدم نیاز به اثبات عنصر روانی فرد است، بنابراین قصد فرد جهت نقض قانون مفروض تلقی می‌شود» (کروزون، ۱۳۸۴: ۵۶۳). جرائم موضوع بحث با ایرادهای جدی مواجه است. همچنین این عبارت که «مسئولیت مطلق فقط باید در مواردی اجرا شود که یک منفعت عمومی متقاعدکننده، الزام‌آور و بی‌خطر برای آن وجود داشته باشد؛ از این رو مسئولیت ناشی از تقصیر یک حمایت اساسی محسوب می‌شود ولی تشخیص منافع عمومی الزام‌آور متقاعدکننده شرط مبهمی است» (Murphy and Burges, 2006: 1) بسیار مهم و قابل تأمل است.^۱

در ادامه سه جزء اصلی رکن روانی این جرائم، تخلفات و چالش‌های مرتبط با آنها در این جرائم به تفصیل بررسی خواهد شد.^۲

۲-۱. وجوه علم مرتکب، در قاچاق کالا و ارز و جرائم مرتبط

مفهوم علم به معنای «یک حالت و کیفیت نفسانی است که نشانگر پیوند و رابطه انسان با دنیای بیرون است» (منصورآبادی، ۱۳۹۴: ۳۵۱-۳۵۰). بنابراین آنچه علم یا جهل نسبت به آن مطرح می‌شود از دو حال خارج نیست؛ یا موضوعی، یعنی یک واقعیت عینی

۱. «با گسترش جرم‌انگاری رفتارهای جدید، بدون لحاظ سوء نیت افراد و به تبع آن ایجاد مسئولیت کیفری مطلق، محدودیت بیشتری برای افراد جامعه به وجود آمد که با در نظر گرفتن فواید و نتایج اجتماعی حاصل از اجرای این‌گونه جرائم، مرتکبین معمولاً توانایی تحمل مجازات‌ها به ویژه جریمه‌های نقدی را نخواهند داشت که غالباً باید مجازات‌های شدیدتری را که ضمانت اجرای جریمه‌های نقدی است، تحمل کنند» (جانی‌پور و عباسی، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۶).

۲. اراده و انگیزه دو جزء دیگر است. اولی به دلیل عمومیت آن در تمامی جرائم و دومی به دلیل عمومیت آن در جرائم اقتصادی و عدم تأثیر در تحقق جرم در اینجا موضوع بحث نخواهند بود.

است یا مفهومی ذهنی، یعنی یک مسئله در عالم اعتبار - یک حکم در عالم حقوق - است (Perkins, 1978: 953-966). با نگاهی کاربردی، علم مرتکب در جرائم مورد بحث وجوه و ابعاد متمایزی دارد که در ادامه تشریح خواهد شد.

۱-۲. فرض قانونی آگاهی به قوانین و احتمال نقض آن در قاچاق کالا و ارز

در جرائم مورد بحث، علم حکمی مشخصاً به معنای علم شخص به احکام و یا تشریفات قانونی ورود کالا یا ارز به کشور و صدور (خارج کردن) این دو از کشور و قوانین کیفری مرتبط است.

اثبات عدم علم حکمی می‌تواند حسب عادت در قاچاق ارز و بعضی جرائم مرتبط با قاچاق کالا امکان‌پذیر باشد. دلیل این ادعا در خصوص قاچاق ارز این است که قانونگذار، جرائم و ممنوعیت‌های این حوزه را تبیین نکرده و در تبصره «۳» ماده (۷) ق.م.ب.ق.ک.و.ا، تعیین حدود و مقررات استفاده از ارز را به دولت واگذار کرده و در بند «خ» ماده (۲) این قانون «عدم رعایت ضوابط تعیین شده از سوی دولت» را قاچاق دانسته و در مواد (۱۱ و ۴۲) از قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، تعیین مقررات مربوط به ورود و خروج ارز یا پول رایج کشور را برعهده بانک مرکزی ج.ا.ا قرار داده است. با توجه به سه واقعیت، اول اینکه مصوبات دولتی به میزانی کمتر از مصوبات قانونگذار در معرض اطلاع عموم قرار می‌گیرد؛ دوم اینکه بازه زمانی اعتبار مصوبات دولت به نحو قابل توجهی کمتر از مصوبات قانونگذار هستند و سوم اینکه ضوابط تعیینی دولت در این حوزه پیچیده، غالباً غیرشفاف و تفسیرپر دار است، می‌توان ادعای جهل حکمی در برخی مصادیق قاچاق ارز را قابل تأمل و بررسی دانست. در خصوص بعضی مصادیق جرائم مرتبط با قاچاق کالا نیز می‌توان به تأثیرپذیری از مصوبات و برنامه‌های اجرایی دولت، پیچیدگی تعریف قانونی و تبعاً دشواری فهم رفتار مجرمانه اشاره کرد و ادعای جهل حکمی را قابل استماع دانست.

در حقیقت در قاچاق به معنای اخص به دو دلیل ادعای جهل حکمی قابل پذیرش نیست؛ اول اینکه مرتکبین غالباً تجاری هستند که با حرفه خود و مقررات مرتبط با آن آشنایی کامل دارند و از مصوبات مراجع قانونگذاری و دولت در اسرع وقت مطلع می‌شوند.

دوم اینکه مرتکبان این جرائم «در اجرای یک فعالیت حرفه‌ای دست به فعالیت غیرقانونی می‌زنند» (گسن، ۱۳۸۹: ۱۲۰) و پذیرش ادعای جهل حکمی یک مجرم حرفه‌ای از سوی مرجع رسیدگی‌کننده نوعی تجاها است!

این مسئله در خصوص جرائم در حکم قاچاق مانند «حمل، نگهداری، عرضه در سطح خرده‌فروشی و خریدوفروش» متفاوت است. در حمل کالای قاچاق، متهمین ردیف اول غالباً رانندگانی هستند که نه تنها شناختی نسبت به قوانین ندارند بلکه حتی بعضاً مفهوم قاچاق کالا را به درستی درک نمی‌کنند! عرضه‌کنندگان کالاهای قاچاق در فروشگاه‌های داخلی که اجناس خود را درون کشور تهیه کرده‌اند نیز وضعیت مشابهی دارند. بنابراین گرچه از دیدگاه قانونگذار ادعای عدم علم نسبت به قوانین کیفری این حوزه با فرض قانونی علم مرتکب - قاعده «جهل به حکم رافع مسئولیت کیفری نیست» - ماده (۱۵۵) قانون مجازات اسلامی - مواجه است، اما این فرض نسبت به تشریفات قانونی و دولتی مربوط به این حوزه در نمونه‌های پیش‌گفته با واقعیات منطبق نیست.

۲-۱-۲. ضرورت آگاهی مصداقی نسبت به کالا یا ارز قاچاق و سه چالش پیش رو

زمانی می‌توان کسی را محکوم به قاچاق کالا کرد که با شناخت نوع کالا و آگاهی از محدودیت یا ممنوعیت‌های قانونی مربوط به آن دست به ارتکاب زده باشد.^۱ در این باره می‌توان به سه چالش قانونی اشاره کرد:

۱. در دادنامه شماره ۱۳۹۶۰۰۲۱۱۰۷۸۰۰۰۲۹۰ مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۶ صادره از سازمان تعزیرات حکومتی با موضوع مباشرت در قاچاق پوشاک با اشاره به «... عدم علم و اطلاع وی از غیرمجاز بودن کالای توقیفی ...» و در دادنامه شماره ۱۳۹۶۰۰۲۱۱۰۷۸۰۰۰۳۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۳ صادره از همین مرجع با موضوع مباشرت در قاچاق کالای گمرکی (انواع گوشی موبایل) و حمل کالای قاچاق نیز مستدل به «... عدم علم و اطلاع حامل کالا از غیرمجاز بودن کالای توقیفی ...» و دادنامه شماره ۱۳۹۷۰۰۲۱۱۰۷۸۰۰۰۰۰۰۷ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۰ در خصوص متهم ردیف دوم با اتهام حمل کالای قاچاق با اشاره به «عدم علم و اطلاع وی از محتویات بسته توقیفی و عدم تعلق مالکیت کالا به نام‌برده»، رکن روانی اتهام مخدوش دانسته شده و رأی بر برائت متهم صادر شده است. در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۱۴۰۲۶۰۱ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۵ صادره از شعب دیوان عدالت اداری آمده است: «... توجهاً به عدم علم و آگاهی از قاچاق بودن موتورسیکلت و مضافاً به اینکه در مورد مشابه مفاد دادنامه‌های شماره ۳۶۶-۹۱/۷/۹ و ۲۰۸۸-۹۱/۱۱/۲۴ صادره از شعب اول دادگاه انقلاب اسلامی جهرم و ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان فارس حکم به برائت متهم ... صادره شده است بنابراین با شرایط موصوف، محکومیت ... محل ایراد است ...».

اول اینکه بعضی کالاهایی که موضوع این جرم قرار می‌گیرند در قانون ذکر نشده و تعیین مصادیق آنها به دولت واگذار شده^۱ است و دولت نیز نه تنها تکلیفی به ابلاغ عمومی مصوبات خود ندارد، بلکه عملاً نیز این اتفاق نمی‌افتد و در نتیجه مطلع شدن فعالان اقتصادی و مردم از مصوبات دولت به راحتی امکان پذیر نیست. این مسئله معمولاً باید پذیرش ادعای جهل موضوعی از سوی متهم را در دادرسی تسهیل کند: درحالی‌که در رویه قضایی تکلیف این مسئله صرفاً با استعلام از مراکز دولتی در خصوص ممنوع بودن کالا مشخص می‌شود! و علم موضوعی متهم مفروض بلکه محتوم انگاشته می‌شود. تبصره «۲» ماده (۱۸) قانون اخیر نیز تعیین کالاهای یارانه‌ای و تبصره «۳» این ماده تعیین کالاهای مجاز مشروط را به دولت واگذار کرده است. البته مقنن بعضی از مصادیق کالای ممنوع را به صراحت در قانون ذکر کرده است؛ از جمله تبصره «۴» ماده (۲۲) ق.م.ق.ک.و.ا (شامل مواردی از قبیل مشروبات الکلی، اموال تاریخی - فرهنگی، تجهیزات دریافت از ماهواره به طور غیرمجاز، آلات و وسایل قمار، آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن و ...). برخی معتقدند در این‌گونه موارد قاعده «جهل به حکم رافع مسئولیت نیست» حاکم بوده و علم مرتکب مفروض است (اجتهادی؛ ۱۳۹۰؛ ۱۱۸). این مسئله در خصوص کالاهای انحصاری مانند سیگارهای خارجی، ماهیان خاویاری، چوب جنگلی و ... نیز صادق است.

دوم اینکه تدابیر قانونگذار برای تشخیص و اطلاع شهروندان از قاچاق بودن کالا داخل کشور عملاً این امر را امکان پذیر نمی‌کند و حصول علم برای حامل یا عرضه‌کننده کالا و مرتکبین سایر جرائم در حکم در اکثر موارد مهیا نیست. قانونگذار برای تشخیص قاچاق بودن کالا در کشور در ماده (۱۳) ق.م.ق.ک.و.ا تدابیری را مقرر کرده و طبق بند «ذ» ماده (۲) آن، عرضه کالاهای وارداتی فاقد شناسه کالا و رهگیری را در سطح خرده‌فروشی جرم‌انگاری کرده است.

۱. طبق ماده (۲۵) ق.م.ب.ق.ک.و.ا، تعیین مصادیق حیوانات وحشی عادی به سازمان حفاظت محیط زیست و مطابق ماده (۲۶) همین قانون، تعیین مصادیق ماهیان خاویاری به سازمان شیلات واگذار شده است. همچنین براساس ماده (۲) دستورالعمل تبصره «۴» ماده (۱۸) همین قانون «مصادیق کالاهای موضوع قاچاق و سایر ضوابط اختصاصی هر کالا حسب مورد به پیشنهاد دستگاه مربوط و تأیید ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعیین می‌شود».

نکته مهم اینکه حامل کالا در فرایند ثبت و درج و بررسی صحت شناسه‌های قانونی کالا هیچ نقش و مسئولیتی ندارد و در واقع امکان اطلاع از قاچاق بودن محموله برای وی اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است! بنابراین منطقی نیست که علم وی را به قاچاق بودن محموله خود حتمی و چنانکه در رویه قضایی محاکم رایج است، ادعای جهل وی را غیرقابل قبول دانست! ماده (۱۶) آیین نامه اجرایی ماده (۱۳) ق.م.ق.ک.و.ا مصوب ۱۳۹۲ مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۷ هیئت وزیران، سه مرحله را در این باره پیش بینی کرده که به ترتیب سازمان گمرک در بند «الف»، واردکنندگان و تولیدکنندگان در بند «ب» و دستگاه‌های متولی سامانه‌های حمل و نقل در بند «ج» است. در نهایت تبصره «۱» این ماده شرکت‌های حمل و نقل را مسئول قلمداد کرده است. اجرا نشدن دقیق مفاد ماده (۱۶) آیین نامه اخیر از سوی گمرک و سایر اشخاص دارای مسئولیت و عدم درج این شناسه‌ها بر روی کالاهای وارداتی که از طریق قانونی وارد شده‌اند و در نتیجه وفور این کالاها در بازارهای داخلی - مانند نوشیدنی‌ها، انواع سیگار و وارداتی و لوازم آرایشی - در سالیان متمادی موجب ایجاد این باور نزد حاملان، عرضه‌کنندگان، فروشندگان و خریداران شده که عدم درج این شناسه‌ها الزاماً به معنای قاچاق بودن آنها نیست؛ در این وضعیت مفروض انگاشتن علم موضوعی مرتکب منطقی به نظر نمی‌رسد.

سومین چالش اینکه در قوانین مربوط به قاچاق کالا تاکنون اشاره‌ای به علم موضوعی نشده اما رأی وحدت رویه شماره ۶۴۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۴ به این مسئله تصریح کرده که خود بر ابهام این مسئله افزوده است! براساس این رأی «...چنانچه عمل ارتكابی مرتکب واجد جنبه تجاری نبوده و کالای مکشوفه برحسب عرف از نظر مقدار در حدود مصرف شخصی باشد و در مبادی ورودی کشور کشف نشود و امثال و نظایر آن در بازار به حد وفور در دسترس عموم باشد و مرتکب عالم به قاچاق بودن کالا نباشد، مورد فاقد جنبه جزایی است».

در این رأی، علم موضوعی مرتکب به قاچاق بودن کالا شرط تحقق جرم دانسته شده و به نظر می‌رسد تا حدودی چالش سوم را حل کرده است، اما آیا شرط‌های پنج‌گانه مقرر در این رأی هرکدام به طور مستقل مدنظر بوده یا نتیجه این رأی صرفاً در صورت تحقق هر پنج شرط قابل اعتناست؟ برخی بر این باورند «براساس این رأی، هرگاه احراز شود که کالایی قاچاق بوده ولی دارنده آن از قاچاق بودن آن مطلع نبوده است، مشروط بر اینکه از جمله مصادیق

مذکور در رأی وحدت رویه باشد، صاحب کالا و دارنده آن تحت عنوان قاچاق تعقیب نمی‌شود» (صفاری و اجتهادی، ۱۳۹۷: ۱۸). در جای دیگر در خصوص علم موضوعی مرتکب در قاچاق کالای ممنوع‌الصدور گفته شده است «لزوم عالم بودن مرتکب به ممنوع‌الصدور بودن جنس، در کلمه «ممنوع‌الصدور» مستتر و خوابیده است؛ بنابراین اگر شخصی مدعی شود که عالم به ممنوع‌الصدور بودن جنس نبوده و قرائن و امارات موجود نیز مؤید آن باشد، هر چند اقداماتی را برای خارج کردن انجام داده باشد، باین حال جرم تحقق نیافته است» (اجتهادی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). بنابراین پذیرش جهل موضوعی در این جرائم در دو فرض آسان‌تر است: اول اینکه کالای قاچاق با نصب هولوگرام دارای کدهای قانونی، حک اطلاعات بر روی آن، بسته‌بندی خاص و یا به اشکال دیگر ظاهری قانونی پیدا کرده باشد و دوم اینکه در رویه گمرک درج شناسه‌های کالا بر روی برخی از کالاها انجام نشود!

۲-۲. دشواری احراز سوء نیت عام مجرمانه در محاکم

شرط تحقق قاچاق کالا یا ارز این است که «مرتکب با علم به ممنوعیت و غیرمجاز بودن وارد کردن کالا یا خارج کردن آن از کشور عامداً آن را به‌طور مخفیانه یا متقلبانه از مرز هوایی، دریایی یا زمینی به کشور وارد یا از آن خارج کند. احراز این اندازه از عملیات ماهوی آگاهانه مرتکب قاچاق را در تعابیر حقوق کیفری، قصد مجرمانه کلی یا (عمد عام) می‌نامند اما برای محکومیت مجرم این اندازه اقدام گرچه لازم است ولی کافی نیست» (ولیدی، ۱۳۸۶: ۳۰۵). این مسئله در «حمل، نگهداری، عرضه و فروش» کالا یا ارز قاچاق نیز قابل پذیرش است؛ در واقع اگر نگهدارنده یا حامل نداند که کالا یا ارز همراهش قاچاق است، قصد فعل مجرمانه حمل یا نگهداری کالای قاچاق نیز معنا پیدا نمی‌کند. به‌عنوان مثال نمی‌توان گفت راننده اتوبوسی که بسته‌ای پلمپ شده را از شخصی تحویل گرفته تا در مقصد به دیگری تحویل دهد و از محتوای آن آگاه نیست، قصد ارتکاب جرم داشته است.^۱

۱. در دادنامه شماره ۱۳۹۷۰۰۲۱۱۰۷۸۰۰۰۱۷۹ مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۰ با موضوع قاچاق کالای گمرکی (یک دستگاه کولر اسپلت، یک دستگاه ماشین لباسشویی و سه شل نوشیدنی ویتامین C) صادره از سازمان تعزیرات حکومتی، با تصریح به «عدم احراز سوء نیت» متهم، رأی بر برائت صادره شده است.

با نگاهی کاربردی می‌توان گفت کالای قاچاق، نقش قابل توجهی در زنجیره تأمین کالاهای مورد نیاز افراد جامعه دارد و این مسئله شیوع رفتارهای مرتبط از جمله حمل و نگهداری آن را موجب شده است؛ درعین حال ظرفیت بهره‌مندی از عواید و سود حاصله از تخلفات و جرائم مرتبط با آن روی آوری به ارتکاب جرم و تخلف حتی در مقیاس کم - مثلاً یک عدد لوازم خانگی - را توجیه کرده است. این مسئله تشخیص سوء نیت عام مرتکب را در رویه قضایی محاکم دشوار کرده است.

ماده (۶۵) ق.م.ب.ق.ک.و.ا درباره اثبات رکن روانی حمل و نگهداری کالای قاچاق، به صورت غیرمحصور، به قرائن قانونی از قبیل جاسازی کالای قاچاق در وسیله نقلیه یا محل نگهداری کالای قاچاق اشاره می‌کند. در رویه محاکم نیز قرائنی همچون فرار از پلیس،^۱ عجز از معرفی ید یا ایادی ماقبل خود، خارج از حد مصرف شخصی بودن کالا،^۲ نحوه حمل کالا،^۳ عدم معرفی مالک کالا به رغم اقرار به عدم مالکیت خود،^۴ گزارش ضابطان، عدم مراجعه متهم به مرجع رسیدگی‌کننده و ... مورد استناد قرار گرفته است.

۳-۲. وجود یا عدم سوء نیت خاص مجرمانه در قاچاق کالا و ارز

درخصوص قصد نتیجه در جرائم و تخلفات موضوع بحث نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند «جرم قاچاق کالا از نظر ماهوی در زمره جرائم عمدی مقید است ... در جرم قاچاق کالا، قصد مجرمانه خاص یا (عمد خاص) یعنی حصول نتیجه مجرمانه به صورت ایجاد زیان مالی به درآمد دولت به وسیله توسل مرتکب به عملیات تقلبی برای فریب دادن مأمورین دولت در کشف قاچاق برای فرار از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی یا تودیع پیمان ارزی نیز ضرورت دارد. از این لحاظ قانونگذار برای تحقق و اثبات جرم قاچاق، حصول نتیجه مجرمانه را نیز جزء عنصر روانی قاچاق قرار داده است» (همان). همچنین

۱. دادنامه شماره ۳۷۸۰۰۰۳۷۸۰۰۰۲۱۱۰۷۸۰۰۰۱۳۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ صادره از شعب سازمان تعزیرات حکومتی: «... اقدام به فرار نام‌برده پس از دستور توقف که نشان از علم و اطلاع وی از مجرمانه بودن فعل خود داشته ...».

۲. دادنامه شماره ۲۹۰۰۰۳۷۸۰۰۰۲۱۱۰۷۸۰۰۰۱۳۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۶ صادره از شعب سازمان تعزیرات حکومتی.

۳. دادنامه شماره ۲۹۰۰۰۳۷۸۰۰۰۲۱۱۰۷۸۰۰۰۱۳۹۶ مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۶ صادره از شعب سازمان تعزیرات حکومتی.

۴. دادنامه شماره ۷۰۰۰۰۳۷۸۰۰۰۲۱۱۰۷۸۰۰۰۱۳۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۰ صادره از شعب سازمان تعزیرات حکومتی.

متهم به ارتکاب جرم (قاچاق کالا) باید در لحظه ارتکاب جرم دارای قصد نتیجه مجرمانه (تخلیه کالای ترانزیتی به قصد قاچاق کردن آن نه به دلیل بروز حادثه‌ای خاص) باشد یا سوء نیت داشته باشد (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۴۸).

برخی^۱ نیز معتقدند «در بزه قاچاق صرف داشتن سوءنیت عام یا اراده آگاه در ارتکاب جرم برای تحقق آن کافی است و نیاز به احراز سوءنیت خاص نیست زیرا در هر صورت ورود کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی، قاچاق بوده و قانونگذار تحقق جرم را مقید به احراز قصد خاص و یا سوء نیت خاص وی نکرده و تفاوتی ندارد که قصد متهم از ارتکاب بزه قاچاق اضرار به دولت یا کسب منفعت شخصی است» (صفاری و اجتهادی، ۱۳۹۷: ۱۷).

قانونگذار در بند «الف» ماده (۱) ق.م.ب.ق.ک.و.ا در مقام تعریف قاچاق به معنای اخص، اشاره‌ای به نتایج احتمالی حاصل از این فعالیت غیرقانونی نکرده است. از این رو به نظر می‌رسد تحقق این جرم به حدوث نتیجه مجرمانه‌ای منوط نیست، یعنی رکن مادی آن خالی از نتیجه خاص است؛ بنابراین قاچاق به معنای اخص را می‌توان در ردیف جرائم مطلق به حساب آورد و آن را مقید به نتیجه‌ای ندانست. بر همین اساس رکن روانی آن نیز فاقد قصد نتیجه است.

گرچه قانونگذار تعریفی از «حمل»، «نگهداری» و «عرضه» کالا و ارز قاچاق ارائه نکرده، اما به نظر می‌رسد رکن مادی این سه عنوان نیز فاقد نتیجه خاص و به تبع رکن روانی آنها فاقد قصد نتیجه است. این مسئله در خصوص «خرید» و «فروش» کالای موضوع قاچاق (تبصره «۴» ماده (۱۸) قانون اخیر) نیز درست به نظر می‌رسد. اکثر قریب به اتفاق جرائم مرتبط با قاچاق کالا و ارز مانند بندهای «ث، ج و د» ماده (۱۱۳) قانون امور گمرکی ۱۳۹۰ را نیز می‌توان با استدلال فوق فاقد سوءنیت خاص دانست.

در بعضی مصادیق نیز سوءنیت خاص الزامی است که می‌توان به ماده (۳۰)

۱. «جرم قاچاق ارز و به‌طورکلی جرم قاچاق، جرم مطلق محسوب می‌شود و برای تحقق آن سوء نیت عام کفایت می‌کند. بنابراین عنصر روانی این جرم همانند دیگر مصادیق قاچاق، همان عمد در ورود، خروج، خرید، فروش یا حواله ارز بدون رعایت ضوابط تعیین شده از سوی دولت و بانک مرکزی است» (سیاه‌بیدی کرمانشاهی، رحیمی‌نیت و ملک‌زاده رودبند، ۱۳۹۷: ۱۹۹).

ق.م.ب.ق.ک.و.ا- ارتکاب قاچاق به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران - و ماده (۳۱) این قانون - اختصاص دادن یا هزینه کردن عواید و سود حاصل از قاچاق برای (به قصد) تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت و تقویت گروه‌های معاند- اشاره کرد. بنابراین قاچاق به معنای اخص، جرائم در حکم قاچاق و اکثر جرائم مرتبط، فاقد شرط قصد خاص یا سوء نیت مجرمانه توصیف می‌شوند و در ثبوت و اثبات آنها قصد غایی مرتکب تأثیرگذار نخواهد بود.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در موضوع این نوشتار تاکنون پژوهش خاصی انجام نشده و این مسئله دیدگاه حقوقدانان و مراجع قضایی و شبه قضایی را دچار تشنگی کرده است؛ قانونگذار نیز در خصوص رکن روانی این جرائم و تخلفات امر را به سکوت برگزار کرده است. این سکوت نه به معنای فقدان این رکن، بلکه آن را تحت حاکمیت اصول و قواعد جزایی قرار داده است؛ بنابراین دارای رکن روانی توصیف می‌شوند. جرائم و تخلفات قاچاق کالا و ارز به استثنای مصادیق گمرکی خارج از صلاحیت مراجع قضایی و شبه قضایی، با ویژگی‌ها و معیارهای جرائم مادی صرف همخوانی ندارد. بر همین اساس نمی‌توان قائل به مسئولیت مطلق کیفری در این موارد بود. عمده اختلاف نظر در مادی صرف (با مسئولیت مطلق) بودن قاچاق کالا و ارز معطوف به قاچاق به معنای اخص بوده و در جرائم یا تخلفات در حکم آن، حمل، نگهداری، عرضه، فروش و ... کمتر به چشم می‌خورد.

ادله و کیفیت اثبات جرائم و تخلفات پیش‌گفته، تابع عمومات حقوق جزا بوده و محدودیتی در استناد به مواد قانونی و ادله و به ویژه امارات و قرائن اثبات‌کننده وجود ندارد. بنابراین در اثبات این جرائم می‌توان به هر قرینه یا اماره‌ای که حاکی از علم و عمد مرتکب باشد استناد کرد. این استدلال که چون اثبات رکن روانی در این جرائم دشوار است نباید به لزوم احراز آن در متون قانونی تصریح شود، با منطق حقوقی و بایسته‌های دادگستری منصفانه، سازگاری ندارد. خلاف تصور رایج، اثبات رکن روانی در قاچاق کالا و ارز و مصادیق در حکم آن چندان دشوار نیست و غالباً با مراجعه به گزارش مرجع کاشف،

بررسی شیوه ارتکاب، اظهارات متهمان یا مطلعان پرونده، نوع سازمان یافته یا حرفه‌ای آن و قرائن بسیار دیگر می‌توان رکن روانی این جرائم و تخلفات را احراز کرد. پیشنهاد اساسی آن است در موادی از قانون که در مقام جرم انگاری یا کیفرگذاری قاچاق کالا و ارز هستند به ویژه در ماده (۱۸) ق.م.ب.ق.ک.و.ا، قید «علم و عمد مرتکب» اضافه شود. همچنین در جرم انگاری یا تخلف انگاری حمل، نگهداری، عرضه و فروش «کالای قاچاق»، ضمن ارائه تعریف جرم، به لزوم علم (موضوعی) مرتکب نسبت به کالای قاچاق تصریح شود. علاوه بر آن تصمیم‌گیری‌های دولت در خصوص ممنوع، یارانه‌ای یا مجاز مشروط اعلام کردن یک کالا در عمل، نوعی جرم انگاری یا دست‌کم تکمیل آن است و تکمیل کیفر و توالی فاسدی را به دنبال خواهد داشت. نظر به تکرر مصادیق و لزوم اطلاع افراد از کالاهای قاچاق جدید مقتضی است هرگونه تصمیم‌گیری در این باره از طریق مراجع صالح قانونگذاری انجام شود.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، شهرام و مصطفی دانش (۱۳۹۸). «تحلیل شکلی و ماهوی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، ش ۲.
۲. اجتهادی، عبدالمجید (۱۳۹۰). «مصادیق جرائم قاچاق کالا و ارز در حقوق کیفری ایران»، بررسی‌های حقوقی، ش ۱.
۳. ای وسراستروم، ریچارد (۱۳۸۷). «اچ. ال. ای هارت و آموزه‌های رکن روانی و مسئولیت کیفری»، ترجمه قاسم محمدی، نشریه تحقیقات حقوقی، ش ۴۸.
۴. احدی، فاطمه (۱۳۸۹). «مفهوم و مبانی و قلمرو جرائم با مسئولیت مطلق»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال دوم، ش ۵.
۵. احمدی، عبدالله (۱۳۹۴). حقوق کیفری قاچاق کالا و ارز، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۶. الهام، غلامحسین، سید محمود میرخلیلی و امیرمحمد پرهام‌فر (۱۳۹۳). «چالش‌های تعریف جرم قاچاق در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۸.
۷. الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۴). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۸. الیت، کاترین و فرانسیس کوئین (۱۳۸۷). حقوق جزا، ترجمه آوا واحدی و نسترن غضنفری، تهران، انتشارات میزان.
۹. باهری، محمد (۱۳۴۰). حقوق جزای عمومی (تقریرات)، تهران، برادران علمی.
۱۰. پوراابراهیم، احمد، (۱۳۹۱). «رویکردی به پدیده قاچاق کالا و ارز در پرتو نظام تقنینی و سیاست جنایی»، دو فصلنامه بررسی‌های حقوقی (مجله تخصصی حقوق اقتصادی)، سال دوم، ش ۳.
۱۱. جانی‌پور، مجتبی و مراد عباسی (۱۳۹۲). «بررسی مسئولیت مطلق از منظر حقوق کیفری و فقه امامیه با تأکید بر مسئولیت پزشک»، فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، ش ۶.
۱۲. سماواتی‌پیروز، امیر (۱۳۸۵). «تأملی بر جرائم با مسئولیت مطلق در حقوق انگلستان»، اصلاح و تربیت، ش ۵۵.
۱۳. سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید، ایمان رحیمی‌نیت و ریحانه ملک‌زاده رودبند (۱۳۹۷). حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.

۱۴. صفاری، علی، عبدالمجید اجتهادی، رضا سلامت و غلامحسین حیدری (۱۳۹۷). «بزه قاچاق کالا و ارز در مقررات موضوعه»، چاپ اول، تهران، روزنامه رسمی ج.ا.ا.
۱۵. طاهری نسب، یزدانالله (۱۳۸۸). رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
۱۶. عبداللهی، اسماعیل (۱۳۸۹). درس‌هایی از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۷. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۳۴). حقوق جنایی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. کروزون، ال. بی (۱۳۸۴). فرهنگ حقوقی، ترجمه قدیر گلکاریان و دیگران، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشیار.
۱۹. کلارکسون، سی.ام. وی (۱۳۷۴). تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
۲۰. گسن، ریمون (۱۳۸۹). جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران، نشر میزان.
۲۱. گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۷). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان.
۲۲. محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۲۳. مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). دوره نهم، جلسه ۳۴۱، ش ۲۰۵۳۴ در آدرس اینترنتی: http://www.rooznamehrasmi.ir/Files/Laws/Mozakerat94,6,14_20341%.pdf.
۲۴. میلانی، علیرضا و مصطفی عبدالکریمی (۱۳۹۴). «درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر»، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۱.
۲۵. منصورآبادی، عباس (۱۳۹۴). حقوق کیفری عمومی (کلیات حقوق کیفری و پدیده مجرمانه)، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۶. مهرا، نسرين، و عبدالوحید زاهدی (۱۳۹۴). «رویکرد نوین حقوق کیفری در موضوع بار اثبات دفاعیات»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۹، ش ۹۰.
۲۷. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۶). «نگاهی به خلأ قانونی و کاستی‌های کاربردی قوانین»، تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۱ (پیش شماره اول).

28. Murphy, Cameron and Liam Burges (2006). Submission of the New South Wales Council for Civil Liberties to the NSW Legislation Review Committee Inquiry in to Strict and Absolute Liability, www.nswccl.org.au, august.
29. Stanton, John (2007). "Strict Liability: Stigma and Regret", *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. 27, No. 1.
30. Perkins, Rollin M (1978). "Knowledge as a Mens Rea Requirement", *Hastings Law Journal*, Vol. 29, Issue 5, Article 7.

رویکرد حمایتی حقوق کیفری ایران در قبال بزهدیدگان اسیدپاشی (با تأکید بر قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱)

حمید روستایی صدآبادی* و هادی مرسی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۱۷۳-۱۴۷
-------------------	------------------------	-----------------------	---------------------

جرم اسیدپاشی در زمره جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص قرار می‌گیرد که به علت ماهیت بسیار خشن و نتایج زیان بار ناشی از آن موجب آسیب و صدمات جسمانی و روانی جبران ناپذیری بر فرد بزهدیده می‌شود. بنابراین لازم است علاوه بر قوانین و مقررات شکلی و ماهوی که به طور عام برای حمایت از تمامی بزهدیدگان وضع شده است، قوانین و مقررات ویژه‌ای نیز برای بزهدیدگان اسیدپاشی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال آنان وضع کرد. از این رو مقنن ایران در اقدامی شایسته تحت تأثیر آموزه‌های بزهدیده‌شناسی و آگاهی از شرایط خاص بزهدیدگان اسیدپاشی اقدام به تصویب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن» کرد. به رغم حمایت‌هایی از قبیل جبران خسارت‌های مادی و معنوی و پرداخت هزینه‌های درمان بزهدیده، ارائه خدمات روان‌شناختی، مددکاری و توانبخشی که در قانون یاد شده برای بزهدیدگان اسیدپاشی وضع شده؛ اما متأسفانه مقنن از موضوعاتی همچون عدم پیش‌بینی جبران خسارت بیکاری، لزوم برخورداری از وکیل تسخیری، نادیده‌انگاری نقش سازمان‌های مردم‌نهاد برای حمایت از بزهدیدگان اسیدپاشی، لزوم برخورداری از خدمات حقوقی به نحو الکترونیکی و لزوم صدور قرار بازداشت در راستای امنیت بزهدیده غافل بوده است. ضرورت نوشتار حاضر که به صورت «توصیفی - تحلیلی» است، نوپا بودن حمایت از بزهدیدگان اسیدپاشی است و هدف بنیادین آن تحلیل نوآوری‌ها و استخراج کاستی‌های حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی و در نهایت ارائه پیشنهادهایی جهت رفع کاستی‌هاست.

کلیدواژه‌ها: اسیدپاشی؛ بزهدیده؛ جبران خسارت؛ نظام عدالت کیفری

* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه میبد (نویسنده مسئول)؛

Email: rostaei@meybod.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه میبد؛

Email: Stu.h.mersi@meybod.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4438.4359

مقدمه

اسیدپاشی یکی از شدیدترین جرائم خشونت‌آمیز بوده که در زمره جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص قرار دارد. قانونگذار ایران نخستین بار با تصویب «لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید» مورخ ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ به مقابله کیفری با بزه اسیدپاشی پرداخت. در ماده واحد قانون یاد شده فقط به مجازات بزهکار اسیدپاشی، شروع به ارتکاب آن و تخفیف مجازات اکتفا شده بود و سخنی از حقوق بزه‌دیدگان آن به میان نیامده بود. در توجیه این امر شاید بتوان گفت چون در آن زمان دیدگاه بر این بود که چون دولت و حاکمیت طرف متهم است، بنابراین ضرورتی برای پیش‌بینی حقوق مشابه برای بزه‌دیده وجود ندارد.

در اواسط سده بیستم در مطالعات جرم‌شناسی حضور بزه‌دیده پررنگ‌تر شد و شخصیت و تأثیر وی در تکوین جرم مورد توجه قرار گرفت (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۱: ۱۱). رفته‌رفته بزه‌دیده نقش و جایگاه مهمی در پی‌ریزی، شکل‌گیری و جهت‌دهی فرایند کیفری پیدا کرد و جریانی با عنوان «بزه‌دیده‌شناسی» در جرم‌شناسی شکل گرفت. به عبارت دیگر در تعریف بزه‌دیده‌شناسی آمده است: بزه‌دیده‌شناسی به دنبال علل بزه‌دیدگی، نقش و سهم بزه‌دیده در تکوین رویداد جنایی از گذر روابط میان بزه‌دیده و بزه‌کار است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۸). شکل‌گیری جریان بزه‌دیده‌شناسی موجب شد، بخش بزرگی از مقررات دادرسی کیفری در جهت حمایت از بزه‌دیدگان اصلاح شوند؛ به‌گونه‌ای که حمایت بزه‌دیدگان به یکی از اهداف مهم آیین دادرسی کیفری مبدل شد. از این رو مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ موادی را برای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان اختصاص داد. با این حال با توجه به شرایط خاص و ویژه‌ای که بزه‌دیدگان اسیدپاشی از آن برخوردارند، مقنن حمایت‌های در نظر گرفته شده در آن قانون را برای بزه‌دیدگان اسیدپاشی کافی ندانست و با تصویب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن»^۱ مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ بر حمایت‌های خود نسبت به بزه‌دیدگان اسیدپاشی افزود.

۱. از این به بعد به ذکر قانون تشدید مجازات اسیدپاشی اکتفا می‌شود.

این اقدام قانونگذار اگرچه در جای خود ارزشمند تلقی می‌شود، اما با کاستی‌ها و ایرادهای مهمی روبه‌رو است. در این نوشتار سعی شده است حمایت‌هایی که در قانون آیین دادرسی کیفری برای بزهدیدگان به‌طور عام و حمایت‌هایی که در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی برای بزهدیدگان اسیدپاشی به‌طور خاص پیش‌بینی شده است؛ در سه قست حمایت از حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی مرتبط با آثار ناشی از جرم اسیدپاشی، حمایت از حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی مرتبط با کرامت انسانی در فرایند کیفری و حمایت از حقوق بزهدیده اسیدپاشی مرتبط با کیفر و نحوه اجرای آن تشریح و ارزیابی شوند و ضمن استخراج کاستی‌ها، پیشنهادهایی برای رفع آنان ارائه تا تأمین حداکثری اهداف قانونگذار در این زمینه محقق شود.

۱. حمایت از حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی مرتبط با آثار ناشی از جرم اسیدپاشی

اسیدپاشی آثار متعددی بر جنبه‌های زندگی بزهدیده وارد می‌کند که براساس شدت آن متفاوت است. مهمترین آثارهای زیان‌بار ناشی از آن عبارتند از: جسمی، اقتصادی، روانی و اجتماعی.

۱-۱. حمایت در برابر آثار جسمی و اقتصادی

اسیدپاشی در زمره جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص تلقی می‌شود که اغلب علیه چهره افراد و به منظور بدشکل کردن آنها صورت می‌گیرد. برخی از این آسیب‌ها در طول زمان به خودی خود التیام می‌یابند اما برخی دیگر نیاز به مراقبت، درمان و حتی جراحی دارند.

شایع‌ترین آسیب‌هایی که از بزهدیده اسیدپاشی بر جسم قربانی وارد می‌شود شامل نابینایی، ناشنوایی، تغییر شکل صورت، گوش، بینی و افتادگی پوست صورت است (محمودی، ۱۳۹۲: ۳۳). گاهی این آسیب‌ها موجب عفونت شده و خطرات جدی‌تری را برای جسم قربانی موجب می‌شوند.

بهبود آثار جسمانی ناشی از بزهدیده اسیدپاشی مستلزم پرداخت هزینه‌هایی است که اغلب

بزه‌دیدگان از عهده پرداخت آن بر نمی‌آیند. با آنکه در وهله اول بزهکار موظف به پرداخت و جبران هزینه‌های ناشی از اقدام مجرمانه خویش است، چرا که او مسئول صدمات وارده و هزینه‌های تابع آن است؛ اما در برخی موارد گستردگی ابعاد این صدمات و خسارات موجب می‌شود امکان جبران آنها از توان بزهکار فراتر رفته و وی توانایی پرداخت خسارات را نداشته باشد. همچنین ممکن است در برخی موارد بزهکار ناشناس، متواری و یا غیرقابل دسترس باشد و نتوان برای جبران خسارت به او رجوع کرد. در چنین مواردی باید دولت با توجه به امکانات و منابع عظیمی که در اختیار دارد، تأمین امنیت شهروندان را بر عهده گیرد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۹۷). برای انجام این وظیفه لازم است دولت مجرای قانونی برای جبران خسارات وارد شده بر بزه‌دیده از قبیل هزینه‌های درمان و مراقبت، هزینه‌ای مربوط به رسیدگی جرم در محاکم و هزینه‌هایی که به دنبال ناتوانی‌های جسمی بر بزه‌دیده تحمیل می‌شود از قبیل بیکار ماندن یا از دست دادن شغل قبلی و ... را در نظر بگیرد.

از حیث نظری نیز در مورد مبنای مسئولیت دولت در برابر جبران خسارت بزه‌دیدگان، سه دیدگاه مطرح شده است. بر اساس دیدگاه رفاه اجتماعی^۱، دولت با تکیه بر دغدغه‌های انسان دوستانه خسارت‌های وارد بر بزه‌دیدگان را جبران می‌کند. بنابراین باید خسارت‌های بزه‌دیده، به ویژه قربانیان جرائم خشونت‌آمیز را که بدون تقصیر متحمل خسارت ناشی از جرم شده‌اند، جبران کند (فرجیها و بازیار، ۱۳۹۰: ۱۳۶). بر اساس دیدگاه قرارداد اجتماعی، افراد جامعه در ازای حفظ آزادی‌های فردی، امنیت اجتماعی و اقتصادی و تحقق عدالت برخی از حقوق خود از جمله حق اعمال عدالت خصوصی را به دولت واگذار می‌کنند. بنابراین دولت در ازای محدود کردن حقوق و آزادی‌های فردی و برخورداری از حق اعمال حاکمیت، متعهد به حمایت و حفاظت از افراد جامعه بوده و قصور در این ایفای تعهد، موجب مسئولیت دولت در قبال بزه‌دیدگان است (همان: ۱۳۷). بر اساس دیدگاه همبستگی اجتماعی و انصاف، اعضای جامعه بر اساس همبستگی اجتماعی نمی‌توانند آسیب‌های ناشی از یک جرم خشونت‌آمیز که به شدت با هنجارهای اجتماعی در تضاد است، تحمل

کنند. این همبستگی سبب می‌شود که جامعه صدمات وارده به اعضای خود را جبران کند. بنابراین عدالت و انصاف اقتضا می‌کند در مواردی که جبران خسارت مزبور توسط بزهکار ممکن نباشد دولت به‌عنوان نماینده جامعه این وظیفه را برعهده گیرد (همان: ۱۳۸).

در لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید، حمایت حقوق بزهدیده به رسمیت شناخته نشده بود و در نتیجه سخنی از جبران خسارت به میان نیامده بود. تا اینکه مقنن در اقدامی شایسته در ماده (۵) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مصوب سال ۱۳۹۸/۷/۲۱ مقرر داشت: «در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر شده در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزهدیده است و در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده متمکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین زیان‌های بدنی پرداخت می‌شود». در تبصره «۲» ماده (۵) نیز مقرر شده است: «در مواردی که هزینه‌های موضوع این ماده و تبصره «۱» از صندوق تأمین زیان‌های بدنی و سازمان بهزیستی پرداخت شود، صندوق یا سازمان بهزیستی می‌تواند برای دریافت هزینه‌های پرداخت شده به مرتکب رجوع کنند». همان‌طور که مشخص است مقنن برای جبران و حمایت از صدمات مادی و معنوی دو بستر قانونی یعنی «سازمان بهزیستی» و «صندوق تأمین زیان‌های بدنی» در نظر گرفته است.

زیان‌های پیش‌بینی شده در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری عبارتند از: زیان‌های مادی، معنوی و ممکن‌الحصول. در تعریف زیان مادی گفته شده است: زیان‌هایی است که به سرمایه مادی بزهدیده در اثر ارتکاب جرم به صورت تلف و نقصان مال و تقویم منافع و حقوق وارد می‌شود و قابل تقویم به پول است. چه تلف مال باشد و چه منافع (مالکی زاده، ۱۳۸۷: ۶). در تعریف زیان معنوی گفته شده است: عبارت است از جریحه‌دار کردن و لطمه زدن به برخی از ارزش‌ها که جنبه معنوی دارند (محمودی، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۶). زیان معنوی صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی دانسته شده است (شوشی‌نسب، ۱۳۹۰: ۱۰۷). در تعریف دیگر آمده است: زیان وارده بر شهرت، حیثیت و آبرو، اعتقادات مذهبی، زیبایی، احساسات و عواطف و علایق خانوادگی (فهرستی و فصیح‌راوندی، ۱۳۹۰: ۵۲).

قانونگذار در تبصره «۱» ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری زیان‌های معنوی را این‌گونه تعریف کرده است «زیان‌های معنوی عبارتند از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است...». منافع ممکن‌الحصول در فقه و قانون مدنی سابقه‌ای ندارد، اما قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری به دلیل ضرورت‌های اجتماعی آن را پذیرفته‌اند (زراعت، ۱۳۹۰: ۳۹۰). در تعریف منافع ممکن‌الحصول گفته شده است: «منافعی که حصول آن قریب به یقین یا ممکن است، اما در نتیجه ارتکاب جرم از کف مجنی‌علیه خارج می‌شود. مثلاً اگر راننده تاکسی در نتیجه تصادفی مجروح یا مصدوم شود به طوری که برای درمان مصدومیتش لازم شود یک یا دو ماه بستری شود. در این مدت امکان تأمین معاش را ندارند» (گلدوست جویباری، ۱۳۹۷: ۱۹۹). در تبصره «۲» ماده (۱۴) مقرر شده است: «منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص می‌یابد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط با منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت زیان معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود».

از سوی دیگر در جهت تضمین جبران زیان بزه‌دیده باید توجه داشت، در دعاوی کیفری شاکی می‌تواند ضرر و زیان ناشی از جرم که به او وارد آمده است را از دادگاه کیفری رسیدگی‌کننده به جرم مطالبه کند. تأمین خواسته او ممکن است ضرورت داشته باشد تا از اقدام متهم به انتقال اموال خود و تضییع حق زیان‌دیده از جرم جلوگیری به عمل آید (خالقی، ۱۳۹۴ الف: ۲۱۵). در این باره ماده (۱۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند».

در برخی موارد بزه‌دیده اسیدپاشی توانایی جسمی خود را از دست می‌دهد و به بیکاری یا از دست دادن شغل او منجر می‌شود. بنابراین شایسته بود قانونگذار در این ماده به جبران هزینه‌های بیکاری وی اشاره می‌کرد. چنین امری در ماده (۲) لایحه حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی پیش‌بینی شده بود.^۱ در این باره ماده (۲) لایحه حمایت

۱. در سال ۱۳۸۸ هیئت دولت دستورالعمل حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی را برعهده وزارت دادگستری قرار داد. این وزارتخانه نیز لایحه پیشنهادی خود را برای بررسی به هیئت وزیران تقدیم کرد.

از بزه‌دیدگان اجتماعی مقرر می‌داشت: «حمایت‌های مشمول این قانون عبارتند از: ۱. پرداخت هزینه‌های درمان، بیکاری و زیان معنوی و ۲. اعطای وام و پرداخت هزینه‌های مشاوره حقوقی یا روان‌شناسی». در تبصره «۲» ماده (۲) مقرر شده بود: «خسارت بیکاری در صورتی قابل پرداخت است که زیان دیده به علت وقوع جرم موضوع این قانون، بیکار شده باشد و از توانایی مالی لازم جهت اداره زندگی برخوردار نبوده و یا راه دیگری برای کسب درآمد نداشته باشد و مدت از کارافتادگی بیش از یک ماه باشد. میزان این نوع زیان شامل حداقل هزینه زندگی متعارف برای زیان دیده و افراد تحت تکفل اوست».

نکته دیگری که بهتر بود در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی به آن اشاره می‌شد؛ نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم و تعیین شرایطی برای برخورداری بزه‌دیده از جبران زیان است. امروزه با توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی، نقش بزه‌دیده در تحقق ارتکاب جرم امری غیرقابل انکار است. زیرا در برخی موارد، بزه‌دیدگان به نوعی در بزه‌دیدگی خویش مقصرند و چنین بزه‌دیدگانی را باید شایسته سرزنش دانست. توجه به این امر در جرائم اسیدپاشی بسیار ضروری است؛ زیرا در این جرم رسانه‌های جمعی با حساس کردن افکار عمومی، موجی از احساسات عمومی را در جهت حمایت از حقوق بزه‌دیدگان به نحوی پدید می‌آورند که نقش و تقصیر آنان در تحقق جرم فراموش می‌شود. برای رفع این کاستی نیاز است از آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی قانونی (قضایی) یاری جست.

«بزه‌دیده‌شناسی قضایی، شاخه‌ای از بزه‌دیده‌شناسی کاربردی است که به مطالعه علمی بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگان خاص و معین با هدف کشف حقیقت در فرایند رسیدگی کیفری و عدالت قضایی می‌پردازد» (شیری، ۱۳۹۷ الف: ۲۱۸). «بزه‌دیده‌شناسی قضایی در صدد است تا با بررسی خصوصیات و ویژگی‌های بزه‌دیده، الگوی بزه‌دیدگی و تکرار این الگوها به نیمرخ جنایی بزهکار دست یافته و از این طریق به کمک تحقیقات جنایی پلیس و کارآگاهان بشتابد» (هژبرالساداتی و سلیمانی کورانی، ۱۳۹۵: ۸۴). در این راستا بزه‌دیده‌شناسان قضایی تلاش می‌کنند با ارائه معیارهایی، مانع از ارائه اطلاعات غلط و اشتباه به دادگاه و مانع حمایت‌های افراطی شوند که بزه‌دیده شایسته آن نیست و همچنین اصل بی‌طرفی به عنوان یکی از اصول راهبردی دادرسی کیفری تضمین شود.

مقنن با آگاهی از نقش بزه‌دیده در تحقق جرم در بند «پ» ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم» از جهات تخفیف محسوب می‌شود اما متأسفانه مقنن در ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی شرط اعمال آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف را منحصر به اعلام گذشت بزه‌دیده نسبت به مجازات تعزیری مرتکب دانسته است که شایسته به نظر نمی‌رسد. ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر می‌دارد: «در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات قابل اعمال نیست مگر آنکه بزه‌دیده نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد». در این وضعیت شایسته بود بزهکاران را در مواردی که بزه‌دیدگان اسیدپاشی به نحوی در تحقق جرم مقصر هستند، شایسته تخفیف مجازات دانست.

نکته دیگر زمان جبران زیان است که پس از صدور حکم قطعی محکومیت بزهکار در دادگاه صالح است. جبران زیان پس از صدور حکم محکومیت قطعی، بزه‌دیده را مجبور می‌کند تا تمام هزینه‌های متحمل شده ناشی از جرم را تا قبل از صدور حکم قطعی محکومیت بزهکار، شخصاً پرداخت کند. این امر چندان قابل قبول نیست، زیرا اغلب بزه‌دیدگان از تمکن مالی برای پرداخت هزینه‌های مراقبت و درمان برخوردار نیستند. همچنین ممکن است در برخی از درمان‌ها از قبیل عمل‌های جراحی، لازم باشد در مدت زمان کوتاهی انجام گیرند و این امر مستلزم تمکن مالی بزه‌دیده در همان روزهای اولیه پس از وقوع حادثه است. برای رفع این کاستی عده‌ای دو راهکار ارائه داده‌اند:

رویکرد اول: تسریع در رسیدگی قضایی و اجرای فوری حکم،

رویکرد دوم: مسئولیت‌پذیری دولت در عرصه جبران خسارت است به این نحو که دولت هزینه‌های درمان بزه‌دیده را پرداخت کند، سپس بعد از قطعی شدن صدور حکم مبلغ پرداخت شده را به جانشینی از بزه‌دیده از بزهکار دریافت کند (محمودی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

با توجه به دلایل گفته شده پیرامون مسئولیت دولت در قبال جبران زیان‌گزینش

رویکرد اول مقرون به صواب است، اما انتخاب رویکرد دوم از آن جهت که فوریت در رسیدگی ممکن است به کاهش دقت در رسیدگی منجر شود یا لطمه‌ای به حقوق متهم در فرایند دادرسی وارد کند، چندان شایسته به نظر نمی‌رسد.

۱-۲. حمایت در برابر آثار روانی و اجتماعی

آسیب‌های روانی از لحظه ارتکاب اسیدپاشی با ترس بزه‌دیده آغاز و با از دست دادن زیبایی ظاهر وی و ناتوانایی که پس از اسیدپاشی سراغ او می‌آید، افزایش می‌یابد (Khorshid, 2009: 2). گاهی آنها دچار افسردگی عمیق، نگرانی، تنهایی و... می‌شوند (Thin, 2012: 1). در جهت رفع آثار روانی در تبصره «۱» ماده (۴) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر شده است: «سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده به بزه‌دیدگان موضوع این قانون خدمات روان‌شناختی، مددکاری و توانبخشی ارائه کند». به موجب ماده (۲) آیین‌نامه تأسیس مراکز جامع توانبخشی، پزشکی این خدمات شامل ۶ حوزه اختلالات جسمی - حرکتی و درد، اختلالات رشدی (تکاملی)، اختلالات اعصاب و روان، اختلالات شناختی، اختلالات بینایی و اختلالات شنوایی، گفتاری و زبان می‌شوند.

تغییر در چهره بزه‌دیده روابط اجتماعی او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب می‌شود اعتماد به نفس او برای حضور در جامعه به نحو چشمگیری کاهش یابد و خود را فردی بی‌ارزش و طرد شده از جامعه تلقی کند و دائم از اجتماع گریزان باشد؛ تا جایی که ممکن است خود را از دید دوستان و آشنایان پنهان کند. از این رو خدمات مددکاری موجب بازسازی شخصیت وی می‌شود. مددکاران با آگاه کردن وی از واقعیت‌های زندگی موجب تغییر و تعدیل در تفکر او می‌شوند و با ایجاد روحیه، صبر، توکل و امید به آینده‌ای روشن و تقویت اعتماد به نفس وی شرایط حضور مجدد وی در جامعه را فراهم می‌کنند.

۲. حمایت از حقوق بزه‌دیدگان اسیدپاشی مرتبط با کرامت انسانی در فرایند کیفری

کرامت در لغت به معنای بزرگی ورزیدن، جوانمرد بودن، بزرگی و ارجمندی و بخشندگی است (عمید، ۱۳۸۴: ۱۶۲۶). منظور از رفتار کرامت‌مدار «رفتار توأم با احترام، گرامی داشتن و

متناسب با موقعیت انسانی اشخاص و رعایت شأن انسانی آنان است» (شیری، ۱۳۸۶: ۱۸). در این باره در حقوق کیفری آمده است: «رعایت کرامت انسانی در قلمرو حقوق کیفری مهمترین معیار و ملاک مشروعیت قواعد حقوقی کیفری محسوب می‌شود» (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۶۸). بزه‌دیده علاوه بر تحمل زیان و درد و رنج‌های ناشی از بزه‌دیدگی، کرامت و ارزش انسانی خود را از دست رفته می‌بیند و به دنبال بازسازی این وضعیت آشفته برمی‌آید (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰: ۴). این احساس در صورت رفع نشدن از سوی دستگاه‌های پاسخگو، آثار مخربی را بر شخصیت بزه‌دیده وارد می‌کند. برای مثال برخورد نامناسب مسئولان رسیدگی به خواسته‌های آنان، رفتارهای غیرمحترمانه و بی‌توجهی به وضعیت و شرایط خاص فرد، رفتار نامتناسب با بزه‌دیده در مرحله معاینه پزشکی و ... نمونه‌هایی هستند که کرامت انسانی بزه‌دیده را خدشه‌دار می‌کنند.

حفظ کرامت و شأن انسانی بزه‌دیده ایجاب می‌کند حقوق او در فرایند کیفری مورد توجه قرار گیرد. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد رفتار محترمانه با بزه‌دیدگان در اکثر موارد، موجب تمایل هرچه بیشتر آنان به منظور کمک در فرایند تحقیق و رسیدگی شده است (اداره مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴: ۷۵). در این قسمت به‌طور اختصار مهمترین جلوه‌های حقوق بزه‌دیدگان اسیدپاشی مرتبط با کرامت انسانی آنان در فرایند کیفری مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲-۱. به رسمیت شناختن بزه‌دیده

تحت تأثیر تحولات بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، بزه‌دیده دارای نقش و جایگاه مهمی در پی‌ریزی، شکل‌گیری و جهت‌دهی تحقیقات جنایی است. مشارکت بزه‌دیده در فرایند کیفری، شناسایی نیازها و آسیب‌های وارده بر وی و جبران آن زیان‌ها از موضوعات مهم در فرایند کیفری است. اولین مواجهه بزه‌دیده با پلیس است. نقش پلیس در به رسمیت شناختن بزه‌دیده مهم است. رویکردهای پلیس متناسب با نوع جرم (سرقت، تجاوز، قتل، توهین و ضرب و جرح و ...) متفاوت است. در مواردی ممکن است با بزه‌دیده همدردی یا وی را سرزنش کنند (شیری، ۱۳۹۷: ب: ۱۱۹). درک حالات روحی و عاطفی بزه‌دیده، پاسخگویی

مناسب به وی، مهم تلقی کردن بزهدیدگی و ابراز همدردی با وی از مهمترین مسائلی است که ضابطان در مواجهه با بزهدیدگان به ویژه بزهدیدگان اسیدپاشی باید رعایت کنند.^۱ مواد پیش‌بینی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ از قبیل تکلیف ضابطان در پذیرش شکایت‌های کتبی و شفاهی (ماده ۳۷)، تکلیف دادستان به پذیرش شکایت کتبی و شفاهی (ماده ۶۹)، معرفی شهود و اظهار ادله توسط شاکی در هنگام تحقیقات (ماده ۱۰۰)، حضور شاکی در تحقیقات (ماده ۱۰۰)، انتشار مطالب و مدارک در مقام احقاق حق خود در مراجع صالح (تبصره «۳» ماده ۱۰۰)، تقاضای انجام کارشناسی (ماده ۱۵۵) و حق اعتراض به قرارهای بازپرس (بند «الف» ماده ۲۷۰) جلوه‌هایی از به رسمیت شناخته شدن حقوق بزهدیده در فرایند عدالت کیفری به شمار می‌روند.

۲-۲. اطلاع‌رسانی بزهدیده

اطلاع‌رسانی بزهدیده در فرایند رسیدگی از دو جنبه قابل طرح است: اول، اطلاع از فرایند رسیدگی و دوم، اطلاع از حقوق خود در فرایند رسیدگی.

۲-۲-۱. لزوم اطلاع و آگاهی از فرایند رسیدگی به نحو الکترونیکی

اطلاع از فرایند رسیدگی به این معناست که بزهدیدگان از مقام‌های ذی‌ربط انتظار دارند که پیگیر حقوق آنها باشند و همواره پیرامون چگونگی روند پرونده با آنان مرتبط باشند (فتاح، ۱۳۷۱: ۹۸). خشونت ایجاد شده در اثر اسیدپاشی، بزهدیده را همواره در نگرانی و اضطراب از جریان پرونده و تعقیب متهم قرار می‌دهد. اطلاع‌رسانی مقام‌های مربوطه در این مورد که پیشرفت پرونده تا چه مرحله‌ای است و متهم در چه وضعیتی قرار دارد؛ می‌تواند تا حد زیادی از نگرانی‌ها بکاهد. همچنین بزهدیده حق دارد که به صورت کاملاً شفاف و واضح در جریان رسیدگی، شانس موفقیت، نظرهای کارشناسی، دفاعیات متهم، مکان، زمان دادرسی و به ویژه قرارهای موقوفی یا منع تعقیب و ... قرار گیرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰).

۱. در بند «۵» ماده «۵» آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴/۶/۳۱ بر «آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص» تأکید شده است.

درباره بزه دیدگان اسیدپاشی باید در نظر داشت آنها به دلیل مشکلات جسمی و روحی که دچار آن شده اند؛ قادر به حضور حسب مورد در دادسرا و دادگاه و همچنین پیگیری کامل و مصرانه پرونده خود نبوده و بیشتر تمرکز خود را بر اقدامات درمانی و مراقبتی معطوف می کنند. مقنن در اقدامی شایسته در ماده (۱۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استفاده از سامانه های رایانه ای و مخابراتی را برای طرح شکایت یا دعوی و همچنین ابلاغ اوراق قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع دانسته است.^۱

۲-۲-۲. لزوم اطلاع و آگاهی بزه دیده از حقوق خود به نحو الکترونیکی

«اطلاع رسانی درباره روند تحقیقات جنایی جنبه دیگری از آگاهی سازی بزه دیدگان است که در صورت درخواست بزه دیده باید انجام شود، مگر آنکه روند تحقیقات را با خطر یا مشکلی روبه رو کند که در این صورت باید از آن پرهیز کرد» (همان: ۶۰). از این رو مقنن در ماده (۶) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». در ماده (۳۸) این قانون به صراحت مقرر شده است: «ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران زیان و بهره مندی از خدمات مشاوره ای موجود و سایر معاضدت های حقوقی آگاه کنند». از مهمترین شیوه های اطلاع بزه دیده از حقوق خود در فرایند دادرسی می توان به برخورداری از خدمات حقوقی، حق دسترسی به وکیل و حق دسترسی به پرونده اشاره کرد.

۱-۲-۲-۲. لزوم برخورداری از خدمات حقوقی به نحو الکترونیکی

ارائه اطلاعات به بزه دیده درباره حقوق خود، نحوه تنظیم شکایت، معرفی مراجع

۱. ماده (۱۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «استفاده از سامانه های (سیستم های) رایانه ای و مخابراتی از قبیل پیام نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است».

ذی صلاح و نحوه پیگیری پرونده از طریق مشاوره حقوقی از نیازهای مهم بزه‌دیده به شمار می‌روند (شیری، ۱۳۸۶: ۴۶). اما باید در نظر داشت حضور بزه‌دیدگان اسیدپاشی در دادسرا یا دادگاه برای دریافت خدمات مشاوره حقوقی از یک سو، با توجه به شرایط جسمی و روحی که آنان دارند و از سوی دیگر با توجه به اینکه حضور آنان در دادسرا یا دادگاه ممکن است موجب نگاه ترحم‌آمیز دیگران به آنان شده و یا به علت کنجکاوی دائم از آنان سؤال کنند و روح و روان‌شان آزرده‌خاطر شود، چندان شایسته نیست. از این رو لازم است سازوکاری فراهم شود تا بزه‌دیدگان از خدمات مشاوره‌ای حقوقی الکترونیکی بهره‌مند شوند. گفتنی است تأسیس مرکز پاسخگویی و توانمندسازی خدمات الکترونیک قوه قضائیه که فعالیت اصلی آن ارائه راهنمایی‌های لازم و آگاهی‌دادن به بزه‌دیدگان در مورد حقوقشان است، تا حدودی خلأ مذکور را برطرف کرده است، اما شایسته است سازوکاری فعال‌تر و با امکانات بیشتری در نظر گرفته شود.

۲-۲-۲-۲. لزوم برخورداری از وکیل تسخیری

ورود به مسیر تعقیب و رسیدگی کیفری، نیازمند دانش و تخصص کافی است تا بزه‌دیده بتواند احقاق حق کند. از این رو نیازهای آن دسته از بزه‌دیدگانی که در مرحله اقامه دعوی نیازمند راهنمایی و مساعدت هستند، باید از طریق وکیل که توسط دولت تأمین می‌شوند، برآورده شود (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰: ۱۷). در برخی موارد ممکن است بزه‌دیده از نظر مالی توانایی‌های لازم را برای پرداخت حق الوکاله نداشته باشد. این امر به ویژه در بزه‌دیدگان اسیدپاشی که تمامی سرمایه‌های آنان صرف هزینه‌های درمان می‌شود بسیار شایع است. گاهی ممکن است بزه‌دیده شرایط روحی مناسب برای رویارویی با بزهکار را نداشته نباشد. این امر در بزه‌دیدگان اسیدپاشی بسیار شایع است؛ زیرا با رویارویی بزهکار خاطرات تلخ روز حادثه در ذهن آن تداعی شده و آزرده‌خاطر می‌شوند و رعب و وحشت وجود آنان را فرامی‌گیرد. بنابراین شایسته است همان‌طور که بزهکار حق دارد وکیل تسخیری داشته باشد، بزه‌دیده نیز وکیل تسخیری داشته باشد تا با وجود آسیب‌های ناشی از جرم، مجبور نباشد شخصاً به دفاع از خویش بپردازد یا با هزینه‌های شخصی اقدام به اخذ وکیل کند (قوام، ۱۳۸۹: ۶۸). به این امر در اصل (۳۵) قانون اساسی تأکید شده است.

گفتنی است مقنن در اقدامی شایسته در تبصره ماده (۳۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد این ماده اقدام می‌کند». تشخیص دادگاه جهت تعیین وکیل برای بزه‌دیدگان اسیدپاشی به یک الزام و فارغ از تمکن یا عدم تمکن مالی بزه‌دیده تبدیل شود و تعیین وکیل تسخیری برای این دسته از بزه‌دیدگان از همان آغاز فرایند دادرسی کیفری الزامی شود.

۳-۲-۲. حق دسترسی به پرونده تحقیقات

پیشتر با توجه به حساسیت پرونده‌های اسیدپاشی و موجی که رسانه‌ها در افکار عمومی ایجاد می‌کردند موجب می‌شد تا مقامات قضایی در دادسرا به بهانه محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی بزه‌دیده را از آگاهی روند تحقیقات محروم کنند. این امر علاوه بر تأثیرات منفی بر روی روح و روان بزه‌دیده، باعث می‌شد احساس کنند که در فرایند کیفری نقشی ندارند. از طرف دیگر محروم کردن بزه‌دیده از دسترسی به پرونده، نوعی رفتار اهانت‌آمیز تلقی شده و به کرامت وی در فرایند کیفری لطمه می‌زند. مقنن در اقدامی شایسته، با وجود محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، حق دسترسی شاکی به پرونده و مطالعه آن را به رسمیت شناخت. ماده (۱۰۰) قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه مقرر می‌دارد: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است». حق دسترسی به پرونده موجب دلگرمی و آسودگی خاطر بزه‌دیده در روند تحقیقات می‌شود.

با توجه به دلایلی که قبلاً اشاره شد شایسته است مقنن تا جایی که ممکن است با استفاده از تدابیر و سازوکارهایی از حضور بزه‌دیدگان اسیدپاشی در دادسرا یا دادگاه بکاهد. در این راستا، تعیین وکیل تسخیری برای بزه‌دیده اسیدپاشی در همان مراحل اولیه

تحقیقات موجب می‌شود که وکیل وی به دادسرا مراجعه کرده و از محتوای پرونده رونوشت تهیه کرده و آنان را در اختیار بزه‌دیده قرار دهد. همچنین دسترسی به برخی از اوراق پرونده به نحو الکترونیکی برای بزه‌دیدگان اسیدپاشی که با کشف حقیقت ضرورت ندارند، می‌تواند سازوکار دیگری باشد تا مقنن به واسطه آن مانع از حضور بزه‌دیدگان اسیدپاشی حسب مورد در دادسراها و دادگاه‌ها شود.

۲-۳. رعایت حریم خصوصی

حریم خصوصی یکی از بنیادین‌ترین و اساسی‌ترین حقوق بشری است که با شخصیت هر انسانی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۲). جان لاک معتقد است «هر انسانی در درون خود یک قلمرو شخصی دارد و هیچ‌کس غیر از خودش، هیچ حقی در ورود به این قلمرو ندارد» (هوسمن، ۱۳۷۵: ۴۳). نوع جرم ارتكابی اسیدپاشی، حساسیت‌های زیادی را در میان اعضای جامعه و کنشگران نظام عدالت کیفری برمی‌انگیزد که موجب کنجکاوی آنها و کنکاش در زندگی خصوصی بزه‌دیدگان اسیدپاشی می‌شود. در امر نقض حریم خصوصی، رسانه‌ها نقش بسزایی را ایفا می‌کنند زیرا با در معرض نمایش گذاشتن زندگی بزه‌دیده، چارچوب‌های مربوط به حق حریم خصوصی وی را نقض می‌کنند.

مقنن در جهت تضمین رعایت حریم خصوصی در ماده (۴۰) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، به جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است». در ماده (۳۵۳) قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر می‌دارد: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان شاک، متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراست». با توجه به شرایط خاص بزه‌دیدگان اسیدپاشی و حساس بودن پرونده آنان که باید به دور از فشارهای بیرونی مورد رسیدگی قرار گیرد، شایسته بود مقنن در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی تدابیری را در نظر می‌گرفت تا محدودیت

فعالیت رسانه‌ها منحصر به جریان رسیدگی نباشد، بلکه این محدودیت از لحظه وقوع جرم آغاز شود.

۴-۲. حق بزه‌دیده اسیدپاشی و شاهدان آنان بر امنیت

از مهمترین نیازهای بزه‌دیده حق داشتن امنیت پس از بزه‌دیده شدن است. بزه‌دیدگان نسبت به دیگر اعضای جامعه بیشتر نگران تهدیدها، شرایط و افراد پیرامون خود هستند. بنابراین باید تدابیری برای کاهش نگرانی‌های بزه‌دیدگان و تضمین امنیت آنان اندیشید. امنیت بزه‌دیده می‌تواند به صورت‌های مختلفی مورد تهدید واقع شود. گاهی ممکن است بزه‌دیده از سوی متهم یا افرادی از جانب او تهدید شود. گاهی ممکن است در فرایند دادرسی بزه‌دیده با متهم روبه‌رو شده و درد و آلام‌های ناشی از بزه‌دیدگی تجدید شود (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۱: ۲۳۸). در حقوق ایران با توجه به ضرورت امنیت در برابر تهدید، مقنن سه رویکرد اتخاذ کرده است.

رویکرد اول در قالب جرم‌انگاری تهدید است. مقنن در ماده (۶۶۹) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقرر کرده است «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا افشای سری نسبت به خود یا بستگان او کند، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را کرده یا نکرده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد»^۱. البته مطابق تبصره ماده (۱۱) قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ مجازات مقرر به نصف تقلیل یافته است. بنابراین با توجه اینکه اسیدپاشی خشن‌ترین نوع از جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص تلقی می‌شود و ممکن است بزه‌دیده آن مادام‌العمر زیبایی خود را از دست بدهد، در این رویکرد شایسته بود مقنن به‌طور جداگانه در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، تهدید به این جرم را پیش‌بینی می‌کرد و مجازات سنگین‌تری برای آن در نظر می‌گرفت و همچنین برخلاف ماده (۱۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

۱. مطابق تبصره ماده (۱۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ مقرر شده است: «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل یابد».

آن را در زمره جرائم غیرقابل گذشت قرار می‌داد و گذشت شاکی را همانند ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی از موجبات تخفیف تا یک درجه در صورت صلاحدید دادگاه در نظر می‌گرفت.

رویکرد دوم، در قالب قرار بازداشت موقت است که مزیت آن جلوگیری از اعمال فشار بزهدکار نسبت به بزهدیده و شهود است (خالقی، ۱۳۹۴ الف: ۲۴۷). مقنن به دلیل اهمیت قرار بازداشت «موارد» و «شرایط» صدور آن را به ترتیب در مواد (۲۳۷ و ۲۳۸) قانون آیین دادرسی کیفری تعیین کرده است تا تنها با اجتماع آنها مقام قضایی بتواند چنین قراری صادر کند. با توجه به اینکه در ماده (۱) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر شده است: «هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود در صورت مطالبه از ناحیه مجنی علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود». در بند «الف» ماده (۲۳۷) قانون یاد شده پیرامون شرایط صدور قرار بازداشت مقرر شده است: «جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است...». در مواردی که قصاص عضو یا منفعت ناشی از بزهد اسیدپاشی کمتر از ثلث دیه کامل باشد امکان صدور قرار بازداشت موقت میسر نیست.^۱ در حالی که مقنن در بند «ت» ماده (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری با توجه به نوع جرم، جرائمی مانند ایجاد مزاحمت و آزار اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام می‌شود را از موارد صدور قرار بازداشت در نظر گرفته است که نسبت به بزهد اسیدپاشی خفیف‌تر هستند. از این رو شایسته بود مقنن فارغ از مجازات بزهد اسیدپاشی، با توجه به نوع بزهد اسیدپاشی، در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی صدور قرار بازداشت را الزامی می‌دانست.

۱. در تفسیر این بند آمده است: «... قسمت دوم بند «الف» ماده (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری ناظر بر موارد قصاص عضو است، اما با این شرط که عضو موضوع جنایت، دیه‌ای معادل یک سوم دیه کامل مجنی علیه یا بیشتر داشته باشد، اعم از اینکه شاکی مطالبه قصاص کرده باشد یا خیر و اعم از اینکه قصاص ممکن باشد یا خیر». برای مطالعه بیشتر ر.ک: علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص ۲۳۵، ۱۳۹۴.

رویکرد سوم، در قالب جلوگیری از افشا هویت بزه‌دیده است. در قانون آیین دادرسی کیفری، تمهیداتی برای حفاظت از امنیت بزه‌دیدگان و شاهدان اندیشیده شده است. ماده (۹۷) این قانون مقرر می‌دارد: «بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند». ماده (۱۰۱) این قانون مقرر می‌دارد: «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود». ماده (۱۹۲) این قانون در جهت عدم مواجهه بزه‌کار و بزه‌دیده مقرر می‌دارد: «تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است مگر...». درباره حمایت از امنیت شاهدان ماده (۲۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «بازپرس از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند...». ماده (۲۱۴) قانون آیین دادرسی مقرر می‌دارد: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند...» و در تبصره «۱» آن ماده ذکر شده است: «در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد مبنی بر احتمال شناسایی و بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند...».

۲-۵. رسیدگی در مدت زمان معقول

یکی از اصول دادرسی منصفانه، رسیدگی به دعوای بزه‌دیده در زمان متناسب و معقول است. مراجعه بزه‌دیده به نظام عدالت کشور، برای حل مشکلات ناشی از وقوع جرم جهت

ترمیم آسیب‌های وارده باید در مدت زمان معقولی رسیدگی و خاتمه یابد. در این راستا برخی معتقدند «باید از اطاله دادرسی اجتناب شود. چنین امری در افزایش صدمات مادی و معنوی بزهدیده و حتی تحریک وی در جهت انتقام خصوصی مؤثر است. اصولاً به هر میزانی که در احقاق حقوق بزهدیده تسریع شود از مقدار تحقیر و تنزل اجتماعی او کاسته می‌شود» (توجهی، ۱۳۸۳: ۶۲۷). از این رو شایسته است دستگاه عدالت کیفری برای برقراری نظم عمومی لطمه دیده شده و جبران زیان بزهدیده، بدون وقفه فرایند رسیدگی را انجام دهد.

همان‌طور که قبلاً بیان شد بزهدیدگان ناشی از اسیدپاشی از جهت درمان و اقدامات مراقبتی، نیازمند منابع مالی هستند و هرگونه تأخیر، غفلت و اهمال در تأمین این منابع؛ صدمات جبران ناپذیری را برای آنان ایجاد خواهد کرد. از این رو در ماده (۶) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر شده است: «به دعاوی و شکایات مربوط به جرائم این قانون خارج از نوبت رسیدگی می‌شود». در ماده (۴۴۹) قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر شده است: «به جرائمی که موجب جریحه دار شدن احساسات عمومی شود، با درخواست و موافقت دادگاه تجدیدنظر استان، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود». ماده (۳) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کنند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند».

۲-۶. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فراهم کردن حمایت حقوقی برای بزهدیدگان

سازمان‌های مردم‌نهاد در همه زمینه‌های اجتماعی، نقش فعال و تأثیرگذار ایفا می‌کنند. به طور مشخص در زمینه جبران زیان و کمک به روند درمان، مراکز غیردولتی خیریه از طریق جمع‌آوری کمک‌های مردمی، منابع مالی را در اختیار بزهدیدگان قرار می‌دهند (محمودی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). مداخله این‌گونه سازمان‌ها یکی از جلوه‌های «سیاست جنایی مشارکتی» است که براساس آن امکان مداخله مردم در اجرای عدالت کیفری فراهم می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۱۸). مقنن در

اقدامی شایسته در ماده (۶۶) اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ در راستای حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن نهادهای مدنی در فرایند کیفری، برای اعلام جرم، توجه خاصی بر برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد کرده است (خالقی، ۱۳۹۴ الف: ۵۹).

ماده (۶۶) قانون یاد شده در این زمینه مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند». حوزه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد به شرح مذکور در ماده (۶۶) حصری است (همان، ۱۳۹۴ ب: ۸۶). بنابراین در مواردی که بزه‌دیده اسیدپاشی زن است، سازمان مردم‌نهاد حق اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی را دارد، اما در مواردی که بزه‌دیده مرد است چنین حقی برای سازمان‌های یاد شده پیش‌بینی نشده است. از این‌رو شایسته بود در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی به نقش سازمان مردم‌نهاد در فراهم کردن حمایت‌های حقوقی برای بزه‌دیدگان اسیدپاشی اشاره می‌شد و با توجه به هزینه‌های سنگینی که به بزه‌دیده اسیدپاشی تحمیل می‌شود و تا زمان صدور حکم قطعی دادگاه جبران‌زیانی از سوی بزه‌کار انجام نمی‌گیرد، در زمینه جرائم اسیدپاشی حوزه فعالیت‌های آنان منحصر به اعلام جرم و شرکت در تمامی مراحل رسیدگی نبوده، بلکه بتوانند از طریق جمع‌آوری کمک‌های مردمی در زمینه جبران زیان و کمک به روند درمان بزه‌دیدگان اسیدپاشی منابع مالی را در اختیار آنان قرار دهند.

۳. حمایت از حقوق بزه‌دیده اسیدپاشی مرتبط با کیفر و نحوه اجرای آن

یکی دیگر از تحولات قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، پذیرش حق بزه‌دیده در کیفر و نحوه اجرا به شکل نسبی آن است. هرچند امروزه بر نیازهای بزه‌دیدگان مانند جبران زیان، به رسمیت شناختن وی، اطلاع‌رسانی، رعایت حریم خصوصی، حفظ امنیت و... تأکید می‌شود، اما کماکان نیاز اصلی آنان کیفر بزه‌کار و حتی اعطای اختیار درباره نحوه اجرای مجازات است. در ماده واحده لایحه قانونی مربوط به پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶

مقرر شده بود: «هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه شود به حبس ابد با اعمال شاقه و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کار افتادن عضوی از اعضا بشود به حبس مجرد از دو سال تا ۱۰ سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد». اما مقنن در اقدامی شایسته حق بزه‌دیده در کیفر بزهکار را با پیش‌بینی مجازات قصاص نفس، عضو یا منفعت در صورت مطالبه وی یا ولی دم وی در ماده (۱) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی به رسمیت شناخت. ماده (۱) قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود در صورت مطالبه از ناحیه مجنی علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود». از طرف دیگر ماده یاد شده این امکان را برای بزهکار فراهم می‌کند تا با اقداماتی در جهت کاهش دردها و آلام بزه‌دیده یا ولی دم آن موجبات گذشت خود را از سوی بزه‌دیده یا ولی دم وی فراهم کند تا خود را حسب مورد از مجازات قصاص نفس، عضو یا منفعت رهایی دهد.

در گذشته تخفیف مجازات بیشتر بزهکار محور بود و صرفاً با توجه به شخصیت و موقعیت مرتکب اعمال می‌شد، اما با ارتقای جایگاه بزه‌دیده در فرایند عدالت کیفری، گذشت وی به یکی از جهات تخفیف تبدیل شده است. در این راستا مقنن در جهت تأمین حق بزه‌دیده در کیفر مجازات تعزیری بزهکار نیز در ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر داشته است: «در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات قابل اعمال نیست مگر آنکه بزه‌دیده یا اولیای وی نسبت به مجازات تعزیری مرتکب اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد». در ماده یاد شده اعمال نهادهای ارفاقی همچون آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف احصا شده هستند. به نظر می‌رسد امکان بهره‌مندی مرتکب از سایر نهادهای ارفاقی همچون نظام نیمه‌آزادی در صورت تحقق شرایط مقرر در ماده (۵۷) ق.م.ا و تبصره آن و نظارت الکترونیکی در صورت تحقق شرایط

مقرر در ماده (۶۲) ق.م.ا و تبصره «۲» آن برای مرتکب فراهم باشد.^۱ با لحاظ ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و ماده (۵۷) ق.م.ا و تبصره آن این امکان برای بزهکار فراهم شده است تا یکبار دیگر با اقداماتی در جهت کاهش دردها و آلام بزه‌دیده یا ولی دم وی موجبات گذشت خود را از سوی بزه‌دیده یا ولی دم فراهم کند تا مجازات تعزیری خود را تا یک درجه در صورت صلاحدید دادگاه کاهش دهد و از مزایای نظام نیمه‌آزادی یا نظارت الکترونیکی بهره‌مند شود.^۲ همچنین مطابق تبصره ماده (۳۷) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری دادگاه مکلف است در صورت صدور حکم به حبس کمتر از نودویک روز مجازات مرتکب را به مجازات جایگزین مربوطه تبدیل کند.^۳

گفتنی است تبصره ماده (۲) قانون مجازات کاهش حبس تعزیری دادگاه را ملزم کرده است چنانچه در نظر دارد برای مرتکب به بیش از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون حکم کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهت قانونی، علت صدور حکم را به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. همان طور که از عنوان، فلسفه وضع و روح قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن برمی‌آید، شایسته است ارتکاب جرم اسیدپاشی به عنوان یکی از جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات حبس مقرر شده در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی پیش بینی شود.

۱. در اقدامی شایسته مقنن در تبصره «۲» ماده (۹) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با رعایت شرایطی امکان نظارت الکترونیکی در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار را فراهم کرده و مقرر داشته است: «مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است».

۲. در اقدامی شایسته مقنن در تبصره ماده (۸) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با رعایت شرایطی امکان اعمال نظام نیمه‌آزادی در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار را فراهم کرده و مقرر داشته است: «مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است».

۳. تبصره ماده (۳۷) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مقرر می‌دارد: «چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نودویک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود». ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی یکی از مصادیق سایر مقرراتی محسوب می‌شود که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اسیدپاشی یکی از انواع خشونت بوده که آثار مادی و معنوی جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد و در مواردی ممکن است به مرگ بزهدیده منجر شود که این امر افزایش حمایت از بزهدیده اسیدپاشی را می‌طلبد. قانونگذار ایران به این امر مهم توجه کرده و با تصویب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن» گام مؤثری در راستای حمایت از بزهدیدگان برداشت. اما به نظر می‌رسد حمایت‌های پیش‌بینی شده در قانون یاد شده، آنچنان درخور و شایسته نیازهای بزهدیده اسیدپاشی نیست. این امر قانونگذار را در مسیر دستیابی به یکی از اهدافش از وضع قانون مذکور، یعنی حمایت ویژه و خاص از بزهدیدگان اسیدپاشی، ناکام می‌کند.

برآمد حاصل از بررسی مقررات حاکم بر بزهدیده به ویژه بزهدیدگان اسیدپاشی به شرح ذیل است:

- باآنکه در قانون آیین دادرسی کیفری نیز حقوقی از قبیل به رسمیت شناختن بزهدیده، اطلاع‌رسانی بزهدیده، حق دسترسی به پرونده و جبران زیان‌های مادی، معنوی برای بزهدیدگان در نظر گرفته شده که نسبت به بزهدیدگان اسیدپاشی قابل تسری است، اما تسری آن حقوق برای بزهدیدگان اسیدپاشی به سازوکارهای دیگری نیز نیاز دارد. برای نمونه حق دسترسی آنان به پرونده، حق اطلاع و آگاهی آنان از فرایند دادرسی و همچنین حق اطلاع و آگاهی از حقوق خود در فرایند دادرسی مستلزم آن است که آنان حسب مورد در دادسرا و دادگاه حضور یابند که این امر به دلیل مشکلات جسمی و روحی که دچار آن شده‌اند، چندان مناسب نباشد. در این صورت لازم است خدمات مشاوره‌ای به صورت الکترونیکی و الزام‌آور برای آنان فراهم شود.

- زمان جبران زیان که پس از صدور حکم قطعی محکومیت بزهکار در دادگاه صالح است، بزهدیده را مجبور می‌کند تا تمام هزینه‌های متحمل شده ناشی از جرم را تا قبل از صدور حکم قطعی محکومیت بزهکار، شخصاً پرداخت کند. در این موقع مسئولیت‌پذیری دولت از یک سو و توجه به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد از سوی دیگر برای حمایت از حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی و گسترش زمینه فعالیت آنان در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی

امری بسیار ضروری است تا این سازمان‌ها بتوانند بزه‌دیدگانی که متحمل هزینه‌های گزافی می‌شوند را از طریق جمع‌آوری کمک‌های مردمی، در زمینه جبران زیان و کمک به روند درمان آنان یاری دهند.

- در برخی موارد ممکن است بزه‌دیدگان اسیدپاشی تمام سرمایه‌های خود را صرف هزینه‌های مراقبت و درمان کنند، در این صورت توانایی مالی لازم برای اخذ وکیل ندارند. همچنین در مواردی ممکن است بزه‌دیده از شرایط روحی مناسبی برای رویارویی با بزهکار برخوردار نباشد که در این صورت وکیل او به جای وی در جلسات دادگاه حضور می‌یابد. بنابراین پیش‌بینی لزوم برخورداری آنان از وکیل تسخیری لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

- نوع جرم ارتكابی اسیدپاشی حساسیت‌های زیادی را در میان اعضای جامعه و کنشگران نظام عدالت کیفری برمی‌انگیزد که موجب کنجکاوی آنها و کنکاش در زندگی خصوصی بزه‌دیدگان اسیدپاشی می‌شود. در این امر رسانه‌ها نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. از این رو شایسته است در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی تدابیری جهت حفظ حریم خصوصی آنان به ویژه در مقابل رسانه‌ها در نظر گرفته شود.

- بزه‌دیدگان اسیدپاشی نسبت به دیگر اعضای جامعه بیشتر نگران تهدیدها، شرایط و افراد پیرامون خود هستند. بنابراین باید تدابیری برای کاهش نگرانی‌ها و تضمین امنیت آنان اندیشید. در این باره شایسته است عنوان مجرمانه تهدید به اسیدپاشی به طور خاص در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی ذکر شده و مجازات شدیدتری برای آن در نظر گرفت و آن را در زمره جرائم غیرقابل گذشت قرار داد.

- با توجه به اینکه در ماده (۱) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مجازات قصاص نفس، عضو یا منفعت برای مرتکب تعیین شده است و در بند «الف» ماده (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری یکی از موارد صدور قرار بازداشت در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی میزان دیه آنهاست که باید ثلث دیه کامل یا بیش از آن باشد، در مواردی که قصاص عضو یا منفعت ناشی از بزه اسیدپاشی کمتر از ثلث دیه کامل باشد امکان صدور قرار بازداشت موقت میسر نیست. در حالی که شایسته بود مقنن فارغ از مجازات بزه اسیدپاشی، همانند بند «ت» ماده (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری با توجه به نوع جرم ارتكابی در

قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، صدور قرار بازداشت را با لحاظ شرایط ماده (۲۳۸) قانون آیین دادرسی کیفری الزامی می‌دانست. این امر در جهت حفظ جان بزهدیده و شاهدان آن و همچنین حفظ جان بزهکار ضروری به نظر می‌رسد. در نهایت نادیده‌انگاری نقش بزهدیده در ارتکاب جرم و عدم تعیین شرایطی برای برخورداری وی از جبران زیان در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی قابل نقد است. آثار زیان بار ناشی از بزهدیدگی نباید نظام عدالت کیفری را از مسیر عادلانه و منصفانه خود دور کند، چراکه در برخی موارد بزهدیدگی، بزهدیدگان به نوعی در بزهدیدگی خویش مقصرند و چنین بزهدیدگانی را باید شایسته سرزنش دانست. برای تعیین میزان تقصیر بزهدیده در تحقق جرم و شرایط برخورداری وی از جبران زیان می‌توان از آموزه‌های بزهدیده‌شناسی قانونی (قضایی) یاری جست.

منابع و مآخذ

۱. اداره مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۱۳۸۴). *عدالت برای بزه‌دیدگان*، ترجمه علی شایان، چاپ اول، تهران، نشر سلسبیل.
۲. آشوری، محمد و ابوالقاسم خدادادی (۱۳۹۰). «حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید ش ۲.
۳. توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۳). *اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران* (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، نشر سمت.
۴. حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵). «از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت»، *مجله فقه و حقوق*، سال ۳، ش ۹.
۵. خالقی، علی (۱۳۹۴ الف). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ ۲۷، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
۶. --- (۱۳۹۴ ب). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*، چاپ ۴، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۷. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
۸. رحمدل، منصور (۱۳۸۴). «حق انسان بر حریم خصوصی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۷۰، شماره پیاپی ۸۴۵.
۹. رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۸۷). *کرامت انسانی در حقوق کیفری*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۰. زراعت، عباس (۱۳۹۳). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۱. زینالی، امیرحمزه و محمدباقر مقدسی (۱۳۹۱). «حق بزه‌دیده بر امنیت و اطلاع‌رسانی در فرایند کیفری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دوره ۱۵، ش ۱۴۸.
۱۲. شوشی‌نسب، نفیسه (۱۳۹۰). «نحوه ارزیابی خسارات درد و رنج»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، سال ۱۳، ش ۳۳.
۱۳. شیرینی، عباس (۱۳۹۷ الف). «بزه‌دیده‌شناسی قضایی (قانونی)»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۱، ش ۸۴.
۱۴. --- (۱۳۹۷ ب). «نقش و جایگاه بزه‌دیده در حقوق جنایی ایران»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال ۶، ش ۲۳.
۱۵. --- (۱۳۸۶). «رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیدگان (دادخواهی)»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال ۲، ش ۴.
۱۶. طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.

۱۷. عمید، حسن (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی عمید، دو جلدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۸. فتاح، عزت (۱۳۷۱). «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده». ترجمه سوسن خطاطان و علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی د/دگستری، ش ۳.
۱۹. فرجیها، محمد و ابوالقاسم بازیار (۱۳۹۰). «جبران دولتی جبران خسارت‌های بزه‌دیدگان در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۲، ش ۲.
۲۰. فهرستی، زهرا و منصوره فصیح راوندی (۱۳۹۰). «جبران خسارت معنوی ناشی از خسارت مازاد بر دیه»، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۷، ش ۲۴.
۲۱. قوام، میرعظیم (۱۳۸۹). «حقوق بزه‌دیدگان و خواسته‌های آنان از پلیس»، فصلنامه/انتظام/اجتماعی، سال ۲، ش ۲.
۲۲. گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری، چاپ یازدهم، تهران، نشر جنگل (جاودانه).
۲۳. مالکی‌زاده، سروش (۱۳۸۷). «فرایند جبران خسارت بزه‌دیدگان در نظام عدالت کیفری ایران»، ماهنامه، سال ۱۲، ش ۷۰.
۲۴. محمودی، افسانه (۱۳۹۲). «حمایت از بزه‌دیدگان اسیدپاشی در نظام عدالت کیفری ایران»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱). از حقوق کیفری بزه‌دیده‌مدار تا عدالت ترمیمی، دیپاچه در کتاب بزه‌دیده در فرایند کیفری، مهرداد رایجیان اصلی، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم.
۲۶. هژیرالساداتی، هانیه و ساناز سلیمانی کورانی (۱۳۹۵). «بزه‌دیده‌شناسی قانونی کاربردهای آن در تحقیقات جنایی»، فصلنامه کارگاه، ش ۳۴.
۲۷. هوسمن، کارل (۱۳۷۵). «حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها»، ترجمه داوود حیدری، فصلنامه رسانه، سال هفتم، ش ۳.
28. Khorshid, R. N. (2009). <Acid Attacks on Women in Bangladesh>, Department of Liberal Studies, College of liberal Arts and Sciencies, Last visited: 2020/5/25 Available at: <https://soar.wichita.edu/bitstream/handle/10057/509/grasp0662.pdf?sequence=1&isAllowed=y>.
29. Thin Lei Win (2012). <Cambodia acid attack law raises hopes, concerns>, TrustLaw, October, Last visited: 2020/5/25. Available At: https://cchrcambodia.org/media/files/news/787_2101_en.pdf.

ارزیابی کارایی دانشگاه‌های دولتی جامع ایران با رویکردهای پارامتری و ناپارامتری

شهربانو خشکاب*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۱۷۵-۲۰۳
-------------------	------------------------	-----------------------	---------------------

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی وضعیت کارایی آموزشی و پژوهشی ۲۷ دانشگاه جامع دولتی ایران در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ و ۱۳۹۴-۱۳۹۳ با استفاده از روش‌های ناپارامتری تحلیل پوششی داده‌ها و پارامتری تحلیل مرز تصادفی برای متغیرهای ورودی (تعداد دانشجویان ورودی، تعداد اعضای هیئت علمی، تعداد کارکنان و بودجه) و متغیرهای خروجی (درآمد اختصاصی، تعداد دانشجویان در حال تحصیل، تعداد دانش‌آموختگان و مقالات همایشی) مستخرج از لایحه بودجه، آمار و مستندات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و وبسایت پایگاه جهان اسلام انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در واحدهای دانشگاهی ناکارایی وجود دارد؛ در واحدهای دانشگاهی مختلف، درجه ناکارآمدی متفاوت است؛ میانگین کارایی کل دانشگاه‌های جامع در سال ۱۳۹۳ در مقایسه با سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است؛ میانگین کارایی آموزشی دانشگاه‌های منتخب در طول زمان افزایش و میانگین کارایی پژوهشی با کاهش همراه بوده است؛ نتایج آزمون اعتبار داده‌ها در روش ارزیابی تحلیل مرز تصادفی گویای وضعیت ناهمسانی واریانس داده‌های مطالعه است؛ نتایج آزمون عامل تورم واریانس با هدف بررسی مسئله همخطی بین متغیرهای توضیحی نشان از همخطی بین برخی متغیرهای توضیحی از جمله اعضای هیئت علمی و بودجه داشت؛ اثر کششی ضرایب برآوردی تعدادی از نهادهای پژوهش برای ستاندهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های منتخب معنادار نبود و در نهایت در روش تحلیل مرز تصادفی علاوه بر ناکارایی فنی، ناکارایی تصادفی و ضریب کشش نهاده‌ها بر ستاندهای آموزش و پژوهش نیز برآورد شده است که می‌تواند راهنمای سیاستگذاران و رؤسای دانشگاه‌ها درباره تصمیم‌های تخصیص منابع کارایی محور باشد.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی کارایی؛ کارایی آموزشی؛ کارایی پژوهشی؛ واحدهای دانشگاهی؛ تحلیل پوششی داده‌ها؛ الگوی توییت

Email: khoshkab.sh@ut.ac.ir

* دانش‌آموخته دکتری اقتصاد آموزش عالی دانشگاه تهران؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4249.4209

مقدمه

دانشگاه نهادی است که با هدف ترویج و ارتقای دانش و تربیت نیروی انسانی در زمینه‌های مختلف علوم و فنون به ارائه آموزش عالی و اجرای پژوهش می‌پردازد و رسالت اساسی آن تسهیل رشد و تکامل انسان، توسعه دانش، غنای فرهنگ کشور و پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه است (دباغ و جواهریان، ۱۳۹۵: ۹۹). دانشگاه‌ها در کارکردهای اساسی خود با وجود رسالت مشخص، افزایش هزینه‌های آموزش عالی، تغییر نقش دولت‌ها در تأمین این هزینه‌ها، تغییر ساختار جمعیت و ترکیب دانشجویان، مواجهه با محدودیت منابع و امکانات، ناتوانی در استفاده بهینه و اثربخش از امکانات و منابع محدود و ... عملاً برای دستیابی به کارایی با محدودیت‌های متعددی مواجه هستند. با توجه به نقش فزاینده و آشکار دانشگاه‌ها در شناسایی، خلق و تولید دانش و سرمایه انسانی، ضرورت تحلیل‌های انتقادی برای ارزیابی کارایی دانشگاه‌ها و آگاهی از میزان ناکارآمدی آنها در تحقق مأموریت‌ها، رسالت‌ها و اهدافشان از اهمیت دوچندانی برخوردار است (Parteka, Wolszczak-Derlacz and Prod, 2013: 67). در این راستا پژوهشگران و صاحب‌نظران عرصه آموزش عالی از دهه ۱۹۹۰ تاکنون جهت مقابله با محدودیت منابع و بهینه‌سازی استفاده از آنها با جدیت در مطالعات خود به دنبال بررسی و ارزیابی وضعیت ناکارآمدی نهادهای آموزش عالی و چاره‌یابی برای آن بوده‌اند (Abbott and Doucouliagos, 2003; Chang et al., 2009; Agha et al., 2011; Selim and Aybarc Bursalioglu, 2013; Brennan, Haelermans and Ruggiero, 2014; Goksen, Dogan and Ozkarabacak, 2015; Lee and Worthington, 2016; Visbal et al., 2017; Yanga, Fukuyamac and Song, 2018). در سطح داخلی نیز تلاش‌هایی توسط پژوهشگران در راستای ارزیابی وضعیت کارایی واحدهای دانشگاهی انجام شده است (دباغ و جواهریان، ۱۳۹۵؛ دباغ و صالحی، ۱۳۹۴؛ گودرزی، خسروی و عسکری، ۱۳۹۱؛ انتظاری، ۱۳۸۸). مشخص است که هر چه این تلاش‌ها هدفمندتر و برنامه‌ریزی شده‌تر انجام شوند، دستاوردهای آنها کمک بیشتری به ارتقا و بهبود کیفیت نظام آموزش عالی در سطح کلان و نهادهای دانشگاهی در سطح خرد خواهد کرد.

۱. بیان مسئله و مبانی نظری پژوهش

در راستای مقابله با محدودیت منابع و بهینه‌سازی استفاده از آنها با هدف مقابله با وضعیت ناکارآمدی نهادهای آموزش عالی تلاش‌های متعددی توسط پژوهشگران انجام شده است. این تلاش‌ها از ابعاد متنوع از جمله فقدان دسترسی به منابع اطلاعاتی و پایگاه داده‌های معتبر، چالش‌های روش‌شناسی و اقتصادسنجی، عدم رعایت شرط همگنی واحدهای دانشگاهی در مطالعات مقایسه‌ای ارزیابی کارایی دانشگاه، در نظر گرفتن وزن یکسان برای نهاده‌ها و ستانده‌های دانشگاهی، درجه متفاوت کارایی واحدهای دانشگاهی همسان با استفاده از روش‌های مختلف ارزیابی، تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب بهترین روش و ... با مسائل و چالش‌هایی مواجه بوده است. در ارزیابی کارایی واحدهای دانشگاهی؛ مسائل روش‌شناسی و اقتصادسنجی و نادیده گرفتن قواعد آنها همچون نادیده گرفتن ناهمگونی‌ها از ابعاد مختلف در تحلیل‌های مقایسه‌ای کارایی بین دانشگاه‌های مختلف چالشی اساسی است که منجر به تورش یافته‌ها و دستاوردهای تجربی شده و نتایج این مطالعات را نامعتبر می‌کند. در واقع تحلیل مقایسه‌ای کارایی بین دانشگاه‌های مختلف که برای دانشجویان تحت تعلیم در رشته‌ها و مقاطع مختلف، خدمات آموزشی عرضه می‌کنند، از یک رشته به رشته دیگر می‌روند و به همین ترتیب از یک مقطع به مقطع دیگر متفاوت است. در واقع باید ناهمگونی‌های جغرافیایی، بین‌رشته‌ای و بین مقطعی با استفاده از روش‌ها و فنون اثربخش مورد توجه و بررسی قرار گیرد تا ضمن تحقق دقت و عینیت تخمین میزان کارایی واحدهای دانشگاهی با استفاده از دستاوردهای حاصل بتوان برای تحلیل کارایی بین دانشگاه‌ها ارقام قابل مقایسه‌ای ارائه داد (نادری، ۱۳۸۲: ۲).

از طرفی دانشگاه‌های دولتی نهادهای کلاسیک با هدف حداکثرسازی سود نیستند، بلکه سازمان‌های غیرانتفاعی هستند که نمی‌توان کارایی آنها را با استفاده از روش‌های متعارف ارزیابی کالاها و خدمات شرکت‌های تجاری سودمحور ارزیابی کرد. افزون بر این کارکردهای نهادهای آموزش عالی مبتنی بر ویژگی تنوع نهاده‌ها و ستانده‌ها - چندین ورودی و چندین خروجی - است، به این معنا که دانشگاه‌ها از نهاده‌هایی نظیر منابع انسانی (دانشجویان ورودی و اعضای هیئت علمی) و منابع مالی (بودجه) برای تولید چندین

ستانده (آموزش، پژوهش، خدمات فنی، مشاوره‌ای و کارآفرینی) استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی اندازه‌گیری کارایی دانشگاه‌ها با چندین نهاد و ستانده مستلزم استفاده از روش‌هایی است که امکان اندازه‌گیری همزمان و مقایسه کارایی را در واحدهای مزبور فراهم کند (Parteka, Wolszczak-Derlacz and Prod, 2013: 68).

به‌طور کلی دو شیوه برای به دست آوردن و اندازه‌گیری کارایی وجود دارد که هر کدام از آنها انواع مختلفی از روش‌ها را به کار می‌گیرند. این دو شیوه شامل شیوه‌های پارامتری و ناپارامتری هستند. در روش پارامتری یک شکل از پیش تعیین شده برای تابع مرزی فرض می‌شود؛ در حالی که در روش ناپارامتری شکل تابعی خاص از پیش در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه براساس مشاهدات نمونه‌ای تابع مرزی برآورد می‌شود. روش تحلیل پوششی داده‌ها در رویکرد ناپارامتری یکی از روش‌های متعارف و پرکاربرد ارزیابی و تحلیل مقایسه‌ای کارایی است که از سال ۱۹۷۸ برای اولین بار توسط چارلز، کوپر و رودرز مطرح شد و همچنان به‌عنوان روشی مؤثر برای اندازه‌گیری کارایی نسبی نهادهای پیچیده از جمله نهادهای آموزش عالی و واحدهای دانشگاهی (واحدهای تصمیم‌گیری) مورد استفاده قرار می‌گیرد (Tse Kuaha and Yew Wonga, 2011: 500). معادله پایه کارایی اولین الگوی تحلیل پوششی داده‌ها با هدف حداکثرسازی نرخ کارایی یک واحد به‌عنوان نسبتی از نهاده‌ها و ستانده‌های موزون مبتنی بر بازده به مقیاس ثابت به قرار ذیل است.

$$Z = \frac{\sum_{i=1}^r u_i Y_{iq}}{\sum_{j=1}^m v_j x_{jq}} \quad (1)$$

$$\sum_{i=1}^r u_i y_{ik} \leq \sum_{j=1}^m v_j x_{jk}, k = 1, 2, \dots, n \quad (2)$$

$$u_i \geq \varepsilon, i = 1, 2, \dots, r \quad (3)$$

$$v_j \geq \varepsilon, j = 1, 2, \dots, m \quad (۴)$$

که در آن:

Z = ارزش کارایی واحد تصمیم‌گیرنده q ,

ε = مقدار ثابت،

x_{ik} = ارزش درونداد i ام برای واحد تصمیم‌گیرنده k ,

y_{ik} = ارزش ستانده‌ای i ام برای واحد تصمیم‌گیرنده k ,

v_i = وزن درونداد،

u_i = وزن ستانده.

حداقل مقدار ثابت (ε) این اطمینان را حاصل می‌کند که وزن تمام نهاده‌ها و ستانده‌ها مثبت است. صورت کسر معادله حداکثر و مخرج کسر حداقل است، اما از آنجاکه الگوی مزبور غیرخطی است برای سهولت حل معادله آن را به یک الگوی خطی تبدیل می‌کنیم که در این صورت خواهیم داشت.

$$\sum_{j=1}^m v_j x_{jq} = 1 \quad (۵)$$

این معادله به این معناست که مجموع تمام نهاده‌ها برابر یک است. فرمول نهایی برنامه‌ریزی خطی برای واحدهای تصمیم‌گیرنده معادل برنامه‌ریزی خطی به قرار ذیل خواهد بود.

$$Z = \sum_{i=1}^m u_i y_{iq} \quad (۶)$$

در شرایط معادله‌های (۲)، (۳)، (۴) و (۵) چنانچه ارزش نهایی کارایی برابر یک باشد، کارایی واحد تصمیم‌گیرنده بازده با مقیاس ثابت^۱ و واحدهای ناکارآمد ارزشی کمتر از یک خواهند داشت و معادله (۶) نیز بازده به مقیاس ثابت درونداد محور نامیده می‌شود.

الگوی بازده به مقیاس متغیر^۲ صورت اصلاح شده الگوی بازده به مقیاس ثابت

1. CCR Model

2. BCC Model

است و با فرض بازده به مقیاس متغیر مطرح می‌شود. در این الگو ناکارآمدی واحدهای تصمیم‌گیرنده در مقایسه با واحدهای مشابه خود مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. معادله بازده به مقیاس متغیر برای واحدهای تصمیم‌گیرنده به شرح زیر است.

$$\mathbb{Z} = \sum_{i=1}^r u_i y_{iq} + \mu \quad (7)$$

$$\sum_{i=1}^r u_i y_{ik} + \mu \leq \sum_{j=1}^m v_j x_{jk}, (3), (4), (5), \text{ and } \mu \in r$$

که $\mu =$ دوال متغیر با شرایط متفاوت است (Mikusova, 2015: 571-572). ویژگی دیگر روش تحلیل پوششی داده‌ها، الگوی ماهیت ورودی است. در صورتی‌که در فرایند ارزیابی با ثابت نگه داشتن سطح خروجی‌ها سعی در حداقل سازی ورودی‌ها داشته باشیم، ماهیت الگوی مورد استفاده ورودی است و اگر در فرایند ارزیابی با ثابت نگه داشتن سطح ورودی‌ها سعی در افزایش سطح خروجی داشته باشیم، ماهیت الگوی مورد استفاده خروجی است. مدیران دانشگاه‌ها در کاهش نهاده‌ها به دلایلی چون دولتی بودن (مثلاً کاهش در نیروی کار یا در میزان حقوق و ...) با محدودیت‌هایی مواجه‌اند و به همین دلیل با توجه به نوع نهاده‌ها و ستانده‌ها و سایر محدودیت‌های دانشگاه‌ها بهترین تصمیم برای افزایش کارایی، ماهیت خروجی محور^۱ است (خواجوی، سلیمی فرد و ربیعه، ۱۳۸۴: ۷۱).

یکی دیگر از روش‌های متعارف در ارزیابی کارایی واحدهای تولیدی، روش‌های پارامتری است که پیش فرض اولیه آن شکل خاص تابع تولید است که با تخمین آن پارامترهای یک تابع تولید مشخص حاصل و کارایی و ناکارایی واحدهای تحت بررسی معین می‌شود (دباغ و صالحی، ۱۳۹۴: ۱۱۱). رویکردهای پارامتری به دو دسته مدل‌های معین و تصادفی تقسیم می‌شوند. در الگوی اول ناکارایی تکنیکی به صورت فاصله بین تولید مشاهده شده و حداکثر تولید ممکن با استفاده از نهاده‌های موجود با این فرض

که هرگونه انحراف از مرز کارا تحت کنترل تولیدکننده است، نشان داده می‌شود؛ درحالی‌که شرایطی وجود دارد که تحت کنترل تولیدکننده نیست و می‌تواند بر ناکارایی بنگاه‌ها اثر بگذارند. در مقابل خطاهای مرزهای تصادفی تصریح و عوامل غیرقابل کنترل به صورت مستقل از ناکارایی بنگاه اقتصادی مدل‌سازی می‌شوند. تحلیل مرز تصادفی^۱ (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۸) در قالب تابع تولید کاب - داگلاس و فرم خطی لگاریتمی مرز تولید به صورت زیر تصریح می‌شود.

$$\ln y_i = \beta_0 + \sum_{n=1}^n \beta_n \ln x_{ni} + v_i - u_i$$

جزء $v_i - u_i$ جزء خطای ترکیبی است که u_i نشان‌دهنده شوک‌های تصادفی و نشان‌دهنده ناکارایی فنی است. فرض می‌شود که v_i دارای توزیع یکسان و مستقل باشد (رضوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۷). در الگوهای پارامتری با اعمال فرض توزیع مشخص برای جزء اخلاص تصادفی الگو و به‌کارگیری روش حداکثر درست‌نمایی^۲ می‌توان ناکارایی واحدها را تخمین زد (شهیک‌تاش و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹). در پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کارایی دانشگاه‌های منتخب با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها و روش تحلیل مرز تصادفی مبتنی بر تابع تولید کاب - داگلاس با فرم خطی لگاریتمی؛ به ترتیب الگوهای ذیل تصریح شده است.

$$\mathbb{Z} = \sum_{i=1}^m u_i y_{iq} \quad \text{بازده به مقیاس ثابت:}$$

$$\mathbb{Z} = \sum_{i=1}^r u_i y_{iq} + \mu \quad \text{بازده به مقیاس متغیر:}$$

-
1. Stochastic Frontier Models (SFM)
 2. Maximum Likelihood

جدول ۱. متغیرهای منتخب ورودی و خروجی الگوهای کارایی تحلیل پوششی

نوع الگو	نهاده‌ها	ستانده‌ها	الگو
الگوی اول: کارایی کل	اعضای هیئت علمی معیار دانشجویان ورودی معیار کارکنان بودجه	فارغ التحصیلان معیار، دانشجویان شاغل به تحصیل معیار، درآمد اختصاصی، مقالات پژوهشی.	بازده ثابت و متغیر به مقیاس خروجی محور
الگوی دوم: کارایی آموزش	اعضای هیئت علمی معیار دانشجویان ورودی معیار کارکنان بودجه	فارغ التحصیلان معیار، دانشجویان شاغل به تحصیل معیار، درآمد اختصاصی.	بازده ثابت و متغیر به مقیاس خروجی محور
الگوی سوم: کارایی پژوهشی	اعضای هیئت علمی معیار دانشجویان ورودی معیار بودجه	مقالات همایشی وزن دهی شده، درآمد اختصاصی.	بازده ثابت و متغیر به مقیاس خروجی محور

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

$$\ln y_i = \beta_0 + \sum_{i=1}^3 \beta_i \ln x_{ji} + \sum_{j \leq k} \sum_{i=1}^3 \beta_{ik} \ln x_{ji} \ln x_{ki} + u_i - v_i$$

جدول ۲. متغیرهای منتخب ورودی و خروجی الگوهای کارایی مرز تصادفی

نوع الگو		نهاده			ستانده	جملات خطا	
الگوی اول: آموزش دانشگاه‌های (منتخب)	X1: لگاریتم تعداد اعضای هیئت علمی معیار	X2: لگاریتم تعداد دانشجویان معیار	X3: لگاریتم تعداد کارکنان	X4: لگاریتم بودجه	Y: لگاریتم شاخص ترکیبی تعداد فارغ التحصیلان و دانشجویان معیار	V: جمله خطای تصادفی	U: جمله خطای معیار
	الگوی دوم: پژوهش دانشگاه‌های (جامع)	X1: لگاریتم تعداد دانشجویان معیار	X3: لگاریتم تعداد اعضای هیئت علمی معیار	X2: لگاریتم بودجه	Y: لگاریتم مقالات موزون همایشی	V: جمله خطای تصادفی	U: جمله خطای معیار

مأخذ: همان.

۲. داده‌ها و الگوهای پژوهش

ارزیابی وضعیت کارایی دانشگاه‌ها با اتکا به داده‌های مستخرج از وبسایت مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، پورتال وزارت امور اقتصادی و دارایی و همچنین پایگاه

استنادی علوم جهان اسلام^۱ برای سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۲ و ۱۳۹۴-۱۳۹۳ با رعایت قاعده خوشه‌بندی و همگنی^۲ برای ۲۷ دانشگاه شامل دانشگاه‌های (تبریز، ارومیه، اصفهان، تهران، شهید بهشتی، فردوسی مشهد، شهید چمران اهواز، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، شیراز، قم، شهید باهنر کرمان، رازی، گیلان، مازندران، یزد، بوعلی سینا، یاسوج، الزهرا، شهرکرد، بیرجند، محقق اردبیلی، لرستان، هرمزگان، گلستان و زابل) به عنوان دانشگاه‌های جامع و بزرگ که در سال‌های مورد مطالعه متناسب با رسالت خود، تقریباً در اکثر گروه‌های آموزشی و مقاطع تحصیلی به فعالیت‌های آموزشی پرداخته‌اند؛ به دو روش تحلیل پوششی داده‌ها و روش تحلیل مرز تصادفی^۴ به طور جداگانه انجام شده است. با لحاظ چند قاعده اساسی^۵ در ارتباط با متغیرهای پژوهش برای ارزیابی کارایی دانشگاه‌های منتخب، تعداد ۶ متغیر^۶ معیار و سه متغیر پایه به شرح جدول ۳ استفاده شده است.

1. Islamic World Science Citation Center (ISC)

۲. انتخاب دوره زمانی مذکور به دلیل امکان دسترسی به داده‌های مورد نیاز (به خصوص آمار دانش‌آموختگان) در زمان انجام تحلیل‌ها بوده است.

۳. مسئله بسیار مهم در بررسی بهره‌وری و کارایی نسبی دانشگاه‌ها توجه به خوشه‌بندی و همگن بودن واحدهای مورد بررسی است. دانشگاه‌های زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در خوشه‌های متفاوتی مثل دانشگاه‌های جامع که بیشتر گروه‌های آموزشی را دارند، دانشگاه‌های صنعتی و تخصصی که تمرکز بر گروه آموزشی فنی و مهندسی است و دانشگاه‌های ویژه مثل دانشگاه علامه طباطبائی و خوارزمی قابل تفکیک هستند (دباغ و جواهریان، ۱۳۹۵).

4. Stochastic Frontier Analysis

۵. الف) محاسبه داده‌های مربوط به هر یک از سال‌های مزبور به صورت جداگانه با هدف حذف اثر عوامل زمان و تورم؛ ب) استفاده از داده‌های وزن‌دهی شده برای متغیرهای منتخب با هدف حذف اثر وزن متفاوت سطوح تحصیلی دانشجویان و رتبه علمی اعضای هیئت علمی و بی‌مقیاس‌سازی آنها؛ ج) رعایت نسبت تعداد واحدهای تصمیم‌گیرنده در مقایسه با تعداد ورودی‌ها و خروجی‌ها، در چارچوب رابطه [تعداد خروجی‌ها + تعداد ورودی‌ها] * ۳ ≥ تعداد واحدهای تصمیم‌گیرنده تحت بررسی] (خواجوی، سلیمی‌فرد و ربیعه، ۱۳۸۴: ۷۹)؛ د) تبدیل مجموع وزن‌دار متغیرهای اصلی انتخاب شده با ضرایب وزنی مبتنی بر آیین‌نامه‌ها و ضوابط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به متغیرهای نهایی تحت عنوان متغیرهای معیار شده با توجه به گستردگی گروه‌بندی برخی ورودی‌ها و خروجی‌های دانشگاه (دباغ و صالحی، ۱۳۹۴: ۲۰)؛ ه) استفاده از بودجه جاری و عمرانی جهت ارزیابی ستانده‌های آموزش و پژوهش واحدهای دانشگاهی و مقایسه کارایی بین واحدها با هدف ملحوظ داشتن کل اعتبارات در مخارج آموزشی؛ و) استفاده از شاخص درآمد اختصاصی در ارزیابی وضعیت کارایی با توجه به اثر درآمد فعالیت‌هایی نظیر اجاره فضای کالبدی (فضای آموزشی - خوابگاهی، ورزشی و ...) و ارائه خدمات مشاوره‌ای در فرایند عملکردهای اصلی دانشگاه. ۶. انتخاب متغیرها مبتنی بر پیشینه مطالعات تجربی داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش انجام شده است.

جدول ۳. متغیرهای منتخب ورودی و خروجی پژوهش

متغیرهای ورودی	متغیرهای خروجی
تعداد دانشجویان ورودی معیار ^۱	تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل معیار ^۲
	تعداد دانش‌آموختگان معیار ^۳
تعداد اعضای هیئت علمی معیار ^۴	ترکیب تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل و دانش‌آموختگان معیار ^۵
تعداد کارکنان	همایش‌های معیار ^۶
بودجه جاری و عمرانی (میلیون ریال)	درآمد اختصاصی (میلیون ریال)

مأخذ: همان.

۳. تحلیل داده‌ها و دستاوردهای پژوهش

۳-۱. تحلیل‌های توصیفی

اطلاعات جدول ۴ در خصوص وضعیت توزیع متغیرهای پژوهش طی سال‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که دانشگاه‌های مورد بررسی در سال ۱۳۹۴ در مقایسه با سال ۱۳۹۳ میانگین متغیرهای تعداد اعضای هیئت علمی معیار، بودجه و درآمد اختصاصی،

- تعداد دانشجوی معیار = (تعداد دانشجویان دکتری تخصصی $\times 3$) + (تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد $\times 1/6$) + (تعداد دانشجویان کاردانی و کارشناسی $\times 1$).
- با این فرض که دانشجویان در حال تحصیل به‌طور متوسط نیمی از سال‌های تحصیل خود را در سطوح متفاوت تحصیلی طی کرده‌اند. می‌توان هر دو دانشجوی در حال تحصیل در هر یک از سطوح را به ازای یک دانش‌آموخته و مبتنی بر قاعده وزن دهی، نیمی از وزن هر سطح را ملحوظ و آنها را معیارسازی کرد. تعداد دانشجوی شاغل به تحصیل معیار = (تعداد دانشجویان در حال تحصیل دکتری تخصصی $\times 1/5$) + (تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد در حال تحصیل $\times 1/8$) + (تعداد دانشجویان کاردانی و کارشناسی در حال تحصیل $\times 1/5$).
- تعداد دانش‌آموخته معیار = (تعداد دانشجویان دکتری تخصصی $\times 3$) + (تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد $\times 1/6$) + (تعداد دانشجویان کاردانی و کارشناسی $\times 1$).
- تعداد اعضای هیئت علمی معیار = (تعداد استاد $\times 5$) + (تعداد دانشیار $\times 4$) + (تعداد استادیار $\times 3$) + (تعداد مربی $\times 2$) + (تعداد مربی آموزشیار $\times 1$).
- مجموع متغیرهای دانش‌آموخته معیار و دانشجویان معیار در حال تحصیل معیار به‌عنوان یک متغیر خروجی ترکیبی در نظر گرفته شده است.
- تعداد همایش‌های وزن دهی شده (همایش $\times 2$).

دانشجویان شاغل به تحصیل معیار و مقالات موزون همایشی با افزایش و متغیرهای تعداد دانشجویان ورودی معیار، کارکنان، دانش‌آموختگان و ترکیب دانشجویان شاغل به تحصیل و دانش‌آموختگان معیار با کاهش همراه بوده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی متغیرهای الگوهای پژوهش در دانشگاه‌های منتخب به تفکیک سال‌های مورد بررسی

آماره متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
دانشگاه‌های جامع	۱۳۹۳				۱۳۹۴			
تعداد اعضای هیئت علمی	۱۸۶۷/۲۲	۲۳۲۵/۹۶	۵۵۲	۱۲۸۵۶	۲۰۱۶/۸۱	۲۴۶۰/۴۱	۳۶۸	۱۳۷۲۶
تعداد دانشجویان ورودی	۵۱۷۰/۲۹	۴۲۷۴/۶۲	۱۰۵۶	۲۴۱۰۲	۴۷۶۴/۴۱	۳۸۵۷/۸۶	۱۱۶۴/۲	۲۲۰۷۷/۶
تعداد کارکنان	۸۰۰/۲۵	۷۴۹/۸۲	۱۱۸	۳۸۳۴	۷۵۴/۳۳	۶۹۲/۰۰	۱۱۸	۳۷۴۳
بودجه	۸۸۰۵۲۱/۹	۶۰۹۸۶۰/۹	۲۱۴۳۴۸	۳۴۰۸۹۵۱	۱۰۶۰۷۱۹	۶۸۱۸۸۴/۵	۲۳۷۴۳۴	۳۹۳۱۴۵۳
درآمد اختصاصی	۲۱۳۸۴۱/۲	۴۱۹۶۹۶/۴	۱۰۰۰۰	۲۱۱۰۰۰۰	۲۵۳۲۴۱/۹	۴۸۳۳۷۳/۹	۱۸۰۰۰	۲۴۶۰۰۰۰
تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل	۴۶۱۴/۰۷	۳۲۴۷/۵۶	۱۱۵۷/۵	۱۸۰۰۷/۹	۴۶۳۲/۸۹	۳۱۵۰/۷۶	۹۴۵/۲۵	۱۷۷۲۴/۰۵
تعداد فارغ‌التحصیلان	۳۰۹۹/۲۳	۲۳۳۵/۹۰	۵۱۲	۱۲۴۰۲/۲	۲۸۱۴/۱۳	۲۱۸۸/۱۱	۲۱۴/۶	۱۱۵۲۷/۴
ترکیب تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل و دانش‌آموختگان	۷۷۱۳/۳	۵۵۳۶/۴۴	۱۶۶۹/۵	۳۰۴۱۰/۱	۷۴۴۷/۰۲	۵۲۳۳/۳۲	۱۱۵۹/۸۵	۲۹۲۵۱/۴۵
تعداد مقالات همایشی	۱۹۷۴/۵۱	۱۶۰۴/۱۴	۳۱۰	۸۵۱۴	۲۲۷۷/۶۳	۱۸۲۰/۲۳	۵۳۴	۹۸۹۲

مأخذ: همان.

۳-۲. تحلیل‌های استنباطی

۳-۲-۱. تحلیل کارایی واحدهای دانشگاهی منتخب به روش تحلیل پوششی داده‌ها

با توجه به ورودی‌ها و خروجی‌های منتخب موزون و معیار شده با استفاده از روش ناپارامتری تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی نسبی و رتبه‌بندی واحدهای دانشگاهی برای سه الگوی طراحی شده برآورد شده است.

الگوی ارزیابی کارایی کل در دانشگاه‌های جامع: اطلاعات مربوط به متغیرهای ورودی و

خروجی نشان دهنده فاصله نسبی آنها از مرز کارایی است. میزان کارایی فنی دانشگاه‌ها در دو وضعیت بازده به مقیاس ثابت و بازده به مقیاس متغیر به جهت همگنی واحدها تقریباً بالاست که بیانگر مشابهت اصول و عملکرد حاکم بر فضای فعالیت دانشگاه‌های منتخب است. با توجه به میزان کارایی هر یک از واحدهای دانشگاهی در سال‌های مورد مطالعه دانشگاه‌ها در سه گروه ذیل قرار دارند:

الف) دانشگاه‌هایی که در هر دو وضعیت بازده ثابت و متغیر به مقیاس بر روی مرز کارا (کارایی معادل ۱۰۰ درصد) قرار گرفته‌اند؛

ب) دانشگاه‌هایی که در وضعیت بازده ثابت به مقیاس، میزان کارایی آنها بالاتر از متوسط کارایی کل دانشگاه‌هاست و از کارایی بالا و نزدیک به مرز کارا برخوردارند، دانشگاه‌های (۸-۲۱-۲۲) در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ و دانشگاه (۱۲) در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳؛

ج) دانشگاه‌هایی که در وضعیت بازده متغیر به مقیاس، کارایی بالاتر از متوسط کارایی کل دانشگاه‌ها را تجربه کرده‌اند، دانشگاه‌های (۸-۲۱-۲۲) برای سال ۱۳۹۳. سایر واحدهای دانشگاهی در تمامی گروه‌ها در وضعیت کارایی پایین‌تر از میانگین کارایی کل قرار دارند.

در خصوص تعیین وضعیت نوع بازدهی به مقیاس نیز دانشگاه‌های (۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۵-۲۷) و (۳-۴-۵-۶-۷-۹-۱۰-۱۱-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۵-۲۷) به ترتیب سال تحصیلی ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، دارای وضعیت بازدهی ثابت به مقیاس هستند. دانشگاه‌های دارای وضعیت بازده صعودی نسبت به مقیاس، به ترتیب سال‌های مورد بررسی شامل دانشگاه‌های (۹-۲۴) و (۸-۱۲-۱۹-۲۴) می‌توانند با توسعه و گسترش خدمات دانشگاهی و با به‌کارگیری نهادهای بیشتر بر میزان کارایی خود بیفزایند و دانشگاه‌هایی که به ترتیب سال در وضعیت بازدهی نزولی به مقیاس فعالیت کرده‌اند یعنی دانشگاه‌های (۱) و (۱-۲) چنانچه فعالیت‌های خود را با افزایش استفاده از نهادهای توسعه دهند، کارایی آنها کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۵. میزان کارایی و رتبه بندی واحدهای دانشگاهی منتخب در الگوی کارایی کل

واحدهای دانشگاهی منتخب (دانشگاه‌های جامع)						واحدهای دانشگاهی منتخب (دانشگاه‌های جامع)							
۱۳۹۳-۱۳۹۴			۱۳۹۲-۱۳۹۳			۱۳۹۳-۱۳۹۴			۱۳۹۲-۱۳۹۳			محوریت‌الگو واحدهای دانشگاهی	
نوع بازدهی	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس	نوع بازدهی	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس	نوع بازدهی	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس	نوع بازدهی	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس		
به مقیاس	کارایی رتبه	کارایی رتبه	به مقیاس	کارایی رتبه	کارایی رتبه	به مقیاس	کارایی رتبه	کارایی رتبه	به مقیاس	کارایی رتبه	کارایی رتبه		
ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	یزد ۱۷	کاهشی	۰/۹۵	۰/۸۸	کاهشی	۱	۰/۹۴	تبریز ۱
	۱	۱		۱	۱		کاهشی	۰/۸۹	۰/۸۷		۰/۸۸	۰/۸۷	
ثابت	۱	۱	ثابت	۰/۸۳	۰/۸۳	بوعلی‌سینا ۱۸	ثابت	۱	۱	ثابت	۰/۹۰	۰/۸۹	اصفهان ۳
	۱	۱		۲۷	۲۶		ثابت	۱	۱		۲۳	۲۲	
افزایشی	۱	۰/۹۲	ثابت	۱	۱	یاسوج ۱۹	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	تهران ۴
	۱	۱۹		۱	۱		ثابت	۱	۱		۱	۱	
ثابت	۰/۸۹	۰/۸۹	ثابت	۰/۸۶	۰/۸۶	الزهرا ۲۰	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	شهید بهشتی ۵
	۲۶	۲۳		۲۵	۲۵		ثابت	۱	۱		۱	۱	
ثابت	۱	۱	ثابت	۰/۹۷	۰/۹۷	شهرکرد ۲۱	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	فردوسی مشهد ۶
	۱	۱		۲۲	۱۹		ثابت	۱	۱		۱	۱	
ثابت	۰/۹۰	۰/۸۹۸	ثابت	۰/۹۹۹	۰/۹۹	بیرجند ۲۲	ثابت	۱	۱	ثابت	۰/۸۵	۰/۸۲	شهید چمران اهواز ۷
	۲۴	۲۲		۲۰	۱۷		ثابت	۱	۱		۲۶	۲۷	
ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	محقق اردبیلی ۲۳	افزایشی	۰/۹۵	۰/۹۲	ثابت	۰/۹۹	۰/۹۸	زنجان ۸
	۱	۱		۱	۱		افزایشی	۲۳	۲۰		۳۱	۱۸	
افزایشی	۰/۹۷	۰/۹۲	افزایشی	۱	۰/۹۲	لرستان ۲۴	ثابت	۱	۱	افزایشی	۱	۰/۸۸	سمنان ۹
	۲۱	۲۱		۱	۲۱		ثابت	۱	۱		۱	۲۳	
ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	هرمزگان ۲۵	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	سیستان و بلوچستان ۱۰
	۱	۱		۱	۱		ثابت	۱	۱		۱	۱	
افزایشی	۱	۰/۸۹	ثابت	۱	۱	گلستان ۲۶	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	شیراز ۱۱
	۱	۲۴		۱	۱		ثابت	۱	۱		۱	۱	
ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	زابل ۲۷	افزایشی	۱	۰/۹۷	ثابت	۱	۱	قم ۱۲
	۱	۱		۱	۱		افزایشی	۱	۱۸		۱	۱	
۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۶	میانگین	ثابت	۱	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	شهید باهنر کرمان ۱۳
۱	۱	۱	۱	حداکتر	ثابت	۰/۸۶	ثابت	۰/۸۶	۲۷	ثابت	۱	۱	رازی ۱۴
۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۸۳	۰/۸۳	حداقل	ثابت	۱	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	گیلان ۱۵
۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	انحراف استاندارد	ثابت	۱	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	مازندران ۱۶

مأخذ: همان.

نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد میانگین کارایی کل دانشگاه‌های جامع از سال ۱۳۹۳ به ۱۳۹۴ در الگوی بازده ثابت به مقیاس معادل ۰/۹۶ به ۰/۹۶ درصد یکسان و در الگوی بازده متغیر به مقیاس از ۰/۹۷ به ۰/۹۸ درصد افزایش یافته است. یافته‌های حاصل بیانگر افزایش کارایی و استفاده بهینه منابع در دانشگاه‌های جامع است.

الگوی ارزیابی کارایی فعالیت آموزشی: با استفاده از اطلاعات مربوط به متغیرهای ورودی (تعداد اعضای هیئت علمی، تعداد دانشجویان، تعداد کارکنان و بودجه) و خروجی (درآمد اختصاصی، تعداد دانش‌آموختگان و دانشجویان در حال تحصیل معیار) به ترتیب سال‌های مورد بررسی، دانشگاه‌های (۴-۵-۶-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۹-۲۳-۲۵-۲۶-۲۷) و (۳-۴-۵-۶-۹-۱۰-۱۱-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۲۱-۲۳-۲۵-۲۷)؛ در هر دو وضعیت بازده ثابت و متغیر به مقیاس بر روی مرز کارا قرار گرفته‌اند. همچنین به ترتیب سال‌های تحصیل، دانشگاه‌های (۴۲) و (۷-۱۲) در وضعیت بازده ثابت به مقیاس از میزان کارایی بالاتر از متوسط و دانشگاه‌های (۴۲-۴۴) و (۴۴) در وضعیت بازده متغیر به مقیاس کارایی بالاتر از متوسط را تجربه کرده‌اند. سایر واحدها، از کارایی پایین‌تر از متوسط کارایی آموزشی برخوردارند.

الگوی ارزیابی کارایی فعالیت پژوهشی: با استفاده از اطلاعات مربوط به متغیرهای ورودی (تعداد اعضای هیئت علمی، تعداد دانشجویان و بودجه) و خروجی (درآمد اختصاصی، تعداد مقالات موزون همایشی) به ترتیب سال‌های مورد بررسی دانشگاه‌های (۴-۵-۶-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۹-۲۳-۲۵-۲۶-۲۷) و (۳-۴-۵-۶-۹-۱۰-۱۱-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۲۱-۲۳-۲۵-۲۶-۲۷) در هر دو وضعیت بازده ثابت و متغیر به مقیاس بر روی مرز کارا قرار گرفته‌اند. همچنین به ترتیب سال‌های مورد بررسی، دانشگاه‌های (۳-۸-۱۰-۱۱-۱۵-۲۳-۲۵) و (۱-۳-۷-۸-۱۰-۱۱-۱۵-۱۸-۲۱-۲۶-۲۷) در وضعیت بازده ثابت به مقیاس از میزان کارایی بالاتر از متوسط برخوردارند و دانشگاه‌های (۱-۸-۹-۱۰-۱۱-۲۴-۲۵) و (۱-۳-۷-۸-۱۰-۱۵-۱۸-۲۷) در وضعیت بازده متغیر به مقیاس، کارایی بالاتر از متوسط را تجربه کرده‌اند.

جدول ۶. میزان کارایی و رتبه بندی دانشگاه‌های جامع در الگوی کارایی آموزشی و پژوهشی

واحدهای دانشگاهی منتخب (دانشگاه‌های جامع) (الگوی آموزش)				واحدهای دانشگاهی منتخب (دانشگاه‌های جامع) (الگوی پژوهش)			
۱۳۹۲-۱۳۹۳		۱۳۹۳-۱۳۹۴		۱۳۹۲-۱۳۹۳		۱۳۹۳-۱۳۹۴	
نوع بازدهی به مقیاس	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس	نوع بازدهی به مقیاس	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس	نوع بازدهی به مقیاس	بازده متغیر به مقیاس
	کارایی رتبه	کارایی رتبه		کارایی رتبه	کارایی رتبه		کارایی رتبه
محدودیت الگوی واحدهای دانشگاهی		محدودیت الگوی واحدهای دانشگاهی		محدودیت الگوی واحدهای دانشگاهی		محدودیت الگوی واحدهای دانشگاهی	
کاهشی	۰/۹۴	۰/۷۸	ثابت	۰/۸۹	۰/۷۶	تیریز ۱	ثابت
	۸	۱۵		۱۵	۱۵		۰/۹۱
کاهشی	۰/۶۱	۰/۵۸	ثابت	۰/۵۳	۰/۵۲	ارومیه ۲	کاهشی
	۲۱	۲۰		۲۵	۲۴		۰/۸۹
کاهشی	۰/۸۸	۰/۸۷	ثابت	۰/۸۱	۰/۸۱	اصفهان ۳	ثابت
	۱۴	۱۱		۱۹	۱۲		۱
ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	تهران ۴	ثابت
	۱	۱		۱	۱		۱
ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	شهید بهشتی ۵	ثابت
	۱	۱		۱	۱		۱
کاهشی	۱	۰/۸۱	ثابت	۱	۱	فردوسی مشهد ۶	ثابت
	۱	۱۴		۱	۱		۱
افزایشی	۰/۸۸	۰/۸۸	ثابت	۰/۸۲	۰/۷۳	شهید چمران اهواز ۷	کاهشی
	۱۳	۸		۱۸	۱۶		۱
افزایشی	۰/۹۲	۰/۹۰	افزایشی	۰/۹۹	۰/۹۸	زنجان ۸	افزایشی
	۹	۷		۱۱	۷		۰/۸۴
افزایشی	۰/۵۵	۰/۵۵	افزایشی	۰/۸۹	۰/۷۷	سمنان ۹	ثابت
	۲۳	۲۲		۱۶	۱۴		۱
افزایشی	۰/۸۹	۰/۸۷	افزایشی	۰/۹۵	۰/۹۲	سیستان و بلوچستان ۱۰	ثابت
	۱۲	۱۲		۱۳	۱۰		۱
کاهشی	۰/۷۷	۰/۷۶	ثابت	۰/۸۵	۰/۸۴	شیراز ۱۱	ثابت
	۱۸	۱۷		۱۷	۱۱		۱

واحدهای دانشگاهی منتخب (دانشگاه‌های جامع) (الگوی پژوهش)				واحدهای دانشگاهی منتخب (دانشگاه‌های جامع) (الگوی آموزش)					
۱۳۹۳-۱۳۹۴		۱۳۹۲-۱۳۹۳		۱۳۹۳-۱۳۹۴		۱۳۹۲-۱۳۹۳		واحدهای دانشگاهی محوریت الگو	
نوع بازدهی به مقیاس	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس	نوع بازدهی به مقیاس	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس	نوع بازدهی به مقیاس	بازده متغیر به مقیاس		
	کارایی رتبه	کارایی رتبه		کارایی رتبه	کارایی رتبه		کارایی رتبه		کارایی رتبه
افزایشی	۰/۴۴	۰/۴۰	افزایشی	۰/۶۰	۰/۴۱	افزایشی	۰/۹۷	ثابت	قم ۱۲
	۲۶	۲۷		۲۴	۲۶		۱		
ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	کاهشی	۰/۹۲	ثابت	شهید باهنر کرمان ۱۳
	۱	۱		۱	۱		۲۱		
کاهشی	۰/۴۸	۰/۴۵	ثابت	۰/۷۱	۰/۷۱	ثابت	۰/۸۶	ثابت	رازی ۱۴
	۲۴	۲۵		۲۳	۲۰		۲۶		
کاهشی	۰/۹۲	۰/۸۷	کاهشی	۱	۰/۹۷	ثابت	۱	ثابت	گیلان ۱۵
	۱۰	۹		۱	۹		۱		
کاهشی	۰/۵۸	۰/۵۷	افزایشی	۰/۷۶	۰/۷۳	ثابت	۱	ثابت	مازندران ۱۶
	۲۲	۲۱		۲۱	۱۷		۱		
ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	ثابت	یزد ۱۷
	۱	۱		۱	۱		۱		
افزایشی	۰/۸۴	۰/۸۳	ثابت	۰/۷۲	۰/۷۰	ثابت	۱	ثابت	بوعلی سینا ۱۸
	۱۵	۱۳		۲۲	۲۱		۱		
افزایشی	۰/۷۲	۰/۵۱	افزایشی	۱	۰/۵۷	افزایشی	۱	ثابت	یاسوج ۱۹
	۱۹	۲۳		۱	۲۳		۱		
افزایشی	۰/۴۷	۰/۴۶	افزایشی	۰/۳۲	۰/۳۱	ثابت	۰/۸۹	ثابت	الزهرا ۲۰
	۲۵	۲۴		۲۷	۲۷		۲۵		
افزایشی	۰/۷۹	۰/۷۷	افزایشی	۰/۷۹	۰/۷۲	ثابت	۱	ثابت	شهرکرد ۲۱
	۱۶	۱۶		۲۰	۱۸		۱		
افزایشی	۰/۴۳	۰/۴۳	افزایشی	۰/۵۰	۰/۴۹	ثابت	۰/۹۰	ثابت	بیرجند ۲۲
	۲۷	۲۶		۲۶	۲۵		۲۳		
ثابت	۱	۱	افزایشی	۱	۰/۹۸	ثابت	۱	ثابت	محقق اردبیلی ۲۳
	۱	۱		۱	۸		۱		

واحدهای دانشگاهی منتخب (دانشگاه‌های جامع) (الگوی پژوهش)				واحدهای دانشگاهی منتخب (دانشگاه‌های جامع) (الگوی آموزش)									
۱۳۹۳-۱۳۹۴		۱۳۹۲-۱۳۹۳		۱۳۹۳-۱۳۹۴		۱۳۹۲-۱۳۹۳							
نوع بازدهی به مقیاس	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس	نوع بازدهی به مقیاس	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس	نوع بازدهی به مقیاس	بازده متغیر به مقیاس	بازده ثابت به مقیاس					
	کارایی رتبه	کارایی رتبه		کارایی رتبه	کارایی رتبه		کارایی رتبه	کارایی رتبه	کارایی رتبه				
محوریت الگو				محوریت الگو									
افزایشی	۰/۷۸	۰/۷۵	افزایشی	۰/۹۱	۰/۷۱	افزایشی	۰/۹۷	۰/۹۲	ثابت	۰/۹۹	۰/۹۲	۲۴	لرستان
	۱۷	۱۸		۱۴	۱۹		۲۰	۱۹		۱۹	۱۹		
افزایشی	۰/۷۱	۰/۶۳	افزایشی	۰/۹۸	۰/۷۸	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	۲۵	هرمزگان
	۲۰	۱۹		۱۲	۱۳		۱	۱		۱	۱		
افزایشی	۱	۰/۸۷	افزایشی	۱	۰/۵۸	افزایشی	۱	۰/۸۵	ثابت	۱	۱	۲۶	گلستان
	۱	۱۰		۱	۲۲		۱	۲۶		۱	۱		
افزایشی	۰/۹۱	۰/۸۹	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	ثابت	۱	۱	۲۷	زابل
	۱۱	۷		۱	۱		۱	۱		۱	۱		
	۰/۸۰	۰/۷۶		۰/۸۵	۰/۷۸		۰/۹۷	۰/۹۶		۰/۹۶	۰/۹۵		میانگین
	۱	۱		۱	۱		۱	۱		۱	۱		حداکثر
	۰/۴۳	۰/۴۰		۰/۳۲	۰/۳۱		۰/۸۴	۰/۸۳		۰/۸۳	۰/۸۱		حداقل
	۰/۱۹	۰/۲۰		۰/۱۸	۰/۲۰		۰/۰۵	۰/۰۵		۰/۰۵	۰/۰۶		انحراف استاندارد

مأخذ: همان.

در الگوی کارایی آموزشی دانشگاه‌ها از سال ۱۳۹۳ به ۱۳۹۴ با دو الگوی بازده ثابت به مقیاس و بازده متغیر به مقیاس خروجی محور به ترتیب از ۰/۹۵ به ۰/۹۶ درصد و از ۰/۹۶ به ۰/۹۷ درصد افزایش یافته است. همچنین در خصوص الگوی ارزیابی کارایی پژوهشی نیز میانگین کارایی دانشگاه‌ها از سال ۱۳۹۳ به ۱۳۹۴ با ملحوظ داشتن هر دو الگوی بازده ثابت به مقیاس و بازده متغیر به مقیاس خروجی محور به ترتیب از ۰/۷۸ به ۰/۷۶ درصد و از ۰/۸۵ به ۰/۸۰ درصد کاهش یافته است.

۲-۲-۳. تحلیل کارایی واحدهای دانشگاهی منتخب با روش تحلیل رگرسیون

۱-۲-۲-۳. آزمون ناهمسانی واریانس بین متغیرهای پژوهش

یکی از فروض رگرسیون خطی به روش حداقل مربعات معمولی^۱ این است که تمامی جملات پسماند دارای واریانس برابرند، این در حالی است که در بسیاری از نمونه‌ها به دلایل مختلفی از قبیل شکل نادرست تابع مدل، وجود نقاط پرت، شکست ساختاری در جامعه آماری، یادگیری در طی زمان و ...، شاهد پدیده واریانس ناهمسانی هستیم که می‌تواند آزمون‌های معنادار آماری را نامعتبر کند. برای بررسی این مشکل آزمون‌هایی از قبیل آزمون وایت، آزمون پارک، آزمون گلجسر، آزمون گولدفلد - کوانت و آزمون بروش - پاگان توسط اقتصاددانان مختلف معرفی شده است (سیفی پور و نظری، ۱۳۹۵: ۸). جدول ۷ آزمون ناهمسانی وایت را برای الگوهای آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌های جامع در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۲ و ۱۳۹۴-۱۳۹۳ مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به مقدار آماره F و سطح معناداری حاصل؛ فرض صفر برای متغیرهای آموزش در سطح معناداری ۰/۰۵ در هر دو سال مورد مطالعه تأیید و برای متغیرهای پژوهش در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ در سطح ۰/۰۱ تأیید می‌شود.

جدول ۷. آزمون ناهمسانی وایت برای الگوی کارایی آموزش و پژوهش در دانشگاه‌های جامع

عملکرد	دانشگاه جامع	آماره	مقدار آماره	p-valu
آموزش	۱۳۹۳-۱۳۹۲	F	۲۵/۳۲	۰/۱۵
		**Obs*R2	۲۰/۷۷	۰/۱۱
	۱۳۹۴-۱۳۹۳	F	۱۹/۴۳	۰/۴۲
		**Obs*R2	۱۳/۲۹	۰/۵
پژوهش	۱۳۹۳-۱۳۹۲	F	۱۰/۳۳	۰/۶
		**Obs*R2	۷/۸۹	۰/۵
	۱۳۹۴-۱۳۹۳	F	۲۲/۹۷	۰/۰۴***
		Obs*R2	۱۷/۸۲	۰/۰۳*

* فرض صفر نشان از همسانی واریانس جملات اخلال است.

** آماره براساس توزیع کای دو توزیع شده است.

*** در سطح معناداری ۰/۰۱.

۲-۲-۳. آزمون همخطی^۱ بین متغیرها

همخطی وضعیتی است که دو یا چند متغیر توضیحی در رگرسیون به یکدیگر بسیار وابسته‌اند. در تابع تولید پژوهش حاضر؛ آموزش دانشگاهی، بودجه و اعضای هیئت علمی که به صورت همزمان در فرایند تولیدات دانشی مورد استفاده قرار می‌گیرند با هم افزایش یا کاهش می‌یابند. در صورت وجود مشکل همخطی وقتی رگرسیون انجام شود، واریانس یا انحراف معیار ضرایب بزرگتر از حد محاسبه می‌شوند و بنابراین آماره (t) کوچک و اکثر قریب به اتفاق ضرایب معنادار نیستند. برای اطمینان از نبود همخطی بین متغیرها از شاخص عامل تورم واریانس^۲ استفاده شده است. با مبنا قرار دادن مقدار عامل تورم واریانس (VIF=10) به عنوان مقدار آستانه، مقدار عددی (VIF ≤ 10) برای متغیرهای پژوهش بیانگر عدم وجود همخطی بین متغیرهاست.

اطلاعات جدول ۸ در خصوص مقادیر عامل تورم واریانس با هدف بررسی وجود همخطی بین متغیرهای آموزش و پژوهش در دانشگاه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد، عدم وجود همخطی در ارتباط با الگوی پژوهش با دو متغیر ورودی (تعداد اعضای هیئت علمی معیار و تعداد دانشجویان ورودی معیار) و خروجی (مقالات موزون همایشی) برای سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ مورد تأیید است. در خصوص الگوی آموزش اگرچه وجود همخطی در ارتباط با دو متغیر ورودی (تعداد دانشجویان ورودی معیار و تعداد کارکنان) تأیید می‌شود، اما وجود همخطی در مورد متغیر ورودی تعداد اعضای هیئت علمی با توجه به اینکه متغیر مزبور در تابع تولید آموزش دانشگاه‌ها از عوامل اساسی است، استفاده از این الگو را با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین در راستای ارزیابی کارایی دانشگاه‌های مورد بررسی، الگوی کارایی پژوهشی سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ با توجه به رعایت و عدم اختلال در مفروضه‌های استفاده از مدل مرز حداکثری مورد تأیید است.

1. Colinearity

2. Variance Inflation Factor (VIF)

جدول ۸. بررسی همخطی متغیرهای الگوهای آموزش و پژوهش در دانشگاه‌های منتخب

الگو	متغیرها	۱۳۹۳					۱۳۹۴				
		ضریب	انحراف استاندارد	t آماره	sig	عامل تورم واریانس	ضریب	انحراف استاندارد	t آماره	sig	عامل تورم واریانس
آموزش	عضو هیئت علمی	-۰/۴۶	۰/۳۸	-۱/۲۰	۰/۲۴	۱۲/۹۴	۰/۱۹	۰/۴۵	-۰/۴۴	۰/۶۶	۱۹/۹۳
	دانشجویان ورودی	۰/۹۹	۰/۱۷	۵/۶	۰/۰۰۰	۹/۳	۱/۰۵	۰/۲۴	۴/۳۶	۰/۰۰۰	۱۳/۸۱
	کارکنان	۳/۱۲	۰/۸۲	۳/۸۰	۰/۰۰۱	۶/۱	۲/۳۳	۱/۰۶	۲/۲۰	۰/۰۰۳	۸/۶۱
پژوهش	عضو هیئت علمی	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۹۸	۰/۳	۹/۲۵	۰/۱۲	۰/۱۸	۰/۶۶	۰/۵۱	۱۳/۷۳
	دانشجویان ورودی	۰/۲۷	۰/۰۸۰	۳/۴۵	۰/۰۰۲	۹/۲۵	۰/۳۷	۰/۱۱	۳/۱۹	۰/۰۰۴	۱۳/۷۳

مأخذ: همان.

۳-۳. ارزیابی کارایی پژوهشی دانشگاه‌های منتخب به روش تحلیل مرز تصادفی

در الگوی اول برای ارزیابی میزان کارایی پژوهشی دانشگاه‌های جامع در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ با روش پارامتری تحلیل مرز تصادفی از فرم لگاریتمی تابع تولید کاب - داگلاس با استفاده از متغیرهای ورودی (تعداد اعضای هیئت علمی معیار و تعداد دانشجویان ورودی معیار) و متغیر خروجی (تعداد مقالات موزون همایشی) استفاده شده است. بر مبنای ضرایب تخمین تابع تولید پژوهش، کشش تولید نسبت به نهاده اعضای هیئت علمی و دانشجویان ورودی معیار بیانگر آن است که به کارگیری این نهادها در فعالیت‌های پژوهشی واحدهای مورد مطالعه در منطقه اقتصادی تولید قرار دارد. مقدار آماره t نیز مؤید این یافته است. نهاده هیئت علمی با مقدار ضریب تخمین ۰/۳۹ درصد و آماره t ۱/۹۰ بیانگر آن است که این نهاده اثر کششی نسبتاً مطلوبی بر تولید ستانده همایش‌های پژوهشی در واحدهای مورد مطالعه دارد. ضریب تخمین نهاده دانشجوی ۰/۶۴ درصد با مقدار آماره ۲/۹۱۴ نشانگر این است که این متغیر رابطه مثبت و معناداری به میزان ۶۴ درصد با تولید مقالات همایشی پژوهشی در واحدهای مورد مطالعه دارد. همچنین نتایج تحلیل کارایی واحدهای دانشگاهی نشان داد حداکثر میزان کارایی پژوهشی مربوط به دانشگاه‌های (۱۹-۲۷) معادل ۰/۹۹۹ درصد و حداقل کارایی متعلق به دانشگاه (۱۲) و

معادل ۰/۲۷۴ درصد بوده است. حداکثر میزان ناکارایی در تولید ستانده‌های پژوهشی دانشگاه‌های جامع در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ معادل ۰/۷۲۶ درصد برآورد شده است.

جدول ۹. نتایج تخمین پارامترهای تابع مرزی تولید دانشگاه‌های منتخب به روش حداکثر

درست‌نمایی سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲

الگوی کارایی پژوهش				
آماره			متغیرها تخمین	
آماره t	انحراف معیار			
-۰/۸۱	۰/۹۹	-۰/۸۰	عرض از مبدأ	
۱/۹۰	/۲۰	۰/۳۹	تعداد هیئت علمی معیار (Log)	
۲/۹۱	۰/۲۱	۰/۶۴	تعداد دانشجویان ورودی معیار (Log)	
۰/۱۳		۲/۲۵	واریانس جزء ناکارایی به کل واریانس (Gama)	
-۶/۶۰۹			آماره لگاریتم درست‌نمایی	
۰/۰۰۰		Prob>chi2	۱/۱۷	خی دو والد
۰/۰۰۰	Prob>F	۳۷/۰۵	F	R2
حداکثر		حداقل	انحراف معیار	میانگین
۰/۹۹۹۹		۰/۲۷	۰/۲۳	۰/۶۷
۰/۷۲		۰/۰۰۰۰۱	۰/۴۰	۰/۴۷
کارایی				
ناکارایی				

مأخذ: همان.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر دانشگاه‌ها و عملکرد آنها به عنوان نهادهای مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع، مرکز توجه سیاستگذاران و مدیران در سطوح مختلف سیاستگذاری و اجرایی بوده است. اطلاع از عملکرد دانشگاه‌ها برای مدیران در راستای تخصیص کارآمد منابع و برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیت‌های دانشگاهی اهمیت کلیدی دارد. به‌طور قطع از جمله مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین راه‌ها برای ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها

اندازه‌گیری وضعیت کارایی آنهاست. دانشگاه‌ها در چارچوب رسالت و مأموریت خود در حوزه‌های متنوعی از جمله آموزش، پژوهش، ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای فعالیت می‌کنند و مشخص است که باید در راستای تولید ستانده‌های خود در عرصه‌های متنوع مبتنی بر کارایی فعالیت کنند. در مطالعه حاضر وضعیت کارایی دانشگاه‌های جامع ایران در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ و ۱۳۹۴-۱۳۹۳ با توجه به دسترسی داده‌ها در سال‌های مزبور ارزیابی شده است. بررسی شواهد تجربی داخلی در خصوص ارزیابی کارایی واحدهای دانشگاهی با روش‌های ناپارامتری حداقل در حد مطالعات محقق نشان می‌دهد که جز مطالعات نادری (۱۳۸۲) و انتظاری (۱۳۸۸) استفاده از روش‌های پارامتری در جهت برآورد ضریب کشش عوامل تولید ستانده‌های دانشگاهی و محاسبه کارایی واحدهای دانشگاهی توسط پژوهشگران مورد ملاحظه قرار نگرفته است. در نتیجه در مطالعه حاضر ضمن استفاده از روش ناپارامتری تحلیل پوششی داده‌ها با الگوی بازده ثابت و متغیر به مقیاس خروجی محور از روش پارامتری تحلیل مرز تصادفی با الگوی لگاریتمی تابع تولید کاب - داگلاس نیز برای ارزیابی کارایی واحدهای دانشگاهی منتخب استفاده شده است.

مبتنی بر دستاوردهای پژوهش در دانشگاه‌های جامع در سال ۱۳۹۴ در مقایسه با سال ۱۳۹۳ توزیع میانگین متغیرهای تعداد اعضای هیئت علمی معیار، دانشجوین در حال تحصیل معیار و بودجه با افزایش؛ و میانگین متغیرهای تعداد دانش‌آموختگان و ترکیب دانشجوین شاغل به تحصیل و دانش‌آموختگان معیار با کاهش همراه بوده است. براساس مبانی نظری، واحدهایی دارای کارایی فنی بالاتر هستند که با استفاده از عوامل تولید، میزان ستانده بیشتری را نسبت به سایر واحدها تولید کنند. این یافته‌گویای ناکارایی و اتلاف منابع در تولید ستانده دانشجوین در حال تحصیل و دانش‌آموختگان در دانشگاه‌های جامع است که می‌تواند ناشی از عوامل متعدد از جمله تخصیص ناکارای منابع باشد. نتایج تجربی حاصل از ارزیابی کارایی کل، کارایی آموزش و کارایی پژوهش در دانشگاه‌های منتخب به روش تحلیل پوششی داده‌ها و تحلیل مرز تصادفی حاکی از وجود ناکارایی با مقیاس متفاوت در تولید ستانده‌های کل، آموزش و پژوهش است.

وضعیت مقیاس فعالیت واحدهای دانشگاهی منتخب در هر دو حوزه عملکرد

آموزشی و پژوهشی گویای ناکارایی در تابع تولید دانشگاه‌های مورد مطالعه است. اکثر واحدهای دانشگاهی از وضعیت بازدهی ثابت به مقیاس برخوردارند. در چنین شرایطی دانشگاه‌ها باید با تجدیدنظر در نحوه استفاده از منابع و کاهش اتلاف برای رسیدن به مرز کارا، برنامه‌ریزی و تلاش کنند. از طرفی وضعیت بازدهی به مقیاس صعودی، دانشگاه‌ها را در جهت به‌کارگیری نهاده‌های بیشتر و توسعه مقیاس فعالیت هدایت می‌کند. وضعیت بازدهی به مقیاس نزولی نیز مستلزم کاهش به‌کارگیری نهاده‌ها و افزایش تولید ستانده‌هاست. افزایش میانگین کارایی کل دانشگاه‌های جامع از سال ۱۳۹۳ به سال ۱۳۹۴ بیانگر افزایش کارایی و استفاده بهینه منابع در دانشگاه‌های جامع است. همچنین افزایش میانگین کارایی آموزشی دانشگاه‌های جامع در سال ۱۳۹۴ در مقایسه با سال ۱۳۹۳، و کاهش کارایی پژوهشی اهمیت و اولویت فعالیت‌های آموزشی نسبت به فعالیت‌های پژوهشی نشان می‌دهد و در نهایت استفاده مؤثر و بدون اتلاف منابع در عملکردهای آموزشی را آشکار می‌کند.

نتایج ارزیابی کارایی دانشگاه‌ها مبتنی بر فاصله آنها از مرز کارایی به صورت نسبی نشان داد، میزان کارایی فنی دانشگاه‌ها در دو وضعیت بازده به مقیاس ثابت و متغیر در دانشگاه‌های مورد مطالعه تقریباً بالاست. نکته‌ای که بیش از هر چیز بیانگر مشابهت اصول و عملکرد حاکم بر فضای فعالیت دانشگاه‌های منتخب است. با توجه به محدودیت‌های روش تحلیل پوششی داده‌ها از قبیل غیرپارامتری بودن، حساس بودن نسبت به پراکندگی داده‌ها و در نظر نگرفتن اختلالات تصادفی و عوامل محیطی، از روش تحلیل مرز تصادفی نیز برای تحلیل کارایی دانشگاه‌های منتخب استفاده شده است. البته محاسبه کارایی دانشگاه‌ها به دلیل همزمانی چندین خروجی و چندین ورودی با روش‌هایی نظیر تحلیل مرز تصادفی محدودیت‌هایی را نیز ایجاد می‌کند، از جمله محدودیت مشاهدات و حجم نمونه مورد مطالعه به دلیل فقدان پایگاه داده‌های منسجم و در دسترس برای اخذ اطلاعات مورد نیاز، وجود مسئله همخطی و ناهمسانی واریانس در داده‌های مقطعی، محدودیت انتخاب و استفاده از چندین متغیر ورودی و خروجی به صورت همزمان و ... که استفاده از روش‌های پارامتری را منوط به افزایش دقت و رعایت مفروضات می‌کند.

در مورد داده‌های مقطعی تابع مرز حداکثری با هدف تخمین پارامترهای الگوهای ارزیابی کارایی واحدهای دانشگاهی، یکی از مفروضات اساسی یعنی همگنی واریانس مورد توجه قرار گرفته است. نتایج آزمون وایت در ارزیابی وضعیت ناهمسانی واریانس داده‌ها، آزمون ناهمسانی واریانس تأیید شد. یکی از مفروضات اساسی برای تخمین پارامترها در ارزیابی کارایی واحدهای دانشگاهی با روش مرز حداکثری، آزمون همخطی بین متغیرهای مستقل است که عدم رعایت آن منجر به افزایش انحراف معیار و کم‌برآوردی ضرایب تخمین متغیرهای پژوهش می‌شود. در پژوهش حاضر نیز متغیرهای توضیحی الگوی عملکرد آموزش سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ و الگوی آموزش و پژوهش سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ در دانشگاه‌های جامع دچار مسئله همخطی بودند. مسلم است که اجرای معتبر و معنادار الگوها مستلزم رفع مسئله همخطی و تورش ناشی از آن است.

با توجه به مرزی لحاظ کردن مقدار عامل تورم واریانس (مقدار آستانه معادل عدد ۱۰) برای ارزیابی مسئله همخطی در متغیرهای مستقل مورد مطالعه و تخمین مقادیر عامل تورم واریانس نزدیک به عدد ۱۰ برای اکثر متغیرهای توضیحی، اثر کششی ضرایب برآوردی تعدادی از نهاده‌های پژوهش برای ستانده‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های منتخب معنادار نبود. در نهایت از یکسو به منظور دستیابی به واقعیت عملکرد دانشگاه‌های مورد مطالعه و برآورد وضعیت کارایی تولید ستانده‌های دانشگاهی رعایت مفروضات و اصول اساسی ارزیابی عملکرد واحدهای دانشگاهی الزامی است. از سوی دیگر باید دقت داشت که عملکرد الزاماً تضمین‌کننده تحقق کارایی نیست چرا که در بررسی عملکرد الزاماً بحث جلوگیری از اتلاف منابع مدنظر نیست. بنابراین ارتقای وضعیت کارایی واحدهای دانشگاهی مستلزم در نظر داشتن بحث کارایی از طریق بهبود عملکرد واحدهای دانشگاهی در تولید ستانده‌های کارآمد است. در ادامه و براساس دستاوردهای پژوهش پیشنهادهایی به این شرح ارائه می‌شود:

پیشنهادهای مدیریتی - اجرایی

- ارزیابی کارایی کارکردهای چندگانه دانشگاه‌ها شامل آموزش، پژوهش، خدمات فنی - مشاوره‌ای و ... می‌تواند اطلاعات مفیدی در خصوص اتخاذ تصمیمات مدیریتی در جهت

تحقق حکمرانی خوب و راهبری اثربخش واحدهای دانشگاهی در اختیار رؤسا، مدیران و تصمیم‌گیرندگان دانشگاه‌ها قرار دهد.

- با توجه به اهمیت جدی و کاربردی استفاده از نتایج ارزیابی کارایی در تصمیم‌های مدیریتی و اجرایی در سطح نظام آموزش عالی (کلان) و واحدهای دانشگاهی (خرد)، اتخاذ تدابیر و تصمیمات مؤثر و جدی جهت ایجاد پایگاه داده‌های معتبر و راستی‌آزمایی شده توسط سیاستگذاران و مدیران جهت دسترسی پژوهشگران به داده‌های مورد نیاز می‌تواند آثار و پیامدهای بسیار مثبتی را در تصمیم‌گیری‌ها به همراه داشته باشد.

- استفاده از هر دو روش تحلیل مرزی پوششی داده‌ها و تحلیل مرز تصادفی ضمن شناسایی (نا) کارایی واحدهای دانشگاهی امکان تعیین میزان و درجه ناکارایی به صورت دقیق و مشخص فراهم شده و دستاوردهای آن رؤسای دانشگاه‌ها را در اتخاذ تصمیم برای استفاده بهینه از نهاده‌ها در تابع تولید دانشگاه یاری می‌کند.

پیشنهادهای علمی - پژوهشی

- با هدف کاهش تورش یافته‌ها و افزایش دقت و اعتبار نتایج توصیه می‌شود رعایت شرط همگنی واحدهای مورد مطالعه در انتخاب نمونه، به عنوان یک قاعده اساسی مورد توجه و تدقیق قرار گیرد.

- از آنجاکه ماهیت چندستانده‌ای تولید واحدهای دانشگاهی، منجر به تورش ترکیب متغیرهایی با مقیاس متفاوت می‌شود توصیه می‌شود به منظور بی‌مقیاس‌سازی متغیرها، از متغیرهای موزون و معیار شده جهت ارزیابی کارایی استفاده شود.

- توصیه می‌شود با هدف دستیابی به الگویی جامع و یکپارچه از ابعاد متنوع کارکردهای دانشگاه و ارزیابی کارایی آنها، کارکردهای متنوع دانشگاه نظیر آموزش - پژوهش و خدمات فنی و مشاوره‌ای و کارآفرینی مورد بررسی قرار بگیرد.

- با هدف تعیین سهم عوامل تصادفی در (نا) کارآمدی تولید ستانده‌های واحدهای دانشگاهی توصیه می‌شود از روش‌های پارامتری ارزیابی کارایی واحدهای دانشگاهی نظیر تحلیل مرز تصادفی استفاده شود.

- با توجه به اهمیت حجم مشاهده‌ها در تحلیل‌های پارامتری و محدودیت در دسترسی و اخذ اطلاعات و داده‌های مرتبط با ارزیابی واحدهای دانشگاهی؛ استفاده از داده‌های ترکیبی مربوط به چندین دانشگاه در سال‌های متوالی به جای داده‌های مقطعی بسیاری از مسائل مرتبط با مفروضات تحلیل‌های پارامتری از جمله همخطی بین متغیرها را کاهش می‌دهد و بر دقت و اعتبار یافته‌ها می‌افزاید.

- با هدف ملحوظ داشتن پیچیدگی‌ها و واقعیت‌های چندگانه و چندسطحی ساختار و کارکرد واحدهای دانشگاهی بر کارایی آنها پیشنهاد می‌شود پژوهشگران از رویکرد بسیار مؤثر تحلیل مرز چندسطحی استفاده کنند.

منابع و مآخذ

۱. انتظاری، یعقوب (۱۳۸۸). «تحلیل کارایی اقتصادی بنگاه‌های دانش با استفاده از مرز تصادفی هزینه کوشش‌های تحقیقاتی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۴(۳).
۲. خواجوی، شکرالله، مسعود سلیمی فرد و علیرضا ربیعه (۱۳۸۴). «کاربرد تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) در تعیین پرتفویی از کاراترین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۳.
۳. دباغ، رحیم و محمدرضا صالحی (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر کارایی دانشگاه‌های همگن دولتی کشور»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۴(۴).
۴. دباغ، رحیم و لیلا جواهریان (۱۳۹۵). «بهره‌وری واحدهای آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌های جامع دولتی ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲(۲).
۵. رضوی، عبدالله، محمدجواد رزمی، مصطفی سلیمی فر و علی اکبر ناجی میدانی (۱۳۹۲). «ارزیابی کارایی صنعت خودرو با استفاده از داده‌های تلفیقی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت صنعتی، ۱۱(۲۸).
۶. سیفی پور، رویا و نجات نظری (۱۳۹۵). «تشخیص واریانس ناهمسانی با روش بروش پاگان و رفع آن در مدل تأثیر متغیرهای حسابداری بر قیمت سهام در شرکت‌های غیرمالی منتخب بورس تهران (مطالعه سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳)»، مجله شباک، ۱۱(۱۲).
۷. شهیکی تاش، محمدنبی، مهین شهیکی تاش و باقر درویشی (۱۳۸۶). «بررسی توزیع درآمد در ایران با رویکرد ناپارامتری (۱۳۸۴-۱۳۸۳)»، مجله مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۶۳(۲۲).
۸. گودرزی، رضا، الهام حقیقت‌فر، لیلاوالی، محمدرضا بانوشی، پیام حقیقت‌فرد و بنفشه درویشی (۱۳۹۴). «برآورد کارایی بیمارستان‌های استان کرمان با استفاده از روش تحلیل مرزی تصادفی (۱۳۸۶-۱۳۹۰)»، فصلنامه علمی پژوهش‌های سلامت محور، ۱(۲).
۹. گودرزی، غلامرضا، سجاد خسروی و روح‌اله عسکری (۱۳۹۱). «ارزیابی عملکرد (کارایی) گروه‌های آموزشی منتخب دانشگاه علوم پزشکی کرمان بر اساس رویکردهای کمی»، فصلنامه آموزش در علوم پزشکی، ۳(۱۲).
۱۰. نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۲). «الگوهای چندسطحی و ارزیابی ناهمسانی و کارایی بودجه بین دانشگاه‌های منتخب»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۹(۴).

- A Data Envelopment Analysis", *Economics of Education Review*, 22(1).
12. Agha, Salah R., Ibrahim Kuhail, Nader Abdelnabi, Mahmoud Salem and Ghanim Ahmed (2011). "Assessment of Academic Departments Efficiency Using Data Envelopment Analysis", *JTEM*, 4(2).
 13. Brennan, S, C. Haelermans and J. Ruggiero (2014). "Nonparametric Estimation of Education Productivity Incorporating Nondiscretionary Inputs with an Application to Dutch Schools", *European Journal of Operational Research*, 234(3).
 14. Chang, D. F, C. T. Wu, G. S. Ching and C. W. Tang (2009). "An Evaluation of the Dynamics of the Plan to Develop First-class Universities and Top-level Research Centers in Taiwan", *Asia Pacific Education Review*, 10(1).
 15. Goksen, Yilmaz, Onur Dogan and Bilge Ozkarabacak (2015). "A Data Evolvement Analyses Application for Measuring Efficiency of University Department", *Procedia Economics and Finance*, 19.
 16. Lee, Boon L. and Andrew C. Worthington (2016). "Network DEA Quantity and Quality-orientated Production Model: An Application to Australian University Research Services", *Omega*, 60.
 17. Parteka, Aleksandra, Joanna Wolszczak-DerlaczJ and Anal Prod (2013). Dynamics of Qroductivity in Higher Education: Cross-european Evidence Based on Bootstrapped Malmquist Indices, 40.
 18. Selim, Sibel and Sibel Aybarc Bursalioglu (2013). "Analysis of the Determinants of Universities Efficiency in Turkey: Application of the Data Envelopment Analysis and Panel Tobit Model", *Social and Behavioral Sciences*, 89.
 19. Mikusova, Pavla (2015). "An Application of DEA Methodology in Efficiency Measurement of the Czech Public Universities", *Procedia Economics and Finance*, 25.
 20. Tse Kuaha, Chuen and Kuan Yew Wonga (2009). "Efficiency Assessment of

Universities Through Data Envelopment Analysis", *Procedia Computer Science*.

21. Visbal-Cadavid, Delimiro, Mónica Martínez-Gómez and Guijarro Francisco (2017).

"Assessing the Efficiency of Public Universities through DEA, A Case Study",
Sustainability, 9 (1416).

22. Yanga, Guo-liang, Hirofumi Fukuyamac and Yao-yao Song (2018). "Measuring the

Inefficiency of Chinese Research Universities Based on a Two-stage Network DEA
Model", *Journal of Informetrics*, 12.

بررسی و رتبه‌بندی شاخص‌های استاندارد شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات صورت‌های مالی در نظام بانکی

روح‌اله عبادی* و زهرا سرکارراه**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۲۴۵-۲۰۵
-------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه یکی از ارکان اصلی پاسخگویی مدیران اجرایی و از نیازهای اساسی تصمیم‌گیران اقتصادی و از ملزومات بی‌بدیل توسعه و رشد اقتصادی در بخش دولتی و خصوصی است. نظارت بر شفافیت به ثبات و گسترش نظام بانکداری ملی منجر می‌شود و درگیری بین بانکداران و سپرده‌گذاران را کاهش می‌دهد.

با گسترش روزافزون تعاملات اقتصادی در سطح بین‌الملل و لزوم توجه به جریان سرمایه، معرفی استانداردهای مناسب برای شفافیت در نظام‌های مالی، گامی مهم برای تجهیز و تخصیص مناسب منابع، ارتقای سلامت و شفافیت بانکی و کاهش هزینه‌های مربوط به گردش اطلاعات مالی محسوب می‌شود. از این رو در مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای؛ فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط ضعف و قوت نظام بانکی در پیاده‌سازی استاندارد شفافیت ابلاغی هیئت خدمات مالی اسلامی بررسی شده و به روش میدانی - پیمایشی و توزیع پرسشنامه با به‌کارگیری رویکرد مدل‌سازی تصمیم‌گیری چندمعیاره، شاخص‌های استاندارد شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات صورت‌های مالی از نظر «اهمیت و تأثیر اجرای شاخص بر میزان شفافیت» رتبه‌بندی شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد شاخص‌های افشای اطلاعات صورت‌های مالی، افشای اطلاعات حاکمیت شرکتی و کنترل‌های داخلی و افشای اطلاعات شناسایی و مدیریت ریسک بیشترین میزان اهمیت و شاخص‌های افشای اطلاعات صورت‌های مالی، افشای اطلاعات رویدادهای با اهمیت و افشای اطلاعات حاکمیت شرعی بیشترین تأثیر در اجرا را برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات؛ نظام بانکی؛ هیئت خدمات مالی اسلامی؛ تحلیل سلسله‌مراتبی

* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)؛

Email: ebadi.ro@gmail.com

** کارشناس ارشد بانکداری اسلامی، دانشگاه مفید؛

Email: zsarkarrah@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4280.4236

مقدمه

انقلاب اطلاعات از انقلاب صنعتی و انقلاب‌های دیگر مهمتر است و این قدرت سفید و هوشمند، کاستی‌های هر بخش از نظام حکومتی را رصد کرده و نمایان می‌کند. در واقع برای تصمیم‌گیری مناسب یک محیط شفاف نیاز است؛ در غیر این صورت همانند یک انسان بدون حس و شناخت خواهد بود (نجفی علمی، ۱۳۹۴: ۲). امروزه لزوم توجه به اهمیت شفافیت در حوزه‌های مختلف در جلوگیری از فساد و اصلاح روابط اقتصادی و سیاسی بر کسی پوشیده نیست. هر چه انتشار اطلاعات در جوامع بیشتر و بهتر انجام شود، امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه و ایفای مسئولیت پاسخگویی در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع بیشتر می‌شود. بنابراین یکی از الزامات رشد و توسعه اقتصادی، دسترسی همه ذی‌نفعان به اطلاعات شفاف است (حساس یگانه و خیراللهی، ۱۳۸۷: ۷۵).

حفظ سلامت و ثبات بانک‌ها و همچنین نقش مهم آنها در هدایت اقتصاد کشور نیازمند شفافیت مناسب در بانک‌هاست. یکی از راهکارها برای حصول اطمینان از صحت عملیات بانکی، وضع قوانین و مقررات بر افشای صحیح اطلاعات و همچنین نظارت مؤثر و کارآمد بر فعالیت آنها توسط نهادهای ناظر است تا از طریق وضع قوانین شفاف، مستقل و پاسخگو و نظارت بر حسن اجرای آن سبب کسب اعتماد عمومی، حفظ سلامت در عملکرد، جلوگیری از وقوع هرگونه بحران و پرهیز از انتقال نارسایی‌ها از بخش پولی اقتصاد به بخش واقعی آن شود.

اهمیت شفافیت به‌گونه‌ای است که کمیته نظارتی بال^۱ شفافیت را به عنوان یکی از عوامل نظارت مؤثر برای حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی دانسته و به دنبال بهبود سطح مدیریت ریسک، حکمرانی و نیز شفافیت و افشای اطلاعات بانک‌هاست. این کمیته شفافیت را در عملکرد مالی، راهبردهای مدیریت و کنترل ریسک، منابع در معرض ریسک، سیاست‌های حسابداری و مدیریت کسب‌وکار و حاکمیت شرکتی ضروری و لازم‌الاجرا می‌داند (Basel Committee, 2015).

1. Basel Committee on Banking Supervision (BCBS)

بانک جهانی در خصوص نقش حاکمیت شرکتی فعالیت‌های گسترده‌ای را انجام داده است که موضوع افشا و شفافیت از جمله موارد مهم مورد اشاره این بانک است (Agag, 2013). هیئت خدمات مالی اسلامی^۱ به عنوان یک نهاد مکمل برای کمیته بازل نیز استانداردهایی را به منظور بررسی میزان شفافیت در عملکرد بانک‌های کشورهای عضو تعیین و منتشر کرده است که یکی از این استانداردها، استاندارد شماره ۴ با عنوان «افشای اطلاعات برای بهبود شفافیت و نظم بازار برای نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی» است که می‌توان با استفاده از اصول ارائه شده به بررسی میزان شفافیت و نحوه عملکرد بانک‌ها پرداخت.

از اهداف عملیاتی این استاندارد توانمندسازی فعالان بازار برای تکمیل و پشتیبانی پیاده‌سازی و اجرای اصول هیئت خدمات مالی اسلامی در زمینه‌های کفایت سرمایه، مدیریت ریسک، حاکمیت شرکتی و نظارت، تسهیل دسترسی فعالان بازار (به طور عام) و دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری (به طور خاص) به اطلاعات موثق، مرتبط و به موقع است (توحیدی، ۱۳۹۴: ۹).

در تحقیق حاضر ضمن بررسی اهمیت شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات در نظام بانکی، شاخص‌ها و معیارهای استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات طبق مقررات کمیته بال و هیئت خدمات مالی اسلامی شناسایی می‌شود. رتبه‌بندی میزان اهمیت و تأثیر اجرای هر یک از شاخص‌های ارزیابی استاندارد شفافیت و بررسی فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط ضعف و قوت نظام بانکی کشور در مواجهه با این شاخص‌ها از مهمترین مسائلی است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

۱. پیشینه تحقیق

در راستای بررسی شاخص‌های استاندارد شفافیت مالی و انتشار عمومی اطلاعات هیئت خدمات مالی اسلامی در نظام بانکی کشور مطالعه جامعی انجام نشده و در مطالعات

1. Islamic Financial Service Board (IFSB)

معدودی فقط به بررسی استانداردهای هیئت خدمات مالی اسلامی، ارتباط این شاخص‌ها با ثبات مالی و ... پرداخته شده است که در ادامه به برخی از مهمترین این مطالعات اشاره می‌شود.

بیدآباد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقررات پیشنهادی برای شفافیت مالی، حکمرانی و افشای اطلاعات بانک در بانکداری راستین» با روش تحلیلی - توصیفی برای رفع معضل نبود شفافیت و فساد بانکی و در پی آن رفع تضییع حقوق سپرده‌گذاران اقدام به ارائه پیش‌نویس مقررات شفافیت مالی، حکمرانی و افشای اطلاعات برای بانک و سایر مؤسسات مالی و اعتباری کرده است تا زمینه‌ای برای تدوین مقررات لازم فراهم شود.

رحمانی و حسینی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها» به روش پیمایشی و تدوین پرسشنامه کتبی به بررسی میزان افشا در صورت‌های مالی بانک‌ها پرداخته و برای انجام این کار، ۹ فرضیه را مورد بررسی قرار داده و در نهایت به این نتیجه دست می‌یابد که افشای اطلاعات تسهیلات اعطایی توسط بانک‌ها به تفکیک جاری و غیرجاری و وثایق در صورت‌های مالی بانک‌ها رعایت نشده است.

یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی» پس از بررسی مبانی نظری تحقیق با مدنظر قرار دادن ویژگی‌های محیطی ایران براساس مدل شفافیت گزارشگری مالی بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) مدلی جامع‌تر را جهت ارزیابی میزان شفافیت شرکت‌ها و کیفیت افشای آنها پیشنهاد داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که از دیدگاه خبرگان، شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب در زمینه هر یک از ابعاد مؤثر بر شفافیت اطلاعاتی در سطح شرکت از لحاظ آماری معنادار و بااهمیت است.

نجفی علمی (۱۳۹۴) در گزارش «درآمدی بر شفافیت بانکی: مطالعه موردی بخشنامه ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری» نشان داده که امروزه در بانک‌ها، مقام‌های مقرراتگذار و ناظر با تصویب مقررات مختلف درصد تحقق هرچه بیشتر این شفافیت بوده و یکی از بخشنامه‌هایی که در این زمینه مصوب شده، بخشنامه سال ۱۳۹۳ شورای پول و اعتبار بانک مرکزی است که از بانک‌های خصوصی و چهار مؤسسه اعتباری خواسته شده است که برخی شاخص‌های

بانکی خود را به‌طور عمومی انتشار دهند. نتایج بررسی این گزارش درباره بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از نگاه بخشنامه شفافیت، حاکی از پایین بودن میزان شفافیت بانکی در میان مؤسسات اعتباری مدنظر است.

احمدیان (۱۳۹۶) در مطالعه خود با عنوان «نقش افشای اطلاعات در بهبود سلامت مالی بانک‌ها» با استفاده از روش توصیفی، نقش شفافیت و افشای اطلاعات متأثر از نظم بازار و نظارت بانکی بر سلامت مالی بانک‌ها را مورد بررسی قرار داده و با توجه به تجربیات بین‌المللی، چارچوبی از اطلاعات مورد نیاز برای درک فعالیت‌های بانک‌ها و ریسک‌های مترتب آنها را بیان می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که افشای عمومی بانک‌ها نظیر اطلاعات مربوط به فعالیت‌ها و ریسک بانک برای بهبود نظم بازار و بهبود ثبات مالی مورد نیاز است. یورسل بامن و نیر ارلند^۱ (۲۰۰۰) در تحقیقی مشترک «چگونگی ارتباط افشای بیشتر با نوسانات سهام در بانک‌ها» را مورد بررسی و آزمون قرار داده‌اند. آنها در این تحقیق هفده شاخص از قبیل تسهیلات به تفکیک تاریخ سررسید، به تفکیک نوع و ... را برای افشا در نظر گرفتند و به این نتیجه رسیدند که بیش از نیمی از بانک‌های مورد بررسی اطلاعات بیشتری را در خصوص ارقام اصلی افشا می‌کنند و این بانک‌ها نسبت به بانک‌هایی که اطلاعات کمتری افشا می‌کنند، نوسانات قیمت سهام کمتری را نشان می‌دهند.

ارنست و یانگ (۲۰۰۹) در مطالعه خود به «بررسی یک مدل نمونه صورت‌های مالی تلفیقی بانک فرضی» پرداختند. آنها در تحقیق خود با توجه به استانداردهای گزارشگری مالی (IFRS10) و (IAS11)، نحوه افشای هر یک از اقلام صورت‌های مالی برای یک بانک نمونه را بیان کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بانک‌ها باید اطلاعات مربوط به ماهیت و حیطة معاملات خود با اشخاص وابسته و مرتبط را ارائه کنند و برای شناسایی روابطی که ممکن است دارای آثار مثبت یا منفی روی وضعیت و عملکرد مالی یک بانک باشند، برخورداری از چنین اطلاعاتی، برای بانک سودمند خواهد بود.

دینسر و اینچگرین^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه خود با عنوان «شفافیت و استقلال بانک

1. Ursel Baumann and Nier Erlend

2. Dincer and Eichengreen

مرکزی: شاخص‌های جدید و به روز» میزان شفافیت ۱۲۰ کشور بر مبنای پنج شاخص شفافیت سیاسی، اقتصادی، رویه‌ای، سیاستگذاری و عملیاتی طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰ را اندازه‌گیری و رتبه‌بندی کرده‌اند.

در تحقیق‌های انجام شده به بحث استانداردهای شفافیت بانکی و افشای اطلاعات بانک اشاره‌ای نشده و از این نظر مطالعه حاضر با بررسی این موضوع وارد حوزه جدیدی شده و درصدد است ضمن ترسیم ماتریس^۱ SWOT به منظور بررسی نقاط قوت و ضعف اجرای استاندارد شفافیت و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو با توجه به نظر کارشناسان و استفاده از روش سلسله‌مراتبی^۲ به رتبه‌بندی معیارهای شفافیت و افشای اطلاعات بانکی بپردازد.

۲. مفهوم شفافیت و انتشار اطلاعات

شفافیت، هسته مرکزی گزارشگری مالی مدرن است. در تحقیقاتی که توسط بوشمن و اسمیت^۳ (۲۰۰۱)، فرانسیس و همکاران^۴ (۲۰۰۴)، مدهانی^۵ (۲۰۰۹)، بارث و همکاران^۶ (۲۰۱۰) و لنگ و میفیت^۷ (۲۰۱۱) و ... نشان داده شده، شفافیت یکی از مهمترین عواملی است که موجب جذابیت شرکت از دیدگاه سرمایه‌گذاران می‌شود. بر مبنای این تحقیقات، شفافیت در گزارشگری مالی می‌تواند اعتماد جامعه سرمایه‌گذاران را افزایش دهد.

تعاریف مختلفی برای شفافیت به عنوان ویژگی مطلوب گزارش‌های مالی مبتنی بر ذی‌نفعان اطلاعات، اجرای قوانین و مقررات و مبتنی بر پاسخگویی گزارش شده است. به عنوان مثال بوشمن و همکاران^۸ (۲۰۰۴) شفافیت گزارشگری مالی را به عنوان «دسترسی

۱. نقاط قوت (Strengths)، ضعف (Weakness)، فرصت‌ها (Opportunities) و تهدیدها (Threats).

2. Analytical Hierarchy Process

3. Bushman and Smith

4. Francis et al.

5. Madhani

6. Barth, Konchitchki and Landsman

7. Lang, Lins and Maffet

8. Bushman, Piotroski and Smith

گسترده به اطلاعات مربوط و قابل استناد در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک شرکت‌هایی که مورد مبادله عموم قرار می‌گیرند» تعریف کرده و بارث و اسچیپر (۲۰۰۸) شفافیت گزارشگری مالی به معنای «گزارش‌های مالی واحد تجاری، واقعیت‌های اقتصادی واحد تجاری را به شیوه‌ای که برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قابل درک باشند؛ ارائه کنند» است. وجه مشترک همه تعاریف ارائه شده «قابلیت دسترسی به اطلاعات» و «توانایی برقراری ارتباط و جریان ارسال و دریافت اطلاعات» است (حساس یگانه و خیراللهی، ۱۳۸۷: ۷۶).

یکی از عواملی که بر روی شفافیت تأثیرگذار است، عوامل محیطی بوده و نظام‌های قانونی، قضایی، حقوق مالکیت، اقتصاد سیاسی و میزان دخالت دولت در بازارهای پولی و مالی هر کشور می‌تواند بر کیفیت افشا مؤثر باشد. پژوهش‌هایی در زمینه نقش عوامل محیطی از قبیل نظام‌های قانونی حاکم بر گزارشگری مالی، قوانین حمایت از سرمایه‌گذاران و میزان توسعه و پیشرفت کشورها در تبیین تفاوت میزان شفافیت در بین شرکت‌های مستقر در کشورهای مختلف انجام شده است. نتایج گویای آن است که نظام‌های قانونی مبتنی بر عرف یا مدون بودن، کارایی نظام قضایی و میزان حمایت از حقوق مالکیت در هر کشور بر عوامل و متغیرهای کیفیت افشا و شفافیت اطلاعاتی کشورها مؤثر است. برای اینکه اطلاعات اثربخش باشد باید منصفانه، قابل اتکا، به موقع، کامل و نامتناقض بوده و همچنین به روشنی و سادگی ارائه شده باشد (Vishwanath and Kaufmann, 2001).

۳. اهمیت شفافیت و افشای اطلاعات در بانک‌ها

امروزه اهمیت شفافیت در حوزه‌های مختلف در جلوگیری از فساد و اصلاح روابط اقتصادی و سیاسی مشخص است. شفافیت، هزینه‌های معاملاتی را کاهش داده و موجب بهبود روابط اقتصادی می‌شود. یکی از حوزه‌های بسیار مهم در شفافیت اقتصادی و مالی، شفافیت در حوزه بانکی است؛ چرا که بانک‌ها یکی از اصلی‌ترین ارکان اقتصادی یک کشور

محسوب می‌شوند. از این رو حفظ سلامت و ثبات بانک‌ها و همچنین نقش مهم آنها در هدایت اقتصاد کشور نیازمند شفافیت مناسب بانک‌هاست؛ زیرا شفافیت ضعیف، ریسک دارایی بانک‌ها را با ابهام روبه‌رو می‌کند و بدون شفافیت مالی، پاسخگویی بانک‌ها به شدت محدود خواهد شد (نجفی علمی، ۱۳۹۴). از این رو مقام‌های مقرراتگذار و ناظر در بسیاری از کشورها از مدت‌ها پیش با تصویب مقررات مختلف در صدد تحقق هرچه بیشتر این مهم بوده‌اند. از طرفی در سالیان اخیر هم‌زمان با افزایش پیچیدگی و پویایی بانک‌ها، دستیابی به شفافیت و افشای صحیح اطلاعات با چالش‌هایی مواجه بوده است.

بسیاری از بانک‌ها علاوه بر فعالیت‌های سنتی خود در بسیاری از فعالیت‌های بازار نظیر بازار سرمایه، بازار بیمه و ... نیز وارد شده‌اند. این موضوع چالش‌هایی را برای مشارکت‌کنندگان بازار و ناظرانی که نیاز به ارزیابی فعالیت و ریسک بانک‌ها دارند، ایجاد کرده است. از طرف دیگر افشای به موقع اطلاعات بانک‌ها باعث می‌شود ناظران بانکی قادر به کشف به موقع مسائل و مشکلات بالقوه بانک‌ها شده و بتوانند قبل از وقوع بحران ریسک آن را کنترل کرده و بانک‌های با مدیریت مناسب را تشویق و بانک‌های با مدیریت ضعیف را تنبیه کنند (احمدیان، ۱۳۹۶: ۹۲). این موضوع کاملاً آشکار می‌شود که دستیابی به انضباط مؤثر بازار، مستلزم بهبود شفافیت است و دستیابی به شفافیت در گروهی تمهید و استقرار سازوکارهای لازم برای افشای عمومی اطلاعات مناسبی است که به فعالان بازار در ارزیابی عملکرد بانک‌ها یاری می‌رساند. شفافیت بانک‌ها، قطعاً به سطح کلان اقتصاد و حتی تجارت خارجی هم مرتبط خواهد بود. اهمیت شفافیت و افشای اطلاعات منتشر شده توسط بانک‌ها عبارت است از:

۱-۳. تأمین ثبات و سلامت نظام بانکی و جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها

مهمترین اهمیت شفافیت و افشای اطلاعات، حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی بوده که در جهت افزایش توان اعتباری و جلوگیری از ورشکستگی بانک‌هاست. چرا که فعالیت بانکی به‌گونه‌ای است که دارای ویژگی سرایت به سایر بانک‌ها و نهاد‌های مرتبط با فعالیت خود است. به این معنا که ایجاد مشکل در بانک یا مؤسسه مالی می‌تواند به راحتی به

سایر مؤسسات منتقل شده و در نهایت کل نظام مالی را تحت تأثیر قرار دهد. به چنین مخاطره‌ای در نظام بانکی، ریسک یا خطر سیستمی اطلاق می‌شود (اسدی پور، ۱۳۸۸: ۳). این ریسک زمانی ایجاد می‌شود که سپرده‌گذاران بانکی که با مشکل مواجه شده‌اند، برای خروج سپرده‌های خود هجوم می‌آورند و این موضوع به تدریج به سایر بانک‌ها سرایت می‌کند. در نتیجه سپرده‌گذاران سایر بانک‌ها حتی آنهایی که هیچ‌گونه مشکلی ندارند نیز احساس نگرانی می‌کنند و برای بیرون کشیدن سپرده‌های خود تحریک می‌شوند. توجه به شفافیت سود و چگونگی اندازه‌گیری شفافیت مالی، درکنار توجه به تأمین منابع لازم برای تأمین درخواست خروج سپرده از نکات بسیار مهمی است که در سلامت نظام بانکی مؤثر است (Barth, Konchitchki and Landsman, 2013: 13).

۳-۲. فراهم‌سازی زمینه‌های تصمیم‌گیری سیاستگذاران و جلوگیری از سرایت مشکلات بانکی به کل اقتصاد

با توجه به اهمیت بالای موضوع شفافیت از دیدگاه شرعی (پیرو قواعد فقهی نفی غبن^۱ و غرر^۲) و تعارض هرگونه پنهان‌کاری، تقلب و یا تلاش برای قلب واقعیت با شرع، قرآن و اصل اساسی عدالت، عدم شفافیت بانکی می‌تواند زمینه فساد را به سایر نهادها و چه بسا کل اقتصاد فراهم کند. این عدم شفافیت در ارائه اطلاعات کشور را با اشکال مواجه می‌کند، به‌گونه‌ای که به دلیل ارائه اطلاعات نادرست و ناکافی، دولتمردان و سیاستگذاران با آگاهی کمتری از وضعیت واقعی اقتصاد اقدام به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری می‌کنند و این سیاستگذاری‌ها زمینه تدوین برنامه‌های اجرایی را فراهم کرده و از آنجاکه این برنامه‌ها براساس اطلاعات افشا شده غلط و ناصحیح تدوین شده‌اند، اجرای آنها نه تنها پیشبردی را در اقتصاد کشور به دنبال نخواهد داشت، بلکه زمینه توسعه و بروز مشکلات بانکی را در کل اقتصاد فراهم می‌کند. اما از سوی دیگر شفافیت صحیح و افشای اطلاعات درست می‌تواند در نقش‌ها و روش‌های عملکرد سازمان‌های پولی و مالی و به تبع آن

۱. وارد کردن زیان به دیگری، فریفتن دیگری در معامله.

۲. خدعه و نیرنگ در معامله (آنچه که ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد).

تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، حاکمیت خوب و تسهیل ثبات سیاستی کمک کند و در به ثبات مالی منجر شود.

۳-۳. مقابله با شکل‌گیری و گسترش فساد بانکی

امروزه اقتصادهای پیشرفته جهانی، توجه به اقتصاد مردمی را در قالب مفهومی به نام «حاکمیت باز»^۱ مطرح می‌کنند. این مفهوم به باز بودن درب حاکمیت به روی جامعه اشاره دارد تا مردم بتوانند به اطلاعاتی که نیاز دارند از طریق حاکمیت دست یابند. این اطلاعات که به داده‌های باز^۲ معروف است، به داده‌هایی اطلاق می‌شود که هر فردی قادر است به صورت آزاد و رایگان و بدون نیاز به مجوز خاصی از آن استفاده کند (قلیچ، ۱۳۹۶: ۶۹). این موضوع در نظام اقتصادی کشور نیز در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات دیده شده است، به‌گونه‌ای که براساس مفاد ماده (۲) این قانون، حق دسترسی به اطلاعات عمومی را برای هر شخص ایرانی بیان می‌کند، مگر آنکه قانون آن را منع کرده باشد.^۳

هر کشوری در بستر عدم شفافیت و نظارت کافی قوای نظارتی؛ دچار فساد، رشوه، رانت خواری، اختلاس و مفاسدی از این دست می‌شود. نتیجه گسترش این‌گونه مفاسد پولی و بانکی، چیزی جز کاهش زمینه‌های سرمایه‌گذاری و تولید فعال در کشور نخواهد بود. از این رو مسئله پیشگیری از ایجاد جرائم و تخلفات مالی در شبکه بانکی و همچنین کشف تخلف‌های انجام شده در کوتاه‌ترین زمان ممکن، یکی دیگر از اهداف شفافیت و افشای اطلاعات بانکی است. بنابراین با توجه به توسعه روزافزون بازارهای مالی و ایجاد روش‌های جدید کلاهبرداری، نظارت بانکی باید به نحوی سامان یابد که اولاً از ایجاد چنین تخلف‌هایی پیشگیری کند و ثانیاً بتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، تخلف‌های انجام شده را کشف کند (Barth et al. 2010, 23).

1. Open Government

2. Open Data

۳. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوبه ۱۳۸۷/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی و مصوبه ۱۳۸۸/۵/۳۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳-۴. حفظ حقوق و منافع ذی‌نفعان

یکی دیگر از موضوعات مهم شفافیت و افشای اطلاعات در نظام بانکی، مسئله حمایت از تمامی ذی‌نفعان نظام بانکی به ویژه سپرده‌گذاران است. اهمیت شفافیت و افشای اطلاعات در بانک‌ها با هدف حمایت از ذی‌نفعان می‌تواند به دو دلیل حائز اهمیت قلمداد شود. دلیل اول که قبل‌تر نیز به آن اشاره شد، بحث ورشکستگی بانک یا مؤسسه مالی است. ورشکسته شدن نه تنها به کل نظام بانکی کشور آسیب می‌رساند، بلکه تمامی سپرده‌گذاران به صورت فردی نیز از این مسئله آسیب می‌بینند. دلیل دوم، مربوط به رضایت‌بخش و صادقانه بودن رفتار بانک یا مؤسسه مالی با مشتریان است. در واقع این امکان وجود دارد که مثلاً بانک یا مؤسسه مالی از پرداخت به موقع و دقیق سود سپرده‌گذاران خودداری کند. در این شرایط ضرورت قوانین لازم‌الاجرا در زمینه شفافیت و افشای اطلاعات توسط مقام ناظر در جهت حفظ منابع ذی‌نفعان توجیه می‌شود.

به این ترتیب نهاد ناظر باید متوجه تمامی ذی‌نفعان نظام بانکی باشد و با تدوین مقررات لازم و کافی در زمینه شفافیت و افشای اطلاعات بانکی، فضای امن را برای آنان فراهم کند. افزایش سلامت مالی بانک‌ها با بهبود نظارت بر سطح کفایت سرمایه بانک‌ها و روند گزارشگری مالی، مدیریت بهینه نرخ سود بانکی، اصلاح و تقویت حاکمیت شرکتی در نظام بانکی، سامان‌دهی مطالبات غیرجاری و ... از جمله مواردی هستند که توسط بانک مرکزی باید مورد توجه قرار گیرد تا ضمن افزایش میزان شفافیت و افشای اطلاعات، زمینه‌های حفظ حقوق و منافع ذی‌نفعان در نظام بانکی کشور فراهم کند.

۴. شاخص‌ها و معیارهای استاندارد شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات

شفافیت در بازارهای مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و صاحبان شرکت‌ها از مهمترین عوامل مؤثر عملکرد مناسب تخصیصی بازارهای مالی است. انتخاب بد (کژگزینی)^۱ و مخاطرات اخلاقی (کژمنشی)^۲ دو مشکل اساسی حاصل از عدم تقارن

1. Adverse Selection

2. Moral Hazard

اطلاعاتی بین خریداران و فروشندگان ابزارهای مالی است که اغلب موجب کاهش تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری مشترک و ناتوانی صاحبان بنگاه‌ها برای تأمین مالی مناسب شده و در نتیجه سبب ناکارآمدی بازارهای مالی در تخصیص وجوه خواهد شد (نظری، فدایی و تقی‌ملایی، ۱۳۹۲: ۴۶).

ساختار سازمانی و اداره بانک هر چقدر هم براساس رویه‌ها و سازوکارهای استاندارد شکل گرفته باشد و مبتنی بر آن فعالیت کند، در نبود شفافیت و افشاسازی نمی‌توان انتظار کارآمدی لازم و تحقق اهداف حاکمیت شرکتی را داشت. زیرا یکی از محورهای اساسی حاکمیت شرکتی، جلوگیری از ضایع شدن حقوق ذی‌نفعان (سپرده‌گذاران، سهام‌داران، تسهیلات‌گیرندگان و ...) است و این مهم بدون شفافیت و اطلاع یافتن از وضعیت بانک و تصمیمات اتخاذ شده در خصوص فعالیت بانک و افشای آنها میسر نیست. از این رو شناخت شاخص‌ها و معیارهای شفافیت امری ضروری است. در ادامه به شاخص‌ها و معیارهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات کمیته نظارتی بال و هیئت خدمات مالی اسلامی پرداخته می‌شود.

۴-۱. کمیته نظارتی بال

براساس مستندات و بررسی‌های کمیته بال با عنوان «بهبود شفافیت در بانک»، شفافیت عامل استحکام و پایداری حاکمیت شرکتی صحیح و مؤثر محسوب می‌شود و در صورت نبود شفافیت، نظارت مؤثر بر عملکرد هیئت‌مدیره و هیئت‌عامل از سوی سهام‌داران، سپرده‌گذاران و دیگر ذی‌نفعان و نیز فعالان بازار به‌گونه‌ای که پاسخگوی اعمال خود باشند، امری دشوار است. از این رو هدف از شفافیت در حوزه حاکمیت شرکتی، ارائه اطلاعات مهم و لازم برای طرفین است، به نحوی که بتوانند کارایی هیئت‌مدیره و هیئت‌عامل را در زمینه اداره امور بانک مطابق با قوانین داخلی و در چارچوب روش‌های نظارتی ارزیابی کنند. اگرچه ممکن است مباحث مربوط به فرایند شفاف‌سازی، کاربرد اندکی برای بانک‌های غیربورسی، به خصوص در مورد گروهی از بانک‌هایی که سهام آنها تماماً به تملک انحصاری برخی اشخاص خاص درآمده داشته باشد، اما این امکان هست که بانک‌های غیربورسی

نیز در معرض ریسک‌های مالی مشابه بانک‌های بوری مانند مسائل مربوط به نظام‌های پرداخت و پذیرش سپرده‌های خُرد قرار گیرند. همه بانک‌ها حتی بانک‌های غیربوری که در نوع الزامات افشا تفاوت دارند، لازم است اطلاعات مقتضی و مفید مربوط به حوزه‌های مهم حاکمیت شرکتی را که توسط کمیته مربوطه مشخص می‌شود افشا کنند. این افشا باید متناسب با اندازه پیچیدگی، ساختار مالکیتی، جایگاه اقتصادی و وضعیت ریسک بانک باشد (BCBS, 2015: 36). کمیته بال توصیه می‌کند بانک‌ها - در گزارشگری منظم مالی و دیگر افشاهای عمومی خود - اطلاعات را موقعی ارائه کنند که ارزیابی فعالان بازار از بانک‌ها را تسهیل می‌کنند. این کمیته اطلاعات ذیل را در راستای دستیابی به سطح قابل قبولی از شفافیت در بانک‌ها بیان می‌کند. حیطة و محتوای اطلاعات تهیه شده در قالب موارد زیر باید متناسب با اندازه و ماهیت عملیات بانک باشد^۱:

عملکرد مالی: اطلاعات مربوط به سود و زیان و اجزای آن (در دوره‌های اخیر و پیش از آن) به ارزیابی عملکرد مالی و جریان‌های نقدینگی آتی کمک می‌کند. این اطلاعات کمک می‌کند تا میزان اثربخشی یک بانک در استفاده از منابع در دسترس را ارزیابی کرد. اطلاعات سودمند عبارتند از: شاخص‌های اساسی کمی در زمینه عملکرد مالی، طبقه‌بندی درآمدها و هزینه‌ها، موضوعات مدیریتی و تجزیه و تحلیل عملکرد مالی.

وضعیت مالی (سرمایه، توانایی پرداخت بدهی‌ها و نقدینگی): اطلاعات مربوط به ماهیت و مقدار دارایی‌ها، بدهی‌ها، تعهدات، بدهی‌های احتمالی و وجوه سهامداران - هم در مقاطع زمانی مشخص و هم متوسط آنها طی دوره‌های مختلف - شامل سررسید و ساختار قیمتگذاری مجدد آنها برای ارزیابی نقدینگی و توان پرداخت بدهی یک بانک و در نهایت قدرت مالی و روندهای مربوط به آن سودمند است.

راهبردها و روش‌های مدیریت ریسک: موارد افشا شده ممکن است شامل مباحثی در مورد فلسفه کلی مدیریت ریسک، سیاست کلی و متدولوژی‌ها، شیوه بروز ریسک‌ها، نحوه مدیریت و کنترل آنها و بررسی سودمندی ابزارهای مشتقه در مدیریت ریسک و شیوه عملکرد آنها

۱. کمیته بال، «بهبود شفافیت در بانک - سپتامبر ۱۹۹۸»، ترجمه عبدالمهدی ارجمندنژاد، بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۸۵، ص ۵۵ - ۳۶.

در این زمینه شود. پایبندی به شفافیت همزمان با پیشرفت روش‌های مدیریت ریسک، چالش ویژه‌ای برای یک بانک به حساب می‌آید. بانک نیز باید به تهیه اطلاعات ارزشمند ادامه دهد، به‌گونه‌ای که عموم جامعه بتوانند فنون مدیریت ریسک و اقداماتی که در طول زمان انجام شده است را درک کنند.

مقدار منابع در معرض ریسک: افشای مقدار منابع در معرض ریسک به همراه وضعیت مالی، به انعکاس توان مالی و کارایی بانک و در نهایت امکان ادامه فعالیت‌های تجاری در مواقع بحران یاری می‌رساند. همچنین افشای اطلاعات مربوط به ریسک؛ به ارزیابی مقدار، زمان بندی و اطمینان از جریان وجوه نقد در آینده کمک می‌کند.

خط‌مشی‌های حسابداری: افشای خط‌مشی‌های عمده حسابداری که گزارش‌های مالی مطابق آن تهیه شده‌اند به کاربران این توان را می‌دهد که درباره وضعیت و عملکرد گزارش شده بانک، ارزیابی‌های معتبری را به عمل آورند. اطلاعات اصلی عبارتند از امور کاری، مدیریت و حاکمیت شرکتی (افشای اطلاعات در مورد ساختار هیئت‌مدیره، مدیریت ارشد و ساختار اصلی سازمانی). علاوه بر این لازم است در خصوص ویژگی‌ها و تجربه اعضای هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد، اطلاعاتی را فراهم می‌کند که در ارزیابی نحوه عملکرد احتمالی یک مؤسسه در مواقع بحران و شیوه عکس‌العمل آن نسبت به تغییرات به وجود آمده در محیط اقتصادی یا رقابتی سودمند باشد.

۲-۴. هیئت خدمات مالی اسلامی

استاندارد «افشای اطلاعات برای بهبود شفافیت و نظم بازار برای نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی (به استثنای نهادهای بیمه اسلامی (تکافل) و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک اسلامی)» در دسامبر سال ۲۰۰۷ از سوی هیئت خدمات مالی اسلامی منتشر شده است. هدف این است که مجموعه‌ای از اصول و تکنیک‌های مهم در ایجاد شفافیت نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی با تأکید بر دستیابی به شفافیت و ارتقای نظم بازار فراهم شود. مخاطب نیز نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی، نهادهای ناظر آنها و دیگر نهادهای سیاستی مرتبط است و اهداف عملیاتی مهم

آن به شرح ذیل است:

الف) توانمندسازی فعالان بازار برای تکمیل و پشتیبانی پیاده‌سازی و اجرای اصول هیئت خدمات مالی اسلامی در زمینه‌های کفایت سرمایه، مدیریت ریسک، حاکمیت شرکتی و نظارت،

ب) تسهیل دسترسی فعالان بازار به طور عام و دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری به طور خاص به اطلاعات موثق، مرتبط و به موقع (توحیدی، ۱۳۹۴: ۹).

استانداردها بر اصول و شاخص‌های موجود بر پایه شفافیت و حاکمیت شرکتی که توسط کمیته نظارتی بال منتشر شده بنا شده است. همچنین در این استانداردها سعی شده که ویژگی‌های خاص نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی نیز دیده شود. این استانداردها در هفت بخش تدوین شده که شامل موارد ذیل است:^۱

ملاحظات عمومی: هدف از این استاندارد، تعیین مجموعه‌ای از اصول و شاخص‌های کلیدی است که توسط مؤسسات ارائه خدمات مالی اسلامی با هدف دستیابی به شفافیت و ترویج نظارت بر بازار به هنگام تهیه گزارش‌های خود (افشاها) باید در نظر بگیرند. از آنجا که این استاندارد به مؤسسات ارائه خدمات مالی اسلامی، مقام‌های نظارتی و همچنین سایر سیاستگذاران مربوط می‌شود؛ توصیه‌هایی را برای افزایش شفافیت گزارشگری‌های مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی برای ذی‌نفعان خود و در جهت مشخصات ریسک و ثبات مالی ارائه کرده است. برای این منظور مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی باید ضمن رعایت استانداردهای بین‌المللی حاکمیت شرکتی مطلوب، برای افشاگری‌های خود که در ترویج انضباط بازار مؤثر است، زیرساخت‌های لازم را جهت دسترسی به اطلاعات فراهم کند. اهداف عمده این استاندارد؛ تطابق کفایت سرمایه مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی، مدیریت ریسک، بازرسی نظارتی و استانداردهای حاکمیت شرکتی و همچنین فراهم‌سازی دسترسی به اطلاعات مرتبط، قابل

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: مفاد استاندارد شماره ۴ تدوین و ابلاغ شده توسط هیئت خدمات مالی اسلامی در دسامبر سال ۲۰۰۷:

اعتماد و به موقع برای شرکت‌کنندگان در بازار و دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری به‌طور خاص، در جهت افزایش ظرفیت نظارت ایشان بر عملکرد، نوع فعالیت، ساختار سرمایه، ارزیابی کفایت سرمایه، فرایند مدیریت ریسک، اصول حاکمیت عمومی و شرعی، میزان انطباق محصولات با شریعت و نقش باجه‌های اسلامی مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی است. بنابراین افشاگری‌هایی که طبق این استاندارد و متناسب با نیاز بازار و براساس قانون باشد، می‌تواند نیروهای بازار را برای افزایش ثبات و پایداری مالی اسلامی و تقویت سایر استانداردهای هیئت خدمات مالی اسلامی فعال کند. این استاندارد بر اساس رهنمودها و اصول مربوط به شفافیت بانکی و مدیریت بانکی صادر شده توسط کمیته بانکداری بال و با تکیه بر ویژگی‌های خاص مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی تنظیم شده و بر استانداردهای طرح سرمایه‌گذاری جمعی اسلامی^۲ و استانداردهای حسابداری و حسابرسی بین‌المللی متکی است و افشای اطلاعات مناسب را برای سازمان‌های حسابداری حرفه‌ای، بین‌المللی و ملی را تسهیل می‌کند.

اصول افشای مالی و افشای ریسک: مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی باید روش گزارشگری شفافیت خود را به تصویب هیئت‌مدیره برساند و چگونگی افشای اطلاعات و کنترل‌های داخلی بر فرایند افشا بیان شده باشد. علاوه بر این باید فرایندی را برای ارزیابی مناسب بودن افشای اطلاعات مانند اعتبارسنجی و زمان بندی گزارش‌دهی تدوین کند. ضمن اینکه محدوده افشای اطلاعات باید متناسب و سازگار با ارزیابی ریسک و اهداف مدیریت ریسک، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مؤسسه باشد. با توجه به استانداردهای هیئت خدمات مالی اسلامی نظیر استانداردهای حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک، این استاندارد باید بر افشای اطلاعات مالی، ریسک و حکمرانی تمرکز کند تا استفاده‌کنندگان از آن بتوانند میزان کلی ریسک مؤسسه، نحوه تسویه بازده حساب‌های سرمایه‌گذاری و ترکیب منافع حاصل از آن برای دارندگان این حساب‌ها را مورد سنجش قرار دهند. ضمن اینکه با توجه به الزامات افشا باید مؤسسه، اطلاعاتی که نمی‌تواند افشا کند و یا اطلاعات لازم

1. Investment Account Holders (IAH)

2. Islamic Collective Investment Schemes (ICIS)

جهت افشا را در دسترس ندارد را با ذکر دلایل روشن به‌طور کامل توضیح دهد. همچنین خلاصه‌ای از اطلاعات مؤسسه برای گزارشگری مالی باید در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مؤسسه، ساختار سرمایه اعم از سرمایه کل، درجه ۱ و ... که توسط نهاد ناظر تثبیت شده است، میزان ذخایر احتیاطی و ...، میزان کفایت سرمایه مؤسسه، میزان مشارکت در سود و زیان و یا تقسیم سود و زیان، میزان سپرده‌های سرمایه‌گذاری، میزان دارایی‌های تحت پوشش قراردادهای تأمین مالی شرعی (تسهیلات پرداختی در قالب عقود اسلامی) موزون شده به ریسک، ریسک اعتباری ناشی از قراردادها، اطلاعات مربوط به الزامات کفایت سرمایه و تعیین وزن ریسک دارایی‌ها و تعدیلات مربوط به الزامات سرمایه و ...، افشای اطلاعات در مورد سیاست‌ها، رویه‌ها، طراحی محصول، نوع محصول، مبانی تخصیص سود حساب‌های سرمایه‌گذاری و ...، افشای اطلاعات محصول منتشر شده در ارتباط با محصولات جدید یا تغییرات در محصولات و افشای اطلاعات و صورت‌های مالی به زبان ساده و بدون پیچیدگی و در عین حال جامع باید توسط مؤسسه افشا شود.

اصول افشا برای دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری: طبق بخش ۳ این استاندارد؛ افشای اطلاعات در مورد سیاست‌ها، رویه‌ها، طراحی محصول / نوع محصول و مبانی تخصیص سود و تفاوت بین سپرده‌های سرمایه‌گذاری محدود و نامحدود باید به صورت واضح افشا شود. همچنین نرخ بازده و ریسک‌های مربوطه به حساب‌های مذکور باید به صورت شفاف بیان شود. علاوه بر این سیاست‌های مؤسسه ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در مورد حفظ ذخایر مناسب برای بازده سپرده‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک‌های مترتب بر این سپرده‌ها باید به صورت شفاف تبیین شود.

اصول افشای مبتنی بر سرمایه‌گذار خرد برای دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری: طبق این استاندارد مؤسسات مالی ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در گزارش سالیانه که به‌طور خاص برای سرمایه‌گذاران خرده‌فروشی تنظیم و ارائه می‌کنند که خلاصه‌ای از اطلاعات عملکرد کلیدی را با استفاده از ارائه‌های گرافیکی (مانند نمودار پایه به جای مقدار زیادی از اطلاعات مالی عددی که ممکن است درک آن برای یک سرمایه‌گذار خرده‌فروشی دشوار باشد) استفاده کنند. برای این منظور ناظران، مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی

را تشویق کنند تا افشای اطلاعات خود را به زبان ساده گزارش دهند تا سرمایه‌گذاران این اطلاعات قابل فهم و متعادل را در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود به کار گیرند؛ چرا که آنان متخصص مالی نیستند. همچنین این امر آنها را قادر می‌کند تا عملکرد مؤسسه ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی و همچنین مدیران آنها را تحت نظارت قرار دهند و به نظارت بر بازار کمک کنند. براساس این استاندارد باید در قسمت افشای اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذار خرده‌فروشی، اطلاعات حاوی اظهارات واقعی و متعادل باشد (نه پیش‌بینی‌ها یا تخمین‌های عملکرد آینده مؤسسه). این افشا باید شامل تمام توضیحات، مدارک، محدودیت‌ها و اظهارات دیگر باشد که لازم است برای جلوگیری از گمراه شدن سرمایه‌گذاران، اطلاعات عملکرد افشا شود.

مدیریت ریسک، مواجهه با ریسک و کاهش ریسک: ریسک‌هایی که مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در معرض آن قرار دارند و روش‌هایی که این مؤسسات برای شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک‌ها استفاده می‌کنند از عوامل مهمی هستند که شرکت‌کنندگان در بازار در ارزیابی مؤسسات مالی ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در نظر می‌گیرند. بنابراین طبق این استاندارد چندین ریسک اصلی تأمین مالی شامل ریسک اعتباری، ریسک سرمایه‌گذاری سهام، ریسک نقدینگی، ریسک نرخ بازدهی، ریسک بازار و ریسک عملیاتی در مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی که باید در نظر گرفته شود و اطلاعات لازم در جهت سیاست‌ها و شیوه‌های ارزیابی، کاهش و مدیریت هر یک از این ریسک‌ها باید توسط این مؤسسات افشا شود.

اصول افشای حاکمیت عمومی و حاکمیت شرعی: افشای حاکمیت عمومی و حاکمیت شرعی به منظور ارائه اطلاعات در مورد ساختار، فرایندها و عملکرد چنین حاکمیتی در مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی باید طراحی شود. اطمینان از شفافیت در مورد انطباق شریعت با مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی از اهداف مهم اصول افشاست.

از این رو استانداردهای بین‌المللی، کدها و بهترین شیوه‌های حاکمیت شرکتی مانند اصول حاکمیت شرکتی صادر شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و تقویت

حاکمیت شرکتی برای سازمان‌های بانکی صادر شده توسط کمیته بانکی بال و دیگر استانداردهای حاکمیت مربوطه تدوین شده‌اند که با این موارد سازگار هستند. بنابراین در جهت افشای اطلاعات، مناسب هستند. در این راستا استانداردهای هیئت خدمات مالی اسلامی در چهار حوزه رویکرد حاکمیت عمومی، حقوق صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری، انطباق قوانین و اصول شریعت و شفافیت گزارش مالی در رابطه با حساب‌های سرمایه‌گذاری تدوین شده است.

چگونگی فعالیت گیشه‌های اسلامی در نهادهای مالی^۱ در این استاندارد عملیات پنجره اسلامی به عنوان بخشی از یک مؤسسه مالی متعارف (که ممکن است یک شعبه یا یک واحد اختصاصی از آن مؤسسه باشد) تعریف شده است و حساب‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی و سرمایه‌گذاری را ارائه می‌کند که با شریعت سازگار است. این پنجره‌ها به طور بالقوه و از لحاظ واسطه مالی، سازگار با شریعت‌اند و از نظر منافع مدیریت شده نیز در دارایی‌های متناسب با شریعت سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین طبق این استاندارد باید تمامی الزامات شفافیت در یک پنجره اسلامی ارائه شود. در این راستا مجموعه کامل صورت‌های مالی با یادداشت‌های توضیحی برای یک پنجره اسلامی نیز باید به عنوان بخشی از یادداشت‌های صورت‌های مالی مؤسسه مالی متعارف ارائه شود.

در صورتی که سیستم حسابداری مؤسسه مالی متعارف برای تولید این اطلاعات طراحی نشده باشد، آن مؤسسه موظف است که هرگونه تغییرات لازم در سیستم حسابداری خود در جهت افشای اطلاعات پنجره اسلامی را ایجاد کند. در صورتی که نوع دارایی‌ها مادی باشند، مؤسسه باید از الزامات افشای مرتبط با مدیریت ریسک دارایی‌های شرعی و مقررات مربوط به این دارایی‌ها برای مقاصد کفایت سرمایه برخوردار باشد. چنین الزامات افشاگری نیز برای تأمین مالی صکوک توسط مؤسسه مالی اعمال می‌شود.

۱. این موضوع می‌تواند در نظام بانکی کشور، به شعب بانک‌های داخلی که در کشورهای غیرمسلمان فعالیت می‌کنند نیز تعمیم داده شود.

۵. بررسی SWOT اجرای استاندارد شفافیت و افشای عمومی اطلاعات در نظام بانکی
تحلیل SWOT طبق استانداردهای مربوط به آن در دو بخش عوامل مؤثر درونی و بیرونی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این روش را می‌توان به منظور شناسایی و بررسی عوامل مؤثر درونی (نقاط قوت و نقاط ضعف) و عوامل تأثیرگذار بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) بر اجرای استانداردهای شفافیت و افشای اطلاعات در نظام بانکی به کار گرفت. براساس مطالعات انجام شده و بررسی وضعیت نظام بانکی کشور، مجموعه فرصت‌ها و تهدیدهای مؤثر بر اجرای استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات بانک‌ها را به صورت زیر می‌توان استخراج کرد:

۵-۱. عوامل درونی مؤثر

۵-۱-۱. نقاط قوت

بهبود ایمنی، ثبات و سلامت نظام بانکی: افزایش میزان شفافیت در بانک‌ها در پی اجرای استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات، نه تنها باعث افزایش ثبات نظام بانکی می‌شود، بلکه ایمنی نظام بانکی را از ریسک‌های مترتب بر آن بهبود می‌بخشد.
بازدارندگی نظام مند جرم و تخلف: لزوم پیاده‌سازی استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات در گزارش‌های شفافیت بانک‌ها و همچنین کنترل همه‌جانبه نهاد ناظر (بانک مرکزی) بر گزارش‌های منتشر شده نه تنها زمینه بروز تخلفات توسط بانک‌ها را از بین می‌برد، بلکه به عنوان یک نظام بازدارنده در جهت کاهش تخلفات و اجرای جرائم عمل خواهد کرد.
توسعه و تولید اطلاعات صحیح: یکی دیگر از نقاط مهم در اجرای استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات، ضمن تولید اطلاعات صحیح، زمینه توسعه اطلاعات را به دنبال خواهد داشت و سبب خواهد شد که نظام داده‌محوری تقویت شود.
مستندسازی و تقویت نظام افشای اطلاعات: از دیگر نقاط قوت افشای اطلاعات بر اساس استاندارد شفافیت، تقویت افشای اطلاعات و مستندسازی آن است. به این صورت که افشای اطلاعات بانک‌ها ضمن داشتن جامعیت مورد نظر، به صورت سندی با چارچوب یکسان که از جانب بانک‌ها منتشر می‌شود و این امر، نظام افشا را تقویت می‌بخشد.

افزایش اعتماد عمومی نسبت به نهاد شفاف؛ یکی دیگر از مهمترین نقاط قوت افشای اطلاعات در چارچوب استاندارد شفافیت، افزایش اعتماد عمومی نسبت به بانک‌ها به عنوان ناشرین اطلاعات عملکرد، است.

توزیع مناسب‌تر منابع مالی؛ افشای اطلاعات و الزام به رعایت استاندارد شفافیت باعث خواهد شد که بانک‌ها در تخصیص و توزیع منابع، دقت بیشتری کرده و از توزیع نامناسب منابع به افراد معدود و وابسته به خود خودداری کنند.

پیشگیری از بروز فساد و اختلاس‌های کلان بانکی؛ با توجه به بروز چندین فساد کلان در نظام بانکی کشور، اجرای استاندارد شفافیت و نظارت بر آن مبنی بر لزوم ارائه اطلاعات و گزارش‌های شفافیت در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت، سبب کاهش بروز فساد و اختلاس‌های کلان در نظام بانکی خواهد شد؛ چرا که بانک‌ها خود را در معرض شاخص‌های افشا در چارچوب استاندارد شفافیت می‌بینند.

۲-۱-۵. نقاط ضعف

مشکلات نهادی - بانکی؛ یکی از نقطه ضعف‌ها در اجرایی‌سازی لزوم افشای اطلاعات براساس استاندارد شفافیت توسط بانک‌ها، مشکلات نهادی است که می‌توان به نبود ساختارهای لازم در بانک‌ها در زمینه اجرای این استاندارد اشاره کرد.

نبود کارشناسان متخصص و متعهد در تصمیم‌گیری‌های بانکی؛ همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نبود ساختار لازم در بانک‌ها یکی از مشکلات و نقاط ضعف بانک‌ها در اجرای استاندارد شفافیت است. از این رو نبود این ساختار در کنار فقدان نیروی متخصص، توانایی بانک‌ها را در اجراسازی گزارش‌های خود براساس اصول و شاخص‌های استاندارد مزبور کاهش می‌دهد.

فسادهای پولی و مالی بارز و ممانعت از اجرای استاندارد؛ با توجه به ذی‌نفعان در ارائه اطلاعات نادرست و غیرشفاف، مخالفت‌ها و ممانعت‌هایی در اجرای استاندارد شفافیت وجود خواهد داشت که این موضوع می‌تواند یکی از مهمترین نقاط ضعف اجرای استاندارد شفافیت باشد.

بی ثبات اقتصادی: نبود ثبات اقتصادی پایدار در کشور، یکی دیگر از نقاط ضعف پیاده سازی گزارش های چارچوب استاندارد شفافیت است؛ چرا که بی ثبات اقتصادی، بانک ها را با چالش های اجرایی مواجه کرده و این موضوع سبب تفاوت ها و مغایرت هایی در گزارش های سال های مختلف شده و بی اعتمادی را به دنبال خواهد داشت.

نبود فرهنگ سازمانی مرتبط: یکی دیگر از نقاط ضعف در اجرای استاندارد شفافیت، نبود عزم جدی از سوی سیاستگذاران است که با توجه به نبود اراده جدی در جهت اجرا، فرهنگ سازمانی در بانک ها به وجود نخواهد آمد.

رانت های متعدد: رانت در افشای اطلاعات نادرست و غیرشفاف، یکی دیگر از نقاط ضعف پیاده سازی استاندارد شفافیت است.

شناسایی نشدن و اهمیت به ظرفیت های موجود: یکی دیگر از نقاط ضعف اجرای استاندارد شفافیت، شناسایی نشدن ظرفیت ها و اهمیت به آن در اجرای این استاندارد است.

۲-۵. عوامل بیرونی مؤثر

هدف این مرحله بررسی آثار محیط بیرونی بر اجرای استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات در بانک ها برای شناسایی فرصت ها و تهدیدهایی است که نظام بانکی کشور با آن مواجه است. می توان گفت فرصت ها شامل مجموعه امکانات و قابلیت هایی است که خارج از محیط درونی بر میزان شفافیت بانکی به طور مستقیم یا غیرمستقیم مؤثر هستند. تهدیدها نیز مجموعه عوامل خارج از ناحیه محسوب می شوند که در ناکارایی این نواحی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم دارند. براساس مطالعات انجام شده و بررسی وضعیت پیرامون نظام بانکی کشور، مجموعه فرصت ها و تهدیدهای مؤثر بر اجرای استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات بانک ها، به صورت ذیل قابل ترسیم است.

۱-۲-۵. فرصت ها

افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی: یکی از فرصت ها و مزایای به کارگیری استانداردهای شفافیت مالی، همخوانی و سازگاری صورت های مالی و کاهش موانع ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی در حوزه تأمین مالی است.

افزایش شفافیت و دقت گزارشگری مالی: استفاده از استانداردهای بین‌المللی شفافیت مالی توسط بانک‌ها سبب می‌شود تا نقاط ضعف و قوت این استانداردها کاملاً آشکار شده و با برطرف کردن ایرادات آن بر کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی بانک افزوده می‌شود. با توجه به بالاتر بودن دقت و جامعیت این استانداردها نسبت به گزارشگری‌های مالی داخلی، این انتظار وجود دارد تا با آگاهی به موقع از وضعیت مالی خود بتوان از بروز بحران مالی جلوگیری کرد.

کاهش هزینه‌های تطبیق صورت‌های مالی: استفاده از استانداردهای شفافیت مالی بین‌المللی و ایجاد ساختار یکسان برای تهیه گزارش‌های مالی در سراسر جهان به‌طور عام و در میان کشورهای اسلامی به‌طور خاص و به تبع آن افزایش امکان مقایسه گزارش‌های مالی در سایر کشورها علاوه بر کاهش هزینه تطبیق صورت‌های مالی، زمینه اتخاذ تصمیمات مناسب‌تر را برای آنها فراهم خواهند کرد (استریت و همکاران، ۱۹۹۹). در ضمن هماهنگ‌سازی در کاهش هزینه‌های مربوط به آموزش و تهیه سیستم‌های اطلاعات مالی نیز نقش بسزایی را در این زمینه ایفا خواهد کرد. بنابراین باید از جانب بانک‌ها مدنظر قرار گیرد (خوشکار، نصرتی و کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۷۵).

تقارن اطلاعاتی بین تهیه‌کنندگان اطلاعات و استفاده‌کنندگان: لزوم اجرای استاندارد شفافیت و انطباق کامل و افشای به موقع و باکیفیت اطلاعات مالی بانک‌ها، به افزایش میزان شفافیت این اطلاعات منجر شده و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را برای بانک و استفاده‌کنندگان از اطلاعات بانکی را به دنبال خواهد داشت. رعایت این موضوع از بروز پدیده‌های انتخاب بد (کژگزینی) و مخاطرات اخلاقی (کژمنشی) جلوگیری و تصمیمات آتی طرفین را نسبت به هم با تهدید و چالش‌های جدی مواجه نخواهد کرد.

رتبه‌بندی بانک‌ها از منظر میزان شفافیت: استانداردهای شفافیت و رعایت آنها توسط بانک می‌تواند ضمن ایجاد رقابت سالم در افشای صحیح و به موقع اطلاعات، زمینه را برای مقایسه میزان شفافیت اطلاعات و صورت‌های مالی و همچنین رتبه‌بندی آنها از بُعد شفافیت را فراهم کند. این موضوع باعث می‌شود که بانک‌ها گزارشگری مالی خود را بهبود داده و از این طریق اطمینان‌ذی‌نفعان و عموم جامعه را جلب کنند. افشای توأم با شفافیت صورت‌های مالی می‌تواند کسب بازده‌های غیرواقعی را کاهش دهد.

به اشتراک‌گذاری اطلاعات بین دستگاه‌های حاکمیتی: با توجه به اینکه هر ساله تصمیم‌گیری برای سال‌های آتی، براساس گزارش عملکرد سال‌های قبل انجام می‌شود و اطلاعات این سال‌ها زمینه را برای اخذ تصمیمات سرنوشت‌ساز سال‌های آتی مهیا می‌کند؛ شفافیت اطلاعات و افشای صحیح و به موقع آن می‌تواند زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران فراهم کرده و سیاست‌های تدوین شده را به واقعیت نزدیک‌تر کند.

اجرای بند «۱۹» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: ارتقای سلامت و افزایش شفافیت بانکی منطبق با استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات، کاملاً با اصول اقتصاد مقاومتی (به ویژه منطبق با بند «۱۹» این سیاست‌ها) سازگاری بالایی دارد.

بالا رفتن استاندارد بانک‌های داخلی در جهت انطباق با استانداردهای بین‌المللی: لزوم انطباق سیستم افشای اطلاعات بانک‌های داخلی با استانداردهای بین‌المللی نه تنها زمینه را برای ورود به عرصه‌های مالی و اقتصادی جهانی و همکاری با بانک‌های بزرگ بین‌المللی فراهم می‌کند، بلکه زمینه تبدیل بانک‌ها به بانک‌های تراز اول منطقه را نیز به دنبال خواهد داشت.

تضمین اعتماد و مشارکت بیشتر ذی‌نفعان: لزوم افشای صحیح و به موقع اطلاعات توسط بانک‌ها، ضمن کسب اعتماد عمومی، زمینه مشارکت و پایداری همکاری ذی‌نفعان را برای بانک به دنبال خواهد داشت.

پیشگیری از وقوع مشکلات در بانک‌ها: ریسک هجوم بانکی و ناتوانی پاسخگویی بانک‌ها به درخواست سپرده‌گذاران خود، از موضوعاتی است که در صورت عدم شفافیت و یا افشای اطلاعات نادرست می‌تواند دامنگیر بانک‌ها شود. این در حالی است که افشای صحیح و به موقع اطلاعات، می‌تواند ضمن معرفی بانک به عنوان یک بانک سالم و شفاف، زمینه بروز ریسک هجوم بانکی و مشکلات تبعاتی آن را کاهش دهد.

۲-۲-۵. تهدیدها

مقاومت رانت‌جویان در مقابل شفافیت: اجرای استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات می‌تواند مقاومت رانت‌جویان را به دنبال داشته باشد که دلایل زیادی برای این موضوع

عنوان شده است. مهمترین این دلایل عبارتند از: هزینه‌های مرتبط با جمع‌آوری، پردازش و افشای اطلاعات، منافع مرتبط با عدم افشا و پدیده آثار خارجی. در چنین شرایطی قوانین سختگیرانه مرتبط با افشا، مطلوب نیست و شرکت‌ها به دنبال راهکارهایی برای عدم افشا و یا افشای کمتر خواهند بود (صمدی لرگانی، ۱۳۸۹).

افشای اطلاعات محرمانه (محرمانه‌زدایی) و حفظ نشدن منافع گروه‌های ذی‌نفع: در ارتباط با استفاده از استانداردهای شفافیت بین‌المللی و اسلامی گروه‌های ذی‌نفع بسیاری وجود دارند. هر یک از این گروه‌ها دارای منافع هستند که بعضاً در یک راستا نیستند. بنابراین افزایش میزان شفافیت و یکپارچه شدن افشای اطلاعات براساس اصول و استانداردهای مربوطه می‌تواند منافع این افراد را با خطر مواجه کند.

افشای اطلاعات نادرست و ناکافی و کاهش اعتماد عمومی: با توجه به ابلاغ اجرای استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات و لزوم پیاده‌سازی آن توسط نظام بانکی کشور، در صورتی که بانکی اطلاعات خود را به صورت نادرست و یا حتی ناکافی نسبت به سایر بانک‌ها افشا کند، ضمن تخلف از قوانین و مقررات و متحمل شدن مجازات‌های مربوطه برای اعضای هیئت‌مدیره، کاهش اعتماد عمومی نسبت به خود را در پی خواهد داشت. از این رو میزان انطباق شفافیت و افشای اطلاعات با اصول و ملزومات استاندارد نه تنها امری سهل و آسان نیست، بلکه با توجه به تهدیدهای جدی که برای بانک به دنبال دارد و برای جلوگیری از بروز نااطمینانی، نیازمند دقت بالا و صحت و درستی لازم و کافی است.

ناهمسانی و عدم تقارن اطلاعاتی و ایجاد پدیده انتخاب بد (کژگزینی) و مخاطرات اخلاقی (کژمنشی): با توجه به اینکه در زمینه افشای اطلاعات و میزان شفافیت، درستی و صحت وضعیت مالی بانک‌ها، هیچ کس به اندازه خود بانک‌ها آگاهی کامل ندارند و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان همواره به عنوان یک اصل وجود داشته و امری بدیهی است (حقیقت و علوی، ۱۳۹۲: ۲). از این رو افشای اطلاعات و میزان شفافیت باید به گونه‌ای باشد که نه تنها همه ذی‌نفعان، بلکه درک آن برای عموم قابل فهم و مقایسه باشد. در صورتی که اطلاعات افشا شده با واقعیت همخوانی نداشته باشد و یا بانک در راستای کسب منافع شخصی اقدام به افشای اطلاعات نادرست کند، این ناهمسانی در دانسته‌های طرفین و

احتمال سوءاستفاده از این اطلاعات برای کسب منافع شخصی باعث ایجاد پدیده انتخاب بد (کژگزینی) و مخاطرات اخلاقی (کژمنشی) شده و تصمیمات آتی طرفین را نسبت به هم با تهدید و چالش‌های جدی مواجه خواهد کرد.

تمرکز سایه سیاست بر نظام بانکی: تمرکز سیاسی بر نظام بانکی، یکی دیگر از تهدیدهای پیاده‌سازی و رعایت استاندارد شفافیت است.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

از آنجاکه شاخص‌های استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات در این پژوهش برگرفته از استاندارد شماره ۴ هیئت خدمات مالی اسلامی و همچنین بخشنامه ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری ابلاغی بانک مرکزی ج.ا.ا است و در جهت رتبه‌بندی شاخص‌های استاندارد شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات صورت‌های مالی در نظام بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ جامعه آماری پژوهش حاضر کارشناسان و خبرگان نظام بانکی است.

به‌طور معمول در روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره مانند روش تحلیل سلسله‌مراتبی با تعداد نظرهای بالاتر از پنج، نتایج قابل قبولی حاصل می‌شود. برخلاف آمار استنباطی، روش‌های پژوهش عملیاتی دارای علائم اعتبارسنجی هستند، یعنی در صورتی‌که نتایج اشتباه باشد مشخص می‌شوند. در روش تحلیل سلسله‌مراتبی اعتبار درستی نتایج با نرخ سازگاری است (معماریانی و آذر، ۱۳۷۸: ۵۵). تجربه نشان داده است، در صورتی‌که نرخ سازگاری کوچک‌تر یا مساوی ۱/۰ باشد، نرخ سازگاری قابل قبول است و پاسخ‌های داده شده سازگار است (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۷، ۶۹-۶۷).

با توجه به اینکه تعداد افرادی که با این شاخص‌ها آشنایی کافی دارند، محدودند و شناخت و تجربه کافی در مورد چگونگی محاسبه این شاخص‌ها را ندارند، برای انجام مقایسات زوجی و رتبه‌بندی شاخص‌های افشا شده تعداد سی پرسشنامه میان تعدادی از خبرگان مطلع و متخصص که شناخت کافی درباره این شاخص‌ها را دارند، توزیع و نتایج حاصل به جامعه تعمیم داده می‌شود. پرسشنامه تهیه شده با توجه به مطالعات قبلی و

نظرات خبرگان از روایی لازم نیز برخوردار است. زیرا با مطالعه و بررسی ادبیات موضوع و مقالات، معیارهای مناسب برای رتبه‌بندی شناسایی شده است.

۱-۶. رتبه‌بندی به روش سلسله‌مراتبی

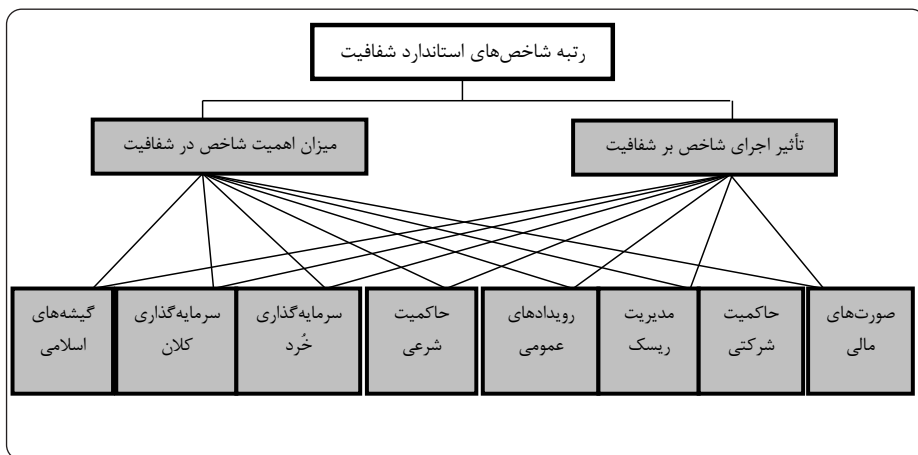
مدل سلسله‌مراتبی از معروف‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است که برای اولین بار توسط توماس ال ساعتی^۱ در دهه ۱۹۷۰ ارائه شد. این مدل نشان می‌دهد که چگونه اهمیت نسبی چند فعالیت، گزینه، آльтرناتیو و ... را در یک مسئله تصمیم‌گیری چندمعیاره تعیین کنیم (مشیری، ۱۳۸۰: ۶۴). فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی با تجزیه مسائل مشکل و پیچیده، آنها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آنها می‌پردازد (قدسی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۱). این تکنیک ترکیب معیارهای کیفی و غیرقابل لمس همراه با معیارهای کمی و قابل لمس را به‌طور هم‌زمان امکان‌پذیر می‌کند و از مقایسات دوجه‌دویی آльтرناتیوها و معیارهای تصمیم‌گیری استفاده می‌کند. چنین مقایسه‌ای نیازمند جمع‌آوری اطلاعات از تصمیم‌گیرنده از طریق پرسشنامه است. مقایسات زوجی به تصمیم‌گیرنده امکان می‌دهد با توجه به دانش خود، آزادانه و بدون هیچ نفوذ خارجی تنها بر روی مقایسه دو گزینه تمرکز و قضاوت کند.

۱-۱-۶. گام صفر: بنا کردن درخت سلسله‌مراتب تصمیم

در رأس این نمودار هدف کلی تصمیم‌گیری یعنی رتبه‌بندی شاخص‌های استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات قرار دارد. سطح پایین‌تر معیارهای مؤثر بر تصمیم‌گیری یعنی تأثیر اجرای شاخص بر شفافیت و میزان اهمیت شاخص در شفافیت قرار دارند. آخرین سطح نیز گزینه‌های تصمیم‌گیری که مورد مقایسه قرار می‌گیرند، یعنی افشای اطلاعات صورت‌های مالی، افشای اطلاعات حاکمیت شرکتی و کنترل‌های داخلی، افشای اطلاعات شناسایی و مدیریت ریسک، افشای اطلاعات رویدادهای عمومی با اهمیت، افشای

اطلاعات حاکمیت عمومی و شرعی، افشای اطلاعات مبتنی بر سرمایه‌گذاری خرد و کلان برای دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری و افشای اطلاعات طرز فعالیت گیشه‌های اسلامی جای دارند.

نمودار ۱. درخت سلسله‌مراتب تصمیم



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

به‌منظور رتبه‌بندی شاخص‌های استاندارد شفافیت عملیات ریاضی تحلیل سلسله‌مراتبی در قالب چهارگام توضیح داده می‌شوند.

۲-۱-۶. گام اول: انجام مقایسات زوجی

در این گام جداول مقایسه‌ای براساس درخت سلسله‌مراتبی تهیه می‌شود. برای انجام مقایسه‌های زوجی با استفاده از داده‌های پرسشنامه، نتایج حاصل با استفاده از میانگین هندسی ترکیب شدند و حاصل آن در ماتریس‌های زیر آورده شده است. عناصر روی قطر اصلی این ماتریس‌ها عدد یک است که به دلیل معکوس بودن ماتریس‌ها، اعداد زیر قطر اصلی، معکوس اعداد بالای قطر اصلی هستند.

جدول ۱. ماتریس مقایسه زوجی گروهی شاخص‌های استاندارد شفافیت براساس معیار تأثیر اجرا

تأثیر اجرا	صورت‌های مالی	حاکمیت شرکتی	مدیریت ریسک	رویدادهای عمومی	حاکمیت شرعی	سرمایه‌گذاری خرد	سرمایه‌گذاری کلان	گیشه‌های اسلامی
صورت‌های مالی	۱	۲,۰۳	۱,۱۶	۱,۶۹	۱,۹۲	۲,۹۶	۴,۵۶	۵,۴۸
حاکمیت شرکتی	۰,۴۹	۱	۱,۵۶	۱,۴۸	۱,۶۴	۲,۵۰	۳,۹۸	۵,۸۷
مدیریت ریسک	۰,۸۵	۰,۶۴	۱	۱,۶۱	۱,۶۸	۲,۶۶	۴,۲۳	۷,۹۶
رویدادهای عمومی	۰,۵۸	۰,۶۷	۰,۶۲	۱	۳,۷۰	۶,۹۱	۵,۵۳	۶,۰۸
حاکمیت شرعی	۰,۵۲	۰,۶۰	۰,۵۹	۰,۲۷	۱	۹,۹۱	۹,۲۵	۹,۳۳
سرمایه‌گذاری خرد	۰,۳۳	۰,۳۹	۰,۳۷	۰,۱۴	۰,۱۰	۱	۱,۰۳	۱,۴۲
سرمایه‌گذاری کلان	۰,۲۱	۰,۲۵	۰,۲۳	۰,۱۸	۰,۱۰	۰,۶۹	۱	۳,۷۱
گیشه‌های اسلامی	۰,۱۸	۰,۱۷	۰,۱۲	۰,۱۶	۰,۱۰	۰,۷۰	۰,۲۶	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۲. ماتریس مقایسه زوجی گروهی شاخص‌های استاندارد شفافیت براساس معیار میزان اهمیت

میزان اهمیت	صورت‌های مالی	حاکمیت شرکتی	مدیریت ریسک	رویدادهای عمومی	حاکمیت شرعی	سرمایه‌گذاری خرد	سرمایه‌گذاری کلان	گیشه‌های اسلامی
صورت‌های مالی	۱	۱,۴۲	۱,۱۶	۱,۶۹	۱,۹۲	۲,۹۶	۴,۵۶	۵,۴۸
حاکمیت شرکتی	۰,۷۰	۱	۱,۶۲	۱,۵۵	۱,۷۴	۲,۷۲	۵,۱۸	۷,۴۶
مدیریت ریسک	۰,۸۵	۰,۶۱	۱	۱,۶۱	۱,۶۸	۲,۶۶	۴,۲۳	۷,۹۶
رویدادهای عمومی	۰,۵۸	۰,۶۴	۰,۶۲	۱	۱,۱۲	۱,۹۲	۲,۳۵	۴,۲۰
حاکمیت شرعی	۰,۵۲	۰,۵۷	۰,۵۹	۰,۸۸	۱	۳,۸۴	۲,۲۰	۴,۱۸
سرمایه‌گذاری خرد	۰,۳۳	۰,۳۶	۰,۳۷	۰,۵۲	۰,۲۵	۱	۱	۱,۴۲
سرمایه‌گذاری کلان	۰,۲۱	۰,۱۹	۰,۲۳	۰,۴۲	۰,۴۵	۱	۱	۲,۳۸
گیشه‌های اسلامی	۰,۱۸	۰,۱۳	۰,۱۲	۰,۲۳	۰,۲۳	۰,۷۰	۰,۴۲	۱

مأخذ: همان.

در جدول زیر شاخص‌های استاندارد شفافیت براساس معیارهای تأثیر اجرای شاخص بر شفافیت و میزان اهمیت شاخص در شفافیت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

جدول ۳. ماتریس مقایسه زوجی گروهی معیارها

اهمیت	اجرا	شاخص‌های استاندارد شفافیت
۱,۴۴	۱	اجرا
۱	۰,۶۹	اهمیت

مأخذ: همان.

نتایج حاصل از محاسبات براساس جدول فوق حاکی از آن است که معیار تأثیر اجرای شاخص‌های مورد نظر نسبت به معیار اهمیت شاخص دارای ضریب اولویت بیشتری به میزان ۱/۴۴ است. به تبع این نسبت در حالت معکوس، یعنی مقایسه معیار اهمیت شاخص‌ها نسبت به معیار تأثیر اجرای شاخص‌ها برابر با ۰/۶۹ است.

۳-۱-۶. گام دوم: استخراج اولویت‌ها از ماتریس مقایسه زوجی

در جدول زیر ضریب اولویت هر یک از شاخص‌های استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات مقایسه شده است.

جدول ۴. ماتریس ضرایب اولویت شاخص‌های استاندارد شفافیت براساس معیار تأثیر اجرا

تأثیر اجرا	صورت‌های مالی	حاکمیت شرکتی	مدیریت ریسک	رویدادهای عمومی	حاکمیت شرعی	سرمایه‌گذاری خرد	سرمایه‌گذاری کلان	گیشه‌های اسلامی	ضریب اولویت
صورت‌های مالی	۰,۲۳	۰,۳۵	۰,۲۰	۰,۲۵	۰,۱۸	۰,۱۰	۰,۱۵	۰,۱۳	۰,۲۰۴
حاکمیت شرکتی	۰,۱۱	۰,۱۷	۰,۲۷	۰,۲۲	۰,۱۵	۰,۰۹	۰,۱۳	۰,۱۴	۰,۱۶۴
مدیریت ریسک	۰,۲۰	۰,۱۱	۰,۱۷	۰,۲۴	۰,۱۶	۰,۰۹	۰,۱۴	۰,۱۹	۰,۱۶۶
رویدادهای عمومی	۰,۱۴	۰,۱۱	۰,۱۰	۰,۱۵	۰,۳۶	۰,۲۵	۰,۱۸	۰,۱۴	۰,۱۸۳

تأثیر اجرا	صورت‌های مالی	حاکمیت شرکتی	مدیریت ریسک	رویدادهای عمومی	حاکمیت شرعی	سرمایه‌گذاری خرد	سرمایه‌گذاری کلان	گیشه‌های اسلامی	ضریب اولویت
حاکمیت شرعی	۰٫۱۲	۰٫۱۰	۰٫۱۰	۰٫۰۴	۰٫۰۹	۰٫۳۵	۰٫۳۰	۰٫۲۰	۰٫۱۷۱
سرمایه‌گذاری خرد	۰٫۰۸	۰٫۰۶	۰٫۰۶	۰٫۰۲	۰٫۰۹	۰٫۰۳	۰٫۰۳	۰٫۰۳	۰٫۰۴۴
سرمایه‌گذاری کلان	۰٫۰۵	۰٫۰۴	۰٫۰۴	۰٫۰۲	۰٫۰۱	۰٫۰۳	۰٫۰۳	۰٫۰۹	۰٫۰۴۱
گیشه‌های اسلامی	۰٫۰۴	۰٫۰۲	۰٫۰۲	۰٫۰۲	۰٫۰۱	۰٫۰۲	۰٫۰۹	۰٫۰۲	۰٫۰۲۳

مأخذ: همان.

جدول ۵. ماتریس ضرایب اولویت شاخص‌های استاندارد شفافیت براساس معیار میزان اهمیت

میزان اهمیت	صورت‌های مالی	حاکمیت شرکتی	مدیریت ریسک	رویدادهای عمومی	حاکمیت شرعی	سرمایه‌گذاری خرد	سرمایه‌گذاری کلان	گیشه‌های اسلامی	ضریب اولویت
صورت‌های مالی	۰٫۲۲	۰٫۲۸	۰٫۲۰	۰٫۲۱	۰٫۲۲	۰٫۱۷	۰٫۲۱	۰٫۱۶	۰٫۲۱
حاکمیت شرکتی	۰٫۱۵	۰٫۲۰	۰٫۲۸	۰٫۱۹	۰٫۲۰	۰٫۱۶	۰٫۲۴	۰٫۲۱	۰٫۲۰
مدیریت ریسک	۰٫۱۹	۰٫۱۲	۰٫۱۷	۰٫۲۰	۰٫۱۹	۰٫۱۵	۰٫۲۰	۰٫۲۳	۰٫۱۸
رویدادهای عمومی	۰٫۱۳	۰٫۱۲	۰٫۱۰	۰٫۱۲	۰٫۱۳	۰٫۱۱	۰٫۱۱	۰٫۱۲	۰٫۱۲
حاکمیت شرعی	۰٫۱۱	۰٫۱۱	۰٫۱۰	۰٫۱۱	۰٫۱۱	۰٫۲۲	۰٫۱۰	۰٫۱۲	۰٫۱۲
سرمایه‌گذاری خرد	۰٫۰۷	۰٫۰۷	۰٫۰۶	۰٫۰۶	۰٫۰۳	۰٫۰۵	۰٫۰۴	۰٫۰۴	۰٫۰۵
سرمایه‌گذاری کلان	۰٫۰۴	۰٫۰۳	۰٫۰۴	۰٫۰۵	۰٫۰۵	۰٫۰۵	۰٫۰۴	۰٫۰۶	۰٫۰۵
گیشه‌های اسلامی	۰٫۰۴	۰٫۰۲	۰٫۰۲	۰٫۰۲	۰٫۰۲	۰٫۰۴	۰٫۰۲	۰٫۰۲	۰٫۰۲

مأخذ: همان.

در جدول ذیل با توجه به نتایج جداول قبل، رتبه‌بندی شاخص‌ها از منظر دو معیار «میزان تأثیر اجرا» و «میزان اهمیت» هر شاخص قابل مشاهده است.

جدول ۶. رتبه‌بندی شاخص‌ها به لحاظ میزان تأثیر اجرا و میزان اهمیت

رتبه‌بندی شاخص‌ها به لحاظ		شاخص‌ها
میزان اهمیت	میزان تأثیر اجرا	
۱	۱	افشای اطلاعات صورت‌های مالی
۲	۴	افشای اطلاعات حاکمیت شرکتی و کنترل‌های داخلی
۳	۵	افشای اطلاعات شناسایی و مدیریت ریسک
۴	۲	افشای اطلاعات رویدادهای بااهمیت
۴	۳	افشای اطلاعات حاکمیت شرعی
۵	۷	افشای اطلاعات سرمایه‌گذاری خرد
۵	۶	افشای اطلاعات سرمایه‌گذاری کلان
۶	۸	افشای اطلاعات گیشه‌های اسلامی

مأخذ: همان.

در جدول زیر شاخص‌های مذکور براساس معیارهای تأثیر اجرا و میزان اهمیت رتبه‌بندی شده است.

جدول ۷. ماتریس ضرایب اولویت معیارها

ضریب اولویت	اهمیت	اجرا	شاخص‌های استاندارد شفافیت
۰,۵۹	۰,۵۹	۰,۵۹	اجرا
۰,۴۰	۰,۴۰	۰,۴۰	اهمیت

مأخذ: همان.

مطابق نتایج جدول فوق، معیار تأثیر اجرای شاخص‌های مورد نظر نسبت به معیار میزان اهمیت شاخص، دارای ضریب اولویت بیشتری است. بنابراین معیار تأثیر اجرای شاخص از نظر خبرگان بیشترین اثر را در به وجود آمدن شفافیت در نظام بانکی دارد.

۴-۱-۶. گام سوم: تعیین نرخ سازگاری^۱

سازگاری قضاوت‌ها از طریق تعیین نرخ سازگاری مشخص می‌شود و نشان‌دهنده این است که تا چه میزان می‌توان به اولویت‌های حاصل از مقایسه‌ها اعتماد کرد. گاهی اوقات ممکن است مقایسه‌های انجام شده توسط تصمیم‌گیرندگان سازگار نباشد؛ برای مثال اگر اولویت گزینه α به β توسط یکی از افراد ۲ تعیین شود و اولویت گزینه β به γ برابر ۳ تعیین شود، در حالی که چون مقایسه‌های دوبه‌دو انجام می‌گیرد؛ ممکن است تصمیم‌گیرنده اولویت گزینه α به γ را عددی غیر از ۶ تعیین کند. در این صورت ناسازگاری در مقایسات به دست می‌آید. تجربه نشان داده است که اگر نرخ سازگاری کمتر از ۱۰ درصد باشد، می‌توان سازگاری مقایسه‌ها را پذیرفت. در غیر این صورت باید مقایسه‌ها مجدداً انجام شود (آذر و رجب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۱۱۱).

در این گام به منظور اطمینان از نتایج حاصل از مقایسات زوجی که با نظرسنجی انجام شده است، نرخ سازگاری را طبق مراحل زیر محاسبه می‌کنیم:

تعیین اولویت هر یک از شاخص‌ها (با در نظر گرفتن معیارهای تأثیر اجرا و میزان اهمیت): این مرحله در گام دوم تشریح شد.

محاسبه بردار مجموع وزنی^۲: باید مقادیر جدول‌های ماتریس مقایسه زوجی گروهی شاخص‌های استاندارد شفافیت براساس معیار تأثیر اجرا در اولویت‌های استخراج شده در جدول ۳ به ترتیب ضرب شوند؛ همچنین مقادیر جدول ماتریس مقایسه زوجی گروهی شاخص‌های استاندارد شفافیت براساس معیار میزان اهمیت در اولویت‌های استخراج شده در جدول ۲ ضرب شوند.

1. Compatibility Rate (CR)
2. Weighted Sum Vector (WSV)

$$WSV(\gamma) = \begin{bmatrix} 1.82 \\ 1.49 \\ 1.51 \\ 1.83 \\ 1.57 \\ 0.36 \\ 0.34 \\ 0.20 \end{bmatrix}$$

$$WSV(\gamma) = \begin{bmatrix} 1.75 \\ 1.72 \\ 1.52 \\ 1.002 \\ 1.03 \\ 0.46 \\ 0.42 \\ 0.24 \end{bmatrix}$$

محاسبه بردار سازگاری^۱ با تقسیم هر یک از مؤلفه‌های بردار مجموع وزنی بر اولویت‌های متناظر با آن نسبت به فاکتورها به دست می‌آید.

$$CV(\gamma) = \begin{bmatrix} 8.92 \\ 9.06 \\ 9.08 \\ 10.01 \\ 9.18 \\ 8.20 \\ 8.35 \\ 8.47 \end{bmatrix}$$

$$CV(\gamma) = \begin{bmatrix} 8.19 \\ 8.24 \\ 8.18 \\ 8.17 \\ 8.12 \\ 8.11 \\ 8.15 \\ 8.09 \end{bmatrix}$$

محاسبه مقدار λ_{max} : این مقدار برابر با میانگین نرخ سازگاری است:

$$\lambda_{max}(\gamma) = \{8.91 \text{ و } 8.16\}$$

محاسبه شاخص سازگاری^۲: با استفاده از رابطه $C.I = \frac{\lambda_{MAX} - n}{n}$ به دست می‌آید:

$$C.I(\gamma) = \{0.11 \text{ و } 0.02\}$$

محاسبه نرخ سازگاری: به این دلیل که تعداد هشت شاخص مقایسه می‌شوند، مقدار R.I برابر با ۱/۴۱ است. بنابراین با استفاده از شاخص $C.R = \frac{C.I}{R.I}$ که در آن R.I مقدار شاخص تصادفی است، خواهیم داشت:

-
1. Compatibility Vector (CV)
 2. Consistency Index (CI)
 3. Random Index

$$C.R.(1و2) = \{0,01,0,08\}$$

از آنجاکه نرخ سازگاری برای مقایسه‌های زوجی کوچکتر از ۰/۱ شده است، در مقایسه‌ها سازگاری وجود دارد و نتایج قابل اطمینان است و نیازی به بازنگری در مقایسه‌ها زوجی نیست.

۷. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

هیئت خدمات مالی اسلامی به عنوان نهاد تنظیم‌کننده استانداردهای بین‌المللی و مکمل کمیته بازل به دنبال ایجاد سلامت و ثبات صنعت خدمات مالی اسلامی شامل بانک، بازار سرمایه و بیمه است که در پیشبرد این مأموریت، توسعه یک صنعت خدمات مالی اسلامی شفاف و محتاط را از طریق معرفی استانداردهای جدید و یا تطبیق با استانداردهای موجود بین‌المللی و سازگار با شریعت را در دستور کار خود دارد.

هیئت خدمات مالی اسلامی اهداف کلانی از جمله افشای صحیح اطلاعات و ارتقای شفافیت در مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی را به دنبال دارد که در این راستا استانداردهای مختلفی را تدوین و ابلاغ کرده است. این استانداردها در سال‌های مختلف و در راستای توسعه موضوعات متعددی تدوین شده است. هیئت خدمات مالی اسلامی با انتشار استاندارد شماره ۴ خود مبنی بر «افشای اطلاعات برای بهبود شفافیت و نظم بازار برای نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی (به استثنای نهادهای بیمه‌ای و صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری اسلامی)»، هفت طبقه وسیع اطلاعاتی را در راستای دستیابی به سطح قابل قبولی از شفافیت در بانک‌ها بیان می‌کند. هدف اصلی این استاندارد، فراهم‌سازی ارائه اصول و تکنیک‌های مهم در ایجاد شفافیت نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی با تأکید بر دستیابی به شفافیت و ارتقای نظم بازار منتشر شده است.

اجرای اصول استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات در بانک‌ها نقاط قوت و ضعفی را به دنبال دارد. این موضوع می‌تواند برای بانک‌ها فرصت و تهدیدهایی را به دنبال داشته باشد. مشکلات جدی نهادی - بانکی، نبود کارشناسان متخصص و متعهد در تصمیم‌گیری‌های بانکی برای اجرای این موضوع، وجود فسادهای پولی و مالی بارز و

ممانعت آن از اجرای استاندارد، رانت‌های متعدد، عدم شناسایی و اهمیت به ظرفیت‌های موجود و ... از مهمترین نقاط ضعف در پیاده‌سازی اصول استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات در بانک‌هاست. نتایج حاصل از نظرسنجی از دید خبرگان نشان داد که شاخص‌های افشای اطلاعات صورت‌های مالی، افشای اطلاعات رویدادهای عمومی با اهمیت و افشای اطلاعات حاکمیت عمومی و شرعی در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند و در صورت اجرا می‌توانند بیشترین تأثیر را بر میزان شفافیت اطلاعات در نظام بانکی داشته باشند. بعد از آن شاخص‌های افشای اطلاعات حاکمیت شرکتی و کنترل‌های داخلی - افشای اطلاعات شناسایی و مدیریت ریسک، افشای اطلاعات مبتنی بر سرمایه‌گذاری خرد و کلان برای دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری و افشای اطلاعات طرز فعالیت گیشه‌های اسلامی کمترین ضریب اهمیت را دارند. همچنین میزان اهمیت شاخص‌های افشای اطلاعات صورت‌های مالی، افشای اطلاعات حاکمیت شرکتی و کنترل‌های داخلی و افشای اطلاعات شناسایی و مدیریت ریسک بر افزایش شفافیت نظام بانکی اثرگذارند. به ترتیب شاخص‌های افشای اطلاعات رویدادهای عمومی با اهمیت - افشای اطلاعات حاکمیت عمومی و شرعی، افشای اطلاعات مبتنی بر سرمایه‌گذاری خرد و کلان برای دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری و افشای اطلاعات طرز فعالیت گیشه‌های اسلامی کمترین ضریب اهمیت را داشته و در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. با توجه به دیدگاه خبرگان، تأثیر اجرای شاخص‌های مورد نظر نسبت به اهمیت شاخص دارای ضریب اولویت بیشتری است و بنابراین معیار «تأثیر اجرای شاخص در میزان شفافیت» در نظر خبرگان بیشترین اثر را در به وجود آمدن شفافیت در نظام بانکی دارد.

از پیشنهادهای سیاستی که می‌تواند مورد توجه سیاستگذاران در حوزه مسائل پولی و بانکی قرارگیرد می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

با توجه به اینکه نظام مالی کشور بانک‌محور است، رعایت الزامات، اصول و شاخص‌های استاندارد شفافیت و افشای اطلاعات الزامی بوده که این امر زمینه افزایش ارتباطات بانکی با بانک‌های مطرح در سایر کشورهای اسلامی را به دنبال خواهد داشت. رعایت استاندارد شفافیت نه تنها در بانک‌های غیردولتی، بلکه باید در بانک‌های دولتی

نیز مورد توجه قرار گیرد. بانک مرکزی باید این بانک‌ها را ملزم به رعایت این استاندارد کرده و با نظارت کافی و همچنین بررسی‌های دقیق میدانی، میزان رعایت موضوع از سوی بانک‌ها را مورد بررسی قرار دهد. ضروری است که مشکلات نظام بانکی کشور، شناسایی و در جهت رفع آن اقدامات لازم انجام شود. بانک مرکزی نیز از طریق ارائه ساختار سازمانی منسجم با شرح وظایف دقیق و اجرایی، زمینه فعالیت شفاف‌تر بانک‌ها را فراهم کند و ضمن جریمه کردن بانک‌های متخلف (مثلاً از طریق افزایش نرخ ذخیره قانونی آن بانک) و تشویق بانک‌های قانون‌مدار و شفاف، در بازه‌های زمانی مختلف از جمله سه ماهه، چهارماهه، ۶ ماهه، ۹ ماهه و سالیانه، رتبه‌بندی بانک‌ها را به لحاظ میزان شفافیت و پایبندی به قوانین به اطلاع عموم برساند. این موضوع در صنعت بیمه در قالب سطح توانگری انجام شده و هر ساله میزان سطح توانگری شرکت‌های بیمه براساس اصول مربوطه توسط بیمه مرکزی ج.ا.ا اعلام می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. احمدیان، اعظم (۱۳۹۶). «نقش افشای اطلاعات در بهبود سلامت مالی بانک‌ها»، دوماهنامه تازه‌های اقتصاد، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ش ۱۵۱.
۲. اسدی پور، نوشین (۱۳۸۸). نظارت بر بانک‌ها و شیوه‌های اجرا، چاپ اول، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
۳. انواری رستمی، علی اصغر و همکاران (۱۳۹۳). «مقایسه تطبیقی جامعیت شاخص‌های اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی و سطح افشای اطلاعات در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته»، مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ۴، ش ۱۴.
۴. آذر، عادل و علی رجب‌زاده (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری کاربردی (رویکرد MADM)، چاپ سوم، تهران، انتشارات نگاه دانش.
۵. بیدآباد، بیژن (۱۳۹۰). «مقررات پیشنهادی برای شفافیت مالی، حکمرانی و افشای اطلاعات بانک در بانکداری راستین»، مجله بانک و اقتصاد، ش ۱۷.
۶. توحیدی، محمد (۱۳۹۴). «مروری بر استانداردهای هیئت خدمات مالی اسلامی»، مدیریت پژوهش و توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار.
۷. حساس یگانه، یحیی و مرشید خیراللهی (۱۳۸۷). «حاکمیت شرکتی و شفافیت»، ماهنامه حسابدار، سال ۲۳، ش ۲۰۳.
۸. حقیقت، حمید و سیدمصطفی علوی (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین شفافیت سود حسابداری و بازده غیرعادی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۵، ش ۱(۱۵).
۹. خوشکار، فرزین، مهدی نصرتی و علی کاظمی (۱۳۹۶). «تحلیلی بر اجرای استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS) در کشورهای در حال توسعه»، مجله مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، دوره سوم، ش ۴.
۱۰. رحمانی، علی و سمیه حسینی (۱۳۹۱). «بررسی شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها؛ ضرورت نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی»، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، ش ۱۳۵.
۱۱. صمدی لرگانی، محمود (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های سنتی و نوین سنجش عملکرد، سال ۲۲، ش ۱۹۴.
۱۲. قدسی پور، سید حسن (۱۳۸۱). مباحثی در تصمیم‌گیری چندمعیاره: فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.

۱۳. قلیچ، وهاب (۱۳۹۶). «برقراری تعامل کارا با ذی‌نفعان؛ نقش بانک مرکزی در پیشبرد اقتصاد مردمی»، دو ماهنامه تازه‌های اقتصاد، ش ۱۵۱.

۱۴. کمیته بال (۱۳۸۵). «بهبود شفافیت در بانک - سپتامبر ۱۹۹۸»، ترجمه عبدالمهدی ارجمندنژاد، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۱۵. کمیته نظارتی بال (۱۳۹۴). «اصول چهارده‌گانه برای بهبود حاکمیت شرکتی»، مترجم نرگس احمدی، بانک مرکزی ج.ا.ا، مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری.

۱۶. مشیری، اسماعیل (۱۳۸۰). «مدل تعدیل شده AHP برای نظرسنجی و تصمیم‌گیری‌های گروهی»، مجله دانش مدیریت، ش ۵۲.

۱۷. معماریانی، عزیزالله و عادل آذر (۱۳۷۳). «AHP تکنیکی نوین برای تصمیم‌گیری گروهی»، مجله دانش مدیریت، ش ۲۷ و ۲۸.

۱۸. موسویان، سیدعباس (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر بانکداری بدون ربا در ایران، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۱۹. نجفی علمی، محمد مهدی (۱۳۹۴). «درآمدی بر شفافیت بانکی: مطالعه موردی بخشنامه «ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری» (ویرایش اول)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۱۴۷۵۹.

۲۰. نظریور، محمدنقی و سیدعباس موسویان (۱۳۹۳). «بانکداری بدون ربا از نظریه تا تجربه»، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه مفید، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲۱. نظری، علیرضا، ایمان فدایی و سعید تقی ملایی (۱۳۹۲). «نکاتی در خصوص اهمیت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و مزایا و معایب آن»، مجله اقتصادی، ش ۱۲ و ۱۳.

۲۲. یوسفی اصل، فرزانه و همکاران (۱۳۹۳). «تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی»، مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری، س ۴، ش ۱۴.

23. Alsaced, K. (2005). "The Association Between Firm-specific Characteristics and Disclosure: The Case of Saudi Arabia", *Journal of American Academy of Business*, Vol. 7, No. 1.

24. Amira, Agag (2013). "Corporate Governance for SME's, International Finance Corporation", World Bank Group.

25. Barth, M. E. and K. Schipper (2008). "Financial Reporting Transparency", *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 23.
26. Barth, M., E. Y. Konchitchki and W. R. Landsman (2013). "Cost of Capital and Earnings Transparency", *Journal of Accounting and Economics*, 55(2-3).
27. Basel Committee on Banking Supervision (Basel BCBS) (2015).
28. Bushman, R and A. Smith (2001). "Financial Accounting Information and Corporate Governance", *Journal of Accounting and Economics*, 32, No. 1-3.
29. Bushman, R. M., J. Piotroski, A.J. Smith (2004). "What Determines Corporate Transparency", *Journal of Accounting Research*, 42(2).
30. Bushman, Robert M., Qi Chen, Ellen Engel, Abbie J. Smith (2004). "Financial Accounting Information, Organizational Complexity and Corporate Governance Systems", *Journal of Accounting and Economics*, 37.
31. Cooke, T. E. and K. Cofferman (2002). "An Analysis in the Annual Reports of UK and Dutch Companies", *Journal of International Accounting Research*, Vol. 1.
32. Dincer, N. and B. Eichengreen (2014). "Central Bank Transparency and Independence: Updates and New Measures", *International Journal of Central Banking*.
33. Ernest and Young (2009). Good Bank (International) Limited.
34. Francis, J, R. LaFond, P. Olsson and K. Schipper (2004). *Costs of Equity and Earnings Attributes*, *The Accounting Review*, 79.
35. Hajian, Najmeh and Aliasghar Anvari Rostami (2014). "Transparency and Disclosure Indices in Emerging Markets", *The MacrotHEME Review*, Vol. 3, No. 3.
36. <http://www.ifsb.org/published.php>.
37. <http://www.ifsb.org/standard/ifsb3>.
38. James, R, Barth Gerard Caprio and Ross Levin (2010). *The Regulation and Supervision of Banks Around the World*, Washington D.C: World bank.

39. Lang, M. H. and R. Lundholm (1993). "Cross-sectional Determinants of Analyst Ratings of Corporate Disclosures", *Journal of Accounting Research*, Vol. 31, No. 2.
40. Lang, M., K. Lins and M. Maffet (2011). Transparency, Liquidity and Valuation: International Evidence. Working Paper, *Journal of Accounting Research*, Vol. 50, Issue. 3.
41. Madhani, P. (2009). *Role of Disclosure and Transparency in Financial Reporting*, The Accounting World.
42. Nuno Fernandes and Miguel A. Ferreria (2007). "What Drives Corporate Transparency Around the World?", <http://ssrn.com/abstract=965636>.
43. Organization for Economic Co-operation and Development (2004). "OECD Principles of Corporates Governance", Head of Publications Service.
44. Ursel, Baumann and Nier Erlend (2000). "Disclosure, Volatility and Transparency: An Empirical Investigatoin into the Value of Bank Disclosure", www.newyorkfed.org.
45. Vishwanath, T. and D. Kaufmann, (2001). "Toward Transparency: New Approaches and Their Application to Financial Markets", *The World Bank Research Observer*, 16(1).
46. Young, B. (2003). "Corporate Governance and Firm Performance: Is There a Relationship"? *Ivy Business Journal Online*, Sep/Oct.

توسعه سیاست کیفری سخت‌گیرانه در اصلاحیه قانونی تحدید مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر

سعید صانعی^{*}، سیدحسین حسینی^{**}، سیدمهدی سیدزاده ثانی^{***}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۳۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۲۴۷-۲۷۲
-------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

گستره سیاست کیفری قانونگذار در قبال اعدام برای جرائم مواد مخدر ثابت نبوده و گاهی این تغییر به سمت توسعه گستره سیاست کیفری سخت‌گیرانه و گاهی به سمت محدودسازی آن بوده است. این پژوهش با ارزیابی تغییر گستره سیاست کیفری ایران در قبال جرائم مواد مخدر مستوجب اعدام با روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد قانونگذار در آخرین اراده تقنینی خود در ماده (۴۵) الحاقی مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ در اکثر موارد خواسته یا ناخواسته به رغم قصد کاهش مجازات اعدام، در عمل دامنه سیاست کیفری سخت‌گیرانه و اعدام را توسعه بخشیده است؛ زیرا مقنن هر چند سعی کرده است با اقداماتی همچون کاهش دامنه جرائم مستوجب اعدام از طریق افزایش وزن مواد مخدر و تبدیل احکام قطعی مجازات اعدام به حبس و جزای نقدی سیاست کیفری سخت‌گیرانه را تحدید کند، اما در مرحله اجرا ملاحظه می‌شود با اقداماتی همچون گسترش دامنه شمول جرائم مستوجب اعدام، محروم کردن متهمان اعدام از تدابیر ارفاقی، استفاده از الفاظ تقنینی ابهام‌زا، گسترش نقش سوابق کیفری در حکم اعدام و جرم‌انگاری مستقل معاونت و حدانگاری برخی جرائم مواد مخدر این سیاست کیفری سخت‌گیرانه بسیار پررنگ‌تر از گذشته شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست کیفری؛ تحدید مجازات اعدام؛ مواد مخدر؛ افزایش سخت‌گیری کیفری؛ ماده (۴۵) الحاقی

* دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: shosseini@um.ac.ir

** استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛

Email: seidzadeh@um.ac.ir

*** دانشجو دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: saeedsaneci64@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4182.4158

مقدمه

مواد مخدر یکی از حوزه‌هایی است که همواره محل نزاع بین رویکردهای سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه است و این تغییر گستره سیاست کیفری معمولاً ناشی از درگیری حقوق جزا با توسعه الگوهای متعارض بوده است (Hallsworth and Young, 2008: 6). هرچند ظهور یا افول پاسخ به یک رفتار فاصله‌گیر از هنجارها تدریجی است (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۳۸۳) اما باید به این تغییر گستره سیاست کیفری خواه در بخش جرم‌انگاری یا بخش جرم‌زدایی دقت ویژه‌ای کرد، زیرا آثار و نتایج متفاوتی را در جوامع به دنبال دارد. اعدام، یکی از مهمترین پاسخ‌های مختلفی است که همواره مورد توجه سیاستگذاران کیفری بوده و با گذشت زمان و مکان، گستره و نحوه اجرای آن تغییر کرده است. به‌طور کلی در توجیه مجازات اعدام، دو نظریه استحقاقی و بازدارندگی وجود دارد. استدلال مشترک تمام کشورهایی که از مجازات اعدام استفاده می‌کنند به جهت بازدارندگی آن است (Amnesty International, 2017: 5) چون اعمال مجازات اعدام نه تنها مرتکب را از تکرار جرم بازمی‌دارد، بلکه موجب می‌شود دیگران نیز به سمت ارتکاب جرم نروند. اخیراً در سطح جهانی در بین اندیشمندان، اجماعی در مورد حذف این مجازات برای جرائم مواد مخدر به وجود آمده است^۱ زیرا آنها معتقدند هیچ دلیل علمی مبنی بر آنکه اعدام بتواند به تنهایی از ارتکاب جرم جلوگیری کند وجود ندارد (Thanh Luong, 2021: 6) ولی همچنان ۲۲ کشور^۲ این استدلال را نپذیرفته و مجازات اعدام را در خصوص مواد مخدر اعمال می‌کنند (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

قانونگذار ایران در سال ۱۳۳۸ برای اولین بار، مجازات اعدام را وارد قلمرو مواد مخدر کرد و از آن سال همواره سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال این دسته از جرائم را اتخاذ کرده است. پس از انقلاب اسلامی نیز مقرراتی که درباره اعدام در جرائم مواد مخدر به تصویب رسید سابقه‌ای در شرع نداشت و حتی از مجرای عادی خود به تصویب نرسیده

1. For Example See: Griffith Edwards et al. (2009). "Drug Trafficking, Time to Abolish the Death Penalty", *Journal Compilation, Society for the Study of Addiction*, pp. 1265-1260.

۲. حدود ۲۲ کشور در جهان برای مواد مخدر مجازات اعدام در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: چین، اندونزی، هند، تایلند، مصر، بحرین، برمه، کره جنوبی، تایلوان، ماوریتیبوس، مالزی، سنگاپور، عراق، بروئی دارالسلام، سریلانکا، امارات متحده عربی، سوریه، ترکیه، ایران، عربستان، الجزایر و ایالات متحده آمریکا.

بودند. اما عدم بازدارندگی مجازات اعدام از یک سو و همچنین انتقادهای سازمان‌های بین‌المللی در خصوص مجازات اعدام قاچاق مواد مخدر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر موجب شد تا طرح حذف و محدودسازی مجازات اعدام با هدف کیفی‌سازی این مجازات در مجلس شورای اسلامی مطرح شود و در نهایت در سال ۱۳۹۶، ماده واحده (۴۵) الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر تصویب شود. با تصویب این ماده هدف کاهش مجازات اعدام به نوعی اقدامات قانونگذاران سابق به چالش کشیده شد. در این مصوبه، قانونگذار با اقداماتی همچون افزایش وزن مواد مخدر مستوجب اعدام، ظاهراً قصد عقب‌نشینی در میدان حقوق کیفری را داشته اما مطالعه سایر اصلاحات اعمال شده از سوی مقنن، تجهیزتر شدن جبهه حقوق کیفری و پیشروی در این میدان را نشان می‌دهد. این تغییر رویکرد سخت‌گیرانه و در حکم افساد فی الارض قرار دادن برخی از جرائم مواد مخدر سبب شد برخی از قضات با توجه به ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی در خصوص شمول و نحوه اجرای این ماده الحاقی در مورد پرونده‌های سابق دچار شک و تردید شوند.

نکته‌ای که در جریان الحاق ماده (۴۵) قانون مبارزه با مواد مخدر به چشم می‌خورد؛ فقدان پژوهش‌های اساسی و روشمند در زمینه تصویب این قانون است. از این رو ضروری است نوآوری‌ها و ابهامات ماده مذکور با قانونگذاری‌های پیشین مقایسه و بررسی شود که آیا سیاست کیفری قانونگذار در جرائم مواد مخدر مستوجب اعدام، مبتنی بر تحدید یا توسعه گستره سیاست کیفری سخت‌گیرانه است. همچنین بعضی از اندیشمندان نشان داده‌اند که ارتکاب خطاهای قضایی در جرائم مواد مخدر بیشتر از سایر جرائم انجام می‌شود و باید به این‌گونه محدودیت‌ها توجه ویژه کرد (Laqueur, Rushin and Simon, 2014: 15). بنابراین باید بررسی شود که آیا هدف از تصویب ماده (۴۵) الحاقی، کاهش محکومین در انتظار اعدام است یا کاهش جرائم مواد مخدر؟ در این پژوهش سعی می‌شود با شیوه توصیفی و تحلیلی نشان داده شود که آیا اصلاحات قانونی در سال ۱۳۹۶ منطبق با راهبرد پیشروی سیاست کیفری سخت‌گیرانه است و یا برعکس، اصلاحات انجام شده سازگاری کامل‌تری با راهبرد پسروی یا عقب‌نشینی سیاست کیفری سخت‌گیرانه دارد.

۱. توسعه جلوه‌های راهبرد پیشروی سیاست کیفری سخت‌گیرانه

با بررسی سیاست کیفری قانونگذار در حوزه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر ملاحظه می‌شود سیاست کیفری گستره واحدی نداشته و در بازه‌های زمانی مختلف تقنینی تغییر کرده است؛ گاهی این گستره در جهت سیاست کیفری ارفاقی و تسامح نسبت به اعدام دچار پسروی شده و گاهی در جهت سیاست کیفری سخت‌گیرانه، گستره اعدام پیشروی کرده است. هر کدام از این تغییر مسیرها ناشی از تفکر سیاستگذار کیفری بوده که دارای آثار و پیامدهای فراوانی است که باید به آنها توجه کرد. قانونگذار ایران در زمینه مبارزه با مواد مخدر بدون تبعیت از یک راهبرد منسجم علمی، غالباً رویکردی سخت‌گیرانه را در پیش گرفته است. این سخت‌گیری گاهی به صورت جرم‌انگاری‌های جدید، افزایش مجازات‌ها و ... است. قانونگذار به موجب ماده (۴۵) الحاقی در برخی اصلاحات، سیاست کیفری سخت‌گیرانه را به شرح زیر توسعه داده است:

۱-۱. گسترش دامنه شمول جرائم مستوجب اعدام

یکی از مهمترین شئون مقنن، رعایت عدالت ماهوی در جرم‌انگاری و تعیین مجازات است که بر مبنای رعایت تناسب مجازات‌ها با جرائم و فایده‌مندی مجازات‌ها شکل می‌گیرد (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۷). در عین حال با توجه به مجازات‌ها و جرم‌انگاری‌های مواد مخدر گاهی بی‌عدالتی ماهوی کاملاً مشهود است. قانونگذار در راستای سیاست جرم‌انگاری حداکثری به منظور گسترش قلمرو دامنه جرم‌انگاری، رکن قانونی و مادی جرم توسعه داده است (مجیدی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۸: ۲۹۶). با بررسی قوانین مبارزه با مواد مخدر مشاهده می‌شود که در ماده (۴۵) الحاقی، مقنن دامنه برخی جرم‌انگاری‌ها را توسعه بخشیده است.

بند «الف» ماده (۴۵) الحاقی^۱، شبیه حکم ماده (۱۱) اصلاحیه قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶^۲ است، اما به موجب این بند افعالی که مستوجب مجازات اعدام

۱. بند «الف» ماده (۴۵) الحاقی: «مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند».

۲. ماده (۱۱) اصلاحیه قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر: «مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی موضوع این قانون به‌طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملأ عام اجرا خواهد شد».

می‌شوند گسترش پیدا کرده‌اند. با این توضیح که به موجب ماده (۱۱) قانون مبارزه با مواد مخدر، عبارت قاچاق مسلحانه که برای آن مجازات اعدام تعیین شده تنها شامل ورود و خروج، ارسال و صدور مواد مخدر به صورت مسلحانه می‌شود؛ زیرا مواد مخدر و روانگردان‌ها به موجب ماده (۱۲۲) قانون امور گمرکی،^۱ یکی از انواع کالاهای ممنوع است که حسب ماده (۱) قانون قاچاق کالا و ارز،^۲ «قاچاق» فقط شامل واردات و صادرات می‌شود در حالی که بند «الف» ماده (۴۵) الحاقی علاوه بر واردات و صادرات شامل افعال نگهداری، حمل، خرید و ... مواد مخدر و روانگردان نیز می‌شود. البته صدر همین بند عبارت «مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند» نیز دامنه شمول مواد مستوجب اعدام را گسترش داده به نحوی که حتی علاوه بر مواد مخدر و روانگردان‌های صنعتی، پیش‌سازهای مواد (موضوع ماده (۴۰) قانون مبارزه با مواد مخدر) را هم شامل می‌شود در حالی که ماده (۱۱) قانون مبارزه با مواد مخدر پیش‌سازهای مواد را شامل نمی‌شود.

مقنن حتی در جهت سیاست کیفری سخت‌گیرانه، مصداق‌های قاچاق مسلحانه را توسعه بخشیده و استفاده از سلاح سرد را نیز برای اطلاق قاچاق مسلحانه کافی دانسته است. قانونگذار در این بند، سلاح را شامل سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ می‌داند؛ در حالی که رویه قضایی سابق و ماده (۱۱) قانون مبارزه با مواد مخدر، قاچاق مسلحانه مواد مخدر را تاکنون مشمول سلاح سرد حتی سلاح سرد جنگی نکرده بود و قاچاق

۱. ماده (۱۲۲) قانون امور گمرکی ۱۳۹۰/۸/۲۲: «ورود قطعی کالاهای مشروحه زیر ممنوع است:

الف) کالاهای ممنوعه براساس شرع مقدس اسلام و به موجب قانون،

ب) کالاهای ممنوع شده به موجب جدول تعرفه گمرکی یا تصویب‌نامه‌های متکی به قانون،

پ) اسلحه از هر قبیل، باروت، چاشنی، فشنگ، گلوله و سایر مهمات جنگی، دینامیت و مواد محترقه و منفجره مگر با اعلام و موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح،

ت) مواد مخدر و روانگردان از هر قبیل و پیش‌سازهای آنها مگر با موافقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در هر مورد ...».

۲. بند «الف» ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲/۱۰/۳: «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود».

مسلحانه فقط از طریق سلاح گرم قابل تصور بود. به علاوه در این بند بیان شده به قصد مقابله با مأموران سلاح همراه داشته باشد. در اینجا هم نوعی از توسعه دامنه ماده (۱۱) قانون مشاهده می شود زیرا در ماده (۱۱) تنها به سلاح کشیدن برای قاچاق مسلحانه اشاره شده در حالی که در این بند، حتی صرف قصد مقابله را کافی دانسته است. البته اینکه چگونه می توان از همراه داشتن سلاح، این قصد را کشف کرد نیز خود نوعی مشکل است که سبب توسعه اختیار قضات رسیدگی کننده در تفسیر می شود.

۱-۲. استفاده از الفاظ تقنینی ابهام‌زا

روش و شیوه قانونگذاری در توسعه عناوین مجرمانه حقوق کیفری نقش مؤثری دارد و به مجریان قانون این اختیار را می دهد که در صورت وجود ابهام‌های تقنینی، تفسیرهای متفاوتی از قانون انجام دهند. بنابراین چنانچه محاکم مختلف در تفسیر یک قانون استنباط‌های مختلفی داشته باشند و آرای متناقضی صادر کنند، رویه‌های مختلفی ایجاد می شود که تعدد این رویه‌ها تداعی کننده بی عدالتی می شود (اسلامی پناه، ۱۳۹۷: ۲۵۰). از این رو اکثر حقوقدانان معتقدند چنانچه قانونگذار از الفاظ مبهم استفاده کند ناقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات است (Desportes, 2008: 125). امروزه در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازات صحبت از اصل کیفی بودن جرم می شود که از مهمترین آثار آن می توان به شفافیت متون قانونی اشاره کرد (فلچر، ۱۳۸۴: ۳۴۶). با دقت در ماده (۴۵) الحاقی ابهامات تقنینی متعددی ملاحظه می شود که سبب شده حقوقدانان تفسیرهای مختلفی داشته باشند از قبیل:

- بند «ب» ماده (۴۵) الحاقی به نقش سردستگی (موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار اشاره کرده است، اما مشخص نیست که آیا پشتیبانی مالی و سرمایه‌گذاری از طریق یک نفر هم محقق می شود یا خیر؟ عده‌ای معتقدند با توجه به مطلق بودن عبارت، حتی اگر سرمایه‌گذاری و پشتیبانی مالی از یک نفر هم انجام شود مشمول ماده (۴۵) الحاقی است (ذبجی، ۱۳۹۷: ۵۱). عده‌ای مخالف این نظرند و معتقدند هدف قانونگذار توجه به دسته‌ای از جرائم مواد مخدر است

که به صورت سازمان یافته ارتکاب می‌یابند و هر چند کلمات سرمایه‌گذار یا پشتیبان مالی به صورت مطلق به کار رفته‌اند، اما با توجه به معنای این کلمات در موارد مشابه قانونی و عرفی می‌توان این‌گونه استنتاج کرد که صرف در اختیار گذاشتن مال در اختیار فردی برای خرید صد گرم تریاک را نمی‌توان سرمایه‌گذاری و پشتیبانی مالی محسوب کرد بلکه باید سازمان یافته بودن بزه ثابت شود. البته عبارت (نقش داشتن) که در متن این بند آمده مؤید این ادعاست؛ زیرا نقش داشتن هنگامی معنا می‌یابد که تقسیم کاری در گروهی انجام شده باشد (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۷: ۳۰) که به نظر نگارندگان نظر دوم با تعاریف قانونی سازگارتر است.

- قانونگذار در ماده (۴۵) الحاقی، جرائم مواد مخدر را با شرایطی در حکم مفسد فی الارض دانسته و به نوعی قلمرو جرم افساد فی الارض که یک جرم حدی است را گسترش داده است. عبارت (در حکم)^۱ در عرف قانونگذاری و فقهی متداول است، اما تعریف مشخصی از این عبارت در متون قانونی بیان نشده است. برداشت‌های متعدد از این عبارت باعث مشکلات عدیده‌ای در اجرای قوانین شده است. عبارت (در حکم) از نظر لغوی به معنای «به مثابه» یا «به منزله» بوده و مفهوم اصطلاحی آن عبارت از «الحاق موضوعی به موضوع دیگر از حیث احکام و آثار به واسطه وجود مناط مشترک» است (جودوی خراسانی، ۱۳۸۲: ۲۲). در خصوص اینکه آیا باید تمام آثار و احکام موضوع اصلی به فرعی ارجاع داده شود اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای قائل به عدم تعمیم تمام آثارند و صرفاً این تعمیم را ناظر به مجازات جرائم دانسته‌اند و به ادله‌ای همچون قاعده تفسیر مضیق قوانین و قاعده درء استناد کرده‌اند. دسته دوم که قائل به تعمیم تمامی آثار و احکام جرم اصلی به فرعی هستند به ادله‌ای همچون قاعده تبعیت فرع از اصل و دلالت التزامی و اطلاق و عموم لفظ و تبادر استناد کرده‌اند. البته در خصوص جرائم مواد مخدر این مشکل تا حدودی پیچیده‌تر هم شده است؛ زیرا تا پیش از تصویب ماده (۴۵) الحاقی توسط مجلس شورای اسلامی این نکته مطرح بود که با توجه به خاص بودن قانون مبارزه با مواد مخدر به جهت تصویب آن توسط مجمع تشخیص

مصلحت نظام، قابلیت تخصیص خوردن توسط قوانین عام دیگر را ندارد، اما پس از تصویب ماده (۴۵) الحاقی توسط مجلس در خصوص اینکه آیا باید معیارهای ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی در خصوص مفسد فی الارض در مواد مخدر نیز وجود داشته باشد؛ نظرهای گوناگونی بیان شده که این سبب می شود هر قاضی برداشت های مختلفی از آن کند که این امر برخلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۶۴). از سوی دیگر مقنن در ماده (۲۸۶) و تبصره آن در تعریف خود واژه هایی از جمله گسترده، عمده و شدید به کار برده است بدون آنکه تعریف و ضابطه مشخصی را برای آنها معین کند و مشخص نیست منظور از عبارت (به طور گسترده) تعداد مجنی علیه است؟ یا تکرار بسیار فعل توسط فاعل؟ یا وسعت مکانی یا وسعت زمانی؟

- بند «الف» ماده (۴۵) الحاقی، مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر مسلحانه را اعدام تعیین کرده است. در این ماده میزان مواد مخدری که باید حمل شود تا عنوان قاچاق بر آن صدق کند تعیین نشده که این موجب برداشت های مختلف از قانون می شود. عده ای معتقدند در صورت مسلحانه بودن قاچاق مواد مخدر با توجه به اطلاق عبارت ماده، نوع و میزان مواد مخدر در کیفر اعدام مقرر شده بی تأثیر است. به این ترتیب اگر فردی حتی چند گرم تریاک یا دیگر مواد مخدر را را به طور مسلحانه حمل، نگهداری، خرید و ... یا به هر طریق قاچاق کند، در صورتی که اطلاق عرفی قاچاق مسلحانه موضوع این ماده بر آن وجود داشته باشد، مجازات آن در هر حال اعدام خواهد بود (ذبحی، ۱۳۹۷: ب: ۴۶۸). در صورتی که به نظر نگارندگان با توجه به توضیحاتی که در مقدمه توجیهی طرح ماده (۴۵) الحاقی و صحبت های نمایندگان در صحن علنی مجلس بیان شده، قصد مقنن قاچاق عمده و در اوزان بالا بوده است.

- در بند «ت» ماده (۴۵) منظور از عبارت (... سایر جرائم موضوع ماده (۸) ...) مبهم است؛ زیرا هنگامی که به ماده (۸) مراجعه می کنیم ملاحظه می شود جرائم مذکور در این ماده به دو دسته تقسیم نشده اند؛ در حالی که این تقسیم بندی در جرائم موضوع ماده (۴) قانون مبارزه با مواد مخدر وجود دارد و چهار فعل نگهداری، حمل، خرید و مخفی کردن که در ماده (۵) جرم انگاری شده اند و سایر افعال مجرمانه در ماده (۴) این قانون مشخص شده اند. به

نظر می‌رسد منظور از عبارت سایر جرائم، افعال مذکور در ماده (۵) قانون مبارزه با مواد مخدر است زیرا (و) که بعد از فعل (باشد) و قبل از عبارت (مواد موضوع ماده (۸)) آمده (واو) عطف است که عبارت (کلیه جرائم موضوع ماده (۴)) را به عبارت (مواد موضوع ماده (۸) این قانون) عطف کرده است. بنابراین چهار فعل نگهداری، حمل، خرید و مخفی کردن از عموم صدر بند «ت» خارج می‌شوند. این افعال چهارگانه در صورتی که موضوع ماده (۸) قرار گیرند، برای اینکه مستوجب اعدام شوند باید بیشتر از سه کیلوگرم باشند (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۷: ۳۹) که نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶/۲۱۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه^۱ و بند «۷» بخشنامه رئیس قوه قضائیه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ مؤید همین نظر است.

۳-۱. محروم کردن متهمان جرائم مستوجب اعدام از تدابیر ارفاقی

مقتن از لحاظ رعایت اصل تناسب جرم و مجازات باید سیاستی افتراقی در برابر جرائم سنگین و سبک در نظر بگیرد. کاربرد اصل تناسب در جرائم مواد مخدر در مرحله اول مربوط به تعیین سطح مجازات هاست که بر عهده قانونگذار است و باید میزان مجازات

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶/۲۱۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۴: «قانونگذار در ماده (۴) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹، ارتکاب هشت رفتار نسبت به مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیر دارویی مذکور در این ماده را جرم‌انگاری کرده است و در ماده (۸) این قانون ارتکاب دوازده رفتار نسبت به مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیر دارویی را جرم‌انگاری کرده است که هشت رفتار مذکور در ماده (۴) در ماده (۸) نیز جرم‌انگاری شده است ولی چهار رفتار دیگر در ماده (۸) که در این ماده جرم‌انگاری شده است، در ماده (۴) ذکر نشده است، اما نوع مواد مخدر و روانگردان‌های صنعتی غیر دارویی مذکور در این دو ماده با هم متفاوت است. بنابراین مقصود از عبارت «مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط به اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد» مذکور در بند «ت» ماده واحده الحاقی یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ به قرینه عبارت‌های قبل و بعد از آن، رفتارهای مجرمانه مشترک با ماده (۴) یاد شده یعنی وارد، صادر، ارسال، تولید، ساخت و توزیع کردن و فروش یا در معرض فروش قرار دادن مواد مخدر و روانگردان‌های صنعتی غیر دارویی مذکور در این ماده (ماده ۸) است و مقصود از عبارت «در خصوص سایر جرائم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد» رفتارهای غیرمشترک با ماده (۴) یعنی خرید، نگهداری، مخفی و حمل کردن مواد مخدر و روانگردان‌های صنعتی غیر دارویی مذکور در این ماده (ماده ۸) است.»

۲. بند «۷» بخشنامه رئیس قوه قضائیه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶: «طبق بند «ت» ماده واحده وارد کردن، صادر کردن، ارسال، تولید، ساخت، توزیع، فروش یا در معرض فروش قرار دادن بیش از پنجاه کیلوگرم مواد، موضوع ماده (۴) یا بیش از دو کیلوگرم مواد، موضوع ماده (۸) و خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کردن بیش از سه کیلوگرم مواد موضوع ماده (۸) موجب مجازات اعدام خواهد بود.»

را با شدت خسارت ناشی از جرم هماهنگ کند. کاربرد مرحله دوم آن مربوط به قضات و دادگاه‌هاست (Lai, 2017: 2) که مقنن باید در جهت دستیابی به اهداف مجازات برای فردی‌سازی کیفر، ابزارهای مناسب در اختیار قضات قرار دهد (حیدری، ۱۳۹۴: ۱۶۰). فردی‌سازی مجازات اقدامی برای متعادل کردن اصل قانونی بودن جرم و مجازات محسوب می‌شود (پورقهرمانی و نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۳۴). در بیشتر نظام‌های حقوقی تدابیر ارفاقی همچون تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم و ... در خصوص متهمان قابل اجرا است. با این حال گاهی قانونگذار سعی می‌کند با محروم کردن متهم‌ها از تدبیرهای ارفاقی و شیوه‌های ناتوان‌سازی، امنیت عمومی را بهتر فراهم کند، زیرا اطمینان از مجازات شدن به جای شدت مجازات، در جلوگیری از ارتکاب جرائم از جمله جرائم مواد مخدر مؤثرتر است (A. De Ungria and M. Jose, 2020: 34). تبصره ماده (۴۵) الحاقی هم در راستای سیاست کیفری سخت‌گیرانه استفاده از نهادهایی همچون تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و عفو را ممنوع کرده است. ظاهراً مقنن به موجب حکم این تبصره قصد محدود کردن قضات در خصوص اعمال نهادهای ارفاقی در مرحله اجرای حکم را داشته است؛ زیرا اولاً عبارت (سایر نهادهای ارفاقی) که در تبصره به آن اشاره شده باید با مصادیق مذکور در تبصره مشابه باشد؛ حال آنکه هیچ‌یک از نهادهای ذکر شده ارتباطی با مرحله دادرسی ندارند. ثانیاً اصل کلی بر این است که قاضی می‌تواند از کلیه نهادهای ارفاقی استفاده کند مگر اینکه قانونگذار تصریح بر ممنوعیت آن کند، در حالی که این تصریح در مرحله دادرسی وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت نهادهای ذکر شده در تبصره ماده (۴۵) الحاقی مرتبط با مرحله اجرای احکام است و مرتبط با مرحله دادرسی نیست (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۷: ۱۲۶). البته قسمت دوم بند «۱۲» دستورالعمل رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ امکان استفاده از ماده (۴۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جرائم مواد مخدر را ممنوع کرده است. به نظر می‌آید هرچند بند مذکور در دستورالعمل، تبصره ماده (۴۵) الحاقی را عیناً تکرار کرده و فقط تخفیف ماده (۴۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری را به آن اضافه کرده، اما این عمل با تفسیر مضیق قوانین جزایی در تعارض است زیرا دامنه حکم تبصره ماده (۴۵) الحاقی را به مرحله صدور رأی نیز سرایت داده است.

۱-۴. در حکم حد کردن جرائم تعزیری مواد مخدر

یکی از جلوه‌های سخت‌گیری کیفری در قانونگذاری ایران در حکم حد کردن بسیاری از جرائم تعزیری است (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۶۷) چون در این صورت قاضی نمی‌تواند هیچ‌گونه تخفیف یا تعلیق یا عامل مساعد به حال متهم را اعمال کند. مقنن پس از انقلاب اسلامی هر وقت با مشکل تعیین کیفر اعدام روبه‌رو شده از بعضی مفهومی‌های اختلافی همانند افساد فی الارض استفاده کرده است. نکته قابل توجه آن است که در متون فقهی بحث مستقلی در مورد حد افساد فی الارض وجود ندارد از این رو در خصوص ماهیت اعدام در جرائم مواد مخدر نظریات متعددی مطرح شده است.^۱ بعضی معتقدند چون یکی از مجازات‌های مذکور در افساد فی الارض، اعدام است بنابراین با توجه به قاعده فقهی (التعزیر دون الحد) که مانع از رسیدن مجازات‌های تعزیری به حد اعدام می‌شود، اعدام از مجازات‌های حدی است (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۴: ۷۴؛ منتظری، ۱۳۶۷: ۵۴۲؛ حائری، ۱۳۸۶: ۲۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۱: ۷۹؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۰۸). برخی دیگر معتقدند ماهیت آن تعزیر بوده و به دلیل تکرار جرم مجازات اعدام اعمال می‌شود. همچنین اکثر فقها مبحث افساد را در قسمت ملحقات کتاب حدود بیان کرده‌اند و به نوعی آن را از مبحث حدود جدا کرده‌اند. بنابراین اعدام از مجازات‌های تعزیری به حساب می‌آید. اما دیدگاه سوم، ماهیت اعدام را در جرائم مواد مخدر از باب مجازات‌های حکومتی می‌داند؛ زیرا به اقتضای فلسفه وجودی حکومت اسلامی و ضرورت حفظ آن، می‌توان مجازات‌های مناسب را با توجه مصالح جامعه و شدت جرم معین کرد و این همان چیزی است که به نام تعزیرات حکومتی مطرح می‌شود (شمس ناتری، ۱۳۷۸: ۱۷۴).

با توجه به این اختلاف نظرها، آیت‌الله موسوی اردبیلی در سال ۱۳۶۶ استفتایی از امام خمینی (ره) می‌کنند مبنی بر اینکه با توجه به اینکه نظر فقهی حضرت‌عالی اعدام شخص مفسد نیست؛ شورای عالی قضایی اجازه عمل براساس نظر آیت‌الله منتظری را داشته باشد که اعدام مفسد فی الارض را جایز می‌دانند که امام خمینی (ره) این اجازه را صادر می‌کنند. سپس ایشان بخشنامه‌ای در پی این جواز صادر می‌کنند که براساس آن «محکومیت

۱. برای مطالعه مبانی فقهی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر رک: ضامن علی حبیبی و جواد حبیبی تبار، «مبانی فقهی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، کاوشی نو در فقه، سال ۲۱، ش ۲، ۱۳۹۳.

به مجازات اعدام در خصوص مواد مخدر در صورتی مطابق موازین اسلامی است که فعالیت مجرم به اندازه‌ای باشد که موجب صدق عنوان مفسد فی الارض بر فرد شود یعنی فعالیت شخص در خصوص حمل و توزیع و ... سبب فساد در ناحیه یا منطقه‌ای از زمین شود» (مرکز تحقیقات فقهی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). در روند تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ این رویکرد پذیرفته شد، اما برای برخی از رفتارها برخلاف معیارهای تعیین شده در استفساریه برای افساد فی الارض مجازات اعدام تعیین شد. مثلاً به موجب ماده (۶) این قانون چنانچه موارد مذکور در ماده در نتیجه تکرار جرم، مجموع موادش به بیش از پنج کیلوگرم می‌رسید مرتکب در حکم مفسد فی الارض بوده و به مجازات اعدام محکوم می‌شد. مقنن در سال ۱۳۷۶ ماده (۶) قانون را اصلاح و در حکم مفسد فی الارض را از آن حذف کرد؛ اما ماده (۹) را اصلاح نکرد. در سال ۱۳۹۶ مقنن با تصویب ماده (۴۵) الحاقی، گستره جرائم در حکم حد مفسد فی الارض را گسترده‌تر نمود و بیان کرد: «مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض هستند (...). سیاست کیفری حاکم در قانون مبارزه با مواد مخدر دلالت بر این دارد که جرائم مذکور در قانون تا اوزان و شرایط مشخص، تعزیری بوده ولی با احراز شرایط ماده (۴۵) الحاقی، جرم حدی محسوب می‌شوند که این امر با قواعد فقهی و قوانین جزایی همخوانی ندارد. نکته عجیب آنکه این ماده الحاقی بدون هیچ ایرادی از سوی شورای نگهبان تأیید شده است. به نظر می‌رسد حتی با این حدانگاری جرائم مواد مخدر، وضعیت نسبت به قبل دشوارتر شده و امکان لغو مجازات اعدام به استناد ماهیت تعزیری این جرائم که امکان پذیر بود با مشکل روبه‌رو شده است (غلاملو، ۱۳۹۷: ۱۵۵).

۵-۱. گسترش نقش سوابق کیفری در حکم اعدام

بالا بودن میزان تکرار جرم یکی از موضوعات اساسی در هنگام برخورد با جرائم مواد مخدر است. مجرمان مواد مخدر پس از آزادی از بازداشت، احتمال دستگیری مجدد آنها بسیار بالاست (Ching Tsai et al., 2019: 1908). از این‌رو سابقه کیفری یکی از معیارهای قدیمی

در تعیین مجازات و میزان خطر متهمان محسوب می‌شود. متهمانی که مرتکب جرم شده و پس از محکومیت قانونی مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زنند به موجب مقررات تکرار جرم مشمول مقررات تشدید مجازات می‌شوند (فرجیها و عابدی نژاد مهرآبادی، ۱۳۸۷: ۵۸). البته اینکه چه جرائمی و تا چه زمانی مشمول قاعده تکرار جرم و تشدید مجازات می‌شوند در سیر زمان و قوانین تفاوت دارد. به عنوان مثال میزان سخت‌گیری مقنن نسبت به تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ کاسته شد. مطابق ماده (۱۳) این قانون، هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم مدتی معادل مرور زمان اجرا یا اعاده حیثیت سپری نشده باشد دوباره مرتکب جرم درجه ۱ تا ۶ جدید شود، مجازات مجرم تشدید می‌شود. آنچه مشخص است این تغییرات و اصلاحات در قانون مجازات اسلامی، در روند سیاست کیفری سخت‌گیرانه مقنن در قوانین مبارزه با مواد مخدر تغییری ایجاد نکرده است، زیرا قانون مبارزه با مواد مخدر خاص است و قواعد مرتبط با تکرار جرائم مواد مخدر آن با قواعد ناظر بر جرائم عمومی تفاوت دارد و اگر قضات دادگاه در تشدید مجازات این قواعد خاص را رعایت نکنند رأی صادره نقض می‌شود (ذبجی، ۱۳۹۷ الف: ۲۰۲). البته رأی وحدت رویه شماره ۷۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ نیز مؤید همین نظر است زیرا در صدر رأی وحدت رویه مذکور بیان شده با توجه به اینکه قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص تعدد جرم حکم خاصی ندارد؛ قواعد تعدد جرم مندرج در قانون مجازات اسلامی متبع خواهد بود. بنابراین با استفاده از مفهوم مخالف آن می‌توان گفت در قواعد تکرار جرم که قانون مبارزه با مواد مخدر حکم خاص دارد؛ نمی‌توان به قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. قانونگذار حسب بند «پ» ماده (۴۵) الحاقی قواعد مربوط به تکرار جرم را به صورت بی‌ضابطه بسیار توسعه داده است. به این صورت که اگر فردی قبلاً به کیفر اعدام محکوم شده باشد و این کیفر اعدام به هر علتی به کیفر دیگری تبدیل شده باشد و یا اگر فرد قبلاً به جهت ارتکاب جرائم مواد مخدر به حبس بیش از پانزده سال یا حبس ابد محکوم شده باشد بدون در نظر گرفتن ماده و بند حکم سابق‌الصدور به اعدام محکوم می‌شود. درحالی‌که در قوانین سابق مبارزه با مواد مخدر تنها

در صورتی که مواد مخدر متهم به میزان مشخصی می‌رسید و موضوع آنها یکسان بود متهم به کیفر اعدام محکوم می‌شد و سابقه‌های کیفری دیگر مواد مخدر متهم در صدور حکم اعدام وی تأثیری نمی‌گذاشت. هنگامی که ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی^۱ در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید به نظر می‌رسید که قانونگذار رویکرد متفاوتی را در مقایسه با ماده (۳۹) قانون مبارزه با مواد مخدر در اصلاح سیاست کیفری سخت‌گیرانه اتخاذ کرده ولی با تصویب ماده (۴۵) الحاقی مشخص شد که قانونگذار موافق این نظر نبوده و سابقه‌های کیفری محکومان را به طور مطلق از سال ۱۳۶۷ صرف نظر از نوع و میزان محکومیت، مؤثر دانسته است^۲ (حسینی، سلطانی و صفری، ۱۳۹۸: ۱۷۵).

۱-۶. جرم‌انگاری مستقل معاونت در جرائم مواد مخدر مستوجب اعدام

در اکثر کشورها در جرم‌انگاری عمل معاون از رویکرد عاریه‌ای استفاده می‌شود. در این رویکرد زمانی می‌توان معاون را مجازات کرد که عمل مباشر دارای وصف مجرمانه باشد و تا هنگامی که مباشر شروع به انجام فعل نکرده باشد نمی‌توان وی را مجازات کرد (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۵۹). گاهی در برخی از جرائم مهم، مقنن چنین وضعیتی را مناسب نمی‌بیند و معاونت در جرم را به

۱. ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: الف) هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی، ب) سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار، پ) دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.

تبصره ۱: در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود، اما در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌شود مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات.

تبصره ۲: در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

تبصره ۳: در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌شود».

۲. البته در مورد شیشه، سابقه مؤثر از سال ۱۳۸۹ لحاظ می‌شود.

صورت مستقل جرم‌انگاری و برای آن مجازات تعیین می‌کند (مجیدی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۰۹). امروزه رویه معمول گروه‌های تروریستی برای تأمین مالی فعالیت‌هایشان استفاده از قاچاق مواد مخدر است که گاهی از اطفال و نوجوانان برای این امر خطرناک استفاده می‌کنند که نیازمند برخورد شدید با این گروه از مجرمان است (Santacroce et al., 2018: 68). بند «ب» ماده (۴۵) الحاقی با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، به استفاده از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم اشاره کرده است، هرچند قبلاً در ماده (۳۵) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر^۱ به این جرم‌انگاری اشاره شده بود، اما در آن ماده فقط به وادار کردن اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال و افراد محجور عقلی برای ارتکاب جرم اشاره شده بود که در واقع برای تحقق این عنوان مجرمانه باید نوعی اجبار و تهدید برای ارتکاب جرم انجام می‌شد (ذبحی، ۱۳۹۷ الف: ۳۷۶). اما در بند «ب» ماده (۴۵) الحاقی، مقنن با ذکر عبارت (استفاده) به نوعی ترغیب و تشویق اطفال و نوجوانان را هم علاوه بر جنبه تهدید و اجبار لحاظ کرده و هر نوع سوءاستفاده‌ای از این افراد را جرم‌انگاری کرده و سبب شده دامنه شمول این جرائم گسترده‌تر شود. البته در بند «۶» بخشنامه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ رئیس قوه قضائیه به این نکته تأکید مجدد شده است و (استفاده از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم مذکور در بند «ب» ماده واحده شامل مواردی است که مرتکب جرائم مذکور از این اشخاص به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده کرده باشد، مشابه آنچه در ماده (۱۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده است).

۱. ماده (۳۵) قانون مبارزه با مواد مخدر: «هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان کند و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی کند به یک‌ونیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود».

۲. ماده (۱۲۸) قانون مجازات اسلامی: «هرکس از فرد نابالغ به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده کند به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌شود. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود».

از سوی دیگر به موجب این بند، مقنن پشتیبانی مالی در ارتکاب جرائم مواد مخدر را هم که نوعی معاونت در جرم است به نحوی جرم‌انگاری کرده که حتی شاید بعضی اوقات عمل مباشر جرم مواد مخدر مستوجب مجازات اعدام نباشد ولی متهم دیگر به لحاظ معاونت از طریق پشتیبانی مالی در حکم مفسد فی الارض بوده و به مجازات اعدام محکوم شود، در حالی که در خصوص جرائم غیر از مواد مخدر به موجب ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متهم به حداکثر مجازات شدیدترین فرد گروه محکوم می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد قانونگذار قصد داشته در بند «ب» ماده (۴۵) الحاقی از همان سیاست کیفری سخت‌گیرانه ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیروی کند، زیرا در ماده مذکور در مصداق‌های افساد فی الارض به معاونت هم اشاره شده و با عدول از اصول حاکم بر حقوق جزای عرفی، همانند اصل شخص بودن و تناسب مجازات‌ها نتایج زیان‌بار فعل مجرمانه مباشر را که ارتباط مستقیمی به معاون جرم ندارد به وی تسری داده و برای آن مجازات اعدام تعیین کرده است.

۲. تحدید جلوه‌های راهبرد پیشروی سیاست کیفری سخت‌گیرانه

از حدود سال ۱۹۷۵ جنبشی با رویکرد محدود کردن مداخله کیفری در حقوق کیفری اروپا به وجود آمد و راهکارهایی مانند جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی پیشنهاد شد. این راهکارها با هدف عقب‌نشینی حقوق کیفری، آثار قابل توجهی در حقوق کشورها ایجاد کرد. اخیراً در قوانین کیفری ایران نیز از جمله قانون مبارزه با مواد مخدر در راستای تحدید سیاست کیفری سخت‌گیرانه تغییراتی ایجاد شده که از مهمترین تغییرات به موجب ماده (۴۵) الحاقی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌شود مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌شود.
- تبصره ۱: گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌شود.
- تبصره ۲: سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.»

۲-۱. کاهش دامنه جرائم مستوجب اعدام

یکی از راهکارهایی که در ماده (۴۵) الحاقی برای کاهش سیاست کیفری سخت‌گیرانه مطرح شد کاهش دامنه مجازات از طریق افزایش وزن مواد مخدر مستوجب اعدام بود؛ امروزه در جرائم مواد مخدر تعیین مجازات براساس وزن مواد، الگویی است که در بیشتر کشورها رعایت می‌شود. در واقع شاخص شدت آسیب ناشی از جرم، میزان مواد است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۶). برای اینکه قوانین کیفری مواد مخدر عادلانه و مطابق حقوق بشر باشند باید بین جرائم مرتبط با عرضه مواد مخدر و مصرف مواد مخدر تفکیک انجام شود تا سیاستگذاران بتوانند مؤثرتر با توزیع‌کنندگان اصلی مواد مخدر به مبارزه بپردازند (Genevieve, 2011: 4). البته برخی از محققان بر معیارهای ذهنی همچون قصد اشاره می‌کنند و معتقدند نمی‌توان بر مبنای میزان مواد مخدر، نگهداری را از عرضه تفکیک کرد زیرا گاهی عده‌ای از مصرف‌کنندگان برای مصرف چند روز خود میزان بیشتری از آستانه قانونی خریداری می‌کنند. این امر باعث می‌شود تا در قالب عرضه‌کننده تلقی شوند (صادقی، ۱۳۹۸: ۷۰۰). نظام کیفری ایران از جمله نظام‌هایی است که در این حوزه بر مبنای ضابطه میزان مواد مخدر عمل می‌کند (ذبحی، ۱۳۹۷ الف: ۶۲). پس از انقلاب اسلامی به موجب لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی در سال ۱۳۵۹، مجازات وارد کردن، ساخت، فروش یا در معرض فروش قرار دادن بیش از یک کیلوگرم تریاک یا مواد هم‌ردیف آن یا ساخت، فروش یا در معرض فروش گذاشتن بیشتر از یک گرم یا نگهداری، حمل بیش از پنج گرم مرفین یا هروئین و مواد هم‌ردیف آنها مجازات اعدام داشت تا سال ۱۳۶۷ این مجازات بدون تغییر مانده بود. در این سال مجمع تشخیص مصلحت نظام که سابقه قانونگذاری مستقیم نداشت قانون مبارزه با مواد مخدر را تصویب کرد که به موجب مواد (۴، ۵، ۸) مجازات تولید، ساخت، توزیع یا فروش بیش از پنج کیلوگرم تریاک و مواد هم‌ردیف آن یا تولید، ساخت، توزیع یا فروش یا حمل، نگهداری و مخفی کردن بیش از سی گرم مرفین یا هروئین و مواد هم‌ردیف آنها مجازات اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای برای خانواده محکوم تعیین شد. مقنن براساس مواد (۴ و ۵) قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر در خصوص نگهداری مواد مخدر سنتی میان عرضه و نگهداری تفکیک ایجاد

کرد؛ اما در مواد مخدر صنعتی این تفکیک را قائل نشد. در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ این قانون اصلاحیه‌هایی را در پی داشت ولی تغییر چندانی در شدت مجازات‌ها و اعدام ایجاد نشد تا اینکه مجلس شورای اسلامی با تصویب طرح کاهش مجازات اعدام از قانون مبارزه با مواد مخدر در قالب ماده (۴۵) الحاقی در ۱۳۹۶/۷/۲۶ اقدامات قانونگذاران سابق را به چالش کشید.

نگاه مقنن در خصوص تعیین مجازات براساس کمیت مواد مخدر مکشوفه بوده و با اهداف ذکر شده در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی و مقدمه توجیهی طرح تقدیمی نمایندگان در آذرماه ۱۳۹۵ که بر کیفیت‌گرایی در مبارزه با مواد مخدر تأکید داشتند در تعارض است (پیرایی، ۱۳۹۸: ۷۲). براساس بند «ت» ماده (۴۵) الحاقی، مقنن میزان مواد مستوجب اعدام را که در بند «۴» ماده (۴) قانون، پنج کیلوگرم تعیین کرده بود به بیش از پنجاه کیلوگرم افزایش داد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون را از سی گرم به بیش از دو کیلوگرم افزایش داد و به نوعی در جهت مساعدت به متهمان و محکومان مواد مخدر مستوجب اعدام گام بزرگی برداشت. البته در خصوص این بند از ماده (۴۵) الحاقی ابهاماتی وجود دارد مانند اینکه منظور از عبارت (... سایر جرائم موضوع ماده (۸) ...) مبهم است؟ زیرا هنگامی که به ماده (۸) مراجعه می‌کنیم ملاحظه می‌شود جرائم مذکور در این ماده به دو دسته تقسیم نشده‌اند، بلکه تقسیم‌بندی در جرائم موضوع ماده (۴) قانون مبارزه با مواد مخدر وجود دارد و چهار فعل (نگهداری، حمل، خرید و مخفی کردن) در ماده (۵) جرم‌انگاری شده و سایر افعال مجرمانه در ماده (۴) این قانون مشخص شده است. بنابراین به نظر می‌رسد منظور از عبارت سایر جرائم، افعال مذکور در ماده (۵) قانون مبارزه با مواد مخدر باشد (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۷: ۳۹).

۱. بند «ت» ماده (۴۵) الحاقی: «کلیه جرائم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر اینکه بیش از پنجاه کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد و در خصوص سایر جرائم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد. اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم‌الاجرا شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای «الف، ب یا پ» است.»

۲-۲. تبدیل مجازات احکام قطعی اعدام

تخفیف مجازات یکی از ابزارهای مؤثر سیاست کیفری در اجرای اصل فردی کردن مجازات است و گاهی به حالت تقلیل یا تبدیل یا تقلیل و تبدیل یا معافیت انجام می‌شود (فلاحی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در واقع نظام عدالت کیفری برای دستیابی به اهداف خود با شناسایی حالت خطرناک متهم، پاسخ مناسب را برمی‌گزیند (Larry, 2016: 344). در تبدیل مجازات به جهت عذرهای قانونی یا جهات مخففه قضایی، مجازات مجرم از نوعی به نوع دیگر که به حال متهم مناسب‌تر باشد تغییر می‌یابد. یکی از تغییرات مهم مطابق ماده (۴۵) الحاقی تبدیل مجازات احکام قطعی اعدام است. به موجب این ماده حکم‌های قبلی اعدام که تا لازم‌الاجرا شدن قانون (۱۳۹۶/۸/۲۳) قطعی شده بودند اگر یکی از شرایط بندهای «الف تا ت» ماده مذکور را نداشته باشند (مسلحانه نباشند یا مرتکب نقش سردستگی، پشتیبانی مالی، سرمایه‌گذاری یا ... را نداشته باشد یا محکوم سابقه قطعی اعدام، حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال نداشته باشد) به حبس درجه یک بیش از بیست و پنج سال تا سی سال و جزای نقدی درجه یک بیش از یک میلیارد ریال تا دو میلیارد ریال و ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر تبدیل و تقلیل می‌یابند.

در خصوص این تبدیل مجازات اشکالات اساسی بر ماده (۴۵) الحاقی وارد است؛ از یک سو عطف به ماسبق شدن آن نادرست بوده و برخلاف قواعد عدالت کیفری است زیرا اصل بر این است که قوانین ناظر به آینده هستند و صدر ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی بر همین اصل تأکید می‌کند در حالی که در ماده مذکور به این امر توجه نشده است. این بی‌عدالتی بیشتر در جایی خودنمایی می‌کند که در طول سال‌های قبل از تصویب این ماده، حکم اعدام تعداد قابل توجهی از محکومان با وزن کمتر اجرا شده است، اما عده‌ای به دلیل داشتن وکیل قوی یا ... که اجرای مجازاتشان به تأخیر افتاده است از مجازات قانونی خود رهایی می‌یابند (ذبحی، ۱۳۹۷: ۲۶). از سوی دیگر به موجب صدر این ماده که متهمان جرائم مواد مخدر را با شرایطی در حکم مفسد فی الارض قرار داده است سبب می‌شود اعدام مفسد فی الارض یکی از مجازات‌های حدی محسوب شده بنابراین نباید مشمول مقررات بند «ب» ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی شود. حسب رأی وحدت

رویه شماره ۴۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ دیوان عالی کشور: «ماده (۶) قانون مجازات اسلامی مصوب مهرماه ۱۳۶۱ (یعنی ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) که مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی را براساس قانونی قرار داده که قبل از وقوع جرم وضع شده باشند منصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به قصاص است که از صدر اسلام تشریح شده‌اند».

به نظر می‌رسد چنانچه هدف مقنن، تعیین تکلیف محکومان اعدام مواد مخدر و تحصیل رضایت مدعیان خارجی حقوق بشر بود می‌توانست از طریق کمیسیون‌های عفو و... به هدف خود نائل شود. همان‌گونه که پیش از تصویب این قانون، دادستان کل کشور دستورالعمل (تعیین تکلیف فوری محکومان اعدام جرائم مواد مخدر) را به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد کردند که براساس آن باید کمیسیون‌های ویژه عفو و تخفیف مجازات محکومان جرائم مواد مخدر در تمام استان‌ها تشکیل می‌شد تا با توجه به شرایط مجرمان، سوابق کیفری آنها پیشنهاد عفو به رئیس قوه قضائیه انجام می‌شد. پیشنهاد اولیه این طرح به تأیید رئیس قوه قضائیه رسید اما متعاقب تصویب ماده (۴۵) الحاقی اجرای این دستورالعمل منتفی شد.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پاسخ‌های سیاست کیفری در قبال مبارزه با مواد مخدر همواره با فرازونشیب‌های گوناگونی روبه‌رو بوده است. رویکرد غالب قانونگذار ایران در جرائم مواد مخدر هم به لحاظ کمی یعنی تعداد جرم‌انگاری‌ها و هم به لحاظ کیفی یعنی شدت مجازات‌ها غالباً مبتنی بر سیاست کیفری سخت‌گیرانه است. این سیاست کیفری به علت ناعادلانه قلمداد شدن و مخالف بودن با کرامت انسانی مرتکبان چندان مورد اقبال سیاست کیفری قضایی قرار نگرفته است و همین امر اصول قطعیت و حتمیت مجازات‌ها را متزلزل کرده و موجب شده که سیاست کیفری ایران در قبال جرائم مواد مخدر کارایی لازم را نداشته باشد. این تهافت و تعارض سیاست کیفری تقنینی با سیاست کیفری قضایی به همراه عوامل دیگری همچون فشارهای حقوق بشر به تدریج باعث شدند مقاومت سیاستگذاران کیفری در مقابل این

روند سخت‌گیرانه تا حدودی کاهش یابد و زمینه برای اصلاحات قانون در سال ۱۳۹۶ فراهم شود. گفتمان اولیه طراحان و موافقان این اصلاحیه لغو مجازات اعدام و تحدید سیاست کیفری سخت‌گیرانه بود، اما تحلیل محتوای آن نشان می‌دهد این اصلاحیه همچنان به ایده بازدارندگی اعدام در جرائم مواد مخدر وفادار بوده و در عمل دامنه سیاست کیفری سخت‌گیرانه را در اکثر موارد توسعه داده است.

در سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر به ویژه در بخش سیاست کیفری، پاسخ‌های دولتی و رسمی نقش مهم و اساسی دارند. هرچند اعدام‌زدایی از اهدافی است که باید سیاست کیفری ایران به سوی آن حرکت کند؛ اما برای رسیدن به آن نباید اقداماتی کرد که شاید در کوتاه‌مدت نتایج سطحی حاصل شود اما در بلندمدت از هدف اصلی که اعدام‌زدایی است فاصله بگیرد. با بررسی اصلاحات انجام شده در ماده (۴۵) الحاقی شاید بتوان به این نتیجه رسید که مهمترین هدف آن کاهش تعداد محکومان در انتظار اجرای حکم اعدام بوده است که مقنن می‌توانست از روش‌های دیگری مانند کمیسیون‌های عفو به این هدف برسد. تنها اقداماتی که در راستای تحدید سیاست کیفری سخت‌گیرانه انجام شده است؛ کاهش دامنه جرائم مستوجب اعدام از طریق افزایش وزن مواد مخدر و تبدیل احکام قطعی مجازات اعدام به حبس و جزای نقدی با شرایطی مشخص است. به نظر می‌رسد این اقدامات با اهداف ذکر شده در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی و مقدمه توجیهی طرح تقدیمی نمایندگان در آذرماه ۱۳۹۵ که بر کیفیت‌گرایی در مبارزه با مواد مخدر تأکید داشتند در تعارض است، زیرا مجدداً قانونگذار در تعیین مجازات معیار کمیت مواد مخدر را لحاظ کرده است.

بنابراین ماده (۴۵) الحاقی نتوانسته یک قالب نظام‌مند را برای تعدیل اعدام‌های مواد مخدر به‌کار گیرد. لذا باید قانون مبارزه با مواد مخدر به‌طور جامع و هماهنگ اصلاح شود. پیشنهاد می‌شود قانونگذار به قدر متیقن مصادیق اعدام شرعی اکتفا کرده و با توجه به اینکه تعیین مجازات اعدام بر مبنای حد افساد فی الارض در جرائم مواد مخدر، حکمی برخلاف دیدگاه بسیاری از فقهاست از قوانین کیفری مواد مخدر حذف شود و موارد معدودی هم که براساس مواد (۲۸۱ و ۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مشمول حد محاربه

و افساد فی الارض می‌شوند مطابق قانون مجازات اسلامی، مجازات شوند. همچنین در تعدیل مجازات اعدام متناسب کردن مجازات‌ها لحاظ شود؛ چون جرائم موضوع ماده (۸) قانون مبارزه با مواد مخدر از جمله خرید یا نگهداری همانند تولید یا فروش مواد مخدر مجازات یکسانی دارند و لازم است مقنن با توجه به آثار مختلفی که هر کدام از این اقدامات در جامعه دارند، مجازات‌های متفاوتی را برای آنها در نظر بگیرد. در ماده (۴۵) الحاقی، قانونگذار سعی کرده با عبارتی که در بند «ت» بیان می‌کند به این نکته توجه کند ولی این عبارت به صورت مبهم بیان شده است. این مطالب و ابهامات موجود ایجاب می‌کند فوراً نواقص و ایرادهای ماده (۴۵) الحاقی بازبینی و زمینه خروج از شرایط نامناسب قضایی فراهم شود. زیرا قانون خوب قانونی نیست که به جامعه کیفرهای مرگبار هدیه کند، بلکه قانونی است که برای عموم جامعه آرامش درونی و بیرونی را فراهم کند. بدون تردید با تشدید مجازات جرائم کاهش پیدا نمی‌کند، بلکه باید عواملی که در ایجاد بزهکاری و ازدیاد آنها مؤثرند را از بین برد. از لحاظ جرم‌شناسی در مصوبات مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره جرائم مواد مخدر به سیاست کیفری و جنبه‌های پیشگیرانه بزه توجه کافی نشده و بیشتر به جای توجه به علل جرم با معلول جرم مبارزه کرده‌اند.

منابع و مآخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران، انتشارات میزان.
۲. اسلامی پناه، علی (۱۳۹۷). «رویه قضایی به منزله منبع حقوق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۸۴.
۳. اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳). «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر»، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۲.
۴. اعظمی چهاربرج، حسین (۱۳۹۷). تحلیلی بر ماده (۴۵) الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با تکیه بر نحوه اعمال آن در مراجع قضایی، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۵. برهانی، محسن (۱۳۹۴). «افساد فی الارض ابهام موضوعی و مفاصد عملی»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ش ۲.
۶. پورقهرمانی، بابک و ایرج نگهدار (۱۳۹۷). «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، ش ۲.
۷. پیریایی، حامد (۱۳۹۸). «بحران در سیاست جنایی ایران در قبال مبارزه با مواد مخدر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، دانشگاه دامغان.
۸. جودوی خراسانی، هادی (۱۳۸۲). «جرائم در حکم محاربه در حقوق جزای ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. حائری، سیدکاظم (۱۳۸۶). «انواع تعزیر و ضوابط آن»، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، سال ۱۳، ش ۵۱.
۱۰. حبیبی، ضامن‌علی و جواد حبیبی تبار (۱۳۹۳). «مبانی فقهی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، کاوشی نو در فقه، سال ۲۱، ش ۲.
۱۱. حسینی، سیدحسین، محمد سلطانی و صادق صفری (۱۳۹۸). «تأثیرات عدم همسویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در نگرش متهمین و محکومین جرائم مواد مخدر»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۳، ش ۱۰۶.
۱۲. حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۴). «چالش‌های سیاست کیفری ارفاقی قانون مجازات اسلامی در برابر جرائم سبک»، مجله حقوق اسلامی، سال ۱۲، ش ۴۵.
۱۳. دلماس مارتی، می‌ری. (۱۳۹۳). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.

۱۴. ذبیحی، حسین (۱۳۹۷ الف). شرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی در نظم حقوقی جدید، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۵. --- (۱۳۹۷ ب). شرح و بررسی ماده (۴۵) الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۶. رحمدل، منصور (۱۳۸۵). «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، مجله جامعه‌شناسی، ش ۲۵.
۱۷. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۷). جرائم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و بین‌المللی، چاپ دوم، نشر خط سوم.
۱۸. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی مجازات اعدام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۹. شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن (۱۴۰۰). النهایه، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. شیخ مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۱). المقنعه، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر الاسلامی.
۲۱. صادقی، آزاده (۱۳۹۸). «آستانه قانونی برای حمایت از مصرف‌کنندگان مواد مخدر»، دایره‌المعارف علوم جنایی، چاپ اول، نشر میزان.
۲۲. صادقی، آزاده، محمد فرجیها، جلیل امیدی و محمدجعفر حبیب‌زاده (۱۳۹۶). «پیامدهای تعیین کیفر در جرائم مواد مخدر بر پایه کمیت مواد در نظام تقنینی ایران و ایالات متحده آمریکا»، مجله پژوهش‌های تطبیقی، ش ۱.
۲۳. صادقی، ولی‌الله (۱۳۹۷). کیفرزدایی در ایران (نظریه و رویه)، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۲۴. طاهری، سمانه (۱۳۹۲). سیاست کیفری سخت‌گیرانه، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۵. غلاملو، جمشید (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل بی‌عدالتی کیفری در جرائم مواد مخدر»، مجله حقوقی د/دگستری، ش ۱۰۳.
۲۶. فرجیها، محمد و زهرا عابدی نژاد مهرآبادی (۱۳۸۷). «مدیریت خطر مجرمان: مطالعه موردی بخش کلیات پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی»، مجله کارآگاه، ش ۵.
۲۷. فلاحی، ابوالقاسم (۱۳۹۵). «تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله حقوقی د/دگستری، ش ۱۰۲.
۲۸. فلچر، جورج پی. (۱۳۸۴). مفاهیم حقوق بنیادی حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی،

مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۲۹. کاظمی، مسعود (۱۳۹۳). «تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرائم مواد مخدر و روانگردان»، مجله

سلامت اجتماعی و اعتیاد، ش ۴.

۳۰. گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۱). «نقدی بر سیاست جنایی دولت در مبارزه با مواد مخدر»، مجله/اصلاح و تربیت، ش ۲۱.

۳۱. لازرژ، کریستین (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم،

تهران، نشر میزان.

۳۲. مجیدی، سید محمود (۱۳۸۶). جرائم علیه امنیت، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

۳۳. مجیدی، سید محمود و فاطمه تاج‌آبادی (۱۳۹۸). «تکنیک‌های جرم‌انگاری امنیت‌مدار در حقوق

کیفری ایران»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۲۱.

۳۴. معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۶). مجموعه بخشنامه‌ها (قوه قضائیه)، جلد سوم، قم.

۳۵. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، جلد سوم، تهران،

انتشارات مؤسسه کیهان.

۳۶. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۱۴). فقه الحدود و التعزیرات، قم، انتشارات دارالعلم مفید.

۳۷. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ بیست‌ونهم، تهران،

انتشارات میزان.

۳۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). «سیاست جنایی در علوم جنایی»، گزیده مقالات آموزش برای

ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد

مخدر و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، جلد دوم، چاپ اول، قم، انتشارات سلسبیل.

۳۹. ————— (۱۳۹۶). دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، تهران، انتشارات میزان.

40. A. De Ungria, Maria Corazon and Jose M. Jose. (2020). "The War on Drugs, Forensic Science and the Death Penalty in the Philippines", *Forensic Science International: Synergy*, 2.

41. Amnesty International (2017). *Dead Sentences and Executions 2016*, London, United Kingdom.

42. Ching Tsai, Fu, Ming Chun Hsu, Chein Ta Chen and Da Yu Kao (2019). "Exploring Drug-related Crimes With Social Network Analysis", *Procedia Computer Science*, 159.

43. Desportes, Fredric (2008). *et Francis le Gunehec, Droit Penal General*, Paris, 9 Edit, Econmica.
44. Genevieve, Harris (2011). Threshold Quantities for Drug Policy.
45. Griffith, Edwards, Tom Babor, Shan Darke and Robert West (2009). "Drug Trafficking, Time to Abolish the Death Penalty", *Journal Compilation, Society for the Study of Addiction*, 4.
46. Hallsworth, Simon and Tara Young (2008). "Gang Talk and Gang Talkers: A Critique, Crime, Media, Culture", *An International Journal*, 2.
47. Lai, Gloria (2017). *Drug, Crime and Punishment Proportionality of Sentencing for Drug Offences, International Drug Policy Consortium (IDPC)*, London.
48. Laquer, Hannah, Stephen Rushin and Jonathan Simon (2014). "Wrongful, Policing and the "War on crime", Examining Wrongful Convictions: Stepping Back and Moving Forward", Carolina Academic.
49. Larvy, Siegel (2016). *Criminology*, Wadsworth Publishing.
50. Santacrocce, Rita, Elisabetta Bosio, Valentina Scioneri and Mara Mignon (2018). "The New Drug and the Sea: The Phenomenon of Narco-terrorism", *International Journal of Drug Policy*, 51.
51. Thanh Luong, Hai (2021). "Why Vietnam Continues to Impose the Death Penalty for Drug Offences: A Narrative Commentary", *International Journal of Drug Policy*, 88.

نقشه راه تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران

علیرضا الهی^{*}، حسین اکبری یزدی^{**}، چالاک مجیدی^{***} و رضا خورشیدی^{****}

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۸	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۳۰۴-۲۷۳
-------------------	------------------------	-----------------------	---------------------

اقتصاد مقاومتی یکی از مهمترین سیاست‌های فعلی جمهوری اسلامی ایران است. دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی هر یک به نوبه خود در حال تدوین برنامه‌های تحقق این سیاست‌ها هستند. ورزش نیز به عنوان یکی از ابعاد توسعه فرهنگی، اجتماعی و حتی تجاری کشور از این امر مستثنا نیست. از این رو پژوهش حاضر با هدف تدوین نقشه راه نظام ورزش ایران در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی انجام شده است. در این تحقیق از شیوه کیفی و رویکرد مطالعات راهبردی استفاده شد. اجرای مصاحبه‌های نیمه ساختارمند و بررسی مطالعات و مدارک موجود و اسناد بالادستی دو روش اصلی جمع‌آوری اطلاعات در مطالعه حاضر بود. در بخش مصاحبه‌ها نیز مدیران دستگاه‌های ورزشی، صاحب‌نظران و خبرنگاران حوزه اقتصاد ورزش به صورت هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند. در مطالعه حاضر حوزه‌های کلیدی عملکرد ورزش ایران برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به ترتیب اولویت شامل منابع انسانی، قوانین، ساختار و فرایندها، تحقیق، توسعه و نوآوری، بازاریابی و مدیریت مالی، کیفیت و بهره‌وری و در نهایت دیپلماسی و فرهنگ معرفی شده‌اند. در این باره پانزده راهبرد مرتبط با حوزه‌های کلیدی عملکرد ارائه شده است. به منظور تحقق هر یک از راهبردهای پانزده‌گانه، فهرستی از اقدامات اساسی به همراه شاخص‌های ارزیابی و متولیان اجرای آنها مشخص شده‌اند. این مطالعه می‌تواند به عنوان یک نقشه راه، برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های ورزشی عمل کند. همچنین شاخص‌های کلیدی عملکرد ارائه شده می‌تواند به عنوان شاخص‌های ارزیابی میزان تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران مدنظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی در ورزش؛ راهبردها؛ اقدامات؛ حوزه‌های کلیدی عملکرد؛ شاخص‌های ارزیابی

* دانشیار گروه آموزشی مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)؛

Email: alirezaelahi@khu.ac.ir

** استادیار گروه آموزشی مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی؛

Email: akbarihosseini@khu.ac.ir

*** استادیار گروه آموزشی مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی؛

Email: chalakmajidi@khu.ac.ir

**** دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه آموزشی مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم

Email: r.khorshidi@hotmail.com

ورزشی، دانشگاه خوارزمی؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4250.4212

مقدمه^۱

شرایط اقتصادی ایران در سال‌های گذشته مشکلاتی از قبیل تحریم‌های ظالمانه، رکود، تورم، مناسب نبودن فضای کسب‌وکار، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و عدم اتصال فناوری و دانش فنی برتر به تولید داخلی را تجربه کرده است. بی‌تس، آنگئون و آینوچه^۲ (۲۰۱۴) برای چنین شرایطی براساس متغیرهای کلیدی یک شاخص ترکیبی پیشنهاد داده‌اند که در شناسایی نقاط قوت و ضعف کشورها و جهت‌گیری‌های سیاسی که باید اعمال شوند، کمک می‌کند. آنگئون و بی‌تس^۳ (۲۰۱۵) این شاخص‌ها را به دو دسته ابعاد کنترلی (سیاسی و اقتصادی) و ابعاد اقتضایی (اجتماعی، زیست‌محیطی و پیرامونی) تقسیم کردند. در نتایج مطالعات آنها ایران در این رتبه‌بندی در میان ۹۵ کشور در جایگاه ۶۹ بوده که نشان‌دهنده عدم کنترل بر آسیب‌پذیری است. شناخت چنین موقعیتی موجب خلق گفتمانی با هدف گره‌گشایی در ابعاد مختلف از اقتصاد ایران شد. گفتمان «اقتصاد مقاومتی» که به تعبیر نصوری گزنی (۱۳۹۹) در طول چند سال گذشته هیچ مفهومی در اقتصاد به اندازه آن برجسته نبوده است؛ اولین بار در شهریور ۱۳۸۹ توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران در جمع کارآفرینان کشور مطرح و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام به همه نهاد‌های ذی‌ربط ابلاغ شده است (ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲). این ابلاغیه با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و با رویکرد جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا تدوین شده است.

صنعت ورزش به‌عنوان یکی از حیطه‌های پررونق اقتصادی، آثار و کارکردهای گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف دارد که در دهه‌های اخیر تداوم رشد را تجربه کرده و یکی از درآمدزاترین صنایع قرن ۲۱ به‌شمار می‌رود (حاجی‌حیدری، نظری و باستانی‌فر، ۱۳۹۹) و تأثیرات قابل توجهی بر ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، روابط بین‌الملل و البته اقتصادی کشورها دارد (هنری و خزایی، ۱۳۹۹). حاجی‌حیدری و نظری (۱۳۹۹) با اشاره به سهم بیش از

۱. این مقاله برخاسته از طرح پژوهشی مصوب صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور است که در سال ۱۳۹۸ به پایان رسید.

2. Bates, Angeon and Ainouche

3. Angeon and Bates

۲ درصدی ورزش در تولید ناخالص داخلی^۱ کشورهای پیشرفته تأکید می‌کنند که مطالعات آینده‌نگر جوامع پیشرفته نشان از نقش قابل توجه ورزش در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها دارند. با این پتانسیل متأسفانه نظام ورزش ایران همواره از نداشتن برنامه‌های مدون یا ناتوانی در اجرای برنامه‌های موجود رنج برده است. از این رو صنعت ورزش کشور نیز مانند سایر بخش‌ها باید با برنامه‌ریزی مؤثر در راستای سیاست‌های کلان کشور نقش خود را در زمینه‌های درآمدزایی، درصد مشارکت در تولید ناخالص ملی، اشتغالزایی، کارآفرینی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی ایفا کند. هر اندازه نقش صنعت ورزش در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی افزایش یابد، موتور محرکه اقتصادی بیشتر به حرکت درمی‌آید و پویایی اقتصادی بیشتر می‌شود (همان). در ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر «تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف» تأکید شده است تا زمینه و فرصت مناسبی برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی فراهم شود. در این پژوهش تلاش شده است تا به یکی از نیازهای اساسی نظام ورزش کشور در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و فراگیر شدن مبانی اقتصاد مقاومتی که داشتن یک نقشه راه است، پاسخ داده شود.

حاجی حیدری و نظری (۱۳۹۹) مقوله‌های اصلی مؤثر بر نهادینه‌سازی سیاست اقتصاد مقاومتی ورزش ایران را در هشت بخش «اجتماعی، اقتصادی، قانونی، زیرساختی، محیطی، علمی، تکنولوژی و فرهنگی» شناسایی کرده و در قالب مدلی ارائه کرده و تأکید می‌کنند که ورزش ایران برای تلفیق با سیاست اقتصاد مقاومتی باید یک برنامه کلان فراهم کند. جوانی در مقاله «تبیین ارکان پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در صنعت ورزش ایران»، یک الگوی سه‌سطحی شامل بهینه‌سازی زیرساختی، مقاوم‌سازی و برجستگی را پیشنهاد کرده است (جوانی، ۱۳۹۷: ۵۷۶). علاوه بر شناسایی ارکان و شیوه اجرا، در خصوص موانع اجرا نیز مطالعاتی انجام شده است. خزایی، هنری و شهلائی باقری (۱۳۹۷) چالش‌های پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در صنعت ورزش ایران را در پنج دسته عوامل حقوقی و قانونی، نبود برنامه محوری، بی‌توجهی به تحقیق و توسعه، عوامل اقتصادی و بی‌توجهی به اسناد

1. Gross Domestic Product (GDP)

بالادستی طبقه بندی کرده و آنها را به عنوان چالش های اصلی پیاده سازی اقتصاد مقاومتی مطرح کرده اند. در پژوهش هنری و خزایی (۱۳۹۹) بیان شده که از نظر متخصصان و مسئولان ورزش کشور، در بین موانع اجرایی اقتصاد مقاومتی در توسعه ورزش کشور، ضعف عوامل حقوقی و قانونی بیشترین تأثیر را دارد و به همین دلیل پیشنهاد شده است که مراجع قانونگذار با وضع قوانین و مقررات به پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در ورزش کمک کنند. حاجی حیدری، نظری و باستانی فر (۱۳۹۹) نیز بر درک فساد و عزم مدیران برای مقابله جهادی و مؤثر با آن تأکید می کنند و دانش گرایی، توزیع متوازن منابع، بازنگری در چشم انداز نظام و در نهایت قانونگذاری را در رابطه با سیاست های اقتصاد مقاومتی در ورزش مهم می دانند. در حوزه ورزش مدارس ایران زارعیان، قربانی و میرزایی (۱۳۹۷) راهکارهای عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی در ورزش مدارس را بررسی کرده و بیان می کنند اگر اقتصاد مقاومتی در ورزش بخواهد به صورت نهادینه عملیاتی شود باید از سنین پایه و ورزش مدارس شروع کرد. اصلاح الگوی مصرف، تدوین برنامه های آموزشی، نوآوری و شکوفایی، حمایت از تولیدات داخلی، حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، توجه به اقتصاد مدرسه و شیوه های آموزشی مناسب مقولات اصلی شناسایی شده اند. رضایی و همکاران (۱۳۹۹) نیز در ارائه مدل توسعه فضای ورزشی شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی در کنار تدوین قوانین راهبردهایی مانند توانمندسازی نیروی متخصص، مبارزه با فساد در ورزش، حمایت دولت از حضور بخش خصوصی، به روز رسانی و تقویت مهندسی ورزش و جذب سرمایه را برای توسعه فضاهای ورزشی ضروری می دانند.

همان طور که ملکی، احمدی و فتحی (۱۳۹۹) اشاره می کنند عواملی مانند فقدان فهم مشترک از مفاهیم اقتصاد مقاومتی و نبود هم افزایی میان واحدها و سازمان ها می تواند بر عدم موفقیت اجرای سیاست ها تأثیر بگذارد. از این رو باید به مطالعات و مفاهیم ارائه شده در سایر حوزه های اقتصاد نیز دقت لازم صورت گیرد. مطالعات اقتصاد مقاومتی در سایر حوزه ها بیشتر و متنوع تر از بخش ورزش هستند. به عنوان نمونه میرمعزی (۱۳۹۱) با تأکید بر ملزومات اقتصاد مقاومتی، توجه به مقوله اقتصاد مقاومتی به صورت جهادی را لازم می داند. همچنین فشاری و پورغفار (۱۳۹۳) ضمن اشاره به فرصت موجود در دل تهدید تحریم های غرب، بر دو مقوله فرهنگ اقتصاد مقاومتی و نقش بسیار مهم نهضت تولید علم و دانش در این حوزه تأکید می کنند. بخشی از مطالعات نیز مانند قلیچ و خوانساری (۱۳۹۴)

که نظام مقاوم‌سازی نظام بانکی را بررسی کرده‌اند، به تدوین سیاست‌ها و راهبردهای بخشی و سازمانی در این حوزه پرداخته‌اند. داوودی و جعفریه (۱۳۹۳) نیز ساختارهای قدرت در عرصه داخلی را برای دستیابی به الگوی اقتصاد مقاومتی و پیشبرد ابعاد آن بررسی کرده‌اند. قطعاً جهت‌گیری و ساختار این الگوی اقتصادی اهمیت بسیار بالایی دارد. در تأکید همین موضوع قاسمی و رجایی رامشه (۱۳۹۹) به سهم مهم مردم محور بودن ساختار یک نظام اقتصادی در مقاومت آن اشاره می‌کنند که برای تحقق این ساختار باید به اراده‌های مردم، سرمایه‌های آنها و مدیریت ایشان بر فعالیت‌های اقتصادی به عنوان مؤلفه‌های آن توجه شود. از دیگر جنبه‌های مهم اقتصاد مقاوم، ضدشکنندگی آن است که سعدآبادی، رحیمی‌راد و فرتاش (۱۳۹۹) مدلی پایشی در سه بُعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی تدوین کرده‌اند. در این تحقیق همانند بیشتر پژوهش‌های این حوزه بر اهمیت شناخت موانع رسیدن به اقتصاد مقاوم، تشخیص شاخص‌های کلیدی و رسیدن به خط‌مشی‌های قابل اندازه‌گیری تأکید شده است.

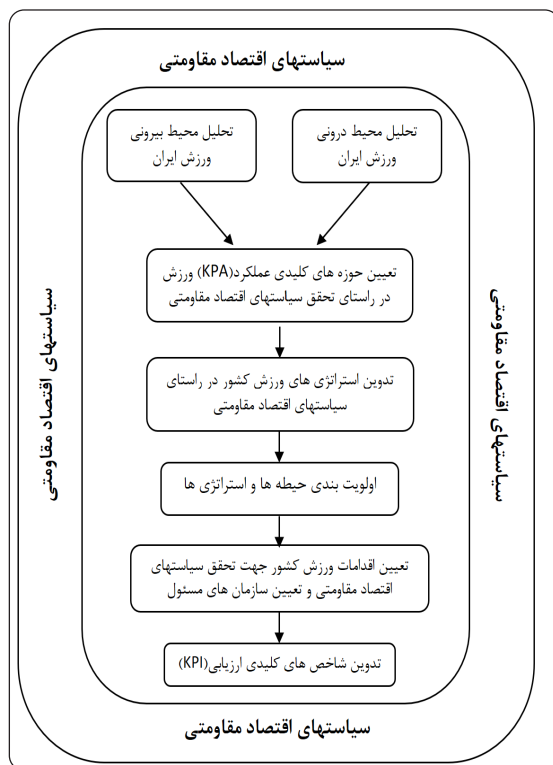
با وجود تحقیقات علمی، خواست و همت حاکمیت و مردم همچنان موانعی بر سر راه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی وجود دارد. به‌زعم حاجی‌حیدری، نظلی و باستانی‌فر (۱۳۹۹) توجه به این خواست اجتماعی و حاکمیتی و تفاهم در دستیابی به آثار پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تبیین آینده‌ای مطلوب و درک اهمیت بحران‌های احتمالی پیشرو؛ وابسته به بهره‌گیری از پژوهش‌های علمی است. مطالعات نشان می‌دهند کشورهای موفق اقتصادی که تحریم شده‌اند، با قانونگذاری و اتکا به ظرفیت‌های بومی توانسته‌اند موفق شوند اما در این راستا به بازنگری شیوه‌های تدوین استراتژی و انطباق نقشه راه اقتصادی با شرایط داخلی و خارجی نیاز است (جهانگیر، رستمی و تار، ۱۳۹۹). در مجموع ضرورت اجرای مطالعه حاضر را از دو منظر علمی و کاربردی می‌توان تبیین کرد. از جنبه علمی باید به این نکته اشاره کرد که هر چند مطالعات اندک دانشگاهی در حوزه اقتصاد مقاومتی در ورزش انجام شده است؛ اما کماکان مطالعه‌ای که به نحوه اجرای این سیاست‌ها (حوزه‌ها، راهبردها، اقدامات و سازمان‌های متولی) در حوزه ورزش بپردازد، انجام نشده است. همچنین از جنبه کاربردی باید توجه کرد که یکی از مهمترین سیاست‌های بالادستی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های گذشته، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بوده است.

بنابراین مطالعه حاضر با شیوه‌ای کیفی و بهره‌گیری از رویکرد مطالعات راهبردی؛ نقشه راهی شامل حوزه‌های کلیدی، راهبردها، برنامه‌ها، اقدامات و شاخص‌های کلیدی عملکردی نشان خواهد داد که می‌تواند به عنوان راهنمای عمل سازمان‌ها و مدیران عالی ورزش کشور قرار گیرد.

۱. روش‌شناسی

براساس ماهیت و هدف، تحقیق حاضر با روش مطالعات کیفی و با رویکرد مطالعات راهبردی بود. گفتنی است در بخش‌های خاصی از این مطالعه از روش‌های کمی به منظور اولویت‌بندی حوزه‌های کلیدی عملکرد و راهبردها استفاده شده است. از این رو چارچوبی به صورت شکل ۱ مورد استفاده قرار گرفت.

شکل ۱. روش و مراحل اجرای مطالعه



به منظور دستیابی به اطلاعات و مستندات و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز مطالعه کتابخانه‌ای انجام شد. از این رو نگارندگان مقاله به مطالعه و بررسی کلیه مطالعات بالادستی، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع اقدام کردند. این مرحله جهت دستیابی به حوزه‌های کلیدی عملکرد، تحلیل وضع موجود و نیز تحلیل محیطی انجام گرفته است. همچنین در چند مرحله از تحقیق حاضر از مصاحبه‌های کیفی نیمه‌ساختارمند نیز استفاده شده است. با توجه به مبانی نظری پژوهش‌های کیفی (استراس و کوربین، ۱۳۸۵؛ سکاران، ۱۳۸۴) از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد و بنابر قواعد پژوهش کیفی، مصاحبه‌ها تا حد رسیدن به اشباع نظری^۱ ادامه یافت. همه نخبگان صاحب نظر و از میان آنها نمونه‌ای شانزده نفره (n=16) در مصاحبه‌های این تحقیق مشارکت کردند که ترکیب آنها شامل دو نفر از افراد دارای سابقه ریاست در بالاترین سطح ورزش کشور (وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌های ورزشی و کمیته ملی المپیک)، چهار نفر اقتصاددان آشنا به مقوله اقتصاد مقاومتی، دو نفر اقتصاددان آشنا به مقوله اقتصاد ورزش، دو نفر حقوقدان آشنا به مسائل ورزش و اقتصاد، ۶ نفر از اساتید مدیریت و برنامه‌ریزی ورزش دانشگاه‌های کشور آشنا با موضوع پژوهش بودند.

در بخش مطالعات کتابخانه‌ای برای مفهوم‌سازی و تحلیل داده‌های به دست آمده از مستندات و اسناد بالادستی، از تحلیل محتوای کیفی^۲ استفاده شد. فرایند تحلیل مصاحبه‌های کیفی به این شرح بود:

الف) اجرا و ویرایش مصاحبه‌ها،

ب) کدگذاری نظرها،

ج) طبقه‌بندی نظرات در گروه‌های مفهومی یکسان،

د) تفسیر مفاهیم برآمده از تحقیق،

ه) ترکیب مفاهیم و نتیجه‌گیری.

همچنین از کدگذاری‌های باز و محوری جهت تحلیل مصاحبه‌ها استفاده شد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). به این دلیل که نیازی به ارائه نظریه برخاسته از یافته‌ها نبود، کدگذاری انتخابی در تحلیل مصاحبه‌های کیفی مدنظر تحقیق قرار نگرفت.

1. Theoretical Saturation

2. Qualitative Content Analysis

در بخش تحلیل محیط بیرونی پس از مصاحبه‌ها از رویکرد تحلیل محیط کلان (محیط‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و فناوری)^۱ استفاده شد. در بخش تحلیل محیط درونی پس از مصاحبه‌ها، با دو رویکرد تحلیل منابع^۲ نظام ورزش ایران و رویکرد وظیفه‌ای برنامه‌ریزی، سازماندهی، کارگزینی، هدایت، هماهنگی، هماهنگی و بودجه‌بندی^۳ به تحلیل محیط قابل کنترل (محیط درونی) پرداخته شد. پس از اجرای مصاحبه‌های کیفی در تدوین اقدامات و برنامه‌های تحقق توسعه اقتصاد مقاومتی، پس از اجرای مصاحبه‌های کیفی از رویکرد ماتریس‌های متناظر (SWOT-ActionPlan) استفاده شد. همچنین به منظور اولویت‌بندی حیطه‌های کلیدی عملکرد از نظرهای مشارکت‌کنندگان بخش کیفی در قالب فرم اولویت‌بندی تحلیل سلسله‌مراتبی^۴ استفاده شد. اطلاعات به دست آمده از این افراد با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice مورد تحلیل قرار گرفت. نرخ ناسازگاری مبنای اعتبار پرسشنامه‌های زوجی بود.

۲. یافته‌ها

برای دستیابی به هدف تحقیق در ابتدا محیط درونی و بیرونی نظام ورزش ایران با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این تحلیل فهرست جامعی از قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها (سوات) نظام ورزش ایران در مواجهه با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بود. تعیین حوزه‌های کلیدی عملکرد بخش دوم یافته‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. تدوین راهبردهای نظام ورزش ایران در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بخشی دیگر از یافته‌های مطالعه فعلی است. این راهبردها به تفکیک حوزه‌های کلیدی عملکرد ارائه شده‌اند. اولویت‌بندی حوزه‌های کلیدی عملکرد و راهبردهای تدوین شده آخرین بخش یافته‌های تحقیق حاضر بود.

-
1. PEST Scan
 2. 5Ms+IT
 3. Posdcorb
 4. Analytic Hierarchy Process (AHP)

۲-۱. **حیطه‌های کلیدی عملکرد^۱ برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ورزش**

به منظور گزارش دهی بهتر و سهولت در تعریف سیستم ارزیابی و اندازه‌گیری نتایج سازمان در طبقات مختلف و زیرمجموعه‌های مربوطه و همین‌طور تدوین اهداف بلندمدتی که بتواند به تحقق چشم‌انداز یک سازمان منجر شود؛ تدوین حیطه‌های کلیدی عملکرد بسیار مهم است. تعیین حیطه‌های کلیدی عملکرد در توسعه اقتصاد مقاومتی ورزش ایران با مطالعه سیاست‌های کلی ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی و مبانی نظری مرتبط و همین‌طور نظرخواهی از متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد و ورزش انجام شد. حیطه‌های معرفی شده کاملاً برگرفته شده از اصول مرتبط و قابل اجرای سیاست کلی اقتصاد مقاومتی در بدنه ورزش کشور است. جدول ۱ نشان‌دهنده ارتباط حوزه‌های کلیدی عملکرد با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ است.

جدول ۱. ارتباط حیطه‌های کلیدی عملکرد با مفاهیم مرتبط با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

حیطه‌های کلیدی عملکرد	شماره سیاست کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده	مفاهیم مرتبط در سیاست‌ها
حیطه منابع انسانی	۱	فعال‌سازی سرمایه‌های انسانی و علمی
	۳	توانمندسازی نیروی کار
	۵	افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش و ...
حیطه قوانین، ساختارها و فرایندها	۱۰	حمایت از توسعه صادرات، ایجاد ثبات رویه و مقررات
	۱۶	صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور، تحول اساسی در ساختار و حذف دستگاه‌های موازی
	۱۹	شفاف‌سازی اقتصاد
حیطه بازاریابی و مدیریت مالی	۲۳	به‌روزرسانی شیوه‌های نظارت بر بازار
	۹	اصلاح و تقویت نظام مالی کشور
	۱	تأکید بر ارتقای درآمد طبقات متوسط و کم‌درآمد

مفاهیم مرتبط در سیاست‌ها	شماره سیاست کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده	حیطه‌های کلیدی عملکرد
افزایش بهره‌وری	۴	حیطه کیفیت و بهره‌وری
رشد بهره‌وری	۳	
افزایش پوشش استاندارد برای همه محصولات داخلی	۲۴	
ساماندهی نظام ملی نوآوری	۲	حیطه تحقیق، توسعه و نوآوری
گسترش و تسهیل تولید و خدمات دانش بنیان	۱۱	
شناسایی ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی	۲۲	
اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی	۸	حیطه دیپلماسی و فرهنگ
استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از اهداف اقتصادی و توسعه پیوندهای راهبردی	۱۲	
تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده	۲۰	
تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن	۲۱	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

- **حیطه منابع انسانی:** تأکید بر توسعه و توانمندسازی منابع انسانی و استفاده از نیروهای انسانی متخصص، متعهد و دارای روحیه جهادی و همین‌طور تشویق و تسهیل کار تیمی با هدف افزایش بهره‌وری در سازمان‌ها از جمله موارد مورد تأکید در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که ذیل این حیطه قرار می‌گیرند.
- **حیطه قوانین، ساختارها و فرایندها:** حذف موازی‌کاری‌ها و هزینه‌های فرایندی، اصلاح ساختارها و نظام‌های سازمانی، چابکی و منطقی‌سازی ساختارهای سازمانی در راستای اصلاح الگوی مصرف در ورزش و بهره‌گیری از قوانین و فرصت‌های حقوقی ایجاد شده در حوزه اقتصاد مقاومتی و تدوین قوانین مرتبط در بدنه ورزش.
- **حیطه بازاریابی و مدیریت مالی:** ایجاد اقتصادی درون‌زا، مولد و برون‌گرا در نظام ورزش کشور از طریق افزایش تولید داخلی محصولات و خدمات راهبردی، اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی، ایجاد منابع مالی پایدار و جذب

مشارکت‌های مردمی، بخش‌های خصوصی، سرمایه‌های بین‌المللی و شفاف‌سازی و سالم‌سازی در امور مالی، بهبود نظارت بر سیستم توزیع، قیمتگذاری و نظارت بر بازار در این حیطه کلیدی عملکرد مورد تأکید هستند.

- **حیطه کیفیت و بهره‌وری:** رشد بهره‌وری در ورزش اعم از بهره‌وری اماکن، تجهیزات، منابع انسانی و سازمان‌ها با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد و بهبود کیفیت خدمات و محصولات، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور، افزایش اشتغال و کاهش شدت مصرف انرژی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی.

- **حیطه تحقیق، توسعه و نوآوری:** توسعه اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش، کارآفرینی و ترویج نوآوری و خلاقیت، برنامه‌ریزی مبتنی بر پژوهش‌های کاربردی و توسعه پوشش استاندارد برای کلیه خدمات و محصولات ورزشی.

- **حیطه دیپلماسی و فرهنگ:** گفتمان‌سازی و تبیین فرهنگ اقتصاد مقاومتی در ورزش، توسعه فرهنگ جهادی و کار داوطلبانه و بهبود دیپلماسی اقتصادی در ورزش و همین‌طور دیپلماسی ورزش در نظام بین‌الملل، تقویت تعهد سازمانی و ملی در ورزش و برنامه‌ریزی جهت توسعه ارتباطات ملی و بین‌المللی.

۲-۲. راهبردهای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ورزش و اولویت‌بندی آنها

با بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای شناسایی شده و همچنین نظرخواهی مجدد از چند نفر از مصاحبه‌شوندگان (صاحب‌نظران حوزه اقتصاد و ورزش)، پانزده راهبرد برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ورزش تدوین شد. در مرحله بعدی جهت کمی‌سازی و محاسبه وزن حیطه‌های کلیدی عملکرد شناسایی شده، پرسشنامه مقایسات زوجی تهیه و در اختیار خبرگان قرار گرفت (مقیاس امتیازدهی از اهمیت یا مطلوبیت یکسان=۱ تا کاملاً مهمتر یا مطلوب‌تر=۹). پس از تکمیل پرسشنامه‌های این بخش توسط خبرگان، به منظور اطمینان از روایی و پایایی، نرخ سازگاری برای هر یک محاسبه شد. پرسشنامه‌هایی که نرخ سازگاری آنها از ۱/۰ بیشتر بود مجدداً به پاسخ‌دهندگان بازگردانده

شد تا در پاسخ‌های خود تجدیدنظر کنند. به این ترتیب تمام پرسشنامه‌هایی که مبنای محاسبات قرار گرفتند (هشت پرسشنامه)، دارای نرخ ناسازگاری کمتر از ۱۰٪ بودند. جدول ۲ وزن نهایی و نرخ ناسازگاری حیطه‌های کلیدی عملکرد اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران از دیدگاه خبرگان را نشان می‌دهد.

جدول ۲. جدول وزنی حیطه‌های کلیدی عملکرد اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران

نرخ ناسازگاری	رتبه	وزن	حیطه‌های کلیدی عملکرد
۰/۰۹۸۶	۱	۰/۳۶۲	منابع انسانی
	۲	۰/۳۱۹	قوانین، ساختار و فرایندها
	۳	۰/۱۰۱	بازاریابی و مدیریت مالی
	۴	۰/۰۸۱	کیفیت و بهره‌وری
	۵	۰/۰۷۵	تحقیق، توسعه و نوآوری
	۶	۰/۰۶۰	دیپلماسی و فرهنگ

مأخذ: همان.

جدول ۳ بیانگر ماتریس متناظر این راهبردها و ارتباط آنها با هر یک از حیطه‌های کلیدی عملکرد است که به صورت قوی، متوسط و ضعیف مشخص شده‌اند. پس از تعیین اوزان حیطه‌های کلیدی عملکرد، از طریق ماتریس ارتباطات وزن نهایی راهبردها به دست آمد. وزن نهایی هر راهبرد برابر است از مجموع حاصل ضرب شدت ارتباط در وزن هر حیطه کلیدی عملکرد.

جدول ۳. اولویت بندی نهایی راهبردهای تدوین شده جهت تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران

اولویت راهبرد	وزن نهایی راهبرد	دیپلماسی و فرهنگ (۰/۰۶۰)	تحقیق، توسعه و نوآوری (۰/۰۷۵)	کیفیت و بهره‌وری (۰/۰۸۱)	بازاریابی و مدیریت مالی (۰/۱۰۱)	قوانین، ساختار و فرایندها (۰/۳۱۹)	منابع انسانی (۰/۳۶۲)	حیطه‌ها / راهبردها
۱	۵/۶۹۳	۱	۵	۵		۵	۹	توانمندسازی نیروی انسانی ورزش ایران مطابق با رویکرد اقتصاد مقاومتی
۲	۵/۲۴۶	۱			۵	۹	۵	مردمی سازی اقتصاد ورزش کشور
۳	۴/۱۴۲				۹	۹	۱	عدالت محوری در توزیع منابع در ورزش
۴	۳/۸۴۱	۱		۵	۵	۹		توسعه حمایت‌های دولتی از فعالیت‌های کارآفرینانه و نوآورانه در ورزش
۵	۳/۷۰۷	۱	۹		۱	۹		حمایت از اقتصاد دانش بنیان در ورزش
۶	۳/۶۳۸			۵		۹	۱	مهندسی مجدد و چابک سازی ساختار ورزش ایران
۷	۳/۵۶۷	۹	۱	۱		۹		تقویت اصول توسعه پایدار در مدیریت سازمان‌ها و اماکن ورزشی
۸	۳/۰۵۹	۱	۹	۹		۵		طراحی، تولید و صادرات محصولات ورزشی
۹	۲/۹۴۱		۱		۹	۵	۱	توسعه اقتصاد گردشگری ورزشی
۱۰	۲/۷۵	۹		۱		۱	۵	تقویت نهضت داوطلبی در نظام ورزش کشور
۱۱	۲/۶۹۹		۵	۹		۵		ترویج و توسعه ورزش‌های کم هزینه و پرفایده
۱۲	۲/۲۱۰	۹	۱			۵		ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی در ورزش
۱۳	۱/۴۴۲		۹	۵			۱	توسعه دانش ساخت تاسیسات و اماکن ورزشی
۱۴	۱/۲۸۴		۵		۹			توسعه کسب و کارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی
۱۵	۰/۸۵۹	۹					۱	تقویت دیپلماسی اقتصادی و بین المللی ورزش کشور

مأخذ: همان.

۳. جمع بندی و نتیجه گیری

اقتصاد مقاومتی به معنای تشخیص حوزه های فشار در شرایط کنونی تحریم و پساتحریم و به دنبال آن تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آنهاست. در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، بدون شک باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه را طلب می کند (نعیمی مجد و نعیمی مجد، ۱۳۹۸). برای محقق شدن اهداف سیاست های اقتصاد مقاومتی تلاش برنامه محور و همه جانبه نیاز است. جامعه ورزش نیز به عنوان یکی از بخش هایی که پتانسیل بسیار بالایی در کمک به رشد اقتصادی و پایداری آن دارد، از این قاعده مستثنا نیست.

همان گونه که در بخش یافته ها ملاحظه شد فهرستی از حوزه های کلیدی عملکرد و راهبرد به منظور تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی در ورزش ارائه شد. در این قسمت سعی شده است به تفکیک هر یک از راهبردهای ارائه شده بحث و نتیجه گیری لازم انجام شود. از این رو بعد از بحثی مختصر در خصوص هر راهبرد، به منظور کاربردی تر شدن نتایج مطالعه، جدولی ارائه شده که سرفصل برنامه های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص های کلیدی عملکرد (شاخص های ارزیابی) ارائه شده است. این جداول می توانند هدف نهایی مطالعه حاضر (ارائه نقشه راه) را تکمیل کنند.

راهبرد اول: توانمندسازی نیروی انسانی ورزش ایران مطابق با رویکرد اقتصاد مقاومتی

موضوع نیروی انسانی و توانمند سازی آن یکی از موارد مهم در تأکیدات رهبری و اسناد بالادستی در حوزه اقتصاد مقاومتی بوده است. این راهبرد در اولویت بندی ارائه شده اولویت اول را در بین پانزده راهبرد به دست آورده که نشان از اهمیت بالای این موضوع دارد. فشاری و پورغفار (۱۳۹۳) در تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در ایران و همین طور عباس آباد عربی، بابائیان پور و فکری (۱۳۹۳) از توانمندسازی نیروی انسانی و نقش مهم ارتقای آموزش و تبدیل تجربه به دانش به عنوان راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی نام برده اند. در مجموعه سیاست ها و برنامه های اقتصاد مقاومتی ابلاغی شورای اقتصاد (۱۳۹۳) نیز بر بهبود کمی و کیفی نظام آموزش و بهبود نظام جذب و نگهداشت منابع انسانی تأکید شده است.

جدول ۴. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد توانمندسازی نیروی انسانی

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	سطح‌بندی نیروی انسانی ورزش کشور بر مبنای ویژگی‌های کاری (مدیران، کارشناسان، مربیان و ...)	دبیرخانه اقتصاد مقاومتی در ورزش	
۲	نیازسنجی آموزشی مبتنی بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی متناسب با هر سطح (مدیران، کارشناسان، مربیان و ...)	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور*	- میزان (نفر / ساعت) آموزش منابع انسانی در هر گروه کاری (مدیران، کارشناسان، مربیان و ...)، - حجم محتوای آموزشی تولید شده در هر گروه کاری، - میزان بهره‌وری نیروی انسانی دستگاه‌های متولی ورزش کشور.
۳	تعیین روش‌ها، محتوا و رویکردهای آموزش و توانمندسازی	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	
۴	اجرای برنامه‌های توانمندسازی منابع انسانی	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	
۵	گزارش فعالیت‌های انجام شده به دبیرخانه اقتصاد مقاومتی در ورزش	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	
۶	ارزیابی اثربخشی و نظارت بر فعالیت‌های دستگاه‌های ذی‌ربط	دبیرخانه اقتصاد مقاومتی در ورزش	

* این دستگاه‌ها شامل وزارت ورزش و جوانان، اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت سلامت و تندرستی وزارت آموزش و پرورش، ورزش شهرداری‌ها، ورزش وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی، تربیت بدنی نیروهای مسلح و سایر نهاد‌های متولی ورزش هستند. در سطح استانی نیز می‌توان از اداره کل ورزش و جوانان استان به‌عنوان نهاد عالی پیگیری‌کننده تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ورزش استان نام برد.
مأخذ: همان.

راهبرد دوم: توسعه مردمی‌سازی اقتصاد ورزش کشور

موضوع مردمی‌سازی و موضوعات مرتبط با آن مانند خصوصی‌سازی، واگذاری، جمع‌سپاری و برون‌سپاری مواردی هستند که حداقل در دهه اخیر بسیار مورد توجه نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. سادات حسینی و منوچهری نژاد (۱۳۹۳) بر توسعه مشارکت جمعی در ورزش؛ راجی فروشانی (۱۳۹۳) بر نقش برونسپاری در توسعه ظرفیت‌های اقتصادی دستگاه‌ها؛ آربین فر و سلیمانی (۱۳۹۳) بر اهمیت مردمی بودن در الگوی اقتصاد مقاومتی؛ فشاری و پورغفار (۱۳۹۳) بر اقتصاد مردمی و تیرگری سراجی، هزاره و حسینی (۱۳۹۳) بر توسعه خوشه‌های روستایی و استفاده از جنبش‌های مردمی در تحقق اقتصاد مقاومتی تأکید داشته‌اند. علاوه بر این نقش زنان و خانواده‌ها در توسعه اقتصاد مقاومتی در ورزش قابل توجه است (پورحاتمی، ۱۳۹۳). فتحی و یگانه (۱۳۹۳) نیز بیان می‌کنند که توسعه اقتصاد مقاومتی باید از درون شکل گرفته و باید بر سازوکارهای بومی و مردم‌محور تأکید شود.

جدول ۵. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد توسعه مردمی‌سازی اقتصاد ورزش

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	تدوین آیین‌نامه تشکیل تعاونی‌های ورزشی و حمایت از آنها	وزارت ورزش و جوانان	- تعداد نفرات شاغل در تعاونی‌های ورزشی در سراسر کشور، - میزان بودجه حمایتی اختصاص داده شده به تعاونی‌های ورزشی در هر دستگاه.
۲	تعیین بهترین روش‌های کاهش تصدی دولت در سطوح مختلف ورزش (باشگاه‌ها، رویدادها و اماکن)	- وزارت ورزش و جوانان - سازمان خصوصی‌سازی	- تعداد باشگاه‌های دولتی واگذار شده، - تعداد اماکن ورزشی دولتی واگذار شده،
۳	واگذاری باشگاه‌های ورزشی دولتی براساس روش‌های تعیین شده	- وزارت ورزش و جوانان - سایر نهادهای دولتی مالک باشگاه	- تعداد رویدادهای ورزشی دولتی برون‌سپاری شده، - میزان تسهیلات اعطایی به تعاونی‌ها و بخش‌های غیردولتی سرمایه‌گذار در ورزش.
۴	واگذاری اماکن و رویدادهای ورزشی دولتی براساس روش‌های تعیین شده	- وزارت ورزش و جوانان - سایر نهادهای دولتی مالک باشگاه	
۵	تدوین نظام حمایت از سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی	وزارت ورزش و جوانان	

مأخذ: همان.

راهبرد سوم: عدالت محوری در توزیع منابع در ورزش

موضوعاتی چون شایسته‌سالاری در ورزش ایران، آمایش سرزمینی در ورزش، تقاضاهای رو به رشد زنان برای ورزش و تنوع جغرافیایی و فرهنگی کشور از مواردی هستند که نیاز به این راهبرد را دوجندان کرده‌اند. به عنوان یکی از سیاست‌های اساسی اقتصاد مقاومتی در تحقیقات مختلفی از جمله مطالعات تیرگری سراجی، هزاره و حسینی (۱۳۹۳)، آرین‌فر و سلیمانی (۱۳۹۳)، عباس‌آباد عربی، بابائیان پور و فکری (۱۳۹۳) و همچنین دستورالعمل‌ها و برنامه‌های شورای اقتصاد به موضوع آمایش سرزمین و عدالت محوری توجه ویژه‌ای شده است.

جدول ۶. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد عدالت محوری در توزیع منابع

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	تدوین طرح آمایش سرزمینی منابع مختلف ورزش کشور (منابع انسانی، مادی و زیرساختی)	وزارت ورزش و جوانان	- تعداد دستورالعمل‌ها و طرح‌های تدوین شده در این راستا، - درصد افزایش سهم زنان، سالخوردگان، معلولان و اقشار کم‌درآمد در برنامه‌های ورزشی دستگاه‌ها.
۲	تدوین منشور حقوق شهروندی در ورزش کشور	وزارت ورزش و جوانان با همکاری معاونت حقوقی ریاست جمهوری	
۳	تدوین و ارائه سیاست‌های دستگاه‌ها جهت رعایت سهم زنان، سالخوردگان، معلولان و اقشار کم‌درآمد در برنامه‌های ورزشی	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	

مأخذ: همان.

راهبرد چهارم: توسعه حمایت‌های دولتی از فعالیتهای کارآفرینانه و نوآورانه در ورزش

تعداد بالای فارغ‌التحصیلان، بین‌رشته‌ای بودن علوم ورزشی و امکان هم‌افزایی آن با سایر رشته‌های دانشگاهی، قابلیت‌های صنعت ورزش در درآمدزایی و فعالیتهای کارآفرینانه و نیز قابلیت ورزش در کاهش هزینه‌های درمان و پزشکی از جمله تسهیل‌کننده‌های تحقق این راهبرد محسوب می‌شوند. در راستای راهبرد ارائه شده در مطالعه حاضر نیز تابش (۱۳۹۳) استفاده بهینه از دانش‌آموختگان و توسعه پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد و کارآفرینی راگامی مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی می‌داند. علاوه بر این فشاری و پورغفار (۱۳۹۳) هم بر تولید فناوری و تجاری‌سازی دانش تأکید داشته‌اند.

جدول ۷. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد حمایت‌های دولتی

از فعالیتهای کارآفرینانه و نوآورانه

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	شناسایی و معرفی فرصت‌ها و تسهیلات موجود در قوانین کل کشور برای کارآفرینان و نوآوران ورزشی	کارگروه کارآفرینی و اشتغال وزارت ورزش و جوانان	- تعداد شرکت‌های کارآفرین حمایت شده توسط دستگاه‌ها در سال،
۲	ارائه برنامه حمایت دستگاه‌های ذی‌ربط از پیشنهادها و ایده‌های نوآورانه در حیطه ورزش	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	- میزان حمایت مالی انجام شده از فعالیتهای کارآفرینانه،
۳	تدوین و تصویب آیین‌نامه حمایت از فعالیتهای کارآفرینانه و نوآورانه در ورزش	کارگروه کارآفرینی و اشتغال وزارت ورزش و جوانان	- تعداد دوره‌های آموزشی اشتغال‌زایی و کارآفرینی برگزار شده.
۴	برگزاری دوره‌های اشتغال‌زایی و کارآفرینی ورزشی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	

مأخذ: همان.

راهبرد پنجم: حمایت از اقتصاد دانش بنیان در ورزش

با توجه به فرصت‌هایی چون توجه خاص مقام معظم رهبری به مقوله اقتصاد دانش بنیان، سیاست حمایت از کالای داخلی، امکان شبیه‌سازی محصولات باکیفیت خارجی، پیشرفت ایران در شاخص جهانی نوآوری، سیاست حمایتی حکومت و دولت در راستای تقویت تولید ملی و قوانین حمایتی موجود در توسعه اقتصاد دانش بنیان و امکان استفاده از فناوری

ارزان و روز دنیا در ساخت تجهیزات و اماکن ورزشی؛ به نظر می‌رسد تحقق این راهبرد بسیار محتمل است. تابش (۱۳۹۳) بر توسعه شرکت‌های دانش بنیان و فشاری و پورغفار (۱۳۹۳) بر توسعه نهضت تولید علم و دانش و استفاده حداکثری از شرکت‌های دانش بنیان اشاره کرده‌اند. آراین‌فر و سلیمانی (۱۳۹۳) نیز دانش بنیان بودن را یکی از ۱۰ مؤلفه الگوی اقتصاد مقاومتی می‌دانند.

جدول ۸. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد حمایت از اقتصاد دانش بنیان

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	ارائه برنامه حمایت از تولید و عرضه محصولات شرکت‌های دانش بنیان	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	- تعداد شرکت‌های دانش بنیان مستقر در دستگاه‌های ذی‌ربط، - میزان حمایت مالی انجام شده از شرکت‌های دانش بنیان، - تعداد محصولات و خدمات دانش بنیان مورد حمایت قرار گرفته، - تعداد تفاهم‌نامه‌های منعقد شده بین دستگاه‌های ورزشی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی - پژوهشی، - تعداد پروژه‌های مشترک انجام شده بین دستگاه‌های ورزشی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی - پژوهشی.
۲	تدوین و ارائه برنامه ارتباط دستگاه‌های ورزشی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی پژوهشی	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	
۳	حمایت دولت و رسانه‌ها جهت ترویج و معرفی محصولات شرکت‌های دانش بنیان در حیطه ورزش	- دستگاه‌های متولی ورزش در کشور، - صدا و سیما	

مأخذ: همان.

راهبرد ششم: مهندسی مجدد و چابک‌سازی ساختار ورزش ایران

این راهبرد براساس اسناد بالادستی موجود در حوزه اقتصاد مقاومتی و ضعف‌ها و تهدیدهایی چون نیروی انسانی مازاد در سازمان‌های ورزشی، بازدهی پایین منابع انسانی موجود، عدم تناسب شغل و شاغل در بسیاری از سازمان‌های ورزشی، بی‌ثباتی مدیریت در سازمان‌های ورزشی تدوین شده است. حذف دستگاه‌های موازی و هزینه‌های زائد و تحولات اساسی در ساختارهای دولتی و شیوه‌های نظارت مورد تأکید عباس‌آباد عربی، بابائیان‌پور و فکری (۱۳۹۳) و فرزندی اردکانی و یوسفی (۱۳۹۴) نیز بوده است.

جدول ۹. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد مهندسی مجدد و

چابک‌سازی ساختار ورزش

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	تقویت شورای عالی ورزش کشور	وزارت ورزش و جوانان	تعداد جلسات شورای عالی ورزش کشور، تعداد مصوبات شورای عالی ورزش کشور، درصد بازنگری در اساسنامه، ساختار و مأموریت‌های سازمان‌های متولی ورزش کشور.
۲	شناخت موازی‌کاری‌ها در سازمان‌های ورزشی، حذف آنها و ارائه راهکارهای ساختاری فرایندی	- شورای عالی ورزش کشور - وزارت ورزش و جوانان	
۳	ایجاد و توسعه سازمان نظام ورزش کشور	وزارت ورزش و جوانان	
۴	شناخت تداخل اهداف و مأموریت‌های سازمان‌های متولی ورزش کشور	- شورای عالی ورزش کشور - وزارت ورزش و جوانان	
۵	به‌روزرسانی ساختار، اساسنامه و مأموریت‌های سازمان‌های متولی ورزش کشور	- شورای عالی ورزش کشور - وزارت ورزش و جوانان	
۶	آسیب‌شناسی فرایندها و رویه‌های سازمانی در ورزش کشور و ارائه راهکارهای چابک‌سازی آن	دستگاه‌های متولی ورزش کشور	

مأخذ: همان.

راهبرد هفتم: تقویت اصول توسعه پایدار در مدیریت سازمان‌ها و اماکن ورزشی

فرصت‌هایی چون وجود الزامات قانونی در رعایت مسائل زیست‌محیطی، افزایش آگاهی و دغدغه‌های زیست‌محیطی جامعه، افزایش تکنولوژی‌ها دوستدار محیط زیست، تنوع جغرافیایی کشور برای جذب گردشگران ورزشی و نقش پررنگ گردشگری در سیاست‌های دولت می‌تواند به عنوان تسهیل‌کننده این راهبرد مدنظر قرار گیرد.

جدول ۱۰. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد تقویت اصول توسعه پایدار

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	شناخت حوزه‌ها و اقدامات پیاده‌سازی اصول توسعه پایدار در مدیریت و اماکن ورزشی	وزارت ورزش و جوانان	تعداد حوزه‌ها و اقدامات شناسایی شده به منظور تحقق توسعه پایدار، درصد رعایت اصول توسعه پایدار در اماکن ورزشی.
۲	تدوین و ابلاغ دستورالعمل اجرایی توسعه پایدار در مدیریت و اماکن ورزشی	- وزارت ورزش و جوانان - دستگاه‌های متولی ورزش کشور	
۳	نظارت بر پیاده‌سازی دستورالعمل اجرایی توسعه پایدار در مدیریت و اماکن ورزشی	وزارت ورزش و جوانان - ادارات کل استان‌ها	

مأخذ: همان.

راهبرد هشتم: طراحی، تولید و صادرات محصولات ورزشی

عوامل متعددی باعث می‌شوند تا نیاز به طراحی، تولید و صادرات محصولات ورزشی بیش از پیش احساس شود. از جمله این عوامل عبارتند از: سهم اندک صنعت کالاهای ورزشی ایران در بازارهای بین‌المللی، کیفیت پایین تجهیزات ورزشی داخلی، فاصله سطح کیفیت موجود با استانداردهای امکانات و تجهیزات ورزشی بین‌الملل، کمبود استفاده از تکنولوژی‌های جدید در تولید محصولات ارائه خدمات، عدم الزام سازمان‌های ورزشی به اخذ استانداردهای مدیریت کیفیت، عدم دسترسی به فناوری‌های برتر به دلیل تحریم‌های موجود قیمت بالای تجهیزات خارجی تأثیرات تورم و مهم‌تر از همه تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی داخل ایران نظیر نرخ برابری ارز و ریال. مدیریت واردات و توسعه صادرات (فرزندی اردکانی و یوسفی، ۱۳۹۴) خودکفایی در تولید محصولات راهبردی (سیف، ۱۳۹۱) و توجه به کیفیت تولیدات (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳) از جمله موارد است.

جدول ۱۱. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد طراحی، تولید

و صادرات محصولات ورزشی

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	ایجاد و راه‌اندازی انجمن ملی کیفیت ایران	وزارت ورزش و جوانان	- تعداد استانداردهای تدوین شده برای محصولات و خدمات ورزشی داخلی،
۲	تدوین استانداردهای مطابق با قوانین بین‌المللی ورزشی در تولید محصولات داخلی	انجمن ملی کیفیت ایران	- تعداد محصولات ورزشی داخلی معرفی شده توسط انجمن،
۳	تدوین آیین‌نامه حمایت از محصولات باکیفیت داخلی	دبیرخانه اقتصاد مقاومتی در ورزش	- نسبت خرید محصولات ورزشی داخلی به خارجی در دستگاه‌های ذی‌ربط.
۴	معرفی تجهیزات ورزشی مورد نیاز ورزشی کشور به همراه الزامات کیفی مدنظر	انجمن ملی کیفیت ایران	
۵	تدوین نظام قیمتگذاری رقابتی محصولات و خدمات ورزشی در کشور	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	

مأخذ: همان.

راهبرد نهم: توسعه اقتصاد گردشگری ورزشی

توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، افزایش سرانه درآمد مردم و امکان افزایش درآمدهای مالیاتی دولت از جمله تأثیرات متعدد این موضوع است. فرصت‌هایی چون پتانسیل بالای

احداث کمپ‌های ورزشی با توجه به تنوع اقلیمی ایران، مورد مصرف عموم بودن ورزش، همجواری با کشورهای میزبان رویدادهای ورزشی بزرگ، تنوع جغرافیایی کشور برای جذب گردشگران ورزشی، موقعیت مناسب مناطق آزاد برای جذب گردشگر ورزشی، ارزان بودن خدمات گردشگری در ایران نسبت سایر کشورها، نقش پررنگ گردشگری در سیاست‌های دولت از جمله فرصت‌هایی است که این راهبرد را حمایت می‌کنند. همچنین تهدیدهایی همچون سرانه درآمد پایین ایرانیان، وابستگی اقتصاد ایران به فروش نفت و گاز، عدم استفاده از ظرفیت‌های طبیعی کشور (کویر، دریا، کوهستان و ...)، کم بودن سهم خدمات گردشگری از درآمدهای غیرنفتی، میزان ورود و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ورزش^۱ و در نهایت وضعیت اشتغال و بیکاری در جامعه باعث شده تا راهبرد توسعه اقتصاد گردشگری ورزشی در این بخش پیشنهاد شود. خانی پور و میرقادری (۱۳۹۳) به نقش گردشگری در صادرات فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی تأکید کرده‌اند و کیانی قلعه‌سرد و همکاران (۱۳۹۳) برآورد کرده‌اند که به ازای ۱ درصد افزایش در تعداد گردشگر، ۱/۰۴ درصد افزایش در تولید ناخالص ملی خواهیم داشت.

جدول ۱۲. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد توسعه اقتصاد گردشگری

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های توسعه گردشگری ورزشی در کشور	- وزارت ورزش و جوانان - سازمان گردشگری	- تعداد گردشگران ورزشی خارجی در سال،
۲	تدوین برنامه ارتباطات یکپارچه بازاریابی گردشگری ورزش کشور	- وزارت ورزش و جوانان - سازمان گردشگری	- تعداد گردشگران ورزشی داخلی در سال،
۳	شناخت و رفع موانع حضور گردشگران ورزشی خارجی در کشور	- وزارت ورزش و جوانان - سازمان گردشگری	- میزان سرمایه‌گذاری جذب شده جهت توسعه گردشگری ورزشی در مناطق آزاد،
۴	پیش‌بینی تسهیلات جهت توسعه گردشگری ورزشی در مناطق آزاد	- وزارت ورزش و جوانان - سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری - دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد	- تعداد مشاغل ایجاد شده در حوزه گردشگری ورزشی.

مأخذ: همان.

1. Foreign Direct Investment (FDI)

راهبرد دهم: تقویت نهضت داوطلبی در نظام ورزش کشور

ضعف‌های اساسی در نظام ورزش ایران نظیر بازدهی پایین منابع انسانی ورزش ایران، ضعف فرهنگ جهادی و داوطلبی در ورزش ایران، توجه کم به نهضت داوطلبی در مدیریت ورزش کشور و ضعف در برنامه‌ریزی جهت مهارت‌آموزی و اشتغال‌زایی فارغ‌التحصیلان؛ نیاز به راهبرد «تقویت نهضت داوطلبی در ورزش ایران» را دوچندان می‌کند. اشتغال‌زایی، رویکرد جهادی، ایجاد نهضت استعدادیابی و ظرفیت‌یابی درونی، توسعه نقش داوطلبان و تسهیل همکاری‌های جمعی در مطالعات متعددی مانند سیف (۱۳۹۱)؛ عباس‌آباد عربی، بابائیان‌پور و فکری (۱۳۹۳)؛ فرزندی اردکانی و یوسفی (۱۳۹۴) و آربین‌فر و سلیمانی (۱۳۹۳) مورد تأکید بوده‌اند.

جدول ۱۳. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد تقویت نهضت داوطلبی در نظام ورزش

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	تشکیل انجمن ملی داوطلبان ورزش ایران (اساسنامه، آیین‌نامه و ساختار)	وزارت ورزش و جوانان	- تعداد داوطلبان ثبت شده در سامانه به تفکیک دستگاه‌ها،
۲	ایجاد سامانه جذب داوطلبان در بخش مرکزی و دستگاه‌های ذی‌ربط	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	- تعداد داوطلبان فعال در رویدادها و برنامه‌های ورزشی دستگاه‌های ذی‌ربط،
۳	فراخوان جهت جذب داوطلبان	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	- میزان (نفر / ساعت) همکاری داوطلبان در رویدادها و برنامه‌های ورزشی دستگاه‌های ذی‌ربط.
۴	تدوین فرایند حفظ و نگهداری داوطلبان	وزارت ورزش و جوانان	

مأخذ: همان.

راهبرد یازدهم: ترویج و توسعه ورزش‌های کم‌هزینه و پرفایده

تسهیل‌کننده‌هایی چون قابلیت ورزش در پیشگیری و کاهش هزینه‌های درمان، کم‌هزینه بودن مشارکت در برخی ورزش‌ها، قابلیت برگزاری بسیاری ورزش‌ها در محیط طبیعی، بالا رفتن سطح سواد جامعه نسبت به تأثیرات متعدد ورزش، تمایل مردم ایران به ارتقای کیفیت زندگی و در نهایت ارتقای فرهنگ ورزش تفریحی و همگانی در جامعه باعث شده تا

بتوان این راهبرد را جزء راهبردهای اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران محسوب کرد. عباس آباد عربی، بابائیان پور و فکری (۱۳۹۳) نیز به بازنگری فرایندهای موجود و حذف هزینه‌های اضافی اشاره کرده‌اند.

جدول ۱۴. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد ترویج و

توسعه ورزش‌های کم‌هزینه و پرفایده

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	شناخت و اولویت‌بندی ورزش‌های کم‌هزینه و پرفایده	وزارت ورزش و جوانان	- مساحت فضاهای ورزشی تجهیز شده به منظور توسعه ورزش‌های کم‌هزینه،
۲	توسعه زیرساخت‌های ورزشی لازم برای انجام ورزش‌های کم‌هزینه و پرفایده	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور، - شهرداری‌ها	- مساحت فضاهای ورزشی ساخته شده به منظور توسعه ورزش‌های کم‌هزینه،
۳	تدوین برنامه‌های ترویجی و تبلیغی جهت اشاعه این ورزش‌ها در سطح جامعه	- دستگاه‌های متولی ورزش در کشور، - صدا و سیما	- تعداد برنامه‌های ترویجی و تبلیغی جهت اشاعه این ورزش‌ها، - تعداد برنامه‌های ارائه شده
۴	تدوین و ارائه برنامه توسعه ورزش‌های همگانی در تمامی دستگاه‌های دولتی و حکومتی	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	جهت توسعه ورزش همگانی توسط دستگاه‌های مختلف، - درصد تحقق اهداف برنامه‌های ارائه شده جهت توسعه ورزش همگانی توسط دستگاه‌های مختلف.
۵	تدوین برنامه توسعه ورزش‌های پایه و پرمدال	وزارت ورزش و جوانان	

مأخذ: همان.

راهبرد دوازدهم: ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی در ورزش

موانع و مشکلاتی چون تفکر هزینه‌ای و مصرف‌گرایی مدیران ورزشی، مدیریت ناکارآمد هزینه‌های جاری و عمرانی در ورزش، بهره‌وری پایین فضاها و اماکن ورزشی موجود، مدیریت ناکارآمد و غیراثربخش برخی اماکن ورزشی، بی‌توجهی به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در برنامه‌های راهبردی سازمان‌های ورزشی، عدم ترویج مناسب فرهنگ اقتصاد مقاومتی توسط دستگاه‌های متولی فرهنگ، آموزش و ارتباطات، رواج سبک زندگی مصرف‌گرا در بین ایرانیان و در نهایت بی‌توجهی به نگهداری اموال عمومی این راهبرد را

توصیه می‌کند. فتحی و یگانه (۱۳۹۳) در این باره بیان می‌کنند که فرهنگ می‌تواند نقش مهمی در روند تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا کند.

جدول ۱۵. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	تدوین آیین‌نامه شفافیت مالی در دستگاه‌های ورزش ایران	دبیرخانه اقتصاد مقاومتی در ورزش	- حجم محتوای تولید شده جهت ایجاد گفتمان اقتصاد مقاومتی در ورزش،
۲	شناخت زمینه‌های فسادزای مالی در ورزش و پیش‌بینی راهکارهای مقابله با آن	وزارت ورزش و جوانان	- تعداد بسته‌های رسانه‌ای تولید شده برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی در ورزش،
۳	تهیه محتوای مناسب جهت گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در ورزش	دبیرخانه اقتصاد مقاومتی در ورزش	- میزان حمایت انجام شده از طرح‌ها و ایده‌های مرتبط با اقتصاد مقاومتی در ورزش.
۴	تهیه بسته‌های رسانه‌ای - فرهنگی مؤثر جهت ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی	دبیرخانه اقتصاد مقاومتی در ورزش	
۵	ارائه برنامه حمایت از طرح‌ها و ایده‌های خلاقانه مرتبط با اقتصاد مقاومتی در ورزش	دستگاه‌های متولی ورزش در کشور	

مأخذ: همان.

راهبرد سیزدهم: توسعه دانش ساخت و ساز اماکن و تأسیسات ورزشی

بازدارنده‌هایی چون توزیع جغرافیایی غیر عادلانه امکانات و فضاهای ورزشی در کشور، فاصله سطح کیفیت موجود با استانداردهای امکانات و زیرساخت‌های ورزشی بین‌المللی، بهره‌وری پایین فضاها و اماکن ورزشی موجود، عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در ساخت و نگهداری اماکن ورزشی، کمبود فضاها، اماکن و تجهیزات مورد نیاز ورزش بانوان و نیز اقبال خاص (مانند سالمندان، معلولین و ...) لزوم تدوین این راهبرد را برجسته می‌کند. همچنین تسهیل‌کننده‌هایی را می‌توان برای تحقق این راهبرد برشمرد که عبارتند از:

- سیاست حمایتی حکومت و دولت در راستای تقویت تولید ملی،
- رواج ساخت سالن‌های چندمنظوره و ورزش‌های خانگی به دلیل مسائل زیست‌محیطی،
- پتانسیل بالای احداث کمپ‌های تفریحی با توجه به تنوع اقلیمی ایران.

جدول ۱۶. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با

راهبرد توسعه دانش ساخت و ساز اماکن و تأسیسات ورزشی

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	تدوین دستورالعمل ساخت اماکن ورزشی سبز و بهره‌ور با در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی	- وزارت ورزش و جوانان - وزارت مسکن و شهرسازی - سازمان حفظ محیط زیست	- درصد تحقق الزامات دستورالعمل ابلاغی در ساخت و سازهای ورزشی،
۲	ابلاغ و نظارت بر رعایت دستورالعمل ساخت اماکن ورزشی سبز و بهره‌ور	- وزارت ورزش و جوانان - شهرداری‌ها	- تعداد رشته - دانشگاه‌های مجری رشته‌های مرتبط با اماکن ورزشی،
۳	امکان‌سنجی و اجرای رشته‌های تحصیلی دانشگاهی مرتبط با اماکن ورزشی	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	- حجم محتوای علمی تولید شده جهت توسعه دانش ساخت و ساز اماکن و تأسیسات ورزشی.
۴	تولید محتوای علمی جهت توسعه دانش ساخت و ساز اماکن و تأسیسات ورزشی	- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - وزارت ورزش و جوانان	

مأخذ: همان.

راهبرد چهاردهم: توسعه کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی

با توجه به فرصت‌هایی چون ظرفیت بالای صنعت ورزش در جذب درآمد، مورد مصرف عموم بودن ورزش، فراگیر شدن رسانه‌های نوین، توجه رسانه‌ای زیاد به ورزش و قوانین حمایتی موجود در توسعه اقتصاد دانش بنیان و کسب‌وکارهای نوین و همچنین تهدیدهایی چون نرخ بالای بیکاری نیروی فعال و تحصیلکرده کشور و وضعیت اشتغال و بیکاری در جامعه و تأثیر تورم، تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی این راهبرد تدوین شده است که توسط اصغری (۱۳۹۳) نیز مدنظر قرار گرفته بود.

جدول ۱۷. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با

راهبرد توسعه کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	شناخت موانع و مشکلات توسعه کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی و ارائه راهکارهای حذف آن	- وزارت ورزش و جوانان - شورای عالی فضای مجازی	- تعداد مصوبات حقوقی تدوین شده با موضوع کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی، - تعداد کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی ایجاد شده، - تعداد اعضای اتحادیه کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی، - میزان نفر / ساعت آموزش‌های ارائه شده در راستای کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی.
۲	ایجاد زمینه‌های حقوقی لازم برای توسعه کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی	- شورای عالی فضای مجازی - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	
۳	ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت توسعه کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی	- شورای عالی فضای مجازی - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	
۴	برنامه‌ریزی برای آموزش نحوه ایجاد و گسترش کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی	کارگروه اشتغال و کارآفرینی وزارت ورزش و جوانان	
۵	تدوین آیین‌نامه حمایت از کسب‌وکارهای ورزشی مبتنی بر فضای مجازی	کارگروه اشتغال و کارآفرینی وزارت ورزش و جوانان	

مأخذ: همان.

راهبرد پانزدهم: تقویت دیپلماسی اقتصادی و بین‌المللی ورزش ایران

ضعف‌هایی چون سهم اندک صنعت ورزش ایران در بازارهای بین‌المللی، فاصله سطح کیفیت موجود با استانداردهای امکانات و زیرساخت‌های ورزشی بین‌المللی، کمبود میزبانی رویدادهای بین‌المللی و مسابقات معتبر، روابط ضعیف بین‌الملل فدراسیون‌ها و ارتباط با نهادهای بین‌المللی را می‌توان با انتخاب یک راهبرد مناسب در راستای استفاده بهینه از فرصت‌های موجود از بین برد:

- ارتباط به نسبت مناسب با برخی کشورهای منطقه و اروپا،
- فراهم شدن امکان بازرگشت نخبگان به کشور،
- نقش پررنگ گردشگری در سیاست‌های دولت،
- امکان بهره‌گیری از نرخ برابری ارزی در توسعه صادرات ورزشی،

- همجواری با کشورهای میزبان رویدادهای ورزشی بزرگ،
- امکان شبیه‌سازی محصولات باکیفیت خارجی،
- پیشرفت ایران در شاخص جهانی نوآوری،
- فراگیر شدن رسانه‌های نوین.

جدول ۱۸. برنامه‌های عملیاتی، نهادهای مسئول و شاخص‌های مرتبط با راهبرد تقویت

دیپلماسی اقتصادی و بین‌المللی ورزش

ردیف	سرفصل برنامه عملیاتی	نهاد مسئول	شاخص‌های کلیدی عملکرد
۱	تعیین مصادیق دیپلماسی اقتصادی و بین‌المللی ورزش کشور (مانند میزبانی‌ها، اردوهای مشترک و اعزام‌های بین‌المللی)	دبیرخانه اقتصاد مقاومتی در ورزش	- تعداد حوزه‌های شناسایی شده برای توسعه دیپلماسی اقتصادی و بین‌المللی ورزش ایران، - تعداد کشورهای طرف همکاری
۲	شناخت ظرفیت‌های اقتصادی - بین‌المللی منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی در ورزش	دبیرخانه اقتصاد مقاومتی در ورزش	- تناسبات ورزشی بین‌المللی، - تعداد فعالیت‌های مشترک بین‌المللی با کشورهای هدف،
۳	هدفگذاری مؤثر به منظور ایجاد تعاملات متقابل اقتصادی - بین‌المللی ورزشی	وزارت ورزش و جوانان	- تعداد گردشگرهای ورزشی جذب شده به ایران.

مأخذ: همان.

همان‌گونه که ملاحظه شد مطالعه حاضر با هدف ارائه نقشه راه تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ورزش انجام و ۶ حوزه کلیدی عملکرد و پانزده راهبرد به صورت اولویت‌بندی شده برای تحقق این سیاست‌ها ارائه شد. بنابراین پیشنهاد می‌شود سازمان‌های متولی ورزش ایران در تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی و همچنین در تخصیص منابع سازمانی به ۶ حوزه فوق به ترتیب اولویت توجه کنند. راهبردهای پانزده‌گانه ارائه شده نیز می‌توانند ارتباط قوی، متوسط یا ضعیفی با هر کدام از حوزه‌های کلیدی عملکرد داشته باشند. برخی راهبردها در چندین حیطه کلیدی عملکرد ارتباط قوی یا متوسطی داشتند. همچنین برای هر یک از راهبردهای پانزده‌گانه سرفصل برنامه‌های عملیاتی تعیین و مشخص شد که هر کدام را چه نهاد یا نهادهایی باید اجرا کنند. یک

موضوع بسیار مهم در برنامه‌ریزی این است که همزمان شاخص‌های ارزیابی برنامه‌ها نیز تدوین شوند. به همین منظور برای هر یک از راهبردهای تدوین شده شاخص‌های کلیدی عملکرد ارائه شده است. در مجموع سازمان‌های متولی ورزش ایران می‌توانند با استفاده از شاخص‌های کلیدی عملکرد تعیین شده در این مطالعه میزان نیل به اهداف خود در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را بررسی کنند.

منابع و مآخذ

۱. ابونوری، اسمعیل و حسن لاجوردی (۱۳۹۵). «برآورد شاخص ترکیبی تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی: بررسی موردی کشورهای عضو اوپک»، فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی، ۲(۵).
۲. استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. اصغری، صالح، فائزه فتوحی، طاهره فخارمنش و ایرج اصغری (۱۳۹۳). «ایجاد سامانه‌های بازدید مجازی راهکاری در جهت جذب گردشگر خارجی و توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۴. آرین‌فر، مسعود و ابوالفضل سلیمانی (۱۳۹۳). «الگوی اقتصاد مقاومتی در آرای مقام معظم رهبری (مدل مفهومی)»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۵. آقازاده، هاشم (۱۳۸۱). «طراحی و تبیین مدل برنامه‌ریزی استراتژیک برای صنایع کوچک و مقایسه تطبیقی با صنایع بزرگ»، پایان‌نامه انتشار نیافته کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۶. سکاران، اوما (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در مدیریت، ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی، چاپ سوم، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۷. پورحانمی، زهرا (۱۳۹۳). «نقش زنان و خانواده‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۸. پیمان‌فر، محمد حسن، علیرضا الهی و مهرزاد حمیدی (۱۳۹۳). «موانع زیربنایی نظام ورزش کشور در اجرای برنامه‌های راهبردی»، راهبرد اجتماعی-فرهنگی، ۱(۳).
۹. --- (۱۳۹۴). «چرا استراتژی‌ها در عمل با شکست مواجه می‌شوند؟ مطالعه‌ای کیفی در نظام ورزش ایران»، نشریه مطالعات مدیریت ورزشی، ۶(۲۳).
۱۰. تابش، سیدمحمد (۱۳۹۳). «نقش پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد و کارآفرینی در تحقیق اقتصاد مقاومتی»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۱. تیرگری سراجی، محمد، رضاهزاره و امیرحسن حسینی (۱۳۹۳). «تأکید بر نقش توسعه‌روستایی در تحقق اهداف اقتصادمقاومتی با رویکرد ساختارخوشه‌های روستایی»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۲. جوانی، وجیهه (۱۳۹۷). «تبیین ارکان پیاده‌سازی اقتصادمقاومتی در صنعت ورزش»، مدیریت ورزشی، دوره ۱۰، شماره ۳.

۱۳. جهانگیر، کیامرث، ولی رستمی و بهالدین تازی (۱۳۹۹). «الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی در مرحله قانونگذاری» با تأکید بر اصل (۴۴) قانون اساسی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۵۰، ش ۴.
۱۴. حاجی حیدری، وحید و رسول نظری (۱۳۹۹). «ارائه مدل اقتصاد مقاومتی ورزش ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال ۹، ش ۳.
۱۵. حاجی حیدری، وحید، رسول نظری و ایمان باستانی فر (۱۳۹۹). «نهادینه‌سازی اقتصاد مقاومتی در ورزش ایران»، فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، سال ۹، ش ۱.
۱۶. خانی‌پور، مرتضی و مرتضی میرقادری (۱۳۹۳). «جایگاه باستان‌شناسی در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۷. خزایی، هنری و شهلائی باقری (۱۳۹۷). «شناسایی چالش‌های پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در صنعت ورزش کشور»، مطالعات مدیریت ورزشی، ش ۴۷.
۱۸. داوودی، پرویز و فاطمه‌السادات جعفریه (۱۳۹۳). «نگرشی نهادی بر ساختارسازی قدرت در عرصه داخلی برای نیل به اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال ۱۹، ش ۳.
۱۹. راجی‌فروشانی، حسین (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر برون‌سپاری بر بهبود فعالیت‌های سازمانی در شهرداری مناطق اصفهان»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۲۰. رضایی، صادق، ابوالفضل فراهانی، علی اصغر درودیان و علی محمد صفانیا (۱۳۹۹). «طراحی مدل توسعه فضای ورزشی شهر تهران با رویکرد اقتصاد مقاومتی»، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال ۹، ش ۳ (پیاپی ۳۵).
۲۱. رفیعیان، مجتبی، محمدرضا رضایی، علی عسگری، اکبر پرهیزکار و سیاوش شایان (۱۳۹۰). «تبیین مفهومی تاب‌آوری و شاخص‌سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع محور (CBDM)»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۵ (۴).
۲۲. زارعیان، حسین، محمد حسین قربانی و فهیمه میرزایی (۱۳۹۷). «راهکارهای عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی در ورزش مدارس ایران»، پژوهش در ورزش تربیتی، ش ۱۴.
۲۳. سادات حسینی، سیدکمال و محسن منوچهری نژاد (۱۳۹۳). «بررسی ارتباط بین سبک زندگی سلامت محور، پیشرفت اقتصادی و توسعه پایدار»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۲۴. سیاست‌های کلی تحقق اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲/۱۱/۲۹). ابلاغی توسط مقام معظم رهبری، قابل دسترس:

۲۵. سعدآبادی، علی اصغر، زهره رحیمی راد و کیارش فرتاش (۱۳۹۹). «طراحی و تبیین مدل پایش ضدشکنندگی اقتصادی برای نیل به اقتصاد مقاومتی»، *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، سال ۳، ش ۲.
۲۶. سیف، اله مراد (۱۳۹۱). «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، فصلنامه علمی پژوهشی *آفاق امنیت*، سال ۵، ش ۱۶.
۲۷. --- (۱۳۹۲). «مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه *مطالعات راهبردی بسیج*، سال ۱۶، ش ۶۱.
۲۸. عباس‌آباد عربی، احسان، مرضیه بابائیان پور و رکسانا فکری (۱۳۹۳). «مدل مفهومی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر الگوی چابکی سازمان‌ها»، فصلنامه *راهبرد*، سال ۲۳، ش ۷۱.
۲۹. غیاثوند، ابوالفضل، الدار صداقت پرست، سمیرا غلامرضا و محسن ثنائی‌ا قدم (۱۳۹۲). «درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب‌آوری ملی»، *دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، شماره مسلسل ۱۳۵۸۲.
۳۰. فتحی، رستم و رضا یگانه (۱۳۹۳). «فرهنگ، توسعه اقتصادی و راهکارهایی برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی خانواده‌محور در روستاها و شهرهای کوچک (مطالعه موردی: بخش کلات مورموری، شهرستان آبدانان، استان ایلام)»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۳۱. فخاری، حسین، داوود سلیمانی و محمدرضا دارایی (۱۳۹۲). «بررسی اثرات تحریم‌های اقتصادی بر عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان کشور»، *سیاست علم و فناوری*، ۵ (۳).
۳۲. فرزندی اردکانی، عباسعلی و میثم یوسفی (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و راهبردها»، فصلنامه *پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی*، دوره ۱، ش ۱.
۳۳. فشاری، مجید و جواد پورغفار (۱۳۹۳). «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران»، *مجله اقتصادی*، ش ۵ و ۶.
۳۴. قاسمی، علی و سیدمحمدکاظم رجایی رامشه (۱۳۹۹). «مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی»، معرفت، سال ۲۹، ش ۵ (پیاپی ۲۷۲).
۳۵. قلیچ، وهاب و رسول خوانساری (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی»، *مجله یادداشت‌های سیاستی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*، قابل دسترسی:

۳۶. کیانی قلعه‌سرد، سروش، محمدرضا ارسلان‌بد و پریان کیانی (۱۳۹۳). «بررسی نقش و جایگاه گردشگری در رشد اقتصادی ایران»، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۳۷. ملکی، محمدحسن، محمدعلی احمدی شاپورآبادی و محمدرضا فتوحی (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی برنامه‌های اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۸، ش ۲.
۳۸. میرمعزی، سیدحسن (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن»، فصلنامه *اقتصاد اسلامی*، سال ۱۲، ش ۴۷.
۳۹. نصورگزنی، موسی (۱۳۹۹). «اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار»، دومانامه علمی - تخصصی *مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه*، سال ۵، ش ۴ (پیاپی ۲۴).
۴۰. نعیمی مجد، محبوبه و آرزو نعیمی مجد (۱۳۹۸). «آینده‌پژوهی گردشگری پایدار، رهیافتی نو در اقتصاد مقاومتی (مورد مطالعه: کارشناسان صنعت گردشگری و هتلداری)»، فصلنامه *آینده‌پژوهی مدیریت*، سال ۳۰، ش ۱۱۶.
۴۱. هنری، حبیب و علی خزایی (۱۳۹۹). «کاوش موانع اجرایی اقتصاد مقاومتی در توسعه ورزش کشور»، *مدیریت ورزشی*، دوره ۱۲، ش ۱.

42. Angeon, V and S. Bates (2015). "Reviewing Composite Vulnerability and Resilience Indexes: A Sustainable Approach and Application", *World Development*, 72.
43. Bates, S., V. Angeon and A. Ainouche (2014). "The Pentagon of Vulnerability and Resilience: A Methodological Proposal in Development Economics by Using Graph Theory", *Economic Modelling*, 42.
44. Boorman, J., J. Fajgenbaum, H. Ferhani, M. Bhaskaran, D. Arnold and H. A. Kohli (2013). "The Centennial Resilience Index: Measuring Countries' Resilience to Shock", *Global Journal of Emerging Market Economies*, 5(2).
45. Kaplan, R. S. and A. Mikes (2012). "Managing Risks: a New Framework", *Harvard Business Review*, 90(6).
46. Oxford University (2005). "Interviewing in Qualitative Research", Available Online in Oxford University, www.oup.co.uk/pdf/0-19-874204-5chap15.pdf.
47. Patzelt, H. and D. A. Shepherd (2009). "Strategic Entrepreneurship at Universities: Academic Entrepreneurs' Assessment of Policy Programs", *Entrepreneurship Theory and Practice*, 33(1).

طراحی مدل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری

حسین بختیاری*، علی صالح‌نیا** و وحید سیفی***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۳۰۵-۳۳۶
-------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

فساد اقتصادی همواره از جمله آسیب‌های مخرب بر پیکره حکومت‌ها و دولت‌ها بوده و این نقطه ضعف اساسی، ضمن ایجاد ناامیدی در مردم به ایجاد شکاف بین ملت و دولت منجر شده و تأثیر مستقیم بر متغیرهای امنیت ملی پایدار می‌گذارد؛ به طوری که می‌توان آن را از مهمترین تهدیدات امنیتی هر کشور محسوب کرد. با توجه به شرایط کنونی اقتصاد کشور و نیاز جدی به برنامه ریزی عملیاتی برای مقابله با فساد اقتصادی، لازم است تا با شناسایی مبنایی عوامل شکل‌گیری فساد اقتصادی و سطح بندی این عوامل، گام‌های عملی مؤثری برای مبارزه با فساد اقتصادی برداشته شود.

در مقاله حاضر که حاصل یک پژوهش عملیاتی و راهبردی در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی و سطح بندی آنهاست؛ ابتدا به شناسایی عوامل فساد اقتصادی می‌پردازیم و سپس با توجه به مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تکمیل پرسشنامه توسط دوازده نفر از خبرگان علمی و اجرایی و با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری که یکی از پرکاربردترین روش‌های تحقیق در عملیات نرم است؛ به سطح بندی و مدل‌سازی این عوامل پرداخته‌ایم تا سیاست‌گذاران و مدیران جمهوری اسلامی ایران را در مبارزه با فساد اقتصادی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران یاری رسانیم. نتایج حاصل از مدل‌سازی با رویکرد ساختاری - تفسیری نشان می‌دهد مؤلفه‌های «بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور»، «ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی»، «امتیازهای انحصاری در اقتصاد» و «نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت» در قسمت معیارهای مستقل قرار دارند که کلیدی‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران هستند.

کلیدواژه‌ها: فساد؛ فساد اقتصادی؛ مدل‌سازی؛ مدل تفسیری - ساختاری

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)؛ Email: h.bakhtiari@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)؛

Email: salehnia.isu@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)؛

Email: vahidseyfi15@yahoo.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4407.4339

مقدمه

فساد اقتصادی یکی از مهمترین چالش‌های حکومت‌ها در تمامی کشورها بوده است. به این صورت که فساد اقتصادی در کشورها باعث سلب اعتماد عمومی جامعه به حکومت‌ها، کاهش سرمایه اجتماعی و کاهش اقتدار حکومت می‌شود. همواره حکومت‌ها در جهت کاهش فساد اقتصادی تلاش کرده‌اند تا جامعه را در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ثبات و آرامش قرار دهند که از ملزومات اساسی این امر، کنترل و پیشگیری از بروز فسادهای اقتصادی است. اکثر مطالعاتی که در این زمینه انجام شده؛ تبیین مسئله به صورت نگاه خُرد و جزئی با عنوان فساد اقتصادی در یک مسئله خاص بوده است، درحالی‌که در رویکرد کلان‌نگر می‌توان همه ابعاد و عوامل ایجادکننده فساد اقتصادی را بررسی کرد و مورد ارزیابی قرار داد تا راهکارها و الگوی مبارزه با فساد اقتصادی را با نگاهی راهبردی تر به دست آورد.

از جمله موانع جدی که در راه پیشرفت اقتصادی و جهش تولید کشور می‌تواند وجود داشته باشد؛ وجود مفاصد اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور است. بنابراین باید با شناخت عوامل ایجادکننده فساد اقتصادی در کشور، راهکارهای مقابله با آن عوامل را استخراج و عملی کرد تا مسیر همواری برای پیشرفت اقتصادی کشور ایجاد شود و بتوان ثبات و دوام این رشد اقتصادی را فراهم آورد.

فساد پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که اشکال، عوامل و کارکردهای متنوعی در زمینه‌های مختلف دارد. پدیده فساد از یک عمل کوچک خلاف قانون تا عملکردهای نادرست در یک نظام سیاسی و اقتصادی در سطح ملی را شامل می‌شود و تعاریف «سوءاستفاده از قدرت عمومی» و «فساد اخلاقی» تا تعریف‌های قانونی خاص فساد با عنوان «رشوه‌خواری» یا «مبادله منابع محسوس» را در برمی‌گیرد (Jens, Odd-Helge and Amundsen, 2000).

فساد اقتصادی از مهمترین عوامل بازدارنده رشد اقتصادی و ناپایداری سیاسی به ویژه در کشورهای در حال توسعه است (Glenn, 2010). فساد اقتصادی در صورت استمرار و عدم کنترل آن موجبات تأثیرگذاری منفی بر رشد بلندمدت اقتصادی را فراهم می‌آورد. در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی عوامل فساد اقتصادی با یک نگاه کلان

و جامع، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در کشور را بررسی و سپس با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری^۱ که از جمله پرکاربردترین روش‌های تحقیق در عملیات نرم است، شبکه روابط میان آنها را مشخص کنیم. بنابراین سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. عوامل اصلی مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در ایران کدام‌اند؟

۲. شبکه روابط عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی چگونه است؟

به نظر می‌رسد نتیجه این پژوهش می‌تواند کمک شایانی به اتخاذ راهکارهای مناسب برای مقابله با بروز مفاسد اقتصادی در کشور داشته باشد و مسیر هموار و باثبات‌تری را برای رشد اقتصادی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران فراهم کند.

۱. مبانی نظری

۱-۱. پیشینه پژوهش

در موضوع فساد اقتصادی پژوهش‌هایی در ابعاد مختلف انجام شده است که بیشتر متمرکز بر ابعاد اقتصادی و یا حقوقی بوده‌اند؛ به ویژه تحقیقاتی که رابطه بین فساد اقتصادی و رشد اقتصادی را بررسی می‌کند. تقوی و همکاران به «بررسی رابطه بین فساد اداری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اپک» پرداخته و با استفاده از روش‌شناسی کمی و تحلیل علی روابط بین متغیرها را بررسی و معناداری رابطه را نتیجه گرفتند (تقوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸). در مقاله دیگری نیز با استفاده از روش آماری تحلیل مؤلفه‌های اصلی، اجزای فساد مالی مبتنی بر متغیرهای کلان اقتصادی احصا و سپس تأثیرات آن بر رشد اقتصادی بررسی شده است (برومند، ۱۳۸۷: ۱۱۹). صباحی و ملک‌الساداتی در پژوهش دیگری با عنوان «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی» با استفاده از شاخص کنترل فساد تهیه شده توسط مؤسسه بانک جهانی، تأثیر فساد مالی بر رشد اقتصادی را در سه گروه کشورهای پردرآمد، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای کم‌درآمد در قالب یک مدل اقتصادسنجی و با بهره‌گیری از

تکنیک داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند (صباحی و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). استفاده از داده‌های تابلویی و مدل‌های اقتصادسنجی نیز در تحقیقات مختلف به کار گرفته شده است. به عنوان نمونه کریمی پتانلر، بابازاده و حمیدی با استفاده از دو شاخص درک فساد و کنترل فساد به بررسی اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت در کشورهای منتخب در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۰ پرداخته‌اند (کریمی پتانلر، بابازاده و حمیدی، ۱۳۹۱: ۱۵۴). رویکرد نهادی در اقتصاد و به تبع آن احصای نهادها که مؤلفه‌هایی از امنیت اقتصادی را نیز دربرگرفته و شاخص‌هایی از فساد مالی و ضعف در قراردادهای و آزادی اقتصادی را نیز مورد توجه قرار داده، مدنظر بوده است (پاداش، حسن پور و خسروی، ۱۳۹۰: ۲۰۶). ارتباط بین آزادی اقتصادی و فساد مالی و استفاده از داده‌های مؤسسه بین‌المللی شفافیت برای انجام تحلیل‌های آماری آزمون فرضیات معناداری ارتباط بین متغیرها نیز مورد توجه برخی محققان بوده است (صامتی، شهنازی و دهقان شبانی، ۱۳۸۵: ۹۸).

بررسی‌های حقوقی فساد اقتصادی نیز پژوهش‌های دیگر این حوزه را تشکیل می‌دهند که کثرت آن بعد از بررسی‌های اقتصادی در رتبه دوم قرار دارد. در مقاله‌ای مهرانگیز روستایی به بُعد حقوقی و جرم‌انگاری فساد اقتصادی پرداخته و با احصای مفاهیم و مصادیق جرم اقتصادی به خسارات ناشی از جرائم اقتصادی به ارزیابی مداخله کیفری و ضرورت بازنگری در قوانین جاری کشور در این حوزه پرداخته است (روستایی، ۱۳۸۸: ۲۸). عباسی نیز در رساله دکترای خود به یکی از مصادیق مفاسد اقتصادی یعنی پولشویی و اقداماتی که در مجامع و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با آن شده پرداخته است و ضمن واکاوی پولشویی به عنوان یک پدیده نوظهور حقوقی و اقتصادی با نگاه حقوقی به ارتباط این جرم با سایر جرائم پرداخته و رویکرد نظام حقوقی ایران را نیز در این موضوع بررسی کرده است (عباسی، ۱۳۸۵: ۲). داد‌خدایی نیز ضمن مرور تاریخچه جرم اقتصادی و تحولات آن به تفاوت جرم اقتصادی با جرائم علیه اموال پرداخته و جرائم اقتصادی را به عنوان جرائم نوظهور مرتبط با عصر فناوری اطلاعات و توسعه مراودات اقتصادی دنیای فعلی دانسته است (داد‌خدایی، ۱۳۸۹: ۵۰).

بررسی‌های مدیریتی و سازمانی نیز در حوزه فساد مالی مطرح نظر بوده و مواردی

از قبیل دیوان‌سالاری یا بروکراسی و فرایندهای سازمانی پیچیده در مقالات مورد توجه بوده است. در رساله دکترای عظیمی، عطارفر و شائمی بزرگی در بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مدیریتی و سازمانی بر فساد اداری - مالی، متغیرهای ضعف سیستم نظارت و کنترل، ضعف ارتباطات، ضعف مدیران در وظایف رهبری، بسیج منابع و سازماندهی و ضعف عوامل ساختاری، مهمترین شاخص‌های مدیریتی مؤثر بر فساد اداری - مالی شناسایی شده‌اند (عظیمی، عطارفر و شائمی بزرگی، ۱۳۹۰: ۶۱). مقابله با فساد در نظام حکمرانی اسلامی نیز مورد توجه بوده است و در پژوهش‌هایی سیره معصومین (ع) به عنوان الگوی مناسب و مطلوب برای برنامه‌ریزی و اقدام در راستای اولویت‌بخشی، کنترل و یا کاهش جرائم اقتصادی در کشور معرفی شده است که در نتیجه آن اقدامات پیشگیرانه، تأسیس نهادهای نظارتی، اتکا به گزارش‌های مردمی و در نهایت استفاده از ابزارهای سرکوبگرانه در اولویت قرار گرفته‌اند (سرکشیکیان، ۱۳۸۸: ۵۶). کریمی گلنار و عزتی نیز در مقاله‌ای با عنوان «طراحی شاخص بومی برای اندازه‌گیری فساد اقتصادی» به تدوین شاخص‌های اندازه‌گیری فساد اقتصادی مبتنی بر ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی - اسلامی پرداخته‌اند (کریمی گلنار و عزتی، ۱۳۹۳: ۵۷).

در حوزه ارتباط بین فساد مالی و امنیت ملی نیز عمدتاً موضوع به سمت امنیت اقتصادی رفته و مسائلی همچون مصادیق مفسد کلان اقتصادی، تیپ‌شناسی مجرمان اقتصادی و کارکردهای مخرب ناامنی اقتصادی بر جامعه بررسی شده است. به این معنا که عدم دستیابی به سطح مطلوب شاخص‌های رفاهی به ایجاد نارضایتی‌های عمومی منجر شده و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد (زمانی، ۱۳۸۸: ۴۵). در این باره بررسی نظریات مربوط به امنیت ملی پایدار همچون مؤلفه‌های توسعه اجتماعی مغفول است.

مقاله دیگری با تفکیک متغیرهای اقتصادی در سه دوره کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تأثیرپذیری متغیرهای رشد اقتصادی از فساد مالی را بررسی است. نتایج تحلیل آماری داده‌ها نشان از بی‌معنا بودن اثر در کوتاه‌مدت و معنادار بودن در میان‌مدت و بلندمدت دارد (2: Nobuo, Horiuchi and Sakata, 2005). استفاده از تحلیل‌های عامل بنیان و مدل‌سازی ریاضی متغیرهای فساد مالی و تأثیرات آن بر اقتصاد و بازار نیز

بررسی شده است (Blackburn and Powell, 2011: 225; Toke, 2003: 642; Everhart, 2009: 1579). بررسی تأثیرات فساد در بانکداری و تأمین مالی و سرمایه‌گذاری نیز مورد توجه قرار گرفته که ناظر بر تأمین مالی پروژه‌های فاقد توجیه‌پذیری توسط بانک‌هاست (Park, 2012: 907). مالیات و فعالیت‌های اقتصادی سیاه و اقتصاد زیرزمینی که به اقتصاد در سایه نیز تعبیر شده است و فساد در بخش‌های مختلف سازمانی و شرکت از جمله اقدامات منتج به فرار مالیات را شامل می‌شود نیز پژوهش‌هایی را به خود اختصاص داده است (Stavros, 2006; Jay and Marcel, 2002; Schneider, 2006).

۱-۲. مفهوم فساد اقتصادی

سوءاستفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی، فساد تلقی می‌شود. فساد تجلی نوعی رفتار در مقامات دولتی است که به‌طور نادرست و غیرقانونی با سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع خود و نزدیکان انجام می‌شود. به‌عبارت‌دیگر فساد مالی به رفتاری اطلاق می‌شود که فرد برای تحقق منافع خصوصی خود و دستیابی به رفاه بیشتر یا موقعیت بهتر، خارج از چارچوب رسمی وظایف تعریف شده در شغل دولتی عمل می‌کند (کیانی و پورعزت، ۱۳۹۲: ۲۵).

تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد عبارت است از: سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی. برای مثال پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۷: ۳۵).

بهترین و ساده‌ترین تعریف برای فساد مالی سوءاستفاده از قدرت و اختیارهای دولتی به منظور تأمین منافع شخصی است که بانک جهانی ارائه کرده است. در مواردی از فعالیت‌های بخش خصوصی که دولت آنها را تنظیم می‌کند نیز فساد مالی وجود دارد. در بسیاری از موارد افراد متخلف فقط با تأمین منافع شخصی از قدرت و اختیارهای دولتی سوءاستفاده نمی‌کنند بلکه هدف آنها تأمین منافع حزبی، طبقه اجتماعی، طایفه‌های قبیله‌ای و خانوادگی و ... است (شلالوند، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

موضوع فساد و جرم اقتصادی در متون مختلف به شکل‌های متنوعی مورد بررسی قرار

گرفته و اغلب از آن به عنوان فساد و جرم مالی یاد شده و آن را مترادف با این واژه می‌دانند. تفاوت جرم با فساد از آنجا نشئت می‌گیرد که برای جرم، قانون مجازات تعیین کرده است ولی معیار اثبات فساد وجود مجازات قانونی نیست؛ بلکه ملاک تعریف فساد، انحراف از اخلاق و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی است. به این ترتیب چون مفاسد و جرائم اقتصادی به واسطه رفتارهای متقلبانه و تبانی کارکنان دولتی به وقوع می‌پیوندد، برخی پژوهشگران را واداشته تا آن را در چارچوب فساد اداری ارزیابی کنند (اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۵۵).

فساد اقتصادی در یک نوع تقسیم‌بندی به ۹ حوزه قراردادهای اقتصادی، ارائه تسهیلات و وام‌های بانکی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، خریدهای کالا و خدمات، قاچاق کالا و ارز، پولشویی، خیانت در امانت‌های مالی، اعمال نفوذ اشخاص صاحب‌مناصب، زمین‌خواری، سوءاستفاده در برون‌سپاری و هرگونه مقاطعه‌کاری‌ها که به اشکال مختلف همچون اخذ رشوه، پورسانت، تبانی با طرف‌های قرارداد اعم از پیمانکاران و مشاوران جهت تسریع در پرداخت صورت‌وضعیت‌ها و یا برهم زدن نوبت منطقی دریافت مطالبات، تبانی با فروشندگان کالا یا خدمات و جعل اسناد و یا تهیه اسناد صوری، دریافت تسهیلات من‌غیروجه و عدم پرداخت اقساط در سررسید که به تبع آن افزایش مطالبات بانکی را به دنبال دارد (دادگر، ۱۳۸۲: ۹۹).

فساد رذیلتی است که باعث ایجاد مشکلات بی‌شماری در کشور می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که اعتماد شهروندان به حاکمیت را تضعیف می‌کند، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد، مانع سرمایه‌گذاری می‌شود و بی‌ثباتی سیاسی ایجاد می‌کند، اثربخشی سه قوه مقننه، مجریه و قضایی را تضعیف می‌کند. بنابراین برخورد با این مشکل اجتماعی ضروری است. روش‌های مختلفی مانند اجرای کارآمد قانون، مدیریت مالی کارآمد، شفافیت بالا و دسترسی به اطلاعات، پاسخگویی دولت و سیستم مالی بین‌المللی برای مقابله با فساد وجود دارد. در این میان نقش دولت الکترونیک به صورت استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و اینترنت برای افزایش دسترسی به اطلاعات و ارائه همه‌جانبه خدمات دولتی به نفع شهروندان در مبارزه با فساد اهمیت ویژه‌ای دارد (1: Arayankalam, Khan and Krishnan, 2020).

دونظریه در مورد اثرگذاری فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی مطرح است (Gründler and Potrafka, 2019: 2).

نظریه اول با اصطلاح «روانکاری چرخ‌های اقتصادی»^۱ شناخته می‌شود و بیانگر رابطه مثبت بین فساد اقتصادی و رشد اقتصادی است. در این نظریه فساد، مقررات ناکارآمد اقتصادی را دور می‌زند و باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. زمانی که مقررات روی شروع فعالیت‌های اقتصادی سخت‌گیرانه و شدید است، کارآفرینان و بنگاه‌های اقتصادی با تطمیع سیاستمداران و نظام اداری موجب ایجاد فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند. اما نظریه دوم که طرفداران زیادی دارد؛ نظریه «سنگ لای چرخ‌های اقتصادی»^۲ است. این نظریه بیان می‌کند که فساد اقتصادی موجب کاهش رشد اقتصادی، کاهش بهره‌وری در تولید و جلوگیری از نوآوری می‌شود. شواهد تجربی نشان می‌دهد که فساد اقتصادی در کشورهایی که نرخ سرمایه‌گذاری پایین و حاکمیت با کیفیت پایینی دارند موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

همواره رابطه بین فساد اقتصادی و رشد اقتصادی محل بحث پژوهشگران اقتصادی بوده است و بسیاری از مطالعات با استفاده از شواهد تجربی به آثار زیانبار فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی دست یافته‌اند (Alfada, 2019: 2). به عنوان مثال مئون و ویل در مقاله خود با عنوان «آیا فساد اقتصادی موجب تأیید نظریه روانکاری چرخ‌های اقتصادی می‌شود؟» به این نتیجه رسیدند که در کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای ساختارهای نهادی ضعیف هستند، فساد اقتصادی آسیب کمتری را به بهره‌وری اقتصادی می‌رساند و حتی در کشورهایی که دارای نهادهای خیلی ضعیف هستند؛ فساد اقتصادی و رشد اقتصادی می‌توانند رابطه مثبتی داشته باشند (Meon and Weill, 2010).

ارم و حسین نیز در سال ۲۰۱۹ در مقاله‌ای با عنوان «فساد، منابع طبیعی و رشد اقتصادی: شواهدی از کشورهای عضو اتحادیه سازمان اسلامی» به بررسی تأثیر فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی پرداختند. نتایج مقاله آنان حاکی از آن است که فساد اقتصادی مانع رشد اقتصادی می‌شود و رابطه مهم و معنادار منفی بین فساد اقتصادی و رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان اسلامی وجود دارد (Erum and Hussain, 2019).

پژوهش‌هایی که درباره فساد اقتصادی انجام شده است، عمدتاً متمرکز بر موضوع فساد

1. Grease the Wheels

2. Sand the Wheels

اداری هستند و درصد تبیین مفاسد اداری برآمده‌اند و از بیان علت‌های فساد اقتصادی به صورت مشخص چشم‌پوشی کرده‌اند. در تحقیق حاضر پس از بررسی مفاهیم فساد اقتصادی به دنبال تبیین علت این موضوع برآمده‌ایم تا علل فساد اقتصادی را در سلسله‌مراتب مختلف، با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری و براساس نظرهای نخبگان مسئله فساد اقتصادی کشور را به صورت روابط علی - معلولی تبیین کنیم.

۲. روش تحقیق

در پژوهش حاضر مباحث نظری از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به مقالات فارسی و لاتین در موضوع اقتصاد و فساد اقتصادی جمع‌آوری شده است. همچنین به منظور احصای عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی از داده‌های مکتوب و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان استفاده شده است. در گام اول از این مصاحبه‌ها ۵۳ مانع احصا شد که با استفاده از روش دلفی به بیست مانع نهایی رسیدیم.

از آنجاکه در این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران مدنظر است؛ باید به صورت جامع به بررسی پیچیدگی‌های این عوامل پرداخت. بنابراین در این پژوهش سعی شده ضمن استفاده از پژوهش‌های انجام شده و استفاده از روش دلفی^۱ به ارزیابی عوامل به دست آمده و احصای عوامل نهایی پرداخته شود و عوامل شکل‌گیری فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به دست بیاید که ورودی روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری قرار گرفت. عوامل به دست آمده عبارتند از:

۱. روش دلفی (Delphi Method) روش یا تکنیک ارتباطی ساختمان است که در اصل به منظور پیشگویی سامانمند و تعاملی با تکیه برهم‌اندیشی خبرگان ابداع شده و توسعه پیدا کرده است. این روش که در آینده پژوهی استفاده می‌شود عمدتاً اهدافی چون کشف ایده‌های نوآورانه و قابل اطمینان یا تهیه اطلاعاتی مناسب به منظور تصمیم‌گیری را دنبال می‌کند. روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است که از طریق توزیع پرسشنامه‌هایی در بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرهای دریافتی انجام می‌شود. تکنیک دلفی برای «شناسایی» و «غربال» از مهمترین شاخص‌های تصمیم‌گیری است. بنابراین بااینکه روش دلفی یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره نیست؛ اما در بسیاری موارد قبل از به‌کارگیری تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره از این روش برای غربال شاخص‌ها یا رسیدن به یک توافق در زمینه اهمیت شاخص‌های تصمیم‌گیری استفاده می‌شود.

جدول ۱. عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی در ایران

ردیف	عوامل
۱	چندشغله بودن مدیران
۲	خویشاوندپروری
۳	ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد
۴	ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی
۵	ترویج فرهنگ راحت طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد
۶	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور
۱۱	نبود شفافیت اقتصادی
۱۲	عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی
۱۳	محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی
۱۴	نبود فرهنگ پاسخ‌گویی
۱۵	پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین
۱۶	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور
۱۷	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت
۲۰	خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

برای این کار ابتدا با هفت نفر از خبرگان اقتصادی با سابقه حداقل ۱۰ سال تحصیلات اقتصادی و بیشتر (اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاهی) در گرایش‌های مختلف اقتصادی با تسلط نسبی بر اقتصاد ایران با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی مصاحبه و سپس با شناسایی خبرگان جدید توسط خبرگان قبلی، مجموعه نفرات مصاحبه شده به دوازده نفر افزایش یافت. مصاحبه‌شوندگان اضافه شده مدیران سیاستگذاری در

بخش‌های مختلف اقتصادی بوده و با سازوکارهای عملیاتی فعالیت‌های اقتصادی مختلف آشنا بودند.

جدول ۲. خبرگان تکمیل‌کننده پرسشنامه

خبرگان	تحصیلات	جنسیت	مسئولیت
۱	دکتری	مرد	دانشیار
۲	دکتری	مرد	دانشیار
۳	دکتری	مرد	استادیار
۴	دکتری	زن	استادیار
۵	دکتری	مرد	پژوهشگر
۶	دانشجوی دکتری	مرد	پژوهشگر
۷	دانشجوی دکتری	زن	پژوهشگر
۸	دکتری	مرد	مدیر ارشد دولتی
۹	کارشناسی ارشد	مرد	مدیر ارشد دولتی
۱۰	کارشناسی ارشد	مرد	کارشناس دولتی
۱۱	کارشناسی ارشد	زن	مدیر بخش خصوصی
۱۲	کارشناسی	مرد	مدیر بخش خصوصی

مأخذ: همان.

مدل‌سازی ساختاری تفسیری یکی از روش‌های طراحی سیستم‌ها، به ویژه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است. مدل‌سازی ساختاری تفسیری، رویکردی است که با بهره‌گیری از ریاضیات، رایانه و مشارکت متخصصان به طراحی سیستم‌های بزرگ و پیچیده می‌پردازد. این رویکرد توسط وارفیلد که دانشمند علوم سیستمی دانشگاه جورج میسون بود، معرفی و توسعه داده شد. وارفیلد در دانشگاه باتل، ویرجینیا و جورج میسون بر روی تکنولوژی اجتماعی مدل‌سازی ساختاری - تفسیری و مدیریت تعاملی مطالعه می‌کرد (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲: ۲۵۷).

رویکرد مدل سازی ساختاری - تفسیری افراد و گروه‌ها را قادر می‌کند که روابط پیچیده بین تعداد زیادی از عناصر در یک موقعیت را ترسیم کنند و به عنوان ابزاری برای نظم بخشیدن و جهت دادن به پیچیدگی روابط بین متغیرها از آن استفاده کنند. در این بخش با تحلیل تأثیر یک عنصر بر عناصر دیگر، ترتیب و جهت روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم بررسی و به این ترتیب پیچیدگی بین عناصر مشخص می‌شود (رجب پور، ۱۳۹۴: ۷۷).

روش مدل سازی ساختاری - تفسیری یک فرایند یادگیری - تعاملی است که مجموعه‌ای از عناصر متفاوت در قالب یک مدل نظام مند جامع ساختاردهی می‌شوند. این روش گزینه مناسبی برای مقابله با موضوع‌های پیچیده به خصوص در زمان بهره‌گیری از تفکر نظام مند و منطقی است. به طور کلی روش مدل سازی ساختاری - تفسیری تکنیکی است که بررسی پیچیدگی‌های سیستم را امکان پذیر کرده و آن را به گونه‌ای سازمان دهی می‌کند که به سادگی قابل درک باشد. از مزایای این روش می‌توان به یکپارچگی در ترکیب نظرات خبرگان و قابلیت کاربرد آن در مطالعه سیستم‌های پیچیده و دارای اجزای متنوع اشاره کرد (غضنفری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶۹).

برای اجرای این روش باید خبرگان پرسشنامه مقایسه زوجی استاندارد مدل سازی ساختاری - تفسیری را تکمیل کنند. در این پرسشنامه ارتباط مفهومی بین عواملی که استخراج شده است را مورد سنجش قرار می‌دهیم. با استفاده از این پرسشنامه به مدل سازی ساختاری تفسیری می‌رسیم که فرایندی متعامل است و مجموعه‌ای از عناصر مختلف و مرتبط با یکدیگر در یک مدل نظام مند جامع ساختار بندی می‌شوند. همچنین روابط درونی بین متغیرها را تشخیص و تأثیر یک متغیر را بر سایر متغیرها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در این پرسشنامه چهار نوع نشانگر برای بیان ارتباط مفهومی بین عامل‌ها وجود دارند که به شرح زیر است:

نشانگر V: متغیر i به متغیر j کمک می‌کند.

نشانگر A: متغیر j متغیر i را بهبود می‌بخشد.

نشانگر X: هر دو متغیر i و j به هم کمک می‌کنند.

نشانگر O: متغیرها هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند.

جدول ۳. نمونه‌ای از پرسشنامه تهیه شده برای اجرای روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری

چندشغله بودن مدیران	۱	-	-
خویشاوندپروری	۲	-	-
ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد	۳	-	-
ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی	۴		
ترویج فرهنگ راحت طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرموند	۵		
محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی	۶		
بزرگ بودن اندازه بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	۷		
امتیازهای انحصاری در اقتصاد	۸		
نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت	۹		
بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۰		
نبود شفافیت اقتصادی	۱۱		
عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی	۱۲		
محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی	۱۳		
نبود فرهنگ پاسخ‌گویی	۱۴		
پهچیدگی فرایندهای اداری و قوانین	۱۵		
اقتصاد ریززمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور	۱۶		
ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	۱۷		
عدم الکترونیکی بودن تمامی عملیات دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	۱۸		
ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	۱۹		
خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی	۲۰		
ب.			
	i		
چندشغله بودن مدیران	۱		
خویشاوندپروری	۲		
ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد	۳		

مأخذ: همان.

در گام بعدی با تبدیل نمادهای روابط ماتریس خودتعاملی ساختاری^۱ به اعداد صفر و یک می‌توان به ماتریس دستیابی رسید. با پیروی از این قوانین، ماتریس دستیابی اولیه آماده می‌شود که به شرح زیر است (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲).

جدول ۴. قواعد ماتریس دستیابی

نماد مفهومی	i به j	j به i
V	۰	۱
A	۱	۰
X	۱	۱
O	۰	۰

مأخذ: همان.

به این ترتیب با توجه به قواعد جایگذاری صفر و یک به جای نمادها در هر سطر، عدد یک جایگزین v و x و عدد صفر جایگزین A و O در ماتریس خودتعاملی ساختاری می شود (همان). پس از اینکه ماتریس دستیابی اولیه به دست آمد، باید سازگاری درونی آن نیز برقرار شود. پس از تعیین روابط و سطح متغیرها می توان آنها را به شکل مدلی ترسیم کرد. از این رو ابتدا متغیرها برحسب سطح آنها به ترتیب از بالا به پایین تنظیم می شوند (همان). در مرحله بعدی با توجه به سطوح به دست آمده از متغیرها و ماتریس نهایی، یک مدل اولیه رسم می شود که از طریق حذف انتقال پذیری ها در مدل اولیه، مدل نهایی به دست می آید. روابط بین متغیرها و جهت پیکان از روی ماتریس نهایی مشخص می شود (Thakkar, Kanda and Deshmukh, 2011).

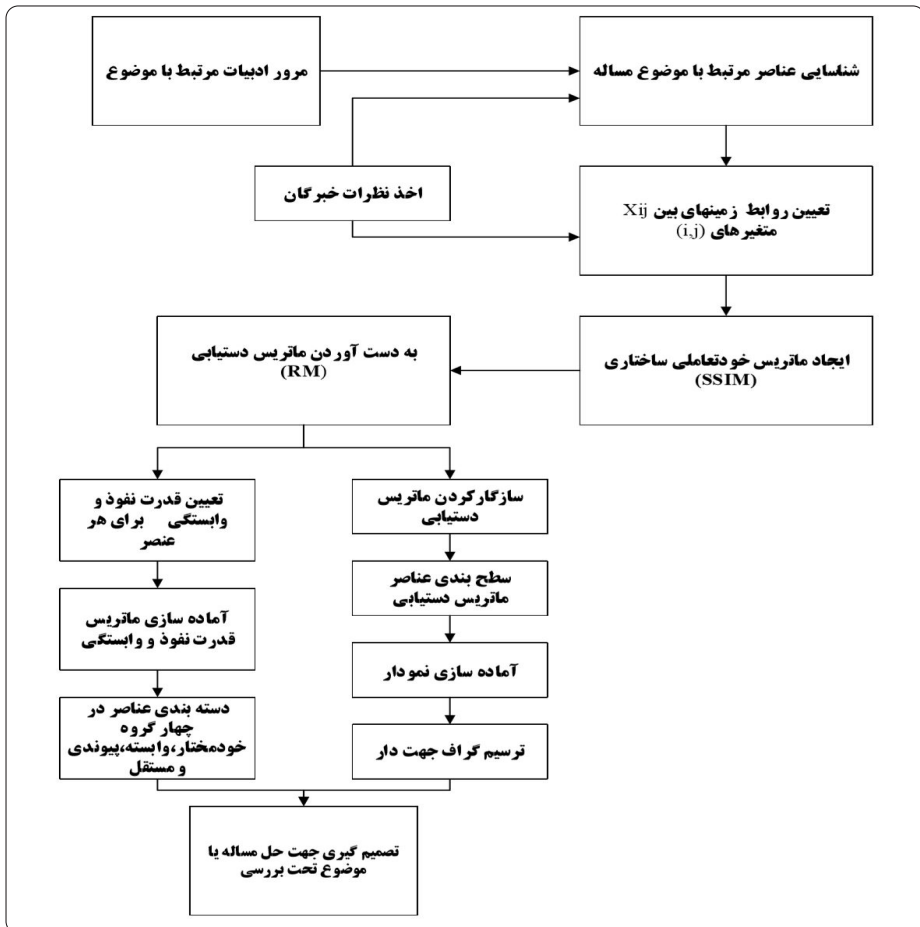
هنگامی که مدل نهایی تحقیق به دست آمد باید به تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی متغیرها پرداخته شود. متغیرها برحسب قدرت نفوذ و وابستگی به چهار گروه طبقه بندی می شوند:

- **متغیرهای خودگردان:** این متغیرها قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند و تا حدودی از سایر متغیرها مجزا بوده و ارتباطات کم و ضعیف با سیستم دارند (Agarwal, Shankar and Tiwari, 2006).
- **متغیرهای وابسته:** از قدرت نفوذ ضعیفی برخوردارند ولی وابستگی بالایی دارند (Ravi and Shankar, 2005).

- **متغیرهای متصلی (پیوندی):** قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارند و غیرایستا هستند، زیرا هر نوع تغییر در آنها می‌تواند سیستم را تحت تأثیر قرار دهد. بازخورد سیستم نیز می‌تواند این متغیرها را دوباره تغییر دهد. در واقع هرگونه عملی بر روی آنها به تغییر سایر متغیرها منجر می‌شود (Ibid.).

- **متغیرهای مستقل:** این متغیرها از قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی برخوردارند (Mandal and Deshumukh, 1994).

شکل ۱. مراحل اجرایی مدل ساختاری - تفسیری



۳. یافته‌های پژوهش

در ابتدا با توجه به نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌ها، وضعیت تعاملی موانع بایکدیگر مشخص می‌شود.

جدول ۵. وضعیت تعاملی مؤلفه‌های فساد اقتصادی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	چندشغله بودن مدیران
۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	خویشاوندپروری
۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	ترویج فرهنگ راحت طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد
۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی
۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)
۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	امتیازهای انحصاری در اقتصاد
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفرت
۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	نبود شفافیت اقتصادی
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	نبود فرهنگ پاسخ‌گویی
۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین
۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور
۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی
۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)
۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت
۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی

مأخذ: همان.

در گام بعدی به تعیین سطح و اولویت عوامل پرداخته شد. در این مرحله ماتریس دریافتی نهایی به سطوح مختلف دسته‌بندی شد. برای تعیین سطح متغیرها در مدل نهایی، به ازای هر کدام از آنها سه مجموعه خروجی، ورودی و مشترک تشکیل شد. مجموعه خروجی شامل خود متغیر و سایر متغیرهایی بود که از آن تأثیر می‌پذیرند. به طور مشابه، مجموعه ورودی شامل خود متغیر و سایر متغیرهایی بود که بر آن متغیر تأثیر داشتند. مجموعه مشترک نیز اشتراک دو مجموعه فوق بود. چنانچه مجموعه‌های خروجی و مشترک برای یک متغیر یکسان باشد آن متغیر در بالاترین سطح مدل قرار می‌گیرد. پس از تعیین سطح هر یک از متغیرها، متغیر مذکور کنار گذاشته شده و سطح‌بندی برای سایر متغیرها به همین ترتیب تا زمانی که تمامی آنها تعیین سطح شوند، تکرار شده است. در مرحله بعدی با توجه به نتایج به دست آمده و اعمال روش پژوهش به تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل‌سازی ساختاری - تفسیری می‌پردازیم.

جدول ۶. مرحله اول تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل‌سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۱	چندشغله بودن مدیران	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۲۰-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۲	خویشاوندپروری	۱۳-۵-۳-۲-۱	۱۸-۱۶-۷-۶-۳-۲	۳-۲	
۳	ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد	۲۰-۱۲-۴-۳-۲-۱	۱۹-۱۷-۱۵-۸-۳-۲	۳-۲	
۴	ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۱۲-۱۱-۷-۶-۵-۴-۳-۱ ۲۰-۱۹-۱۷-۱۴-۱۳	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۵	ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۵-۴-۲-۱ ۲۰-۱۷-۱۶-۱۴	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۶	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی	۱۲-۶-۴-۲-۱ ۲۰-۱۶-۱۵	۱۶-۱۵-۷-۶	۱۶-۱۵-۶	
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	۸-۷-۶-۴-۲-۱ ۱۹-۱۷-۱۶-۱۳-۹	۱۹-۱۸-۱۷-۷	۱۹-۱۷-۷	
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد	۱۲-۱۱-۹-۸-۳-۱ ۱۵-۱۳	۱۸-۹-۸-۷	۹-۸	
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت	۱۶-۱۴-۹-۸-۱	۹-۸-۷	۹-۸	
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۱-۱۰-۵-۱	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۱	نبود شفافیت اقتصادی	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۱۲-۱۱-۱۰-۸-۷-۵-۴-۱ ۲۰-۱۸-۱۷-۱۵-۱۴-۱۳	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۱۲	عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی	۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	۱۲-۱۱-۸-۶-۵-۴-۳-۱ ۲۰-۱۸-۱۴-۱۳	۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
۱۳	محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی	-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	-۱۲-۱۱-۸-۷-۵-۴-۲-۱ ۲۰-۱۶-۱۴-۱۳	-۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۱۴	نبود فرهنگ پاسخ‌گویی	-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۹-۵-۴-۱ ۲۰-۱۸-۱۷	-۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول
۱۵	پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین	۱۶-۱۵-۱۱-۶-۳	۱۹-۱۸-۱۶-۱۵-۸-۶	۱۶-۱۵-۶	
۱۶	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور	-۱۳-۶-۵-۲ ۱۶-۱۵	-۱۷-۱۶-۱۵-۹-۷-۶ ۱۹-۱۸	۱۶-۱۵-۶	
۱۷	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	-۱۱-۷-۵-۴-۳ ۱۹-۱۷-۱۶-۱۴	۱۹-۱۸-۱۷-۹-۷	۱۹-۱۷-۷	
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	-۱۱-۱۰-۸-۷-۲ -۱۶-۱۵-۱۴-۱۲ ۲۰-۱۹-۱۸-۱۷	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	-۱۶-۱۵-۷-۴-۳ ۲۰-۱۹-۱۷	۱۹-۱۸-۱۷-۱۰-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۷	
۲۰	خلاهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی	-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴-۱۳	-۱۳-۱۲-۱۱-۶-۵-۴-۳-۱ ۲۰-۱۹-۱۸-۱۴	-۱۳-۱۲-۱۱-۵-۴-۱ ۲۰-۱۴	اول

مأخذ: همان.

جدول ۷. مرحله دوم تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه	سطح
۲	خویشاوندپرووری	۳-۲	۱۸-۱۶-۷-۶-۳-۲	۳-۲	دوم
۳	ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد	۳-۲	۱۹-۱۷-۱۵-۸-۳-۲	۳-۲	دوم
۶	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی	۱۶-۱۵-۶-۲	۱۶-۱۵-۶	۱۶-۱۵-۶	
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	-۸-۷-۶-۲ ۱۹-۱۷-۱۶-۹	۱۹-۱۸-۱۷-۷	۱۹-۱۷-۷	
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد	۱۵-۹-۸-۳	۱۸-۹-۸-۷	۹-۸	
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت	۱۶-۹-۸	۹-۸-۷	۹-۸	
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۵	پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین	۱۶-۱۵-۶-۳	۱۹-۱۸-۱۶-۱۵-۸-۶	۱۶-۱۵-۶	
۱۶	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور	۱۶-۱۵-۶-۲	-۱۷-۱۶-۱۵-۹-۷-۶ ۱۹-۱۸	۱۶-۱۵-۶	
۱۷	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	-۱۶-۷-۳ ۱۹-۱۷	۱۹-۱۸-۱۷-۹-۷	۱۹-۱۷-۷	
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	-۱۵-۱۰-۸-۷-۲ ۱۹-۱۸-۱۷-۱۶	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	-۱۵-۷-۴-۳ ۱۹-۱۷-۱۶	۱۹-۱۸-۱۷-۱۰-۷	-۱۷-۷ ۱۹-۱۸	

مأخذ: همان.

جدول ۸. مرحله سوم تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل‌سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه	سطح
۶	محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی	۱۶-۱۵-۶	۱۶-۱۵-۶	۱۶-۱۵-۶	سوم
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	۹-۸-۷-۶ ۱۹-۱۷-۱۶	۱۹-۱۸-۱۷-۷	۱۹-۱۷-۷	
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد	۱۵-۹-۸	۱۸-۹-۸-۷	۹-۸	
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت	۱۶-۹-۸	۹-۸-۷	۹-۸	
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۵	پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین	۱۶-۱۵-۶	۱۶-۱۵-۸-۶ ۱۹-۱۸	۱۶-۱۵-۶	سوم
۱۶	اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور	۱۶-۱۵-۶	۱۶-۱۵-۹-۷-۶ ۱۹-۱۸-۱۷	۱۶-۱۵-۶	سوم
۱۷	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	۱۹-۱۷-۱۶-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۹-۷	۱۹-۱۷-۷	
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	۱۵-۱۰-۸-۷ ۱۹-۱۸-۱۷-۱۶	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	۱۶-۱۵-۷ ۱۹-۱۷	۱۹-۱۸-۱۷-۱۰-۷	۱۷-۷ ۱۹-۱۸	

مأخذ: همان.

جدول ۹. مرحله چهارم تعیین سطح در سلسله‌مراتب مدل‌سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه	سطح
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	۹-۸-۷ ۱۹-۱۷	۱۷-۷ ۱۹-۱۸	۱۹-۱۷-۷	
۸	امتیازهای انحصاری در اقتصاد	۹-۸	۱۸-۹-۸-۷	۹-۸	چهارم
۹	نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت	۹-۸	۹-۸-۷	۹-۸	چهارم
۱۰	بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۷	ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	۱۹-۱۷-۷	۱۷-۹-۷ ۱۹-۱۸	۱۹-۱۷-۷	
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	۱۰-۸-۷ ۱۹-۱۸-۱۷	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	۱۹-۱۷-۷	۱۷-۱۰-۷ ۱۹-۱۸	۱۹-۱۸-۱۷-۷	

مأخذ: همان.

جدول ۱۰. مرحله پنجم تعیین سطح در سلسله مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه	سطح
۷	بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی)	۱۹-۱۷-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۷	۱۹-۱۷-۷	پنجم
۱۰	بی ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۹-۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۷	ارتباطات پسااشغالی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی	۱۹-۱۷-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۹-۷	۱۹-۱۷-۷	پنجم
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	۱۹-۱۸ -۱۷-۱۰-۸-۷	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	
۱۹	ضعف در حمایت از حقوق مالکیت	۱۹-۱۷-۷	۱۹-۱۸-۱۷-۸-۷	۱۹-۱۷-۷	پنجم

مأخذ: همان.

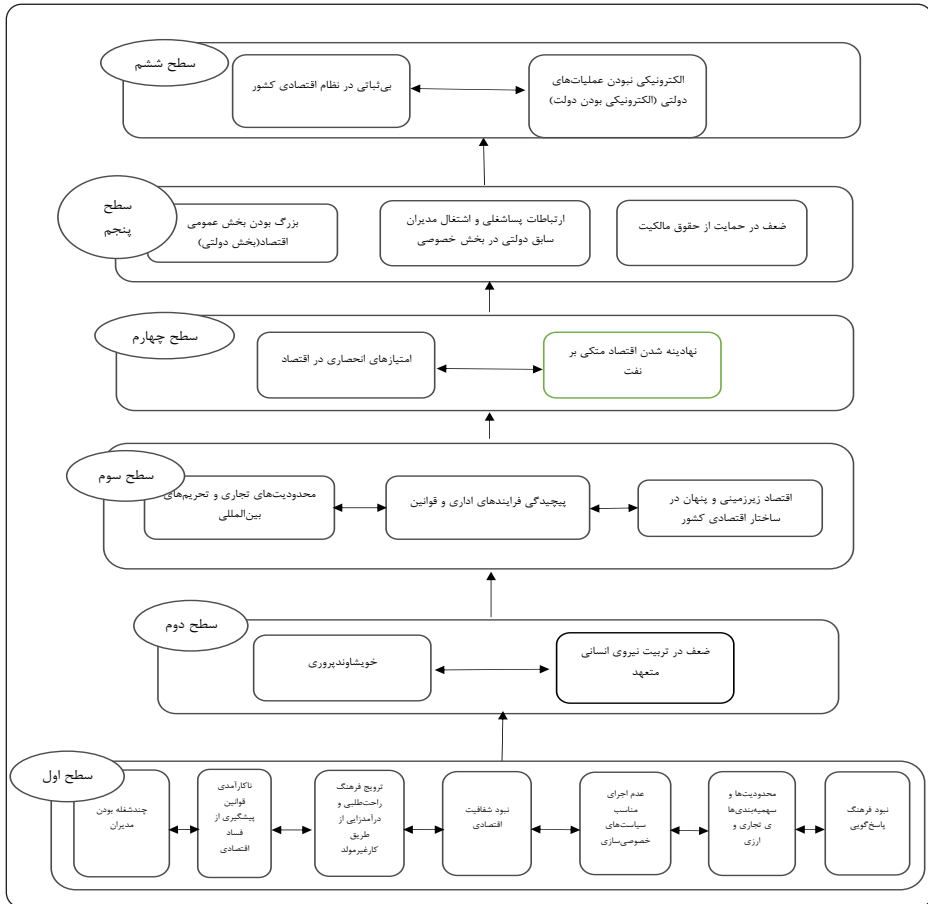
جدول ۱۱. مرحله ششم تعیین سطح در سلسله مراتب مدل سازی ساختاری - تفسیری

شماره عوامل	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه	سطح
۱۰	بی ثباتی در نظام اقتصادی کشور	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	ششم
۱۸	الکترونیکی نبودن عملیات های دولتی (الکترونیکی بودن دولت)	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	۱۸-۱۰	ششم

مأخذ: همان.

پس از طی مراحل روش پژوهشی، ابتدا ماتریس خودتعاملی ساختاری و سپس ماتریس های دریافتی اولیه و نهایی به دست آمدند و در نهایت تعیین سطح متغیرهای پژوهشی انجام شد.

شکل ۲. مدل ساختاری - تفسیری فساد اقتصادی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در مدل به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، عوامل در ۶ سطح قرار گرفتند که عوامل چندشغله بودن مدیر، ناکارآمدی قوانین پشتیبانی از فساد اقتصادی، ترویج فرهنگ راحتی طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد، خلأهای ساختاری و قانونی در مقابله با فساد اقتصادی، نبود شفافیت اقتصادی، عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی، محدودیت‌ها و سهم‌بندی‌های تجاری و ارزی، نبود فرهنگ پاسخ‌گویی

با توجه به دارا بودن بالاترین سطح تأثیرگذاری جزء متغیرهای مؤثر سطح بندی می شوند. در سطح دوم متغیرهایی مانند خویشاوندپروری و ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد قرار می گیرند که به عنوان عوامل کلیدی بعد از متغیرهای سطح اول قرار می گیرند. در سطح سوم متغیرهای محدودیت های تجاری و تحریم های بین المللی، پیچیدگی فرایندهای اداری و قوانین اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور قرار می گیرند. در سطح چهارم متغیرهای امتیازهای انحصاری در اقتصاد و نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت قرار خواهند گرفت. با توجه به جهت پیکان ها می توان مدل به دست آمده را این گونه صورت تفسیر کرد که عوامل چندشغله بودن مدیر، ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی، ترویج فرهنگ راحت طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد، خلأهای ساختاری و قانونی در مقابله با فساد اقتصادی، نبود شفافیت اقتصادی، عدم اجرای مناسب سیاست های خصوصی سازی، محدودیت ها و سهمیه بندی های تجاری و ارزی، نبود فرهنگ پاسخ گویی جزء عوامل زمینه ای برای ایجاد فساد اقتصادی هستند. با توجه به بحث بالا می توان نتیجه گیری کرد که همه عوامل (اگرچه با درجات متفاوت) در رخ دادن فساد اقتصادی مهم هستند و سطح بندی و اولویت بندی آنها فقط به دلیل درک بیشتر و شناخت عوامل تأثیرگذارتر است.

شکل ۳. تحلیل میک مک

قدرت نفوذ																				
۲۰																				
۱۹																				
۱۸																				
۱۷																				
۱۶																				
۱۵																				
۱۴																				
۱۳		۱۸																		
۱۲				۷																
۱۱																				
۱۰																				
۹				۱۷																
۸				۶۸	۱۹					۱۴	۵،۱۲،۱۳،۲۰	۴	۱۱	۱						
۷																				
۶			۱۰			۳		۱۶												
۵				۹		۲،۱۵														
۴																				
۳																				
۲																				
۱																				
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰

میزان وابستگی

مأخذ: همان.

با توجه به تحلیل میک‌مک، قدرت نفوذ (میزان تأثیرگذاری عامل مربوطه بر عوامل دیگر) و میزان وابستگی (میزان تأثیرپذیر عامل مربوطه از سایر عوامل) مشخص می‌شود. این شکل ماتریس را به چهار حالت تقسیم‌بندی می‌کند که سمت چپ بالا را ناحیه عوامل یا متغیرهای مستقل، ناحیه چپ پایین را عوامل یا متغیرهای خودمختار، ناحیه راست بالا را عوامل یا متغیرهای رابط و ناحیه راست پایین را عوامل یا متغیرهای مستقل می‌نامند. با توجه به تحلیل میک‌مک پژوهش حاضر عوامل شماره ۷ و ۱۸ یعنی عوامل بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی) و الکترونیکی نبودن عملیات‌های دولتی (الکترونیکی بودن دولت) در ناحیه عوامل مستقل هستند که وابستگی و اثرپذیری کمتر از سایر عوامل دارند و بیشترین میزان اثرگذاری و هدایت سایر عوامل را دارا هستند. برای کاهش فساد اقتصادی و اثرگذاری بر سایر عوامل باید در این دو عامل بیشتر از سایر عوامل هزینه و سرمایه‌گذاری کرد تا بیشترین بازده از سیاست‌های مقابله با فساد اقتصادی حاصل شود. در مقابل عوامل شماره ۱۴، ۱۱، ۴، ۲۰، ۱۳، ۱۲، ۵ و ۱ یعنی به ترتیب عوامل نبود فرهنگ پاسخ‌گویی، نبود شفافیت اقتصادی، ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی، خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی، محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی، عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی، ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد و چندشغله بودن مدیران را مشاهده می‌کنیم که وابستگی زیادی دارند؛ در واقع این عوامل اصولاً تأثیرپذیری بالایی از سیستم دارند اما تأثیر زیادی بر سیستم ندارند. از طرفی در سمت چپ پایین این ماتریس عوامل با شماره‌های ۱۰، ۹، ۱۷، ۶، ۸، ۱۹، ۳، ۲، ۱۵ و ۱۶ یعنی به ترتیب عوامل بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور، امتیازهای انحصاری در اقتصاد، ارتباطات پسا‌شغلی و اشتغال مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی، محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی، امتیازهای انحصاری در اقتصاد، ضعف در حمایت از حقوق مالکیت، ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد، خویشاوندپروری، ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد و اقتصاد زیرزمینی و پنهان در ساختار اقتصادی کشور وجود دارند که در ناحیه عوامل خودمختار قرار گرفته‌اند. این عوامل عموماً از سیستم جدا می‌شوند زیرا اتصالات ضعیف با سیستم دارند و تغییر در آنها باعث تغییر جدی در سیستم نمی‌شود.

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

فساد اقتصادی امروزه با جهان غریبه نیست و تقریباً در همه کشورهای دنیا با وجود ساختارهای سیاسی متفاوت و نیز مراحل توسعه اقتصادی مختلف وجود دارد (Song, Chang and Gong 2020: 1). فساد اقتصادی به معنای تخصیص نادرست و ناکارآمد منابع دولتی و خدمات رفاهی یک کشور است. کشورهایی که سطح فساد اقتصادی بالایی دارند؛ کارآفرینان، بنگاه های اقتصادی نوپا و مشتاق ورود به فعالیت های اقتصادی باید هزینه های زیادی را به عنوان رشوه برای دریافت مجوزهای اقتصادی خرج کنند. اگر فعالیت های فساد اقتصادی پرسود باشد؛ عده ای به سمت این فعالیت ها مشتاق خواهند بود که در نهایت موجب کاهش سطوح آموزش و تکنولوژی کشور می شود (Pulido et al., 2020: 2). ایران نیز از ناحیه فساد اقتصادی همواره در معرض تهدید بوده است؛ اما برای کاستن از این تهدید می توان عوامل مؤثر بر شکل گیری فساد اقتصادی را با توجه به منابع مطالعاتی و پژوهشی مورد بررسی قرار داد و آنها را دسته بندی کرد. از این رو در مقاله حاضر ابتدا پیشینه و ادبیات مفهومی این موضوع مورد بررسی قرار گرفت و نظریه های موجود در موضوع فساد اقتصادی مشخص شد. در این مقاله سعی شد ضمن بیان اهمیت و مفهوم فساد اقتصادی، به مدل سازی با استفاده از فاکتورهای اصلی و تأثیرگذار بر فساد اقتصادی و برقراری ارتباط بین آنها پرداخته شود. بر این اساس برای شناسایی عوامل اصلی و اساسی با استفاده از بررسی ادبیات و مصاحبه های خبرگانی این عوامل شناسایی و با استفاده از تکنیک مدل سازی ساختاری - تفسیری به یکپارچه سازی نظرات خبرگان، ارتباط و توالی آنها پرداخته شد.

هدف پژوهش حاضر تعیین عوامل زیربنایی و اساسی در شکل گیری فساد اقتصاد جمهوری اسلامی ایران است تا با شناخت آن بتوان از رخ دادن چنین پدیده ای در کشور جلوگیری کرد. از این رو با استفاده از نظرات خبرگانی یک مدل ساختاری از همه عوامل به دست آمد. در مدل مذکور، بی ثبات در سیستم اقتصادی کشور و الکترونیکی نبودن عملیات های دولتی (الکترونیکی بودن دولت) به عنوان مبانی مدل طراحی شده است که در پایین ترین سطح (سطح ششم از نظر رتبه بندی) تعیین شده است. این عامل ها بیشترین ارتباط و تأثیرگذاری را در سیستم ایفا می کنند. در سطح بعدی، ارتباطات پساغلی و اشتغال

مدیران سابق دولتی در بخش خصوصی، ضعف در حمایت از حقوق مالکیت و بزرگ بودن بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی) قرار دارند که از فاکتورهای سطح اول تأثیر می‌گیرند. فاکتورهای امتیازهای انحصاری در اقتصاد و نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت در سطح چهارم مدل قرار داند. در نهایت فاکتورهای چندشغله بودن مدیران، ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی، ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد، نبود شفافیت اقتصادی، عدم اجرای مناسب سیاست‌های خصوصی‌سازی، محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی، نبود فرهنگ پاسخ‌گویی و خلأهای قانونی و ساختاری در مقابله با فساد اقتصادی قرار می‌گیرند که نشان‌دهنده نتیجه تأثیرگذاری همه عوامل در مدل فساد اقتصادی است که خود از علل دیگری (عوامل سطوح پایین‌تر) نشئت می‌گیرند. در نهایت از تحلیل میک‌مک استفاده شده است که نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که فاکتورهای بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور، ناکارآمدی قوانین پیشگیری از فساد اقتصادی، امتیازهای انحصاری در اقتصاد و نهادینه شدن اقتصاد متکی بر نفت در قسمت عوامل مستقل قرار دارند که کلیدی‌ترین گروه در طراحی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد اقتصادی و دارای نیروی نفوذ قوی هستند؛ اما وابستگی آنها به سایر مؤلفه‌ها ضعیف است. در بین این عوامل مؤلفه بی‌ثباتی در نظام اقتصادی کشور دارای بیشترین تأثیرگذاری و کمترین اثرپذیری از نظام است؛ از این‌رو برای ایجاد تغییر اساسی در سیستم که بتواند مؤثر باشد و اثر آن از بین نرود باید از طریق سیاستگذاری بر عامل‌ها این مهم حاصل شود تا به نتیجه بهبود برسیم. از طرفی عوامل ترویج فرهنگ راحت‌طلبی و درآمدزایی از طریق کار غیرمولد، چندشغله بودن مدیران، خویشاوندپروری، ضعف در تربیت نیروی انسانی متعهد و محدودیت‌های تجاری و تحریم‌های بین‌المللی، از مؤلفه‌های وابسته به مدل شناسایی شده‌اند که تأثیرپذیری زیاد و قدرت نفوذ و تأثیرگذاری کم را نشان می‌دهد. واقع‌بینانه این نکته است که مشکل فساد اقتصادی از طریق سیاستگذاری بر عوامل از بین نمی‌رود و فقط موجب هدررفت منابع خواهد شد.

از جمله محدودیت‌هایی که در پژوهش حاضر با آن مواجه بودیم، مسئله و مفهوم فساد اقتصادی بود که مفهومی عام است که رشته و گرایش علمی به خصوصی در مباحث

اقتصادی ندارد و از طرفی می‌توان در تمامی پدیده‌های اقتصادی نیز چنین فسادی را مشاهده کرد. از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌توان به مسئله انتخاب نخبگانی اشاره کرد که علاوه بر استفاده از کارهای کتابخانه‌ای و پژوهش‌های موجود و نظرات نخبگانی دانشگاهی و مدیران اجرایی در رشته‌های مختلف اقتصادی، برای درک چنین مفهومی تقریباً باید از تمامی گرایش‌های اقتصادی و همچنین با تجربه‌های مختلف کاری استفاده کرد که عملاً چنین امکانی خارج از دسترس است و باید از جامعه در دسترس استفاده کرد. محدودیت دیگر تحقیق حاضر طولانی بودن پرسشنامه تحقیق بود که می‌بایست یک ماتریس ۲۰*۲۰ براساس روابط علی و معلولی علل مختلف فساد اقتصادی تکمیل شود که هر پاسخگو باید به بیش از دویست سؤال چهارگزینه‌ای پاسخ دهد. این کار موجب زمانبر شدن روند پاسخگویی و احتمالاً کاهش تمرکز در مراحل تست‌های آخر می‌شد.

با توجه به بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی به این نتیجه رسیدیم که تحقیقات موجود بیشتر به بررسی رابطه فساد اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف متمرکز شده بودند و از بررسی علل فساد اقتصادی که موجب چنین ناکارآمدی سیاستی و حکومتی می‌شود؛ رویگردان بودند. در این تحقیق تلاش شد تا علل فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به نظرات نخبگانی و پژوهش‌های موجود بررسی و مدل‌سازی و عامل مهم و اثرگذار بر فساد اقتصادی کشور مشخص شود.

برای پژوهش‌های آتی می‌توان پیشنهادهایی نظیر موارد ذیل را توصیه کرد:

- بررسی فساد اقتصادی با توجه به عوامل به دست آمده از پژوهش حاضر در هر کدام از بخش‌های مختلف اقتصادی،
- بررسی محاسبه اندازه و شدت علل فساد اقتصادی در صنایع مختلف تأثیرگذار در اقتصاد کشور،
- بررسی راهکارهای موجود و بالقوه برای کاهش اثرگذاری هر کدام از علل فساد اقتصادی،
- ارائه مدل بهینه‌یابی سازمانی در جهت کمینه کردن فساد اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی.

با توجه به پژوهش حاضر توصیه‌های سیاستی ذیل برای مقابله با فساد اقتصادی پیشنهاد می‌شود:

- بررسی و ایجاد راهکارهای کوچک‌سازی اندازه بخش عمومی اقتصاد (بخش دولتی) و جایگزین کردن بخش خصوصی به جای بخش دولتی در فعالیت‌های اقتصادی،
- حرکت به سمت الکترونیکی کردن عملیات‌های دولتی،
- توجه ویژه به روند اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور با توجه به نوع بنگاه‌های دولتی و جایگاه استراتژیک آنها در اقتصاد و اصلاح قوانین موجود و تعریف قوانین جدید خصوصی‌سازی،
- ترویج فرهنگ و روحیه کار و نوآوری از مقاطع تحصیلی پایه در کشور،
- ایجاد قوانین سخت‌گیرانه در برخورد با مدیران متخلف اقتصادی و پیر کردن خلأهای قانونی در این حوزه.

منابع و مآخذ

۱. اعظمی مقدم، مجید (۱۳۹۰). «مفهوم‌شناسی جرم اقتصادی یا فساد اقتصادی»، *کارآگاه*، دوره ۵، ش ۱۶.
۲. آذر، عادل و کریم بیات (۱۳۸۷). «طراحی مدل فرایند محوری کسب و کار با رویکرد مدل سازی ساختاری-تفسیری»، *مدیریت فناوری اطلاعات*، دوره ۱، ش ۱.
۳. آذر، عادل، فرزانه خسروانی و رضا جلالی (۱۳۹۲). *تحقیق در عملیات نرم رویکردهای ساختاردهی*، چاپ اول، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
۴. برومند، شهزاد (۱۳۸۷). «فساد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی: ایران)»، *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، دوره پنجم، ش ۲.
۵. پاداش، حمید، اسماعیل حسن‌پور و امیررضا خسروی (۱۳۹۰). «تبیین رشد اقتصادی ایران با رویکرد نهادی، نقش آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی و فساد بر رشد اقتصادی ایران»، *دانش ملی تحلیل اوراق بهادار*، ش ۹.
۶. تقوی، مهدی، هاشم نیکومرام، فرهاد غفاری و صدیقه طوطیان (۱۳۹۰). «رابطه فساد اداری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اپک» *فصلنامه مدیریت*، سال ۸، ش ۲۱.
۷. دادخدایی، لیلا (۱۳۸۹). «مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن»، *تعالی حقوق*، سال ۲، ش ۶.
۸. دادگر، حسن (۱۳۸۲). «رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در اقتصاد کشور»، *مجله اقتصاد اسلامی*، دوره ۳، ش ۱۱.
۹. رجب‌پور، ابراهیم (۱۳۹۴). «مدل سازی ساختاری تفسیری از عوامل مؤثر بر آمادگی الکترونیکی»، *مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند*، ش ۱۳.
۱۰. روستایی، مهرانگیز (۱۳۸۸). «ارزیابی مداخله کیفی در حوزه جرائم اقتصادی»، *نشریه کارآگاه*، سال ۲، ش ۷.
۱۱. رهنورد، فرج‌اله، حبیب‌اله طاهرپور کلانتری و اعظم رشیدی (۱۳۸۸). «شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی»، *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، سال ۱۰، ش ۱.
۱۲. زمانی، علی اکبر (۱۳۸۸). «درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرائم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی»، *نشریه کارآگاه*، دوره ۳، ش ۷.
۱۳. سرکشکیان، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). «سازوکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (ع)»، *نشریه کارآگاه*، سال ۲، ش ۷.
۱۴. شلالوند، عبدالعلی (۱۳۸۴). «اختلاس و فساد اداری، آفت توسعه»، *مجلس و پژوهش*، سال ۵، ش ۲۵.
۱۵. صامتی، مرتضی، روح‌اله شهنازی و زهرا دهقان شبانی (۱۳۸۵). «بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد

- مالی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۸، ش ۲۸.
۱۶. صباحی، احمد و سعید ملک‌الساداتی (۱۳۸۸). «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ش ۵۳.
۱۷. عباسی، اصغر (۱۳۸۵). «بررسی مساعی بین‌المللی در زمینه مبارزه با پولشویی و رویکرد نظام حقوقی ایران در قبال آن»، با راهنمایی ایرج گلدوزیان، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۸. عزتی، مرتضی و بهمن کریمی گلنار (۱۳۹۳). «طراحی شاخص بومی برای اندازه‌گیری فساد اقتصادی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۲، ش ۶.
۱۹. عظیمی، حسین، علی عطارفر و علی شائمی بزرگی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مدیریتی و سازمانی بر فساد اداری - مالی (مطالعه موردی: سازمان‌های دولتی مراکز استان‌های اصفهان و زنجان)»، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۹، ش ۲.
۲۰. غضنفری، حسین، سیدحمید حسینی خداداد، اسداله کردنائیج و عادل آذر (۱۳۹۸). «مدل سطح‌بندی عوامل مؤثر بر به‌کارگیری راهبرد سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز شرکتی با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، دوره ۸، ش ۳۱.
۲۱. کریمی پتانلار، سعید، محمد بابازاده و نعیمه حمیدی (۱۳۹۱). «اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت: مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی)، سال ۱۲، ش ۴۶.
۲۲. کیانی، پاکنوش و علی اصغر پورعزت (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد مالی در سازمان‌های دولتی و مؤسسه‌های پژوهشی»، نشریه مطالعات کمی در مدیریت، سال ۴، ش ۳.
۲۳. همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۷). فساد مالی، علل زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، چاپ دوم، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

24. Agarwal, Ashish, Ravi Shankar and M.K. Tiwarib (2006). "Modeling the Metrics of Lean, Agile and Leagile Supply Chain: An ANP-based Approach", *European Journal of Operational Research*, 173(1).

25. Alfada, Anisah (2019). "The Destructive Effect of Corruption on Economic Growth in Indonesia:A threshold Model", *Journal of Heliyon*, Vol. 5, Issue. 10.

26. Arayankalam, Jithesh, Anupriya Khan, Satish Krishnan (2020). "How to Deal

- with Corruption? Examining the Roles of E-government Maturity, Government Administrative Effectiveness and Virtual Social Networks Diffusion", *International Journal of Information Management*, 58(4).
27. Blackburn, Keith and Jonathan Powell (2011). "Corruption, Inflation and Growth", *Economics Letters*, Vol. 113, Issue. 3.
 28. Erum, Naila and Shahzad Hussain (2019). "Corruption, Natural Resources and Economic Growth: Evidence from OIC Countries", *Journal of Resources Policy*, 63.
 29. Everhart, Stephen, Jore Martinez and Robert Mcnab (2009). "Corruption, Governance, Investment and Growth in Emerging Markets", *Applied Economics*, 41.
 30. Glenn, C. T. (2010). *Corruption and Economic Development in the Peoples Republic of China*, The University of Toledo.
 31. Gründler, Klaus and Niklas Potrafke (2019). "Corruption and Economic Growth: New Empirical Evidence", *European Journal of Political Economy*, Vol. 60.
 32. Jay, Pil Choi and Thum Marcel (2002). "Corruption and the Shadow Economy", *Journal of Economic Literature*, No. 35.
 33. Jens, Christopher, Fjeldstad Odd-Helge and Inge Amundsen (2000). "Corruption: Critical Assessments of Contemporary Research", Report From a Multidisciplinary Workshop.
 34. Mandal, Anukul and S.G. Deshmukh (1994). "Vendor Selection Using Interpretive Structural Modelling (ISM)", *International Journal of Operations and Production Management*, Vol. 14.
 35. Méon, Pierre-Guillaume and Laurent Weill (2010). "Is Corruption an Efficient Grease?," *World Development*, Elsevier, Vol. 38(3).
 36. Nobuo, Akai, Yusaku Horiuchi and Masayo Sakata (2005). "Short-run and Long-run Effects of Corruption on Economic Growth: Evidence from State-Level Cross-Section Data for the United States", The Bi-Annual Meeting of the Japanese

Economic Association (at Kyōto Sangyō University).

37. Park, Junghee (2012). "Corruption, Soundness of the Banking Sector, and Economic Growth: A Cross-country Study", *Journal of International Money and Finance*, Vol. 31, Issue 5.
38. Pulido, Nicol as Ronderos, Alexander Cotte Poveda, Jorge Enrique Martínez Carvajal (2020). "Corruption and Institutions: An Analysis for the Colombian Case", *Journal of Heliyon*, Vol. 6, Issue. 9.
39. Ravi. V. and Ravi Shankar (2005). "Analysis of Interactions Among the Barriers of Reverse Logistics", *Journal of Technological Forecasting and Social Change*, Vol. 72, No. 8.
40. Schneider, Friedrich (2006). "Shadow Economies and Corruption All Over the World: What Do We Really Know?", *Johannes Kepler University of Linz and IZA Bonn Discussion Paper*, No. 2315.
41. Song, Chang-Qing, Chun-Ping Chang and Qiang Gong (2020). "Economic Growth, Corruption and Financial Development: Global Evidence", *Journal of Economic Modelling*, Vol. 94.
42. Stavros, Katsios (2006). "The Shadow Economy and Corruption in Greecesouth-Eastern Europe", *Journal of Economics*, No. 1.
43. Thakkar, Jitesh. J., Arun Kanda and S. G. Deshmukh (2011). "A Decision Framework for Supply Chain Planning in SMEs: A QFD-ISM-enabled ANP-GP Approach, Supply Chain Forum", *An International Journal*, Vol. 14.
44. The World Bank (2020). "Conflict of Interest, How to Identify and Manages Conflicts of Interest in Evaluation Committees".
45. Toke, S. Aidt (2003). " Economic Analysis of Corruption: A Survey", *The Economic Journal*, Vol. 113, No. 491.
46. Transparency International (2009). What is a "Conflict of Interest"?, in Anti-Corruption Movement.

هویت سایبری، گذرواژه انتساب مسئولیت کیفری

عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی* و محمد مقنی باشی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۹	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۳۶۶-۳۳۷
-------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

در عصر حاضر با پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباطی، شاهد حضور چشمگیر کاربران در فضای مجازی هستیم. فضایی رمزآلود و بی انتها که با ویژگی‌های منحصر به فرد می‌تواند هر سلیقه‌ای را به خود جذب کند. افزایش ارتکاب جرائم سایبری بیانگر علاقه خاص مجرمان به این ویژگی‌ها از جمله گمنامی و حضور قربانیان بی اطلاع است. جوامع بشری در استفاده از مجازات به عنوان اولین وسیله دفاعی خود در برابر بزهکاران سایبری با چالش عدم شناسایی مجرم روبه‌رو می‌شوند. اما واقعیت این است که مجرمان سایبری از فضای حقیقی پا به این فضا گذاشته‌اند و هویتی نامعلوم ندارند. دستگاه عدالت کیفری با کمک تکنولوژی می‌تواند ردپای به جامانده از متهم را دنبال کند و با دستیابی به هویت سایبری و مرتبط کردن آن با اطلاعات موجود از نحوه دستیابی متهم به اینترنت، هویت حقوقی او را در فضای حقیقی شناسایی و مسئولیت کیفری رفتار مجرمانه را بر او بار کند. رمزگشایی از ارتباط میان تکنولوژی و حقوق کیفری در اولین گام از فرایند رسیدگی به جرم سایبری یعنی شناسایی متهم با کمک پروتکل اینترنت یا همان IP امکان پذیر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت کیفری؛ انتساب؛ هویت سایبری؛ IP

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: javan-j@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛

Email: Mbm.1993@live.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4296.4249

مقدمه

شاید تا قبل از ظهور اینترنت صحبت از جهانی دیگر منحصرأً ذهن را به فضای ماورای زمین معطوف می‌کرد، اما با پیدایش و گسترش اینترنت، فضای سایبر به عنوان جهان مجازی زمینه‌ای جدید را برای اکتشافات علمی فراهم کرد، فضایی که در آن ناشناخته و فارغ از قید مکان بودن ویژگی‌های منحصر به فردی است که ارمغان آزادی بیان و رفتار را می‌آورد و هر فردی را به بودن و استفاده از آن ترغیب می‌کند (جوان جعفری بجنوردی، ۱۳۸۹). امروزه به «هر رفتاری که بر ضد رایانه یا اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی) با استفاده از شبکه‌های ارتباط از راه دور ارتکاب یابد و در قانون برای آن مجازات‌انگاری شده باشد، جرم سایبری اطلاق می‌شود» (کوره‌پز، ۱۳۹۳). دهکده مجازی اینترنت علاوه بر میزبانی از مجرمان فضای حقیقی با توجه به ویژگی‌هایی که در خود دارد، امکان ظهور شکل جدیدی از ناهنجاری‌ها و جرائم را مهیا می‌کند. امروزه رشد جرائم سایبری چه از لحاظ قربانی و چه از حیث تعداد به یک چالش جدی برای جوامع بشری و نهادهای دخیل در مبارزه با جرم تبدیل شده است. مجازات به عنوان اولین وسیله‌ای که برای مبارزه با جرائم سایبری به ذهن می‌رسد، در آغاز راه با ابهام گمنامی کاربران سایبری مواجه است و اینکه رفتار مجرمانه به چه کسی منتسب می‌شود؟ شالوده آیین دادرسی کیفری را تعقیب و تحقیق تشکیل می‌دهد، به عبارت دیگر پس از ارتکاب جرم دستگاه عدالت کیفری به دنبال شناسایی هویت مجرم است تا انتساب مسئولیت کیفری بر وی را بررسی کند. مشخص است که عدم شناسایی هویت مهمترین ابزار مبارزه با جرم را از میدان خارج می‌کند. در فضای سایبری مشکل پیچیده‌تر می‌شود چون کاربران مجازی غالباً هویت حقیقی‌شان را در این فضا فاش نمی‌کنند، بنابراین برای انتساب مسئولیت کیفری و اجرای مجازات ابتدا باید هویت سایبری را شناسایی و سپس آن را به یک هویت حقیقی در فضای حقیقی گره زد. در واقع تعقیب مجرم سایبری عبارت است از تلاش برای برداشتن نقاب هویت سایبری و رسیدن به فردی که با ورود به فضای مجازی مرتکب جرم شده است.

اهمیت شناختن هویت سایبری به عنوان شرط ضروری آغاز تعقیب و انتساب مسئولیت کیفری، ضرورت انجام چنین پژوهشی را هویدا می‌کند. مطالعات قبلی فقط بر

سرقت هویت متمرکز شده‌اند و به تعریف و بیان ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. از این رو لازم است تا پیشینه پژوهش‌های انجام شده در زمینه هویت سایبری را برای شناسایی نتایج علمی آن مورد واکاوی قرار داد.

۱. پیشینه پژوهش

در تحقیقی با عنوان «مطالعه سرقت هویت در حقوق فدرال آمریکا با نگاهی اجمالی به حقوق ایران» که توسط ابوالفتح خالقی و زهرا صالح‌آبادی به رشته تحریر درآمده است، ابتدا درباره مفهوم سرقت هویت و تفاوت آن با جعل و کلاهبرداری هویت بحث شده و سپس قانون فدرال سرقت هویت آمریکا برای توضیح ارکان جرم سرقت هویت در حقوق فدرال آمریکا مورد مطالعه قرار گرفته است. در پایان نیز سعی شده است موارد مشابه در حقوق ایران احصا و نبود جرم‌انگاری مشابه به تصویر کشیده شود.

طی بی و خدادادی در مقاله‌ای با عنوان «سرقت هویت» به بیان مفهوم و انواع آن پرداخته و مثالی از بزرگترین سرقت هویت در جهان را ذکر کرده‌اند. در پایان قوانین ایران از حیث عدم پوشش کیفری این عنوان را مورد بررسی قرار داده‌اند.

نتیجه بررسی منابع گوناگون نشان می‌دهد مطالعات داخلی در این زمینه با کمبود جدی محتوای پژوهشی مواجه است، اما در میان منابع معتبر لاتین هویت سایبری به عنوان دغدغه پژوهشی سهم قابل توجهی از مطالعات حقوق کیفری سایبری را به خود اختصاص داده است.

پژوهش مارکو کاربالو و همکارانش در زمینه مقابله با جرائم سایبری از طریق مطالعه بر ادله فارانزیک در ایالت فلوریدای آمریکا، منجر به انتشار مقاله‌ای با عنوان «هویت سایبر: ویژگی برجسته ماهیتی و چارچوب محاسباتی برای کمک به حل جرائم سایبری» شد. در این پژوهش نویسندگان پس از بیان رشد چشمگیر جرائم سایبری و ناکارآمدی قوانین فدرال و ایالتی در کنترل میزان جرائم سایبری، اقدام به مطالعه پرونده‌های کیفری در این زمینه کردند و مواردی را که مجرمان این حوزه با توسل به آنها اقدامات مجرمانه‌شان را سروسامان می‌دهند را برای یافتن نقطه مشترک برای پنهان سازی هویت را لیست می‌کنند

و نتیجه می‌گیرند با توجه به رشد چشمگیر تکنولوژی و بهره‌برداری مجرمان از این موضوع باید برای کم کردن فاصله سیستم عدالت کیفری با مجرمان از ادله الکترونیکی و شواهد سایبری برای کشف جرم استفاده کرد. برای این منظور هویت سایبری را مطرح و شناسایی آن را با یافتن سه ویژگی رفتاری، بیومتریک و بیوگرافی در شواهد فارانزیک گره می‌زنند. سپس با توضیح هر یک از این عوامل، نقش آنها را برای دستیابی به مجرم سایبری تبیین می‌کنند.

«ویژگی‌های مجرم سایبری بین‌المللی در ایالات متحده آمریکا» عنوان تحقیق دیگری است که توسط هژیدیموا و برایان پین به رشته تحریر درآمد. محققان در این پژوهش با بررسی سوابق مجرمان سایبری زندانی در آمریکا سیمای جنایی آنها را ترسیم کردند. در این مقاله کشور رومانی به عنوان کشوری که بیشترین مجرم را در زندان‌های آمریکا دارد و کشور نیجریه به عنوان کشوری که بیشترین اقدامات مجرمانه در خصوص سرقت هویت از آنجا پیاده‌سازی شده است، معرفی می‌شوند. بیشترین فراوانی محدوده سنی ۲۴ تا ۲۸ سال اعلام شده است و مرتکبان مرد به عنوان گروه پیش‌تاز از حیث جنسیتی معرفی می‌شوند.

آقای پل چیبوتیک و همکارانش در پژوهشی با عنوان «ابعاد گرایش هویت به عنوان همبستگی رفتار سایبری - تهاجمی در بین دانش‌آموختگان دانشگاه آنامبرا نیجریه» عنوان کردند که فضای مجازی ناشناختگی را برای کاربران به ارمغان می‌آورد و این مهم موجب ایجاد خلأ هویتی در میان کاربران می‌شود. نحوه فعالیت کاربران که منبعث از شخصیت شکل گرفته آنها در دنیای حقیقی است، نقش بسزایی در پر کردن این خلأ دارد. این امر موجب می‌شود تا گرایش‌های هویتی مختلف در میان کاربران بروز کند. حال اگر این گرایش نشئت گرفته از کاستی‌های شخصیتی کاربر باشد؛ می‌تواند با چاشنی کنجکاوی او را به سمت گرایشی تهاجمی از هویت سوق دهد که موجب شکل‌گیری هویت مجرمانه می‌شود. نتیجه تحقیقات میدانی آنها نشان داد که هرچه تکنولوژی این خلأ را با هویت حقیقی کاربران مرتبط کند، امکان شکل‌گیری بزهکاری سایبری به حداقل می‌رسد. البته محققان به این نکته اذعان داشتند که جمع‌آوری کنترل نشده اطلاعات برای پر کردن این خلأ می‌تواند به نقض حریم خصوصی منجر شود. اما با توجه به نتایج حاصل از رگرسیون خطی

پژوهش نشان می‌دهند پرخاشگری حاصل از هویت خودساخته کاربران، قادر خواهد بود میزان بزهکاری و بزه‌دیدگی سایبری را از کنترل خارج کند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در مطالعات قبلی به یکی از چالش‌های پیش‌روی هویت سایبری با عنوان سرقت هویت پرداخته شده است و در مواردی به بیان ویژگی‌هایی که باید هویت سایبری متصف به آن باشد، بسنده شده است، اما پژوهش حاضر سعی دارد تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، پرونده‌های کیفری دادرسی‌های ویژه جرائم سایبری، مقالات تخصصی فناوری اطلاعات، مؤلفه‌های هویت سایبری را برای برقراری ارتباط با هویت حقیقی در یک مطالعه میان‌رشته‌ای از لحاظ حقوقی شناسایی کند و قابلیت انتساب مسئولیت کیفری را به استناد آن مورد بررسی قرار دهد. از این رو ابتدا هویت سایبری تبیین، سپس نحوه ایجاد هویت و در نهایت استنادپذیری آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲. از هویت حقوقی تا هویت سایبری

هویت یعنی حقیقت شخص یا شیء که مشتمل بر صفات جوهری او باشد (عمید، ۱۳۹۰). این واژه در علوم اجتماعی تعاریف گوناگونی را به خود اختصاص داده است و به‌عنوان مفهومی میان‌رشته‌ای شناخته می‌شود. گافمن^۱ هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: «تلاش انسان برای بروز تمایز نسبت به دیگران است، در حالی که به رفتار خود شکل می‌دهد» (ریترز، ۱۳۸۲). هویت از دیدگاه جامعه‌شناسی مجموعه‌ای از ویژگی‌هاست که فرد به وسیله آنها خود را می‌شناسد و از دیگران متمایز می‌کند؛ به عبارت دیگر هویت تلاش انسان برای یافتن پاسخ به این سؤال است که «من کیستم؟» (باقری دولت‌آبادی و زارعیان جهرمی، ۱۳۹۲).

۲-۱. هویت حقوقی

تعریف هویت با توجه به چندبُعدی و وابسته بودن به رشته‌های گوناگون علمی کماکان مبهم است. در واقع نگاه کردن به هویت از ابعاد مختلف پاسخ‌های مختلفی را هم برای

1. Goffman

پرسش «من کیستم؟» لیست می‌کند. گاهی این پرسش از قومیت، نژاد، وضعیت اجتماعی یا اقتصادی است و گاهی هم از یک خصیصه حقوقی متمایزکننده میان هم‌نوعانی که در اوصاف گوناگون با هم یکسان هستند (کوهی و حسنی، ۱۳۹۱). به موجب مواد (۹۵۷ و ۹۷۶) قانون مدنی و ماده (۳) قانون الزام اختصاص شماره ملی و کدپستی برای کلیه اتباع ایرانی؛ زنده متولد شدن از پدر ایرانی شرط دارا شدن اهلیت و بهرمندی خصیصه‌های حقوقی هویتی مانند نام و نام خانوادگی و مهمتر از همه کدملی است. این خصایص در حقوق کیفری نیز اثرگذارند؛ به نحوی که این موارد برای شناسایی کامل هویت متهم در ماده (۱۹۴) قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده است. برخلاف سایر خصایص هویتی مانند هویت مذهبی یا ملی، هویت حقوقی ثابت است و فرد به سختی می‌تواند آن را انکار کند، به همین دلیل انتساب جرم به افراد، مبتنی بر شناسایی این بُعد هویتی خواهد بود.

۲-۲. هویت ابرازی در فضای مجازی

از تعاریف گفته شده می‌توان نتیجه گرفت هویت مجموعه‌ای از معانی است که چگونه بودن را به فرد در یک نقش اجتماعی یا در یک موقعیت خاص القا می‌کند و می‌گوید که در شرایط فعلی او کیست. اما شکل‌گیری این معانی منبعت از ذهن خود فرد است، یعنی هر شخص با قرارگیری در یک نقش یا موقعیت اجتماعی معانی گوناگون را در کنار هم قرار می‌دهد و هویت خود را از آن استخراج و به منصفه ظهور می‌گذارد (ذوالفقاری و پرهیز، ۱۳۹۷). حضور در فضای مجازی همان موقعیتی است که فرد را برای داشتن هویت جدید تشویق می‌کند و او را در شرایطی قرار می‌دهد که خود را در این فضا با آنچه از خود شناخته است صاحب هویت و به دیگران معرفی کند. بنابراین هویت ابرازی سایبری تجلی افکار و احساسات افراد نسبت به خودشان است که بدون دخالت عوامل بیرونی به وسیله اشخاص در فضای سایبر نقش می‌بندد، تغییر می‌کند یا از بین می‌رود، پس این هویت می‌تواند منطبق با هویت او در فضای حقیقی باشد یا نباشد (Nagy, 2010). کاربرد این نوع هویت در ساخت پروفایل‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی، سایت‌های اینترنتی، پست‌های الکترونیکی و اپلیکیشن‌های خدماتی مانند تاکسی‌های اینترنتی، دیده می‌شود. در این نرم‌افزارها کاربر

برای ورود و استفاده از قابلیت‌های آن باید خلاصه‌ای از هویت خود را ابراز کند. مطالعه آماری بر روی کاربران شبکه‌های اجتماعی در سطح شهر مشهد نشان می‌داد که ۴۱ درصد کاربران عادی و ۷۸ درصد متهمان به جرائم رایانه‌ای از هویتی ساختگی غیر از هویت واقعی‌شان برای عضویت در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند (آمارنامه سایبری دادسرای ویژه جرائم رایانه مشهد، ۱۳۹۸). هرچند این آمار تأثیر مستقیمی بر عدم استفاده از هویت ابرازی سایبری برای انتساب رفتار مجرمانه به صاحب آن دارد، اما در کنار سایر قرائن می‌تواند به تحصیل علم و انتساب مسئولیت کیفری کمک کند. برای مثال در یکی از پرونده‌های سایبری دادسرای ویژه فضای مجازی مشهد، مدیر یک گروه تلگرامی فرهنگی با اعلام جرم مدعی شد که کاربر ناشناسی با ورود به گروه و ارسال محتویات مستهجن باعث بدبینی نسبت به اهداف گروه و ریزش اعضا شده است. مطالعه بر روی هویت اعلامی این کاربر شبکه اجتماعی تلگرام نشان می‌داد که نامبرده از هویت واقعی خودش برای ایجاد پروفایل^۱ استفاده نکرده و صرفاً در قسمت توضیحات خود را حامی حقوق حیوانات معرفی کرده است. همین قرینه کوچک در فرایند تحقیقات، مقام قضایی را به یکی از آشنایان مدیر^۲ گروه که مزرعه پرورش شترمرغ داشت، مظنون می‌کند و با بررسی تلفن همراه او مشخص می‌شود که وی با همان اکانت^۳ مجرمانه در تلگرام^۴ فعالیت داشته است (سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، ۱۳۹۸).

هویت ابرازی در واقع محصول الزام کاربران سایت‌ها، درگاه‌ها و برنامه‌های مجازی به معرفی خودشان است. این موضوع سبب می‌شود تا در فضای مجازی، فرد حقیقی دارای هویت‌های ابراز شده متفاوتی باشد. مثلاً برای حضور در سایت کارگزاری بورس و خرید و فروش اوراق بهادار، لازم است ضمن ثبت نام در سامانه اینترنتی کارگزاری، برای احراز هویت به دفاتر خدمات الکترونیک مراجعه کند تا از طرف بورس، حائز دریافت کد بورسی

-
1. Profile
 2. Admin
 3. Account
 4. Telegram

شود. به همین ترتیب در اپلیکیشن^۱ تاکسی اینترنتی باید اطلاعات دقیق تری مثل آدرس را وارد کند ولی برای حضور در شبکه اجتماعی فیس بوک^۲ می تواند حتی جنسیت خود را جابه جا وارد کرده و با تصویر متناسب با آن پروفایل کاربری خود را سامان دهد (National Research Council, Kent and Millett, 2003). بنابراین هرچه از اهمیت فضایی که هویت حقیقی کاربر در آن کاسته می شود فاصله می گیریم، میزان اطلاعاتی که کاربر به عنوان هویت حقیقی اش باید ابراز کند، کمتر می شود. نکته مهم این است که در فضای سایبری امکان مقایسه و تطبیق هویت های ابرازی در فضاهای مختلف وجود ندارد؛ بنابراین مجرم در قاموس فردی که با انتخاب عقلانی و برای مصون ماندن از تعقیب و مجازات، فضای گمنام سایبر را برای انجام عملیات مجرمانه اش انتخاب کرده است، سعی می کند با هویتی ناقص ابرازی از خود، مرتکب جرم شود نه با هویت دقیق (هیگنز و مارکم، ۱۳۹۷؛ Hadzhidimova and Payne, 2019). بنابراین سایت هایی که اطلاعات دقیق تری از کاربر دریافت می کنند، اغلب حوزه فعالیت محدودی در فضای سایبر دارند و صرفاً امکان دسترسی به مخاطبشان را به یک فضای محدود از وب را می دهند. برای مثال کاربر بورس با هویت بورسی خود امکان حضور در فضای سایبری بورس را دارد و دسترسی به شبکه های اجتماعی با این هویت برایش مقدور نیست. اما نخ تسبیح همه این هویت ها در نحوه اتصال کاربر به اینترنت نهفته شده است، جایی که تعقیب زنجیره اطلاعات در هر نقطه ای از فضای سایبر ما را به شخص واحدی در فضای حقیقی می رساند.

۲-۳. هویت سایبری

قواعد و ویژگی های مربوط به هویت حقوقی در کشورهای مختلف بسته به قوانین داخلی کشورها متغیر است. ایران از سال ۱۳۷۶ کد ملی را به عنوان خصیصه اصلی هویت حقوقی در نظر گرفته است؛ در حالی که ملاک اصلی هویت حقوقی در کشورهای توسعه یافته، استفاده

1. Application

2. Facebook

از ویژگی‌های بیومتریک مانند اسکن چهره یا اثر انگشت است که به صدور اسناد هویتی بیومتریک^۱ منجر می‌شود (Yang and Yang, 2011). از طرفی هویت ابرازی سایبری زاده ذهن کاربران فضای مجازی است و اغلب با هویت واقعی‌شان در فضای حقیقی مطابقت ندارد یا معرف خودآرمان‌گرایی افراد از زندگی شخصی‌شان است (Manago et al., 2008). فضای مجازی متأثر از قوانین داخلی کشورها نیست تا بخواهد قواعد هویت حقوقی را برای انتساب جرم سایبری، به شبکه جهانی اینترنت تسری دهد. قواعد ناظر بر مسئولیت کیفری، التزام و تقبل آثار فعل مجرمانه را به شخص معین و معلوم می‌پذیرد (اردبیلی، ۱۳۹۳) نه شخصی که هویت او ساختگی است و اطلاعاتی از هویت حقوقی او در فضای حقیقی در دسترس نیست. بنابراین ضروری است تا هویتی مخصوص فضای سایبر بدون دخالت کاربران در ایجاد آن و فارغ از قوانین داخلی کشورها شناسایی شود.

نکته حائز اهمیت در این خصوص، نقض حریم خصوصی کاربران است. در واقع ویژگی گمنامی فضای سایبر، عامل مهم گرایش کاربران به استفاده از آن برای صیانت از حریم خصوصی‌شان است. به عبارت دیگر کاربران می‌خواهند کمترین اطلاعات از آنها برای شناسایی وجود داشته باشد تا فارغ از احتمال نقض حریم خصوصی‌شان، بتوانند آزادانه در فضای سایبر فعالیت کنند؛ اما هویت سایبری در نگاه اول نقض جدی حریم خصوصی را نوید می‌دهد و نگرانی کاربران را در پی دارد، امری که با فعالیت اقتصادی شرکت‌های بزرگ مانند گوگل^۲، مایکروسافت^۳ و ... در تضاد است. برای مثال اخیراً درز اخبار همکاری مجرمانه مدیرعامل فیس‌بوک با دستگاه‌های اطلاعاتی ایالت متحده در دادن اطلاعات کاربران، حجم عظیمی از نارضایتی کاربران را در پی داشت که منجر به احضار مدیرعامل آن توسط مجالس سایبر کشورها شد (Ayaburi and Treku, 2020). بنابراین دست گذاشتن روی حریم خصوصی کاربران برای شناسایی هویت سایبری علاوه بر اعتراضات جامعه جهانی، مقاومت جدی شرکت‌های دست‌اندرکار در حوزه سایبری را برای جلوگیری از ریزش منافع

1. Biometric
2. Google
3. Microsoft

اقتصادی‌شان در پی خواهد داشت (Sun, Fang and Hwang, 2019). از این رو هدفگذاری برای پر کردن خلأ هویتی کاربران با استفاده از الزام آنها به درج اطلاعات بیشتر در این فضا و سپس بهره‌برداری از این اطلاعات برای اتصال هویت سایبری با هویت حقیقی امری غیرممکن است. از طرفی نتایج پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد رهاسازی کاربران در خلأ هویتی سایبر می‌تواند به بروز هویت‌های ابرازی مجرمانه منجر شود که افزایش ارتکاب جرم و بزه‌دیدگی بیشتر را به دنبال دارد (Blessing Chidimma et al., 2020). بنابراین باید به دنبال روشی بود تا در عین صیانت از حریم خصوصی کاربران از قربانی شدن آنها نیز پیشگیری کند. به عبارت دیگر هویت سایبری مطلوب مجرمان را شناسایی و کاربران عادی را در برابر آنها محافظت می‌کند و مانع از نقض حریم خصوصی هر دو گروه می‌شود (Bernabe et al., 2020; Cusack and Ghazizadeh, 2019).

۳. اعطای هویت سایبری

«آرپانت»^۱ در سال ۱۹۶۰ توسط وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا به منظور سهولت تبادل اطلاعات بین مراکز تحقیقاتی نظامی و جلوگیری از قطع ارتباطات مراکز نظامی در زمان جنگ، شروع به کار کرد و رفته‌رفته با گسترش در سراسر دنیا و پیوستن سایر کشورها به آن، شبکه جهانی اینترنت را پایه‌گذاری کرد (جاویدنیا و کوشا، ۱۳۹۱). این شبکه جهانی از پروتکل‌های امنیتی و ارتباطی منحصر به فردی استفاده می‌کند تا انضباط لازم را برای پیوستن دستگاه‌های هوشمند به آن سامان‌دهی کند (Schafer and Serres, 2017). حجم وسیع اطلاعات موجود در این فضا سبب می‌شود تا پروتکل‌های^۲ ارتباطی و مسیریابی برای تبادل اطلاعات میان کاربران ایجاد شود. TCP/IP که به اختصار IP^۳ از آن یاد می‌شود به عنوان پروتکل اصلی ارتباطی در فضای مجازی، وظیفه شناسنامه‌دار کردن کاربران را برای ایجاد سهولت در انتقال اطلاعات را برعهده دارد به این صورت که

-
1. Arpanet
 2. Protocols
 3. Internet Protocol

هر فرد برای ورود به شبکه جهانی اینترنت باید از طریق سیستم مخابراتی کشور IP لازم را دریافت کند تا بتواند به اینترنت متصل شود (Sridhar, 2019). بنابراین کلید ورود به فضای مجازی، دریافت پروتکل اینترنتی یا همان IP است. برخلاف هویت سایبری که توسط کاربران ساخته و پرداخته می‌شود، IP متشکل از مقادیر فرمول نویسی شده است که هر جزء آن حامل ویژگی‌های ثابت و غیرقابل تغییری است که کاربر استفاده‌کننده از آن را در فضای مجازی از سایرین متمایز می‌کند و امکان برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات را برای وی با ایجاد یک آدرس منحصر به فرد فراهم می‌کند (Wang, Yuan and Archer, 2006). از این رو کاربر برخلاف هویت ابرازی، نقشی در ایجاد یا حذف آن ندارد و داده‌های هویتی آن متأثر از قواعد حقوقی کشورها نیست و پروتکل اینترنت خصیصه هویتی کاربر را در فضای سایبر تعیین می‌کند و پاسخ به پرسش «من کیستم؟» را به نیابت از او می‌دهد و با نگاهی سایبری و فنی، شاخه جدیدی را به تعاریف هویت تحت عنوان هویت سایبری اضافه می‌کند. در واقع IP گواهی سایبری از کاربر حقیقی به مراجع قانونی می‌دهد که در صورت بروز فعل مجرمانه سایبری، می‌تواند برای دستیابی به هویت حقوقی فرد در عالم واقع و بررسی انتساب جرم به وی کارآمد باشد. برقراری رابطه انتساب میان هویت سایبری و هویت حقوقی مستلزم شناخت چگونگی توزیع و محافظت از IP است تا بتوان مفاهیمی که از هویت سایبری کاربر دریافت می‌شود را به هویت حقیقی او مرتبط کرد.

۳-۱. فرایند توزیع هویت سایبری

ورود به عرصه بی‌کران اطلاعات در فضای مجازی در کنار مزایای بی‌شمارش در بردارنده انواع و اقسام مختلف تهدیدات امنیتی، اقتصادی و فرهنگی است. با گسترش فناوری و ایجاد بستر اینترنتی برای انجام بسیاری از امور دولتی حتی تبادل کوچکترین داده، ابتدا ورود آن را به سیستم‌های نظارتی آیکان یادآور می‌شود و سپس راه مقصد را ادامه می‌دهد. برای مثال جستجوی کلمه «مقاله» از ایران در گوگل موجب می‌شود تا IP مورد استفاده در این زمینه اطلاعات درخواست شده را در یک پک رمزنگاری شده از ایران با استفاده از

شبکه جهانی اینترنت به سرورهای^۱ موتور جستجوی شرکت گوگل ارسال کند، اما در بین راه چون وظیفه این نقل و انتقال برعهده اینترنت است ابتدا اطلاعات را به سرورهای آیکان منتقل و از آنجا راهی موتور جستجوی گوگل می‌کند و برعکس اطلاعات دریافتی از گوگل را پس از ورود به سرور آیکان^۲ راهی رایانه کاربر در ایران می‌کند؛ درحالی‌که تمام این اقدامات در کسری از ثانیه رخ می‌دهد و کاربر احساس می‌کند که بدون واسطه با گوگل ارتباط گرفته است (Zalnieriute, 2019). موضوعی که در سال ۲۰۱۴ اعتراضات جهانی را علیه آیکان برای نقض حریم خصوصی و جاسوسی از کاربران اینترنت به نفع دولت آمریکا در پی داشت و موجب شد تا کشورها را به فکر تأسیس یک نهاد بین‌المللی در سازمان ملل برای مدیریت و نظارت بر پروتکل‌های اینترنتی بیندازد، طرحی که تاکنون با مقاومت آمریکا در سازمان ملل منتج به نتیجه‌ای نشده است (Perrin, 2018). از سوی دیگر مصارف اینترنت در بخش‌های مختلف نیازمند سرعت و دسترسی متفاوت است که مدیریت آن مستلزم در اختیار داشتن شاه‌راه اینترنت است. در کنار این موارد وقوع حملات و تهدیدهای سایبری در سال‌های اخیر سبب می‌شود تا دولت رأساً مدیریت اینترنت را برعهده گیرد و نحوه دستیابی کاربران به اینترنت را مدیریت کند. از این رو باید پروتکل اینترنت تهیه و طی فرایندی شفاف در بین کاربران توزیع شود (شهبازی، شفیعی و ابوطالبی، ۱۳۹۰). اما اینکه چه ارگانی وظیفه تهیه IP را برعهده دارد و چه اشخاصی در امر توزیع دخالت دارند، موضوعاتی هستند که توضیح آنها مشخص‌کننده پروسه‌ای است که دولت مطابق آن حاکمیت خود را بر موضوع اینترنت اعمال می‌کند.

۱-۳. تأمین‌کنندگان خدمات دسترسی

در فضای حقیقی سازمان ثبت احوال وظیفه دارد تا برای ایرانیان مدارک هویتی از قبیل شناسنامه و کارت ملی صادر کند و افراد هم براساس اطلاعات هویتی‌شان می‌توانند نیازهای اجتماعی خود را برطرف کنند، برای مثال حساب بانکی افتتاح،سیم‌کارت خریداری و فعال‌سازی کنند. در فضای سایبر موضوع کاملاً متفاوت است و دولت‌ها نقشی در ایجاد

1. Servers

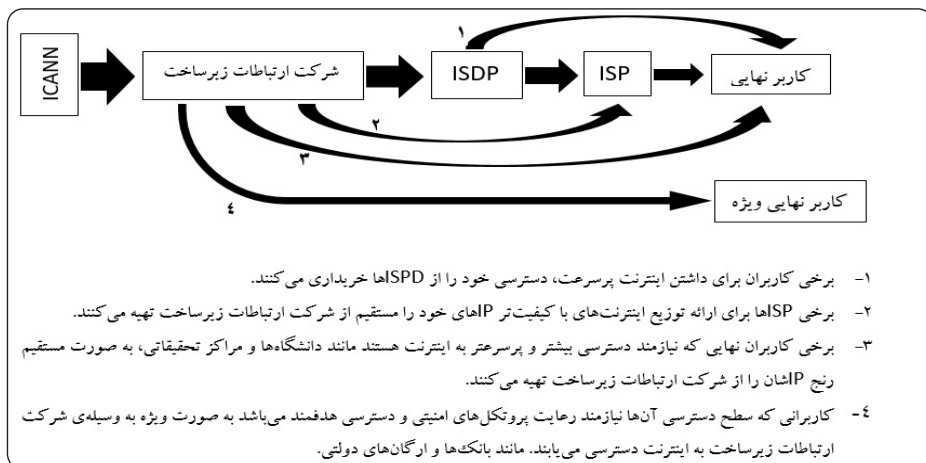
2. Internet Corporation for Assigned Names and Numbers

هویت سایبری ندارند، بلکه وظیفه توزیع آن را بین کاربران اینترنت برعهده دارند. همان طور که بیان شد وزارت دفاع ایالات متحده طراح و توسعه دهنده شبکه گسترده جهانی اینترنت است و از همان ابتدا صدور و واگذاری IP های معتبر و دسترسی به این شبکه را در شرکت آمریکایی آیکان برعهده دارد و با تنظیم پروتکل اینترنت به افرادی اجازه اتصال به فضای مجازی را می دهد که IP معتبر داشته باشد. کشورها با اخذ IP های معتبر از این شرکت و با سازوکار مختص به خود نسبت به توزیع آن بین کاربران اقدام می کنند تا اطلاعات افرادی که با استفاده از آن وارد فضای سایبر می شوند را در اختیار داشته باشند و نظارت لازم را اعمال کنند. برای تبیین بهتر موضوع پیگیری مباحث آتی با یک مثال عاریه ای راهگشا خواهد بود. رانندگی در جاده های شهری و بین شهری مستلزم استفاده از خودرویی است که دارای پلاک انتظامی است، در واقع شماره انتظامی موجب شناخته شدن اتومبیل در میان میلیون ها وسیله نقلیه دیگر خواهد شد. برای سامان دهی عبور و مرور و اعمال سیاست های ترافیکی باید تصویر روشنی از تردد وسایل نقلیه وجود داشته باشد. از این رو نیروی انتظامی برای نظم دادن به حوزه حمل و نقل مسئول صدور و توزیع پلاک شده است، وظیفه ای که در موضوع پروتکل اینترنت در سطح بین المللی به آیکان واگذار شده (Becker, 2019) و در سطح ملی به وزارت ارتباطات محول شده است. شرکت ارتباطات زیرساخت که یکی از شرکت های دولتی زیرمجموعه وزارت ارتباطات است، وظیفه تأمین IP مورد نیاز داخل را برعهده دارد. تأمین IP در واقع همانند فرایند صدور پلاک است با این تفاوت که برای صدور پلاک، شهروند متقاضی اطلاعات خود برای خرید وسیله نقلیه را قبلاً در اختیار ناجا قرار داده است و آنها براساس این اطلاعات هویتی، شماره انتظامی منحصر به فردی را صادر می کنند، سپس با اطلاعاتی که بر روی آن ثبت است سیاست گذاری می کنند. اما در خصوص IP قضیه کاملاً متفاوت است چرا که دولت IP را صادر نمی کند، بلکه آن را بعد از تأمین میان کاربران توزیع می کند. بنابراین دولت چگونه می خواهد بر IP های بی نام و نشان اعمال حاکمیت کند؟ به عبارت دیگر چگونه متوجه خواهد شد که چه IP ای در اختیار چه شخصی است؟ بنابراین لازم است تا بعد از تأمین پروتکل اینترنت و در زمان توزیع تدابیری را اتخاذ کند تا دغدغه های او را نسبت به بهره برداری از هویت سایبری تا حدودی مرتفع شود.

۳-۱-۲. توزیع کنندگان خدمات دسترسی

پس از تأمین خدمات دسترسی، وزارت ارتباطات به وسیله سازمان تنظیم مقررات رادیویی مجوز لازم را به شرکت‌های ارتباطی خصوصی برای توزیع IP میان کاربران نهایی یا شرکت‌های عرضه‌کننده اینترنت صادر می‌کند. عرضه‌کنندگان اینترنت^۱ می‌توانند پهنای باند را به کاربران نهایی عرضه کنند یا به شرکت‌های دیگری برای توزیع میان کاربران نهایی واگذار کنند. بنابراین شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت^۲ در نهایت وظیفه توزیع اینترنت را برعهده می‌گیرند. شرکت ارتباطی تلفن همراه و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات ADSL به‌عنوان شرکت‌های شناخته شده توزیع اینترنت در ایران شناخته می‌شوند (جاویدنیا و کوشا، ۱۳۹۱). اهمیت شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت به این دلیل است که وظیفه نهایی توزیع هویت سایبری را میان کاربران برعهده دارند و باید اطلاعات استفاده کاربران را حفاظت و نگهداری کنند تا در مواقع ضروری ارائه این اطلاعات بتواند ارتباط لازم میان هویت سایبری و هویت حقوقی برای انتساب مسئولیت کیفی را برقرار کند (Bates, Bavitz and Hessekiel, 2017).

شکل ۱. ساختار توزیع هویت سایبری



1. Internet Service Distribution Provider (ISDP)

2. Internet Service Provider (ISP)

شکل ۱ نشان می‌دهد که چگونه پروتکل اینترنت توسط شرکت ارتباطات زیرساخت، تأمین و برای توزیع در اختیار شرکت‌های عرضه‌کنندگان اینترنت و توزیع‌کننده اینترنت قرار می‌گیرد. این شرکت‌ها به موجب دستورالعمل‌های سازمان تنظیم ارتباطات رادیویی زمانی مجوز واگذاری IP به کاربر را دارند که پس از احراز هویت حضوری کاربران در چارچوبی از قبل تعیین شده اطلاعات هویتی آنها را ثبت و ضبط کنند. از این پس مشخصات IP که برای هر بار اتصال به اینترنت در اختیار کاربر قرار می‌گیرد در ردیف اطلاعات هویتی او ثبت می‌شود. در واقع شناسنامه‌دار کردن هویت سایبری با اطلاعات هویت حقوقی و وظیفه این شرکت‌هاست (سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، ۱۳۸۵). برای مثال دانشگاه به‌عنوان کاربر نهایی نسبت به تهیه IP از شرکت ارتباطات زیرساخت اقدام و تعداد هزار آدرس IP را با تنظیم قرارداد اخذ می‌کند و آنها را در اختیار دانشجویان، اساتید و بخش اداری خود قرار می‌دهد. بدیهی است که هر اتفاقی که در فضای سایبر با این رنج از IP‌ها رخ دهد؛ شرکت ارتباطات زیرساخت در استعلام دانشگاه را صاحب آن اعلام می‌کند. بنابراین دانشگاه‌ها برای جلوگیری از چنین اتفاقی، جداگانه در نقش یک شرکت توزیع‌کننده اینترنت ظاهر شده و براساس شماره دانشجویی یا کد پرسنلی نسبت به تعریف کاربری جداگانه برای اعضای خود اقدام می‌کند تا در صورت بروز مشکل بتوان تشخیص داد هویت سایبری در اختیار چه شخصی بوده است؟ این مثال و بسیاری از موارد مشابه نشان می‌دهد که هویت سایبری گونه‌های مختلفی دارد که شناخت ویژگی هر یک نقش مهمی در برقراری رابطه مسئولیت کیفری ایفا خواهد کرد.

۲-۳. گونه‌شناسی هویت سایبری

توسعه و برقراری خدمات دسترسی به اینترنت برای کشورهای مختلف در اختیار شرکت آمریکایی آیکان است. این شرکت با پیروی از سیاست‌های دولت فدرال^۱ آمریکا نحوه عملکرد خود را با دولت‌های دیگر سامان دهی می‌کند. به همین دلیل این شرکت همسو

1. Federal

با تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، میزان IP بسیار کمتری را در اختیار ایران قرار می‌دهد. از طرف دیگر سیاست‌های داخلی در ایجاد محدودیت برای کاربران اینترنت از طریق پالایش محتوا و فیلترینگ^۱ سبب می‌شود تا کاربران نهایی برای دسترسی به اینترنت، با گونه‌های متفاوتی از هویت سایبری مواجه شوند. بدیهی است شناخت انواع مختلف IP‌های استفاده شده توسط کاربران به برقراری دقیق تر ارتباط میان هویت حقیقی با هویت مجازی کاربر و در نهایت تشخیص انتساب مسئولیت کیفری در فضای سایبر کمک شایانی می‌کند. استعلام شماره پلاک انتظامی می‌تواند به رفع پیچیدگی بحث کمک کند. تصور کنید یک دستگاه اتوبوس با پلاک مشخص که هر روز وظیفه حمل و نقل عمومی مسافران را با راننده‌ای متفاوت در سطح شهر برعهده دارد، وسیله ارتکاب جرم واقع شود، پرسش اول برای رسیدن به راننده خاطی این است که شماره پلاک آن چه عددی بوده است؟ آیا رسیدن به پلاک وسیله‌ای که هر روز با یک راننده در سطح شهر تردد داشته، می‌تواند راهگشا باشد؟ پاسخ مثبت است چرا که دستیابی به پلاک موجب می‌شود تا خیل عظیمی از وسایل مشابه از مظان اتهام خارج شوند. در پرسش بعدی از شرکت خدمات حمل و نقل عمومی که راننده را استخدام کرده است، می‌توان در تاریخ و ساعت وقوع حادثه به متهم رسید. با این توضیح که هر اتوبوس در شیف‌ت کاری مشخص از طرف شرکت حمل و نقل در اختیار راننده‌ای است که مشخصات او در زمان تحویل وسیله ثبت و ضبط می‌شود، بنابراین رسیدن به پلاک وسیله نقلیه در کنار تاریخ و ساعت وقوع حادثه، مشخص می‌کند که راننده خاطی چه کسی بوده است. IP همانند اتوبوسی است که به دلیل تحریم توسط شرکت ارائه‌دهنده خدمات دسترسی در اختیار کاربران متعددی قرار می‌گیرد ولی در صورت وقوع جرم اطلاعات فنی ضبط شده از آن در سیستم‌های شرکت می‌تواند مشخص کند که هویت سایبری متعلق به شخصی بوده است. اما اگر راننده اتوبوس با هر وسیله‌ای پلاک را پنهان کند آیا باز هم می‌توان به راحتی مثال قبل، مسئولیت کیفری را به شخص معین منتسب کرد؟ حال اگر برای IP چنین اتفاقی رخ دهد شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات

دسترسی، اطلاعاتی برای کمک به دستگاه عدالت کیفری دارند؟ با ذکر این مثال‌ها ویژگی‌های دوگونه اصلی از هویت سایبری تشریح خواهد شد.

۱-۲-۳. هویت سایبری تقسیم شده

عدم همکاری آیکان با ایران در اختصاص میزان IP مورد نیاز و حجم بالای تقاضای اینترنت در کشور سبب می‌شود تا شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت با برنامه‌نویسی و استفاده از فناوری‌های مرتبط هر شناسه، IP معتبر را به چندین IP وابسته یا NAT^۱ تبدیل کنند و به این ترتیب تعداد IP مورد نیاز کاربران را برای اتصال به اینترنت فراهم کنند. به عبارت دیگر هویت سایبری در داخل کشور میان کاربران مختلف به اشتراک گذاشته می‌شود. به این صورت که در آن واحد چند نفر با هویت سایبری یکسان امکان حضور در فضای سایبر را دارند، اما به صورت مشخص شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت با توجه به برنامه‌نویسی که انجام داده‌اند؛ اطلاعات ردوبدل شده هر کاربر را در فضای مجازی با یک IP NAT طبقه‌بندی می‌کند که در مواقع ضروری می‌توان رفتار هر یک از کاربران را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، هرچند این امر به عنوان یک چالش اساسی در رسیدگی‌های قضایی شناخته می‌شود. برای مثال در یک پرونده کلاهبرداری رایانه‌ای، مجرم با IP NAT و با دسترسی به اطلاعات کارت بانکی بزه‌دیده اقدام به خرید از یک فروشگاه اینترنتی می‌کند. نتیجه تحقیقات نشان می‌داد که در زمان خرید از فروشگاه توسط متهم، هفت نفر دیگر با همان IP به اینترنت متصل بودند، اما فقط دو نفر از آنها به درگاه پرداخت الکترونیک متصل شده بودند (سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، ۱۳۹۸). در هر حال تجزیه و تحلیل خرید هر یک از این کاربران و انطباق آن با فروشگاه اینترنتی و کالایی که توسط متهم خریداری شده، برای برقراری رابطه میان رفتار و مرتکب آن و در نهایت انتساب مسئولیت کیفری، بسیار زمان‌بر است. این در حالی است که سرعت ارتکاب جرائم رایانه‌ای بسیار بالا و تعداد افراد بیشتری در معرض قربانی شدن قرار دارند (جوان جعفری بجنوردی و فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۵).

1. Network Address Translation (NAT)

۲-۲-۳. هویت سایبری پنهان شده

سیاست‌های دولت در مواجهه با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی فضای سایبر سبب شده است تا تدابیر فناورانه متنوعی برای کنترل اوضاع اتخاذ شود. یکی از این تدابیر پالایش و فیلتر محتوا و اطلاعاتی است که دسترسی به آنها از نگاه حاکمیت با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه منافات دارد. به عبارت دیگر چون ارائه خدمات دسترسی، توسط دولت مدیریت می‌شود و محدوده IP‌های فعال و در دسترس کاربران مشخص است، می‌توان با استفاده از فیلترینگ هوشمند دسترسی این IP‌ها را به برخی از اطلاعات محدود کرد؛ به نحوی که امکان دسترسی به آن اطلاعات با هویت سایبری که در اختیار دارند، غیرممکن شود (Ni et al., 2010).

پیشرفت تکنولوژی و پیدایش شبکه‌های خصوصی مجازی، سبب می‌شود تا سامانه‌های فیلترینگ کارایی لازم را نداشته باشند و کاربران بدون محدودیت بتوانند اطلاعات را در فضای مجازی دنبال کنند. نحوه عملکرد شبکه‌های خصوصی مجازی که به اختصار فیلترشکن^۱ نامیده می‌شوند به این صورت است که این شبکه مجازی برای سامانه فیلترینگ به عنوان داده مخرب شناخته نمی‌شود، بنابراین کاربر با هویت سایبری که در ایران تهیه کرده است به این شبکه متصل می‌شود و از این طریق با یک IP جدید اما ناشناس برای سامانه فیلترینگ داخلی وارد فضای مجازی می‌شود و اطلاعات خود را از همین مسیر دریافت می‌کند بدون اینکه سامانه فیلترینگ متوجه شود و شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت اطلاعات هویتی او را ثبت کند. ذکر این نکته ضروری است که اساس اتصال به شبکه جهانی اینترنت، داشتن IP معتبر است. اینکه بگوییم فیلترشکن هویت سایبری را دگرگون می‌کند، کاملاً نادرست است. فیلترشکن صرفاً هویت سایبری کاربر را در پوششی ناشناس و رمزنگاری شده قرار می‌دهد، به گونه‌ای که توزیع‌کنندگان اینترنت داخلی که از سیستم فیلترینگ هوشمند تبعیت می‌کنند، نمی‌توانند تشخیص دهند که داده‌های رمزنگاری شده چیست. در واقع فیلترشکن برای دسترسی کاربر به اینترنت مسیر تازه و ایمنی را جدا از شکل ۱ ایجاد می‌کند ولی در هر حال اطلاعات هویت سایبری

1. Virtual Private Network (VPN)

معتبر او در سرورهای شبکه خصوصی مجازی ثبت و ضبط شده است؛ اما توزیع کنندگان اینترنت ایرانی هویتی پنهان شده از کاربر را در حافظه خود ضبط می‌کند و اطلاعی از هویت سایبری اصلی او ندارد (فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۵). ذکر این نکته ضروری است که اساس اتصال به شبکه جهانی اینترنت، داشتن IP معتبر است و بیان اینکه فیلترشکن هویت سایبری را دگرگون می‌کند، کاملاً نادرست است چرا که فیلترشکن فقط هویت سایبری کاربر را در پوششی ناشناس و رمزنگاری شده برای شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت داخلی که از سیستم فیلترینگ هوشمند تبعیت می‌کند، تعریف می‌کند و برای دسترسی او به اینترنت ایجاد مسیر تازه و ایمنی را ایجاد می‌کند ولی در هر حال اطلاعات هویت سایبری معتبر او در سرورهای شبکه خصوصی مجازی ثبت و ضبط شده است اما شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت ایرانی هویتی پنهان شده از کاربر را در حافظه خود ضبط می‌کند و اطلاعی از هویت سایبری اصلی او ندارد (فرهادی آلاشتی و جوان جعفری بجنوردی، ۱۳۹۵). متأسفانه استفاده مجرمان سایبری از قابلیت پنهان‌سازی فیلترشکن برای برقراری رابطه انتساب مسئولیت کیفری، مشکل ایجاد می‌کند. آمارهای پرونده‌های کیفری گویای استفاده ۹۳ درصدی متهمان جرم کلاهبرداری رایانه‌ای از سرورهای مجازی برای پنهان کردن هویت سایبری است و چون شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت ایرانی مشخصه‌های هویت سایبری متهم را در اختیار ندارد، نمی‌تواند دستگاه عدالت کیفری را برای دستیابی به هویت حقیقی متهم یاری کند و عملاً دستیابی به متهمان از این طریق با شکست مواجه می‌شود (آمارنامه سایبری دادسرای ویژه جرائم رایانه مشهد، ۱۳۹۸).^۱

۱. آمارهای مذکور دربردارنده این نکته هستند که سیاست‌های کنترلی دولت از طریق ایجاد محدودیت برای دسترسی به اینترنت نه تنها در ساماندهی آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی توفیقی نداشته‌اند، بلکه موجب هدایت کاربران به سمت استفاده از فیلترشکن برای رفع محدودیت شده است. بنابراین باید به دنبال روشی بود که آثار منفی کنترل به حداقل برسد و زمینه دسترسی آزاد به اینترنت فراهم شود و کاربر به‌گونه‌ای که امکان ردیابی IP‌های اصلی و پنهان شده او فراهم است، به اینترنت متصل شود. بحث در خصوص علت آثار منفی کنترل و تدوین روش‌های جایگزین نیازمند پژوهشی خاص است.

۴. ارتباط مسئولیت کیفری با هویت سایبری

مسئولیت کیفری عبارت است از الزام شخص به پاسخ‌گویی در قبال نقض حقوقی که برای صیانت از آنها جرم‌انگاری انجام شده، تحمل آثار و عواقب ناشی از آن (مجازات) و در نهایت استحقاق و سزاواری تحمل این موارد (اردبیلی، ۱۳۹۳). مسئولیت کیفری در فضای سایبر مفهومی غیر از این ندارد و تحمل آثار فعل مجرمانه‌ای است که فرد در فضای مجازی مرتکب شده است (رضوی فرد و موسوی، ۱۳۹۵). مبانی مسئولیت کیفری نشان می‌دهد که اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و در واقع باید مرتکب رفتاری که عمل و واجد اثر کیفری است را شناسایی کرد؛ بنابراین تشخیص هویت واقعی متهم برای بررسی انتساب جرم و بررسی شرایط مسئولیت کیفری، اولین اقدامی است که مقام قضایی پس از بررسی صلاحیتش در پرونده کیفری دنبال می‌کند. برقراری ارتباط میان دنیای واقعی با فضای سایبر در یک پرونده کیفری امکان‌پذیر نیست، بلکه باید این ارتباط از قبل شکل گرفته باشد و مقام قضایی نسبت به کشف ارتباط اقدام کند. در مثالی ساده، زمانی که فرد با استفاده از شبکه اینترنت اقدام به نشر اکاذیب علیه فرد یا شخصیت حقوقی می‌کند، صرفاً اطلاعات مربوط به هویت ابرازی وی برای بزه‌دیده و مقام تحقیق معلوم است که این برای انتساب عمل مجرمانه و تحمیل مجازات کافی نیست و دستگاه عدالت کیفری جایگاهی در هویت بخشی سایبری به متهم ندارد تا بتواند رفتار مجرمانه را به شخص مشخص در فضای حقیقی منتسب کند. اینجاست که اهمیت مبادی هویت بخشی سایبری در نظام رسیدگی قضایی مشخص می‌شود.

دسترسی به فضای سایبر مستلزم تهیه هویت سایبری یا همان IP از شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دسترسی است که این امر راه‌های متنوعی دارد. براساس مطالعات انجام شده دسترسی به اینترنت از طریق سیم‌کارت ارتباطی همراه و شبکه اینترنت خانگی بیشترین سهم در بازار فروش شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دسترسی به اینترنت را دارد، به نحوی که شرکت بین‌المللی داده^۱ IDC در سه ماهه اول سال ۲۰۱۷ تعداد ۳۴۴ میلیون

1. International Data Corporation (IDC)

تلفن همراه هوشمند را در فضای سایبر شناسایی کرد (Wang, 2017). این موارد در کنار گسترش سریع و افزایش محبوبیت و استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان موبایلی خبر از تبدیل شدن موبایل به عضو لاینفک جوامع بشری را می‌دهد (Bennett, 2015). سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در زمان انعقاد قرارداد و اعطای مجوز فعالیت و همچنین به موجب ماده (۵) آیین‌نامه واحدهای اطلاع‌رسانی و خدمات اینترنت، شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت را مکلف می‌کند تا در فرم‌های ثبت‌نام مخصوص، اطلاعات هویتی کاربران را به صورت کامل دریافت، تصویری از کارت ملی آنها را اخذ و ضمن احراز هویت، اطلاعات را به سازمان ارسال و نسخه‌ای از آن را بایگانی کنند. به این منظور قانونگذار در ماده (۶۶۷) قانون آیین دادرسی کیفری، این شرکت‌ها را مکلف به نگهداری و حفاظت اطلاعات کاربران برای مدت حداقل ۶ ماهه پس از خاتمه اشتراک کاربران کرده است. این اطلاعات شامل قرارداد واگذاری خدمات دسترسی به اینترنت، IP و سایر اطلاعات هویت حقوقی کاربران می‌شود، به نحوی که امکان ردیابی کاربران در فضای مجازی از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. بنابراین کاربر مهمترین رکن زنجیره هویت سایبری است و زمانی که جرم سایبری اتفاق می‌افتد؛ شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت با دنبال کردن این زنجیره و انطباق IP به جامانده از متهم در دیواره‌های آتش سایت‌ها و درگاه‌های اینترنتی که مجرم به آنها مراجعه کرده است با بانک اطلاعاتی که در زمان ثبت‌نام و اعطای IP به کاربران داشته‌اند، درمی‌یابند که هویت سایبری مجرمانه در زمان وقوع جرم به چه شخصی منتسب است (Ji et al., 2007).

نکته‌ای که در برقراری ارتباط میان هویت سایبری با هویت حقوقی فرد حائز اهمیت است، بررسی قابلیت استنادپذیری یا انکار هویت سایبری است، به عبارت دیگر مهمترین قرینه‌ای که از مجرم در بررسی صحنه ارتکاب جرائم سایبری به دست می‌آید، IP وی است و باید دید که این قرینه در نظر مراجع قضایی و قوانین کیفری از چه جایگاهی برخوردار است؟ چرا که انکار متهم در مورد استفاده از هویتی که به او نسبت داده شده است

می‌تواند اصلی‌ترین وسیله احراز انتساب جرم و بررسی مسئولیت کیفری را کنار بزند. وزارت دادگستری ایالات متحده سوابق و دلایل الکترونیکی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

(الف) دلایل با منشأ رایانه،

(ب) دلایلی که در رایانه نگهداری می‌شوند،

(ج) دلایلی که از دو ماهیت قبلی تبعیت می‌کنند.

منشأ رایانه‌ای به آن دسته از داده‌های الکترونیکی اطلاق می‌شود که کاربر نقشی در ایجاد آنها ندارد، مانند اطلاعاتی که از سوابق موقعیت جغرافیایی بر روی تلفن همراه ذخیره می‌شود یا اطلاعاتی که شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دسترسی از کاربران در اختیار دارند. اما دسته دوم دلایلی هستند که کاربر در ایجاد، تغییر، نگهداری یا حذف آنها نقش ایفا می‌کند، مانند پیام‌های پست‌های الکترونیکی یا واژگانی که در نرم‌افزار Word می‌نویسد. دسته سوم دربرگیرنده ویژگی‌های موارد قبلی است، مانند صفحات فیشینگی که کلاهبرداران رایانه‌ای برای صید اطلاعات کارت‌های بانکی کاربران طراحی می‌کنند، به عبارتی صفحات وب طراحی شده در دسته دوم دلایل و جزئیاتی از قبیل زمان طراحی، IP طراح و مشخصات سیستمی که با آن طراحی انجام شده است در زمره دلایل با منشأ رایانه قرار می‌گیرد (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶؛ Marcella and Menendez, 2007). در قوانین داخلی نیز ماده (۲) قانون تجارت الکترونیک و تبصره ماده (۶۶۷) قانون آیین دادرسی کیفری به موارد فوق اشاره کرده است. داده پیام در دسته دوم دلایل الکترونیکی قرار می‌گیرد و ارزش اثباتی آن مطابق مواد (۱۳ و ۱۴) قانون تجارت الکترونیک بسته به طرق ایجاد مطمئن یا نامطمئن آن متفاوت است، به صورتی که مطابق ماده (۱۴) داده پیامی که به طرق مطمئن ایجاد و نگهداری شده باشد در حکم اسناد معتبر بوده و ادعای انکار و تردید در مورد آنها مسموع نیست و در غیر این صورت از ارزش اثباتی کمتری برخوردار خواهد بود. اما IP به عنوان موضوع اصلی هویت سایبری مطابق تبصره ماده (۶۶۷) قانون آیین دادرسی کیفری در زمره دلایلی قرار می‌گیرد که توسط رایانه و بدون دخالت کاربر ایجاد می‌شود. چنانچه این دلایل مطابق آیین‌نامه جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی وفق موازین علمی و پلیسی با رعایت زنجیره حفاظتی جمع‌آوری شوند، استنادپذیر و

غیرقابل انکار خواهند بود (زندى، ۱۳۹۴). مطالعه رويه قضايى در مواجهه با ادله با منشأ رایانه خالى از لطف نيست. سوابق آمارى پرونده‌هاى كىفرى نشان مى‌دهد كه مقام تحقيق، دلایلى كه توسط رایانه ايجاد مى‌شوند را به عنوان يکى از قرائن مفيد علم قاضى در پرونده كىفرى لحاظ مى‌کند. آمار ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۸ پرونده‌هاى كىفرى دادسرای ویژه فضای مجازى مشهد نشان مى‌دهد كه در بيش از ۹۰ درصد كىفرخواست‌هاى صادره با اتهام رایانه‌اى، به IP به عنوان يکى از قرائن مفيد علم قاضى اشاره شده است و ادعاى انکار و تردید را در مورد آن مسموع نمى‌دانند، بلکه صرفاً در مواردی قرينه رایانه‌اى را منشأ علم قلمداد نمى‌کنند كه متهم دلیلى بر سوءاستفاده از هویت خود توسط فرد ديگرى را ارائه دهد (سامانه مدیریت پرونده‌هاى قضايى، ۱۳۹۸).

در تابستان سال ۱۳۹۷ نماینده حقوقى يکى از شرکت‌هاى هواپيمايى در مشهد با مراجعه به دادسرای ویژه فضای مجازى و طرح شکايت، اعلام داشت كه فردى ناشناس با دسترسى به پنل مدیریتى سايت فروش بليت‌هاى چارترى اين شرکت، اقدام به فروش بليت‌هاى مسيره‌هاى پروازى پرتدد با مبالغى بسيار ناچيز کرده و با صدور بليط برای خريداران موجب ورود خسارت هنگفت به شرکت شده است. شرکت زمانى متوجه موضوع مى‌شود كه تعداد زيادى از خريداران اين بليت‌ها، مسافرت خود را انجام دادند و خريداران حقيقى از پرواز جامانند و موجب بروز اعتراضات مردمى در فرودگاه شد و علاوه بر خسارت مالى، خدشه جدى به اعتبار شرکت وارد کرد. نتيجه تحقيقات قضايى نشان مى‌داد كه فردى با IP خاص ضمن نفوذ به سايت فروش شرکت هواپيمايى کنترل آن را به دست گرفته و مرتكب افعال مجرمانه سايبرى، دسترسى غيرمجاز به سامانه‌هاى رایانه‌اى و اخلال در عملکرد آن مى‌شود. با استعلام از شرکت ارتباطات زيرساخت، شرکت ارتباطى ارائه‌دهنده IP به فرد مشخص شد. سپس با مکاتبه با اين شرکت معلوم شد كه اين IP مربوط به اينترنت همراه موبایل بوده و در تاريخ و ساعت نفوذ در اختيار شماره سيم‌کارت خاصى بوده است. با احضار مالک سيم‌کارت به دادسرا و تحقيقات از او مشخص مى‌شود كه وی صاحب کافى شاپى در مشهد است كه برای مشتريانش امکان استفاده از اينترنت رایگان را فراهم کرده و فردى با سوءاستفاده از اين امکان مرتكب جرم شده است. هرچند قرائن

حکایت از انتساب اتهام به مالک IP بود اما دوربین‌های مداربسته محل کسب او نشان می‌داد که فرد دیگری در حال استفاده از IP برای ارتکاب جرم است. در نهایت با استفاده از اطلاعات پرداخت متهم در کافی شاپ هویت حقیقی وی شناسایی شد. اما اگر این فرد خارج از دید دوربین‌های مداربسته یا بیرون از کافی شاپ این جرائم را مرتکب می‌شد چه سرنوشتی در انتظار دارنده حقیقی IP بود؟ این مثال اهمیت بخش‌های مختلف برای تشخیص هویت سایبری به منظور انتساب مسئولیت کیفری نمایان و نقش دارنده هویت سایبری را برای محافظت از هویتش در فضای مجازی یادآوری می‌کند (سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی، ۱۳۹۸). این پرونده نشان می‌دهد که IP به‌عنوان یک دلیل الکترونیکی غیرقابل انکار بزه را به مالک آن منتسب می‌کند، اما متهم در دفاعیاتش به فیلم دوربین‌های مداربسته استناد کرد که نشان می‌داد در زمان ارتکاب جرم سایبری فرد دیگری با سوءاستفاده از سهل‌انگاری مالک واقعی هویت سایبری و با تصرف هویت او، مرتکب جرم سایبری می‌شود.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

هویت در علوم اجتماعی مفهومی چندوجهی است و در رشته‌های علمی مختلف تعاریف متفاوتی را به خود می‌گیرد. به ویژگی‌های منحصر به فردی که حاکمیت برای تمایز میان اتباعش در اختیار دارد و از این طریق علم حقوق آنها را شناسایی می‌کند، هویت حقوقی گفته می‌شود. به تبع در حقوق کیفری به وسیله این هویت متهم تحت پیگرد قرار می‌گیرد و مسئولیت کیفری رفتار مجرمانه به وی تحمیل می‌شود. ارتکاب جرم در فضای سایبر از این جهت مهم است که در نگاه اول همه چیز در خصوص مرتکب مبهم به نظر می‌رسد. اینکه چه شخصی و با چه هویتی مرتکب جرم شده است و چگونگی ارتباط میان مسئولیت کیفری با فضای سایبر سؤالاتی است که پاسخ آن در شناسایی هویت سایبری کاربران مجازی نهفته شده است. منظور از این هویت اطلاعاتی نیست که کاربران در فضای مجازی با آن خود را معرفی می‌کنند و هر آن امکان تغییر یا حذفش متصور است؛ بلکه داده‌هایی است که مانند حلقه‌های به هم پیوسته در یک ارتباط زنجیره‌ای از یک سو به صحنه جرم

و هویت سایبری که از متهم به جا مانده است و سیستم آن را گواهی می‌کند، وصل است و از سوی دیگر به هویت واقعی مرتکب در فضای حقیقی متصل می‌شود و امکان تحمیل مجازات را به‌عنوان ثمره مسئولیت کیفری بر مجرم میسر می‌کند. پروتکل اینترنت یا همان IP ابزار دستیابی کاربران به فضای مجازی است و بدون آن ارتباط کاربر با محیط سایبر قطع می‌شود. این پروتکل براساس قواعد فنی و مهندسی یک شناسه خاص را به کاربر می‌دهد که او را از سایر کاربران در فضای مجازی متمایز می‌کند. کشف علمی این شناسه وابسته به شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دسترسی به اینترنت است، جایی که اطلاعات مربوط به کاربران در فضای حقیقی با هویت سایبری آنها گره می‌خورد و بدون اینکه کاربر متوجه باشد در تمام فضای وب ردپای IP او برجای می‌ماند و در زمان وقوع جرم سایبری ضابطان قضایی مطابق دستورالعمل‌های فنی جمع‌آوری ادله دیجیتال در پرتو مقررات قانونی سبب می‌شوند تا قابلیت استنادپذیری این مدارک خدشه‌دار نشود و به موجب آن امر تعقیب و تحقیق ادامه یابد. انواع مختلف هویت سایبری محل چالش‌های فراوانی برای دستگاه عدالت کیفری است که قسمتی از آن در این پژوهش به تصویر کشیده شد. این مورد در کنار سؤالات بی‌پاسخی که در خصوص آنها مطرح شد، ضرورت مطالعات آتی روی چالش‌های هویت سایبری را آشکار می‌کند تا در آن شیوه‌های مقابله با استتار هویت از منظر متخصصان علوم سایبر مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که راه‌های پنهان‌سازی و به عبارت عامیانه دور زدن هویت سایبری به‌عنوان چالش اساسی دستگاه عدالت کیفری در مواجهه با مجرمان سایبری برای انتساب مسئولیت کیفری است. در ایران اصلی‌ترین راه اتصال کاربران به اینترنت، سیم‌کارت‌های مخابراتی است و بر همین اساس موارد ذیل به‌عنوان پیشنهاد‌های عملیاتی این پژوهش احصا می‌شود. هرچند که تبیین نقش هر یک از عوامل و نحوه پیشگیری فنی نیازمند پژوهشی مجزا در آن حوزه است.

- ساماندهی نحوه واگذاری سیم‌کارت‌های تلفن همراه در حال حاضر بزرگترین هدف پیش روی متولیان رصد و پایش فضای سایبری قلمداد می‌شود، چراکه در حال حاضر و به‌گواهی آماری که بیان شد، اینترنت همراه بیشترین سهم را در اتصال کاربران به

فضای مجازی از آن خود کرده است، جایی که نبود نظارت کافی بر نحوه صدور و واگذاری سیم کارت‌ها موجب می‌شود تا اصلی‌ترین گلوگاه نظارتی حاکمیت در اعطای دسترسی اینترنت به کاربران حقیقی با چالش جدی مواجه شود.

- بازنگری در سیاست‌های فیلترینگ؛ چرا که ممانعت از دسترسی کاربر به سایت‌ها و برنامه‌های فیلتر شده از مهمترین دلیل گرایش کاربران به سمت استفاده از فیلتر شکن محسوب می‌شود. در نهایت استفاده از این ابزار منجر به پنهان شدن هویت سایبری کاربر می‌شود و با توجه به نقابی که به او می‌دهد، می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب اعمال مجرمانه وی شود.

- عدم دستیابی به مقدار کافی IP سبب می‌شود تا شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت برای رفع این نقیصه و عرضه اینترنت به همه کاربران، اقدام به ایجاد IP وابسته یا NAT کنند. این امر در کنار عدم ساماندهی IP‌های نت شده توسط شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت به مخفی شدن هویت سایبری کاربر منجر می‌شود. بنابراین لازم است میزان IP مورد نیاز کاربران ایرانی به صورت معتبر از آیکان تأمین شود. در صورت عدم تأمین، شرکت‌های توزیع‌کننده خدمات دسترسی باید به ساماندهی نرم‌افزارهای تقسیم IP و نگهداری اطلاعات آن برای مدت زمان مشخص الزام شوند تا در صورت نیاز بتوانند جوابگوی دستگاه عدالت کیفری برای تعقیب متهمان سایبری باشند.

منابع و مآخذ

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران، میزان.
۲. آمارنامه سایبری دادسرای ویژه جرائم رایانه مشهد (۱۳۹۸). «پرسش نامه آماری کاربران مشهدی شبکه های اجتماعی»، بازیابی شده ۱۷ اسفند، ۱۳۹۸.
۳. باقری دولت آبادی، علی و فرج الله زارعیان جهرمی (۱۳۹۲). «تأثیر فضای مجازی بر هویت و همبستگی ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶(۶۰).
۴. جاویدنیا، جواد و جعفر کوشا (۱۳۹۱). جرائم تجارت الکترونیک، تهران، انتشارات خرسندی.
۵. جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۶). «استنادپذیری ادله الکترونیکی در امور کیفری»، مجله فقه و حقوق، ۴(۱۵).
۶. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا (۱۳۸۹). «جرائم سایبر و رویکرد افتراقی حقوق کیفری (با نگاهی به قانون مجازات اسلامی بخش جرائم رایانه ای)»، مجله دانش و توسعه، ۱۷(۳۴).
۷. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و زهرا فرهادی آلاشتی (۱۳۹۵). «بررسی تعارض رهیافت های تدابیر موقعیت مدار نظارت سایبری با حریم خصوصی کاربران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۳(۸۷).
۸. خالقی، ابوالفتح و زهرا صالح آبادی (۱۳۹۴). «مطالعه سرقت هویت در حقوق فدرال آمریکا با نگاهی اجمالی به حقوق ایران»، حقوق تطبیقی، ۲(۱۱).
۹. ذوالفقاری، ابوالفضل و سیدعلی پرهیز (۱۳۹۷). «بررسی مقایسه ای هویت واقعی و مجازی افراد (مورد مطالعه: جوانان شهر یاسوج)»، مدیریت اطلاعات، ۴(۲).
۱۰. رضوی فرد، بهزاد و سید نعمت الله موسوی (۱۳۹۵). «مسئولیت کیفری در فضای سایبر در حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش های حقوق کیفری، ۵(۱۶).
۱۱. ریتز، جورج (۱۳۸۲). نظریه های جامعه شناختی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۱۲. زندی، محمدرضا (۱۳۹۴). تحقیقات مقدماتی در جرائم رایانه ای، تهران، انتشارات جنگل.
۱۳. سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی (۱۳۸۵). «تصویب کلیات مقررات تأمین توزیع و عرضه خدمات اینترنت»، بازیابی شده از: <https://asnad.cra.ir/fa/Public/Documents/Details/cdcab54b-f687-e511-973c-68b599781b58>
۱۴. سامانه مدیریت پرونده های قضایی (۱۳۸۸). «پرونده های کیفری دادگستری کل استان خراسان رضوی با عنوان جرائم رایانه ای»، بازیابی شده ۱۷ اسفند، ۱۳۹۸.
۱۵. شهبازی، میثم، مسعود شفیعی و زینب ابوطالبی (۱۳۹۰). رویکرد شبکه ای به زیرساخت های حیاتی،

تهران، مرکز پژوهش‌های استراتژیک.

۱۶. طیبی، مرتضی و انیس خدادادی (۱۳۹۳). «سرقت هویت»، نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، ۱۰(۵).

۱۷. عمید، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۱۸. فرهادی آلاشتی، زهرا و عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی (۱۳۹۵). پیشگیری وضعی از جرائم سایبری: راهکارها و چالش‌ها، تهران، میزان.

۱۹. کوره‌پز، حسین محمد (۱۳۹۳). «نیمرخ جنایی بزهکاران سایبری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم.

۲۰. کوهی، کمال و محمدرضا حسینی (۱۳۹۱). «رابطه استفاده از رسانه‌های نوین با ابعاد هویتی در نوجوانان و جوانان ۲۹-۱۴ ساله شهر تبریز»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۴(۷۲).

۲۱. هیگنز، جرج و کترین دیویس مارکم (۱۳۹۷). شبکه‌های اجتماعی به مثابه ابزار ارتکاب جرم، ترجمه حمید دانش‌ناری و ابراهیم داوودی دهقانی، تهران، میزان.

22. Ayaburi, E. W. and D. N. Treku (2020). "Effect of Penitence on Social Media Trust and Privacy Concerns: The Case of Facebook", *International Journal of Information Management*, 50.

23. Bates, S., C. Bavitz and K. Hessekiel (2017). Zero Rating and Internet Adoption: The Role of Telcos, ISPs and Technology Companies in Expanding Global Internet Access: Workshop Paper and Research Agenda, *Berkman Klein Center Research Publication*.

24. Becker, M. (2019). "When Public Principals Give up Control Over Private Agents: The New Independence of ICANN in Internet Governance", *Regulation and Governance*, 13(4).

25. Bennett, S. (2015). 28% of Time Spent online is Social Networking, *Retrieved March*, 16, 2016.

26. Bernabe, J. B., M. David, R. T. Moreno, J. P. Cordero, S. Bahloul and A. Skarmeta

- (2020). "Aries: Evaluation of a Reliable and Privacy-preserving European Identity Management Framework", *Future Generation Computer Systems*, 102.
27. Chidimma Blessing, N., P. C. Okoli, E. A Chukwunonye and C. P. Ofojebe (2020). "Identity Orientation Dimensions as Correlates of Cyber-Aggressive Behaviour among Undergraduates", *International Journal of Innovative Science and Research Technology*. 5(4).
28. Cusack, B. and E. Ghazizadeh (2019). *Defining Cloud Identity Security and Privacy Issues: A Delphi Method*, Twenty-fifth Americas Conference on Information Systems, Cancún, México.
29. Hadzhidimova, L. I., and B. K. Payne (2019). "The Profile of the International Cyber Offender in the US", *International Journal of Cybersecurity Intelligence and Cybercrime*, 2(1).
30. Ji, S., J., Wang, Q. Min and S. Smith-Chao (2007). Systems Plan for Combating Identity Theft-a Theoretical Framework. In *2007 International Conference on Wireless Communications, Networking and Mobile Computing*.
31. Manago, A. M., M. B. Graham, P. M. Greenfield and G. Salimkhan (2008). "Self-presentation and Gender on MySpace", *Journal of Applied Developmental Psychology*, 29(6).
32. Marcella Jr, A. and D. Menendez (2007). *Cyber Forensics: A Field Manual for Collecting, Examining and Preserving Evidence of Computer Crimes*, Auerbach Publications.
33. Michel, M. C., M. Carvalho, H. Crawford and A. C. Esterline (2018). "Cyber Identity: Salient Trait Ontology and Computational Framework to Aid in Solving Cybercrime", In *2018 17th IEEE International Conference on Trust, Security and Privacy in Computing and Communications/12th IEEE International Conference on Big Data Science and Engineering (TrustCom/BigDataSE)*, IEEE.
34. Nagy, P. (2010). Second Life, Second Choice? The Effects of Virtual Identity on Consumer Behavior, A Conceptual Framework, In *Proceedings of FIKUSZ'10*

Symposium for Young Researchers.

35. National Research Council, Kent, S. T. and L. I. Millett (2003). *Who goes There?: Authentication Through the Lens of Privacy*, National Academies Press.
36. Ni, Q., E. Bertino, J. Lobo, C. Brodie, C. M. Karat, J. Karat and A. Trombeta (2010). "Privacy-aware role-based Access Control", *ACM Transactions on Information and System Security (TISSEC)*, 13(3).
37. Okoli, P. C. (2020). Identity Orientation Dimensions as Correlates of Cyber-Aggressive Behaviour among Undergraduates.
38. Perrin, S. E. (2018). *The Struggle for WHOIS Privacy: Understanding the Standoff Between ICANN and the World's Data Protection Authorities* (Doctoral Dissertation).
39. Schafer, V. and A. Serres (2017). *Histories of the Internet and the Web*, Infoclio.
40. Sridhar, V. (2019). Who Governs the Internet? *Emerging ICT Policies and Regulations*, Springer, Singapore.
41. Sun, Y., S. Fang and Y. Hwang (2019). "Investigating Privacy and Information Disclosure Behavior in Social Electronic Commerce", *Sustainability*, 11(12).
42. Wang, T. (2017). "Social Identity Dimensions and Consumer Behavior in Social Media", *Asia Pacific Management Review*, 22(1).
43. Wang, W., Y. Yuan and N. Archer (2006). "A Contextual Framework for Combating Identity Theft", *IEEE Security and Privacy*, 4(2).
44. Yang, J., Y. Shi, and J. Yang (2011). "Personal Identification Based on Finger-vein Features", *Computers in Human Behavior*, 27(5).
45. Zalnieriute, M. (2019). "From Human Rights Aspirations to Enforceable Obligations by Non-State Actors in the Digital Age: The Example of Internet Governance and ICANN", *Forthcoming (2019) XXI Yale Journal of Law and Technology*.

فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب شبا ۸۲۱۰۱۰۰۹۰۱۰۰۰۴۰۰۱۰۰۰۵۴، نزد بانک مرکزی به نام درآمد متفرقه خزانه وزارت دارایی واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

بهای اشتراک: درخواست سالانه ۴ شماره ۱,۲۰۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۴,۰۰۰ ریال. ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد. **نشانی:** تهران، خیابان پاسداران، روبه‌روی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است

به تعداد ۴ یا ۸ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام

به نشانی زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی: شغل: تحصیلات:

نشانی:

کدپستی: تلفن: دورنگار:

E-mail:.....

شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله باید مطابق یک روش علمی شناخته شده باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مأخذ نیز داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.
 ۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و به طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی مؤلف (نویسنده مسئول) و دیگر همکاران احتمالی ارائه شود.
 ۳. ارسال ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها نیز همراه مقاله ضرورت دارد.
 ۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود و درج فرمول‌ها با استفاده از نرم‌افزار MahtType ضروری است.
 ۵. ارسال مقاله از طریق ثبت نام در سایت فصلنامه به آدرس <http://nashr.majles.ir> انجام شود.
 ۶. حجم مقاله ارسالی باید بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ کلمه باشد (۱۰ تا ۱۵ صفحه قطع A4 با احتساب چکیده‌های فارسی و انگلیسی).
 ۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
 ۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.
 ۹. در مقابل اطلاعات، آمارها و هرگونه ادعایی، منبع به صورت درون‌متنی آورده و در پایان نیز مرجع کامل آن ذکر شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.
- منابع فارسی: نام خانوادگی مؤلف، سال نشر: صفحه؛ مثال (فرهادی، ۱۳۷۶: ۶۵).
- منابع لاتین: صفحه؛ سال نشر، نام خانوادگی مؤلف؛ مثال (Smith, 1995: 18).
- در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه «همان» با شماره صفحه و در لاتین "Ibid." نیز به همین ترتیب اکتفا شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شود آن آثار، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.
۱۰. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.
 ۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین) همچون مثال‌های زیر:
- الف) کتاب: نام خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب به صورت ایتالیک، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد
- ب) مقاله مندرج در مجلات: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه به صورت ایتالیک، دوره نشریه، شماره نشریه.

چکیده انجمنی مقالات

Cyber identity: The Password for Assigning Criminal Responsibility*Abdul-Reza Javan Jafari Bujnordi and Mohammad Moghanni-Bashi*

In the present era, with the advancement of technology and communication devices, we are witnessing a significant presence of users in cyberspace. A mysterious and endless space with unique features that can appeal to any taste. The increase in cybercrime reflects the special interests of criminals in these features, which include, anonymity and the presence of uninformed victims. In using punishment as their first means of defense against cybercriminals, human societies face the challenge of not identifying the culprit. However, the fact is that cybercriminals have stepped into the realm of space and have no known identity. With the help of technology, the criminal justice system can track the accused's left footprint and, by obtaining a cyber identity and linking it to the available information on how the accused accesses the Internet, it identifies their legal identity in real space, and so imposes criminal responsibility on them for criminal behavior. Decryption of the connection between technology and criminal law is possible in the first step of the cybercrime investigation process, in other words, the accused can be identified with the help of the Internet Protocol or IP.

Keywords: *Criminal Liability; Assignment; Cyber Identity; IP*

Designing a Model of Factors Affecting the Formation of Economic Corruption in Iran Using a Structural-Interpretive Modeling Approach

Hossein Bakhtiari, Ali Salehnia and Vahid Seyfi

Economic corruption has always brought about the most damaging destruction of the body of governments and states, and this fundamental weakness, not only creates frustration among the people but leads to a gap between the nation and the government. This, in turn, impacts sustainable national security variables directly such that, they can be considered to be among the most important security threats of any country.

Given the current state of the country's economy and the serious need for operational planning to combat economic corruption, it is necessary to identify the effective factors in the formation of economic corruption and to categorize these factors so that effective practical steps can be taken to combat economic corruption.

This study aims to carry out an operational and strategic research in order to identify the factors affecting economic corruption and their categorizations. First, we identified the causes of economic corruption. Then, using semi-structured interviews, which were conducted via the completion of a questionnaire by twelve scientific and executive experts, and using the structural-interpretive modeling approach, we categorized and modeled these factors in order to aid the policymakers and managers of the Islamic Republic of Iran in the fight against economic corruption, which is considered to be one of its main security threats.

The results indicated, the components of «instability in the country's economic system», «inefficiency of anti-corruption laws», «monopolies in the economy» and «institutionalization of the oil-based economy» are among the independent criteria, which constitute the key factors aiding the formation of economic corruption in Iran.

Keywords: *Corruption; Economic Corruption; Modeling; Interpretive-Structural Model*

A Roadmap for the Implementation of Resistance Economic Policies in Iranian Sports

Alireza Elahi, Hossein Akbari Yazdi, Chalak Majidi and Reza Khorshidi

Resistance economy is one of the most important current policies of the Islamic Republic of Iran and so government organizations and ministries, in turn, are also developing plans to implement these policies. Thus, sport as one of the dimensions of cultural, social and even commercial development of the country is no exception. Therefore, the present study was conducted with the aim of developing a roadmap for the Iranian sports system in order to aid the implementation of resistance economic policies. In this research, the qualitative method and the strategic studies' approach were used. Conducting semi-structured interviews and reviewing existing and upstream documents were the two main methods of data collection used in the present study. The key performance areas were determined and prioritized using the pairwise comparison method. The priorities were human resources, rules, structures and processes, research, development and innovation, marketing and financial management, area quality and productivity, and the field of diplomacy and culture, respectively. Also, 15 strategies were developed to implement resistance economic policies in sports and were strongly, moderately, and weakly related to key areas of performance. In order to realize each of the 15 developed strategies, a list of basic actions along with the evaluation index and those in charge of implementing each of the measures were determined. This research can provide a roadmap for any sports organization that wants to make its own plans and consider resistance economic policies. Furthermore, the key performance indicators provided in this research can be used to evaluate the extent to which Iran's sports organizations have been successful in executing resistance economic policies.

Keywords: *Resistance Economy in Sport; Strategies; Sections; Key Performance Areas; Evaluation Indicators*

The Development of a Strict Criminal Policy in Order to Legally Amend the Limitations of the Death Penalty for Drug Crimes

Saeed Sanei, SeyedHossein Hosseini and SeyedMehdi Seyedzadeh Thani

The development of the penal policies brought about by the legislator has not been fixed for executions and so has shifted towards the enactment of strict penal policies or their limitation. The present study investigates the changes in the scope of penal policies in Iran in regards to drug-related crimes deserving execution. This was done using the descriptive – analytical method and indicated that the lawmaker has further increased the scope of strict penal policies and their execution in the last legislative will, Article 45 of the amendment enacted in 14/10 2017, claiming the punishment for the aforementioned crime has decreased.

Although the legislature has tried to limit the strict criminal policies by taking measures such as reducing the scope of crimes punishable by death by increasing the weight of drugs and converting final sentences into imprisonment and fines, it is evident that in practise, the severity of the penal policies has become much more prominent than before. This is as a result of the deprivation of death row inmates from compassionate measures, use of ambiguous legislative terms, expansion of the role of criminal records in the death sentence, independent criminalization of criminals and standardization of some drug-related crimes.

Keywords: *Penal Policy; Limiting the Execution Punishment; Drugs; Increased Criminal Hardship; Article 45 of the Amendment*

The Evaluation and Rating of Standard Indicators of Transparency and the Public Disclosure of Financial Statements within the Banking System

Ruhollah Ebadi and Zahra Sarkarrah

Transparent and comparable financial information is one of the main pillars of executive manager accountability, one of the basic needs of economic decision makers and one of the irreplaceable requirements for economic development and growth in the public and private sectors. Transparency oversight leads to the stabilization and expansion of the national banking system and reduces the conflict between bankers and depositors.

With the increasing expansion of economic interactions at the international level and the need to pay attention to capital flows, the introduction of appropriate standards of transparency in financial systems, is an important step to equip and appropriate the allocation of resources, promote banking health and transparency and reduce costs related to financial information circulation. Therefore, by using the descriptive-analytical method and library resources, the opportunities, threats, weaknesses and strengths of the implementation of the standard of transparency of the Islamic Financial Services Board within the banking system have been examined. Furthermore, the field-survey method and the distribution of a questionnaire using the multi-criteria decision modeling approach, were employed to rank the standard indicators of transparency and the public disclosure of financial statements information in terms of the "importance and impact of the index on the degree of transparency when implemented."

The research results showed, the indicators of financial disclosure information, the indicators of disclosure of corporate governance information and internal controls and the indicators of disclosure of risk identification and management information, are the most important. In addition, the indicators of disclosure of financial statement information, disclosure of important event information and disclosure of legal authority information, have the greatest impact on performance.

Keywords: *Transparency and Disclosure of Information; Banking System; Islamic Financial Services Board; Analytical Hierarchy Process*

Assessing the Efficiency of Comprehensive Public Universities in Iran Using Parametric and Non-Parametric Approaches

Shahrbano Khoshkab

The aim of this study was to evaluate the educational and research efficiency of 27 public universities in Iran in the academic years 2014-2015 and 2015-2016. This was done using non-parametric methods of data envelopment analysis and parametric random border analysis for the input variables (number of incoming students, number of faculty members, number of staff and budget) and output variables (specific income, number of students studying, number of graduates and conference papers). Such information was extracted from the budget bill, statistics and documents belonging to the Institute of Higher Education Research and Planning and the Islamic World Database website. The results indicated that there were inefficiencies in academic units and that the degree of these inefficiencies varied from university to university. In addition, there was an average increase in the efficiency of all comprehensive universities in 2016 compared to 2015. Furthermore, the data showed, while the average educational efficiency of selected universities has increased over time, the average research efficiency has decreased. The results of the data validity test obtained via the evaluation method of random border analysis indicated the heterogeneity of variance of the study data. The variance inflation test was conducted with the aim of investigating the problem of alignment between explanatory variables. The results showed, alignment between some explanatory variables, including faculty members and budget. In addition, the tensile effect of the estimated coefficients of some research inputs was not significant for the educational and research outputs of selected universities. Thus, universities should be efficient when making resource allocation decisions.

Keywords: *Efficiency Assessment; Teaching Efficiency; Research Efficiency; University Department; Data Envelopment Analysis; Panel Tobit Model*

Iranian Criminal Law's Supportive Approach to Victims of Acid Attacks (With Emphasis on the Law of Intensification of Punishment for Acid Attacks and the Protection of its Victims, Approved on 2019/10/13)

Hamid Rostaei Sadrabadi and Hadi Mersi

Acid attacks are crimes committed against the whole physical integrity of individuals, which due to their very violent and horrific nature and the harmful consequences that result from them, cause irreparable physical and psychological damage to the victim. Therefore, in addition to the formal and substantive laws and regulations that have been generally enacted to protect victims, in order to support these victims, it is necessary to enact special laws, regulations and procedures, depending on the specific circumstances of the victims.

Thus, the Iranian legislature, under the influence of the teachings of victimology and awareness of the special conditions of victims of acid attack, passed the "Law on Intensification of Punishment for Acid Attacks and Protection of Victims". In spite of the support provided to victims in this law, such as compensation for material and moral damages and payment of medical expenses, provision of psychological services, and assistance and rehabilitation, unfortunately, the legislature has failed to address issues such as, anticipation of the loss of possible employment benefits, the need to have a lawyer, aiding the role of NGOs in supporting victims of acid attacks, the need for electronic legal services, and etc.

The necessity of the present article, which is "descriptive-analytical", is providing novel support for victims of acid attacks, and its main purpose is to analyze innovations and extract the shortcomings of the rights of victims of acid attacks, and finally to provide suggestions for eliminating the shortcomings.

Keywords: *Acid Spraying; Victim; Compensation; Criminal Justice System*

The Necessity of a Strategic Review Regarding the Mens Rea for Smuggling Goods and Currency and Related Crimes

Mostafa Danesh and Abul-Fath Khaleghi

Nearly a century has passed since the crime of smuggling goods and currency was first defined, yet one of the fundamental ambiguities that overshadow condemnation of these crimes and the fate of many defendants, is the mens rea and the way it is interpreted. Despite the amendments to the Law of Combating Commodity and Currency Smuggling, there is still a disagreement in the judicial procedure as there is a difference of opinion in whether these illegal acts should be treated as crimes and offenses with or without criminal liability. This article, uses the descriptive-analytical method, refers to the background of regulations and some judicial opinions, and analyses different opinions in order to obtain a comprehensive differential model for predicting the mens rea of such crimes. Findings showed that, by adopting a differential strategic approach to crimes related to the smuggling of goods and currency, by including the conditions required to obtain a mens rea, and by strengthening legal texts, it is possible to overcome the problem of extreme criminalization in these crimes and achieve a fair verdict for defendants.

Keywords: *Smuggling of Goods and Currency; Mens Rea; Absolute Criminal Responsibility; Strict Liability Crime*

The Relationship between the Viewing of National Media Channels, IRIB and the Components of the Political Culture of Students in Tehran University

Ebrahim Fathi, Mohsen Shakerinejad and Majid Bagheri

The political participation of citizens depends on various factors, including their political culture. The components of citizen political culture, including their values, beliefs, feelings, and political knowledge, are formed during the process of socialization. Today, the media, along with family, peer groups, and the education system, is one of the most important factors in socialization. In this regard, this study was conducted to investigate the relationship between those who observe IRIB, which are a number of government-backed TV channels, and the components of the political culture of students in Tehran universities. For this purpose, 400 students were selected by stratified random sampling. The statistical method used in this study was multivariate regression and path analysis. The results show that there is a direct correlation between those who view IRIB channels and the political culture of students; in other words, students who view such TV channels more, have more of an active political culture (more participatory). In addition, there is a significant relationship between viewing government-backed channels and the values, beliefs and political feelings of students of Tehran universities, but there is no significant relationship between the viewing of such channels and the political knowledge of students.

Keywords: *IRIB; Political Science; Political Values; Political Beliefs; Political Emotions*

categories: organizational factors (organizational culture, organizational policy, organizational capability), environmental factors (supportive mechanism, environmental infrastructure) and individual factors (demographic characteristics, personality traits). The results of this study portray, the indices of knowledge-based and expert manpower, government support policies and marketing and sales capabilities, are the most important factors affecting the success of knowledge-based companies. Therefore, based on the findings and results of the research, the necessary suggestions were presented.

Keywords: *Knowledge-Based Companies; Success Dimensions of Knowledge Companies; Meta-synthesis Method; Shannon's Entropy Method*

A Comprehensive Model for the Success of Knowledge-Based Companies: Explaining the Dimensions of the Success of Knowledge-Based Companies Using the Meta-Synthesis Method

Soheila Keshavarz, Noor Mohammad Yaghoubi and Adeleh Deghati

In the name of supporting Iranian goods, the Supreme Leader allocated specific titles to the years 2019, 2020, 2021. This was done in order to help create a production boom and tackle the consistent sanctions and high unemployment rates of young university graduates. Therefore the importance of and interest in knowledge-based companies has doubled. According to the Supreme Leader, the most fundamental foundation of a resistance-based economy is a knowledge-based economy as knowledge-based companies are the driving force behind the development of these economies. However, despite the remarkable effectiveness of knowledge-based companies, statistics show that most of these companies either disappear or remain small over time, and only a small number of them become larger companies.

Given the important role knowledge-based companies play in the economic growth of the country, it is necessary to conduct a comprehensive study on extracting the success factors of these companies. Therefore, the present study, which was conducted using a qualitative method (meta-combined approach), seeks to identify the success factors of knowledge-based companies and their classifications. Therefore, initially 479 articles were reviewed, of which 99 articles were used for final analysis. For data analysis, the coding method was used and 32 codes for recognition and validation were verified via the Cohen Kappa test using SPSS software version 22.

After obtaining the extracted indices using the hyper-combined qualitative method, Shannon's entropy method was employed to determine the weight of the indices. Findings showed, the success factors of knowledge-based companies can be divided into three general

Legislative Evaluation on the Subject of Government Transactions

Ayat Mulaee

One of the requirements of legislation is to write a clear and unambiguous document, as ambiguity in such documents will lead to fragmentation and conflicting procedures. To prevent such a situation from occurring, the legislator should avoid writing inconsistent and contradictory materials. A comparative look at the relationship between Articles (79) to (89) and Article (92) of the General Accounting Act, 1987, shows a mismatch between them. The present article discusses the relationship of these articles from the perspective of public law and uses the descriptive-analytical research method. Findings have shown that, firstly, the legislature has written Articles 79 to 89 correctly in the context of public law. Secondly, it seems that the text of Article 92 is based on the logic used in private law, as a result, the government is forced to apply this article based on the principles and rules of private law. Thirdly, it is not possible to logically apply two methods and rules at the same time for a single subject (government transactions), i.e. applying both private and public law, hence, the combination of these articles is highly controversial. Fourthly, the explicit issuance of a license to violate the law in Article (92) has prevented any deterrence of corruption in government transactions within the framework of the General Accounting Law.

Keywords: *Legislative Error; General Accounting Act; Public Law Contracts; Private Law Contracts; Government Transactions*

The States' Strict Liability Strategy: The Appropriate Way to Compensate Transnational Damages Caused by Covid-19

Siamak Karimi

The world is faced with a fundamental question after the spread of the Corona Virus (Covid-19) and that is, whether any state or government is responsible for offering compensation for the damages caused by this pandemic. There are various answers to this question, but since the exact cause of this disease has not yet been determined, it is not possible to give a definite answer. However, preliminary assessments show, the main cause of the outbreak is related to activities that fall under the category of "non-prohibited activities" in international law. This situation makes the tendency towards the concept of compensation for damages caused by not prohibited activities, the most desirable option in claiming compensation for transnational damages caused by Covid-19. The advantage of recourse to this concept is, there is no need to prove any international wrongdoing against the responsible state in order to claim damages. At present, the strategy governing the compensation regime of damages arising from not prohibited activities is based on the primary and original liability of the operator and the secondary and residual liability of state of origin. However, this article, while examining this strategy, concludes that in order to compensate ultra-hazardous not prohibited activities that lead to damages such as Covid-19, it is necessary to switch to the States' Strict Liability Strategy.

Keywords: *State's Strict Liability Strategy; Covid-19; Not-prohibited Activities; Operator; Transboundary Damage*

English Abstracts

Publisher: Majlis Research Center

Director in Charge: Negahdari, B.

Editor-in-Chief: Sobhani, H.

Managing Editor: Khoei, S. M.

Editorial Board:

Beygzade, E. (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

Esmaeili, M. (Professor, Faculty of Private and Islamic Law, University of Tehran)

Forozaandeh, L. (Associate Professor, Faculty of Management & Economics, Tarbiat Modares University)

Hosseini, S.M. (Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran)

Naderan, E. (Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Sadeghy Moghadam, M.H. (Professor, Faculty of Private and Islamic Law, University of Tehran)

Sadra, A.R (Professor, Faculty of Political Science, University of Tehran)

Shahani, A.R. (Professor, Faculty of Mechanical Engineering, K. N. Toosi University of Technology)

Sharifi, A.H. (Professor, Faculty of Philosophy, Imam Khomeini Education and Research Institute (RA))

Sobhani, H. (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

Editorial Advisory Board: Agah, V; Alidoust Ghahfarokhi, E; Amirhosseini, S.E; Arashpour, A; Bashir, H; Bayat, G; Dehghan Ghahfarokhi, A; Eyvazlou, H; Fakhr, H; Ghodsi, S.E; Jafari, H; Janipour, M; Mahdavi Zahed, M; Mahmoodpour, K; Majidi, S.M; Maleki, M.R; Markaz Malmiri, A; Meisamy, H; Mohebi, J; Naderi, N; Nili Ahmadabadi, M.R; Rostami, L; Sadeghi, A; Salehi, J; Salmanpour, A; Shahghasemi, E; Sharifi, M; Sobhani, H

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

Majlis Research Center:

No. 802, Southern of Niavaran Park, Pasdaran St. Tehran, Iran

Office: +9821-75183283

Fax: +9821-75183186

Subscription: +9821-75183149

nashr.majles.ir

mrcmag@majles.ir

rc.majles.ir

Editor: Atarodi, N.

English Editor: Mousavi Khalkhali, Z.

Layout: Jadidi, A.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.